

اشعار فرسان

زہر کھینچنا مانتے نام آور ہیں فرسنگی ابراہیم
اور آقا خاندان سالہا بہر حق ہیں

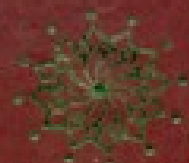
جلد ششم

نائل خان فریدی - یونیورسٹی پریس

پہلے نمبر

نیرنگ

دکتر محمد رضا خٹیبی



انجمن ترقی اردو، لاہور

۱۳۸۶

قدردانی و تشکر

برخود فرض می‌دانیم از تمامی بزرگوارانی که هر یک به گونه‌ای در تهیه و تدوین این مجموعه لطف و عنایت داشته و همکاری نموده‌اند قدردانی و تشکر شود:

- ۱- جناب آقای دکتر مهدی محقق، رئیس هیأت مدیره انجمن آثار و مفاخر فرهنگی که تحت اشراف ایشان تکمیل و به انجام رسیدن طرح تسریع یافت و ارشادات ایشان رهگشای تحقیق پژوهشگران بود.
- ۲- جناب آقای دکتر عبدالحسین نوایی که پژوهشگران تحت نظر معظم له توانستند از راه کارهای بهتری بهره‌مند شوند، صحت و سقم گردآورده‌های خود را به میزان وی محک بزنند و در این راه طولانی از صبوری و بردباری ایشان برخوردار باشند.

۳- جناب آقای دکتر محمدرضا نصیری قائم مقام انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

۴- جناب آقای جعفر ناطقی خزانه‌دار.

۵- پژوهشگران ذیل:

خانم مینا احمدیان

آقای محمدرضا اسحاقی جردوی

آقای علی درویشانی

آقای منوچهر دین پرست

خانم فهیمه سیفی نهاوندی

آقای حسین شکرآبی

آقای ولی‌الله محمدی

خانم شریقه مهدی‌پور

۶- خانم زیبا آقازاده قره‌گل مسؤول رایانه و حروف‌چین کتاب.

۷- بخش کتابخانه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

۸- بخش انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.



والله ولی التوفیق

حسین محدث‌زاده

مدیر امور علمی و اجرایی



مرکز تحقیقات کتب و پژوهش‌های اسلامی

فهرست منابع و مآخذ

سپاس خداوند بزرگ را که توفیق به ما ارزانی داشت که ششمین و آخرین مجلد از اثر آفرینان یا زندگینامه نام آوران فرهنگی ایران را به اهل فضل و دانش عرضه داریم امیدواریم که مورد قبول دانش پژوهان قرار گیرد.
- در این مجلد علاوه بر منابع و مآخذی که در پنج مجلد پیشین مورد استفاده بوده از کتابهای زیر نیز بهره گرفته شده است:

- ۱- آشنایی با مصححان و محققان، نادره جلالی، آینه میراث، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۹، ش ۱۰ و ۱۱.
- ۲- احوال و آثار و شرح مخزن الاسرار نظامی گنجوی، برات زنجانی، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۸، چاپ پنجم.
- ۳- اقبالنامه نظامی گنجوی، با حواشی و شرح لغات وحید دستگردی، تهران، ارمغان، ۱۳۱۷.
- ۴- تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران، سعید نفیسی، تهران، انتشارات بنیاد، ۱۳۶۴، چاپ پنجم، ۲ جلد.
- ۵- تاریخ حکماء الاسلام، ظهیرالدین بیهقی، مقدمه و تحقیق ممدوح حسن محمد، قاهره، مکتبه الثقافة الدینیة، ۱۴۱۷ ق.
- ۶- تاریخ الغیبة الصغری، محمد صدر، بیروت، دارالتعارف المطبوعات، ۱۴۰۰ ق، چاپ دوم.
- ۷- تحریر العقلاء، هادی نجم آبادی، سعی و اهتمام مرتضی نجم آبادی، تهران، بی نا، ۱۳۱۲.
- ۸- تحفه قدسی در علائم ظهور مهدی موعود (عج)، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، تصحیح محمد باقر بهبودی، تهران، اسلامیه.
- ۹- تحلیل اشعار ناصر خسرو، مهدی محقق، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۵۹.
- ۱۰- ترجمه تقویم التواریخ، حاجی خلیفه کاتب، چلبی، تصحیح میرهاشم محدث، تهران، احیاء کتاب، ۱۳۷۶، چاپ اول.
- ۱۱- تمرینهای ریاضیات مقدماتی، هندسه دواپر، محسن هشترودی، تهران، انتشارات یکان مجله ریاضیات، ۱۳۴۵، چاپ اول.
- ۱۲- حاج شیخ عباس قمی مرد تقوا و فضیلت، علی دوانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۶ ق.
- ۱۳- دانش گستر، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم پروفسور محسن هشترودی، امیر حسین آرین پور، به اهتمام امید قنبری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰.

- ۱۴- در سوگ پروفسور هشترودی، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم محسن هشترودی، حسن هنرمندی، به اهتمام امید قنبری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰.
- ۱۵- دنیای ما و دنیای آنها و روزی که مرا به جرم ضعف ریاضی از کلاس بیرون کردند! زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم پروفسور محسن هشترودی، به اهتمام امید قنبری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰.
- ۱۶- دکتر محسن هشترودی گام به گام و آرام با شعر معاصر، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی، مرحوم پروفسور محسن هشترودی، منوچهر آتشی، به اهتمام امید قنبری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰.
- ۱۷- دیوان اشعار مذهبی، ناظرزاده کرمانی، تهران، دانشگاه تهران، بی تا.
- ۱۸- دیوان وحشی بافقی، مقدمه سعید نفیسی، حواشی و تعلیقات م. درویش، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۷۴، چاپ ششم.
- ۱۹- رساله عشق و عقل، نجم الدین رازی، به اهتمام و تصحیح تقی تفضلی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵.
- ۲۰- روزنامه‌های شرف و شرافت، به کوشش مجید رهنما، تهران، سازمان خدمات اجتماعی، ۱۳۲۶ ق.
- ۲۱- زندگینامه استاد جلال الدین همایی، محمد خوانساری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹.
- ۲۲- زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد عبدالرحمان شرفکندی (هژار)، محمدرئوف مرادی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹.
- ۲۳- سالنامه تفرش، غلامرضا سحاب، بی جا، بی تا، ۱۳۷۷.
- ۲۴- سبعة حکیم نظامی گنجوی، با حواشی، تصحیح و شرح لغات وحید دستگردی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی علی اکبر علمی، ۱۳۶۳، چاپ دوم، ۳ جلد.
- ۲۵- سه حکیم مسلمان، حسین نصر، ترجمه احمد آرام، تبریز، کتابفروشی سروش با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۵.
- ۲۶- شرح مرادات حافظ، علی همدانی، پژوهش و تحقیق ایرج گل سرخی، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳، چاپ اول.
- ۲۷- کتابشناسی نظامی گنجوی، ابوالقاسم رادفر، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۱، چاپ اول.
- ۲۸- کلمة الامام المهدی، حسن شیرازی، بیروت، مؤسسه العرفاء، ۱۴۰۰ ق، چاپ اول.
- ۲۹- گاهشماری زندگی پروفسور محسن هشترودی، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم پروفسور محسن هشترودی، محمدابراهیم علائی، به اهتمام امید قنبری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰.
- ۳۰- گزیده انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، عباسعلی عمید زنجانی، تهران، نشر کتاب سیاسی وابسته به کتاب طوبی، ۱۳۷۲، چاپ اول.
- ۳۱- گنجینه گنجوی، وحید دستگردی، بی جا، بی تا، وزارت فرهنگ، ۱۳۱۸.
- ۳۲- مخزن الاسرار نظامی گنجوی، تهران، مطبعة ارمغان، ۱۳۱۳.
- ۳۳- مدرسه دارالفنون، اقبال یغمایی، تهران، انتشارات سروا، ۱۳۷۶، چاپ اول.
- ۳۴- مرآت الوقایع مظفری و یادداشت‌های ملک المورخین، عبدالحسین خان سپهر، تصحیح، توضیح و مقدمه عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات زرین، ۱۳۶۸، چاپ اول.
- ۳۵- همه چیز دانی، علم گرائی و هشترودی، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم پروفسور محسن هشترودی، هادی سودبخش، به اهتمام امید قنبری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰.
- ۳۶- هفت پیکر نظامی گنجوی، با حواشی و شرح لغات و تصحیح وحید دستگردی، تهران، مطبعة ارمغان، ۱۳۱۵.

(۶/۱۰۳۵-۱۰۳۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱/۵۶۱).

تقرب پادشاه قرار گرفت. وی در همان جا درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

تاریخ نظم و نثر (۵۵۰)، تحفه سامی (۲۸۲)، الذریعه (۱۱۴۹/۹)، ریحانه (۹۱/۶)، صبح گلشن (۴۹۰)، فرهنگ سخنوران (۹۰۷)، لغت نامه (ذیل/ نادری سمرقندی).

نادری کازرونی، میرزا ابراهیم / سید محمد ابراهیم، فرزند اسماعیل. (۱۱۷۵-۱۲۶۰ ق)، طبیب، عالم، صوفی و شاعر، متخلص به نادری. معروف به حاجی میرزا ابراهیم حکیمی. در کازرون به دنیا آمد. در جوانی برای ادامه تحصیل، از کازرون به شیراز رفت. حکمت طبیعی را نزد عمویش که در دوران زندیه حکیم باشی مشهوری بود، فراگرفت. وی بارها به همراه پدر خود برای تحصیل علوم متداوله به عتبات مسافرت کرد. در ۱۲۱۸ ق همراه محمد نبی خان شیرازی، نماینده سیاسی ایران در هندوستان، به آن کشور رفت و پس از چندی به ایران بازگشت. عاقبت در شیراز متوطن شد و به خدمت میرزا ابوالقاسم شیرازی، متخلص به سکوت، رسید و از همت آن جناب به درجات عالیّه توحید و معرفت دست یافت. وی در علوم عقلی و نقلی و فنون طب، هیئت، حساب و هندسه مهارت و در زمینه شعر نیز طبعی خوش داشت و قصاید و غزلیات و ترجیعات بسیاری دارد. به گفته صاحب «ریحانه الادب» وی با رضاقلی خان هدایت معاصر و معاشر بود. صاحب «حدیقه الشعراء» نام دو اثر نادری را به صورت «گلستان خیال» و «شرق الاشراف» ذکر کرده است. نادری در شیراز درگذشت. در سال مرگ وی اختلافاتی وجود دارد. از آثار وی: «گلستان خلیل»، «مشرق الاشراف»، «انفس و آفاق»، «منهج العشاق»، «شایق و مشتاق»، «چهل صباح»، «دیوان» شعر.

آثار عجم (۳۲۹-۳۲۸)، حدیقه الشعراء (۱۷۸۳-۱۷۸۵)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۵/۶۰۷-۶۱۰)، الذریعه (۱۱۴۹/۹، ۱۳/۲۳۰، ۱۸/۲۲۰، ۱۹/۲۹۵)، ریاض العارفین (۳۲۷-۳۲۰)، ریحانه (۶/۹۲)، شرح حال رجال (۶/۳)، فارسنامه ناصری (۲/۱۴۴۷)، فرهنگ سخنوران (۹۰۷)، گلزار جاویدان (۳/۱۵۸۲)، لغت نامه (ذیل/ نادری کازرونی)، مجمع الفصحاح (۶/۱۰۳۳-۱۰۳۴)، مرآت الفصحاح (۶۳۱-۶۳۲)، مصطفی خراب (۱۹۳)، مکالم الآثار (۵/۱۶۲۲)، هدیه العارفین (۱/۴۴).

نادری مازندرانی، سلیمان خان، فرزند محمد قاسم

نادر میرزای قاجار، فرزند بدیع الزمان میرزا. (ح ۱۲۴۳-۱۳۰۵/۱۳۰۳ ق)، نویسنده و شاعر. مکنی به ابو محمد. در استرآباد به دنیا آمد. نسبش به یک واسطه به فتحعلی شاه قاجار و به سه واسطه به نادر شاه می‌رسد. وی برای ادامه تحصیل به تبریز رفت و در آنجا تحت نظر معلمی از گرمرو با نام عبدالعلی، به کسب علم پرداخت و «صمدیه» شیخ بهاء الدین عاملی و «شرح الفیه» جلال الدین سیوطی را خواند. سپس نحو و لغت را در محضر یکی از فضلاء تبریز که فدوی تخلص داشت و اشعاری به زبانهای عربی و فارسی و ترکی می‌سرود، تلمذ کرد. او در ۱۲۶۳ ق وارد خدمت دیوانی شد و در خدمت مظفرالدین میرزا، ولیعهد، به امور مختلف مالی مشغول شد. نادر میرزا شعر می‌سرود و در چکامه سرایی نیز استاد بود. سرانجام در تبریز درگذشت. از آثار وی: «نوادیر نادری»، در امثال عرب؛ «اللسان فی اسماء اعضاء الانسان»؛ «تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز»؛ «نوادیر الامثال»، در ذکر امثال سائره عرب؛ «دیوان» شعر.

از صبا تا نیما (۱/۱۷۲-۱۸۲)، تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز (مقدمه/ مصحح/ سی و پنج - چهل و یک)، تذکره شمیرای آذربایجان (۲/۶۴۱-۶۴۲)، دانشمندان آذربایجان (۳۶۷-۳۶۸)، الذریعه (۱۸/۳۱۰)، شرح حال رجال (۴/۲۴۵-۲۴۶)، المآثر و الآثار (۱۹۷)، مکالم الآثار (۴/۱۱۸۴-۱۱۸۵).

نادره بانو، فرزند میر تقی. (س یازدهم ق)، نقاش. وی به همراه پدر خود به هند سفر کرد و فن تصویر را در آنجا فراگرفت. نادره بانو از شاگردان آقا رضا کاشانی بود و به سبک او نقش آفرینی می‌کرد. از آثارش: تصویر مرد روحانی مسیحی که کتابی به دست گرفته، با رقم: «بنده پادشاه سلیم عمل نادره بانو شاگرد رضا دختر میر تقی»؛ تصویر مرد مقدسی که مشغول مطالعه است، با رقم: «عمل نادره بانو بنت میر تقی شاگرد آقا رضا». احوال و آثار نقاشان (۳/۱۳۵۷).

نادری امیرالشعراء - امیرالشعراء نادری.

نادری سمرقندی، مولانا نادری. (وف ۹۶۶ ق)، شاعر. وی پدر فهمی سمرقندی و شاعری خوش ذوق بود. در عهد همایون شاه (۹۳۷-۹۶۳ ق) به هندوستان رفت و قصایدی در مدح او به نظم درآورد و از این طریق مورد

در سید اشرف لاهیجان به دنیا آمد و در جوانی به قصد سیر و سیاحت به هند رفت. در برهانپور به وسیله استاد خود، مولانا نظیری نیشابوری، به ملازمت میرزا عبدالرحیم خان، خان خانان، رسید و مدتی با هم در خدمت شاه به سر بردند و نادم قصایدی در مدح شاه گفت و صله و انعام زیادی به دست آورد. زمانی که جهانگیر پادشاه (۱۰۱۴-۱۰۳۷ ق) از مولانا نظیری خواست که به آگره بیاید، نادم نیز همراه او در ۱۰۱۹ ق به آگره رفت و ملازم شاهزاده خرم شد. تقی الدین اوحدی، در هند، نادم را با شماری از شعرا و ادبا از جمله: ملا شراری همدانی، امیر فقور گیلانی، تقیای معروف، تجلی کاشی دید که بسیاری از بزرگان در مجلسی جمع بودند و شعر می‌گفتند. فخرالزمانی قزوینی در ۱۰۲۰ ق نادم را در کشمیر دیده است که سی سال داشته و تعداد ابیاتی که تا آن زمان سروده بود به چهار هزار بیت می‌رسیده است. او سفرهایی به دکن، گجرات، اجمیر و بنگاله داشت. بعد از فوت مولانا نظیری (م ۱۰۲۰-۱۰۲۳ ق) نادم مرثیه‌ای برای وی گفت. میرزا محمد صادق مینا در ۱۰۳۱ ق نادم را که از بنگاله عازم ایران بود در پشته در منزل پدر خود دیده است. نادم در زمان شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ ق) به اصفهان رفت. نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) هزار بیت از اشعار وی را دیده است. نادم در اصفهان درگذشت و در تختگاه هارون ولایت به خاک سپرده شد. از آثار وی: «دیوان» شعر.

آتشکده آذر (۲/ ۸۵۵-۸۵۷)، تذکره روز روشن (۷۸۹-۷۹۰)، تذکره میخانه (۸۳۷-۸۴۰)، تذکره نصرآبادی (۲۴۰-۲۴۱)، الذریعه (۹/ ۱۱۵۰)، سرو آزاد (۵۶)، فرهنگ سخنوران (۹۰۸)، کاروان هند (۲/ ۱۳۹۹-۱۴۰۵)، کتاب گیلان (۲/ ۶۸۵)، لغت نامه (ذیل/ نادم لاهیجی)، مآثر رحیمی (۳/ ۱۲۶۹-۱۲۸۸)، نامها و نامدارهای گیلان (۵۷۷)، نتایج افکار (۷۱۹-۷۲۰).

نادم لاهیجی ← نادم گیلانی، عزیز شهسوار بیگ.

نازکی استرآبادی، مولانا نازکی. (س دهم ق)، شاعر. از نوادگان حافظ سعد و شاعری درویش مسلک بود. وی با مؤلف تذکره «تحفه سامی» (م ۹۷۴/۹۷۵ ق) معاصر بوده است. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

باغبان از گل حدیثی گفت در گلزار خویش
عارضش دید و پشیمان گشت از گفتار خویش
تحفه سامی (۲۷۹)، الذریعه (۹/ ۱۱۵۱)، شعرای

خان قوائلو. (وف ۱۲۷۲ ق)، شاعر. مادرش، بیگم جان خانم، دختر دوم فتحعلی شاه قاجار بود. وی مدتی حکمران اصفهان بود و بعدها معزول شد. نادری شعر را نیکو می‌سرود و از سبک مشتری خراسانی پیروی می‌کرد. از آثار وی: «دیوان» شعر، مشتمل بر دو هزار بیت قصیده و غزل.

حدیقه الشعراء (۳/ ۱۷۸۵-۱۷۸۹)، شعرای مازندران و گرگان (۳۱۸-۳۱۷).

نادری مروزی، مولانا نادری. (س نهم ق)، شاعر. اهل مرو و با امیر علیشیر نوایی (۸۴۴-۹۰۶ ق) معاصر و معاشر بود. در سرودن شعر طبعی خوش داشت. از اوست:
به سنگ نرم کن ای چرخ، استخوان مرا
مباد رخنه کنند تیغ دلستان مرا
الذریعه (۹/ ۱۱۴۹)، فرهنگ سخنوران (۹۰۷)، لغت نامه (ذیل/ نادری مروزی)، مجالس النفاث (۷۶، ۲۵۱).

نادری مشهدی. (س یازدهم ق)، شاعر. اهل مشهد بود. در ۱۰۰۰ ق در زمان اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ ق) به هند رفت. در سرودن شعر دارای طبعی خوش بود. مؤلف «کاروان هند» به نقل از «عرفات العاشقین» آورده که برخی او را گنابادی دانسته‌اند. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

بهشتی صورتی داری که گر رضوان گلی دارد
برای زینت آن گوشه دستار می‌آرد
الذریعه (۹/ ۱۱۴۹)، ریحانه (۶/ ۹۱)، صبح گلشن (۴۹۱)، فرهنگ سخنوران (۹۰۷)، کاروان هند (۲/ ۱۳۹۸)، هفت اقلیم (۲/ ۲۲۱-۲۲۲).

نادم جاجرمی، ملا محمد. (وف ۱۲۲۱/۱۲۲۲ ق)، شاعر. از شاعران مطایبه گو و هجوسرا بود که بعدها توبه کرد و به مداحی ائمه اطهار (ع) پرداخت. «دیوان» شعرش در حدود هشت هزار بیت است و شامل هجو و هزل و قصیده می‌باشد که گویند این «دیوان» به دست شاعری افتاد و او تخلص آن را تغییر داد و از آن خود کرد.
حدیقه الشعراء (۳/ ۱۷۸۹-۱۷۹۱)، الذریعه (۹/ ۱۱۵۰)، ریحانه (۶/ ۹۲)، فرهنگ سخنوران (۹۰۸)، لغت نامه (ذیل/ نادم جاجرمی)، مجمع الفصحا (۶/ ۱۰۴۰-۱۰۴۱).

نادم گیلانی، عزیز شهسوار بیگ. (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به نادم. نخست صدفی تخلص می‌کرد. وی

۱۳۳۷ ق به عراق رفت، مدتی در سامرا ماند، سپس به نجف رفت و از محضر آقا میرزا علی ایروانی و شیخ محمد تقی قمشهای و آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی استفاده نمود. آن گاه در پی معالجه چشم به هند رفت و از آنجا به آفریقای شرقی مسافرت نمود و پس از یکسال به نجف بازگشت و مجدداً به آفریقا مسافرت نمود. وی به دستور آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی عهده‌دار زعامت شیعیان آفریقا گردید و در جزیره ماداگاسکار سکونت گزید. در جنگ جهانی دوم به زنگبار رفت و مدت یکسال در مسجد قوه الاسلام آنجا اقامه جماعت نمود. پس از سفری به مکه به نجف بازگشت و در زمان آیت الله بروجردی برای بار سوم به آفریقا رفت و مدت دو سال در آنجا به تبلیغ و تألیف کتب دینی پرداخت. آن گاه به نجف بازگشت و در ۱۳۹۱ ق به همراه ایرانیان اخراجی از عراق در قم سکونت گزید. از آثارش: «بوستان اثنی عشری»؛ «بوستان اسلام»، در اخلاق به زبان گجراتی؛ «نور الهدایه»، در فقه به زبان گجراتی؛ «وسيلة الناشرة»، در اصول به زبان گجراتی؛ «کشکول الناشرة»، در لغت فارسی؛ «العشرات الناشرة»، در مواعظ؛ «ساختمان بشر»، در شرح حدیث «من عرف نفسه...»؛ «حدیقه عاطره» در مطالب دینی، اخلاقی و حکمی؛ «طلب الثار»، در احوال مختار یا ذکر تاریخ میثم.

آینه دانشوران (۴۸۵)، الذریعه (۱۵/ ۲۶۴، ۲۴/ ۳۸۵، ۲۵/ ۸۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/ ۶۵۲)، گنجینه دانشمندان (۲/ ۲۸۰-۲۸۱).

ناصر اصفهانی - ناصر تبریزی، میرزا عرب.

ناصر بروجردی - ناصر الممالک بروجردی.

ناصر تبریزی، میرزا عرب. (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به ناصر. اهل تبریز و ساکن عباس آباد اصفهان بود. وی پس از تحصیل مقدمات به تجارت پرداخت. ناصر شاعری خوش ذوق بود. صائب تبریزی او را ستوده و صد بیت از «دیوان» وی را تضمین کرده است. وی مدتی قبل از تألیف تذکره «نصرآبادی» (تألیف شده در ۱۰۸۳ ق) درگذشته است. نام ناصر تحت عنوان عزت و غیرت نیز ذکر شده است. از آثار وی: «دیوان» شعر. تذکره روز روشن (۷۹۰-۷۹۱)، تذکره نصرآبادی (۱۲۵)، دانشمندان آذربایجان (۳۶۹)، الذریعه (۹/ ۷۱۰، ۱۱۵۲)، سرو آزاد (۱۰۸-۱۰۹)، فرهنگ سخنوران (۹۰۹).

مازندران و گرگان (۳۱۹)، صبح گلشن (۴۹۲)، لغت نامه (ذیل/ نازکی استرآبادی).

نازکی تبریزی. (س نهم ق)، خطاط. اهل تبریز و مکتب‌دار بود. نازکی نستعلیق را خوش می‌نوشت و از هنرمندان خوشنویس کتابخانه بایسنقر میرزا به شمار می‌آمد.

احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۹۳۶)، مناقب هنروران (۵۶).

نازکی تبریزی، مولانا نازکی. (س دهم ق)، شاعر. به شغل تاج دوزی مشغول بود و به همین دلیل نازکی تاج دوز نیز به او می‌گفتند. وی با مؤلف تذکره «تحفه سامی» (م ۹۷۵/۹۷۴ ق) معاصر بود. اشعاری از وی در تذکرها ذکر شده است. از اوست:

داغ بر دست خود آن سیم بدن می‌سوزد
داغ او می‌نهد، اما دل من می‌سوزد
تحفه سامی (۲۶۲)، دانشمندان آذربایجان (۳۶۸)،
الذریعه (۹/ ۱۱۵۱)، صبح گلشن (۴۹۲)، فرهنگ
سخنوران (۹۰۹).

نازکی نهاوندی. (س دهم و یازدهم ق)، شاعر. در بدیهه سرایی استاد بود. وی با صادقی کتابدار (م ۱۰۱۶/ ۱۰۱۷ ق)، مؤلف «مجمع الخواص»، معاصر بوده است و صادقی می‌گوید که شخصیت و یک جلد کتاب تصنیف کرده، ولی یک بیت از آنها مشهور نشده است. از آثار وی: «دیوان» شعر.

تاریخ نظم و نثر (۵۳۵)، الذریعه (۹/ ۱۱۵۱)، مجمع الخواص (۳۰۲-۳۰۳).

ناصر ترک، مولانا عباس. (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به ناصر. در سلک طالبان علوم دینی بود و در سرودن شعر طبعی لطیف داشت و قصایدی نیز در مدح ائمه اطهار (ع) از او به جا مانده است. از آثار وی: «دیوان» شعر.

تذکره روز روشن (۷۹۰)، تذکره نصرآبادی (۵۴۱، ۱۹۱)،
الذریعه (۹/ ۶۸۱، ۱۱۵۲)، فرهنگ سخنوران (۹۰۹).

ناشر الاسلام شوشتری، سید محمد حسین، فرزند سید محمد بن سید نعمت الله موسوی. (۱۳۰۵-۱۳۹۱ ق)، عالم دینی. نسبش به امام موسی کاظم (ع) می‌رسد. در شوشتر به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و سطوح در

ناصر تهرانى، محمد على، فرزند محمد صادق اصفهانى. (۱۲۷۷-۱۳۶۵ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر. در تهران به دنیا آمد. پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه به تحصیل علوم قدیمه پرداخت و صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع، منطق، فقه، اصول و دوره‌ای از حکمت را نزد اساتیدی چون سید منصور، وحید دستگردی، میرزا رضاخان نایینی، حبیب الله مظفری و میرزا ابوالحسن شعرانی آموخت. وی با دو زبان عربی و فرانسه نیز آشنایی داشت. او در ۱۳۰۰ ش به استخدام فرهنگ درآمد و به عنوان دبیر دبیرستانها به خدمت اشتغال ورزید و به علت خدمات فرهنگی به دریافت نشان درجه اول علمی نایل گردید. وی از اعضای انجمن ادبی ایران بود و تا پایان عمر ریاست آن را بر عهده داشت. لازم به ذکر است که مصلح‌الدین مهدوی صاحب تذکره «شعراى معاصر اصفهان» مولد صاحب عنوان را اصفهان دانسته است. از آثار وی: «اندرز ابن سعید»، ترجمه؛ «سیره جلال‌الدین یا تاریخ جلالی»، ترجمه؛ «زندگانی صلاح‌الدین ایوبی»، ترجمه؛ تصحیح و تحشیه و مقدمه «دیوان» ابوالفرج رونی؛ شرح «بوستان» سعدی؛ رساله‌ای در «شرح حال خاقانی»؛ رساله‌ای در «شرح حال صاحب بن عباد اصفهانى»؛ «دیوان» شعر.

تذکره شعراى معاصر اصفهان (۴۹۴-۴۹۶)، الذریعه (۹/ ۱۱۵۲-۱۱۵۳)، سخنوران نامی (۲/ ۴۴۵-۴۳۷)، سخنوران نامی معاصر (۶/ ۳۵۵۹-۳۵۶۴)، فرهنگ سخنوران (۹۰۹-۹۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۳۵۳، ۸۶۶، ۱۴۹۸، ۱۴۹۹، ۱۵۸۰)، کیهان فرهنگی (۳ ش، ۶ ص، ۵۷-۵۸)، گلزار جاویدان (۳/ ۱۲۸۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۴۲۷-۴۲۸).

ناصر شیرازی، محمد علی سلطان‌الکتاب. (ز ۱۰۶۴ ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن نیم ربعی، جلد روغنی، نسخ کتابت خفی خوش، با رقم: «فرغ من تحریر هذا المصحف المجید فی شهر شعبان المعظم سنة ستین و اربع بعد الالف، کتبه العبد المذنب الراجی المتخلص بناصر الشیرازی در دارالسلطنة اصفهان مرقوم قلم شکسته رقم گردید. ختم کتابت قرآن چهارم». احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۲۲۱).

ناصر الممالک بروجردی، اسماعیل، فرزند میرزا محمد حسین. (۱۲۴۸-۱۳۱۰ ش)، مؤسس و شاعر، متخلص به حیرت. ملقب به ناصر الممالک. در بروجرد به دنیا آمد. در شانزده سالگی همراه پدر به مکه و پس از آن به

گنجه رفت و چند سال در آنجا ماند. سپس به ایران بازگشت و به خدمت فرهنگ درآمد و در ۱۲۸۲ ش کودکانستانی تأسیس نمود. او سرانجام در تهران درگذشت و در امامزاده حمزه دفن گردید. از آثارش: «نصایح الاطفال»؛ «دیوان» شعر.

چهار صد شاعر برگزیده پارسى گوی (۱۱۲۶)، الذریعه (۲۴/ ۱۶۸)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/ ۳۲۷۷)، گلزار جاویدان (۳/ ۱۵۸۶)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۶۱۵-۶۱۶).

ناصر ناطق تبریزی - ناطق تبریزی.

ناصر نیشابوری، ابوبکر محمد بن عبدالله بن حسین. (وف ۴۸۴/۴۸۵ ق)، فقیه حنفی، محدث، متکلم و قاضی. وی قاضی القضاة ری بود و به اعتزال گرایش داشت. از قاضی ابوبکر حیری و ابوسعید صیرفی و ابوابراهیم اسماعیل نصرآبادی و جماعتی دیگر حدیث شنید. در بغداد و خراسان حدیث گفت. محمد بن عبدالواحد دقاق و عبدالوهاب انماطی و ابوالقاسم سمرقندی و ابوبکر بن زاغولی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. عبدالغافر در «تاریخ» خود گوید که وی فرزند امام الاسلام ابومحمد ناصحی بود. او برترین حنفی زمان خود و در مناظره سرآمد و در طب، ادب و شعر متبحر بود. وی در زمان پدرش در مدرسه سلطان تدریس می‌کرد و در عهد آلب ارسلان سلجوقی عهده‌دار قضاوت نیشابور شد و مدت ده سال در آنجا باقی ماند. او پیرامون مسائلی با امام الحرمین گفتگو کرد و مورد ستایش وی قرار گرفت. ناصحی مدتی عهده‌دار منصب قضاوت ری شد. در بازگشت از حج در نزدیکی اصفهان درگذشت.

الاعلام (۷/ ۱۰۳)، ری باستان (۲/ ۳۷۱-۳۷۰)، سیر النبلاء (۱۹/ ۱۹-۲۰)، شذرات الذهب (۳/ ۳۷۲)، المعبر (۲/ ۳۴۸)، الکامل (۸/ ۱۶۰)، المنتظم (۹/ ۶۳۹)، الوافی بالوفیات (۳/ ۳۳۸).

ناصر اصفهانى، میرزا محمد گلکار. (وف بعد از ۱۲۲۰ ق)، صوفی و شاعر. ملقب به درویش ناصر علی و ناصر علیشاه. معروف به درویش مطلق. اصلش از اصفهان بود. در ابتدای کار از ملازمان کریم خان زند بود. تربیتش نزد مشتاق علیشاه (م ۱۲۰۶ ق) صورت گرفت و از مریدان و معجزوبان نور علیشاه (م ۱۲۱۲ ق) بود. در اصفهان درگذشت و در جوار فیض علیشاه در تخت فولاد اصفهان دفن شد. به آورده «طرائق الحقائق» از قول «بستان

زمان عبدالعزیز خان حاکم بخارا، منصب قضاوت داشت و از معاصران نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) بود. وی فنون شعر و شاعری را به خوبی می‌دانست و در آن مهارت داشت. اشعاری از وی در تذکرها آمده است. از اوست:

قضا گویا رقم زد سرنوشت را ز نادانی
که همچون شانه طی شد روزگارم در پریشانی
تذکره نصرآبادی (۴۳۲-۴۳۳)، الذریعه (۹/)
۱۱۵۳-۱۱۵۴، صبح گلشن (۴۹۴)، فرهنگ سخنوران
(۹۱۰).

ناصر بخاری ← ناصر بخارایی، درویش ناصر.

ناصر ترک یزدی، محمد حسین، فرزند میرزا عباس. (۱۲۷۴-۱۳۵۶ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به ناصر. وی نواده میرزا علی اکبر ترک، از دودمان جوانشیر و از مهاجران قفقاز بود. در یزد به دنیا آمد و در همان شهر به کسب دانش پرداخت و علوم فارسی و عربی را فراگرفت و از کودکی به نظم شعر پرداخت. وی در بیست سالگی به علت نامعلومی از نعمت بینایی محروم گردید و به همین دلیل اغلب اشعار خود را حفظ می‌کرد. او در ۱۳۲۸ ش روزنامه «ناصر» را در یزد تأسیس و منتشر کرد. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.

تذکره سخنوران یزد (۷۵۰-۷۵۷)، الذریعه (۹/ ۱۱۵۸)،
سخنوران نامی معاصر (۶/ ۳۵۶۵-۳۵۶۹)، فرهنگ
سخنوران (۹۱۲-۹۱۳).

ناصر حسین، فرزند سید حامد حسین موسوی هندی نیشابوری. (۱۲۸۴-۱۳۶۱ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، محدث، رجالی و شاعر. ملقب به شمس العلماء. تحصیلات خود را در نجف گذراند و از محضر پدرش و مفتی سید محمد عباس استفاده نمود. او از سید محمد عباس روایت کرده و جماعتی از وی روایت کرده‌اند. آن‌گاه به لکهنو هند رفت و در آنجا اقامت گزید. وی از علمای امامی بزرگ هندوستان و مفتی و مرجع تقلید مردم آن جا بود. زعیم بزرگ هند، ابوالکلام آزاد، از شاگردان او بود و دو سال «نهج البلاغه» را نزد وی قرائت کرد و از اینجا بود که آزاد با روح اصول تشیع آشنا گشت. در لکهنو درگذشت. از آثارش: «اثبات رد الشمس لامیرالمؤمنین (ع) و دفع ما آورد علیه من الشبهات»؛ «تتمیم» «عقبات الانوار» پدرش؛ «المواعظ»؛ «نفحات الازهار»، در فضایل ائمه اطهار (ع)؛ «نفحات الانس فی وجوب السورة»؛ «مسند فاطمة بنت الحسین (ع)»؛ «اسبغ النائل بتحقیق المسائل»، در نه

السیاحه» و «اصول الفصول»، ناصر علی‌شاه یا افضل شاه هندی مباحله نمود و افضل شاه از دنیا رفت. در «حديقة الشعراء» آمده که ناصر بعد از ۱۲۲۰ ق درگذشت. اشعاری از وی در تذکرها آمده است. از اوست:

خراباتی که رندان را مقام است
برو صوفی که خامان را حرام است
تذکره القبور (۳۳۶)، حديقة الشعراء (۲/ ۱۰۴۶)، الذریعه (۹/ ۱۱۵۳)، ریاض المارفين (۳۳۷)، ریحانه (۵/ ۱۱۵-۱۱۶)، طرائق الحقائق (۳/ ۱۹۶-۱۹۷)، گلزار جابیدان (۳/ ۱۵۸۸)، لغت نامه (ذیل/ ناصر اصفهانی).

ناصر بخارایی، درویش ناصر. (وف ۷۷۳/۷۷۹ ق)، خطاط، صوفی و شاعر. معروف به شاه خواجه ناصر. در بخارا به دنیا آمد. از معاصران شاه شجاع از آل مظفر (۷۶۰-۷۸۶ ق) بود. دوران جوانی را در ماوراءالنهر گذراند و از مشایخ آنجا کسب فیض کرد. سپس به سیاحت پرداخت، بعد از مدتی به بغداد رفت و به دربار سلطان اویس بن شیخ حسن ایلکانی (۷۵۷-۷۷۶ ق) راه یافت و در ملازمت شاه قرار گرفت. گویند مدتی در بغداد اقامت گزید و بین او و سلمان ساوجی ملاقات و مشاعره صورت گرفت. ناصر پس از چندی از ملازمت شاه استعفا داد و به سیر و سلوک پرداخت. با شیخ نورالدین عبدالرحمن اسفراینی ملاقات کرد و در سلک درویشان و صوفیان درآمد. وی بعد از گرفتن اجازه ارشاد به جانب حجاز رفت و مشهور است که به خدمت علاءالدوله سمنانی هم رسید و سؤالاتی از وی نمود و جوابهایی کسب کرد. او در قصیده و غزل استاد بود و قصیده را به شیوه گویندگان قرن ششم و هفتم می‌سرود. غزلهای او لطیف و پر از مضمونهای تازه، بکر و دارای الفاظی منتخب و فصیح است. ناصر در هنر خط نیز مهارت داشت. از آثار وی: «دیوان» شعر، در حدود چهار هزار بیت؛ مؤلف «تاریخ نظم و نثر» و «الذریعه»، مثنوی «هدایت نامه» را نیز از آن او می‌دانند.

تاریخ ادبیات در ایران (۳/ ۹۹۵-۱۰۰۳)، تاریخ نظم و نثر (۲۰۹)، تذکره روز روشن (۷۹۱-۷۹۲)، تذکره الشعراء (۳۰۳-۳۰۶)، دایرة المعارف فارسی (۲/ ۲۹۹۲)، الذریعه (۹/ ۱۱۵۳، ۲۵/ ۱۹۸)، ریاض المارفين (۱۵۵)، ریحانه (۶/ ۹۷-۹۶)، فرهنگ سخنوران (۹۱۰)، لغت نامه (ذیل/ ناصر بخارایی)، مرآة الخیال (۵۶)، هفت اقلیم (۳/ ۴۳۰-۴۳۲).

ناصر بخارایی، قاضی ناصر. (س یازدهم ق)، شاعر. در

همین سال بار سفر حج بست و با برادر و غلام هندی خود روانه حجاز شد. این مسافرت هفت سال طول کشید. در این سفر چهار بار حج کرد و شمال شرقی و غربی و جنوب غربی و مرکز ایران و ممالک و بلاد ارمنستان، آسیای صغیر، حلب، طرابلس، شام، سوریه، فلسطین، جزیره العرب، مصر، قیروان، نوبه و سودان را سیاحت کرد. توقف وی در مصر سه سال طول کشید و در این مدت با مبلغان مذهب فاطمی آشنا گشت و نفوذ سخن آنان به خصوص المؤید داعی الدعاة شیرازی و آمادگی روحی خود ناصر خسرو موجب گرویدن او به مذهب اسماعیلی شد. بعد به خدمت المستنصر بالله ابوتیمم معد بن علی (۴۲۷-۴۸۷ ق) رسید و بعد از طی مراحل و مدارج، مرتبه حجیت یافت و از طرف امام فاطمیان به مقام حجیت جزیره خراسان انتخاب و مأمور نشر مذهب اسماعیلی و ریاست باطنیه آن سامان گردید. در شرح حال ناصر خسرو، در کتاب «شرح سی قصیده» که به اهتمام دکتر مهدی محقق انتشار یافته و همچنین در اولین پیوست «تحلیل اشعار ناصر خسرو» آمده است: در معرّه النعمان با شاعر و فیلسوف نابینای عرب، ابوالعلاء معری، که متهم به الحاد و زندقه بود ملاقات کرد و در سمعان در محضر درس علی نسایی حاضر شد. وی همچنین در تبریز با قطران تبریزی و در قاین با ابومنصور محمد بن دوست ملاقات کرد. عاقبت به تهمت بد دینی و الحاد و نیز قرمطی و رافضی بودن، مجبور به ترک وطن شد. بعد از سالها سرگردانی در مازندران و نیشابور و بلخ عاقبت در حدود شصت یا شصت و سه سالگی، بین ۴۵۳ تا ۴۵۶ ق و به گفته بعضی در ۴۶۱ ق به یمکان از اعمال بدخشان رفت و به نشر دعوت و ابلاغ رسالت خود پرداخت. وی به زبان عربی نیز شعر می سرود و از قصیده سرایان درجه اول زبان فارسی ایران بود. از خصوصیات برجسته شعر ناصر خسرو این است که هرگز «دیوان» خویش را به مدح شاهان و امیران معاصر خویش نیالوده و آنچه را ستوده و در شعر خود آورده، همه چیزهایی است که وی از نظر اجتماعی و مذهبی به آنها ایمان داشته است. او در یمکان درگذشت و همانجا به خاک سپرده شد. در مورد سال مرگ وی اختلافاتی وجود دارد. به آورده صاحب «سخن و سخنوران»، مؤلف کتاب «بیان الادیان»، ناصر خسرو را معاصر خود می داند که قبل از تألیف آن کتاب (۴۸۵ ق) وفات یافته است. آثار منسوب به وی: «سر الاسرار»، در تسخیر کواکب و «اکسیر اعظم»، در منطق و «قانون اعظم»، در علوم غریبه، «سعادت نامه»، سیصد بیت، در پند و حکمت، «روشنایی نامه»، «کنز الحقایق»، «تفسیر قرآن»؛

مجلد: «کتاب الانشاء»؛ «دیوان الخطب»؛ «دیوان» شعر. اعیان الشیعه (۱۰/ ۲۰۰-۲۰۱)، الذریعه (۹/ ۱۱۵۴، ۲۴/ ۲۴۶)، ریحانه (۶/ ۹۸-۹۷)، فوائد الرضویه (۹۲)، هدیه الاحباب (۱۷۷).

ناصر خسرو قبادیانی بلخی مروزی، ابومعین ناصر بن خسرو. (۳۹۴-۴۸۱/۴۸۵ ق)، فیلسوف، متکلم، نویسنده، واعظ و شاعر، متخلص و ملقب به حجیت. در قبادیان از نواحی بلخ به دنیا آمد. از آنرو که اشعارش حاوی پند، اندرز و مطالب حکمت آمیز بود موصوف به حکیم، حکیم ناصر و سید الحکما گشت. همچنین نسبت مروزی که شاعر در «سفرنامه» خویش به آن اشاره کرده است، به سبب اقامت وی در مرو بوده که گویا مدتی در آنجا شغل دیوانی داشته است. به آورده دکتر صفا در «تاریخ ادبیات در ایران»، شهرت علوی برای ناصر خسرو مأخذ درستی ندارد و گویا ناشی از سرگذشت معجولی است که برای او نوشته اند و به او نسبت داده اند که به پنج واسطه به امام علی بن موسی الرضا (ع) می رسد، و یا شاید به سبب علاقه شدید او به آل علی (ع) و اظهار این علاقه در آثار خود، یک نسبت روحانی و معنوی برای او پیدا و مشهور شده باشد و یا اینکه او را با اشخاص دیگری از قبیل سید محمد ناصر علوی قرن ششم اشتباه کرده باشند. ناصر خسرو از خاندان اعیان و اشراف بلخ بود که ثروت و املاک زیادی داشتند. در قبادیان بلخ به دنیا آمد. از کودکی به کسب علوم و آداب اسلامی پرداخت. حافظ قرآن بود و در تمام علوم متداول زمان خود از معقول و منقول و بویژه علوم اوایل و حکمت یونان تسلط داشت. علم کلام و حکمت الهی را به خوبی می دانست. او در ادیان مختلف تتبع می کرد و گفته شده که مشکلات تورات و انجیل را به فضیلت یهود و نصاری تفهیم می نمود. در جوانی به دربار سلاطین و امرایی چون سلطان محمود و سلطان مسعود غزنوی و سلاجقه راه یافت و به مرتبه دبیری رسید. او در اعمال و اموال سلطانی تصرف داشت و به کارهای دیوانی مشغول بود و عنوان ادیب و دبیر فاضل گرفت و شاه وی را خواجه خطیر خطاب می کرد. به آورده «ریحانة الادب» و «تذکره الشعراء»، ناصر خسرو با شیخ ابوالحسن خرقانی (م ۴۲۵ ق) معاصر و معاشر بود و فنون طریقت را نزد وی فراگرفت و به تهذیب باطن و سیر و سلوک پرداخت. ناصر خسرو بعد از تصرف بلخ به دست سلاجقه در ۴۳۲ ق به مرو که تحت حکومت ابوسلیمان جعفری بیگ داوود بود، رفت. وی پس از طی مقامات، در اندیشه یافتن حقیقت و پس از خوابی که در ۴۳۷ ق دیده بود، به سفر پرداخت. در

معزول کرد و وزارت را به میرزا آقا خان نوری داد و حکم قتل امیرکبیر را صادر نمود. در ۱۳۰۹ ق با مقاومت مردم و علما در قضیه امتیاز تنباکو، آن امتیاز را به ناچار لغو کرد. اولین مدرسه تصویر سازی در این دوره ایجاد شد. وی دارای ذوق نقاشی و قریحه شاعری بود و در ذیل صورتها و تصاویری که از درباریان و کنیزان و غیره می کشید، چنین امضا می کرد: «مشقه العبد الفقیر ناصرالدین شاه قاجار». ناصرالدین شاه از شاگردان کمال الملک بود. سرانجام در حضرت عبدالعظیم با تیر تپانچه میرزا رضای کرمانی، مقتول و در همان جا دفن شد. از آثار وی: «روزنامه سفر دوم انگلستان»؛ «سفرنامه به فرنگ»؛ «فرمان شاه ایران»؛ «دیوان» شعر؛ از نقاشیهای او: منظره فضای دشت و دمنی، با رقم: «نقاشی خود را به امین السلطان مرحمت فرمودیم ۱۲۸۰»؛ دورنمای خیالی کوه و جنگل و رودخانه و مار، در آبرنگ، با رقم: «روز چهارشنبه بیست و هفتم شهر رجب المرجب سنه ۱۲۸۳ پارس ثیل در جاجرود مشق شد»؛ اثر خطی وی: یک قطعه به خط نستعلیق و سیاه مشق و شکسته که با تذهیب فوق العاده ای زینت یافته است، با رقم: «مشقه غلام حیدر کرار و محب هشت و چهار، ناصرالدین شاه قاجار».

احوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۳۵۸-۱۳۶۲)، اعیان الشیعه (۳/ ۱۲۰-۱۲۲)، تاریخ در ایران (۱۵۶-۱۵۷)، چهل سال تاریخ ایران (۱/ ۳۳-۳۶)، حدیقه الشعراء (۳/ ۱۷۹۲-۱۸۰۴)، دایرة المعارف فارسی (۲/ ۲۹۹۲)، الذریعه (۹/ ۱۱۵۵-۱۱۵۶)، ریسمانه (۶/ ۱۰۷-۱۰۹)، شخصیت های نامی (۲/ ۴۷۲-۴۷۳)، شرح حال رجال (۴/ ۲۴۶-۳۲۹)، صبح گلشن (۴۹۵-۴۹۶)، فرهنگ سخنوران (۹۱۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۸۳۸-۱۵۰۰)، ۱۷۷۲/۲، ۱۹۹۲-۱۹۹۳، ۱۹۹۸، ۲۴۰۸، لغت نامه (ذیل) ناصرالدین شاه قاجار، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۵۲۹-۵۳۱)، پنما (س ۵، ش ۴، ص ۲۰۷-۲۱۱).

ناصرالدین علی. (ز ۹۰۸ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «بهارستان» جامی، به قلم کتابت عالی، با رقم: «ناصرالدین علی سنه ۹۰۸»؛ یک قطعه از مرقعی، به قلم سه دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «کتابه ناصرالدین علی بیلده بخارا». احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۹۳۷).

ناصرالسلطنه تبریزی، نصرالله دیبا، فرزند میرزا سید رفیع نظام العلمای طباطبایی. (۱۲۴۰-ج ۱۳۱۲ ق)، خطاط. ملقب به دبیر السلطنه و ناصر السلطنه. وی مدتها

«دستور اعظم» از آثار وی: «زاد المسافرین» یا «زاد المسافر»، در کلام؛ «وجه دین»؛ «جامع الحکمتین»؛ «خوان الاخوان»؛ «گشایش و رهایش»؛ «سفرنامه»؛ «بستان العقول»؛ «دلیل المتحیرین»؛ «لسان العالم»؛ «دیوان» شعر.

آتشکده آذر (۳/ ۱۰۰۹-۱۰۳۲)، اعیان الشیعه (۱۰/ ۲۰۲-۲۰۴)، با کاروان حله (۸۵-۱۰۱)، بهشت سخن (۱۹۳-۲۲۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۱/ صفحات متعدد)، ۲/ ۴۶۹-۴۴۳، ۸۹۸-۸۹۳، تاریخ ادبی ایران (۱/ ۱۳۳، ۴۰۶، ۴۴۱، ۵۷۸، ۵۸۰-۵۸۱)، تاریخ گزیده (۷۵۲)، تاریخ نظم و نثر (۵۸-۶۰)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه (۱۶۹، ۲۴۸-۲۵۱)، تحلیل اشعار ناصر خسرو، تذکره الشعراء (۶۹-۷۳)، تقویم التواریخ (۹۳)، چشمه روشن (۷۶-۹۰)، حبیه در ادب فارسی (صفحات متعدد)، حبیب السیر (۲/ ۴۵۶-۴۵۷)، دایرة المعارف فارسی (۲/ ۲۹۹۲-۲۹۹۳)، دویت سخنور (۱۷-۴۲)، الذریعه (۹/ ۱۱۵۴)، ۱۹۰-۱۹۱، ۱۸/ ۱۰۸، روضات الجنات (۸/ ۱۲۹-۱۵۰)، ریاض العارفین (۲۳۲-۲۳۴)، ریحانه (۶/ ۱۰۰-۱۰۳)، سبک شناسی (۲/ ۵۲، ۱۵۳)، ۱۵۵-۱۵۸، سخن و سخنوران (۱۵۴-۱۹۸)، شرح سی قصیده (۷-۱۷)، شعر فارسی از آغاز تا امروز (۸۳-۸۷)، صبح گلشن (۱۱۸-۱۱۹)، صد شاعر برگزیده پارسی گوی (۱۰۴۸-۱۰۵۴)، طرائق الحقائق (۲/ ۵۵۶-۵۵۷)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۹۷-۴۹۹)، فرهنگ سخنوران (۹۱۱-۹۱۲)، کارنامه بزرگان (۱۲۷-۱۲۸)، کتابشناسی حکیم ناصر خسرو قبادیانی، کشف الظنون (۱۴۳، ۹۹۰، ۹۹۱)، گنج و گنجینه (۵۶۷-۵۷۵)، لغت نامه (ذیل) ناصر خسرو، مجالس التفائس (۲۴۸-۳۴۹)، مجمع الفصحاء (۳/ ۱۳۵۹-۱۴۰۵)، مرآت الخیال (۲۷-۲۸)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۵۰۳-۵۰۸)، هدیه العارفین (۱/ ۴۸۷)، هزار سال شعر فارسی (۶۴-۷۰)، هفت اقلیم (۲/ ۳۴۸-۳۵۸)، هفت گنج کومش (۱۳۰-۱۳۳)، پنما (س ۱۱، ش ۱، ص ۱۹-۲۳).

ناصرالدین شاه قاجار، فرزند محمد شاه. (۱۲۴۷-مقتول ۱۳۱۳ ق)، نقاش، خطاط، نویسنده و شاعر، متخلص به ناصر. مکنی به ابوالمظفر. در تبریز به دنیا آمد. هنگام وفات پدر، در ۱۲۶۴ ق، در آذربایجان به سلطنت نشست و به اهتمام میرزا محمد تقی خان امیرکبیر به تهران آمد و با کمک وی به دفع سرکشان و دفع اغتشاشات پرداخت. او سید علی محمد باب را در تبریز کشت و بایه را منکوب نمود. چندی بعد امیرکبیر را

و پس از برکناری صفوة‌الدین پادشاه خاتون (۶۹۴-۶۰۱ ق)، از کار برکنار شد و در ۷۰۳ ق در ایام پادشاهی ناصرالدین شاه محمد بن برهان، وی شغل دیوانی خود را از سر گرفت. در ۷۱۵ ق به خدمت ایسن قتلغ نویان از امرای بزرگ اولجایتو و ابوسعید بهادر پیوست و از آن پس به خدمت وزرای ایلخانان درآمد. ناصرالدین را می‌توان پیشرو نویسندگانی دانست که به تصنع در سخن و به کار بردن انواع تزیینات در آن مشتاق بودند. از آثار وی: «سمط العلی للحضرة العلیا»، در تاریخ سلاطین قراختایی کرمان که در ۷۱۵ یا ۷۱۶ ق تألیف و در ۷۲۰ ق تتمه‌ای بر آن افزوده شد؛ «نسائم الاسحار من لطائف الاخبار»، در تاریخ وزرا، که از وزرای خلفای راشدین شروع و تا وزارت تاج‌الدین علیشاه (م ۷۲۴ ق) ادامه پیدا کرده است که به آورده صاحب «تاریخ ادبیات در ایران» مؤلف این کتاب به صراحت معلوم نیست؛ «درة الاخبار و لمعة الانوار»، ترجمه «اتمه صوان الحکمة» ابوالحسن علی بن زید بیهقی که ناصر منشی آن را به نام خواجه غیاث الدین وزیر در ۷۲۹ تا ۷۳۰ ق از عربی به فارسی درآورد.

تاریخ ادبیات در ایران (۳/ ۱۲۳۶-۱۲۴۰)، تاریخ مغول (۵۱۹-۵۲۰)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۹)، حبیب السیر (۳/ ۲۶۹)، ترجمه تنم صوان الحکمة (مقدمه / ی - یب)، کشف الظنون (۱۰۰۲)، نسائم الاسحار من لطائف الاخبار (مقدمه / الف - یز).

ناصر نسوی، خواجه ناصرالدین بن قطب الدین سرخسی. (س پنجم و ششم ق)، شاعر. از مداحان سلطان محمد بن محمود سلجوقی (م ۵۱۱ ق) بود. در سرودن شعر طبعی لطیف داشت. محمد عوفی او را ستوده و تمجید کرده است. اشعاری از وی در تذکرها آمده است. از اوست:

گر باد خزان کاه ز خرمن برباید
اندیشه او باد بزانست و عدو کاه

الذریعه (۹/ ۱۱۵۷)، فرهنگ سخنوران (۹۱۲)، لباب الالباب (۱/ ۲۱۰-۲۱۱)، مجمع الفصحا (۳/ ۱۴۱۲).

ناصر نسفی - ناصر نسوی، خواجه ناصرالدین.

ناصر نظمى - نظمى تهرانى.

ناصر همایون، ارسلان‌خان، فرزند امیرخان. (۱۲۴۵-۱۲۹۹ ش)، موسیقیدان. ملقب به ناصر همایون. از شاگردان شعبه موزیک دارالفنون بود و با نواختن سازهای

عهده‌دار امور خالصه تهران و آذربایجان بود و در اواخر عمر از خاصان دربار مظفرالدین شاه گردید. ناصر السلطنه از علوم ادبی بهره داشت و زبان فرانسه را نیک می‌دانست و نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت.

احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۹۴۰)، شرح حال رجال (۴/ ۳۴۸-۳۴۹).

ناصرالشعراى شیرازی، علی اصغر. (ز ۱۳۲۹ ق)، روزنامه‌نگار. ملقب به ناصرالشعرا. در ۱۳۲۹ ق هفته‌نامه «زمان وصال» را در رشت تأسیس و منتشر کرد.

تاریخ جراید (۳/ ۱۱)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱/ ۲۸۳)، کتاب گیلان (۳/ ۶۶۷).

ناصر علیشاه - ناصر اصفهانی، میرزا محمد گلکار.

ناصر کاتب. (ز ۸۳۳ ق)، خطاط. وی از قدمای نستعلیق‌نویس و معاصر جعفر بایسنقری است. از آثار وی: یک نسخه «تحفة الاحرار» جامی، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «کتابه افقر احقر ناصر، غفر ذنوبه و ستر عیوبه»؛ یک نسخه شش دفتر «مثنوی» مولانا و «دیوان» شمس، به قلم نستعلیق کتابت خفی متوسط و اواخر نسخه به قلم رقاع نیم دو دانگ خوش و عنوانها به قلم ثلث نیم دو دانگ خوش، با رقم: «تمام شد کتاب مثنوی... علی يد العبد الضعیف... ناصر الکاتب... فی شهر سنه ثلاث و ثلثین و ثمانمائة الهجرية النبوية المحمدية».

احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۹۳۶).

ناصر مذهب، فرزند محمد. (زح ۹۵۷ ق)، مذهب. از تذهیب‌کاران پر مهارت و زبردست شیرازی بود. از آثار وی، تذهیب قرآنی است که در حدود ۹۵۷ ق، در کمال استادی و مهارت به پایان رسانده و نام خود را در ذیل اثرش آورده است.

احوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۳۶۳).

ناصر منشی، ناصرالدین بن خواجه مستجب الدین عمدة الملک یزدی کرمانی. (ز ۷۳۰ ق)، مورخ و نویسنده. معروف به ناصرالدین منشی کرمانی. بعد از فوت پدر تحت تربیت عموی خود، شهاب‌الدین ابوالحسن علی یزدی، قرار گرفت و پس از اینکه ناصرالدین به سن رشد رسیده عموی دیگرش که شغل دیوانی داشت، او را در خدمت دیوانی دستگاه قراختایان وارد کرد تا به مدارج بالا رسید. ناصرالدین در ۶۹۳ ق صاحب دیوان رسائل شد.

میرزای حشمت الدوله با محمد تقی میرزای حسام السلطنه در ۱۲۴۶ ق کشته شد. ناصری در اوایل عمر تحصیل کمالات کرد. او طبعی موزون داشت و شعر می سرود. وی به عتبات رفت و مدتی تحصیل نمود تا در زمره فضلا قرار گرفت و با اجازه علمای بزرگ به کرمانشاهان رفت و به تدریس و وعظ پرداخت. از اوست:

شاه دین پرور علی امید گاه خسروان
دور دولت نگهبان پادشاه خسروان

حدیقة الشعراء (۳/ ۱۸۱۰-۱۸۱۴)، فرهنگ سخنوران (۹۱۳).

ناصری مهنه‌یی ← ابونصر مهنه‌ای.

ناصری نیشابوری ← ابونصر مهنه‌ای.

ناطق اصفهانی، میرزا صادق/محمد صادق. (وف ۱۲۳۵/۱۲۳۰ ق)، شاعر. او از اتراک اهل اصفهان بود که از طرف مادر نسبت مدنی داشت. وی مدتی در خوزستان و آذربایجان به سیاحت پرداخت و مداح امرایی همچون محمد علی میرزا دولتشاه، فرزند فتحعلی شاه بود و در ۱۲۲۸ ق مقدمه‌ای بر «دیوان» شعر وی نوشت. ناطق در فن ماده تاریخ، قدرتی عجیب داشت. مشهور است که عدد ابجدی هر یک از مصراعهای اکثر قصایدش، ماده تاریخ سال یکی از وقایع می‌باشد. به آورده «الذریعه» وی کتابی به نام «بحر الالفاظ» در این فن دارد که مشتمل بر جداول و ماده تاریخهایی است که به فتحعلی شاه قاجار تقدیم کرده است. از دیگر آثار وی قصیده‌ای در تاریخ اتمام تذهیب ایوان و گنبد مطهر حضرت معصومه (س) است که مشتمل بر ستایش آن حضرت و مدح فتحعلی شاه و توصیف گنبد مطهر و حاوی شصت و دو بیت است که عدد ابجدی هر مصراع، مطابق عدد همان سال مذکور می‌باشد؛ قصیده‌ای در تاریخ اتمام تعمیرات مدرسه فیضیه قم، که به دستور فتحعلی شاه در ۱۲۱۷ ق انجام گرفت، سروده است که شماره ابیاتش نوزده بیت و عدد ابجدی حروف هر مصراع آن نیز مطابق عدد سال ۱۲۱۷ ق می‌باشد؛ «دیوان» شعر.

دویت سخنور (۴۲۴-۴۲۱)، الذریعه (۹/ ۱۱۵۸-۱۱۵۹)، ریحانه (۶/ ۱۲۱-۱۱۱)، سفینه‌المحمود (۱/ ۲۳۳۸-۲۳۳۷)، طرائق الحقائق (۳/ ۲۵۲-۲۵۳)، فرهنگ سخنوران (۹۱۳)، گلزار جواویدان (۳/ ۱۵۹۵)، لغت نامه (ذیل/ ناطق اصفهانی)، مجمع الفصحا (۶/ ۱۰۸۸)، مصطفی خراب (۱۹۵)، موادالتواریخ (۵۸۵-۵۷۶).

موزیک نظامی آشنایی داشت. وی در دوره مظفرالدین شاه رئیس موزیک سلطنتی شد و لقب ناصر همایون گرفت. ارسلان خان نوازنده درباری پیانو بود و برای مظفرالدین شاه پیانو می‌نواخت و در تمام سفرهای شاه به فرنگ همراه وی بود. مظفرالدین شاه در «سفرنامه» خود چند بار از او سخن گفته است. ناصر همایون بعدها به زنجان و از آنجا به تبریز رفت و رئیس قشون این شهر شد و همان‌جا درگذشت.

تاریخ موسیقی (۲/ ۵۲۷)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۲۲۷-۲۳۰).

ناصری شیرازی، احمد وصال، فرزند میرزا علاءالدین. (تو ۱۲۶۰ ش)، شاعر، متخلص به ناصری. پس از تحصیل علوم ادبی، برای فراگرفتن زبان انگلیسی با برادرانش به بمبئی رفت. وی پس از بازگشت به شیراز در دفتر فرمانداری استخدام شد و پس از فوت پدر در ۱۳۳۶ ش شیراز را ترک کرد و در شهرهای دیگر ایران به خدمت پرداخت. از اوست:

نسیم عشق همانا ز کوی یار آید
که روح پرور و جانبخش و مشکبار آید

دانشمندان و سخن سرایان فارس (۵/ ۶۱۸-۶۲۰)، فرهنگ سخنوران (۹۱۳).

ناصری فارسی ← ناصری فسایی.

ناصری فسایی، میرزا مهدی، فرزند میرزا داوود. (۱۲۴۵-۱۲۹۹ ق)، شاعر، متخلص به ناصری. وی مدتی در شیب کوه فسا بود و پس از آن به کریمای معلی رفت و در آنجا وفات یافت. دیوان بیگی، صاحب «حدیقة الشعراء»، ناصری را ذیل ناصر زاهدانی فسایی آورده است. از اوست:

چو از ازل به خداوندی تو دادم دست
ز بند بندگی تا ابد نخواهم رست

حدیقة الشعراء (۳/ ۱۸۰۶-۱۸۰۷)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۵/ ۶۲۱-۶۲۳)، فارستامه ناصری (۲/ ۱۴۰۳)، مرآت الفصاحه (۶۳۵-۶۳۶)، مکارم الآثار (۴/ ۱۲۶۰-۱۲۶۲).

ناصری کلهر کرمانشاهی، میرزا ابوالحسن، فرزند حسین خان. (س سیزدهم ق)، واعظ و شاعر، متخلص به ناصری. وی ابتدا اختر تخلص می‌کرد و بعد تخلص خود را تغییر داد. پدرش در جریان درگیری بین محمد حسین

ناطق تبریزی، ناصح، فرزند میرزا جواد ناطق. (۱۲۸۰/۱۲۸۴-۱۳۶۳ ش)، مترجم، نویسنده و شاعر. در تبریز به دنیا آمد. پدرش از وکلای دادگستری و از مشروطه خواهان بود. ناطق پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در زادگاهش جهت ادامه تحصیل به اروپا رفت و موفق به اخذ درجه مهندسی در رشته راه و ساختمان شد. پس از بازگشت به ایران به استخدام وزارت راه و ترابری درآمد و مدت هشت سال مدیرکل ساختمان راه آهن و نیز مدتی عضو شورای عالی سازمان برنامه و بودجه بود و در ضمن، عضویت هیأت مدیره شرکت ساختمانی اتکوار، که از کارهای مهم آن ساختمان سد کرج و سد سپید رود بود، به عهده داشت. وی همچنین به زبانهای آلمانی، انگلیسی، فرانسه و عربی مسلط بود. از تألیفات وی: «زندگی مانی و پیام او» می باشد. از آثار ترجمه وی: «آدمک حصیری»، «جنایت سیلویستر بونارد»، «شاهزاده خانم»، «آنزلیکا»، «ژانو و کولن»، «سپید و سیاه»، «میکرو میگاس».

تذکره شعری آذربایجان (۳/ ۶۳۸-۶۳۵)، سخنوران نامی معاصر (۶/ ۳۵۸۹-۳۵۹۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۲۶، ۱۰۵۳، ۱۳۶۳-۱۳۶۴، ۲/ ۱۸۸۶، ۱۹۳۵، ۱۹۹۲، ۲۰۷۷، ۳۲۰۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۴۹۸-۴۹۷).

ناطق زرقانی، حاج بابا. (۱۲۵۵-۱۳۱۴ ش)، شاعر، متخلص به ناطق. در قصبه زرقان به دنیا آمد. وی مردی درویش مسلک بود، در اندک زمانی میراث پدری را از دست داد و جلای وطن کرد و به گردش و سیاحت مشغول شد. در ۱۲۸۷ ش به شیراز رفت و در آنجا درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر، متجاوز از چهار هزار بیت.

دانشمندان و سخن سرایان فارس (۵/ ۶۲۳-۶۲۲)، فرهنگ سخنوران (۹۱۴).

ناطق شیرازی، مسیحا، فرزند ملا نویدی. (س یازدهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به ناطق. وی اشعاری نیکو می سرود و خط نستعلیق را خوش می نوشت، ولی با وجود وفور هنر و کمال، روزگارش به سختی می گذشت. ناطق در زمان تألیف «تذکره نصرآبادی» (تألیف شده در ۱۰۸۳ ق) دوران پیری خود را می گذرانید. مهدی بیانی در «احوال و آثار خوشنویسان» از قول محمد صالح اصفهانی (م ۱۱۲۶ ق) می گوید که ناطق جزو کاتبانی بوده که پس از میر عماد و در زمان ابوتراب اصفهانی (م ۱۰۷۰ ق) می زیسته است.

اشعاری از وی در تذکره ها آمده است.

احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۹۰۴)، تذکره نصرآبادی (۴۱۲)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۵/ ۶۲۳-۶۲۲)، الذریعه (۹/ ۱۱۵۹-۱۱۶۰)، لغت نامه (ذیل/ ناطق).

ناطق قهپایی اصفهانی، ملازمان. (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به ناطق. در قهپایه به دنیا آمد و در اصفهان نشو و نما یافت. در زمان شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ق) می زیست. مدتها در محله جماله کله اصفهان، معلمی می کرد و نزدیک به دوست نفر شاگرد به مکتب او می آمدند. وی در سرودن شعر از اشعار قدما بخصوص خاقانی پیروی می کرد. ناطق در اواسط پادشاهی شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ق) درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

تذکره روز روشن (۷۹۶-۷۹۵)، تذکره نصرآبادی (۴۰۴)، الذریعه (۹/ ۱۱۶۰)، ریحانه (۶/ ۱۱۰)، فرهنگ سخنوران (۹۱۴)، لغت نامه (ذیل/ ناطق اصفهانی).

ناطق استرآبادی، مولانا ناطقی. (وف ۱۰۰۱ ق)، شاعر. از اهالی استرآباد بود که در ایام جوانی، در زمان اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ ق)، به هندوستان سفر کرد. ناطقی در ۹۹۰ ق با مؤلف «خلاصه الاشعار» به زیارت عتبات مشرف شد. سپس به بصره رفت و بار دیگر به هند مراجعت نمود. وی بعد از مدتی در راه مراجعت به ایران درگذشت و در بنارس به خاک سپرده شد. وی قصیده ای در مدح میرزا سلمان جابری اصفهانی سروده است. اشعاری از او در تذکره ها آمده است. از اوست:

حیران شده روی تو از بیم جدایی
بسر هم نزنند چشم به حسرت نگران است
الذریعه (۹/ ۱۱۶۱)، صبح گلشن (۴۹۸-۴۹۷)، فرهنگ سخنوران (۹۱۴)، کاروان هند (۲/ ۱۴۰۶-۱۴۱۳)، لغت نامه (ذیل/ ناطق استرآبادی)، هفت اقلیم (۳/ ۱۲۱).

ناظر بستی، شیخ زین العابدین. (س سیزدهم ق)، شاعر. اهل بستی، از قرای کردستان، بود. بیشتر اشعارش غزل می باشد و به سبک صائب تبریزی شعر می سرود. از آثار وی: «دیوان» شعر، مشتمل بر سه هزار بیت.

حدیقه امان اللهی (۴۲۰-۴۱۳)، حدیقه الشعراء (۳/ ۱۸۲۵)، الذریعه (۹/ ۱۱۶۱)، گلزار جاپردان (۱۵۹۷)، مجمع الفصحا (۶/ ۱۰۸۳).

مصرف داشت. از مشایخ سلسله نوربخشیه و مرید مولانا عبدالرحیم بن یوسف دماوندی بود. شیخ محمد اسماعیل بن شیخ عبدالغنی شیرازی از مریدان وی بود. صاحب «دانشمندان و سخن سرایان فارس» سال مرگ وی را قبل از ۱۳۱۳ ق می‌داند. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

آثار عجم (۳۲۹)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۵/۶۲۸)، الذریعه (۹/۱۱۶۱)، ریاض المارقی (۱۵۶)، طرائق الحقائق (۳/۱۶۳، ۳۴۶)، فارسنامه ناصری (۲/۱۴۳۹)، فرهنگ سخنوران (۹۱۵).

ناظری مهدی، مولانا ناظری. (س نهم ق)، شاعر. اهل مشهد و با امیر علیشیر نوایی (۹۰۶-۸۴۴ ق)، مؤلف «مجالس النفائس»، معاصر بود. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

الذریعه (۹/۱۱۶۱)، صبح گلشن (۴۹۹-۴۹۸)، فرهنگ سخنوران (۹۱۵)، مجالس النفائس (۲۶۲، ۸۸)، مطلع الشمس (۲/۴۴۸).

ناظم الاسلام کرمانی، میرزا محمد، فرزند علی شیرعتمدادر. (۱۲۸۰-۱۳۳۷ ق)، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. ملقب به ناظم الاسلام. در کرمان به دنیا آمد. پس از تحصیل علوم ادبی و عربی، از محضر حاج شیخ ابوجعفر مجتهد فقه و اصول و از محضر میرزا آقاخان کرمانی منطق و شرح اشارات را آموخت. وی در بیست و هشت سالگی به تهران آمد و در درس میرزای جلوه و سید شهاب الدین شیرازی به تحصیل حکمت الهی پرداخت و در حوزه درس حاج میرزا حسن آشتیانی و حاج شیخ هادی نجم آبادی نیز حاضر بود. وی از مشروطه خواهان و با جمعی از روشنفکران از جمله سید محمد طباطبایی محشور بود. پس از تأسیس مدرسه اسلام، توسط سید محمد طباطبایی، میرزا محمد ناظم آن مدرسه شد و به همین دلیل به ناظم الاسلام ملقب گردید. ناظم الاسلام در ۱۳۲۵ ق روزنامه «کوکب دری» یا «کوکب دری ناصری» را در تهران تأسیس و منتشر نمود. او سپس به کرمان بازگشت و در دادگستری به خدمت پرداخت و سرانجام در همان شهر درگذشت و در مقبره سید علویه به خاک سپرده شد. از دیگر آثار وی: «اصول عقاید»، «تاریخ بیداری ایرانیان»، «در سه جلد: خلاصه العوامل»، «شمس التصاریف»، «مقامات حریری»، ترجمه: «علائم الظهور المهدی الموعود».

از صبا تا نیما (۲/۱۱۸-۱۱۹)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۴/۲۶۶، ۲۹۵)، تاریخ بیداری ایرانیان (مقدمه/ هفده -

ناظر زاده کرمانی، احمد، فرزند محمد ناظر. (۱۲۹۲/۱۲۹۶-۱۳۵۵ ش)، نویسنده، شاعر، استاد دانشگاه و روزنامه نگار. در کرمان به دنیا آمد. وی تحصیلات مقدماتی را نزد پدر و تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش و تهران به پایان برد و از دارالفنون در رشته ادبی فارغ التحصیل شد و به موازات علوم جدید، علوم قدیم و فقه و عربی و فلسفه را نیز می‌آموخت. ناظرزاده رشته علوم سیاسی را در دانشکده حقوق گذراند و سپس موفق به اخذ لیسانس از دانشکده الهیات و لیسانس علوم تربیتی از دانشسرای عالی گردید. وی درجه دکترای خود را در رشته ادبیات فارسی اخذ نمود و رساله‌اش را در «شرح حال و آثار عمادالدین علی فقیه کرمانی» نوشت. سپس از طرف دانشگاه تهران به پاریس مأمور شد و توانست در این مأموریت، دوره دکترای جامعه شناسی ادیان را نیز در دانشگاه سوربن به پایان برساند و رساله خود را در «تحقیق درباره مذهب جعفری» زیر نظر پروفیسور هانری درش بنویسد. وی از ۱۳۳۵ ق تدریس در دانشگاه تهران را آغاز کرد و در ۱۳۴۱ ش با سمت نمایندگی ایران در کنگره مؤتمر اسلامی شرکت کرد. ناظر زاده در کار مطبوعاتی نیز دست داشت و مقالات متعددی در روزنامه‌ها و مجله‌های داخلی و خارجی چاپ می‌کرد و مدتی معاون مجله «ایران امروز» و چندی هم سر دبیر مجله «سلامت فکر» بود و زمانی نیز روزنامه «شهر آشوب» را شخصاً منتشر می‌کرد. وی در طول خدمات دولتی عهده‌دار مشاغلی چون: شهردار تهران، پیشکار دارایی کرمان، بازرس استانداری کرمان و کفالت استانداری تهران بود. بر اثر بیماری قند نابینا شد و سرانجام بر اثر سکته درگذشت. از دیگر آثار وی: «آوازه‌های جوانی»، «اختر»، «بر فراز سیحون»، «دختر شامگاه»، «رقص به سه خنجر»، «شام شوم»، «آفات قرن»، شعر: «دیوان» شعر.

ادبیات نوین (۲۶۵)، تذکره شاعران کرمان (۵۱۵-۵۱۰)، چهارصد شاعر برگزیده پارسی گوی (۱۱۳۱)، الذریعه (۹/۱۱۶۱)، روز شمار تاریخ ایران (۲/۱۷)، ستارگان کرمان (۳۸۸-۳۸۲)، سخنوران نامی معاصر (۶/۳۵۹۲-۳۵۹۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/۴۳، ۶۹، ۱۲۹، ۲۶۴، ۴۸۴، ۱۰۴۷، ۱۳۳۷، ۱۳۶۲، ۲/۱۷۳۷، ۲۰۷۵، ۲۱۸۹)، مؤلفین کتب چاپی (۱/۴۷۴-۴۷۵).

ناظر کازرونی، میرزا عبدالحسین. (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به ناظر. در زمان شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ ق)، در شیراز سکونت داشت و پس از تحصیل علوم رایج زمان، عمر خود را به ریاضت و عبادت

بیست و چهار، ۱۰۹، تاریخ جراید (۴/ ۱۵۰-۱۵۱)،
الذریعه (۳/ ۲۴۲، ۱۴/ ۲۲۰، ۱۵/ ۳۰۸)، شرح حال
رجال (۳/ ۲۷۸، ۶/ ۱۹۵-۱۹۶)، فهرست کتابهای چاپی
فارسی (۱/ ۲۶۰، ۲۶۷، ۱۲۸۱، ۲/ ۲۱۶۳، ۲۳۲۸)، لغت
نامه (ذیل/ ناظم‌الاسلام کرمانی)، مؤلفین کتب چاپی (۵/
۶۰۴-۶۰۲).

ناظم‌الاطباء کرمانی، میرزا علی‌اکبر نفیسی، فرزند
محمد حسن/حسن. (۱۲۶۳-۱۳۴۲/۱۳۴۳ ق)، پزشک و
نویسنده. ملقب به ناظم‌الاطباء. در کرمان به دنیا آمد. پس از
تحصیلات مقدماتی در زادگاهش با مساعدت
وکیل‌الملک، حاکم کرمان، جهت ادامه تحصیل به تهران
آمد و در دارالفنون به تحصیل طب پرداخت. در ۱۲۸۵ ق
قبل از اتمام دوره طب، طبابت هنگ مهندسی در تهران به
او سپرده شد. وی بعد از فراغت از تحصیل به پیشنهاد میرزا
حسین خان مشیرالدوله، نخستین بیمارستان جدید را به
روش اروپایی در ایران، که همان مریضخانه دولتی
(بیمارستان سینا) است، تأسیس کرد و خود ریاست آن را
به عهده گرفت. وی در مجلس حفظ الصحة (مشکل از
پزشکان نامی شهر) که نخستین بار در تهران تشکیل شد،
حضور داشت. او پس از کناره‌گیری از ریاست بیمارستان
دولتی در ۱۲۹۸ ق با میرزا حسین خان مشیرالدوله به
مشهد رفت و در آنجا بیمارستان رضوی را از موقوفات
آستان قدس رضوی تأسیس کرد و آن دومین بیمارستان به
روش اروپایی در ایران بود. از ۱۳۱۰ ق جزو اطباء
ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه شد و به طبابت در دربار
اشتغال ورزید. وی کتابهایی در «پاتولوژی و کلینیک
جراحی»، «فیزیک»، «جراحی»، «تراپوتیک»، «تشریح» و
دو رساله در «سوء هضم» تألیف کرده است. از دیگر
آثارش: «پزشکی نامه»، نام داروهای طب قدیم در برابر
نامهای اروپایی؛ «تعلیمات ابتدایی»؛ «فرهنگ نفیسی»، در
لغت «نامه زبان آموز».

تاریخ بیداری ایرانیان (مقدمه/ ۲۱۵-۲۱۹)، دایرةالمعارف
فارسی (۲/ ۲۹۹۴)، روز شمار تاریخ (۱/ ۱۳۳)، رباعه
(۶/ ۱۲۱-۱۲۳)، شرح حال رجال (۲/ ۴۳۵)، فرهنگ
نفیسی (۱/ مقدمه)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/
۲۴۴۲)، لغت نامه (ذیل/ ناظم‌الاطباء)، مکارم‌الآثار (۵/
۱۷۰۲-۱۷۰۱)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۵۴۷-۵۴۹)،
یادگار (س ۳، ش ۴، ص ۶۵-۵۲).

ناظم تبریزی، خواجه محمد صادق. (س یازدهم ق)،
شاعر، متخلص به ناظم. معروف به صادق. اهل تبریز و

ساکن عباس آباد اصفهان بود. در اصفهان با کلیم همدانی
ملاقات داشت و گویند رفاقت و مصاحبتشان دو سال به
طول انجامید، تا آنکه در ۱۰۳۰ ق کلیم به هند و ناظم به
مکه رفت. ناظم به زیارت مکه رفت و در آنجا منزوی شد
و اوقاتش را صرف عبادت و مجالست اهل دین کرد. سپس
در زمان شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ ق) به هند رفت. به
آورده «کاروان هند» از «لطایف الخیال»، تتبع از اشعار
عرفی، سبب شهرت وی شده است. وی چند سال قبل از
تألیف «تذکره نصرآبادی» (۱۰۸۳ ق) درگذشته و
نصرآبادی «دیوان» شعر او را که مشتمل بر شش هزار بیت
بوده، دیده است. برخی تذکرها مثنوی «فیروز و شهنواز»
وی را به صورت «فیروز و شهباز» آورده‌اند. از دیگر آثار
وی: «نظم گزیده» یا «تذکره ناظم تبریزی»، در شرح حال
شعرا، که به نام شاه عباس اول در ۱۰۳۶ ق نوشته است.

تاریخ تذکرةهای فارسی (۱/ ۲۸۸-۳۸۱)، تذکره روز
روشن (۷۹۷-۷۹۶)، تذکره شعراى آذربایجان (۲/
۶۴۴-۶۵۰)، تذکره نصرآبادی (۴۱۲-۴۱۱)، دانشمندان
آذربایجان (۳۶۹)، الذریعه (۹/ ۱۱۶۲، ۱۶/ ۴۰۱، ۲۴/
۲۲۴)، فرهنگ سخنوران (۹۱۷)، فهرست نسخه‌های
خطی فارسی (۳/ ۲۵۶۵)، کاروان هند (۲/
۱۴۱۳-۱۴۱۶)، گلزار جاویدان (۳/ ۱۵۹۸)، لغت نامه
(ذیل/ ناظم تبریزی)، منظومه‌های فارسی (۵۷۶-۵۷۵).

ناظم شیرازی، میرزا مهدی، فرزند میرزا احمد
نقیب. (س سیزدهم و چهاردهم ق)، طبیب و شاعر،
متخلص به ناظم. ملقب به نقیب الممالک و ناظم الشعرا.
معلومات اولیه را از پدرش آموخت و در حکمت و طبابت
مهارت داشت. معتمدالدوله فرهاد میرزا لقب ناظم
الشعرایی به وی داد. داور (م ۱۳۲۵ ق)، صاحب «مرآت
الفصاحه»، با وی ملاقات داشت. ناظم بعد از فوت پدرش
به اصفهان رفت. از آثارش: «دیوان» شعر.

حدیقة الشعراء (۳/ ۱۸۲۶-۱۸۲۸)، دانشمندان و سخن
سرایان فارس (۵/ ۶۳۲-۶۲۹)، الذریعه (۹/ ۱۱۶۲)،
طرائق الحقائق (۳/ ۴۶۳)، فارسنامه ناصری (۲/ ۹۵۷)،
مرآت الفصاحه (۶۴۰-۶۳۸).

ناظم شیرازی، نظاما. (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص
سالم و ناظم. وی به شغل بنایی اشتغال داشت. در مورد
اختلاف وی با ناظم یزدی بر سر تخلص نیز حکایاتی نقل
شده است. اشعاری از وی در تذکرها آمده است. از
اوست:

ناظم المهام، میرزا جبار، فرزند صفر علی خویی. (ز ۱۲۶۷ ق)، مدیر روزنامه. وی مدتی مأمور صدور گذرنامه آذربایجان و چندی ژنرال کنسول ایران در بغداد بود و مدتی هم ریاست کل اداره گذرنامه را به عهده داشت. نامبرده چون مورد توجه امیر کبیر بود در موقع تأسیس روزنامه «وقایع اتفاقیه»، در ۱۲۶۷ ق، اداره آن، به او که صاحب چاپخانه بود، واگذار شد.

تاریخ جراید (۴/ ۳۳۰-۳۳۳)، دانشمندان آذربایجان (۹۳)، سبک شناسی (۳/ ۳۴۳)، شرح حال رجال (۱/ ۲۳۳)، لغت نامه (ذیل/ ناظم المهام).

ناظم هروی، ملا فرخ حسین، فرزند شاه رضا سبزواری. (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به ناظم. در هرات به دنیا آمد و در همان جا رشد یافت. در خدمت فصیحی هروی فن شاعری آموخت. وی پس از کسب دانش و ادب به دربار حسن خان شاملو، بیگلر بیگی خراسان پیوست و طرف توجه و عنایت خاص عباسقلی خان، پسر حسن خان که از طرف شاه سلیمان (۱۰۷۷-۱۱۰۵ ق) بیگلر بیگی اصفهان بود، قرار گرفت و تقرب و اعتبار بسیار پیدا کرد و به دعوت و تشویق خان مذکور به نظم «یوسف و زلیخا» پرداخت. وی معاصر نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) بود و با وی مکاتبه داشت. دکتر صفا در حاشیه «تاریخ ادبیات در ایران» به نقل از داوود قلی آورده که ناظم در ۱۰۷۶ ق یعنی یک سال قبل از اتمام کتاب «قصص الخاقانی» شصت ساله بود. شیرعلی خان لودی، صاحب «مرآة الخیال»، گوید که چندی با برادرانش در جهانگیر نگر که ناظم در آنجا عزلت گزیده بود، شاگردی او را کرده و مختصری از مقدمات را نزد وی آموخته است و در ادامه آورده که ناظم در ۱۰۶۸ ق درگذشته است. «یوسف و زلیخای» ناظم به تقلید از «یوسف و زلیخای» جامی و بر همان وزن سروده شده، در ۱۰۵۸ ق آغاز و در ۱۰۶۲ یا ۱۰۷۲ ق پایان یافته است. ناظم بجز قصیده، غزل و معما نیز می ساخت. از دیگر آثار وی: «دیوان» شعر.

آتشکده آذر (۲/ ۷۷۴-۷۷۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۱۲۶۶-۱۲۷۰)، تذکره روز روشن (۷۹۷-۷۹۹)، تذکره نصرآبادی (۳۳۰-۳۳۱، ۵۴۰)، الذریعه (۹/ ۱۱۶۳-۱۱۶۴)، ۱۹/ ۳۴۸-۳۴۹، ریحانه (۶/ ۱۲۴)، سرو آزاد (۱۰۵)، فرهنگ سخنوران (۹۱۶)، لغت نامه (ذیل/ ناظم هروی)، مرآت الخیال (۱۲۰)، منظومه های فارسی (۵۷۷-۵۷۹)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۸۰۹-۸۱۰)، نتایج افکار (۷۲۲-۷۲۳).

عرض هنر از پاک ضمیران نتراد
کس قیمت دُر از لب دریا نشنیده است
تذکره روز روشن (۷۹۷)، تذکره نصرآبادی (۳۸۴)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۵/ ۶۳۲)، الذریعه (۹/ ۱۱۶۲)، فرهنگ سخنوران (۹۱۶)، مرآت الفصاحه (۶۴۰-۶۴۱).

ناظم العلوم، علی خان، فرزند محمد قاسم خان. (وف ح ۱۳۱۷ ق)، ریاضیدان و مترجم. ملقب به ناظم العلوم. وقتی در ۱۲۹۰ ق ناصرالدین شاه برای اولین بار به اروپا سفر کرد، وی همراه دایی خود، علیقلی خان مخبرالدوله، که از ملازمان شاه در آن سفر بود به پاریس رفت و در مدرسه نظامی سن سیر در رشته توپخانه به تحصیل مشغول شد. پس از بازگشت به ایران از معلمین نظام سلطان مسعود میرزا ظل السلطان، که برای خود ارتشی تشکیل داده بود، شد. او مدتی نیز به علت اختلاف سر حدی با روسها به خوی رفت و بعد از مرگ ناصرالدین شاه به تهران بازگشت و مدتی رئیس مدرسه علمیه و از معلمین دارالفنون بود. از آثار وی: «اصول جبر و مقابله»، «اصول علم حساب»، «انسمودجی از جبر و مقابله»، «تاریخ عمومی»، «حکمت ریاضی»، در اصول علم حساب تا لگاریتم؛ «تلماک»، ترجمه.

شرح حال رجال (۲/ ۳۸۵-۳۸۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۲۵۱، ۲۶۳، ۳۸۴، ۷۲۹، ۹۴۷، ۱۱۷۰، ۱۲۰۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۴۲۹).

ناظم فیروزآبادی میبیدی یزدی. (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به ناظم. مردی درویش مشرب بود. مدتی به هند رفت و در ۱۰۶۵ ق به ایران بازگشت. چندی در اصفهان ساکن و با نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) معاصر و معاشر بود، سپس به یزد رفت. در قصبه فیروزآباد به عزلت و فراغت زندگی می کرد و در همان جا درگذشت. «جامع مفیدی» نام وی را به صورت نظامای فیروزآبادی آورده است. اشعاری از وی در تذکرها آمده است. از اوست:

سرو از پای در افتاده، چمن را چکنند

آدمی زاده بسی چیز وطن را چکنند

تذکره نصرآبادی (۴۰۴)، جامع مفیدی (۳/ ۴۵۵-۴۵۴)،

الذریعه (۹/ ۱۱۶۴)، فرهنگ سخنوران (۹۱۶)، کاروان

هند (۲/ ۱۴۱۶).

ناظم الملک، جهانگیرخان - ضیایی مرندي .

اوقاف یزد را به عهده داشت. میرزا مسیح در ۱۳۲۶ ق روزنامه «ناقور» را در اصفهان تأسیس و منتشر کرد. وی در اصفهان درگذشت و در کنار استاد خود، آخوند کاشی، مدفون شد.

تاریخ جراید (۴/ ۲۵۲-۲۵۳)، تذکره القیوم (۴۹۹).

ناکام بخارایی، سید ناکام. (س یازدهم ق)، شاعر. وی از سادات بخارا بود که نزد امامقلی خان ازبک، حاکم بخارا، تقرب داشت. او پس از فوت امامقلی خان، درگذشت. نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) در تذکره خود، تخلص وی را لطیف آورده است. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

تاریخ نظم و نثر (۶۸۹)، تذکره روز روشن (۷۹۹)، تذکره نصرآبادی (۴۳۶)، الذریعه (۹/ ۱۱۶۴)، فرهنگ سخنوران (۹۱۷).

نسامداری، علی محمد. (وف ۱۲۹۸-۱۳۴۸ ش)، موسیقیدان، خطاط و نقاش. در قم به دنیا آمد. وی از همان کودکی زیر نظر پدرش - که یکی از خوشنویسان بنام بود - تعلیم خط گرفت و سپس نزد حسینعلی خوشنویس این هنر را تکمیل کرد. در نوجوانی به موسیقی علاقه مند شد و برای یادگیری آن به محضر حسین هنگ آفرین رفت. پس از مدتی در کلاس ابوالحسن خان صبا حضور یافت و نواختن ویولن را نزد آن استاد تکمیل نمود. در ۱۳۱۸ ش کلاس موسیقی تأسیس کرد و در ضمن به ساختن ساز، بویژه سنتور، روی آورد. وی علاوه بر موسیقی و خوشنویسی، از مینیاتور و تذهیب نیز اطلاع کافی داشت و آثاری از خود باقی گذاشته است. او سالها دبیر خط و نقاشی و موسیقی بود. نامداری در ۱۳۱۹ ش وارد رادیو شد و ارکستری تهیه کرد و خود سرپرستی آن را به عهده گرفت. وی در نوشتن خط نت مهارت بسزایی داشت و به درخواست روح الله خالقی کتاب اول و دوم «تار» را با خط زیبای خود نوشت. از آهنگهای او «سفر برگرد» را می توان نام برد که خواننده آن حسن کاووسی بود.

مردان موسیقی (۲/ ۷۹-۷۷).

نامی اردوبادی، مولانا نامی. (س دهم ق)، شاعر، متخلص به نامی. اهل اردوباد بود. مدتی ساکن تبریز شد و در آنجا با صادقی کتابدار، مؤلف «مجمع الخواص»، معاشر شد. گویند با میر صفی نیشابوری (م ۹۷۶ ق)، استاد صادقی کتابدار، به سبب شعری منازعه کرد. او قصیده معروف «شتر حجره» کاتبی نیشابوری را تقلید کرد.

ناظمی، مهدی. (تو ۱۲۸۹ ش)، نوازنده و سازنده ساز. در یزد به دنیا آمد. از کودکی با سنتور آشنا شد و برای آموختن آن نزد حبیب سماعی به تهران آمد. وی در آن هنگام که ساخت سنتور روی اصول و قواعد درستی نبود، شروع به ساختن این ساز کرد و در فن خود مهارت بسزایی یافت. سنتورهای ساخت این استاد علاوه بر ایران، در بسیاری از کشورهای دیگر رایج است و مشتاقان فراوانی دارد. ناظمی در نوازندگی سنتور نیز پنجه‌ای شیرین داشت و نوار و صفحاتی با تاج اصفهانی و جلیل شهناز، در دستگاههای «بیات ترک»، «ابوعطا»، «شور»، «سه گاه» و «دشتی» پر کرده است.

تاریخ موسیقی (۲/ ۵۹۹)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۱۷۳)، مردان موسیقی (۲/ ۳۹۲-۳۹۶).

ناعم، ابراهیم، فرزند احمد. (تو ۱۳۰۰ ش)، شاعر، متخلص به ناعم. در رشت به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش و تهران به پایان رساند و در آموزشگاه تخصصی قضایی ثبت به تحصیل ادامه داد و فارغ التحصیل شد. سپس به استخدام اداره کل ثبت اسناد درآمد. وی در میان شعرای متقدم ایران به حکیم ناصر خسرو قبادیانی ارادت و اخلاص کامل داشت. لازم به ذکر است که چون پدرش معروف به مرشد احمد گیلانی صوفی صافی بود، و صافی تخلص می کرد، به او ابراهیم صافی نیز گفته اند. وی قطعاتی در زمینه خوابهایش سروده که منظومه «الای خوابها»، متجاوز از یکصد و پانزده بیت، یکی از آنها می باشد.

سخنوران نامی معاصر (۶/ ۳۵۹۷-۳۶۰۶)، کتاب گیلان (۲/ ۵۸۷).

نافع قمی. (س یازدهم ق)، شاعر. وی در ابتدا به شغل طباحی مشغول بود، ولی پس از تتبع بسیار، خود را در سلک شاعران قرار داد. در زمان شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ ق) می زیست و با مولانا عبدالرزاق لاهیجی (م ۱۰۵۱ ق) معاصر و معاشر بود. از آثار وی: «دیوان» شعر.

آتشکده آذر (۳/ ۱۳۱۸)، تذکره نصرآبادی (۳۶۶)، الذریعه (۹/ ۱۱۶۴)، فرهنگ سخنوران (۹۱۶).

ناقور تويسرکاني، میرزا مسیح، فرزند سید ابراهیم. (وف ۱۳۵۱ ق)، روزنامه نگار. از شاگردان آخوند کاشی (م ۱۳۳۳ ق) و چندی سرپرست اوقاف اصفهان بود و در سالهای ۱۳۲۵ ق به بعد مدتی ریاست معارف و

سخنوران (۹۱۸-۹۱۷)، کتابشناسی نظامی گنجوی (۴۱۹-۴۲۰)، لغت نامه (ذیل / نامی اصفهانی)، مجمع الفصحا (۶/ ۱۰۸۲-۱۰۸۳)، منظومه‌های فارسی (۵۸۵-۵۷۹)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۵۰۴-۵۰۵)، نگارستان دارا (۲۷۱-۲۷۲).

نامی تبریزی. (س دهم ق)، شاعر. وی برادر قوسی تبریزی و با سام میرزا صفوی (م ۹۷۴/۹۷۵ ق) معاصر بود. در شعر بیشتر به قصیده می‌پرداخت. از اوست: ای خوش آن ساقی که ما را جام بیهوشی دهد تا زمستی یک زمان ما را فراموشی دهد تاریخ نظم و نثر (۷۰۵)، تحفه سامی (۲۵۴)، دانشمندان آذربایجان (۳۷۰)، الذریعه (۹/ ۱۱۶۶)، فرهنگ سخنوران (۹۱۸)، لغت نامه (ذیل / نامی تبریزی).

نامی تهرانی، ملا افضل. (ز ۹۲۵ ق)، شاعر، متخلص به نامی. اهل تهران و از شاگردان مولانا امیدی تهرانی (م ۹۲۵ ق) بود. از ابتدای جوانی تا زمان فوت مولانا امیدی، در خدمت او به سر برد و در تاریخ وفات مولانا نیز شعری دارد. نامی در جوانی درگذشت. در «تحفه سامی» علت مرگ وی، به گمان مردم، مسموم شدن توسط سلسله نور بخشی‌به ذکر شده است. صاحب مؤلف «الذریعه» نام وی را افضل ترکه آورده است. از آثار وی: «دیوان» شعر.

تاریخ ادبیات در ایران (۴/ ۴۲۷-۴۲۸)، تاریخ نظم و نثر (۶۸۹)، تحفه سامی (۲۲۶-۲۲۷)، تذکره روز روشن (۷۹۹)، تذکره میخانه (۱۴۷-۱۵۰)، تذکره نصرآبادی (۴۷۱)، الذریعه (۹/ ۱۱۶۷-۱۱۶۸)، فرهنگ سخنوران (۹۱۸)، لغت نامه (ذیل / نامی تهرانی)، هفت اقلیم (۳/ ۸۲).

نامی خلیجستانی، میرزا عبدالله. (س سیزدهم ق)، شاعر. در زمان حکومت محمد شاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۶۴ ق) به تهران آمد و حاج میرزا آقاسی ایروانی بعضی خدمات دیوانی را به وی داد و در زمان ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ق) در زمره منشیان دربار قرار گرفت. وی نگارش روزنامه «دولت علیه ایران» را عهده‌دار بود. از آثارش: «دیوان» شعر.

حدیقه الشعراء (۳/ ۱۸۲۹-۱۸۴۱)، الذریعه (۹/ ۱۱۶۶)، گلزار جاویدان (۳/ ۱۶۰۲-۱۶۰۳)، مجمع الفصحا (۶/ ۱۰۸۴).

نامی کرمانشاهی، میرزا محمد. (وف ۱۲۳۸ ق)،

و کلمه «پشه» را بر آن افزود که شاعرانی همچون جامی و واصفی نیز بعدها جواب این قصیده را گفته و بر آن اجزایی نیز افزوده‌اند. نامی در اواخر عمر به هند رفت و در همان‌جا درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

تاریخ نظم و نثر (۵۱۶)، دانشمندان آذربایجان (۳۶۹-۳۷۰)، الذریعه (۹/ ۱۱۴۶، ۱۱۶۵)، فرهنگ سخنوران (۹۱۷)، کاروان هند (۲/ ۱۴۱۸)، لغت نامه (ذیل / ناجی اردوبادی)، مجمع الخواص (۲۱۴-۲۱۵).

نامی اصفهانی، مرتضی قلی‌خان، فرزند ساروخان قورچی باشی. (س دهم و یازدهم ق)، شاعر. در زمان شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ ق) می‌زیست و از منشیان و کاتبان دربار او بود. در عهد اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ ق) به هند رفت. از اوست:

گر غبار گلشن کویت به چشم ما رسد
پنجه مژگان زند، گل بر سر دستار ما
الذریعه (۹/ ۱۱۶۵)، صبح گلشن (۵۰۲)، فرهنگ سخنوران (۹۱۷)، کاروان هند (۲/ ۱۴۱۸)، لغت نامه (ذیل / نامی اصفهانی).

نامی اصفهانی، میرزا سید محمد صادق موسوی. (س سیزدهم ق)، مورخ و شاعر، متخلص به نامی. معروف به میرزا محمد صادق منشی. از سادات موسوی و برادرزاده میرزا رحیم حکیم باشی بود. اجداد وی از شیراز به اصفهان آمده و از طبیبان خاص سلاطین صفوی بودند. او به فنون نظم و نثر آگاه و به سرودن مثنوی تمایل بیشتر داشت. نامی با مؤلف «نگارستان دارا» (م ۱۲۴۳ ق) معاصر و معاشر بود. بر سر سال فوت وی بین مؤلفان اختلاف است، «صبح گلشن» مرگ وی را در عهد نادر شاه می‌داند و صاحب «نگارستان دارا» در اوایل دوره محمد شاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۶۴ ق) و «الذریعه» و «کتابشناسی نظامی گنجوی»، ۱۲۰۴ ق را ذکر کرده‌اند. در مورد نام برخی از آثارش نیز اختلاف وجود دارد. از آثار وی: «تاریخ گیتی گشا»، به فارسی در تاریخ زندیه که بعدها میرزا عبدالکریم شیرازی و میرزا محمد رضای شیرازی هر یک ذیلی بر آن نوشته‌اند؛ مثنوی «نامه نامی» یا «پنج گنج» که به تقلید از «خمس» نظامی نوشته است، مرکب از پنج مثنوی به نام «درج گهر»، «خسرو و شیرین»، «لیلی و مجنون»، «وامق و عذرا» و «یوسف و زلیخا».

الذریعه (۳/ ۲۸۴، ۷/ ۲۶۳، ۹/ ۱۱۶۵-۱۱۶۶، ۱۹/ ۳۱۹، ۲۴/ ۲۵)، سفینه‌المحمود (۱/ ۳۳۹-۳۴۰)، شرح حال رجال (۵/ ۲۵۰)، صبح گلشن (۵۰۲-۵۰۳)، فرهنگ

او شاگرد ابراهیم آقاباشی بود و در نوازندگی نی مهارت و قدرت بسزایی داشت و در اطلاعات موسیقی کم نظیر بود. وی را به اخلاق و فضایل پسندیده ستوده و در نوازندگی نی، همطراز سماع حضور و آقا حسینقلی در ستور و تار دانسته‌اند. در اهمیت مقام نایب اسدالله همین بس که گفته بود: "من نی را از آغل گوسفندان به دربار پادشاه بردم." او مدتها در تهران ساکن بود و سپس به مولد خود، اصفهان بازگشت و در همان‌جا درگذشت. از وی صفحاتی باقی مانده است.

استادان موسیقی (۶۰)، تاریخ تحول ضبط موسیقی (۱۴۰، ۱۴۵، ۱۵۸)، تئوریک موسیقی (۲/ ۶۱۶، ۶۱۷-۶۱۹)، تاریخ هنرهای ملی (۲/ ۹۸۰-۹۸۱)، سرگذشت موسیقی (۱/ ۲۹۰-۲۹۲)، شرح حال رجال (۶/ ۳۶)، مردان موسیقی (۲/ ۱۱۱-۱۱۲).

نایب اصفهانی، محمدرضا. (س دوازدهم ق)، شاعر، متخصص به نایب. در اصفهان به دنیا آمد. با شیخ محمد علی حزین لاهیجی (م ۱۱۸۱ ق) معاصر بود. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

ناله پنداشت که در سینه ما جا تنگ است
رفت و برگشت سراسیمه که دنیا تنگ است
الذریعه (۹/ ۱۱۶۸)، ریحانه (۶/ ۱۲۶)، صبح گلشن (۵۰۳)، فرهنگ سخنوران (۹۱۹)، لغت نامه (ذیل/ نایب اصفهانی).

نایب الصدراة، ابراهیم - مدرس مهدی، ابراهیم.

نایب الصدر، میرزا معصوم - معصوم علی‌شاه.

نایینی، شیخ میرزا حسین / محمد حسین، فرزند شیخ عبدالرحیم، فرزند میرزا محمد سعید. (۱۳۵۵-۱۲۷۷ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، حکیم، متکلم، مجتهد، مرجع تقلید و مدرس. پدرش شیخ عبدالرحیم ملقب به شیخ الاسلام نایینی نجفی است. محمد حسین در خانواده‌ای روحانی در نایین اصفهان به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات در هفده سالگی به اصفهان رفت و اصول را نزد میرزا ابوالعالی کرباسی و حکمت و کلام را نزد میرزا جهانگیرخان قشقایی و شیخ محمد حسن هزار جریبی و آقا نجفی اصفهانی خواند. چندی نیز شاگرد درس فقه و اصول شیخ محمد باقر اصفهانی، پدر آقا نجفی، بود. نایینی در ۱۳۰۳ ق برای ادامه تحصیل به عراق رفت و پس از توقیف کوتاه در نجف راهی سامرا شد و از محضر میرزای

شاعر. اصلش از استرآباد و از احفاد میرزا مهدی خان استرآبادی، منشی نادر شاه افشار، می‌باشد. در کرمانشاه به دنیا آمد. بیشتر اشعارش در مدایح معصومین سلام‌الله علیه است. وی سرانجام در زادگاهش درگذشت. از آثارش: «دیوان» شعر.

حدیقه الشعراء (۳/ ۱۸۴۳-۱۸۵۱)، الذریعه (۹/ ۱۱۶۷)، فرهنگ سخنوران (۹۱۹)، گلزار جلاویدان (۳/ ۱۶۰۴)، مجمع الفصحا (۶/ ۱۰۸۳).

نامی مهدی - ناجی مهدی، شاه قاسم.

ناهید شیرازی، میرزا ابراهیم. (وف ۱۳۳۳ ش)، روزنامه‌نگار. وی در ۱۳۰۰ ش روزنامه «ناهید» را در تهران تأسیس و منتشر کرد، که اولین روزنامه کاریکاتوریستی و انتقادی و اجتماعی بود و چون مقالات آن به زبان ساده عوام فهم نوشته می‌شد، مورد استقبال عموم مردم قرار می‌گرفت. این روزنامه چند بار توقیف شد و سرانجام در سال نهم انتشار در اثر حریق ناگهانی اداره روزنامه آتش گرفت و دیگر انتشار نیافت. میرزا ابراهیم سرانجام در تهران درگذشت.

ادبیات نوین (۳۱۴-۳۱۵)، تاریخ جراید (۴/ ۲۵۵-۲۵۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵/ ۶۴۸-۶۴۹).

ناهید همدانی، یعقوب، فرزند عبدالرحمان. (۱۲۶۸-۱۳۴۳ ش)، شاعر. معروف به الستی. در همدان به دنیا آمد و بعد از فوت پدر وارد خدمت دولت شد. وی تحصیلات خود را در همدان به پایان رساند و رموز شعر و فنون ادب را از محضر غلام همدانی کسب کرد و در شمار اعضای انجمن ادبی آن شهر که به ریاست آزاد همدانی اداره می‌شد، درآمد و بعد از فوت وی چندی ریاست انجمن را بر عهده گرفت. او مدتی در دادگستری و پس از آن در پست و تلگراف همدان به خدمت پرداخت. از آثار وی: «دیوان» شعر، متجاوز از پنج هزار بیت.

بزرگان و سخن‌سرایان همدان (۲/ ۳۶۱-۳۶۴)، الذریعه (۹/ ۱۱۶۷)، سخنوران نامی معاصر (۶/ ۳۶۰۷-۳۶۱۲)، فرهنگ سخنوران (۹۱۹).

نایب اسدالله اصفهانی. (وف ح ۱۳۴۳ ق)، موسیقیدان. معروفترین و ماهرترین استاد نوازنده نی در اواخر عهد قاجاریه بود که بسیاری از اساتید این فن از دست پروردگان و شاگردان او هستند، از جمله مهدی نوایی اصفهانی، حسین یآوری، حسن کسایی، عبدالخالق و حسین اصفهانی.

مؤلف «طرائق الحقائق» آورده که عبدالوهاب محضر نورعلیشاه را درک کرده است. وی در قصبه نایین درگذشت و در مصلى، نزدیک مزار سید محمد بن عبدالله الحسوی نوربخشی، دفن شد.

شرح حال رجال (۲/ ۳۱۸)، طرائق الحقائق (۳/ ۲۱۵-۲۱۶).

نایینی، میرزا رفیعا ← رفیعا نایینی.

نایی تبریزی، محمد، فرزند حاجی اسماعیل. (س دهم و یازدهم ق)، موسیقیدان و شاعر. اهل شبانکاره فارس بود و در ملازمت شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ ق) به سر می برد. در علم ادوار و موسیقی مهارت داشت و تصنیفهایی نیز ساخته است. به هند رفت و به مدح عبدالرحیم خان، خان خانان، پرداخت. در ۱۰۲۳ ق، در راه رفتن به مکه، باقی نهندی در بندر مَخای یمن با او ملاقات کرد. بعد از مراجعت از مکه، نایی به برهانپور نزد شاهزاده خرم رفت و مورد عنایت وی قرار گرفت و ملازمت جهانگیر شاه (۱۰۱۴-۱۰۳۷ ق) را پذیرفت. جهانگیر شاه در ۱۰۲۶ ق بعد از شنیدن چند مجلس ساز از او و شعری که در وصفش سروده بود، دستور داد به اندازه وزنش به او زر دادند. ایاتی از وی در تذکرها نقل شده است.

کاروان هند (۲/ ۱۴۲۰-۱۴۲۱)، مآثر رحیمی (۴/ ۱۶۸۹-۱۶۹۰).

نباتی قراچه داغی تبریزی، سید ابوالقاسم، فرزند سید محترم اشتبینی. (وف ۱۲۶۲ ق)، عارف و شاعر، متخلص به نباتی. وی خان چوپانی یا مجنون شاه نیز تخلص می کرد. اهل اشتبین یا اشبین، دیهی از ناحیه قراچه داغ تبریز، بود. در آنجا نشو و نما یافت و بعد از مدتی به اهر مسافرت کرد. وی درویش مسلک و صوفی مشرب بود و تتبع اشعار خواجه حافظ شیرازی می کرد. شعرهای ترکی مطابق نغمات کردی، کرمی، قراکهری و گرایلی بسیار گفته است. در اواخر عمر به اشتبین بازگشت و در آنجا درگذشت و در بقعه شیخ شهاب الدین که مدتی در آنجا به ریاضت پرداخته بود، دفن شد. نام پدر وی به صورتهای مجرم و محرم نیز آمده است. از آثار وی: «بحر طویل»، در مدح رسول اکرم (ص)، «بوستان خیال»، «عین العشق»، «دیوان» شعر.

دانشمندان آذربایجان (۳۷۱-۳۷۰)، الذریعه (۳/ ۴۱، ۱۵۶، ۹/ ۹۶۸، ۱۱۶۸-۱۱۶۹، ۱۵/ ۳۷۲)، ریحانه (۶/

شیرازی و سید اسماعیل صدر و سید محمد فشارکی اصفهانی استفاده نمود. پس از درگذشت میرزای شیرازی، به همراه سید اسماعیل صدر به کربلا رفت و پس از دو سال از آنجا به نجف رفت و در این شهر اقامت گزید و از محضر آخوند ملا محمد کاظم خراسانی بهره ها برد. او از محدث نوری و حاج شیخ محمد طه نجف و حاج میرزا حسین خلیلی روایت نمود. پس از درگذشت آخوند خراسانی، خود مستقلاً به بحث و تدریس پرداخت. شیخ حسین حلی و سید ابوالقاسم خویی نجفی و شیخ محمد ابراهیم کرباسی و شیخ محمد علی کاظمی خراسانی، صاحب «فوائد الاصول»، و شیخ موسی خوانساری نجفی، صاحب «منیة الطالب»، در شرح «المکاسب»، و میرزا محمد باقر زنجانى از شاگردان وی بودند. سید محسن حکیم طباطبایی و شیخ عبدالنبی عراقی نجفی و میرزا محمد علی اردوبادی از وی روایت نموده اند. او در جریان انقلاب مشروطه ایران و نهضت علمای شیعه در عراق بر ضد سلطه انگلستان فعالیت داشت، اما عمده شهرتش بواسطه تألیف کتاب «تنبيه الامّة و تنزيه الملة»، در لزوم مشروطیت ایران، و بطور کلی در زمینه تبیین نظرات اسلام و شیعه در زمینه حکومت است. در اواخر عمر برای معالجه به بغداد رفت و در همین شهر درگذشت. پیکرش را به نجف منتقل نمودند و در صحن شریف به خاک سپردند. از دیگر آثارش: حاشیه بر «نجات العباد»، حاشیه بر «عروة الوثقی»، رساله ای در «احکام خلل»، رساله ای در «معانی الحرفیة»، رساله ای در «تزامم و ترتیب»، رساله ای در «قاعده لا ضرر»، رساله ای در «خيارات»، رساله ای در «معاطاة»، رساله ای در «بیع فضولی»، رساله ای در «لباس مشکوک»، «وسيلة النجاة»، رساله عملیه.

ایان الشیعه (۶/ ۵۴-۵۶)، الذریعه (۶/ ۱۴۹، ۱۱/ ۱۵۰، ۴/ ۴۴۰، ۱۴/ ۱۸۳، ۱۸/ ۲۹۴، ۲۱/ ۲۰۵، ۲۵/ ۸۷)، ریحانه (۶/ ۱۲۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/ ۵۹۳-۵۹۶)، لغت نسامه (ذیل/ نایینی)، معجم رجال الحديث (۲۲/ ۱۸)، معجم رجال نجف (۳/ ۱۲۶۱-۱۲۶۲)، معجم المؤلفین (۴/ ۱۶، ۹/ ۲۴۲)، مکارم الآثار (۶/ ۲۱۶۹-۲۱۸۳)، میرزای شیرازی (۱۳۹).

نسایینی، عبدالوهاب، فرزند عیدالقیوم. (ح ۱۱۱۸-۱۲۱۲ ق)، صوفی. در زمان شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۰۵-۱۱۳۵ ق) به دنیا آمد. بعضی عبدالوهاب را از سلسله نوربخشی می دانند و برخی به اویسیان منسوب می دارند. وی مرشد حاج محمد حسن تبریزی - جد پدری میرزا نصرالله خان مشیرالدوله نایینی و خانواده پیرنیا - بود.

(۱۲۹)، سخنوران آذربایجان (۱/ ۱۲۳)، فرهنگ سخنوران (۹۲۰)، لغت نامه (ذیل / نباتی)، مکارم الآثار (۵/ ۱۶۷۷)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۲۹۲).

نبی، عبدالرحیم - ثابت کرمانی، عبدالرحیم نبی.

نبی خان قاجار. (ز ۱۳۰۴ ق)، نقاش. ملقب به منصور الممالک. از خاندان قاجاری بود که در چهره سازی و شبیه پردازی در شیوه رنگ و روغن مهارت داشت. از آثار وی: چهره میرزا هدایت وزیر دفتر که شبیه سازی نموده، با رقم: «کمترین بنده آستان نبی خان قاجار سینه ۱۲۸۵»؛ تصویر دورنمای دهی که منظره برداشت محصول انگور در آن نقش شده و رقم «عمل کمترین نبی خان ۱۲۸۵» دارد؛ تصویر چهره مرد میان سالی به رنگ و روغن، با رقم: «خانزاد نبی خان قاجار»؛ تصویر رنگ و روغنی پیرمردی، با رقم: «بنده آستان میرزا نبی خان منصور الممالک ۱۳۰۲»؛ تصویر یکی از رجال ناصری، با رقم: «خانزاد نبی خان منصور الممالک ۱۳۰۴».

احوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۳۶۸).

نثار تبریزی - نثار گرمرویی آذربایجانی.

نثار شیرازی، میرزا محمد، فرزند ملا علی بابا، فرزند ملا حسینعلی. (تو ۱۲۶۰/ ۱۲۶۲ ق)، شاعر، متخلص به نثار. در شیراز به دنیا آمد. پس از تحصیل علوم عربی و ادبی به هندوستان رفت و ندیم بعضی از نوابان هند از جمله کلبعلی خان نواب رامپور شد. سپس به تهران آمد و چندی با صاحب «ناسخ التواریخ» میرزا محمد تقی لسانالملک، متخلص به سپهر، مصاحبت داشت و از معلومات او استفاده ها برد. وی بار دیگر به شیراز رفت و از آنجا به هند بازگشت و در ۱۳۰۷ ق «دیوان» شعر خود را با نام «مناقب الکرام» به کمک میرزا حسین خان انصاری، ژنرال کنسول ایران در بمبئی، به چاپ رساند.

آثار عجم (۲۶۸-۲۶۹)، حدیقه الشعراء (۳/ ۱۸۵۷-۱۸۵۶)، دانشمندان و سخن سرايان فارس (۵/ ۶۴۹-۶۵۳)، الذریعه (۹/ ۱۱۶۹)، ریحانه (۶/ ۱۳۱-۱۳۰)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۱۵۸۸، ۲/ ۳۱۳۰)، مرآت الفصاحه (۶۴۵-۶۴۱)، مکارم الآثار (۵/ ۱۶۹۰)، مؤلفین کتب چاپی (۵/ ۸۵۷).

نثار گرمرویی آذربایجانی، میرزا مهدی/ محمد مهدی، فرزند میرزا ابو محمد انصاری. (وف ۱۲۸۳ ق)،

شاعر، متخلص به نثار. ملقب به بیان الملک. نسبش به خواجه عبدالله انصاری می رسد. در قره اشلیق، از قرای محال گرمرویی آذربایجان، به دنیا آمد. وی از کودکی به تحصیل پرداخت و تحت تعلیم و تربیت محمد خان زنگنه امیر نظام قرار گرفت تا جایی که از منشیان خاص او شد. بعد از مرگ محمد خان به تهران آمد و همراه حسین خان نظام الدوله به فارس رفت و بعد از چهار سال دوباره به تهران بازگشت و به دلیل خصومتی که امیرکبیر با وی داشت او را به هیچ کاری نگماشت. میرزا مهدی در زمان میرزا آقا خان نوری چکامه ای نوشت و به منشیگری نظام منصوب شد و منشی باشی نظام لقب یافت و بعد از چندی لقب بیان الملکی به او اعطا گردید. از آثارش: «گنج شایگان»؛ «دیوان» شعر.

حدیقه الشعراء (۳/ ۱۸۵۲-۱۸۷۵)، دانشمندان آذربایجان (۳۷۱)، الذریعه (۹/ ۱۱۶۹-۱۱۷۰)، ریحانه (۶/ ۱۳۰-۱۳۳)، فرهنگ سخنوران (۹۲۰)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۱۵۸۸، ۲/ ۲۳۶۷، ۲۷۷۵)، گنج شایگان (۴۴۶)، مجمع الفصحا (۶/ ۱۰۸۴-۱۰۸۸)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۴۵۳-۴۵۱)، یادگار (س ۲، ش ۸، ص ۷۲-۷۶).

نثاری اصفهانی، تقی. (س دهم ق)، شاعر. به شغل عسکاری و روغن گیری اشتغال داشت و در زمان جلال الدین محمد اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ ق) به هندوستان سفر کرده و پس از چندی به اصفهان بازگشت. اشعاری از وی در تذکرها آمده است. از اوست:

دست و شمشیر و مژه غرقه خون می آید
عالمی کشته بینید که چون می آید

تاریخ نظم و نثر (۶۶۱)، الذریعه (۹/ ۱۱۷۰)، صبح گلشن (۵۰۴-۵۰۳)، فرهنگ سخنوران (۹۲۰)، لغت نامه (ذیل / نثاری).

نثاری بخارایی، خواجه بهاء الدین سید حسن. (ز ۹۷۴ ق)، تذکره نویس و شاعر، متخلص به نثاری. ملقب به نقیب الاشراف. وی از شاعران ماوراءالنهر بود. از آثار وی تذکره «مذکر الاحباب»، در مورد شاعران ماوراءالنهر که در ۹۷۴ ق به نام اسکندر خان شیانی (۹۶۸-۹۹۱ ق) تألیف کرد. مؤلف «تاریخ نظم و نثر»، تاریخ تألیف «مذکر الاحباب» را ۹۸۳ ق ذکر کرده است و در ادامه گفته که محمد بدیع بن محمد شریف سمرقندی متخلص به ملیح در ۱۰۹۳ ق ذیلی بر آن نوشته به نام «مذکر الاصحاب»، و همچنین «الذریعه» نام کتاب نثاری را «مذکر الاصحاب» ذکر کرده است. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.

تاریخ تذکرة‌های فارسی (۲/ ۲۳۵-۲۱۹)، تاریخ نظم و نثر (۴۰۳)، الذریعة (۹/ ۱۱۷۰، ۲۰/ ۲۵۵-۵۵۴)، فرهنگ سخنوران (۹۲۰).

نثاری تبریزی، مولانا نثاری. (س دهم ق)، شاعر. اهل آذربایجان بود و در آن شهر شهرت بسیار داشت. در جوانی به خراسان مسافرت کرد و سپس به قزوین رفت و مدت بیست سال در آن شهر در دربار صفویه بود و محترم می‌زیست. سپس با امیر تقی الدین محمد، نبیره امیر جمال الدین محمد صدر و احمد غفاری (م ۹۷۵ ق) به کاشان رفت. در آنجا میان او و مولانا محتشم کاشانی (م ۹۹۶ ق) رنجشی پیدا شد و یکدیگر را هجو کردند. وی در شاعری شیوه خاصی داشت. در شعر از بابا فغانی و امیر شاهی پیروی می‌کرد. او «دیوان» امیر شاهی را تتبع کرده است. از آثار وی: «دیوان» شعر.

آتشکده آذر (۱/ ۱۴۴-۱۴۵)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۸)، دانشمندان آذربایجان (۳۷۱-۳۷۲)، الذریعة (۹/ ۱۱۷۰)، فرهنگ سخنوران (۹۲۰)، مجمع الخواص (۱۵۵-۱۶۰)، هفت اقلیم (۳/ ۲۴۲-۲۴۳).

نثاری تونی، مولانا نثاری. (وف ۹۶۸ ق)، شاعر. در گناباد یا جتباد ساکن بود. علاوه بر شعر در انشا و معما نیز مهارت داشت. به آورده صاحب «هفت اقلیم» در علم نجوم و هیئت بیشتر از علوم دیگر اظهار مهارت می‌کرد. از آثار وی: مثنوی «سرو و تذرو»، در بحر «شاه و درویش» هلالی؛ «دیوان» شعر.

تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۶۲۶)، تاریخ نظم و نثر (۶۸۹)، تحفة سامی (۲۲۱-۲۲۲)، تذکرة روز روشن (۸۰۳)، تذکرة نصرآبادی (۵۲۲)، دویت سخنور (۴۲۴-۴۲۶)، الذریعة (۹/ ۱۱۷۰)، فرهنگ سخنوران (۹۲۰-۹۲۱)، هفت اقلیم (۲/ ۳۱۹-۳۲۰).

نثری گیلانی. (مقتول س دهم ق)، شاعر. اهل گیلان و معاصر صادقی کتابدار، (م ۱۰۱۶/ ۱۰۱۷ ق)، مؤلف تذکرة «مجمع الخواص»، بود. وی با زیبایی خاصی قصه‌گویی می‌کرده است. گفته می‌شود سلطان شرف الدین بن مختار، کلامی از وی را دلیل الحادش دانست و به همین دلیل، وی را به قتل رساند. ابیاتی از وی در تذکرة‌ها آمده است. الذریعة (۹/ ۱۱۷۱)، لغت نامه (ذیل/ نثری گیلانی)، مجمع الخواص (۲۹۴-۲۹۵).

نجات اصفهانی، میر عبدالعال، فرزند میر محمد

مؤمن حسینی. (وف ۱۱۲۲/ ۱۱۲۶-۱۱۴۰ ق)، شاعر، متخلص به نجات. معروف به میر نجات. وی از سادات کهگیلویه فارس و ساکن اصفهان بود. پدرش مستوفی و نویسنده‌ای عالم و ریاضیدان بود که میر عبدالعال، شغل پدر را در کارهای دیوانی دنبال کرد. در عهد شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ ق) از منشیان دربار شاهی بود و در دوره شاه سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵ ق) در کتابخانه سلطنتی به خدمت اشتغال داشت. نجات، خط نستعلیق را خوش می‌نوشت، شعر نیز می‌سرود و مهارتش در سرودن غزل و مثنوی بود. شاگرد صائب اصفهانی و دوست و هم‌نشین میرزا طاهر وحید قزوینی و میرزا طاهر نصرآبادی و حوزین لاهیجی (م ۱۱۸۰ ق) بود. برخی از مؤلفان معتقدند که «دیوان» میر نجات مشتمل بر حدود ده هزار بیت است و میرزا طاهر وحید بر آن دیبچه نوشته است، به آورده صاحب تعلیقات «تذکرة المعاصرین»، گلچین معانی گوید: «نسخه‌ای از دیوان او را که من دیده‌ام، فاقد دیبچه مزبور بوده و تمام آن دیبچه را در منشآت وحید می‌توان یافت.» درباره شعر وی نظرات مختلفی ابراز شده است. نام وی را میر عبدالعالی و عبدالمعالم و نسبتش را قمی نیز ذکر کرده‌اند. او در اصفهان درگذشت و قبر وی در محوطه آرامگاه آقا حسین خوانساری است. از آثار وی: «دیوان» شعر، پنج هزار بیت؛ مثنوی «مسیر السالکین»، سروده شده در ۱۰۸۵ ق، که یک هزار و دویت بیت از آن باقی مانده است؛ مثنوی «گل گشتی»، در اصطلاحات ورزشی و فنون کشتی، که در ۱۱۱۲ ق سروده شده است. آتشکده آذر (۳/ ۱۰۳۲-۱۰۳۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۱۳۶۷-۱۳۷۲)، تاریخ تذکرة‌های فارسی (۱/ ۶۵۴-۶۵۶)، تذکرة روز روشن (۸۰۴-۸۰۶)، تذکرة المعاصرین (۱۵۷-۱۵۸، ۲۸۸-۲۹۴)، تذکرة نصرآبادی (۳۴۰-۳۴۲)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۵/ ۶۵۳-۶۵۶)، دایرة‌المعارف فارسی (۲/ ۳۰۱۰)، الذریعة (۹/ ۱۱۷۱)، ریحانه (۶/ ۱۳۳)، فرهنگ سخنوران (۹۲۱)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۳/ ۲۵۶۷)، لغت نامه (ذیل/ نجات)، منظومه‌های فارسی (۵۵۷-۵۵۸).

نجات تبریزی، میرزا محمد حسین معین الاسلام، فرزند عبدالغفار. (وف بعد از ۱۳۴۰ ق)، شاعر و مترجم. وی از اشراف خاندان نجات تبریز بود. او قصه «بوذاسف و بلوهر» را - که از حکایات معروف مربوط به تاریخ حیات بودا است - تحت نام «کلید بهشت» به رشته نظم درآورده است. از دیگر آثارش: «قطوف الادب فی امثال العرب»، ترجمه، حاوی یک قسمت از امثال عربی شامل نکات

تربیتی؛ «دیوان» شعر.

تذکره شعرا آذربایجان (۲/ ۶۵۷-۶۵۹)، دانشمندان آذربایجان (۳۷۲)، الذریعه (۹/ ۱۱۷۱، ۱۷/ ۱۵۹)، فرهنگ سخنوران (۹۲۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/ ۲۵۵۳)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۷۷۸).

نجاتی بافقی، ملا محمد علی طبیب. (س سیزدهم ق)، شاعر و طبیب. در اوایل عمر از بافق که وطنش بود به یزد آمد و مشغول تحصیل علم ابدان (علم پزشکی) و علم ادیان شد. چندی به مسافرت پرداخت تا به درجه طبابت رسید و دوباره به یزد بازگشت و در آنجا سکنی گزید. وامق یزدی بعضی از اشعارش را در تذکره خود آورده است. او در حیات وامق (م ۱۲۶۲ ق) از دنیا رفت. ضمناً قابل ذکر است که صاحب «تذکره نصرآبادی» سخنی از یک نجاتی بافقی به میان آورده که بسیار معمر بوده و با این حال «شاهنامه» را به طرز خوش می خوانده شاید این نجاتی، پسر یا نوه آن نجاتی معمر باشد. از آثار وی: «نجاته الابدان». تذکره نصرآبادی (۳۰۷)، حدیقه الشعراء (۳/ ۱۸۶۰-۱۸۶۱، ۱۹۷۶).

نجاتی تبریزی، صدر خیابانی تبریزی. (س دهم ق)، شاعر، متخلص به نجاتی. اهل تبریز بود و به گفته شام میرزای صفوی (م ۹۷۴/۹۷۵ ق) خط نستعلیق را بند نمی نوشت. در «الذریعه»، «دانشمندان آذربایجان» و «تاریخ موسیقی» شرح حال مولانا حافظ مجلسی تبریزی که حافظ قرآن بوده و قانون و شترغو را خوب می نواخته، با شرح حال صاحب عنوان یکی شده است.

تاریخ موسیقی (۱/ ۲۲۳)، نسخه سامی (۸۲-۸۳)، دانشمندان آذربایجان (۲۲۹-۲۳۰، ۳۷۲)، الذریعه (۹/ ۶۰۱).

نجاتی تهرانی، محمد علی، فرزند غلامحسین خان. (تو ۱۳۲۴ ق)، نویسنده، مترجم و شاعر. در تهران به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در آموزشگاههای اسلام و ثروت به پایان رساند. سپس به کسب علوم ادبی و عربی پرداخت و از محضر وحید دستگردی مایه های ادبی اخذ کرد و قریب ده سال به عنوان مدیر داخلی مجله «ارمغان» با وی همکاری کرد و در تصحیح متون ادبی همکار نزدیک او بود و چند سال نیز به عنوان معاون کتابخانه ملی مشغول خدمت گردید. از آثار وی: ترجمه «عجایب المقدور فی نوائب تیمور»، تألیف ابن عرب شاه، به نام «زندگی شگفت آور تیمور»؛ اهتمام در انتشار «دیوان»

شعر ملک الشعرا فتحعلی خان صبا؛ «دیوان» شعر.

الذریعه (۹/ ۱۱۷۲)، سخنوران نامی معاصر (۶/ ۳۶۱۸-۳۶۲۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۱۵۰۲)، کشف الظنون (۱۱۲۸)، گلزار جاویدان (۳/ ۱۶۰۷)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۴۳۰).

نجاتی گیلانی. (س یازدهم ق)، شاعر. در ماسوله فومن به دنیا آمد و مدتی در لار به سر برد. تقی الدین اوحدی (۹۷۳-۱۰۳۰ ق) در کودکی، او را در لار دیده است. در زمان شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ ق) می زیست. از آثار وی: مثنوی «ناز و نیاز» به پیروی از «مخزن الاسرار» نظامی.

الذریعه (۱۹/ ۳۱۷)، فرهنگ سخنوران (۹۲۲)، کاروان هند (۲/ ۱۴۲۵-۱۴۲۶)، منظومه های فارسی (۵۹۰).

نجاتی نیشابوری، حمیدالدین ابوعبدالله محمود، فرزند عمر. (وف ۷۲۸ ق)، ادیب، نحوی و مورخ. از وی به عربی و فارسی آثاری باقی است. از آثار وی: «بساتین الفضلاء و ریاحین العقلاء»، در شرح «تاریخ یمینی» تألیف عتبی؛ شرح قصیده «بدایع الاسحار فی صنایع الاشعار» جمال الدین مطرزی؛ «اعراب القصائد الثلاث و ایضاح غوامض الابحاث»، در شرح سه قصیده از بستی و رجای اصفهانی و فرزدق. صاحب «تاریخ نظم و نثر» آثار نجاتی را به این صورت ذکر کرده است: «بستان العلماء، در شرح یمینی، تألیف ابونصر عتبی، تاریخ معروف غزنویان، رساله پیروزی و مقاله نوروزی در پاسخ خواجه غیاث الدین بن رشیدالدین فضل الله همدانی». «لغت نامه» نیز رساله «الکافی فی المروض» را به وی نسبت می دهد.

تاریخ نظم و نثر (۷۵۵)، کشف الظنون (۲۲۹، ۲۰۵۲)، لغت نامه (ذیل / نجاتی نیشابوری)، معجم المؤلفین (۱۲/ ۱۸۷-۱۸۸)، هدیة العارفین (۲/ ۴۰۸-۴۰۷).

نجم استرآبادی، شیخ احمد. (س چهارم ق)، صوفی. اهل خراسان بود و باشبلی (م ۳۳۴ ق) و مرتعش (م ۳۲۸ ق) معاصر و معاشر بود. دکتر شفیع کدکنی در تعلیقات «اسرار التوحید» آورده: «شکی از یک احمد بن ابراهیم نجم که از محدثین نیشابور بوده، نام می برد و آن در شرح احوال علی بن احمد واحدی نیشابوری (م ۴۶۸ ق) است، می گوید که این واحدی از احمد نجم حدیث شنیده است که از لحاظ زمانی با ابوسعید همعصر می باشد.» و در ادامه گوید که در مقامات شیخ الاسلام انصاری ضمن گفتار از احمد چشتی (م ۵۷۷/۵۹۹ ق) آمده که وی احمد نجم را

جزایری، در سه مجلد.

ایمان‌الشیعه (۹/۱۰)، الذریعه (۴/۲۴۹، ۱۵/۳۰۵، ۱۶/۱۹-۱۸، ۱۷/۲۰، ۲۴/۲۴)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۲/۷۰۶-۷۰۷)، معجم المؤلفين (۱۱/۶۷-۶۶).

نجدی یزدی، ملا نجدی میر عبدالوهاب. (ز ۱۰۲۲ ق)، شاعر، متخلص به نجدی. از سادات یزد و در علم عروض و قافیه استاد بود. در اوایل در یزد و کرمان به سر می برد و در اواخر عصر صفویه در زمان جلال‌الدین اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ ق) چند بار به هندوستان مسافرت کرد و پس از سالها سفر به ثروت فراوانی دست یافت. مدتی در هند ساکن بود تا اینکه از راه دریا به جانب فارس و از آنجا به کاشان رفت و مدتی در کاشان با شاعران آنجا مشاعره داشت. با صادقی کتابدار (م ۱۰۱۷/۱۰۱۸ ق) نیز معاصر و معاشر بوده است. در «کاروان هند» به نقل از تقی‌الدین اوحدی آمده که نجدی مدتی در هند بوده و یاران او را در ۱۰۲۲ ق به سن هفتاد سالگی دیده بودند. «فرهنگ سخنوران» صاحب ترجمه را تحت دو عنوان ذکر کرده است. اشعاری از وی در تذکرها آمده است.

تذکره روز روشن (۸۰۶)، تذکره سخنوران یزد (۳۲۱-۳۲۰)، الذریعه (۹/۱۱۷۳)، فرهنگ سخنوران (۹۲۲)، کاروان هند (۲/۱۴۲۷-۱۴۳۰)، مجمع الخواص (۹۹-۹۸)، هفت اقلیم (۱/۱۶۱-۱۶۲).

نجف آبادی، شیخ عبدالرحیم بن علی اصفهانی. (وف بعد از ۱۲۸۶ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مدرس و مرجع تقلید. اهل نجف آباد اصفهان و از شاگردان شریف‌العلمای حایری بود. شیخ محمد نبی تویسرکانی، صاحب کتاب «لثالی الاخبار»، از شاگردان او بود که در ۱۲۷۹ ق از وی اجازه اجتهاد دریافت نمود. از آثارش: «حقائق الاصول»، که در روزگار مؤلف در ۱۲۸۶ ق به چاپ رسید.

الاعلام (۴/۱۲۲)، ایمان‌الشیعه (۷/۴۶۹)، الذریعه (۷/۳۰)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۳/۷۲۶-۷۲۷)، معجم المؤلفين (۵/۲۰۸).

نجف زنگنه، نجفقلی خان، فرزند علی بیگ. (س یازدهم ق)، شاعر. وی در زمان شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ق) می زیست. به سبب جسارتی که کرده بود، شاه مدتی او را در قلعه الموت زندانی نمود. بعد از رهایی به قزوین رفت و در آنجا سکنی گزید و پس از چندی حاکم مرو شد. از آثار وی: «دیوان» شعر.

دیده است. عبدالحی حبیبی همین احمد نجار را با احمد نجاری که دوست و همسفر ابوسعید در راه آمل بوده، منطبق دانسته است. ولی دکتر شفیعی گوید: «کسی که با آنها، هر چند در جوانی، دیدار داشته، نمی تواند همسفر جوانی ابوسعید در رفتن به آمل باشد».

اسرار التوحید (۳۸)، تعلیقات اسرار التوحید (۶۸۶)، طبقات الصوفیه هروی (۵۹۴).

نجار رازی، ابو عبدالله حسین بن محمد بن عبدالله. (وف ح ۲۲۰ ق)، متکلم. اصلش از قم و ساکن ری بود. وی واضع مکتب کلامی خاصی است که پیروان این مکتب به مناسبت لقب او نجاریه خوانده می شوند. وی در برخی از مسائل مانند: قضا و قدر، اکتساب افعال و وعد و وعید جانب اهل حدیث را گرفت و در بعضی دیگر مثل نفی صفات، خلق قرآن و رؤیت خداوند در روز قیامت به موافقت معتزله برخاست، لذا نجاریه را در زمره فرق معتزله محسوب می نمایند. بیشتر معتزلیان ری و اطراف آن از پیروان او بوده اند. فرقه های برگزیده، زعفرانیه و مستدرکه از شاخه های فرقه نجاریه می باشند. مناظرات وی با نظام که از بزرگان معتزله است، مشهور می باشد. از آثارش: «البدل»، در کلام؛ «المخلوق»؛ «اثبات الرسل»؛ «الارجاء»؛ «القضاء والقدر»؛ «الثواب والعقاب»؛ «اللطیف» و «التأیید»؛ «الارادة الموجبة»؛ «الارادة صفة فی الذات»؛ «الصفات والاسماء»؛ «التاویلات»؛ «الموجز»؛ «المطالبات». الاعلام (۲/۲۷۶)، انساب سمعانی (۵/۴۶۰)، تاریخ مذاهب اسلام (۱۵۰-۱۵۲)، سیر النبلاء (۱۰/۵۵۴)، فرقه های اسلامی (۵۸)، فهرست ابن النديم، ترجمه (۳۳۶-۳۳۵)، هدیة العارفين (۱/۳۰۳-۳۰۴).

نجار شوشتری، ملا محمد بن علی. (وف ۱۱۴۰/۱۱۴۱ ق)، عالم دینی، محدث، مفسر، واعظ و خطیب. بنا به آورده شیخ آقا بزرگ تهرانی از «تذکره عبدالله جزایری» او از شاگردان جد صاحب تذکره، سید نعمه الله جزایری، است و از وی روایت نموده است. نجار در طلب علم به اصفهان و مشهد مسافرت کرد و نزد ملا عبدالرحیم جامی و دیگران تلمذ نمود. از آثارش: «مجمع التفاسیر»، مشهور به «تفسیر ابن النجار» که از تفاسیر بزرگ قرآن است؛ رساله ای در «سیرالملوک»، به فارسی؛ جمع بین متن «الاستبصار» و شرح محدث جزایری بر آن به نام «کشف الاسرار»، و همچنین جمع بین متن «التهذیب» و شرح محدث جزایری بر آن به نام «غایة المرام»؛ «تدوین عقود المرجان فی حواشی القرآن»؛ استادش سید نعمت الله

تذکره نصرآبادی (۲۶)، الذریعه (۹/ ۱۱۷۳-۱۱۷۴)،
فرهنگ سخنوران (۹۲۲)، مجمع الفصحا (۱/ ۱۲۶).

نجفی، شیخ عبدالرحیم، فرزند شیخ محمد علی،
فرزند شیخ محمد حسین شوشتری. (۱۲۲۶-۱۳۱۳ ق)،
عالم دینی، فقیه، اصولی، محدث، متکلم، مدرس، ادیب و
شاعر. از احفاد علامه شیخ محمد باقر مجلسی بود. در
شوشتر به دنیا آمد. پس از گذراندن مقدمات به نجف
مهاجرت کرد و محضر شیخ محمد حسن، صاحب
«جواهر»، را درک نمود. مدت زیادی در محضر شیخ
مرتضی انصاری و سید علی آقا شوشتری تلمذ نمود و در
فقه و اصول و سایر علوم اسلامی متبحر گردید و آثار
بسیاری در علوم مختلف تألیف نمود. سرانجام در تهران
اقامت گزید و به اقامه جماعت و انجام وظایف شرعی و
تدریس در مدرسه منبریه پرداخت. سید عبدالصمد
شوشتری جزیری از شاگردان وی بود. او در حرم مطهر
علوی مدفون است. از آثارش: «اصول الفقه»، در شش
مجلد شامل: «الدلة العقلية»، «التعادل والتراجيح»، «مقدمة
الواجب»، «الصحيح والاعم» و دو مجلد دیگر در مسائل
مستفقه؛ «ایقاظ الراقدین»، در مواضع؛ «اشرف
المعجزات»؛ «قبلة الناسک»، در مناسک؛ «کتاب الطهارة»،
تقریرات درس استادش، سید علی شوشتری؛ «نتیجه
الانظار»، منظومه‌ای در اصول فقه که شاگردش، سید
عبدالصمد شوشتری آن را شرح کرده است؛ «محاسن
الآداب»، در نظم «منیة المرید» شهید ثانی؛ «الاکمال و
السلامة»؛ «البدر الدجی».

الاعلام (۴/ ۱۲۳)، اعیان الشیعه (۷/ ۴۷۰)، الذریعه (۲/
۵۰۳، ۲۰۶ / ۱۷، ۴۶ / ۲۰، ۱۲۵-۱۲۴ / ۲۴، ۴۸-۴۷ /
طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴ / ۱۱۰۶-۱۱۰۸)، مفاخر
اسلام (۸/ ۵۸۶)، مع موسوعات رجال الشیعه (۳/ ۱۱۱).

نجفی، شیخ محمد طه نجف، فرزند شیخ مهدی،
فرزند شیخ محمدرضا بن نجف حکم آبادی تبریزی.
(۱۲۴۱-۱۳۲۳ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، رجالی،
مجتهد، مدرس، زاهد، عابد و شاعر. نیای بزرگش حاج
نجف از تبریز به نجف مهاجرت کرد. محمد طه در نجف
به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت. مقدمات را از
شیخ عبدالرضا طفیلی و دایمی اش، شیخ جواد،
فراگرفت. وی در محضر علامه شیخ محسن خنفر و شیخ
مرتضی انصاری و سید حسین کوه کمری و سید حسین
بحرالعلوم تلمذ نمود و از شیخ ابوالحسن علی بن خلیل
رازی اجازه روایت گرفت. سید محمد سعید حبوبی و

علامه سید محسن امین و شیخ علی جواهری و شیخ
حسن، فرزند شیخ محمد حسن صاحب «جواهر» و سید
مهدی حکیم و سید محمد کاشی حایری و سید عدنان
بحرانی از شاگردان وی هستند. او پس از درگذشت میرزای
بزرگ شیرازی عهده دار مرجعیت گردید. وی به خوبی
شعر می‌سرود و قصایدی از وی در مدح پیامبر (ص) و
امیرالمؤمنین (ع) باقی است. در اواخر عمر پیتی‌اش را از
دست داد. در نجف درگذشت و در حجره‌ای در نزدیکی
صحن مطهر به خاک سپرده شد. از آثارش: «الانصاف فی
تحقیق مسائل الخلاف»، حاشیه بر «الجواهر»، در
فقه؛ «اتقان المقال فی احوال الرجال»، در شرح حال رجال
حدیث که در ابتدا نام آن «احیاء الموات فی اسماء الرواة»
بود؛ «القوائد السنیة» یا «القواعد النجفیة» که حاشیه بر
«فرائد الاصول» یا «رسائل» شیخ انصاری است؛ «غناء
المخلصین»، حاشیه بر «المعالم»؛ شرح «منظومه»
بحرالعلوم؛ «کشف الحجاب فی استصحاب الکبر و مطلق
الاستصحاب»؛ «کشف الاستار عن حکم الخارج عن دار
الاقامة فی الاسفار».

الاعلام (۷/ ۴۶)، اعیان الشیعه (۹/ ۳۷۵)، دانشمندان
آذربایجان (۲۴۵)، الذریعه (۱/ ۸۳، ۲/ ۳۹۷ / ۶، ۲۰۷،
۱۱ / ۲۱۶، ۱۶ / ۳۴۳، ۱۸ / ۲۶-۲۵)، طبقات اعلام الشیعه
(قرن ۱۴ / ۹۶۱-۹۶۷)، علماء معاصرین (۸۳-۸۴)، فوائد
الرضویه (۵۴۷)، معجم رجال نجف (۳/ ۱۲۶۹-۱۲۷۰)،
معجم المؤلفین (۱۰/ ۱۰۷)، مکارم الآثار (۴/
۱۱۴۹-۱۱۵۵).

نجفی کاشانی، شیخ علی، فرزند شیخ مهدی. (۱۳۳۹-
۱۴۰۷ ق)، عالم دینی، مدرس و مفسر. در کاشان به دنیا
آمد و تحت نظر پدرش، که از علمای کاشان بود، نشو و نما
یافت. در ۱۳۶۱ ق به نجف رفت. «مکاسب» و «کفایه» را
در محضر آیت الله میرزا حسن یزدی و خارج فقه و اصول
را در محضر آیت الله خویی و نیز از درس فقه آیت الله
حکیم و آیت الله سید عبدالهادی شیرازی بهره گرفت و به
درجه اجتهاد نایل شد. سپس به ایران بازگشت و مدت سه
سال در قم ساکن گردید و از محضر آیت الله بروجرودی
استفاده نمود و خود به تدریس پرداخت. سرانجام به
خواهش مردم کاشان و به علت بیماری پدرش به کاشان
رفت و در همان جا ساکن گردید و به تدریس و امامت
جماعت و انجام امور دینی پرداخت و در آن شهر
درگذشت. از آثارش: «لنگرهای زمین»؛ «برداشتی از نماز»؛
«مولودی اندر خانه کعبه»؛ «بعثت محمد (ص) و قرآن در
بحران جاهلیت»؛ «صدق بزرگترین فضیلت»؛ «افسانه‌ها یا

و روشنفکر بود و خدمات بسیاری به جنبش آزادی ایران کرد، بسیاری از بزرگان مشروطه را از مریدان او به شمار آورده‌اند. فرزندانش، شیخ محمد تقی مجتهد نجم آبادی و حاج شیخ مهدی نجم آبادی، و علامه محمد قزوینی و علامه علی اکبر دهخدا و ناظم الاسلام کرمانی و میرزا جهانگیر خان شیرازی (صور اسرافیل) و رفیع بامداد و میرزا سید محمد طباطبایی از شاگردان او بودند. در تهران درگذشت و در مدرسه خود به خاک سپرده شد. از آثارش: بنای مریضخانه وزیر (میرزا عیسی وزیر) که به نام خود وی نیز مشهور است، به انضمام یک باب حمام در کنار مریضخانه، در محله حسن آباد تهران؛ هدایت و تشریق میرزا عبدالکریم خان منتظم الدوله فیروزکوهی به بنای مدرسه خیریه دارالایتام حسن آباد؛ دایره کردن قنات در اشتیارد کرج و آباد کردن اراضی موات و احداث صحت آباد، در جهت پشتیبانی مالی بنای مریضخانه. از آثار علمی وی: «تحریر العقلاء»؛ رساله «رد فرقه بهائیه»؛ «جداول، طبقات وارث».

ایان الشیعه (۱۰/ ۲۳۵-۲۳۶)، تحریر العقلاء (مقدمه)، الذریعه (۳/ ۳۸۷)، زندگینامه آیت الله حاج شیخ هادی نجم آبادی، شرح حال رجال (۴/ ۴۰۸-۴۱۰)، علماء معاصرین (۳۳۷)، المآثر و الآثار (۱۴۹)، مکارم الآثار (۴/ ۱۳۷۶-۱۳۷۷)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۷۳۰-۷۳۲).

نجم آبادی، محمود، فرزند مرتضی. (تو ۱۲۸۲ ش)، طبیب، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. نسبش از طرف مادر به شیخ هادی نجم آبادی و از طرف پدر به حاج محمد نجم آبادی، اولین متولی مدرسه عالی شهید مطهری، می‌رسد. در تهران به دنیا آمد. تحصیلاتش را در مدرسه شرکت گلستان و مدرسه قدیم ایران و آلمان و سپس در دارالفنون و دارالمعلمین به اتمام رساند و از آنجا به مدرسه طب رفت و تحصیلات خود را در آنجا تکمیل نمود. در ۱۳۰۹ ش در قوچان و در ۱۳۱۲ ش در سبزوار طبابت کرد و پس از آن به تهران آمد و در انستیتو پاستور مشغول کار شد. وی ریاست بیمارستانهای نجات و لقمان الدوله (لقمان حکیم) را به عهده داشت. دکتر نجم آبادی در اکثر کنگره‌ها درباره ابن سینا و رازی سخنرانی داشت و سالها نایب رئیس انجمن بین‌المللی تاریخ طب در پاریس بود. وی به زبانهای آلمانی، فرانسوی و عربی تسلط داشت و تحقیقاتی در زمینه تاریخ طب و طب سنتی انجام داد و آثاری در این زمینه نوشت. او همچنین ماهنامه «جهان پزشکی» را تأسیس و منتشر نمود. از دیگر آثار وی: «محمد زکریای رازی»؛ «اصول بهداشت»؛ «بلای عظیم نسل بشر،

کرامتهای خیالی»؛ «ملقطات»؛ تفسیر سوره‌های «کهف»، «مریم»، «طه»، «انبیاء»، «حج» و «عم یتسألون»؛ رساله‌ای در «فضیلت قرآن».

کیهان فرهنگی (م ۳، ش ۶، ص ۵۶، س ۴، ش ۶، ص ۳۳-۳۴)، گنجینه دانشمندان (۶/ ۲۷۵-۲۷۶).

نجفی مسجد شاهی، شیخ محمدرضا ابوالمجد اصفهانی.

نجم آبادی، شیخ باقر/محمد باقر، فرزند ملا مهدی، فرزند ملا باقر. (۱۲۶۴-۱۳۴۷ ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و مدرس. اصلش از نجم آباد کرج است. در تهران به دنیا آمد و پس از گذراندن مقدمات به نجف رفت و چندین سال در نجف از محضر علما استفاده نمود. او در اخلاق از خواص شاگردان ملا حسینقلی همدانی بود. پس از رسیدن به درجات بالای علمی به تهران آمد و جانشین پدر و برادرش، آقا شیخ هادی، در امر تدریس و امامت جماعت گردید. سید محسن عاملی صاحب «ایان الشیعه» از شاگردان وی می‌باشد. در تهران درگذشت و در مقبره برادرش، آقا شیخ هادی، دفن شد. از آثارش: «رساله المشتق»؛ حاشیه بر «مکاسب» شیخ انصاری.

ایان الشیعه (۹/ ۱۸۷)، الذریعه (۶/ ۲۱۸-۲۱۷)، زندگینامه آیت الله حاج شیخ هادی نجم آبادی (۵۱-۵۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/ ۲۲۷)، معجم المؤلفین (۹/ ۹۷)، مکارم الآثار (۵/ ۱۷۸۱-۱۷۸۲).

نجم آبادی، شیخ هادی، فرزند شیخ مهدی، فرزند استاد باقر آهنگر. (۱۲۵۰-۱۳۲۰/۱۳۲۱ ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، متکلم، مجتهد، مدرس و نیکوکار. اصل وی از ساوجبلاغ تهران است. در تهران به دنیا آمد. در ۱۲۶۲ ق برای تحصیل علوم به نجف رفت و پس از فراگیری مقدمات در ۱۲۷۰ ق به تهران بازگشت و پس از مدتی برای ادامه تحصیل به نجف مراجعت نمود. وی از شاگردان پدرش، ملا مهدی، و پسر عموش، شیخ حسن نجم آبادی، و شیخ راضی نجفی بود. در ۱۲۸۰ ق پس از درگذشت پدرش، به تهران آمد و عهده‌دار امور دینی گشت. او در فقه، اصول، حدیث، تفسیر و رجال متبحر بود و در زمان خود از مجتهدین بزرگ تهران و مرجع حل و فصل مشکلات مردم به شمار می‌آمد. او بعد از ظهر هر روز جلو درگاه خانه خویش می‌نشست و مردم را از هر گروه و آیین می‌پذیرفت و با همه آنها در کمال آزادی پیرامون مسائل گوناگون بحث می‌نمود. او عالمی آزاد منش

بلاد روم و درگاه سلاجقه آنجا رفت و از راه دیار بکر به شهر قیصریه رسید و در شهر ملاطیه یا ملطیه با شیخ شهاب‌الدین عمر بن محمد سهروردی ملاقات کرد. نجم‌الدین به سفارش سهروردی به خدمت علاء‌الدین کیقباد سلجوقی (۶۱۶-۶۳۴ ق) رسید و کتاب «مرصاد العباد» را به وی تقدیم کرد و مقبول نظر سلطان قرار گرفت. بعد از این نجم‌الدین در بلاد مختلف روم و شام و بخصوص در بغداد سکونت کرد. در ارزنجان به خدمت علاء‌الدین داوود بن بهرامشاه رسید و کتاب «مزمورات اسدی در مزمورات داودی» را به نام وی نوشت. اقامت و مسافرت او در این بلاد حدود چهار یا پنج سال به طول انجامید. در ۶۲۲ ق نزد سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه رفت، سپس به آسیای صغیر بازگشت و به سیر و سیاحت در آن بلاد پرداخت. وی مدتی در قونیه با صدرالدین قونوی و مولانا جلال‌الدین بلخی معاشر بود. نجم‌الدین در این مسافرتها، در روم یا بغداد با اوحدالدین کرمانی نیز ملاقات کرد. عاقبت به بغداد رفت و در آنجا درگذشت. گویند قبر وی در شونیزه بغداد، بیرون مقبره شیخ سری سقطی و شیخ جنید بغدادی است. استاد سادات ناصری در حاشیه «آتشکده آذر» آورده است که نجم‌الدین دایه به سبک سنایی شعر می‌گفت. از آثار وی «مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد»، تألیف شده بین ۶۱۸ و ۶۲۰ ق؛ «معیار الصدق فی مصداق العشق» معروف به رساله «عشق و عقل»؛ «رساله الطیر» یا «رساله الطیور»، به فارسی؛ «رساله العاشق الی المعشوق»، که در شرح عبارت «الصفوی غیر مخلوق» شیخ ابوالحسن خرقانی می‌باشد؛ «منارات السائرین» یا «منارات السائرین الی حضرت الله و مقامات الطائرین بالله»، به عربی، در ۶۵۴ ق؛ «بحر الحقایق و المعانی فی تفسیر السبع المثانی»، در تفسیر «دیوان» شعر. آنشکده آذر (۱۱۱۳-۱۱۱۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۸۹-۱۱۹۶)، تاریخ گزیده (۶۷۱)، تاریخ مغول (۴۹۹-۵۰۰)، دایرة المعارف فارسی (۳۰۱۲/۲)، دنباله جستجو در تصوف (۱۰۸-۱۰۵)، الذریعه (۹۶۰/۹)، ۱۱۷۴، ۳۰۹-۳۰۸/۲۱، رساله عشق و عقل (مقدمه/ ۳۴-۲۱)، ریاض العارفین (۱۴۸-۱۴۹)، ری باستان (۲/ ۳۹۶)، ریحانه (۱۳۸-۱۳۹)، سبک شناسی (۲۰-۲۷)، شذرات الذهب (۵/ ۲۶۵)، صبح گلشن (۵۰۷)، طرائق الحقائق (۲/ ۳۴۲-۳۴۱)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۰۱)، فرهنگ سخنوران (۹۲۳)، کشف الظنون (۲۲۴، ۱۶۵۵، ۱۷۴۴، ۱۸۲۳)، لغت نامه (ذیل/ نجم الدین)، مبانی عرفان و احوال و آثار عارفان (۴۶۵-۴۶۰)، مجالس النقاش (۳۲۰)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال

سفلیس و سوزاک»؛ «تاریخ طب ایران»؛ «تعالیم پزشکی صد ساله فرانسویان در ایران»؛ «راهنمای پزشکان»؛ «مختصری از طب اسلامی بخصوص خدمات ایرانیان»؛ «فهرست کتابهای چاپی فارسی طبی»؛ «آبله و سرخک»، ترجمه؛ «آیین پزشکی یا پند نامه اهوازی»، ترجمه؛ تصحیح «رساله جودیه»؛ مقدمه بر «طب اسلامی».

زندگینامه و آثار دکتر محمود نجم آبادی، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۴۳، ۷۸، ۲۴۸، ۴۰۸، ۵۱۳، ۶۲۵، ۷۲۰، ۸۱۱، ۹۱۰، ۱۶۳۹، ۱۶۹۱، ۲۱۱۶، ۲۴۸۶، ۲۹۵۹)، کیهان فرهنگی (س ۲، ش ۴، ص ۱۴-۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۱۰۲-۹۹).

نجم آبادی، مرتضی، فرزند محمد. (۱۲۵۳-۱۳۲۶ ش)، خطاط. وی از خاندان بزرگ نجم آبادی و پدر دکتر محمود نجم آبادی است. در تهران به دنیا آمد و در این شهر به تحصیل علوم پرداخت و چون از همان کودکی به خوشنویسی علاقه مند شد، به محضر میرزای کلهر رفت و اصول و قواعد خط را نزد وی آموخت. او پس از آنکه از تحصیل مقدمات علوم فراغت یافت، به آموختن فقه و اصول پرداخت و بعد وارد خدمت عدلیه شد و تا مستشاری دیوان کشور ارتقا یافت. در تهران درگذشت و در جوار مقبره حاج شیخ هادی نجم آبادی دفن شد. نجم آبادی آثار خطی زیادی از خود به یادگار گذاشته، که از آن جمله اند: «دیوان» هاتف اصفهانی؛ «دیوان» سرخوش اصفهانی؛ «نصایح الملوک»؛ داستان «ژرژ انگلیسی»؛ «تاریخ اسکندر».

اطلس خط (۵۹۳)، تذکره خوشنویسان معاصر (۹۴-۹۶)، زندگینامه آیت الله حاج شیخ هادی نجم آبادی (۶۱-۶۰).

نجم دایه رازی، نجم‌الدین ابوبکر عبدالله بن محمد. (۵۷۳-۶۵۴ ق)، نویسنده، صوفی و شاعر، متخلص به نجم. معروف به دایه و نجم رازی. در ری به دنیا آمد و در آنجا نشو و نما یافت. وی از اصحاب نجم‌الدین کبری بود، از جوانی به مسافرت پرداخت. بعد از ادای فريضه حج و مسافرت در شام و مصر در حدود ۶۰۰ ق به صحبت شیخ مجدالدین بغدادی (مقتول ۶۰۷/۶۱۶ ق) رسید و شیخ مجدالدین، به اشارت نجم‌الدین کبری، به تربیت و ارشاد او پرداخت. بعد از کشته شدن مراد و شیخ خود، مجدالدین بغدادی، به خراسان بازگشت. در هنگام فتنه مغول به عراق عجم گریخت. بعد از مدتی به همدان رفت و در آنجا ساکن شد. به قول محمد امین ریاحی در مقدمه «مرصاد العباد» پس از آن به اربیل مسافرت کرد و از آنجا به

در زمينه لقب وی در بين مؤلفان وجود دارد. بعضی معتقدند به سبب زیرکی‌اش، او را طامة الکبری (بلای بزرگ) نامیده‌اند و بنابر قولی دیگر چون در جوانی قدرت فوق‌العاده‌ای در بحث و احتجاج داشت، به این لقب معروف گشت. بعضی از پیروانش از باب تکریم، وی را آیه الکبری خوانده‌اند که کم با حذف کلمه اول او را کبری نامیدند. اما از آن جهت به او شیخ ولی تراش می‌گفتند که بسیاری از بزرگان مشایخ صوفیه از تربیت یافتگان وی بودند. نجم‌الدین در خوارزم در شهر خیوه به دنیا آمد. از جوانی برای کسب علم حدیث به مسافرت در بلاد پرداخت، از جمله در نیشابور از ابوالمعالی فراوی (م ۵۸۷ ق)، در همدان از حافظ ابوالعلاء عطار (م ۵۶۸ ق)، در تبریز از ابومنصور حنفی (م ۵۷۱ ق)، در مکه از ابومحمد طباطبائی و در اسکندریه از ابوطاهر سلفی (م ۵۷۶ ق) استماع حدیث کرد. درباره گرایش وی به تصوف و انصرافش از اشتغال به حدیث اختلاف بسیاری در روایات است و ملاقاتش با مشایخ صوفیه هرگز منجر به قطع علاقه وی از اشتغال به علم نشد. وی بعد از خروج از خوارزم مدتی در نیشابور، اصفهان و همدان به استماع حدیث نزد مشایخ وقت اشتغال داشت. در نیشابور با شیخ عطار ملاقات کرد و ظاهراً تبحر او در طب به خاطر توجه عطار به او بوده است. اصول طریقت و تصوف را در تبریز نزد بابا فرج تبریزی و سپس در دزفول نزد شیخ اسماعیل قصری و شیخ شطاح (روزبهان بقلی شیرازی) و دیگر مشایخ عصر فراگرفت و شیخ روزبهان دختر خود را به وی داد. دکتر زرین کوب در «دنباله جستجو در تصوف» آورده که سید محمد باقر خوانساری، مؤلف «روضات الجنات»، خط وی را بر پشت نسخه‌ای از «رساله قشیریه» دیده است که وی این رساله را در ۵۶۸ ق در همدان از ابوالفضل محمد ابن یوسف همدانی استماع نموده است. نجم‌الدین کبری در راه عزیمت به عراق و مصر از محضر عمار یاسر بدلیسی (م ۵۸۲ ق) کسب فیض کرد و مشهور است که نجم‌الدین از دست شیخ اسماعیل قصری و عمار یاسر خرقه پوشید. او به پیشنهاد عمار یاسر برای نشر طریقت و ارشاد طالبان به خوارزم رفت. قبل از عزیمت به خوارزم سفری به مکه کرد و مدتی در حلب به سر برد. به آورده «دنباله جستجو در تصوف» نجم‌الدین در «فوائیح» به اقامتش در شونیزیه بغداد و مسافرتش به کربلا نیز اشاره کرده است. وی حدود ۵۸۰ ق به خوارزم رفت و بنابر بعضی از روایات بین او و امام فخر رازی (م ۶۰۶ ق) که در این زمان در خوارزم به سر می‌برد، ملاقاتی صورت گرفته است. مریدان وی در خوارزم تنها محدود به صوفیه و زهاد نمی‌شدند و در رجال

۵۷۳، ۴۴۱)، مرصاد العباد (مقدمه)، معجم المؤلفین (۶/ ۱۲۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۹۸۶-۹۸۵)، نجات الانس (۴۳۷)، الوافی بالوفیات (۱۷/ ۵۷۹)، هدیه المارفين (۱/ ۴۶۱)، هفت اقلیم (۳/ ۱۰-۱۱).

نجم الدوله اصفهانی، میرزا عبدالغفار، فرزند میرزا علی محمد، (۱۲۵۵/۱۲۵۹-۱۳۲۶ ق)، ریاضیدان و صوفی. ملقب به نجم الملک و نجم الدوله. در اصفهان به دنیا آمد. ریاضیات قدیم را نزد پدرش آموخت و سپس ریاضیات کلاسیک را در دارالفنون تکمیل نمود و از معلمان ریاضیات عالیّه آنجا شد. پس از فوت میرزا رضا نجم‌الملک، منجم باشی عباس میرزا نایب‌السلطنه، وی به سمت منجم باشیگری منصوب و ملقب به نجم‌الملک شد. وی همچنین سالها به استخراج تقویم رسمی مملکت مأمور بود. او در تهران درگذشت و در صفائیه شهر ری به خاک سپرده شد. از آثارش: «اصول جغرافیا»، «آسمان»، در هیئت و نجوم، «کفایه الحساب»، «بدایه الهندسه»، «رساله تطبیقه»، در تطبیق سالهای هجری قمری با سالهای میلادی، «بدایه الجبر»، «بدایه النجوم»، «مجموعه علم ایرانی»، «المثلثات البسیطة».

الذریعه (۳/ ۵۸، ۱۹/ ۷۹، ۲۴/ ۳۹۹)، ریحانه (۶/ ۱۳۶-۱۳۷)، شرح حال رجال (۲/ ۲۷۳-۲۷۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۱۵۷، ۲۱۰، ۲۴۷، ۲۶۸، ۲۷۲، ۴۶۷، ۹۱۰، ۱۰۱۵، ۱۲۰۶-۱۲۰۷، ۲/ ۱۹۹۴، ۲۳۳۵، ۲۴۱۰، ۲۶۱۵، ۲۶۴۵، ۲۶۴۶، ۲۸۷۸، ۲۹۲۵، ۳۰۵۹، ۳۳۵۹)، لغت نامه (ذیل / نجم الدوله)، المآثر و الآثار (۱۹۱-۱۹۲)، مکرم الآثار (۵/ ۱۵۹۹-۱۶۰۰)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۸۹۱-۸۹۴).

نجم‌الدین حسینی، فرزند سعدالدین محمد. (س دوازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: «صحیفه سجاده»، نیم ربیعی، جلد روغنی، دو صفحه اول متن و حاشیه مذهب مرصع، نسخ کتابت خفی متوسط، با رقم: «کتابه الفقیر الحقیر الجانی الی رحمة ربه الغنی ابن سعدالدین محمد الحسینی نجم‌الدین» (قرن ۱۲). احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۲۲۱).

نجم‌الدین کبری، شیخ نجم‌الدین، ابوعبدالله ابوالجناح احمد بن عمر خیوقی خوارزمی. (مقتول ۶۱۷-۶۱۹ ق)، عارف، صوفی، محدث و شاعر. ملقب به کبری و شیخ ولی تراش. مکنی به ابوالجناح یا ابوالجناح یا ابوالخباب. او مؤسس سلسله کبرویه بود. روایات مختلفی

(۱۴۰۶)، مجمل فصیحی (ذیل / سال ۶۱۷)، مرصاد العباد (مقدمه / ۳۷-۳۵، ۴۵-۴۶)، معجم البلدان (۲ / ۴۷۴)، مؤلفین کتب چاپی (۱ / ۴۷۹-۴۸۰)، نفحات الانس (۴۲۲-۴۲۷)، هدیة الاحباب (۲۵۲-۲۵۳)، هدیة العارفین (۱ / ۹۰)، هفت اقلیم (۳ / ۳۱۶-۳۲۰)، یادگار (س ۴، ش ۱ و ۲، ص ۹۶-۱۰۱، ش ۹ و ۱۰، ص ۹۳-۹۴).

نجم‌الدین کوکبی. (س دهم ق)، موسیقیدان و شاعر. وی از موسیقیدانان زیر دست زمان خود بوده و رساله‌ای در موسیقی به نام عبدالله خان نوشته که تألیف و ایقاع (هماهنگ ساختن آوازاها) را در آن شرح داده و ابعاد و اجناس دوازده مقام آواز را بیان کرده است. نجم‌الدین شش آواز را نیز به نظم در آورده و خود آواز خوشی داشته و غزل را نیکو می‌سروده است. او هنگامی که از هرات به بخارا باز می‌گشت، در راه کشته شد. دکتر مشحون در «تاریخ موسیقی ایران» گوید: «عبدالله خان که کوکبی رساله خود را به نام او نوشته، باید عییدالله خان از یک باشد که رساله نادره معمای کوکبی به نام او و مورخ ۹۱۵ هجری قمری است» و در جایی دیگر به نقل از رساله منسوب به عبدالرحمن سیف غزنوی آورده که: «مولانا کوکبی همانا در سلطانیه آن شش آواز را این طور به نظم آورده:

کبشت و مایه و گردانیه چو بر خوانی
بر آر پرده نوروز و سلمک و شهناز»

تاریخ موسیقی (۱ / ۲۴۶-۲۴۹)، تاریخ نظم و نثر (۶۱۷)، تاریخ هنرهای ملی (۲ / ۸۶۹).

نجم‌الدین مسعود - یعقوبی ساوجی .

نجم‌الدین مسعود ساوی - نجم‌الدین مسعود یعقوبی.

نجم‌الدین مسعود - نجم‌الدین مسعود یعقوبی. رکن‌الدین محمد. (س هشتم ق)، مذهب و شاعر. معروف به صاحب اللوح. از شعرای نامی فارس بود و انواع شعر را خوب می‌سرود. در «صبح گلشن» آمده: «در جنگ بین شاه شجاع مظفری (۷۵۹-۷۸۶ ق) و شاه منصور مظفری (۷۹۰-۷۹۵ ق) به قتل رسید». صاحب «احوال و آثار نقاشان» به مذهبی به نام نجم‌الدین محمود مذهب اشاره می‌کند که در قرن هشتم می‌زیسته و در ۷۸۲ ق نیز زنده بوده است. از وی اشعاری در تذکرها نقل شده است.

احوال و آثار نقاشان (۳ / ۱۳۸۲)، تاریخ نظم و نثر (۲۱۵)، صبح گلشن (۲۸۶)، فرهنگ سخنوران (۹۲۳-۹۱۴).

دولت نیز معتقدان و دوستانی داشت. اهل سنت نجم‌الدین را با وجود علاقه‌ای که در آثار و اقوال خویش به آل علی (ع) نشان می‌دهد و با وجود مسافرت به کربلا، به تشیع منسوب نداشته‌اند و امثال یافعی، ذهبی و سبکی او را یک شیخ شافعی تلقی کرده‌اند. از شاگردان مشهور او شیخ مجدالدین بغدادی، شیخ سعدالدین حموی، شیخ رضی‌الدین لالا (م ۶۴۲ ق) و شیخ سیف‌الدین باخرزی (م ۶۵۹ ق) بودند. برخی بهاء‌الدین ولد، پدر جلال‌الدین مولوی، و شیخ نجم‌الدین دایه رازی (م ۶۵۴ ق) را نیز از شاگردان وی دانسته‌اند. ناصر بن منصور غرضی و سیف‌الدین باخرزی از وی حدیث روایت کرده‌اند. درباره وفات وی روایات مختلفی وجود دارد، اما آنچه به حقیقت نزدیکتر است، این است که شیخ نجم‌الدین در فتنه مغول همراه با سایر مردم به دفاع از خوارزم پرداخت و توسط مغولان به قتل رسید. درباره مقبره شیخ، اختلاف وجود دارد. به آورده «دنباله جستجو در تصوف» این بطوطه مدتی بعد از تألیف «تاریخ گزیده» در سفری که به خوارزم داشت به وجود قبر او در خارج از خوارزم اشاره دارد. برخی منابع نام پدر وی را محمد نوشته‌اند. از آثارش: «عین الحیات»، تفسیر قرآن در دوازده مجلد؛ «فوائج الجمال و فوائج الجلال»، که این کتاب را به صورت «فوائج الجمال» نیز ذکر کرده‌اند؛ «رسالة فی الخلوة»؛ «رسالة الی الهایم الخلیف من لومة اللائم»؛ «رسالة السایر الحایر الی السائر الواحد الماجد»، به فارسی؛ «رسالة الاصول العشرة»؛ «آداب المریدین»، به فارسی؛ «سکینه الصالحین»، به فارسی. اشعاری نیز بدو منسوب است.

تاریخ ادبیات در ایران (۲ / ۸۵۶، ۸۶۰، ۱۰۱۳-۱۰۱۵، ۱۰۱۹)، تاریخ تصوف در اسلام (۴۹۵-۴۹۶)، تاریخ گزیده (۶۶۸-۶۶۹)، تاریخ مغول (۱۳، ۴۲، ۵۱۴، ۵۳۱)، تذکرة الشعراء (۱۴۹، ۱۵۱، ۲۴۵)، حبیب البیر (۳ / ۳۷-۳۵)، دایرة المعارف فارسی (۲ / ۳۰۱۲)، دنباله جستجو در تصوف (۱۱۸-۸۱)، الذریعه (۹ / ۱۱۷۵)، ریاض العارفین (۱۴۳-۱۴۴)، ریحانه (۶ / ۱۴۳-۱۴۴)، سیر النبلاء (۲۲ / ۱۱۱-۱۱۴)، شذرات الذهب (۵ / ۷۹-۸۰)، صبح گلشن (۵۰۷-۵۰۹)، طبقات الشافعیة سبکی (۸ / ۲۵-۲۶)، طرائق الحقائق (۲ / ۳۳۴-۳۳۶)، العبر (۳ / ۱۷۷)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۰۱-۵۰۲)، فرهنگ سخنوران (۹۲۴)، کشف الظنون (۸۷۶، ۹۰۰، ۱۲۹۲-۱۲۹۳)، لغت نامه (ذیل / نجم‌الدین کبری)، مبانى عرفان و احوال و آثار عارفان (۴۵۵-۴۵۹)، مجالس العشاق (۱۲۰-۱۲۵)، مجالس المؤمنین (۲ / ۷۵-۷۲)، مجالس النفاثات (۳۱۹-۳۲۰)، مجمع الفصحا (۳ /

نجومی).

نجومی هروی، مولانا حاجی نجومی. (س نهم ق)، شاعر. معاصر امیر علیشیر نوایی (۸۴۴-۹۰۶ ق) بود و در سرودن شعر به هزل تمایل داشت. اشعاری از وی در تذکرها آمده است.

الذریعه (۹/ ۱۱۷۶)، فرهنگ سخنوران (۹۲۵)، مجالس الفناش (۳۸).

نجیب استرآبادی - نجیبای استرآبادی.

نجیب اصفهانی، نجیب‌الدین - زرگر اصفهانی تبریزی.

نجیبای استرآبادی. (س یازدهم ق)، شاعر. در عهد شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ ق) می‌زیست و چند سال قبل از تألیف «تذکره نصرآبادی» (۱۰۸۳ ق) به اصفهان رفت و به کسب علوم پرداخت. اشعاری از وی در تذکرها آمده است. از اوست:

غبار راه گشتم، سرمه گشتم، توتیا گشتم
به چندین رنگ گشتم تا به چشمم آشنا گشتم
تذکره نصرآبادی (۳۲۷)، الذریعه (۹/ ۱۱۷۷)، صبح گلشن (۵۰۹)، فرهنگ سخنوران (۹۲۵).

نجیبای اصفهانی، نجیب، فرزند حاجی امین کلیشادی. (س یازدهم ق)، شاعر. اهل کلیشاد، محله‌ای از لنجان اصفهان بود و لذا به نجیبای لنجانی نیز شهرت داشت. صاحب «صبح گلشن» او را اهل گلستانه، محله‌ای در اصفهان، می‌داند. اشعاری از وی در تذکرها آمده است. او معاصر با نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) بود. در سرودن شعر طبعی موزون داشت.

تذکره نصرآبادی (۴۲۵-۴۲۴)، الذریعه (۹/ ۱۱۷۸)، صبح گلشن (۵۱۰)، فرهنگ سخنوران (۹۲۵).

نجیب تبریزی، نجیب‌الدین - زرگر اصفهانی تبریزی.

نجیب جرفادقانی - نجیب گلپایگانی، نجیب‌الدین.

نجیب‌الدین جرفادقانی - نجیب گلپایگانی، نجیب‌الدین.

نجم مسعود یعقوبی. (وف ح ۸۹۷ ق)، خطاط. از مردم ساوه بود و در تبریز می‌زیست. وی خواهرزاده قاضی عیسی و از امرا و منشیان دربار سلطان یعقوب آق قویونلو و استاد او بود و یعقوبی رقم می‌کرد. نجم مسعود در خط شکسته تعلیق مهارت بسزایی داشت و در شمار استادان این فن به حساب می‌آمد. وی تا پایان سلطنت سلطان یعقوب بر سرکار بود و حتی پس از مرگ او، همراه بایستقر میرزا (۸۹۶-۸۹۷ ق) به شروان رفت و در همان‌جا به دست بعضی از امرا مسموم شد. از آثار او: یک قطعه از مرقعی، به قلم کتابت جلی ممتاز، با رقم: «کتابه الراجل الی عفو الله الغنی، نجم مسعود، فی سنة اثنی و ثمانین و ثمانمائة»؛ یک قطعه از مرقعی، به قلم نیم دو دانگ عالی، با رقم: «حرره نجم مسعود الیعقوبی، بدار السلطنة تبریز، فی سنة ثمانین و ثمانمائة»؛ یک قطعه از مرقع، به قلم کتابت جلی، با رقم: «حرره الفقیر نجم مسعود»؛ یک قطعه از مرقعی، به قلم نیم دو دانگ جلی عالی، با رقم: «حرره اضعف عبدالله الغنی، نجم مسعود الیعقوبی فی سنة ۸۸۲».

احسن التواریخ (۵۹۵، ۶۳۳)، احوال و آثار خوشنویسان

(۴/ ۱۲۸۲-۱۲۸۳)، اسناد و مکاتبات تاریخی ایران

(۴۱۲)، اطلس خط (۴۰۸)، حبیب السیر (۴/ ۴۳۱).

نجم‌الملک اصفهانی - نجم‌الدوله اصفهانی.

نجمی شیرازی، محمد حسین، فرزند محمدجعفر. (س سیزدهم ق)، شاعر. پدرش معروف به علاقه بند بود. نجمی به همراه خانواده‌اش در کریملا سکونت داشت. در شعر به سرودن غزل و قصیده متمایل بود. از اوست:

چو بر گشود صبا چین ز زلف پر شکنش
به باد داد به هر گوشه نوافه ختنش
امید آن که شبی جان دهم در آغوشش
به شرط آنکه نباشد حجاب پیرهنش

حدیقه الشعراء (۳/ ۱۸۶۱-۱۸۶۲)، مرآت القاصه (۶۴۶-۶۴۷).

نجومی کاشانی، ملا غیاث. (س یازدهم ق)، منجم و شاعر. اهل آران، از قرای کاشان، بود. نصرآبادی گوید: "در فن نجوم و (وقت ساعت) سازی قدرت داشته، چنانچه وقت ساعتی در کاشان ساخته... طبع شعر نیز داشت و قاضی آران را هجو کرده است. اشعاری از وی در تذکرها آمده است.

تذکره نصرآبادی (۳۰۸)، الذریعه (۹/ ۷۹۶، ۱۱۷۶)، فرهنگ سخنوران (۹۲۵-۹۲۴)، لغت نامه (ذیل / غیاث

نجیب گلپایگانی، نجیب‌الدین. (وف ۶۶۵ ق)، شاعر، متخلص به نجیب. ملقب به ملک الشعرا. وی شاعری قصیده سرا بود. بعضی از مؤلفان، او را مداح سلاجقه و عده‌ای مداح امرای قلعه و ساق یا وشاق (نزدیک نطنز کاشان) و بعضی او را در شمار شاعران بعد از کمال‌الدین اسماعیل در عراق می‌دانند. زمائی که رکن‌الدین غورسانجی، پسر سلطان محمد خوارزمشاه در اصفهان مستقر شد، نجیب‌الدین به دستگیری عمادالملک ساوجی، وزیر رکن‌الدین که با وی سابقه دوستی داشت، به دربار راه یافت و از عمال دربار در عراق گردید و مداح پادشاه و وزیرش شد. نجیب‌الدین در ایام اقامت در اصفهان به مداحی صدرالدین خجندی نیز پرداخت. بعد از زوال دولت غورسانجی، نجیب‌الدین به وطن خود بازگشت و عزلت اختیار کرد و همان جا درگذشت. آقابزرگ در «الذریعه» به نقل از صاحب «شاهد صادق» سال وفات وی را ۶۵۳ ق ذکر کرده و به گفته تذکره «روز روشن» وی با مجیر بیلقانی (م ۵۸۶ ق) معاصر بوده است. از آثار وی: مثنوی «بشر و هند» بر وزن «لیلی و مجنون» نظامی؛ «دیوان» شعر، مشتمل بر قصاید و مقطعات و رباعیات حدود دو هزار بیت.

آتشکده آذر (۳/ ۱۰۴۸-۱۰۴۵)، تاریخ ادبیات در ایران (۳/ ۴۱۶-۴۲۶)، تاریخ گزیده (۷۵۴)، تاریخ نظم و نثر (۱۶۵-۱۶۶)، تذکره روز روشن (۸۰۷)، دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۳۰۱۵)، الذریعه (۹/ ۱۱۷۸)، فرهنگ سخنوران (۹۲۵)، مجمع الفصحا (۳/ ۱۴۰۸-۱۴۰۷)، هفت اقلیم (۲/ ۴۷۹-۴۸۱).

نجیب لنجانی - نجیبای اصفهانی.

نخجوانی، محمد، فرزند علی عباس. (۱۲۹۷-۱۳۸۲ ق)، نویسنده. در تبریز به دنیا آمد و تحصیلات خود را در زادگاهش تکمیل کرد. شغل اصلی اش تجارت بود. وی عشق و علاقه‌ای بسیار به جمع آوری کتابهای خطی داشت و صاحب کتابخانه‌ای عالی بود. در ۱۳۳۵ ش تمام آن کتابها را اعم از خطی و چاپی که حدود ۳۷۰۰ جلد بود به کتابخانه ملی تبریز واگذار نمود. در تبریز درگذشت. از آثارش: «فهرست کتابهای خطی کتابخانه و قرائتخانه تربیت تبریز»؛ مقدمه بر «دیوان» حکیم قطران تبریزی که بر اساس هشت نسخه خطی در تبریز به چاپ رسید.

الذریعه (۹/ ۸۸۵)، شرح حال رجال (۳/ ۲۸۱-۲۸۰)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۱۵۶۴).

نجیب سمرقندی، نجیب‌الدین ابوحامد محمد بن علی بن عمر. (مقتول ۶۱۹ ق)، طبیب. وی طبیبی دانشمند بود و در این زمینه صاحب کتابهای ارزشمند و مشهوری می‌باشد. او معاصر با امام فخر رازی بود. در واقعه قتل عام هرات توسط سپاه مغول به شهادت رسید. در «الذریعه» کتاب «النجیبات» وی در طب و دارو مشتمل بر شش بخش: ۱- «الاسباب و العلامات»، در طب که یکی از اجزای «الخمسة النجیبة» ذکر شده است ۲- «الادویة المفردة»، در دارو ۳- «اصول التراکیب» یا «اصول ترکیب الادویة»، که یکی از اجزاء «الخمسة النجیبة» ذکر شده است ۴- «الاطعمة للصحاء» که یکی از اجزاء «الخمسة النجیبة» ذکر شده است ۵- «الاطعمة للمرضی» ۶- «القربادین» یا «القربادین» که جزء پنجم از «الخمسة النجیبة» ذکر شده، می‌باشد. در «عیون الانباء» این کتاب اخیر تحت دو عنوان «القربادین الکبیر» و «القربادین الصغیر» آمده است. از دیگر آثارش: «الاغذیة و الاشریة للاصحاء»؛ «ابدال الادویة»؛ «مداواة وجع المفاصل»؛ «قوانین ترکیب الادویة القلیبة»؛ «مقالة فی کیفیة ترکیب طبقات العین».

الاعلام (۷/ ۱۶۹)، الذریعه (۱/ ۶۴، ۴۰۴، ۱۲/ ۲، ۱۷۹، ۲۱۷، ۲۵۰، ۱۷/ ۲۰، ۲۴۱/ ۲۴، ۸۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷/ ۱۶۳)، عیون الانباء (۴۳۴)، کشف الظنون (۱۱۳، ۷۷)، لغت نامه (ذیل / سمرقندی)، معجم المؤلفین (۱۱/ ۳۱)، الوافی بالوفیات (۴/ ۱۸۴)، هدیة العارفین (۲/ ۱۱۰).

نجیب کاشانی، ملا نورا، فرزند خواجه محمد حسین. (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به نجیب. پدرش در اصفهان شغل بزازی داشت. او دو سال قبل از تألیف «تذکره نصرآبادی» (تألیف شده در ۱۰۸۳ ق) به اصفهان رفت و در محله خان کاشیان به شغل بزازی مشغول شد، ولی طبع شاعری وی باعث شد که حرفه مذکور را کنار بگذارد. به آورده صاحب تذکره «روز روشن» وی در زمان شاه سلطان حسین صفوی به دربار راه یافت و مورد احترام قرار گرفت و از طرف او ملقب به ملک‌الشعرا گردید. وی در اصفهان درگذشت. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

چور فلک کشد دلم، گر ز غمت رها شود

دانه ز برق چون رهد، طعمه آسیا شود

تذکره روز روشن (۸۰۷-۸۰۹)، تذکره نصرآبادی

(۳۷۱-۳۷۲)، الذریعه (۹/ ۱۱۷۸)، فرهنگ سخنوران

(۹۲۵).

ندایی نیشابوری، سلطان محمد. (س. دهم ق)، شاعر، متخلص به ندایی. اصلش از نیشابور بود، اما مدتی در یزد سکونت داشت و سفری نیز به حج رفت. بیشتر اشعارش در مدح ائمه اطهار (ع) و پیشوایان دین بود. در حاشیه «آتشکده آذر» از قول آیتی، صاحب «تاریخ یزد»، آمده است که ندایی، در عهد صفویه می‌زیست و مداح شاه طهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴ ق) و شاه اسماعیل دوم (۹۸۴-۹۸۵ ق) بود. صاحب «نتایج الافکار» نیز نام وی را مولانا فدایی ذکر کرده است. از آثارش: نظم «روضة الشهداء» کاشفی؛ «دیوان» شعر.

آتشکده آذر (۲/ ۷۱۱)، تحفه سامی (۲۷۵-۲۷۴)، جامع مفیدی (۲/ ۴۶۳)، الذریعه (۹/ ۱۱۷۹)، فرهنگ سخنوران (۹۲۶-۹۲۷)، لغت نامه (ذیل/ ندایی نیشابوری، ندایی یزدی)، مطلع الشمس (۳/ ۱۸۴)، نتایج الافکار (۷۱۸).

ندایی هروی، سلطان محمد. (س. نهم ق)، شاعر، متخلص به ندایی. معروف به حافظ ندایی. در عهد سلطان حسین بایقرا (۸۷۳-۹۱۱ ق) می‌زیست. اشعاری از وی در تذکرها آمده است. از اوست:

کاش دوزد همدمی چاک گریبان مرا
کاتش دل می‌نماید سوز پنهان مرا
الذریعه (۹/ ۱۱۷۹)، صبح گلشن (۵۱۱-۵۱۲)، فرهنگ سخنوران (۹۲۶-۹۲۷)، لغت نامه (ذیل/ ندایی هروی).

ندایی یزدی - ندایی نیشابوری، سلطان محمد.

ندیم شیرازی، میرزا اکبر/ علی اکبر، فرزندان محمدعلی. (وف ۱۲۶۳ ق)، شاعر، متخلص به ندیم. وی برادر کوچکتر حکیم قائمی است. وی در پایان عمر عزلت گزید و به کتابت پرداخت و چند قرآن کتابت کرد. از آثارش: «دیوان» شعر.

تذکره طلعت (۲۲۵)، حقیقة الشعراء (۳/ ۱۸۶۳-۱۸۶۴)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵/ ۶۶۲-۶۶۱)، الذریعه (۹/ ۱۱۸۰)، فارسنامه ناصری (۲/ ۱۱۲۹)، مرآت الفصاحه (۶۴۸-۶۴۹)، مصطفی خراب (۱۹۵).

ندیم فسایی، میرزا سید حسین. (ز ۱۳۰۵ ق)، شاعر، متخلص به پرتو و ندیم. ملقب به سیف السادات. از سادات دشتکی شیراز بود و در قضا زندگی می‌کرد. به علت از دست دادن والدین در کودکی، از تحصیل باز ماند. او در بیست سالگی به شیراز رفت و در مدرسه سید امیر محمد

نخجوانی، نجم الدین احمد بن ابوبکر بن محمد. (ز ۶۵۱ ق)، طیب. وی اهل نخجوان آذربایجان بود. از آثارش: شرح «اشارات» ابن سینا؛ «حل شکول القانون»، در شرح «قانون» ابن سینا، که در ۶۵۱ ق آن را نگاشت.

ریحانه (۶/ ۱۳۷)، لغت نامه (ذیل/ احمد)، معجم المؤلفین (۱/ ۱۷۸).

نخجوانی تبریزی. (س. چهاردهم ق)، نقاش. اهل تبریز و از آبرنگ سازان دوره احمد شاه قاجار (۱۳۲۶-۱۳۴۴ ق) بود که به کربلا رفت و به خلق تصاویر مذهبی اشتغال ورزید. از آثار وی: آبرنگ بزرگی بر روی پرده پارچه‌ای که در رویه آن، بارگاه معظم حضرت امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع) را به طلاکاری پر مایه تصویر کرده و رقم نهاده است: «نخجوانی».

احوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۳۸۲).

نخشب، ابوتراب عسکر - ابوتراب نخشبی.

نخشب بدایونی، سید ضیاء الدین محمد - ضیاء نخشب بدایونی.

نخلی بخارایی، ملا نخلی. (س. یازدهم ق)، شاعر. اهل بخارا بود. مدتی در خدمت امامقلی خان، حاکم بخارا، به سر برد و بعد از فوت او، به بلخ آمد. وی با نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) معاصر بود. در بلخ درگذشت. مؤلف «صبح گلشن» امامقلی خان را حاکم شیراز نوشته است. اشعاری از وی در تذکرها آمده است. از اوست:

طریق زندگی از شمع انجمن آموز
کز آتش دل خود تا بوقت مردن سوخت
تذکره روز روشن (۸۱۰)، تذکره نصرآبادی (۴۳۵-۴۳۶)، الذریعه (۹/ ۱۱۷۹)، صبح گلشن (۵۱۱)، فرهنگ سخنوران (۹۲۶).

ندایی کاشغری، خواجه عبدالله بن محمد. (وف ۱۱۷۴ ق)، صوفی و شاعر، متخلص به ندایی. ساکن قسطنطنیه و از مشایخ طریقه نقشبندیه بود و در آنجا به تعلیم و نشر آن طریقه می‌پرداخت. از او رسایلی در تصوف موجود است. از آثارش: «فقرات»؛ «رساله حقیقه»؛ «منظومه»؛ «مناجات»؛ «دیوان» شعر.

تاریخ نظم و نثر (۲۸۱)، الذریعه (۹/ ۱۱۷۹)، فرهنگ سخنوران (۹۲۶)، لغت نامه (ذیل/ ندایی کاشغری)، هدیة العارفین (۱/ ۴۸۴).

ترسیم کننده نقش قالیها در دیار عثمانی بود. از آثار وی: قالیچه نفیس ابریشمی که کناره‌های آن به تزیینات و اشعار ترکی آراسته گردیده و در وسط قالیچه، نام نامی حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) به خط طغرای نوشته شده و در کناره‌ها و بالای آن، نقش گل‌های متنوع و رنگین ترسیم یافته و در انتهای قالیچه به خط زیبای نستعلیق رقم نهاده است: «رسمه محمود ندیمی». احوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۱۳۶).

نراقی، ملا احمد، فرزند ملا مهدی/محمد مهدی بن ابی ذر. (۱۱۸۵/۱۱۸۶-۱۲۴۴/۱۲۴۵ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، محدث، رجال، منجم، ریاضیدان، مدرس، ادیب و شاعر، متخلص به صفایی. جامع معقول و منقول بود. در نراق از توابع کاشان به دنیا آمد. مقدمات را نزد پدرش و شاگردان پدرش فراگرفت. سپس به همراه پدر به عراق رفت و در نجف از محضر سید مهدی بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف الغطا و در کربلا از محضر میرزا مهدی شهرستانی و آقا محمد باقر بهبهانی استفاده نمود تا به مرتبه اجتهاد رسید و خود به بحث و تدریس پرداخت. سپس به نراق کاشان بازگشت و عهده‌دار ریاست و مرجعیت دینی شد. وی از پدرش و سید بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف الغطا و به واسطه پدرش از ملا محمد باقر مجلسی روایت نموده است. شیخ مرتضی انصاری و سید محمد شفیع جابلقی و بسیاری دیگر از بزرگان از شاگردان وی بودند. در نراق به بیماری وبا درگذشت، پیکرش به نجف منتقل و در صحن مرتضوی به خاک سپرده شد. از آثارش: «مناهج الوصول الى علم الاصول» یا «مناهج الاحکام»؛ «مستند الشیعة فی احکام الشریعة»؛ در فقه؛ «وسيلة النجاة»؛ «مفتاح الاصول و مصباح الوصول»؛ «معراج السعادة»؛ در اخلاق به فارسی؛ «مفتاح الاحکام»؛ در اصول فقه؛ «تنقیح الفصول»؛ در شرح «تجريد الاصول» پدرش، ملا مهدی نراقی؛ «اساس الاحکام»؛ «اسرار الحج»؛ «عوائد الايام»؛ در قواعد اصولی و فقهی، به فارسی؛ «الخزائن»؛ به سبک «کشکول»؛ در تسمیم کتاب «مشکلات العلوم» پدرش به فارسی؛ «سیف الامة و برهان الملة»؛ در رد پادری نصرانی، به فارسی؛ «رسالة منجزات المریض»؛ مثنوی «طاقدیس»؛ «دیوان» شعر.

الاعلام (۱/ ۲۴۵)، اعیان الشیعة (۳/ ۱۸۴-۱۸۳)، ایضاح المکنون (۱/ ۳۳۱، ۲/ ۳۵، ۱۳۰، ۴۷۸، ۵۲۳، ۵۶۳)، حدیقة الشعراء (۲/ ۱۰۲۷-۱۰۳۱)، الذریعة (۱/ ۲۶۷، ۲/ ۴۲، ۷/ ۱۵۲، ۹/ ۶۱۰، ۱۱/ ۱۱۸۱، ۱۲/ ۱۲، ۱۲/ ۲۸۶، ۱۳/ ۱۳۸، ۱۳۵، ۱۴۰، ۱۷/ ۳۶۷، ۱۷/ ۲۱، ۱۷/ ۱۳۴، ۱۵/ ۱۹۵، ۱۳۴، ۳۵۴، ۳۶۷، ۱۷/ ۱۴۰، ۲۱/ ۲۱)

به تحصیل پرداخت و سپس از خادمان ظل السلطان، حاکم فارس شد و پس از مدتی به رتبه ندیمی ارتقا یافت و لقب خانی گرفت، اما از این امور کناره گیری کرد و داخل سلسله نعمت الهی شد. ندیم پس از زیارت مکه به مشهد رفت و در آنجا به تحصیل پرداخت. او در ۱۳۰۵ ق به شیراز مراجعت کرد و از طرف ظل السلطان به سیف السادات ملقب گردید. از آثار وی منظومه‌ای به نام «کبری» می‌باشد. همچنین از او تاریخ منظومی به بحر متقارب مشتمل بر وقایع بعد از بعثت رسول اکرم (ص) باقی مانده است. حدیقة الشعراء (۳/ ۱۸۶۷-۱۸۶۸).

ندیم مازندرانی، میرزا محمد، فرزند میرزا کاظم. (وف ۱۲۴۱ ق)، شاعر. اصلش از ایروان بود. در مازندران سکونت داشت. اجدادش در ایروان صاحب مکنت بودند ولی توسط نادرشاه افشار به مازندران کوچانده شدند. وی ندیم و کتابخوان فتحعلی شاه قاجار بود. از آثارش: «دیوان» شعر به آورده «مکارم الآثار»، به نقل از «تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران»، وی کتابی به نام «مفرح القلوب» در تاریخ قاجاریه تألیف کرده است.

تاریخ عضدی (۲۶۹-۲۷۰)، حدیقة الشعراء (۳/ ۱۸۶۸-۱۸۶۹)، الذریعة (۹/ ۱۱۸۰)، سفینه محمود (۲/ ۶۳۳-۶۳۴)، شعری مازندران و گرگان (۳۱۵-۳۱۶)، فرهنگ سخنوران (۹۲۷)، گلزار جاویدان (۳/ ۱۶۱۵)، مجمع الفصحاء (۶/ ۱۰۶۳-۱۰۶۴)، مکارم الآثار (۴/ ۱۱۴۶-۱۱۴۷)، نگارستان دارا (۱۴۱-۱۴۲).

ندیم مشهیدی، میرزا زکی. (وف ۱۱۶۳ ق)، شاعر، متخلص به ندیم. اصلش از مشهد بود و در اصفهان نشو و نما یافت. در عهد شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۰۵-۱۱۳۵ ق) می‌زیست و ملازم وی بود. بعدها ملازم نادر شاه افشار (۱۱۴۸-۱۱۶۰ ق) شد. ندیم در زمان محاصره بغداد به زیارت نجف رفت و در آنجا درگذشت. صاحب «صبح گلشن» و «ریحانة الادب» سال فوت وی را ۱۱۵۲ ق نوشته‌اند. از آثار وی: «دیوان» شعر. صاحب «الذریعة» کتابهای «در نجف»، بر وزن «مخزن الاسرار» در هزار و پانصد بیت، در تاریخ هجوم افغانه و منظومه «تسبیح کربلا»، در چهار هزار و پانصد و هفتاد بیت، تألیف شده در ۱۱۵۸ ق را به او نسبت می‌دهد.

الذریعة (۹/ ۴۰۳، ۱۱۸۰)، ریحانة (۶/ ۱۶۰)، صبح گلشن (۵۱۳-۵۱۴)، فرهنگ سخنوران (۹۲۷).

ندیمی، محمود. (س سیزدهم ق)، رسام. وی مصور و

به ایران مراجعت کرد و در کاشان سکنی گزید. با حضور او در کاشان علم و دانش در این شهر رونقی تازه پیدا کرد. فرزندش، ملا احمد نراقی، و حاج محمد ابراهیم کرباسی و محمد طاهر آبادی و سید محمد باقر حجت الاسلام شفتی اصفهانی و مجذوب علیشاه و میرزا بابا حبیب الله حسینی نطنزی از شاگردان او بودند. در اواخر عمر به نجف رفت و در آنجا به تدریس و بحث و تألیف مشغول شد و در همان جا درگذشت و در حرم مطهر به خاک سپرده شد. از آثارش: «کنز الرموز»، «انیس الموحدين»، «انیس المجتهدين»، «توضیح الاشکال»، در شرح «تحریر اقلیدس»، «معتمد الشیعة فی احکام الشریعة»، «لوامع الاحکام فی فقه شریعة الاسلام»، «التحفة الرضویة فی المسائل الدینیة»، «التجريد» یا «تجريد الاصول»، در اصول فقه، «انیس التجار» یا «انیس التاجرین»، در مسائل تجارت، «نخبة البیان»، در استعاره و تشبیه، «مشکلات العلوم» یا «تفصیل مشکلات من العلوم»، به سبک «کشکول»، «جامع السعادات فی موجبات النجاة»، در اخلاق، رساله‌ای در «عبادات»، «مناسک الحج»، «کتاب الحساب»، «جامع الافکار و ناقد الانظار»، در اثبات واجب الوجود و صفات سلبيه و ثبوتیه، «محرق القلوب»، در مصائب اهل بیت (ع).

الاعلام (۸/ ۲۵۷)، اعیان الشیعة (۱۰/ ۱۴۳، ۱۶۷)،
ایضاح المکنون (۱/ ۱۴۸، ۲۲۷، ۲۴۹، ۳۱۱، ۳۵۳، ۲/ ۴۱۳، ۴۴۳، ۵۰۸)، خاتمة مستدرک الوسائل (۲/ ۱۰۶)،
الذریعة (۲/ ۴۵۳، ۴۶۴، ۴۶۶، ۴۶۷، ۵/ ۴۲-۴۱، ۵۹-۵۸، ۳/ ۳۵۰، ۳۵۱، ۴۳۶، ۷/ ۷، ۱۱/ ۳۲، ۱۰۳، ۱۳/ ۳۳۵، ۱۵/ ۳۰۲، ۱۷/ ۷۵، ۱۸/ ۱۲۱، ۱۵۷، ۳۴۵، ۳۴۹، ۳۵۸-۳۵۹، ۲۰/ ۱۴۹، ۲۱/ ۶۷، ۶۶، ۲۱۳، ۲۲/ ۲۷۴، ۲۴/ ۹۳-۹۴)، رجال و مشاهیر نامی (۴۰۹-۴۱۳)،
روضات الجنات (۷/ ۱۸۹-۱۹۲)، ریحانة (۶/ ۱۶۴-۱۶۵)، طبقات اعلام الشیعة (قرن ۱۳/ ۱۱۶)،
طرائق الحقائق (۳/ ۲۵۴، ۲۵۸)، قصص العلماء (۱۳۲-۱۳۳)، المآثر و الآثار (۱۶۶)، معجم رجال نجف (۳/ ۱۲۸۶-۱۲۸۷)، معجم المؤلفین (۱۲/ ۵۷)، مکارم الآثار (۲/ ۳۶۰-۳۶۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۳۶۰-۳۶۳)، هدیة الاحباب (۱۸۰-۱۸۱)، هدیة العارفین (۲/ ۳۵۲).

نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر. (۲۸۶-۳۴۸ ق)، نویسنده و مورخ. در نرشخ، از روستاهای بخارا، به دنیا آمد. در زمان ابو محمد نوح بن نصر سامانی (۳۳۱-۳۴۳ ق) می‌زیست. از آثار وی «تاریخ بخارا» یا «مزارات بخارا»، به عربی است که در ۳۳۲ ق به نام نوح بن نصر سامانی

۱۵-۱۴، ۲۲۹-۲۳۰، ۳۱۵، ۳۱۷، ۲۲/ ۳۴۱-۳۴۰، ۳۵۰، ۲۳/ ۱۶، ۲۵/ ۸۵، ۱۷۷-۱۷۸)، روضات الجنات (۱/ ۱۰۳-۱۰۷)، ریحانة (۶/ ۱۶۰-۱۶۳)، سفينة المحمود (۲/ ۴۱۹-۴۲۳)، طبقات اعلام الشیعة (قرن ۱۳/ ۱۱۶-۱۱۷)، فرهنگ سخنوران (۵۶۰)، فوائد الرضویة (۴۱)، قصص العلماء (۱۲۹-۱۳۲)، معجم الفصحاء (۵/ ۷۰۵-۷۰۰)، معجم رجال نجف (۳/ ۱۲۸۷-۱۲۸۸)، معجم المؤلفین (۲/ ۱۶۲-۱۶۳)، مکارم الآثار (۴/ ۱۲۳۵-۱۲۴۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۴۸۱-۴۸۴)، نگارستان دارا (۱۰۴-۱۰۶)، هدیة الاحباب (۱۸۰)، هدیة العارفین (۱/ ۱۸۵-۱۸۶).

نراقی، ملا محمد، فرزند ملا احمد. (۱۲۱۵-۱۲۹۷ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و متکلم. ملقب به عبدالصاحب و معروف به حجت الاسلام. در کاشان به دنیا آمد. مدارج علمی را نزد پدر خود، ملا احمد نراقی، طی نمود و از وی اجازه اجتهاد دریافت کرد. بنا به آورده صاحب «مکارم الآثار»، وی داماد میرزای قمی و از مشایخ شیخ جعفر شوشتری می‌باشد. او عهده‌دار تولیت مدرسه سلطانی در کاشان، از بناهای فتحعلی شاه قاجار، بود. وی در کاشان درگذشت. پیکرش به نجف منتقل و در نزدیکی پدر و جدش به خاک سپرده شد. از آثار وی: «انوار التوحید»، در کلام؛ «المراصد ذات الفوائد»، در مسائل مهم علم اصول؛ «مشارق الاحکام»، در فقه.

الذریعة (۲/ ۴۲۲، ۲۰/ ۳۰۰، ۳۲/ ۲۱)، ریحانة (۶/ ۱۶۳-۱۶۴)، المآثر و الآثار (۱۴۴)، مکارم الآثار (۲/ ۵۵۵-۵۵۶)، هدیة الاحباب (۱۸۱).

نراقی، ملا مهدی/محمد مهدی، فرزند ابی ذر بن محمد قمی. (۱۲۰۹-۱۲۸۸ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، محدث، متکلم، حکیم و ریاضیدان. موصوف به خاتم المجتهدين. جامع علوم معقول و منقول و در حساب، هندسه، ریاضی، هیئت و علوم ادبی متبحر بود. در نراق کاشان به دنیا آمد. سپس برای تحصیل به اصفهان رفت و از محضر ملا اسماعیل خواجه‌ری و ملا محمد مهدی هرنندی و شیخ محمد کاشانی و میرزا نصیر استفاده نمود. آن‌گاه برای ادامه تحصیل رهسپار عتبات گشت و در کربلا و نجف نزد بزرگان فقه و اصول و علوم نقلی از قبیل: وحید بهبهانی و شیخ یوسف بحرانی و شیخ مهدی فتونی عاملی به تکمیل معلومات خویش پرداخت و از وحید بهبهانی و شیخ یوسف بحرانی و سید مهدی بحر العلوم و سید محمد مهدی شهرستانی و شیخ جعفر کاشف الغطا و ملا محمد اسماعیل مازندرانی روایت نمود. پس از فراغت از تحصیل

ساکن شد. وی در این مدت علاوه بر شمس‌الدین محمد بعضی از رجال سیستان و خراسان و خصوصاً سلاطین کُرت را نیز مدح کرد. پس از چند سال دوری به خدمت امرای آل کُرت پیوست، اما معاندان نزاری ملوک کُرت را بر علیه او برانگیختند تا جایی که معزول و اموالش مصادره شد. سالهای آخر عمر را در انزوا گذراند و به شغل کشاورزی پرداخت. در نام وی و پدرش بین برخی منابع اختلاف وجود دارد. گویند که از فرقه اسماعیلیه و از مریدان نزار بن مستنصر بالله فاطمی در مصر و با سعدی شیرازی معاصر و معاشر بود. نزاری را نخستین نویسنده دوره بعد از الموت دانسته‌اند که زبان شعر و تعبیرات و اصطلاحات صوفیان را برای پنهان داشتن عقاید اسماعیلی خود برگزید. از آثار وی: «دستور نامه»، «ادب نامه»، «مثنوی سفرنامه»، «ازهر و مزهر»، «بر وزن «شیرین و خسرو»»، «مناظره روز و شب»، «دیوان» شعر، مشتمل بر قصاید، غزلیات، قطعات، رباعیات و چند ترکیب بند، قریب بیست هزار بیت.

آتشکده آذر (۲/ ۵۳۵-۵۲۹)، از سعدی تا جامی (۱۹۸-۲۰۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۳/ ۷۳۱-۷۴۵)، تاریخ مغول (۵۴۵)، تاریخ نظم و نثر (۱۷۰)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه (۵۰۱-۵۰۹، ۵۱۰)، تذکره روز روشن (۸۱۳-۸۱۵)، تذکره الشعراء (۲۵۸-۲۶۱)، حبیب السیر (۲/ ۴۵۷)، دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۳۰۲۰)، الذریعه (۹/ ۱۱۸۲-۱۱۸۳/ ۱۹، ۲۰۸، ۱۹۱)، ریحانه (۶/ ۱۶۶)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۰۳)، فرهنگ سخنوران (۹۲۹)، کشف الظنون (۷۵۵)، لغت نامه (ذیل/ نزاری قهستانی)، مجالس النفاثات (۳۵۵)، مجمع الفصحا (۳/ ۱۳۵۸-۱۳۵۹)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۷۲۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۵۵۳)، هفت اقلیم (۲/ ۳۲۲-۳۲۳).

نَسَاج طوسی، ابوبکر، فرزند عبدالله. (وف ۴۸۷ ق)، عارف و صوفی. ساکن طوس و با ابوعلی فارمدی (م ۴۷۷ ق) همصحبیت بود و هر دو از مریدان خاص ابوالقاسم کرکانی (م ۴۶۹ ق) بودند. (کرکان هم گفته‌اند، که دهی است از دهات طوس که هم اکنون نیز باقی است و به نام کورکان، تلفظ محلی کورکون، در دهستان درزاب، بخش چناران شهرستان مشهد واقع می‌باشد). احمد غزالی (م ۵۱۷/ ۵۲۰ ق) مرید و شاگرد نَسَاج بود. نَسَاج با ابوبکر دینوری (م ۴۶۸ ق) معاصر و معاشر بود. صاحب کتاب «ذهبیه» نام وی را ابوبکر عبدالله ذکر کرده است. تعلیمات کرکانی از طریق نَسَاج و ابوعلی فارمدی در نسلهای بعد

نوشت. در ۵۲۲ ق ابونصر احمد بن محمد بن نصر القباوی آن را به فارسی ترجمه کرد و مطالبی هم از کتب دیگر بر آن افزود. بعد از آن در ۵۷۴ ق محمد بن زفر بن عمر آن را تلخیص نمود. گویا بعد از این تاریخ نیز دیگران در این کتاب دست بردند و بعضی حوادث را تا دوره مغول بر آن افزودند.

انساب سماعی (۵/ ۴۸۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۹۷۷-۹۷۸)، تاریخ بخارا (مقدمه/ سیزده - سی و یک)، دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۳۰۱۷)، لغت نامه (ذیل/ نرغسی)، یادداشت‌های قزوینی (۷/ ۱۹۸).

نرگسی ابهری، ابوالمکارم - آهی هروی.

نریزی مراغی، ابوتراب عبدالباقی بن یوسف بن علی. (۴۰۱/ ۴۰۳-۴۹۱/ ۴۹۲ ق)، فقیه شافعی، محدث، مدرس و زاهد. اصل وی از نریز از قرای آذربایجان بود. ساکن نیشابور و عهده‌دار تدریس و امامت جماعت در مسجد عقیل آنجا بود. در بغداد نزد قاضی ابوطیب طبری فقه آموخت و از ابوطیب طبری و ابوعلی بن شاذان و ابوالقاسم عبدالملک بن بشران عیدی و ابوطاهر بن عبدالرحیم اصفهانی و ابوعبدالله محاملی و ابومحمد جوهری و ابوبکر بن بشران و جماعتی دیگر حدیث شنید. عمر بن علی دامغانی و ابوالبرکات ابن فراوی و ابوعثمان عصایدی و زاهر بن طاهر شحامی و فرزندش، عبدالخالق بن زاهر، و دیگران از وی روایت کرده‌اند.

انساب سماعی (۵/ ۴۸۰-۴۸۱)، سیرالنبله (۱۹/ ۱۷۰-۱۷۱)، شذرات الذهب (۳/ ۳۹۸)، طبقات الشافعیه اسنوی (۲/ ۲۲۳)، طبقات الشافعیه سبکی (۵/ ۹۶)، المعبر (۲/ ۳۶۶)، الکامل (۸/ ۱۹۲)، المنتظم (۱۰/ ۴۱-۴۲)، النجوم الزاهرة (۵/ ۱۶۲).

نزاری قهستانی بیرجندی، حکیم سعدالدین بن شمس‌الدین بن محمد. (۶۵۰-۷۲۱/ ۷۲۰ ق)، صوفی و شاعر، متخلص به نزاری. در بیرجند در یک خانواده زمیندار اسماعیلی به دنیا آمد. پس از اینکه تحصیلات مقدماتی را در بیرجند و قائن به پایان رسانید، به مطالعه ادبیات و علوم متداول زمان در قهستان پرداخت. او از جوانی به خدمات دیوانی روی آورد. در ۶۷۸ ق از تون به آذربایجان، اران، گرجستان، ارمنستان و باکو رفت. در طی این سفرها در تبریز با شمس‌الدین محمد صاحب دیوان جوینی ملاقات کرد و او را مدح گفت. این مسافرت دو سال به طول انجامید و نزاری عاقبت به قهستان بازگشت و

نشر یافت.

تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۹۳۲)، تعلیقات اسرار التوحید (۶۴۷)، ذهبیه (۱۹۴-۱۹۵)، ریحانه (۶/ ۱۷۰)، نفحات الانس (۸۰۸، ۳۷۵).

نسایی، ابوالعباس احمد بن محمد بن زکریا، (وف ۳۹۶ ق)، محدث شافعی و صوفی. اصل وی از نسای خراسان بود. در راه سفر به مصر با شیخ عباس فقیر هروی و در مسافرت به مکه با شیخ عمو، معروف به عمو سالار، ملاقات داشت. افرادی چون ابن عدی، احمد بن عطاء رودباری و ابوبکر ربیع از او حدیث شنیدند. وی در بین مصر و مکه درگذشت. از آثار وی «تاریخ الصوفیه» است که در بعضی از کتابها به نام «تاریخ الصوفیه و سیر الصالحین و الزهاد» آمده است.

تاریخ بغداد (۵/ ۹)، طبقات الشافعیه سبکی (۳/ ۴۳-۴۲)، طبقات الصوفیه هروی (۳۶۹)، نفحات الانس (۱۵۱).

نسایی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب بن علی خراسانی، (۲۱۴/ ۳۰۳-۲۱۵ ق)، رجالی، حافظ، محدث، فقیه و قاضی. ملقب به شیخ الاسلام و معروف به حافظ نسائی. در نسای خراسان به دنیا آمد. در «وفیات الاعیان» نام پدر وی علی و نام جدش شعیب ذکر شده است. در طلب علم به خراسان، حجاز، عراق، جزیره، شام و مصر سفر کرد و سرانجام در مصر ساکن گردید. وی نزد یونس بن عبدالاعلی، دوست و صاحب شافعی، تلمذ نمود. او قرائت را از احمد بن نصر نیشابوری مقری و ابوشعیب صالح بن زیاد سوسی فراگرفت. از قتیبه بن سعید و اسحاق بن راهویه و هشام بن عمار و سدید بن نصر و احمد بن منیع و بشر بن معاذ عقدی و حسین بن منصور سلمی نیشابوری و بشر صواف و زیاد بن ایوب و سوار بن عبدالله عنبری و عباس بن عبدالعظیم عنبری و عبدالجبار عطار و عتبه مروزی و عمران بن موسی قرّاز و عمرو بن زراره کلابی و عیسی بن محمد رملی و محمد بن ابان بلخی و محمد بن بشّار و محمد بن نصر مروزی و محمد مخزومی و محمد بن عیید محارمی و محمد بن هاشم بعلبکی و محمود بن غیلان و هیشم بن ایوب طالقانی و یوسف بن عیسی زهری و یوسف بن واضح مودّب و جماعتی دیگر حدیث شنید. فرزندش، عبدالکریم نسائی، و حسن بن رشیق عسکری و ابوبشر دولابی و ابوجعفر طحاوی و ابوعلی نیشابوری و حمزه کنانی و ابوجعفر احمد نحوی و ابوبکر شافعی و محمد بن قاسم اندلسی و ابوالقاسم طبرانی و محمد بن

عبدالله نیشابوری و محمد بن موسی مأمونی و ابن السنّی و ابیض بن محمد بن ابیض و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. در رملۀ فلسطین درگذشت و پیکرش به مکه منتقل و ما بین صفا و مروه به خاک سپرده شد و به روایتی در مکه درگذشت. از آثارش: «السنن الکبیر»، در حدیث؛ «المجتبی» یا «السنن الصغیر»؛ «الضعفاء و المتروکین»، در رجال حدیث؛ «الخصائص» یا «الخصائص امیرالمؤمنین (ع)»، در فضیلت حضرت علی (ع)؛ «مسند علی (ع)»؛ «مسند مالک»؛ «اغراب شعبه علی سفیان و سفیان علی شعبه»؛ «مناسک النسائی».

الاعلام (۱/ ۱۶۴)، اعیان الشیعه (۲/ ۶۰۳-۶۰۱)، انساب سمعانی (۵/ ۴۸۴)، تاریخ نیشابور (۱۱۰)، تذکره الحفاظ (۲/ ۷۰۱-۶۹۸)، تهذیب التهذیب (۱/ ۳۶-۳۴)، تهذیب الکمال (۱/ ۱۵۸-۱۵۱)، الذریعه (۷/ ۱۶۳، ۱۷۰)، روضات الجنات (۱/ ۲۱۹-۲۲۰)، ریحانه (۶/ ۱۶۷-۱۶۸)، سیر النبلاء (۱۴/ ۱۳۵-۱۲۵)، شذرات الذهب (۲/ ۲۳۹-۲۴۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴/ ۳۵-۳۴)، طبقات الشافعیه ابن قاضی شهیه (۱/ ۸۸)، طبقات الشافعیه اسنوی (۲/ ۲۶۸-۲۶۹)، طبقات الشافعیه سبکی (۳/ ۱۶-۱۴)، العبر (۱/ ۴۴۴)، الکامل (۶/ ۱۵۲)، کشف الظنون (۱۳۰، ۷۰۶، ۱۰۰۶، ۱۰۸۷، ۱۶۸۴، ۱۶۸۵)، ۱۸۳۳، الکسنی و الاقباب (۳/ ۲۴۷-۲۴۹)، معجم المؤلفین (۱/ ۲۴۴-۲۴۵)، المستظم (۷/ ۴۵۰)، النجوم الزاهره (۳/ ۲۰۹-۲۱۰)، الوافی بالوفیات (۶/ ۴۱۷-۴۱۶)، وفیات الاعیان (۱/ ۷۷-۷۸)، هدیة العارفین (۱/ ۵۶).

نسبت شوشتری، ملا محمد صالح، (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به نسبت. از طلاب علوم بود که در اصفهان به تحصیل پرداخت. در سرودن شعر طبع خوبی داشت. وی با نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) معاصر بود. اشعاری از وی در تذکرها آمده است.

تذکره نصرآبادی (۳۵۶-۳۵۷)، الذریعه (۹/ ۵۸۸، ۱۱۸۵)، فرهنگ سخنوران (۹۲۹).

نسبت نیریزی، (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به نسبت. مشهور به مؤمن کلو. اهل نیریز فارس بود. تذکره «شعراى آذربایجان» نام وی را نسبت تبریزی آورده و اصلش را از تبریز دانسته است. او مدتها در جرگه شاعران اصفهان به سر برد. به هندوستان مسافرت کرد و در خدمت عمده الملك جعفر خان، فرزند صادق خان میر بخشی، و ملا شفیعی یزدی، مشهور به دانشمند خان (م ۱۰۸۱ ق) قرار گرفت و اعتبار زیادی یافت. بعد از مدتی به

۵۷۰، ۱۸۴۵)، معجم المؤلفین (۱۳/ ۶۶)، هدیة العارفین (۲/ ۴۸۷).

نسفی، برهان الدین ابوالفضل/ ابوالفضایل محمد بن محمود/ محمد بن محمد. (تو ۶۰۰-وف ۶۷۹/ ۶۸۴-۶۸۸ ق)، فقیه حنفی، مفسر، اصولی، محدث، متکلم، حکیم و شاعر. معروف به برهان. وی از علمای بزرگ حنفی بود. در علم تفسیر و اصول فقه و علم کلام صاحب تألیف می‌باشد. ساکن بغداد بود. در همان جا درگذشت و جنب مقبره ابوحنیفه دفن شد. «العقائد النسفیة» که ملا سعد تفتازانی آن را شرح کرده، به وی نسبت داده شده است. در «کشف الظنون» فقط یک عنوان کتاب تحت نام «عقائد النسفی» مربوط به نجم الدین عمر بن محمد نسفی ذکر شده است. از دیگر آثارش: «المقدمة فی علم الخلاف» یا «المقدمة البرهانیة» یا «فصول النسفی فی علم الجدل» یا «مقدمة فی الجدل و الخلاف و النظر»؛ «منشأ النظر»؛ در علم خلاف و شرح آن؛ «الواضح»؛ که مختصر «تفسیر کبیر» فخر رازی است؛ رساله‌ای در «دور و تسلسل»؛ شرح «الاسماء الحسنی»؛ شرح «الاشارات و التنبیها» ابن سینا؛ شرح «الرسالة القدسیة» غزالی؛ «مطلع السعادة»؛ ایضاح المکنون (۲/ ۱۹۴)، ریحانه (۶/ ۱۷۳-۱۷۴)، شذرات الذهب (۵/ ۳۸۵)، کشف الظنون (۹۵، ۸۶۵، ۸۸۲، ۱۰۳۲، ۱۲۷۲، ۱۲۹۶، ۱۷۲۰، ۱۷۵۶، ۱۷۹۹-۱۸۰۳، ۱۸۶۱)، معجم المؤلفین (۱۱/ ۲۹۷)، هدیة العارفین (۲/ ۱۳۵-۱۳۶).

نسفی، حافظ الدین ابوالبرکات عبدالله بن احمد بن محمود. (وف ۷۰۱/ ۷۱۰ ق)، فقیه حنفی، محدث، اصولی، مفسر و متکلم. اصل وی از نسف و اهل ایذه اصفهان بود. او از مشاهیر فقها و اصولیین و محدثین حنفی و در علم کلام متبحر و بر معاصرین خود مقدم بود. به آورده بعضی از مآخذ در ایذه درگذشت، اما در «ریحانة الادب» مکان وفات وی بغداد ذکر شده است. از آثارش: «الوافی»، در فقه و شرح آن به نام «الکافی»؛ «کنز الدقائق»، در تلخیص «الوافی»؛ «عمدة العقائد» یا «عمدة عقيدة اهل السنة و الجماعة»، در کلام و شرح آن به نام «اعتماد الاعتقاد»؛ «منار الانوار» و شرح آن به نام «کشف الاسرار»؛ «مدارک التنزیل و حقائق التأویل»، در تفسیر که به «تفسیر نسفی» معروف می‌باشد؛ «المستصفی»، در شرح کتاب «نافع» شیخ ابوالقاسم محمد حسینی (م ۶۵۶ ق). الاعلام (۴/ ۱۹۲)، ایضاح المکنون (۱/ ۹۸)، ریحانه (۶/ ۱۷۱)، کشف الظنون (۱۱۹، ۱۱۶۸، ۱۲۷۴، ۱۵۱۵).

اصفهان بازگشت و از آنجا به زیارت خانه خدا مشرف شد. پس از بازگشت به اصفهان، دوباره به هندوستان رفت و در آنجا درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

تذکره شعرای آذربایجان (۲/ ۶۶۲)، تذکره نصرآبادی (۳۸۶-۳۸۷)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۵/ ۵۷۳-۵۷۴)، الذریعه (۹/ ۱۱۸۵)، فرهنگ سخنوران (۹۲۹-۹۳۰)، کاروان هند (۲/ ۱۴۳۴-۱۴۳۵).

نسبتی مشهدی، مولانا نسبتی. (س دهم ق)، شاعر. اهل مشهد بود و در عهد شاه طهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴ ق) می‌زیست. با صادقی کتابدار (م ۱۰۱۷/ ۱۰۱۸ ق)، مؤلف تذکره «مجمع الخواص»، معاصر بود. مدتی در آذربایجان سکنی گزید و سرانجام در اردبیل درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

آتشکده آذر (۲/ ۵۰۳-۵۰۴)، الذریعه (۹/ ۱۱۸۵)، فرهنگ سخنوران (۹۳۰)، لغت نامه (ذیل/ نسبتی مشهدی)، مجمع الخواص (۱۹۹-۲۰۰)، مطلع الشمس (۲/ ۴۴۸)، هفت اقلیم (۲/ ۲۲۱).

نسفی، ابومطیع مکحول بن فضل. (وف ۳۰۸ ق)، فقیه، حافظ و محدث. از داوود ظاهری و ابوعلی ترمذی و عبدالله بن احمد بن حنبل و محمد بن ایوب بن ضریر و مطین و جماعتی دیگر روایت کرد. ابوبکر احمد بن محمد بن اسماعیل که استاد جعفر مستغفری است، از وی روایت نموده است. به آورده ذهبی مستغفری در «تاریخ نسف» نام وی را محمد بن فضل و لقبش را مکحول ذکر کرده است. ذهبی گوید که او نیکو شعر می‌سرود. از آثارش: «اللؤلؤیات»، در زهد و آداب؛ «کتاب الشعاع». سیر النبلاء (۱۵/ ۲۳)، کشف الظنون (۱۴۳۰، ۱۵۷۱)، معجم المؤلفین (۱۲/ ۳۱۹).

نسفی، ابومعین میمون بن محمد بن محمد. (۴۱۸-۵۰۸ ق)، فقیه حنفی، اصولی و متکلم. وی از افاضل علمای حنفی قرن ششم هجری بود. اصلش از سمرقند و ساکن بخارا بود. از آثارش: «بحر الکلام»، در توحید؛ «تبصرة الادلة»، در کلام؛ «التمهید لقواعد التوحید»؛ «العمدة»، در اصول دین؛ «العالم و المتعلم»؛ «ایضاح المحجة لکون العقل حجة»؛ شرح «الجامع الکبیر» ابو عبدالله شیبانی، در فروع؛ «مناهج الائمة»، در فروع.

الاعلام (۸/ ۳۰۱)، ایضاح المکنون (۱/ ۱۵۶)، ۵۶۳/ ۲، ریحانه (۶/ ۱۷۴)، کشف الظنون (۲۲۵، ۳۳۷، ۴۸۴).

معجم المؤلفین (۷/ ۳۰۶-۳۰۵)، هدیة الاحیاب (۲۵۵)،
هدیة العارفین (۱/ ۷۸۳).

نسفی بخاری، ابومحمد عبدالعزیز بن عثمان بن
ابراهیم. (وف ۵۳۲/۵۳۳ ق)، فقیه حنفی و قاضی معروف
به نسفی و قاضی نسفی. اهل کوفه بود. در بخارا فقه
آموخت و عهده دار قضاوت خراسان گردید. وی پیشوای
حنفیان بخارا و از معاصرین زمخشری بود. از آثارش:
«تعلیق الخلاف» یا «التعلیق فی الخلاف»، در چهار
مجلد؛ «فصول الفتاوی» یا «الفصول»، در فتاوا؛ «کفایة
الفحول»، در علم اصول؛ «المتقذ من الزلل فی مسائل
الجدل»؛ «روضة الناصحین»، در شرح «خطب الاربعین»؛
«السلم لدار السلام فی بیان احکام ارکان الاسلام»؛ «مدارج
الافهام والافواج»، در تفسیر «آیه ثمانية ازواج»، به
فارسی؛ «مدارج البطون عن ازالة الشکوک و الظنون»، به
فارسی.

الاعلام (۴/ ۱۴۶-۱۴۷)، ایضاح المکنون (۲/ ۲۴، ۴۵۳)،
ریحانه (۶/ ۱۷۰-۱۷۱)، کشف الظنون (۴۲۴، ۹۳۳)،
۱۴۹۷، ۱۸۶۹)، لغت نامه (ذیل/ عبدالعزیز)، معجم
المؤلفین (۵/ ۲۵۲)، هدیة العارفین (۱/ ۵۷۸-۵۷۹).

نسوی، ابوالحسن علی بن احمد. (۳۹۳-۴۹۳ ق)،
ریاضیدان. از علمای بزرگ ریاضی در عهد خود بود. در
حدود ۴۲۰ ق کتابی در علم حساب به فارسی نوشت و
همان کتاب را به نام «المغنی فی الحساب الهندی» به عربی
ترجمه کرد. از دیگر آثارش: کتاب «الاشباع»، در شرح
قضیه منلاوس. مؤلف «تاریخ نظم و نثر» وی را شاگرد
ابوعلی سینا و استاد شهرمدان بن ابی الخیر می داند که در
شهر ری به دنیا آمده و در دربار آل بویه به خدمت پرداخته
و جز دو اثر نام برده آثاری همچون: «الزیج الفاخر»، «کتاب
مرتضوی» یا اختصار «صور الکواکب» ابوالحسن
عبدالرحمن بن عمر صوفی، «کتاب تجرید فی اصول
الهندسه»، «رسالة فی المدخل الی علم المنطق»، «مقالة فی
عسل دائرة نسبتها الی دائرة مفروضة»، «کنسبة
مفروضة...»، تفسیر «المأخوذات فی اصول الهندسة»،
«رساله در استخراج ضمیر»، «سلاح نامه علایی» و
«بازنامه» به فارسی را برای نسوی نام برده است.

تاریخ ادبیات در ایران (۱/ ۳۳۷)، تاریخ نظم و نثر (۷۰-
۷۱)، زندگینامه ریاضیدانان دوره اسلامی (۴۸۴)،
سرآمدان فرهنگ (۱/ ۶۵)، کشف الظنون (۱۹۲۶)، لغت
نامه (ذیل/ علی نسوی).

۱۶۴۰-۱۶۴۱، ۱۶۷۵، ۱۸۲۳، ۱۸۴۹، ۱۸۶۷، ۱۹۲۲،
۱۹۹۷، ۲۰۳۴)، معجم المؤلفین (۶/ ۳۲)، هدیة العارفین
(۱/ ۴۶۴).

نسفی، عزیزالدین ← عزیز نسفی.

نسفی، نجم الدین ابوحفص عمر بن محمد بن احمد.
(ح ۴۶۱-۵۳۷ ق)، فقیه حنفی، اصولی، حافظ، محدث،
مفسر، متکلم، ادیب و شاعر. معروف به مفتی الثقلین، به
جهت اینکه گویند جن و انس از محضرش تعلیم
می گرفته اند. اهل سمرقند بود و در نسف به دنیا آمد. او در
زمینه فقه، حدیث، تفسیر، تاریخ و فنون شعری متبحر بود.
در بغداد از ابوالقاسم بن بیان حدیث شنید و از اسماعیل
بن محمد نوحی و حسن بن عبدالملک قاضی و مهدی بن
محمد علوی و عبدالله بن علی نسفی و ابوالیسر محمد
نسفی و حسین کاشغری و ابومحمد حسن بن احمد
سمرقندی و علی بن حسن ماتریدی روایت کرد. فرزندش،
ابواللیث احمد بن عمر، و محمد بن ابراهیم توریشتی از
وی روایت کرده اند. حدود صد اثر را به وی نسبت
می دهند. کتاب «العقائد» یا «عقاید النسفی» که بر آن شروح
بسیاری، از جمله شرح سعدالدین تفتازانی نگاشته شده،
به وی منسوب است. البته صحت انتساب این کتاب به وی
محل تردید می باشد، چنانکه بعضی آن را به برهان الدین
محمد بن محمد نسفی منسوب کرده اند. در سمرقند
درگذشت. از دیگر آثارش: «الاكمل الاطول»، در تفسیر؛
«التیسیر فی التفسیر»؛ «قید الاوابد»؛ «تاریخ بخارا»؛ «القند
فی تاریخ علماء سمرقند»؛ «یواقیت المواقیت»؛ «طلبة
الطلبة»؛ «تطویل الاسفار لتحصیل الاخبار»؛ «مشارع
الشارع»؛ «منهاج الدرایة»، در فروع؛ «النجاح فی شرح اخبار
کتاب الصحاح»؛ «الخصائل فی الفروع»؛ «دعوات
المستغفرین»؛ «الاشعار بالمختار من الاشعار» یا «المختار
من الاشعار»، در بیست مجلد؛ «منظومة المخلاقیات» یا
«منظومة فی الخلاف»؛ «نظم الجامع الصغیر» امام محمد
شیبانی، در فروع.

الاعلام (۵/ ۲۲۲)، ایضاح المکنون (۱/ ۱۱۷، ۲۵)،
ریحانه (۶/ ۱۷۲-۱۷۳)، سیر النبلاء (۲۰/ ۱۲۶-۱۲۷)،
شذرات الذهب (۴/ ۱۱۵)، طبقات المفسرین دآودی (۲/
۷-۵)، العبر (۲/ ۴۵۲-۴۵۳)، کشف الظنون (۲۴۷، ۲۹۶،
۴۱۵، ۴۱۸، ۵۱۹، ۵۵۳، ۵۶۴، ۶۰۲، ۶۶۸، ۷۰۶، ۷۵۶،
۱۱۱۴، ۱۱۲۵، ۱۱۴۵، ۱۲۳۰، ۱۳۵۶، ۱۶۰۲، ۱۶۸۶،
۱۷۳۱، ۱۸۶۷، ۱۸۷۱، ۱۹۲۹، ۲۰۴۸، ۲۰۵۴)، لسان
المیزان (۵/ ۲۲۹-۲۳۰)، معجم الادباء (۱۶/ ۷۰-۷۱)،

نسوی، ابوالعباس احمد بن محمد - نسایی،
ابوالعباس احمد بن محمد.

نسوی مروزی، ابوسعید احمد بن محمد بن رمیح نخعی. (وف ۳۵۷ ق)، حافظ و محدث. اصلش از نسای خراسان و اهل نیشابور بود و در شرمقان اسقراین به دنیا آمد. در مرو نشو و نما یافت. در خراسان و دیگر بلاد علم آموخت. در طلب علم و حدیث مسافرتها طولانی نمود و در شهر صعدة از بلاد یمن مدت زیادی اقامت گزید، سپس در حدود ۳۵۰ ق به بغداد وارد شد. از محمد بن اسحاق بن خزیمه و عبدالله بن محمد بن شیرویه نیشابوری و ابوخلیفه جمحی و عمر بن ابی غیلان و ابن زیدان بجلی و عبدالله بن محمود مروزی و ابوالعباس سراج و محمد بن حسن بن قتیبه و محمد بن فضل سمرقندی و عمر بن محمد همدانی و ابراهیم بن یوسف هسنجانی و محمد بن عقیل بلخی و عبدالن اهوازی و احمد بن جعفر عقیلی و ابونصر احمد بن محمد صعدی و از محمد بن یعقوب عسکری و عبدالعزیز بن اسحاق و عبدالعزیز بن یحیی تیمی و احمد بن ابراهیم عجلی و همطیقه آنها حدیث شنید. ابوالحسن دارقطنی و ابوحفص بن شاهین و ابوالحسن رزقویه و عبدالرحمن بن محمد سراج نیشابوری و ابوعبد الرحمن سلمی و حاکم نیشابوری و ابوعلی بن دوما و ابوحسین محمد بن ابراهیم فارسی عزائم، از مشایخ صدوق، و دیگران از وی روایت کرده اند. مدتی به نیشابور رفت و پس از سه سال توقف در آنجا مجدداً به بغداد بازگشت و مدت مدیدی در این شهر بود، وی پس از سفر به مکه و انجام فریضه حج، در جحفه درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. او را صاحب تألیفاتی در علم حدیث ذکر کرده اند.

الاعلام (۱/ ۲۰۱)، تاریخ بغداد (۵/ ۸۶)، تاریخ نیشابور (۱۵۳)، تذکره الحفاظ (۳/ ۹۳۰-۹۳۱)، سیر النبلاء (۱۶/ ۱۶۹-۱۷۱)، شذرات الذهب (۳/ ۲۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴/ ۴۶-۴۵)، طبقات الحفاظ (۳۹۴)، العبر (۲/ ۱۰۰)، لسان المیزان (۱/ ۳۹۵-۳۹۶)، معجم المؤلفین (۲/ ۱۰۲)، میزان الاعتدال (۱/ ۱۶۳)، النجوم الزاهرة (۴/ ۲۱)، الوافی بالوفیات (۷/ ۴۰۰)، هدیة العارفین (۱/ ۶۵).

نسیم اردکانی، علی صدارت، فرزند شیخ محمد مجتهد. (تو ۱۲۸۵-۱۲۸۹ ش)، حقوقدان و شاعر، متخلص به نسیم. در اردکان یزد به دنیا آمد. بعد از طی تحصیلات ابتدایی و متوسطه در زادگاهش و اصفهان جهت ادامه تحصیل به تهران آمد و از دانشکده حقوق موفق به اخذ لیسانس و سپس دکترای حقوق شد. وی در

۱۳۱۶ ش وارد وزارت دادگستری شد و چندی ریاست دادگستری استان کرمانشاهان را به عهده داشت. از آثارش «دیوان» شعر می باشد که قسمتی از آن با نام «ترانه های نسیم» منتشر شده است.

تذکره سخنوران یزد (۷۶۶-۷۶۹)، الذریعه (۹/ ۱۱۸۵)، سخنوران نامی معاصر (۶/ ۳۶۳۳-۳۶۳۸)، فرهنگ سخنوران (۹۳۰)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۲۹۲-۲۹۳).

نسیم دستگردی، محمود وحیدزاده، فرزند حسن وحید دستگردی. (۱۲۸۵/۱۲۸۶-۱۳۵۸ ش)، روزنامه نگار و شاعر، متخلص به نسیم. در قریه دستگرد، از توابع اصفهان، به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش و متوسطه را در دارالفنون به پایان رساند و در ۱۳۱۱ ش در رشته فلسفه و ادبیات از دانشسرای عالی فارغ التحصیل شد. نسیم از ۱۳۱۳ ش به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در دبیرستانهای تهران و دانشکده افسری به تدریس پرداخت. وی پس از فوت پدر صاحب امتیاز مجله «ارمغان» شد و مجله را با همان سبک تا پایان ۱۳۵۷ ش انتشار داد. نسیم انجمن ادبی حکیم نظامی را نیز دایر و پا برجا نگاه داشت. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.

تذکره شعرای معاصر اصفهان (۵۰۹۵-۵۰۹۵)، الذریعه (۹/ ۱۱۸۶)، سخنوران نامی معاصر (۶/ ۳۶۳۲-۳۶۲۹)، فرهنگ سخنوران (۹۳۰).

نسیم شاملو، بوداق بیگ. (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به نسیم. از ایل شاملو، و مولد و منشأ وی هرات بود. در ملازمت حسن خان، حاکم هرات، به سر می برد. بعد از او ملازمت حسین قلی خان را پذیرفت و از مصاحبان او گردید. در سرودن شعر طبع خوبی داشت و به آورده تذکره «روز روشن» در معما و قصه خوانی توانمند بود. به گفته صاحب «تذکره نصرآبادی» (ز ۱۰۸۳ ق) او در جوانی درگذشت و مقبره اش در مزار بابا رکن الدین واقع در اصفهان است. اشعاری از وی در تذکره ها آمده است.

تذکره روز روشن (۸۱۸)، تذکره نصرآبادی (۴۳)، الذریعه (۹/ ۱۱۸۶)، فرهنگ سخنوران (۹۳۰-۹۳۱).

نسیم شمال - اشرف الدین حسینی قزوینی گیلانی.

نسیمی حسینی شیرازی، سید عمادالدین. (مقتول س نهم ق)، عالم، عارف، صوفی و شاعر، متخلص به نسیمی. زندگینامه نسیمی پر از ابهام و ایهام است و میان تذکره ها در این زمینه اختلاف وجود دارد. بعضی او را از اهالی شیراز و

(۱۸۱-۱۸۲)، فارسنامه ناصری (۲/ ۱۱۸۰-۱۱۸۱)، فرهنگ سخنوران (۹۳۱)، لغت نامه (ذیل/ عمادالدین شیرازی، عمادالدین نسیمی)، مجالس العشاق (۲۲۸-۲۳۱)، مرآت الفصاحه (۶۵۰-۶۵۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۶۱۷-۶۱۸).

نشاط اصفهانی - شمس الضحی نشاط اصفهانی.

نشاط اصفهانی، میرزا عبدالوهاب موسوی، فرزند میرزا محمد رحیم. (وف ۱۲۴۴ ق)، خطاط و شاعر، مستخلص به نشاط. ملقب به معتمدالدوله. از سادات موسوی بود و در اصفهان به دنیا آمد. وی در زادگاه خود با شعر و ادب فارسی و عربی و دانشهای مختلف از جمله ریاضی و حکمت الهی و منطق آشنا شد و در هنر خوشنویسی نیز مهارت یافت. او خطوط نستعلیق، شکسته تعلیق و بویژه شکسته نستعلیق را خوش می نوشت و روش درویش عبدالمجید را استادانه تقلید می کرد. نشاط یکی از دوستان سبک بازگشت ادبی بود و در آن زمان که شهر اصفهان مرکز این جنبش و رستاخیز شعر و ادب بود، محفلش مجمع شعرا و ظرفا بود. او در ۱۲۱۸ ق به تهران آمد و به دربار فتحعلی شاه قاجار راه یافت و سمت دبیری و منشیگری و لقب معتمدالدوله گرفت و پس از چندی به سرپرستی دیوان رسائل گمارده شد. بیشتر احکام سلطنتی و فرامین رسمی و نامه های خصوصی شاه و عقدنامه ها و وصیتنامه های افراد خاندان سلطنت با خط و انشای او تحریر می شد و تا پایان عمر عهده دار این سمت بود. وی یک بار از طرف شاه به پاریس رفت و به حضور ناپلئون اول رسید. نشاط به بیماری سل در تهران درگذشت. منصف قاجار تاریخ وفات او را چنین گفته است: (از قلب جهان نشاط رفته). از آثار وی «گنجینه» است که به نام «گنجینه نشاط» یا «گنجینه معتمد» شهرت دارد. این گنجینه شامل پنج دُرچ است و به آورده «الذریعه» حاوی «منشآت»، مکاتیب خصوصی، رسمی، حکومتی و فرامینی است که برای فتحعلی شاه قاجار انشا شده است. این «گنجینه» به گفته دکتر صفا حاوی «منشآت»، قصیده ها، غزلها، قطعه ها و مثنویها است. به هر حال دُرچ خامس «گنجینه» او شعرها و نوشته های ادبی و حکایت های اخلاقی است. از آنجایی که «گنجینه» پس از مرگ وی جمع آوری و تنظیم شده و در هر چاپ این مجموعه تغییراتی نموده است، یک «گنجینه» مدوّن و یک شکل وجود ندارد. در ۱۳۳۷ ش «گنجینه دیوان نشاط» حاوی مجموعه غزلها، قصیده ها، مثنویها، رباعیها، قطعه ها و تک بیت های «گنجینه نشاط» به چاپ

از سادات آن خطه می دانند و عده ای محل تولدش را دهکده نسیم در اطراف بغداد و تخلص نسیمی وی را از آن جهت می دانند. حال آنکه به آورده حاشیه «مرآت الفصاحه»، نسیمی قبلاً هاشمی و سید نیز تخلص داشته است. برخی وی را از ناحیه شماخی دانسته و نسیمی شروانی اش لقب داده اند، که به قول صاحب «حروفیه در تاریخ» شروانی بودن او به علت تنفر حروفیان از شهر شروان که مقتل فضل بوده، ما را در بوته شک و تردید می اندازد. نسیمی مدتی در شروان و نواحی قفقاز و باکو زندگی کرده و با زبان ترکی از نزدیک آشنا شده و اشعاری نیز به این زبان دارد. برخی تذکرها معتقدند که او را می توان اولین شاعر زبان ترکی غربی و تنها شاعر واقعی آن دوره به شمار آورد. بعضی او را از اهالی تبریز می دانند و این مطلب از اقامت طولانی وی در تبریز مایه گرفته است. نسیمی از خلفای حروفیان بود و به فضل الله نسیمی ارادت می ورزید. او از ایام جوانی وارد حلقه مریدان فضل شد و در سفر و حضر، یار و همدم او بود. وی علاوه بر رابطه روحانی و معنوی، رابطه سببی نیز با استاد برقرار کرد و داماد فضل شد. بعدها نیز در زمره چهار تن از یاران و خلفای نزدیک فضل درآمد. پس از قتل فضل، نسیمی به آناتولی رفت و در آنجا با علی الاعلی، جانشین فضل، ملاقات کرد و مناظره ای نیز بین آنها درگرفت که به قول صاحب «حروفیه در تاریخ» همه این مناظرات در کتاب «استوا نامه» غیاث الدین محمد ذکر شده است. نسیمی با طبع پر شور و اشتیاق تمام افکار و عقاید خود را از طریق اشعار بیان می کرد. مبارزه وی علیه دشمنان عقاید و افکارش، دلیلی بر الحاد و قتلش شد. اکثر تذکرها سال قتل او را ۸۳۷ ق نوشته اند که در زرقان از توابع شیراز رخ داده و برخی دیگر ۸۲۰ ق و در حلب دانسته اند. مؤلف «فرهنگ سخنوران» علاوه بر ۸۷۳، ۸۸۴ و ۸۰۷ را نیز ذکر کرده است. صاحب تذکره «مرآت الفصاحه» از قول سایر مؤلفان مرگ وی را بین ۸۰۶-۸۳۰ ق گفته است و قول ۸۰۶ ق را مقرون به صحت می داند. وی همچنین آورده که در زرقان از توابع شیراز، به سر قبر او رفته است. صاحب حاشیه «مجالس العشاق» نام وی را سید علی ذکر می کند. از آثار وی: «دیوان» شعر، در حدود سه هزار بیت.

آثار عجم (۱۳۱)، از سعدی تا جامی (۵۱۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۳۵-۳۳۶)، تذکره روز روشن (۸۱۸-۸۲۰)، حروفیه در تاریخ (۴۸-۵۳)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۵/ ۶۶۵-۶۶۶)، دنباله جستجو در تصوف (۵۸)، الذریعه (۹/ ۱۱۸۷)، ریاض المارفین (۲۳۵-۲۳۶)، ریحانه (۶/ ۱۷۴)، سیری در تصوف (۸۴، ۸۵)، شهیدان راه فضیلت

رسیده است.

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۴۱۸-۴۱۹)، از صبا تانیا (۱/ ۲۵-۲۶)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۴/ ۲۰۰)، تذکره خوشنویسان معاصر (۳۶-۳۷)، حدیقه الشعراء (۳/ ۱۸۷۱-۱۸۸۳)، الذریعه (۹/ ۱۱۸۹، ۱۸/ ۲۴۸، ۲۳/ ۴۱)، ریاض العارفین (۳۱۲-۳۲۰)، ریحانه (۶/ ۱۷۵-۱۷۶)، سبک شناسی (۳/ ۳۳۱-۳۳۲)، سفینه المحمود (۱/ ۷۴-۷۵)، شرح حساب رجال (۲/ ۳۱۸۱-۳۲۰)، صبح گلشن (۵۱۸)، طرائق الحقائق (۳/ ۲۷۴-۲۷۶)، فرهنگ سخنوران (۹۳۲)، گنج سخن (۳/ ۱۸۷-۱۹۶)، گنجینه دیوان نشاط اصفهانی (۶-۳۰)، لغت نامه (ذیل / نشاط)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۳۱-۳۲)، مجمع الفصحا (۶/ ۱۰۵۴-۱۰۶۳)، مصطفی خراب (۱۸۴-۱۸۸)، مکالم الآثار (۴/ ۱۲۰۸-۱۲۱۰)، نگارستان دارا (۱۳۴-۱۴۱).

نشاطی دماوندی، حاجی محمد. (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به نشاطی. در ابتدا پیزی یا بیزی تخلص می کرد. از بزرگان دماوند بود. مدتی قبل از تألیف «تذکره نصرآبادی» (۱۰۸۳ ق) به اصفهان رفت و در آنجا درگذشت. از آثار وی: منظومه «شهر آشوب»؛ «دیوان» شعر.

تذکره نصرآبادی (۴۲۹)، الذریعه (۹/ ۱۱۹۰)، صبح گلشن (۵۱۸)، فرهنگ سخنوران (۹۳۲)، لغت نامه (ذیل / نشاطی).

نشاطی سمنانی ← نشاطی هزار جریبی، میرزا عباس.

نشاطی گرجی اصفهانی، محمد باقر بیگ. (وف ۱۲۳۵/۱۲۳۴ ق)، شاعر، مستخلص به نشاطی. از غلامزادگان صفوی و از طایفه ساکی لرستان بود. در دوره فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲-۱۲۵۰ ق) می زیست. زمانی در اصفهان و گاهی در شیراز به سر می برد. نشاطی پس از مرگ برادرش، احمد بیگ اختر، به اتمام تألیف ناتمام او، به نام تذکره «شعرای دربار فتحعلی شاه» همت گماشت، اما عمر او نیز وفا نکرد و در تهران درگذشت. محمدخان راوی گروسی کار ناتمام وی را به پایان برد و آن را تذکره «انجمن خاقان» نامید. از دیگر آثار وی «دیوان» شعر است. به آورده هدایت در «مجمع الفصحا»، «دیوان» نشاطی قریب به دو هزار بیت از قصیده و غزل در بحر متقارب و به خط خودش بوده که هدایت آن را دیده است. صاحب «حدیقه الشعراء» تحت عنوان بساطی افشار به شرح حال وی

پرداخته و اطلاق نشاطی به صاحب عنوان که در «مجمع الفصحا» آمده را به دلایلی نادرست شمرده است.

حدیقه الشعراء (۱/ ۲۳۳-۲۳۴)، الذریعه (۹/ ۱۱۹۰)، ریحانه (۶/ ۱۷۶)، سفینه المحمود (۳۳۴-۳۳۷)، فرهنگ سخنوران (۹۳۲-۹۳۳)، لغت نامه (ذیل / نشاطی)، مجمع الفصحا (۶/ ۱۰۴۱-۱۰۴۲)، مصطفی خراب (۱۸۹-۱۹۰)، نگارستان دارا (۲۶۲-۲۶۳).

نشاطی هزار جریبی، میرزا عباس. (وف ۱۲۶۳ ق)، شاعر. ملقب به نشاطی خان. در مورد اصل و مولد وی بین تذکره نویسان اختلاف وجود دارد. «الذریعه» اصل وی را از سرخ رود، از نواحی دامغان، می داند و گروهی نیز از سرخ ده دانسته اند که این ده از توابع سمنان، هزار جریب مازندران و دامغان ذکر شده است. مشار در «مؤلفین کتب چاپی» او را ذیل عباس سمنانی آورده است. وی فتحعلی شاه (۱۲۱۲-۱۲۵۰ ق) و محمد شاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۶۴ ق) را مدح کرده است و با رضاقلی خان هدایت (م ۱۲۸۸ ق) معاصر بوده است. او را از شاعران هجاءگری دربار فتحعلی شاه می دانند، اما مراثی و اشعاری در مدح ائمه اطهار (ع) نیز دارد. دیوان بیگی، صاحب «حدیقه الشعراء»، مجموعه ای از اشعار وی را که در حدود شش هزار بیت جمع آوری شده بود، دیده است. از آثارش: «دیوان» شعر.

تاریخ عضدی (۲۴۶)، حدیقه الشعراء (۳/ ۱۸۸۳)، الذریعه (۹/ ۱۱۹۰-۱۱۹۱)، فرهنگ سخنوران (۹۳۲، ۹۳۳)، مجمع الفصحا (۶/ ۱۰۶۴-۱۰۷۹)، مصطفی خراب (۱۹۲)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۶۸۷)، نگارستان دارا (۱۴۲)، یادگار (س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۴۱).

نشأت، صادق، فرزند مهدی. (۱۲۷۵-۱۳۴۶ ش)، نویسنده، مترجم و مدرس. وی ابتدا منطق، فلسفه، اصول، حدیث، تفسیر و زبانهای فارسی و عربی را آموخت و پس از آن زبانهای ترکی عثمانی و انگلیسی را فراگرفت. در بیست و چهار سالگی وارد وزارت فرهنگ شد و چندین سال از طرف این وزارت سرپرستی مدارس ایران را در عراق به عهده داشت. وی پس از بازگشت به ایران در آموزشگاه های تهران، دانشکده معقول و منقول و مدرسه عالی سه سالار به تدریس زبان عربی و تاریخ و جغرافیای ایران و کشورهای اسلامی پرداخت. او همچنین مدت پانزده سال در دانشگاه قاهره به تدریس زبان و ادبیات فارسی، تاریخ و جغرافیای ایران مشغول بود. در مدت سرپرستی و تدریس خود چندین کتاب از فارسی به عربی

ایران (۸۱، ۲۳۱-۲۵۶)، سببای هنرمندان (۱/ ۲۹۶-۲۹۸)، شخصیت‌های نامی (۴۷۹-۴۸۰)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۶۴۲، ۷۳۰، ۷۴۷، ۷۶۹، ۱۱۶۷، ۱۱۷۷، ۲/ ۲۳۲۳، ۲۴۹۷، ۳۴۲۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴/ ۴۳۰-۴۳۱).

نصرآبادی، اسماعیل میرزا، فرزند میرزا محمد. (س) یازدهم ق)، خطاط و شاعر. وی عمه‌زاده میرزا طاهر نصرآبادی است. صاحب «تذکره نصرآبادی» درباره‌ی وی می‌گوید که از کمالات فی‌الجمله بهره‌ای داشت، چنانچه شکسته را خوش می‌نوشت و طبع نظمی هم داشت. چون عمویش میرزا غیاث در هند (در وقت شاهزادگی) ملازم شاه جهان بوده، به هند رفته ملازم مهابت خان شده است و در اوایل جوانی در آنجا فوت گردید.

احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۲۵۳)، تذکره نصرآبادی (۱/ ۵۴۰-۵۴۱)، کاروان هند (۱/ ۵۴۰-۵۴۱).

نصرآبادی، میرزا محمد طاهر. (۱۰۲۷-۱۰۹۹ ز ق)، تذکره‌نویس، ادیب و شاعر. وی در نصرآباد که دهی است از دهستان مارین، واقع در نیم فرسنگی اصفهان، به دنیا آمد. نسب او از طرف پدر به میرزا صالح اصفهانی می‌رسد. در هفده سالگی پدر خود را از دست داد و دیگر نتوانست به تحصیل ادامه دهد. بیشتر اوقات خود را در اصفهان در قهوه‌خانه‌ای که مجمع شعرا و ادبا بود، می‌گذراند و در پرتو معاشرت با آنان با فنون نظم و نثر آشنایی پیدا کرد. وی از محضر آقا حسین خوانساری (م ۱۰۹۸/ ۱۰۹۹ ق) بهره‌مند شد. نصرآبادی چون در ساختن ماده تاریخ مهارت داشت، به زودی مشهور شد و دوستان بسیار فراهم آورد. وی دارای ذوق سرشار و طبع روانی بود و به سبک عصر صفوی و پیروی از بزرگانی همچون صائب تبریزی و کلیم کاشانی، شعر می‌سرود. گویند وی در پی منصب و مقام نبود و از راه کشاورزی امرار معاش می‌کرد و به همین سبب مورد احترام صاحبان مقام و منصب و بخصوص شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ ق) بود. وی به مشهد و عتبات مسافرت کرد و پس از بازگشت به اصفهان، سالها محل تجمع او و دوستانش قهوه‌خانه و سپس مسجد لبنان بود. او در اصفهان درگذشت و قبرش در مقبره میرزاها می‌باشد. مهمترین اثر وی «تذکره نصرآبادی» در احوال شعرای عهد صفوی است که به نام شاه سلیمان صفوی نوشته شده و در ۱۰۸۳ ق تألیف آن آغاز گردیده و به آورده تذکره‌ها در ۱۰۹۰ یا ۱۰۹۱ یا ۱۱۱۵ به پایان رسیده است. از دیگر آثارش: «گلشن خیالات»، «مکتوبی» که

و از عربی به فارسی ترجمه کرد. او همچنین مدتی استاد دانشگاه تهران بود و در دانشکده الهیات و معارف اسلامی تدریس می‌نمود. وی در تهران درگذشت. از آثارش: «آموزگار عربی»، «سلسله فلاسفه ایران در اسلام»، شرح حال غزالی، «تاریخ سیاسی خلیج فارس»، «توحید اهل توحید»، ترجمه «دستور کامیابی»، ترجمه «شرح وقایع زندگانی محمد علی پاشا مؤسس سلسله خدیویه مصر»، ترجمه «فن معاشرت»، ترجمه «المعلم الجدید»، فارسی و عربی.

الذریعه (۸/ ۱۶۵، ۱۲/ ۲۱۶)، سواد و بیاض (۵۵۹-۵۵۱)، شرح حال رجال (۵/ ۱۲۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۶۱، ۷۱۵، ۹۶۴، ۱۴۲۹، ۲/ ۲۰۱۶، ۲۴۷۱، ۳۰۵۶).

نصر، سید علی، فرزند سید احمد نصرالاطبا. (۱۲۷۰-۱۳۴۰ ش)، نماینده نویسنده، مترجم و مؤسس. از سادات کاشان بود و در تهران به دنیا آمد. تحصیلات خود را در مدارس شرف، علمیه و آلیانس فرانسه به پایان رساند و بعد به سمت معلمی زبان فرانسه و ریاضیات همان مدرسه رسید. او همچنین در مدارس نظامی، علوم سیاسی، اسلام و اقدسیه نیز مشغول به کار شد و سپس به وزارت مالیه رفت. نصر سالها مشاغل مختلف دیگری را نیز بر عهده داشت از جمله، معاونت وزارت پیشه و هنر، وزیر پست و تلگراف، سفیر کبیر ایران در چین و هندوستان و نماینده ایران در سازمان ملل متحد. وی در آغاز مشروطیت به کار نمایش و تئاتر روی آورد و اقدام به تأسیس تئاتر ملی کرد. نصر برای آموختن فن تئاتر به اروپا رفت و پس از بازگشت، کمدی ایران را به سبک تئاتر اروپایی تأسیس کرد. او ریاست کمیسیون نمایش را در سازمان پرورش افکار (تأسیس ۱۳۱۸ ش) بر عهده داشت. همچنین وی هنرستان هنر پیشگی را بنا نهاد و خود به تدریس تاریخ هنر پرداخت. وی را پدر تئاتر ایران می‌دانند. سید علی نصر در تهران درگذشت و در امامزاده عبدالله دفن شد. از آثار وی: الف) تألیفات: «تاریخ ایران و دنیا»، «فیزیک گاز»، «حفظ الصحة»، «علم الاشیاء»، در شش مجلد؛ «هنر آموز دوشیزگان»، در شش مجلد؛ «تاریخ عمومی»، مصور؛ «تاریخ مختصر ایران». ب) نمایشنامه‌ها: «سیروس»، «اشتباه لپی»، «نتیجه تعدد زوجات»، «زن بی وفا»، «قمارخانه» و غیره. ج) ترجمه‌ها: «عوامفریب سالوس»، «سه عروسی در یک شب»، «تاریخ یونان»، «انقلاب فرانسه».

از صبا تا نیما (۱/ ۳۲۷، ۳۴۲، ۲/ ۲۹۱)، بنیاد نمایش در

دوره به خدمت می‌گرفت. از آثار رقم دار او که در ۱۳۱۰ ق فرجام پذیرفته، تصاویر گوناگون و پرکاری است که در کتاب «حملة حیدری» به چاپ رسیده و در ذیل چند تصویر رقم نهاده است: «عمل میرزا نصرالله».

احوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۳۸۴).

نصرالله تفرشی. (س سیزدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «حدیقة الشیعه» مقدس اردبیلی، به قلم کتابت خفی و دو دانگ متوسط، که در ۱۲۶۵ ق به چاپ رسیده است.

احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۹۳۹).

نصرالله حکاک. (وف ح ۱۲۹۰ ق)، حکاک. وی نواده محمد طاهر حکاک معروف بود و خود نیز حکاکی می‌کرد. میرزا نصرالله در خط نستعلیق شاگرد میرزا محمد رضا کلهر بود و اوست که شیوه میرزا را در حکاکی وارد کرد. وی بعد از چهار پنج سال که نزد میرزا مشق کرد، درگذشت.

احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۹۳۸)، احوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۳۸۷).

نصرالله دبیرالملک شیرازی، میرزا نصرالله خان، فرزند محمدحسین خان جببادار باشی. (۱۲۵۲-۱۳۱۹ ق)، خطاط. ملقب به دبیرالملک. در شیراز به دنیا آمد. پس از تحصیل علوم و کسب کمالات به اتفاق پدرش به تهران آمد و پس از فوت پدر، بسجای وی جببادار باشی شد. مشیرالدوله هنگامی که به صدارت رسید، میرزا نصرالله خان را مورد توجه کامل خود قرار داد و او را به تولیت آستان قدس رضوی برگزید. دبیرالملک خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و به این جهت به کمک پسر عمویش، میرزا عبدالوهاب خان که نایب الوزاره وزارت خارجه بود، منشی ایسن وزارتخانه شد. وی در ۱۳۰۱ ق ملقب به دبیرالملکی گردید و بعد در همین سال نایب اول و سپس مدیر کل وزارت امور خارجه شد.

احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۹۳۹)، شرح حال رجال (۴/ ۳۴۱-۳۴۳)، فارستامه ناصری (۲/ ۱۰۶۰).

نصرالله قاجار. (ز ۱۲۵۶ ق)، نقاش. از شاهزادگان قاجار بود و در آبرنگ و سیاه قلم دست داشت. از آثار وی: دو تصویر آبرنگی که در یکی از آنها مرغی بر روی شاخه درخت ترسیم شده و دیگری تصویر مرد سعمی است، با رقم: «نصرالله قاجار ۱۲۵۶».

احوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۳۸۷).

نصرآبادی به میرزا قاسم خلوت‌نشین، از رجال متعین عهد شاه سلیمان، نوشته است. گفته می‌شود «دیوان» شعری داشته، ولی در حال حاضر تنها از اشعار او آنچه در تذکره‌اش نوشته است، در دسترس می‌باشد.

تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۱۷۸۴-۱۷۸۷)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۱/ ۳۹۷-۴۰۶)، تذکره نصرآبادی (مقدمه، ۴۵۷-۴۶۸، ۴۸۷-۴۹۱)، الذریعه (۴/ ۳۷-۳۶، ۹/ ۶۴۳، ۱۱۹۱، ۱۸/ ۲۲۶)، ریحانه (۶/ ۱۷۶-۱۸۳)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۰۶)، لغت نامه (ذیل/ نصرآبادی)، معجم المؤلفین (۱۰/ ۱۰۲)، یادگار (س ۲، ش ۴، ص ۵۰-۴۷).

نصرآبادی نیشابوری، ابوالقاسم ابراهیم بن محمد بن محمودیه. (وف ۳۷۶/۳۷۲ ق)، محدث، واعظ، صوفی و زاهد. اهل نیشابور بود و نسبتش به نصرآباد، محله‌ای در نیشابور، می‌رسید. از بزرگان تصوف و عرفان و در انواع علوم متبحر بود. وی مرید شبلی و شاگرد ابوعلی رودباری و ابراهیم شبیان بود و با مرتعش و بوبکر طاهر ابهری و شبلی مصاحبت داشته است. از ابوالعباس سراج و ابن خزیمه و احمد بن عبدالوارث عسال و یحیی بن صاعد و محمد بن عبدالله مکحول بیرونی و ابن جوزی و جماعتی دیگر در خراسان و شام و عراق و حجاز و مصر حدیث شنید. حاکم نیشابوری و ابوعبدالرحمن سلمی و ابوحازم عبدوی و ابوالعلا محمد بن علی واسطی و ابوعلی دقاق و جماعتی از وی روایت نموده‌اند. در ۳۶۶ ق به مکه رفت و مجاور شد و همان جا درگذشت و در جوار فضیل بن عیاض به خاک سپرده شد. به آورده «ریحانة الادب» وی در قریه نصرآباد اصفهان خانقاهی داشته که به تکیه میان ده نصرآباد معروف است و ظاهراً مدفنش نیز در همان جا می‌باشد.

تاریخ بغداد (۶/ ۱۶۹-۱۷۰)، تذکره الاولیاء (۲/ ۳۱۱-۳۱۹)، تذکره نصرآبادی (مقدمه/ ه)، ترجمه رساله قشیری (صفحات متعدد)، ریحانه (۶/ ۱۷۷)، سیرالنبلاء (۱۶/ ۲۶۳-۲۶۷)، تذرات الذهب (۳/ ۵۹-۵۸)، طبقات سلمی (۴۸۴-۴۸۸)، طبقات الصوفیه هروی (۵۲۴-۵۲۵)، طرائق الحقائق (۲/ ۵۴۱)، العبر (۲/ ۱۲۵)، کشف المحجوب (۲۰۰)، لغت نامه (ذیل/ نصرآبادی)، المنتظم (۸/ ۴۱۲)، النجوم الزاهرة (۴/ ۱۳۳)، نفحات الانس (۲۳۴-۲۳۵)، الوافی بالوفیات (۶/ ۱۱۷-۱۱۸).

نصرالله. (ز ۱۳۱۰ ق)، نقاش. وی در دوره ناصری می‌زیست و هنر خود را برای تصویر کتابهای چاپی آن

در تهران، وی را به همراه هواخواهانش به کرمانشاهان تبعید کردند. جنازه وی بعد از مرگ به نجف منتقل و به خاک سپرده شد. از آثارش: «دیوان» شعر.

حدیقه الشعراء (۳/ ۱۸۸۹-۱۸۹۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۷۶-۳۷۵)، الذریعه (۹/ ۶۰۵، ۱۱۹۱)، شرح حال رجال (۴/ ۳۳۶-۳۳۷)، طرائق الحقائق (۳/ ۲۴۰-۲۴۲)، مجمع الفصحا (۶/ ۱۰۳۷-۱۰۴۰).

نصرت تهرانی ← کاسمی ساروی تهرانی.

نصرت خراسانی، عبدالحسین منشی باشی، فرزند محمد حسن / محمد حسین / محمد (ح ۱۲۵۱-۱۳۳۴ ش)، شاعر، متخلص به نصرت. مشهور به منشی باشی. در اصفهان به دنیا آمد. نسبش از طرف پدر به میرزا حسن خوشنویس کرمانی و از طرف مادر به معتمدالدوله نشاط می‌رسد. در کودکی به مشهد رفت و پس از طی تحصیلات مقدماتی، علم فقه را نزد میرزا حبیب مجتهد شهیدی و علم کلام را از محضر محمد صادق حکیمی سبزواری و حکمت را نزد میرزا محمد علی فاضل و غلامحسین شیخ الاسلام و میرزا محمد خادم باشی فراگرفت و در فقه و کلام و حکمت و ادبیات به درجه کمال رسید. سپس وارد خدمات دولتی شد و به همراه محمد تقی میرزا رکن الدوله، برادر ناصرالدین شاه، به شیراز و پس از آن با سمت رئیس دفتری به همراه محمد تقی میرزا به مشهد رفت. او همچنین مدتی حاکم کاشمر و درگز بود. استادانی از جمله: بهار، فرخ، شکسته و دانش از شاگردان وی بودند. او سرانجام در مشهد درگذشت. از آثارش: مثنوی «فروزنده»، بر وزن «حدیقه» سنایی؛ «فرازنده»، در ردّ فرقه بهاییه؛ «جامع المتفرقة» یا «جامع المتفرقات»، به سبک «کشکول» شیخ بهایی؛ «دیوان» شعر.

چهارصد شاعر برگزیده پارسی گوی (۱۰۹۷)، الذریعه (۹/ ۱۱۹۲، ۱۸۴/ ۱۶، ۲۵۷/ ۱۹)، سخنوران نامی معاصر (۴/ ۳۶۴۵-۳۶۴۹)، شرح حال رجال (۵/ ۱۳۹-۱۴۰)، صد سال شعر خراسان (۵۷۲-۵۶۵)، بغضا (س ۸، ش ۴، ص ۱۸۱-۱۸۳).

نصرت الدوله قاجار، فیروز میرزا. (ز ۱۲۸۲ ق)، خطاط. ملقب به نصرت الدوله. وی نستعلیق را خوش می‌نوشت. از آثار او: یک مرقع مشتمل بر سی رقع، به قلم پنج دانگ متوسط، با رقم: «حرره فیروز قاجار الملقب بنصرة الدوله، روز شنبه شهر رجب سنه ۱۲۸۲». احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۹۴۱).

نصراشه منشی، ابوالمعالی نصراشه بن محمد بن عبدالحمید. (مقتول ۵۸۳-۵۵۵ ق)، ادیب و شاعر. ملقب به حمیدالدین. اهل شیراز یا از مردم غزنین بود که در زمان یمین الدوله بهرامشاه غزنوی می‌زیست و نزد این پادشاه تقرب داشت. در زمان خسرو شاه (۵۵۲-۵۵۹ ق) به سمت دبیری رسید و در دربار همین سلسله تا وزارت پیش رفت. از جمله استادان وی می‌توان به قاضی محمد بن عبدالحمید اسحاق، برهان الدین عبدالرشید نصر، صاعد میمنی، ابوالحامد غزنوی، عبدالرحمن بستی و محمد سیفی اشاره کرد. ابوالمعالی علاوه بر مهارتی که در نشر و ترسل داشت، در نظم فارسی نیز سرآمد بود. وی به زبان عربی نیز اشعاری سروده است. از شعرای بزرگی که ابوالمعالی را در اشعار خود ستوده و مدح نموده‌اند، می‌توان به سید حسن غزنوی که از بزرگان شعرا و ادبای روزگار بهرامشاه غزنوی است، اشاره کرد. به آورده عوفی در «باب الالباب» او در اثر سعایت بدخواهان در زمان خسرو ملک (۵۸۳-۵۵۹ ق) به زندان افتاد و سرانجام در آنجا به قتل رسید. در مورد نام وی بین تذکرها اختلافاتی وجود دارد. از آثارش: «کلیله و دمنه بهرامشاهی» که ترجمه «کلیله و دمنه» عربی ابن مقفع است و به امر بهرامشاه غزنوی بین ۵۱۵ تا ۵۵۲ ق به فارسی برگردانده شده است؛ «دیوان» شعر.

تاریخ ادبیات در ایران (۲/ ۹۴۸-۹۵۲)، تاریخ نظم و نشر (۷۸، ۱۱۷-۱۱۸)، تذکرة الشعراء (۸۵)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۵/ ۶۶۶-۶۶۷)، دایرة المعارف فارسی (۲/ ۳۰۳۱)، الذریعه (۹/ ۱۱۹۴، ۱۸/ ۱۳۵)، ریحانه (۷/ ۲۷۰-۲۷۱)، سبک شناسی (۲/ ۲۴۸-۲۹۶)، صبح گلشن (۵۲۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۴۱۲-۴۱۳)، فرهنگ سخنوران (۹۳۳)، کارنامه بزرگان (۱۲۹)، کشف الظنون (۱۵۰۹-۱۵۰۸)، کلیله و دمنه (مقدمه)، لباب الالباب (۱/ ۹۳-۹۲)، لغت نامه (ذیل / نصراشه)، مجمع الفصحا (۳/ ۱۴۴۷)، مرآت الفصاحه (۶۵۴-۶۵۷)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۵۹۳-۵۹۵)، هفت اقلیم (۱/ ۱۸۷-۱۸۸).

نصرت اردبیلی، میرزا نصراشه صدرالممالک. (وف ۱۲۷۱/ ۱۲۷۲ ق)، شاعر، متخلص به نصرت. ملقب به صدرالممالک. در اوایل عمر جهت تحصیل از اردبیل به اصفهان رفت و مدتی را صرف فراگیری علوم رسمی کرد و سپس به تصوف تمایل نشان داد و به خدمت حسینعلی شاه رسید. بعد از مرگ محمد شاه قاجار و وزارت امیر کبیر، نصرت به قم فرستاده شد و بعد از شورش سربازان

وی در تاریخ دست داشت. برخی نام او را نقیب خان نوشته‌اند. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

دارم صنمی چهره بر افروخته‌ای
راه و روش عساشقی آموخته‌ای
او عاشق دیگری و من عاشق او
من سوخته سوخته سوخته‌ای

تاریخ نظم و نثر (۶۶۲)، الذریعه (۹/ ۱۱۹۶)، صبح گلشن (۵۲۰)، فرهنگ سخنوران (۹۳۵)، لغت نامه (ذیل / نصیب قزوینی).

نصیبی کرمانشاهی، میرزا محمد خان، فرزند موسی بیگ. (وف ۱۲۶۱ ق)، شاعر، ملقب به فخرالشعرا. وی از کردان کرمانشاهان بود و لقیش را از فتحعلی شاه قاجار گرفت. در اواخر عمر به هندوستان مهاجرت کرد و در شهر لکهنو اقامت گزید و در همان جا درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

الذریعه (۹/ ۱۱۹۶)، ریحانه (۶/ ۱۸۵)، صبح گلشن (۵۲۱-۵۲۰)، فرهنگ سخنوران (۹۳۵)، لغت نامه (ذیل / نصیبی).

نصیبی گیلانی - بابا نصیبی گیلانی .

نصیبی یزدی، سید حسین نوربخشی. (وف ۹۱۴ ق)، شاعر، متخلص به نصیبی. معروف به اسعدالحق یا سعدالحق. در موطن وی بین تذکره نویسان اختلاف است، بعضی موطن وی را ری و عده‌ای یزد ذکر کرده‌اند. صاحبان «تاریخ نظم و نثر»، «صبح گلشن» و تذکره «سخنوران یزد» او را از سادات نوربخشی نطنز می‌دانند. وی به قصد تحصیل از موطن خود به شیراز رفت و در جرگه شاگردان علامه دوانی (م ۹۱۸/۹۰۸ ق) درآمد و پس از وفات استاد خود در حالی که در علوم و فنون صاحب کمال شده بود، به وطن بازگشت، و «دیوان» شعر خود را که در حدود هفت یا هشت هزار بیت می‌شد، مرتب و مدون کرد و در آنجا درگذشت.

آتشکده آذر (۳/ ۱۱۱۲-۱۱۱۳)، تاریخ نظم و نثر (۶۶۱)، تحفه سامی (۷۱-۷۰)، تذکره سخنوران یزد (۳۲۴-۳۲۶)، الذریعه (۹/ ۱۱۹۷)، ریحانه (۶/ ۱۸۴)، صبح گلشن (۵۲۱)، فرهنگ سخنوران (۹۳۶)، لغت نامه (ذیل / نصیبی).

نصیر اصفهانی - طبیب اصفهانی، نصیرالدین.

نصرت طالشی گیلانی، سلطان حسین، فرزند پناه بیگ. (س سیزدهم ق)، شاعر. اهل طالش گیلان بود و در تهران نشو و نما یافت. پدرش از ملازمان محمد قاسم خان، پسر امیر سلیمان خان اعتضادالدوله، و خود وی نیز از خادمان او بود. از آثارش: «دیوان» شعر.

حديقة الشعراء (۳/ ۱۸۹۳-۱۸۹۵)، دانشمندان آذربایجان (۳۷۶)، الذریعه (۹/ ۱۱۹۴)، سفینه المحمود (۲/ ۶۷۹-۶۸۰)، مجمع الفصحا (۶/ ۱۰۸۰-۱۰۸۲)، مصطفی خراب (۱۹۷-۱۹۸)، نگارستان (۱۴۲-۱۴۳).

نصرت علیشاه - اردبیلی، میرزا مسلم.

نصرت گیلانی - نصرت طالشی گیلانی.

نصرالمظفر، نصر بن محمود. (وف ح ۵۳۴ ق)، طبیب و شاعر. معروف به مظفر. مشهور به بلمظفر. از پزشکان معروف روزگار خود و از مشایخ حکمای اسلام بود که در طب و نجوم و کیمیا مهارت داشت. از آثار وی: «مختارات»، در طب؛ کتابی در «نجوم»؛ متفرقاتی در «کیمیا». ابن ابی اصیبه در «عیون الانباء» آورده که: خط بلمظفر طبیب را در آخر تفسیر اسکندر افرویدی در باب کتاب «کون و فساد ارسطو» دیدم که نوشته بود که نزد علی بن العین رزی درس خوانده‌ام و تاریخ آن کتاب در ۵۳۴ ق بود.

تاریخ طب (۲/ ۷۰۳)، ریحانه (۱/ ۲۸۱)، عیون الانباء فی طبقات الاطباء (۵۲۷)، معجم المؤلفین (۱۳/ ۹۲)، هدیة المارین (۲/ ۲۹۱).

نصیب اصفهانی، حاجی طالب، فرزند حاجی مقصود چیت ساز. (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به نصیب. وی بعد از فوت پدرش به تجارت پرداخت. نصیب از معاصران نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) بود. به هندوستان مسافرت کرد. اشعاری از وی در تذکره‌ها نقل شده است. از اوست:

از صفیر بلبل پزمرده گردد گلشنم
پای موری گر به سنگ آید بسوزد خرمنم

تذکره نصرآبادی (۳۶۰)، الذریعه (۹/ ۱۱۹۵)، فرهنگ سخنوران (۹۳۵)، کاروان هند (۲/ ۱۴۳۵-۱۴۳۶)، کلمات الشعراء (۱۸۶)، گلزار جاویدان (۳/ ۱۶۳۰-۱۶۳۱)، لغت نامه (ذیل / نصیب).

نصیب قزوینی. (س دهم ق)، شاعر و مورخ. وی از احفاد و بازماندگان دولتشاه سمرقندی، مؤلف «تذکره الشعراء»، و از امرای دربار اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ ق) بود.

نصیرالدین جهرمی ← طبیب اصفهانی، نصیرالدین.

نصیرالدین محمد مذهب. (ز ۸۰۵ ق)، مذهب و خطاط. سرپرست مذهبیان و نقاشان و خوشنویسان و دیگر هنرمندان کتابخانه دربار ابراهیم سلطان، فرزند شاهرخ، بود. ابراهیم سلطان مقام هنر او را ارج نهاده و فرمانی در ۸۰۵ ق، درباره کلاتری نصیرالدین محمد صادر نموده که این فرمان در «منشآت» شرف الدین علی یزدی قید گردیده است.

احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۹۴۲)، احوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۳۹۱-۱۳۹۲).

نصیر شیرازی، ملا ابراهیم، فرزند ملا کمال قاری. (س یازدهم ق)، شاعر، متخصص به نصیر. مردی درویش مسلک بود و در خدمت نجفقلی خان، فرزند امامقلی خان حکمران فارس، به سر می برد. با نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) معاصر بود. قصایدی در مدح ائمه اطهار (ع) دارد. از اوست:

در مصاف عاشقی فرهاد، مزدور من است
بیستون، سنگ به راه افتاده زور من است

تذکره نصرآبادی (۳۸۸)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۴/ ۶۶۸-۶۶۷)، الذریعه (۹/ ۱۱۹۸)، فرهنگ سخنوران (۳/ ۹۳۷)، گلزار جاویدان (۳/ ۱۶۳۴).

نصیر طوسی، خواجه نصیرالدین، ابوجعفر محمد بن محمد. (۵۹۷-۶۷۲ ق)، دانشمند، نویسنده، منجم، فیلسوف، ریاضیدان و شاعر. موصوف به استاد البشر و عقل حادی عشر. مشهور به خواجه نصیرالدین و خواجه نصیر طوسی. اصل وی از جهرود ساوه یا قم است. در طوس به دنیا آمد و به همین علت به طوسی مشهور شد. پدرش از فقها و علمای طوس بود. نصیرالدین علوم نقلی را نزد پدر و علوم عقلی را نزد دایی خود فراگرفت. در آغاز جوانی برای تکمیل معلومات به نیشابور رفت. در آنجا به محضر فریدالدین عطار نیشابوری رسید و گویند حکمت مشاء را نزد وی آموخت. ریاضیات را از کمال الدین محمد حاسب و فقه را نزد معین الدین سالم بن بدران مصری و کمال الدین میثم بحرانی فراگرفت و از محضر درس دانشمندانی چون کمال الدین بن یونس موصلی، ابوالسعادات اصفهانی، اسعد بن عبدالقاهر اصفهانی و نجم الدین محقق حلّی استفاده کرد. با صدرالدین قونیوی معاصر و معاشر بوده است. اعتماد السلطنه در «مطلع الشمس»، سید غیاث الدین عبدالکریم بن طاووس و

نصیر بروجردی، ملا محمد نصیر. (س یازدهم ق)، شاعر و مدرس. وی از معاصران نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) بود که به امر شاه سلیمان (۱۰۷۷-۱۱۰۵ ق) به گنجه رفت و به تدریس مشغول شد. نصیر در شعر و معما تبحر داشت و اشعاری از وی به جا مانده است.

تذکره نصرآبادی (۵۳۸-۵۳۷)، الذریعه (۹/ ۱۱۹۸-۱۱۹۷).

نصیر تنکابنی، ملا محمد نصیر، فرزند حکیم صدرالدین. (س یازدهم ق)، طبیب و شاعر. اهل تنکابن و داماد علامه شیخ حسین تنکابنی بود. در زمان تألیف «تذکره نصرآبادی» (۱۰۸۳ ق) به اصفهان رفت و در مسجد لبنان با میرزا طاهر نصرآبادی ملاقات کرد. اشعاری از وی در تذکره ها آمده است. از اوست:

دل منبع حصول جمیع مطالب است
ای راهرو چرا نفتادی به پای دل

تذکره نصرآبادی (۲۰۲-۲۰۱)، الذریعه (۹/ ۱۱۹۸)، فرهنگ سخنوران (۳/ ۹۳۶)، گلزار جاویدان (۳/ ۱۶۳۴).

نصیر تویسرکانی ← مشتاق تویسرکانی.

نصیرالدوله بیدر، میرزا احمد خان، فرزند میرزا عبدالوهاب آصف الدوله. (ح ۱۲۴۸-۱۳۰۹ ش)، نویسنده و مترجم. ملقب به نصیرالدوله. در رشت به دنیا آمد. وی برای ادامه تحصیل به تهران آمد و پس از فراگرفتن ادبیات فارسی به تحصیل فقه، اصول، حکمت الهی و همچنین زبان فرانسه و علوم ریاضی پرداخت. در زمان ناصرالدین شاه به عنوان منشی دربار برگزیده شد و پس از قتل شاه به خدمت وزارت امور خارجه درآمد و چندی به سفیری ایران در بلژیک انتخاب گردید. وی در ۱۲۹۷ ش در کابینه دوم حسن وثوق الدوله وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه را به عهده گرفت. در زمان وزارت وی مدارس دولتی رایگان و همچنین دانشسرای مقدماتی، پسران و دختران تأسیس گردید. او همچنین مدرسه موزیک را که تا آن زمان وجود نداشت تأسیس کرد. در تهران وفات یافت و در صحن حضرت عبدالعظیم (ع) به خاک سپرده شد. از آثارش: رساله در «خواص اعداد»؛ رساله در «هندسه»؛ «شرح حال حسین بن منصور حلاج»؛ «تاریخ نادر شاه افشار»؛ ترجمه «زمین یا معرفت الارض»؛ ترجمه.

دانشمندان و سخن سرایان فارس (۵/ ۶۶۹-۶۷۱)، وزرای علوم و معارف فرهنگ ایران (۱۸۷-۱۷۶)، وزرای معارف ایران (۷۱-۷۰).

در کاظمین به خاک سپردند. از دیگر آثار وی: «تجريد الکلام» یا «تجريد العقائد/ الاعتقاد» یا «تحرير العقاید»، در اصول دین؛ «زیج ایلخانی»، به فارسی؛ «اوصاف الاشراف»، در اخلاق به فارسی؛ «اساس الاقتباس»، در منطق؛ «تحرير اصول اقلیدس»، در هندسه؛ «تحرير مجسطی»، در هیئت؛ «تذکره نصیری»، در هیئت؛ شرح «اشارات» ابوعلی سینا؛ «سی فصل»، در نجوم؛ «رسالة فی اثبات القرقة الناجية»؛ «رسالة فی حصر الحق بمقالة الامامية»، به فارسی؛ «الاثنی عشرية»؛ «تحرير اکرمانالاولس» یا «تحرير کتاب مانالاولس فی الاشکال الکریة»؛ «تجريد المنطق»؛ «البارع فی التقریم و احکام النجوم»؛ «آداب المتعلمین»؛ «التجريد فی الهندسه»؛ «معیار الاشعار»، در عروض فارسی؛ «زبدة الادراک فی هیئت الافلاک»؛ «جامع الحساب فی التخت و التراب» یا «جوامع الحساب بالتخت و التراب»؛ «ظاهرات الفلک»؛ «تنسوق نسامة ایلخانی»؛ «بیست باب»، در معرفت اسطرلاب؛ «دیوان» شعر به قول صاحب «زندگینامه» ریاضیدانان دوره اسلامی، بروکلمان فهرست پنجاه و نه عنوان و سارتن فهرست شصت و چهار عنوان از آثار نصیرالدین را آورده و آنها را به چندین رشته مختلف تقسیم کرده‌اند.

الاعلام (۷/ ۲۵۸-۲۵۷)، اعیان الشیعه (۹/ ۴۱۴-۴۲۰)،
ایضاح المکنون (۱/ ۳۵۲-۳۵۳)، تاریخ ادبیات در ایران
(۳/ ۲۲۹-۲۳۱، ۲۵۴-۲۵۵، ۲۵۷-۲۵۸، ۱۱۹۸-۱۲۰۵)،
تاریخ علوم عقلی (صفحات متعدد)، تاریخ فلاسفه ایرانی
(۴۱۷-۴۴۱)، تاریخ گزیده (۷۰۵-۷۰۶)، تاریخ نجوم
اسلامی (۴۵، ۴۷، ۵۲، ۲۴۶)، تاریخ و عقاید اسماعیلیه
(۴۶۵-۴۶۷)، دایرةالمعارف پستانی (۱۱/ ۳۵۹)،
دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۳۰۳)، الذریعه (۱/ ۲۶، ۲/ ۶۰۵،
۳/ ۸، ۳۵۳-۳۵۲، ۹/ ۳۰۶، ۶۵۱، ۹۸۹، ۱۱۹۸-۱۱۹۹،
۱۳/ ۲۶۵)، روضات الجنات (۶/ ۲۷۸-۲۹۷)،
ریاض العارفین (۲۳۴-۲۳۵)، ریاض العلما (۵/ ۱۵۹-۱۶۴)،
ریاضیدانان (۵۰۶-۴۸۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۷/ ۱۶۸-۱۷۰)،
العبر (۳/ ۳۲۶)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۰۷-۵۰۹)،
فرهنگ سخنوران (۹۳۷)، فلاسفه شیعه (۲۹۰-۵۲۳)،
فوات الوفیات (۳/ ۲۴۶-۲۵۲)، فرائد
الرضویه (۶۰۲-۶۱۲)، کشف الظنون (۱۳۹، ۱۴۲، ۳۴۶-
۳۵۱، ۳۵۲-۳۵۳، ۳۵۷، ۳۹۱، ۹۵۰، ۹۶۹، ۱۴۳۶، ۱۶۴۴)،
الکنی و الالقاب (۳/ ۲۵۲-۲۵۰)، لغت نامه
(ذیل/ نصیرالدین طوسی)، مجالس المؤمنین (۲/ ۲۰۱-۲۱۰)،
مجمع الفصحا (۳/ ۱۴۰۶-۱۴۰۷)، مطلع

قطب‌الدین محمود بن مسعود شیرازی و جمال‌الدین حسن بن یوسف، ملقب به علامه حلی، را از شاگردان وی می‌شمارد. او چند سال پس از واقعه حمله چنگیز، به قلاع اسماعیلیه پناه برد و به خدمت ناصرالدین عبدالرحیم بن ابی منصور، محتشم قهستان رسید و به خواهش او کتاب «الطهارة» ابوعلی مسکویه را به فارسی ترجمه کرد، که بعدها آن را اساس تألیف «اخلاق ناصری» قرار داد. سپس به دعوت علاءالدین محمد، فرمانروای اسماعیلیان، به قلعه میمون دژ رفت. وی پس از غلبه هلاکوخان به قلاع اسماعیلیه در ۶۵۴ ق به خدمت او پیوست و همواره در ملازمت وی بود. در مورد تصمیم به ساختن رصدخانه، گویند منکوقاآن، که از پادشاهان مغول است، هنگام فرستادن هولاکو به ایران، دستور داد که خواجه نصیر را به دربار او روانه کند تا در مغولستان این رصدخانه تأسیس شود، اما هولاکو صلاح دید که این کار به امر او باشد و رصدخانه در ایران بنا شود. بعد از فتح بغداد، خواجه در ۶۵۷ ق از جانب هلاکو مأموریت یافت تا رصدخانه مراغه را ترتیب دهد. او هم جماعتی از ریاضیدانان بزرگ مانند: مؤیدالدین عریضی، از دمشق، و فخرالدین مراغی، از موصل، و فخرالدین اخلاطی، از تفلیس، و نجم‌الدین دبیران قزوینی را گردآورد و کار احداث رصدخانه مراغه را در همان سال آغاز کرد. خواجه با این کار عالمان بزرگ زمان را که پراکنده بودند، گردآورد و همچنین کتابخانه‌ای عظیم در محل رصدخانه مراغه احداث کرد و کتابهایی را که از بغداد، شام و الجزیره و اطراف و اکناف ایران فراهم آمده بود و به تصریح الکتبی، بیش از چهار صد هزار مجلد می‌شد، در آنجا جمع کرد. عمر خواجه از این پس در خدمات علمی گذشت. خواجه وزارت هولاکو را نیز به عهده داشت و با تقرب خود در نزد هلاکو، از قتل گروهی از بزرگان عهد خویش پیشگیری کرد. نصیرالدین یکی از بزرگترین بنیانگذاران کلام شیعه و پشاهنگ بزرگ فلسفه مشاء بود. در حکمت و فلسفه بزرگترین کار او تأیید و تسجیل حکمت ابوعلی سینا است و برای این کار به شرح مشکلات «اشارات» ابوعلی سینا و اثبات مباحث آن همت گماشت. خواجه اولین دانشمندی بود که حالات ششگانه را در مثلث کروی قائم‌الزاویه بیان کرد و آن را در کتاب خود به نام «الشکل القطاع» شرح داد. وی در شانزدهمین سال تأسیس رصدخانه وفات یافت و عمل رصد و زیج ناتمام ماند. اگر چه صدرالدین، پسر بزرگ او و بعد از وی، اصیل‌الدین عهده‌دار تکمیل آن شدند، اما کم‌کم رصدخانه، متروک گشت تا این زمان که تنها نامی از آن باقی مانده است. نصیرالدین در بغداد درگذشت و جنازه وی را

دل در طلب وعده خلافی دارم
در هر قدم از کعبه طوافی دارم
از دیدن روی او ندارم سیری
چون آینه اشتهای صافی دارم
تذکره نصرآبادی (۴۰۵-۴۰۶)، الذریعه (۱۱۹۹/۹)، صبح
گلشن (۵۲۱-۵۲۲)، فرهنگ سخنوران (۹۳۸)، گلزار
جاویدان (۱۶۳۳/۳).

نصیری، میرزا صادق، فرزند عباس سرابی، (تو ۱۳۳۱
ق)، عالم دینی و مدرس. در سراب آذربایجان به دنیا آمد.
پس از فراگیری مقدمات در خدمت پدرش، در ۱۳۴۹ ق به
قم رفت. دروس سطح را در محضر آیت الله میرزا محمد
همدانی و ادیب تهرانی و آیت الله حاج شیخ عباسعلی
شاهرودی و حاج مولانا تبریزی و آیت الله فاضل موحیدی
لنکرانی و آیت الله زنجانی و معقول را نزد امام خمینی
فراگرفت. وی از ۱۳۵۶ تا ۱۳۷۱ ق در درس فقه و اصول
آیت الله سید محمد حجت شرکت نمود و حدود هجده
سال نیز در محضر آیت الله بروجرودی تلمذ کرد. او پس از
درگذشت استادش، آیت الله بروجرودی، از محضر آیت الله
مرعشی نجفی نیز استفاده نمود و از خواص آیت الله
مرعشی گردید. پس از رسیدن به درجات علمی بالا، در قم
به تدریس سطوح عالی پرداخت. از آثارش: «تقریرات و
دراسات» آیت الله حجت: رساله «ترتب»، رساله «اجتماع
امر و نهی»، رساله «لباس مشکوک»، «قاعده لاضرر» و
متفرقات دیگر.

آینه دانشوران (۴۰۸)، گنجینه دانشمندان (۲/
۲۹۴-۲۹۳).

نصیری اصفهانی، طبیب اصفهانی، نصیرالدین.

نصیری امینی، مجدالدین، فرزند لطفعلی
صدراالفاضل، (تو ۱۳۰۸ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به
مجدی. در تهران به دنیا آمد. پدرش از دانشمندان و
خوشنویسان زمان خود بود و طبع شعری هم داشت و
دانش تخلص می‌کرد. مجدالدین پس از فراگیری علوم ادبی
و زبان فرانسه، چندی معلم زبان در مدرسه آلیانس فرانسه
بود و به دلیل تخصص در شناسایی کتب و انواع
عتیقه‌جات، کتابخانه معارف و اداره عتیقه‌جات به او
سپرده شد. نصیری همچنین مدتها در دبیرستان دارالفنون
به تعلیم خط و ادبیات مشغول بود. وی در نوشتن اقسام
خطوط از جمله، کوفی، محقق، ریحان، ثلث، نسخ، توقیع،
رقاع، تعلیق، نستعلیق و شکسته نستعلیق استاد بود و در

الشمس (۲۳۱-۲۱۹/۱)، معجم المؤلفین (۲۰۷/۱۱).
(۲۰۸)، مؤلفین کتب چاپی (۷۴۴-۷۳۰/۵)، نتایج الانکار
(۷۰۹-۷۰۸)، الوافی بالوفیات (۱/۱۸۳-۱۷۹)،
هدیه الاحباب (۱۹۶-۱۹۵)، هدیه العارفین (۱۳۱/۲).

نصیر کاتب شیرازی اصفهانی، (ز ۱۱۲۷ ق)، خطاط.
در اصفهان به دنیا آمد. وی از نسخ نویسان است. از
آثارش: قرآن رحلی، دو صفحه افتتاح متن و حاشیه مذهب
مرصع عالی، به خطوط نسخ کتابت جلی متوسط، ثلث
جلی عالی، رقاع متوسط و ترجمه نستعلیق متوسط، با
رقم: «...حسب الامر...» شاه سلطان حسین الصفوی
الموسوی بهادر خان... بخط اقل الکتاب... نصیر الکاتب
الشیرازی مولد الاصفهانی محتدا... ۱۱۲۷.
احوال و آثار خوشنویسان (۴/۱۲۲۲-۱۲۲۳)، تاریخ
اصفهان (۲۱۳).

نصیر منشی نیشابوری، (ز ۹۴۸ ق)، خطاط. وی در
نوشتن اقسام خطوط دست داشت. صاحب «احوال و آثار
خوشنویسان» به نقل از سپهر سال مرگ نصیر منشی را
۹۶۲ ق ذکر کرده است. از آثار او: سه قطعه از مرقع بهرام
میرزا، به قلم نسخ و رقاع و نستعلیق دو دانگ و نیم دو
دانگ خوش، با رقم: «تحفه مجلس نواب جهانبانی
[مقصود بهرام میرزا صفوی است] خلد الله تعالی ملکه،
مشقه الفقیر، نصیر غفر ذنوبه»؛ قطعه‌ای به قلم ثلث و نسخ
و رقاع خوش، با رقم: «مشقه العبد المذنب... نصیر المنشی
النیشابوری، فسی شهویر سنة خمس و ثلاثین و
تسمائة...»؛ قطعه‌ای به قلمهای ریحان و ثلث و نسخ و
رقاع و توقیع و شکسته تعلیق و نستعلیق، با رقم: «مشقه
العبد المذنب الغریب... النصیر المنشی، ... سنة ۹۴۸،
بدار السلطنة اصفهان».

احوال و آثار خوشنویسان (۳/۹۴۱، ۴/۱۲۲۲)، تاریخ
هنرهای ملی (۲/۸۷۴)، گلستان هنر (۴۹)، هنر عهد
تیموریان (۵۳۳).

نصیر نایینی، نصیرا، (س یازدهم ق)، واعظ و شاعر.
اهل نایین و از نوادگان ملا سلمان (کمال) واعظ نایینی بود.
نصیرا به شیراز و تبریز مسافرت کرد و در تبریز مدتی در
خدمت میرزا صالح شیخ الاسلام تبریزی به سر برد. سپس
به اصفهان بازگشت و در آنجا سکنی گزید. با نصرآبادی
(ز ۱۰۸۳ ق) معاصر بود. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده
است. از اوست:

شاعر و خطاط. از سادات حسینی اسکو، از توابع تبریز، بود. به آورده صاحبان «الذریعه» و تذکره «تحفه سامی» او و برادرانش در خدمت شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴ ق) به سر می بردند. مؤلف «دانشمندان آذربایجان» معتقد است که وی همراه پسرانش در خدمت شاه طهماسب صفوی بوده است. نظام الدین در ابتدا کلیددار کتابخانه شاه طهماسب بود و بعدها به منصب وکالت نیز رسید. وی در نوشتن خط نسخ و تعلیق نیز تبحر داشت. اشعاری از او در تذکره ها آمده است.

تحفه سامی (۵۸۵۷)، تذکره روز روشن (۸۲)، دانشمندان آذربایجان (۳۰۳-۳۰۴)، الذریعه (۹/ ۱۲۰۲-۱۲۰۱).

نظام اصفهانی. (ز ۹۹۲ ق)، خطاط. از اساتید خط ثلث و نسخ است. از آثار وی: لوحه مرمر، در ایوان تعمیری شاه سلیمان به نام ایوان شاگرد، در مسجد اصفهان و به خط ثلث دو دانگ کتیبه خوش، با رقم: «... کتبه نظام الاصفهانی فی شهر سنه ۹۹۲».

آثار ملی اصفهان (۵۶۰، ۵۸۹)، احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۲۲۳)، تاریخ اصفهان (۱۶۸)، گنجینه آثار تاریخی اصفهان (۱۳۵-۱۳۴).

نظام اعرج نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد بن حسین. (س هشتم ق)، عالم دینی، مفسر، عارف و ادیب. معروف به نظام نیشابوری و نظام اعرج. او را از علمای عامه دانسته اند و بعضی به او نسبت تشیع داده اند. اصلش از قم و ساکن نیشابور، و به آورده برخی از مأخذ اصلش از نیشابور و ساکن قم، بود. وی از شاگردان قطب الدین محمد بن مسعود شیرازی بود. در پاره ای از منابع وی جزو علمای سده نهم هجری آورده شده چون تاریخ اتمام بعضی از مجلدات «تفسیر» مشهور وی را در حدود ۸۵۰ ق ذکر کرده اند، در حالی که برخی از منابع ۷۲۸ ق را تاریخ صحیح اتمام می دانند. از آثارش: «غرائب القرآن و رغائب الفرقان»، در تفسیر که به «تفسیر نیشابوری» معروف است و آن را به اشاره استادش قطب الدین محمد بن مسعود شیرازی تألیف کرد؛ «لب التأویل»، در تفسیر قرآن؛ «اوقاف القرآن»، که به امر استادش قطب الدین شیرازی نوشته است؛ «تعبیر التحریر» یا «تفسیر التحریر»، در شرح «تحریر المعسطی» خواجه نصیر طوسی که به امر قطب الدین شیرازی، به اسم خواجه سعدالدین ساوجی وزیر الجایتو (م ۷۱۱ ق) نوشته است؛ «توضیح التذکره»، شرح «تذکره النصیری» خواجه نصیر طوسی، در هیئت که در ۷۱۱ ق

شعر و ادبیات نیز دست داشت و «دیوان» شعری در حدود چهار هزار بیت دارد. از دیگر آثارش: رساله «کلید نگارش»، در اقسام خطوط اسلامی، با ذکر اسامی بعضی از اساتید هنر خط؛ «احیاء الرسوم»، شامل انواع خطوط که در ۱۳۳۷ ق تألیف کرده است.

تذکره خوشنویسان معاصر (۱۱۷-۱۲۱).

نصیری سمنانی، نصرت الله، فرزند عمید الممالک. (۱۲۸۳-۱۳۳۶ ش)، پزشک و نویسنده. در سمنان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش و تحصیلات متوسطه را در تهران و در مدرسه علمیه و دارالفنون به پایان رساند و وارد دانشکده پزشکی شد. وی علاوه بر شغل طبابت در طی دوران خدمت خود مشاغل دیگری از جمله: ریاست کارگزینی و ریاست بازرسی و معاونت وزارت فرهنگ و همچنین رایزنی فرهنگی و سرپرستی محصلین در سوئیس را بر عهده داشت. وی بر اثر سکته قلبی در سوئیس درگذشت. از آثارش: «دوره الکتریسته»؛ «بهداشت دبیرستانها»، با مشارکت عباس مؤدب نفیسی.

تاریخ قومس (۴۴۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۵۳۸، ۱۴۶۶)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۵۷۱).

نصیری منشی، محمد کاظم. (س یازدهم ق)، خطاط. از خوشنویسان شکسته تعلیق بود. از آثار وی: قطعه ای از یک مرقع، به قلم نیم دو دانگ جلی، با رقم: «کمترین غلامان محمد کاظم نصیری منشی».

احوال و آثار خوشنویسان (۴/ ۱۲۷۳).

نطقی تبریزی. (س دوازدهم ق)، شاعر. اهل تبریز و از معاصران واله داغستانی (م ۱۱۷۰ ق) بود. برخی از تذکره نویسان نام خود وی را خواجه غازی بیگ گفته و عده ای نیز پدرش را با این نام ذکر کرده اند. اشعاری از وی در تذکره ها آمده است. از اوست:

جواب نامه ما دست و پا گم کرده می گویی
عجب می دارم ای قاصد که این پیغام او باشد

تذکره شعری آذربایجان (۲/ ۶۶۶-۶۶۷)، دانشمندان آذربایجان (۳۷۹)، الذریعه (۹/ ۱۲۰۱)، صبح گلشن (۵۲۴-۵۲۵)، فرهنگ سخنوران (۹۳۹)، گلزار جاویدان (۳/ ۱۶۳۴).

نظام استرآبادی ← استرآبادی، مولانا نظام الدین.

نظام اسکوئی، امیر نظام الدین احمد. (س دهم ق)،

نظام بن یقینی، (س نهم ق)، خطاط. از کاتبان متقدم خط نستعلیق است. از آثار وی: یک نسخه «تحفة الاحرار» جامی، به قلم کتابت خفی متوسط، با رقم: «العبد نظام بن یقینی».

احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۹۴۴)، هنر عهد تیموریان (۵۳۳-۵۳۴).

نظام تبریزی ← نظام شامی، نظام الدین.

نظام جامی، نظام الدین احمد. (س ششم ق)، شاعر. در عهد خوارزمشاهیان (۴۷۰-۶۲۸ ق) می زیست و از منشیان دربار آنها شمرده می شد. نظام شعر نیز می سرود و اشعاری از وی در تذکرها آمده است. از اوست:

دی دلبرم رسید چو زد آفتاب تیغ
با روی همجو آتش و در کف چو آب تیغ
الذریعه (۹/ ۱۲۰۳)، فرهنگ سخنوران (۹۴۰)، لباب
الالباب (۱/ ۱۴۹-۱۵۱)، مجمع الفصحا (۳/ ۱۴۰۹)،
هفت اقلیم (۲/ ۱۸۰-۱۸۱).

نظام خوانساری، قاضی نظام الدین. (س دوازدهم ق)، شاعر. در خوانسار به دنیا آمد. در ابتدای جوانی برای تحصیل به اصفهان رفت و پس از پایان تحصیلات به خوانسار مراجعت کرد. نظام بیشتر اوقاتش را با شاعران می گذراند. پس از مدتی به تقاضای والی لرستان و اهالی خرم آباد به عنوان قاضی آنجا منصوب شد و در آنجا با شیخ محمد علی حزین (م ۱۱۸۱ ق) دیدار کرد و با یکدیگر به مصاحبت و مشاعره پرداختند. او در فن موسیقی و علم حساب متبحر بود و در فن آواز نیز مهارت داشت. به آورده تذکره «شعراي خوانسار» در خرم آباد درگذشت. اشعاری از وی در تذکرها آمده است. از اوست:

به عشق آشنا پرور، هوس بیگانه می آید
بسروای آرزو از دل که صاحبخانه می آید
تذکره شعراي خوانسار (۱۶۴-۱۶۵)، تذکره المعاصرین
(۱۳۸-۱۳۹، ۲۶۱)، الذریعه (۹/ ۱۲۰۳)، فرهنگ
سخنوران (۹۴۰).

نظام دستغیب شیرازی، میر نظام الدین، فرزند میر امین الدین حسین. (وف ۱۰۲۹ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به نظام. از سادات شیراز و مشهور به نظام دستغیب بود. وی در آغاز جوانی با دانشهای زمان آشنا شد و در خط نستعلیق و علم موسیقی مهارت یافت. او در

تألیف نموده است؛ شرح «الشافیه» ابن حاجب، در علم صرف که به «شرح نظام» معروف است؛ شرح «مفتاح العلوم» سکاکی؛ «الربع المقنطر»؛ رساله ای در «علم الحساب».

الاعلام (۲/ ۲۳۳، ۲۳۴)، اعیان الشیعه (۵/ ۲۴۸-۲۴۹)،
الذریعه (۲/ ۴۸۰، ۱۲۱/ ۳، ۲۰۶/ ۴، ۴۹۲، ۷۲/ ۱۰، ۱۳/ ۱۴۲، ۱۶/ ۳۲-۳۱، ۱۸/ ۲۸۴)، روضات الجنات
(۳/ ۹۶-۱۰۱)، ریحانه (۶/ ۱۹۷-۱۹۹)، طبقات اعلام
الشیعه (قرن ۸/ ۴۷-۴۶)، کشف الظنون (۳۹۱-۳۹۲)،
۱۰۲۱، ۱۰۶۲، ۱۱۹۵، ۱۵۹۵، ۱۷۶۳)، الکنی و الألقاب
(۳/ ۲۵۶)، معجم المؤلفین (۳/ ۲۸۱-۲۸۲، ۲۹۱)، هدیة
الاحباب (۲۵۷)، هدیة العارفین (۱/ ۲۸۳).

نظام افشار، صدرافاضل میرزا حبیب قراآغاجی. (ز ۱۳۰۶ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به نظام. ملقب به صدرافاضل. اصلش از قریه قراآغاج رضائیه بود. در صنایع خط ناخنی و کاغذ بریده و ابری سازی و علاقه بندی استاد بود و در هجو و هزل دست داشت. او به هنگام تألیف «المآثر و الآثار» (۱۳۰۶ ق) هنوز می زیست. از آثار وی: «المقویم»، مهمل التقویم؛ مثنوی «مصاب»، در قبال «نصاب الصبیان» ابونصر فراهی، که این دو اثر نظام هزلیاتی انتقادی است؛ «دیوان» شعر.

احوال و آثار نقاشان (۱/ ۱۲۴)، دانشمندان آذربایجان
(۳۷۹)، الذریعه (۹/ ۶۰۱-۶۰۰، ۱۲۰۲، ۱۹/ ۲۹۶، ۲۲/ ۱۲۶)، شرح حال رجال (۱/ ۳۱۴)، فرهنگ سخنوران
(۹۳۹-۹۴۰)، المآثر و الآثار (۲۱۳).

نظام بخارایی. (س دهم ق)، خطاط. از اساتید خط ثلث بود و خطوط سته را خوش می نوشت. وی در کتابخانه بهرام میرزای صفوی مشغول کار بوده است. مولانا نظام خط ثلث را با انگشت نیز بسیار خوب می نوشته است.
گلستان هنر (۳۳-۳۴).

نظام بندگان تبریزی. (س هشتم ق)، نقاش. گچ بر و نگارگر و رسمی ساز محراب مسجد جامع مرند است که در کمال استواری بنا نهاده و در فاصله دو سر ستون آن نام سازنده آن چنین درج شده: «عمل عبدالفقیر نظام بندگان تبریزی». این بنا به امر ابوسعید بهادر خان در ۷۳۱ ق فرجام پذیرفته است.
احوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۳۹۲).

زمینه شاعری از شاگردان امیر محمد مؤمن عزّی فیروزآبادی بود و در اثر تربیت استاد، در شعر مهارت یافت و در جوانی به شهرتی قابل توجه رسید. وی با نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) معاصر بود. نظام در شیراز درگذشت و مزارش در حافظیه است. برخی از تذکره‌نویسان، وفاتش را در سن جوانی و در زمان شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ق) نوشته‌اند. بعضی از تذکره‌ها معتقدند که نظام الدین به هندوستان سفر کرده و تاریخ فوت وی را ۱۰۳۹ ق ذکر کرده‌اند. از آثار وی: «دیوان» شعر، شامل ساقی نامه، غزل، قصیده، ترجیعات و ترکیبات، در حدود سه یا چهار هزار بیت که شخصی به نام حیّان مالی آن را جمع آوری کرده و مقدمه‌ای بر آن نوشته است. قصاید نظام بیشتر در منقبت ائمه اطهار (ع) می‌باشد.

تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۱۰۱۲-۱۰۱۶)، تاریخ نظم و نثر (۴۴۶)، تذکره روز روشن (۸۲۹-۸۳۲)، تذکره میخانه (۶۴۱-۶۶۰)، تذکره نصرآبادی (۲۷۱-۲۷۲)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۴/ ۶۷۹-۶۸۹)، دویت سخّور (۴۳۲-۴۳۳)، الذریعه (۹/ ۱۲۰۴)، ریحانه (۲/ ۲۲۰-۲۲۱)، سرو آزاد (۳۸-۳۹)، فارسنامه ناصری (۲/ ۱۸۱)، فرهنگ سخّوران (۹۴۱)، لغت نامه (ذیل / نظام شیرازی)، مرآت الفصاحه (۶۵۹-۶۶۱)، نتایج الافکار (۷۲۳-۷۲۴).

نظام الدوله اصفهانی، علی محمد خان، فرزند عبدالله خان امین الدوله. (س سیزدهم ق)، خطاط و ادیب. از وزرای دربار فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲-۱۲۵۰ ق) بود. وی در نظم و نثر و ادبیات فارسی و عربی دست داشت و از علوم ریاضی و دینی نیز بهره‌مند بود. او همچنین خط نستعلیق و نسخ را خوش می‌نوشت. در ۱۲۵۰ ق، پس از فوت فتحعلی شاه و سلطنت محمد شاه، چون نظام الدوله از مخالفین سلطنت محمد شاه بود، از ترس او، به بین‌النهرین مهاجرت کرد و در عتبات مجاور شد. وی در نجف به حلقه درس شیخ مرتضی پیوست و تا پایان عمر در همان‌جا به سر برد.

احوال و آثار خوشنویسان (۲/ ۴۸۴-۴۸۵)، تاریخ عضدی (۶۶۰)، شرح حال رجال (۲/ ۴۸۳-۴۸۴).

نظام الدین اردبیلی، فرزند شمس الدین. (ز ۹۲۰ ق)، خطاط. از خوشنویسان آذربایجان بود. وی علاوه بر نستعلیق، خطوط سته را خوش می‌نوشت و بیشتر به کتابت اشتغال داشت. به آورده صاحب «گلستان هنر»: «... تا سنه

عشرین و تسعمائه در قید حیات بوده است.^۱
احوال و آثار خوشنویسان (۳/ ۹۴۲-۹۴۳)، دانشمندان آذربایجان (۳۸۰)، گلستان هنر (۳۲-۳۳).

نظام الدین بن رضی نقاش. (س نهم ق)، شاعر، خطاط و مذهب. وی از هنرمندان پر مهارتی است که در تذهیب، صحافی و خوشنویسی توانا بوده و در نظم و نثر نیز دست داشته است. از آثار او نسخه‌ای از «تاج المآثر» صدرالدین حسن نظامی نیشابوری، در تاریخ هندوستان است که به خط خود برای یکی از وزیرزادگان به نام غیاث‌الدین عزت نوشته و آن را در ۸۲۸ ق به پایان رسانده است. وی در خاتمه این کتاب، رساله‌ای نوشته و اشعار خود را نیز آورده و تصریح کرده است که خط و انشا و تذهیب این کتاب از اوست و در آغاز آن دو مجلس نقاشی خوب هم ساخته است.

احوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۲۹۲)، تاریخ نظم و نثر (۳۳۶).

نظام الدین خاموش-خاموش، نظام الدین.

نظام الدین رشتی، شیخ مرتضی، فرزند شیخ حسن شیخ الاسلام. (۱۲۷۷-۱۳۳۶ ق)، عالم دینی. ساکن رشت بود. در محضر میرزا حبیب الله رشتی و شیخ هادی تهرانی تلمذ نمود. سید محمود تبریزی، پدر سید شهاب الدین تبریزی از وی روایت کرده است. از آثارش: «ارشاد الصبیان»؛ «تشریح الحساب»، در شرح «خلاصة الحساب» شیخ بهایی؛ «حجیه القطع و الظن».

الذریعه (۴/ ۱۸۷-۱۸۸)، ریحانه (۶/ ۲۷۵)، ریحانه (۶/ ۲۰۷-۲۰۶).

نظام الدین ساوجی، نظام الدین ملا محمد بن کمال الدین حسین قرشی. (وف بعد از ۱۰۳۸ ق)، عالم امامی، فقیه، اصولی، محدث، متکلم، رجالی و ریاضیدان. اهل ساوه و از شاگردان شیخ بهایی بود، پس از مرگ پدرش تحت نظر شیخ بهایی تربیت یافت. پس از درگذشت استادش، در دربار صفویه زندگی کرد. در ۱۰۳۳ ق سفری به عتبات نمود. ساوجی به امر شاه عباس صفوی کتاب «جامع عباسی» استادش شیخ بهایی را، که تا باب حج تألیف شده بود، تکمیل کرد و «تحفه عباسی»، در فضائل و مناقب را در تتمیم «جامع عباسی» نگاشت. او پس از عزل ملا خلیل قزوینی، از مدرسی حضرت عبدالعظیم (ع)، عهده‌دار تدریس در بقعه عبدالعظیم حسنی شد و اندکی پس از درگذشت شاه عباس (۱۰۳۸ ق)، در شهر ری

شخصی بود که به خدمت تیمور رسید و مورد التفات او قرار گرفت. تیمور در ۸۰۴ ق از او خواست که کتابی در تاریخ سلطنت وی بنویسد و نظام کتاب «ظفرنامه» یا «ظفرنامه شامی» را که شامل شرح حال تیمور تا وقایع ۸۰۶ ق بود، نگاشت. او در ۸۰۶ ق به اجازه تیمور به تبریز بازگشت. از دیگر آثار وی: تلخیصی از ترجمه فارسی کتاب «بلوهر و یوذاصف/بوداسف» که به نام سلطان احمد جلایر نوشته یا چنان که در «دایرة المعارف فارسی» آمده، این کتاب را ترجمه کرده است؛ «ریاض الملوك فی ریاضات السلوك»، ترجمه فارسی کتاب «سلوان المطاع فی عدوان الاتباع/الاطباع» ابن‌الظفر صقلی ملکی در ۷۶۸ ق، مشتمل بر یک دیباچه و یک مقدمه و پنج باب و یک خاتمه، به نام سلطان اویس جلایر.

از سعدی تا جامی (۴۹۲-۴۹۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۴/ ۴۷۶-۴۸۰)، تاریخ نظم و نثر (۷۵۷-۷۵۰)، حبیب السیر (۳/ ۵۴۷-۵۴۸)، دانشمندان آذربایجان (۳۷۹-۳۸۰)، دایرة المعارف فارسی (۲/ ۳۰۳۶)، الذریعة (۹/ ۱۲۰۲، ۱۱/ ۳۳۸، ۱۵/ ۲۰۰)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۰۹-۵۱۰)، فرهنگ سخنوران (۹۴۰)، لغت نامه (ذیل/ نظام‌الدین شامی).

نظام شنب غازانی ← نظام شامی، نظام‌الدین

نظام شیرازی ← نظام دستغیب شیرازی.

نظام‌العلمای تبریزی، سید میرزا رفیع‌الدین/محمد رفیع/رفیع، فرزند میرزا علی اصغر، فرزند میرزا رفیع‌الدین طباطبایی. (۱۲۵۰-۱۳۲۶/۱۳۲۷ ق)، عالم دینی، ادیب و شاعر. نسبش به ابراهیم طباطبایی می‌رسد. در تبریز به دنیا آمد. در قریه با سمنج تبریز درگذشت و در صحن حضرت معصومه (س) در قم دفن شد. از آثارش: «انیس الادباء و سمیر السعداء»، کشکول فارسی؛ «تحفة الامثال»، در سه قسمت: آیات، کلمات مستوره و امثال منظومه؛ «التحقیقات العلویة»؛ «آداب الملوك»، در شرح «عهدنامه امیرالمؤمنین (ع) به مالک اشتر»؛ «تشریح التقویم»؛ «حقیقة الامر»، در جبر و تفویض و امر بین الامرین؛ «جواهر الاخبار»؛ «مصایب الانوار»؛ «مجمع الفضائل»؛ «دستور الحکمة»؛ «مقالات النظامیة»؛ «مجالس النظامیة»؛ «فتوحات نظامیة»، به فارسی؛ «وسيلة الزائرین»؛ «کافیة العروض»؛ «دیوان» شعر در مدایح و مراثی.

اعیان‌الشیعة (۷/ ۳۳)، تذکرة شعرای آذربایجان (۳/ ۵۰۱)،

درگذشت. از دیگر آثارش: «زینة المجالس»، به شیوة «کشکول» استادش شیخ بهایی؛ «نظام الاقوال»، در شناخت رجال؛ «الصحيح العباسی»؛ رساله‌ای در «وجوب نماز جمعه».

اعیان‌الشیعة (۹/ ۲۵۲-۲۵۳)، الذریعة (۳/ ۳۴۰، ۴۵۲، ۱۲/ ۹۵، ۱۵/ ۱۵، ۲۴/ ۱۹۱)، ریاض‌العلماء (۵/ ۲۴۲-۲۴۳)، ریحانه (۶/ ۲۰۳-۲۰۴)، طبقات اعلام‌الشیعة (قرن ۱۱/ ۶۱۸)، الکنی و الالقاب (۳/ ۲۵۷)، لغت نامه (ذیل/ نظام‌الدین ساوجی)، معجم المؤلفین (۹/ ۲۵۰)، هدیة الاحباب (۲۵۷).

نظام‌الدین مؤذی ← مؤذی خوارزمی، نظام‌الدین.

نظام‌السلطنة مافی، حسینقلی خان مافی، فرزند شریف خان قزوینی. (۱۲۴۰/۱۲۴۸-۱۳۲۶ ق)، خطاط. ملقب به سعدالملک و نظام‌السلطنة. وی در جوانی به کسب علوم و کمالات پرداخت و از علوم تفسیر و فقه و اصول و ریاضی بهره مند بود. خط نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت و در انشا نیز مهارت داشت. مشاغل دولتی حسینقلی خان از زمانی که حکومت فارس و بوشهر به سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنة داده شد، آغاز گردید و پیوسته مصدر مشاغل مهم بود که مهمترین آنها حکومت یزد، خوزستان، لرستان و پیشکاری آذربایجان بوده است. مافی لقب سعدالملک را هنگام حکومتش در یزد گرفت و لقب نظام‌السلطنة را در حکومت خوزستان و بختیاری در ۱۳۰۵ ق از طرف ناصرالدین شاه دریافت کرد. در زمان مظفرالدین شاه به وزارت عدلیه، وزارت تجارت و وزارت مالیه منصوب شد. از آثار وی: یک قطعه، به قلم نستعلیق شش دانگ عالی، با رقم: «العبد حسینقلی جهت نور چشمی حیدر قلی سنه ۱۲۷۹» و به خط دیگری یادداشتی دارد، به این مضمون: «نظام‌السلطنة مافی برای برادرش حیدر قلی خان برهان‌السلطنة نوشته است».

احوال و آثار خوشنویسان (۱/ ۱۶۲-۱۶۳)، شرح حال رجال (۱/ ۲۴۸-۴۵۶).

نظام شامی، نظام‌الدین عبدالواسع شنب غازانی. (س) هشتم و نهم ق)، مورخ، نویسنده و شاعر. معروف به نظام شنب غازانی. از محله شنب غازان یا شام غازان تبریز بود. در جوانی به بغداد رفت. مدتی در ملازمت سلطان اویس جلایر (۷۵۷-۷۷۶ ق) و سلطان احمد بن شیخ اویس (۷۸۴-۸۱۳ ق) به سر برد و زمانی که امیر تیمور سلطان جلایر را شکست داد و بغداد را گشود، نظام‌الدین اولین

تذکره شاعران کرمان (۵۱۸)، حدیقه الشعراء (۱۰۵۴/۲)،
 ۱۸۹۸-۱۸۹۹، الذریعه (۱۵۲/۵، ۱۲۰۵/۹)، ریاض
 العارفین (۳۳۶)، ریحانه (۱۹۹/۶)، ستارگان کرمان
 (۳۹۱-۳۹۲)، طرائق الحقائق (۲۶۹-۲۶۸/۳)، فرهنگ
 سخنوران (۹۴۲)، لغت نامه (ذیل/نظام علیشاه).

نظام‌الملک طوسی، قوام‌الدین ابوعلی حسن بن
 ابوالحسن علی. (۴۰۸/۴۱۰-مقتول ۴۸۵ ق)، نویسنده و
 شاعر. ملقب به نظام‌الملک و رضی‌امیرالمؤمنین. مشهور به
 خواجه نظام‌الملک طوسی. در نوغان، از دهات رادکان
 طوس، به دنیا آمد و دوران کودکی و تحصیلات مقدماتی را
 در زادگاهش گذراند. در یازده سالگی قرآن آمرخت و
 سپس در طوس، نیشابور و مرو فقه شافعی و حدیث را
 فراگرفت. با ابوسعید ابوالخیر (م ۴۴۰ ق) معاصر بود.
 چندی نیز در بلخ به خدمت ابوعلی بن شاذان درآمد و به
 دبیری وی منصوب شد. ابوعلی بعد از اینکه در زمان
 سلجوقیان به وزارت رسید، نظام‌الملک را به دبیری
 البارسلان گماشت و نظام‌الملک در ۴۵۱ ق به وزارت
 البارسلان رسید. مجموع وزارت نظام‌الملک در دربار
 البارسلان و ملکشاه سی سال بود. وی در ۴۸۵ ق بر اثر
 اختلاف با ترکان خاتون بر سر جانشینی ملکشاه و ترجیح
 برکیارق بر محمود و دشمنی مخالفان، به قولی از وزارت
 برکنار شد. خواجه نظام‌الملک دارای مذهب شافعی بود و
 از باب ارادت که به فقها و متصوفه داشت، مدارس معتبری
 به نام نظامیه و همچنین خانقاههای بسیاری بنا نهاد. او
 عاقبت در راه بغداد در نزدیکیهای نهاوند یا بروجرد به
 دست یکی از فداییان و پیروان حسن صباح به نام ابوطاهر
 ارانی به قتل رسید. قبر وی در اصفهان می‌باشد. در مورد
 همدرس بودن او با حکیم عمر خیام و حسن صباح نیز نقل
 قولهایی وجود دارد که به تصریح دکتر صفاء نمی‌تواند
 درست باشد. وی گاهی نیز شعر می‌سرود. از آثار وی:
 «سیاست‌نامه» یا «سیر الملوک» یا «پنجاه فصل»، که به
 درخواست سلطان ملکشاه نوشته شد؛ «وصایای
 نظام‌الملک» یا «دستورالوزاره»؛ «قانون‌الملک» که به آورده
 «تاریخ ادبیات در ایران» به وی نسبت داده‌اند و ظاهراً
 قسمتی از «سیاست‌نامه» می‌تواند باشد.

آتشکده آذر (۵۰۹۵۰۴/۲)، اعیان‌الشیعه (۱۶۵/۵)-
 ۱۶۹، تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۹/۲)، ۲۴۱-۲۳۴،
 ۵۲۷-۵۲۶، ۹۰۹-۹۰۴، تاریخ‌گزیده (۴۴۳)، تاریخ نظم و
 نثر (۶۶)، تجارب السلف (۲۸۱-۲۶۶)، تذکره الشعراء
 (صفحات متعدد)، تعلیقات اسرار التوحید (۷۲۸-۷۲۷)،
 حبیب‌السیر (۵۰۰-۴۹۴/۲)، دایرة المعارف فارسی

دانشمندان آذربایجان (۳۹۰-۳۸۰)، الذریعه (۳۰-۲۹ / ۱)،
 ۴۶ / ۲، ۴۵۲-۴۵۱ / ۳، ۴۲۱ / ۴، ۱۸۷ / ۵، ۲۵۹ / ۷
 ۴۸-۴۷ / ۹، ۱۲۰۳-۱۲۰۲ / ۱۹، ۳۷۲ / ۲۰، ۳۹ / ۲۱،
 ۸۰، ۳۹۳ / ۲۵، ۷۸ / ۷۸، ریحانه (۲۰۸-۲۰۷ / ۶)، طبقات
 اعلام‌الشیعه (قرن ۱۴ / ۷۸۸-۷۸۷)، علماء معاصرین
 (۹۳-۹۲)، المآثر و الآثار (۱۸۳)، معجم المؤلفین (۴ /
 ۱۶۹)، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۷-۲۲۴ / ۳).

نظام‌العلمای تبریزی، میرزا محمود، فرزند محمد.
 (وف ۱۲۷۰/۱۲۷۲ ق)، نویسنده و ادیب. ملقب به نظام
 العلماء. وی معلم ناصرالدین شاه قاجار و از علمای شیخیه
 آذربایجان بود. از آثار وی: «الشهاب الشاقب»، در ردّ
 نواصب؛ «اخلاق نظام‌العلماء».

دانشمندان آذربایجان (۳۸۱)، الذریعه (۱ / ۳۸۱، ۱۴ /
 ۲۵۳)، ریحانه (۲۰۹-۲۰۸ / ۶)، شرح حال رجال (۴ /
 ۶۰-۵۹)، مؤلفین کتب چاپی (۸۴ / ۶).

نظام‌علیشاه کرمانی - نظام کرمانی، ملا احمد.

نظام کرمانی، ملا احمد، فرزند عبدالواحد. (وف
 ۱۲۴۰/۱۲۴۲/۱۲۴۶ ق)، عارف و شاعر. ملقب به نظام
 علیشاه. اهل کرمان بود. پس از تحصیل علوم ظاهر، قدم به
 جاده سلوک و عرفان گذاشت و به رونق علیشاه دست
 ارادت داد و مرید وی شد. بعد از فوت استاد، مرید
 مجذوب علیشاه (م ۱۲۳۹ ق) گردید و از او اجازه ارشاد
 یافت. زمانی که معصوم علیشاه، مؤلف «طرائق الحقائق»،
 در شیراز به سر می‌برد، نظام علیشاه برای دیدن او به
 شیراز رفت و چند بار نیز با یکدیگر به خدمت
 مجذوب علیشاه رسیدند. وی با مؤلف «ریاض العارفین» نیز
 معاصر و معاشر بود. وی در کرمان مورد آزار و اذیت
 ابراهیم خان قاجار ظهیرالدوله، حاکم آن شهر، قرار داشت
 تا حدی که مجبور به ترک کرمان شد، ولی بعدها، پس از
 درگذشت ابراهیم خان، به شهر خود بازگشت. نظام در
 سرودن شعر طبعی موزون داشت و بیشتر به سرودن
 مثنوی راغب بود. وی در کرمان درگذشت و در جوار
 مشتاق علیشاه به خاک سپرده شد. در تاریخ فوت وی
 اختلاف است. مؤلف «طرائق الحقائق» از قول «بستان
 السیاحه» می‌گوید که بر لوح مزارش ۱۲۴۶ ق نوشته شده
 است. از آثار وی: «مصباح‌الشریعه»؛ «دیوان» شعر. در لغت
 نامه آمده که به مثنوی «جنات الوصال» که به ترتیب
 نورعلیشاه و رونق علیشاه سروده‌اند، دو مجلد سروده و
 اضافه کرده است.

طب قدیم نزد میرزا محمد علی آقا جمال که از اطبا معروف زمان خود بود پرداخت. سپس جهت تکمیل تحصیلات به نجف رفت و پس از بازگشت در تهران اقامت کرد و زبان فرانسه را در مدرسه آلیانس فراگرفت. بعد وارد فعالیتهای سیاسی شد و هنگام به توپ بستن مجلس به همراه مجاهدین در باغ سپهسالار مشغول دفاع بود، اما سرانجام دستگیر و زندانی شد. پس از آزادی از زندان و استقرار مشروطیت از فعالیتهای سیاسی دست کشید و به کار تدریس و تعلیم و تربیت از جمله تدریس در مدرسه سن لویی اشتغال ورزید. او همچنین مدتی در وزارت فواید عامه و سپس در وزارت فلاحت به عنوان رئیس بازرسی مشغول شد و تا مدیر کلی ارتقا یافت. وی در ۱۳۰۲ ش ماهنامه «وفا» را به مدیریت عبدالحسین میکده در تهران تأسیس و منتشر کرد. نظام وفا بر اثر سکتة مغزی در تهران درگذشت. از آثار منظوم وی: «حبیب و رباب»، در شرح خودکشی حبیب الله میکده؛ «حدیث دل»؛ «گذشته‌ها»؛ «دیوان» شعر. از آثار منثور وی: «ستاره و فروغ»؛ «فروز و فرزانه»؛ «یادگار سفر اروپا».

ادبیات معاصر (۸۹-۸۸)، ادبیات نوین (۵۲، ۱۴۴، ۱۹۲)، از صبا تا نیما (۴۱۹/۲-۴۲۳)، از نیما تا روزگار ما (۵۸۰)، تاریخ جراید (۳۲۸/۴-۳۳۰)، الذریعه (۱۲۰۶/۹)، سخنوران نامی (۴۶۳/۲-۴۷۱)، سخنوران نامی معاصر (۳۶۶۱-۳۶۵۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۶۴۱، ۶۵۰، ۱۱۵۰، ۱۱۵۵-۱۱۵۶، ۱۹۳۸/۲، ۲۴۱۰، ۲۷۰۹، ۳۳۴۰، ۳۴۴۱)، گلزار جواریدان (۱۶۴۰/۳)، مردان موسیقی (۵۵۹-۵۵۸/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۰۹/۶-۶۱۱).

نظامی باخرزی، مولانا کمال الدین عبدالواسع، فرزند **مولانا جمال الدین مطهر.** (مس نهم ق)، منشی و شاعر. در عصر سلطان حسین بایقرا (۸۷۳-۹۱۱ ق) می‌زیست و از منشیان دربار وی به شمار می‌آمد. او در فن انشا و ترسل مهارت کامل داشت. در آغاز پادشاهی سلطان حسین بایقرا به تألیف تاریخ سلطنت او پرداخت، اما چون تشبیهات و استعارات بسیار آورده بود، سلطان تألیف آن را نپسندید و آن کار را به دیگران سپرد. صاحب «تاریخ نظم و نثر» آورده که وی جزو خاصان دستگاه خواجه نظام‌الملک خوافی وزیر بود و فرزندان خواجه در انشا و ترسل از شاگردان عبدالواسع به حساب می‌آیند و نظامی به نام آنها رساله‌ای نگاشته است. عبدالواسع در سرودن شعر دارای طبعی روان بود و در هجا نیز دست داشت. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

(۳۰۳۶/۲)، دستور الوزراء (صفحات متعدد)، الذریعه (۲۷۳/۱۲-۲۷۴، ۲۷۴-۲۷۳/۲۵، راحة الصدور و آية السرور (صفحات متعدد)، روضات الجنات (۸۵-۸۲/۳)، ریحانه (۲۰۹/۶-۲۱۰)، سبک شناسی (۱/ ۱۶۸، ۹۵/۲-۱۱۳، ۱۸۶)، سه حکیم مسلمان، شاعران بی‌دیوان (۵۸۱-۵۸۲)، شخصیت‌های نامی (۴۸۵-۴۸۴)، شذرات الذهب (۳/ ۳۷۴-۳۷۵)، صبیح گلشن (۵۲۵-۵۲۶)، طبقات الشافعیة سبکی (۳۲۸-۳۰۹/۴)، العبر (۳/ ۳۴۹)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۱۰-۵۱۱)، فرهنگ سخنوران (۹۴۱)، الکامل (۸/ ۱۶۱)، کشف الظنون (۱۶۶)، الکنی و الالقب (۳/ ۲۵۷-۲۵۹)، لباب الالباب (۱/ ۶۷-۶۵)، لغت نامه (ذیل/ نظام الملک طوسی)، مدارس نظامیه (مقدمه، ۲۴-۹۱)، معجم المؤلفین (۳/ ۲۴۹)، مؤلفین کتب چاپی (۲/ ۶۰۶-۶۰۴)، النجوم الزاهرة (۵/ ۱۳۳-۱۳۴)، وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی (۴۶-۵۳)، وفیات الاعیان (۲/ ۱۲۸-۱۳۱)، هدیة الاحباب (۲۵۷)، هفت اقلیم (۲/ ۱۹۸-۱۹۶).

نظام الملک نوری، عبدالوهاب خان، فرزند میرزا کاظم خان. (۱۲۶۵-۱۳۳۵ ق)، خطاط. ملقب به نظام الملک. وی منسوب به ابوصلت هروی و در نقد شعر و سخن سنجی ماهر بود. اشعار فارسی و تازی بسیاری در حسیف داشت و خطیبی زیر دست به شمار می‌آمد. عبدالوهاب خان در ۱۲۹۰ ق نایب الحکومه یزد و در ۱۳۰۰ ق نایب وزارت لشکر بود. در ۱۳۰۷ ق، پس از مرگ پدر به نظام‌الملک ملقب و به وزارت کشور منصوب گردید و در ۱۳۱۳ ق، هنگام جلوس مظفرالدین شاه وزیر مالیه شد. نظام‌الملک خطوط نستعلیق، شکسته نستعلیق و سیاق را خوش می‌نوشت.

احوال و آثار خوشنویسان (۴۲۲/۲)، شرح حال رجال (۳۲۳-۳۲۰/۲).

نظام وفا کاشانی، فرزند میرزا محمود. (۱۳۰۶-۱۳۸۴ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به نظام. نسبش به صباحی بیدگلی شاعر معروف می‌رسد و مادرش نیز از زنان شاعره بود که حیا تخلص می‌کرد. نظام در بیدگل کاشان به دنیا آمد. پس از تحصیلات مقدماتی به تحصیل علوم ادبی و عربی پرداخت. او ادبیات فارسی و عربی را از محضر سید محمد کاشانی و فقه، اصول و کلام را از محضر سید محمدرضا مجتهد فراگرفت و فلسفه را نزد پدرش آموخت. وی چندی هم در سلک طلاب حوزه علمیه قم به تحصیل مشغول شد و مدتی نیز به تحصیل

تاریخ نظم و نثر (۳۱۴-۳۱۳)، حبیب السیر (۳۳۹/۴)، مجالس النفاث (۹۹، ۲۷۶).

نظامی عروضی سمرقندی، نظام الدین / نجم الدین، ابوالحسن احمد بن عمر. (وف ح ۵۶۰ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به نظامی. وی به دلیل اینکه در علم عروض تبحر داشت، به عروضی شهرت یافت. صاحب «مجمع الفصحاح» او را اهل نسا می‌داند. نظامی در سمرقند به دنیا آمد و مدتی از جوانی خود را در آن شهر به کسب علوم پرداخت. در ۵۰۴ یا ۵۰۶ ق به خراسان رفت و گویند در بلخ با عمر خیام ملاقات کرده و پس از آن به هرات رفته و در ۵۱۰ ق از هرات به اردوی سلطان سنجر پیوسته و در آنجا به خدمت امیر معزی رسیده و شعر خود را به او عرضه داشته است. او با نظامی گنجوی نیز ملاقات نموده است. همچنین به خدمت ملوک غوری آل شنسب رسیده و سالها به مدح آنها پرداخت. نظامی اگر چه در نثر، اعم از مصنوع و نثر مرسل، استادی بزرگ بود، اما در شعر چنانکه باید مهارتی نداشت. در طب و نجوم و هیئت نیز متبحر بود. به آورده برخی از تذکره‌نویسان چند مثنوی داشته که از میان رفته است. از مهمترین آثار وی «چهار مقاله» یا «مجمع النوادر» می‌باشد که در حدود ۵۵۱ تا ۵۵۲ ق به نام حسام‌الدین علی بن مسعود نوشته است. مؤلف «ریحانة الادب» منظومه «ویس و رامین» را از آن عروضی می‌داند، ولی بنا به گفته علامه محمد قزوینی در مقدمه «چهار مقاله»، این کتاب از فخرالدین اسعد گرگانی است.

تاریخ ادبیات در ایران (۹۶۱-۹۶۳)، تاریخ گزیده (۷۵۳)، تاریخ نظم و نثر (۹۰، ۱۱۹-۱۲۰)، تذکره روز روشن (۵۲۸)، تذکره الشعراء (۶۹۶-۶۹۸)، چهار مقاله (مقدمه/نش - بیست)، دایرة المعارف فارسی (۲/ ۳۰۳۶)، الذریعه (۳۷/۳، ۳۱۴/۵، ۱۲۰۷/۹)، ریحانه (۶/ ۲۱۰-۲۱۱)، سبک شناسی (۳۱۸-۲۹۷/۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۱۴-۵۱۳)، فرهنگ سخنوران (۹۴۳)، کشف الظنون (۱۶۰۴)، لباب الالباب (۲۰۸-۲۰۷/۲)، لغت نامه (ذیل/احمد)، مجمع الفصحاح (۱۴۰۹/۳-۱۴۱۰)، مؤلفین کتب چاپی (۴۸۸-۴۸۷/۱)، هفت اقلیم (۳۵۴-۳۵۲/۳).

نظامی قهستانی، فصیح الدین محمد بن عبدالکریم. (وف ۹۱۹ ق)، ریاضیدان، مدرس و شاعر. از مقربان سلطان حسین بایقرا (۸۷۳-۹۱۱ ق) و امیر علیشیر نوایی (۸۴۴-۹۰۶ ق) بود. در علوم معقول و منقول تبحر داشت و در فن ریاضی و حکمت سرآمد عصر خود بود. با

مولانا جلال‌الدین محمد واعظ و مولانا عبدالعلی بیرجندی معاصر بود. وی مدرس مدرسه اخلاصیه، مدرسه بدیعیه و مدرسه غیاثیه بود. فصیح الدین در ۹۱۷ ق به بلخ مسافرت کرد و در آنجا به مدت چند سال در مصاحبت امیر صدرالدین یونس، که دامادش بود، به سر برد. مؤلف «الذریعه» می‌گوید شاید او همان فصیح دشت بیاضی هروی باشد. از آثار وی: شرح بر «جغمینی»؛ حاشیه «الهدایه»؛ حاشیه «التذکره»؛ شرح «الاربعین» نووی؛ شرح «العوامل»؛ حاشیه «المختصر».

تاریخ نظم و نثر (۲۶۹)، حبیب السیر (۳۵۳-۳۵۲/۴)، الذریعه (۱۲۰۷/۹)، فرهنگ سخنوران (۹۴۳)، هفت اقلیم (۳۲۷-۳۲۶/۲).

نظامی گنجوی، جمال الدین ابومحمد الیاس بن یوسف. (۵۲۰/۵۳۰-۵۳۵/۶۰۴/۶۱۴ ق)، حکیم و شاعر، متخلص به نظامی. وی از مادری کرد نژاد در گنجه به دنیا آمد. بعضی از تذکره‌ها او را از قهستان یا فراهان یا تفرش و قم دانسته‌اند. در زمینه اسم، لقب، کنیه و نسبش نیز در بین تذکره‌ها اختلاف است. نظامی همه عمر را در گنجه بوده است، مگر سفر کوتاهی که به دعوت اتابک قزل ارسلان به یکی از شهرهای نزدیک گنجه داشت. نظامی با خاقانی و عوفی معاصر بود و گویند در مرگ خاقانی نیز مرثیه‌ای سروده است. بنابر بعضی از اقوال در طریقت و سیر و سلوک از مریدان اخی فرج زنجانی شمرده می‌شد. سلاطین معاصر وی همان کسانی هستند که نظامی آثار خود را به نام آنها کرده و یا در مثنویهای آنها را ستوده است. گویند جامع علوم عقلی و نقلی بود. داستانسرایی در زبان فارسی با نظامی شروع نشد، لیکن نظامی توانست منظومه‌های تمثیلی را در زبان فارسی به حد اعلای تکامل برساند. از جمله شاعرانی که از آثار نظامی تقلید کردند عبارتند از: امیر خسرو دهلوی، جامی، هاتفی، قاسمی، وحشی، عرفی، مکتبی، فیضی فیاضی، اشرف مراغی و آذر بیگدلی، ولی هیچ کدام نتوانستند خود را به پای او برسانند. در زمینه تاریخ ولادت و مرگ وی نیز اختلاف وجود دارد، ولی برخی تذکره‌نویسان با اشاراتی که در ابیات مثنویهای نظامی بوده، تا حدودی توانسته‌اند به آن سالها پی ببرند. نظامی در گنجه درگذشت و مدفن وی تا اواسط عهد قاجاری باقی بود، بعد از آن رو به ویرانی نهاد تا باز به وسیله دولت محلی آذربایجان شوروی مرمت شد. از آثار وی: پنج مثنوی مشهور به «پنج گنج» یا «خمسه» شامل: مثنوی «معزّن الاسرار»، مشتمل بر حدود دو هزار و دوست و شصت بیت، به نام فخرالدین بهرامشاه بن

حواشی را با گلهای ریز و شاداب آرایش داده است و به خط نستعلیق رقم نهاده: «رقم نظر علی بیک».

احوال و آثار نقاشان (۱۳۹۲/۳-۱۳۹۳).

نظر علیشاه نایینی، میرزا محمد رحیم، فرزند میرزا سعید. (وف ۱۲۴۰ ق)، عارف و شاعر، متخلص به نظر. ملقب به نظر علیشاه. پس از فراگیری علوم متداوله از محضر علمای اصفهان، به تزکیه نفس و ریاضت پرداخت و به نور علیشاه اصفهانی دست ارادت داد و از مریدان وی گردید. وی از معاصرین رضاقلی خان هدایت (م ۱۲۸۸ ق) بود و ابتدا در شعر حجت تخلص می‌کرد. از آثارش: «دیوان» شعر.

حدیقه الشعراء (۱۹۰۰-۱۹۰۱)، الذریعه (۱۲۱۰/۹-۱۲۱۱)، ریاض العارفین (۳۲۹)، ریحانه (۲۱۵/۶-۲۱۶)، طرائق الحقائق (۲۱۱/۳).

نظر نایینی ← نظر علیشاه نایینی.

نظری قمی ← نظیری قمی.

نظم الممالک، محمد تقی رفیعی، فرزند میرزا بیگلر بیگی رفیع الدوله. (۱۲۵۷-۱۳۴۰ ش)، مؤسس و مترجم. ملقب به نظام الدوله. وی خواهرزاده حسینیقلی خان نظام الدوله دنبلی بود که بعد از فوت دایی خود، لقب وی را گرفت. او در اروپا تحصیل کرد و در دوره‌های دهم تا سیزدهم، از تبریز به نمایندگی شورای ملی انتخاب شد. محمد تقی به امور اجتماعی شهر می‌پرداخت و در تأسیس دارالایستام تبریز و تشکیلات شیر و خورشید اهتمام داشت. وی در غائله پیشه‌وری به حکومت ارومیه منصوب شد و چون از اقدامات افراطی به دور بود پس از رفع غائله نیز از طرف مردم و دولت مورد تعقیب قرار نگرفت و در تبریز اقامت گزید. از آثارش: «جوان فقیر»، ترجمه: «رموز دوستی»، ترجمه.

زندگینامه رجال و مشاهیر (۳۳۸/۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۰۷۲-۱۰۷۳-۱۷۴۸)، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۱/۲)، نخبگان سیاسی (۴۵۸/۴).

نظمی بلخی، ملا نظمی. (س یازدهم ق)، شاعر. از قریه فلور، از توابع بلخ، است. در ملازمت نذریا ندر محمد خان، حاکم بلخ، به سر می‌برد. در زمان سلطنت جهانگیر شاه (۱۰۱۴-۱۰۳۷ ق) به هند مسافرت کرد و بعد از مدتی به وطن بازگشت و در آنجا درگذشت. اشعاری از

داوود در ۵۷۰ ق؛ مثنوی «خسرو و شیرین»، در شش هزار و پانصد بیت، به نام شمس‌الدین محمد جهان پهلوان بن ایلدگز در ۵۷۶ ق؛ مثنوی «لیلی و مجنون»، در چهار هزار و هفتصد بیت، به نام شروانشاه ابوالمظفر اخستان بن منوچهر در ۵۸۸ ق؛ مثنوی «بهرامنامه» یا «هفت پیکر» یا «هفت گنبد»، در پنج هزار و صد و سی و شش بیت، به نام علاءالدین کرب ارسلان در ۵۹۳ ق؛ مثنوی «اسکندرنامه»، در ده هزار و پانصد بیت مشتمل بر دو قسمت «شرفنامه»، به نام نصره‌الدین ابوبکر بن محمد جهان پهلوان و «اقبالنامه»، به نام دو سه تن از امرا. بنا به گفته «تاریخ نظم و نثر»، «شرفنامه» یا «مقبل نامه» در هندوستان به نام «اسکندرنامه» بری معروف شده است. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر، شامل قصاید و غزلیات. بعضی از تذکرها مثنوی «ویسه و رامین» را با احتمالی به وی نسبت داده و گفته‌اند که در جوانی آن را به نام سلطان محمود بن ملکشاه به نظم درآورده است.

آتشکده آذر (۱۳۴۳-۱۳۲۷/۳)، احوال و آثار و شرح مخزن الاسرار (مقدمه ۱۵۳-۱)، ارمغان (س ۵، ش ۲، ص ۶۷-۷۷، ۱۵۵-۱۷۷، ۲۶۲-۲۷۳)، از سعدی تا جامی (۷۸۰-۷۸۵)، از ستایی تا سعدی (۱۰۲-۹۱/۲)، باکاروان حله (۱۹۵-۲۰۳)، پیرگنج در جستجوی ناکجاآباد، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۵۳/۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۲۴-۷۹۸/۲)، تاریخ گزیده (۷۵۲-۷۵۳)، تاریخ نظم و نثر (۱۰۴-۱۰۶)، تذکرة الشعراء (۱۴۲-۱۴۶)، تذکرة میخانه (۱۱-۲۶)، حماسه سرایی در ایران (۳۴۱-۳۵۱)، دانشندان آذربایجان (۳۸۵-۳۸۱)، دایرةالمعارف فارسی (۳۰۳۷-۳۰۳۶/۲)، الذریعه (۱۲۰۸-۱۲۰۷/۹)، ۱۸/۳۹۸، ۲۳۲-۲۳۳/۲۵، ریاض العارفین (۱۴۹-۱۵۴)، ریحانه (۲۱۵-۲۱۱/۶)، طرائق الحقائق (۶۲۴-۶۲۵/۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۱۳-۵۱۲)، فرهنگ سخنوران (۹۴۳-۹۴۴)، گنج سخن (۱۹۰-۱/۲)، لباب الالباب (۳۹۶-۳۹۷)، لغت نامه (ذیل/نظامی گنجوی)، مجمع الفصحا (۱۴۴۷-۱۴۱۲/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۹۹-۷۰۶)، نتایج الافکار (۷۰۵-۷۰۴)، نفعات الانس (۶۰۶-۶۰۷)، هفت اقلیم (۴۹۳/۲-۵۰۱)، یادگار (س ۴، ش ۹ و ۱۰، ص ۹۲-۹۳)، یغما (س ۷، ش ۱۰، ص ۴۷۴-۴۷۶).

نظر علی بیگ. (س دوازدهم ق)، نقاش. تصویر ساز دوره زندیه و اوایل قاجاریه و در مجالس بزمی و چهره‌سازی مهارت داشت. از آثار وی: قاب آینه پر حلاوتی که مجلس یوسف و زلیخا بر روی آن نقش شده و

وی از شاگردان ملا حسین رفیق اصفهانی (م ۱۲۱۲ ق) شمرده می‌شد. در اصفهان درگذشت. مؤلف «الذریعه» تاریخ فوت وی را ۱۲۶۶ ق می‌داند. از آثارش: «دیوان» شعر، که در کتابخانه ملی موجود می‌باشد. صاحب «سفینه‌المحمود» شماره اشعار «دیوان» او را شش هزار بیت می‌داند.

حدیقه الشعراء (۱۹۰۱/۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۶۹۰/۵)، الذریعه (۱۲۱۲/۹)، ربحانه (۲۱۶/۶)، سفینه‌المحمود (۳۲۵-۳۲۶/۱)، صبح گلشن (۵۳۱)، فرهنگ سخنوران (۹۴۵)، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی (۹۲/۱)، لغت نامه (ذیل/نظیر)، مجمع الفصحاء (۱۰۸۹/۶)، مصطفی خراب (۱۹۴)، مکارم الآثار (۸۲۸/۳)، نگارستان دارا (۲۶۹-۲۷۰).

نظیر شیرازی، امان‌الله بیگ - نظیر زنگنه.

نظیر مشهدی. (س دهم و یازدهم ق)، شاعر، متخلص به نظیر. وی در ابتدا نظیری تخلص می‌کرد و بعدها تخلص خود را نظیر قرار داد. در ۱۰۰۳ ق از خراسان به مکه رفت و از آنجا به هند مسافرت کرد. در بیجاپور به خدمت ابراهیم عادلشاه ثانی (۱۰۳۵-۹۹۸ ق)، از سلسله عادلشاهیان دکن، رسید و در زمره منشیان او درآمد و در ۱۰۲۰ ق از هند به مشهد بازگشت. آزاد بلگرامی در «سرو آزاد» می‌گوید که نظیری در ۱۰۳۰ ق به مکه رفته و از آنجا به هند مسافرت کرده و بعد از درگذشت نظیری نیشابوری (م ۱۰۲۱-۱۰۲۳ ق) به بیجاپور رسیده است. مؤلف «مطلع الشمس» سال ورود او را به هند ۱۱۰۳ ق نوشته است. اشعاری از وی در تذکرها آمده است.

آتشکده آذر (۵۰۹/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۰۲/۵)، تذکره روز روشن (۸۳۶-۸۳۷)، الذریعه (۱۲۱۲/۹-۱۲۱۳)، سرو آزاد (۵۵-۵۶)، فرهنگ سخنوران (۹۴۵)، کاروان هند (۱۴۴۴/۲-۱۴۴۹)، لغت نامه (ذیل/نظیر مشهدی)، مطلع الشمس (۲۴۹/۲).

نظیری قمی. (س دهم ق)، نقاش و شاعر. وی در کتابخانه شاه طهماسبی و تحت نظر نقاشان و خوشنویسان مشهور، نقاشی و خط می‌آموخت و سپس کلید دار کتابخانه شاهی شد و در مواقعی نیز با شاه به نقاشی می‌پرداخت. نظیری شعر هم می‌سرود. این مطلع از اوست:

عشق بت صورتگری افکند شوری در سرم
خلقی به صورت عاشق و من عاشقی صورتگرم

وی در تذکرها آمده است. از اوست:

نه از کفر سر زلفت دل دیوانه می‌رقصد
اگر رمزی بگویم شیخ در بتخانه می‌رقصد
تذکره نصرآبادی (۴۴۰)، الذریعه (۱۲۱۱/۹)، صبح گلشن (۵۳۰)، فرهنگ سخنوران (۹۴۴)، لغت نامه (ذیل/نظمی بلخی).

نظمی تبریزی، نظام الدین علی جوهر شناس. (ز ۱۰۸۱ ق)، شاعر. در عهد اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ ق) به هندوستان رفت و در آنجا «دیوان» خود را در دو هزار و ششصد بیت مرتب کرد. وی در فوت اشرف صحبتی (م ۱۰۸۱ ق) مرثیه‌ای سرود که در «دیوان» او موجود می‌باشد.

تذکره روز روشن (۸۳۶)، دانشمندان آذربایجان (۳۸۶)، الذریعه (۱۲۱۲/۹)، فرهنگ سخنوران (۹۴۴)، کاروان هند (۱۴۴۴/۲)، لغت نامه (ذیل/نظمی تبریزی)، هفت اقلیم (۲۵۰/۳).

نظمی تهرانی، ناصر. (۱۳۴۰-۱۳۸۴ ق)، شاعر، نویسنده، مترجم و روزنامه‌نگار. پدرش از مأمورین دولت بود و پیوسته از شهری به شهر دیگری مأموریت می‌یافت، از این رو نظمی تحصیلات مقدماتی را در شهرهای مختلف خواند و تحصیلات متوسطه را در رشته ادبی در دبیرستان دارالفنون و سن‌لویی گذراند. وی با مطبوعات همکاری نزدیک داشت و سر دبیری چند روزنامه را به عهده گرفت و مجله هنری و سیاسی «عقیده» را در ۱۳۶۵ ق منتشر کرد. او از سنین جوانی به نظم شعر پرداخت. از دیگر آثار وی: «اطاق کبود»، «شب مهتابی»، «معشوقه بی گناه»، «یادبودهای جوانی»، «تاتیانا»، «اسرار بغداد»، «گریه سیاه»، «طلا در کوه»، «این تو بودی»، «شبهای هند»، «پدیری که پسر خود را می‌کشد»، «روح گمشده»، ترجمه «طوفان زندگی»، ترجمه «نگاه»، مجموعه شعر.

الذریعه (۱۱۵۷/۹، ۱۲۱۲، ۲۰۵/۱۸)، سخنوران نامی معاصر (۳۶۶۲-۳۶۶۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۹۶/۱)، ۴۲۶، ۵۸۹، ۶۵۲، ۱۰۵۰، ۱۰۶۴، ۱۱۳۲، ۱۴۹۰، ۱۷۴۹/۲، ۱۷۶۷، ۲۰۹۴، ۲۲۶۵، ۲۲۷۰، ۲۳۹۸، ۲۴۴۵، ۲۷۱۳، ۲۹۱۷، ۳۰۵۴، ۳۳۰۸، ۳۴۳۵)، مؤلفین کتب چاپی (۵۲۳-۵۲۱/۶).

نظیر زنگنه، امان‌الله بیگ. (وف ۱۲۲۶ ق)، شاعر، متخلص به نظیر. از ایل زنگنه بود. در اصفهان به شغل کتابت اشتغال داشت و از این طریق امرار معاش می‌کرد.

احوال و آثار نقاشان (۱۳۹۳/۳)، تاریخ اصفهان (۲۹۰-۲۸۹)، تاریخ هنرهای ملی (۸۴۱-۸۴۲)، تحفه سامی (۳۱۰)، الذریعه (۱۲۱۳/۹)، گلستان هنر (۱۳۹).

نظیری مشهدی ← نظیر مشهدی.

نظیری نیشابوری، میرزا محمد حسین. (وف ۱۰۲۱-۱۰۲۳ ق)، شاعر، متخلص به نظیری. اصل وی را از جوین می‌دانند. اهل نیشابور بود. او از ابتدای جوانی به کسب علم و ادب پرداخت و به شاعری روی آورد و زبان عربی را نزد شیخ غوثی مندوی، مؤلف «گلزار ادب»، آموخت و حدیث و تفسیر را از مولانا حسین جوهری فراگرفت. وی به شغل بازرگانی می‌پرداخت و از همان جوانی به قصد تجارت از خراسان بیرون آمد. در ۹۹۲ ق به کاشان رفت و در آنجا با بزرگانی همچون تقی الدین اوحدی، مولانا حاتم، فهمی و مقصود خرده آشنا شد و در مجالس مشاعره آنها شرکت کرد. به عراق و آذربایجان نیز سفر نمود. وی سپس به هند رفت و در آگره به خدمت میرزا عبدالرحیم خان، خان خانان (م ۱۰۶۳ ق) پیوست و در ملازمت او قرار گرفت و به مدحش پرداخت. بعد از این تاریخ با معرفی خان خانان، به دربار اکبر شاه راه یافت و مداح او شد. در ۱۰۰۱ ق از هند قصیده‌ای برای صاحب «خلاصه الاشعار» و بعدها «دیوان» شعرش را، که مشتمل بر اقسام شعر نزدیک به چهار هزار بیت بود، نیز برای وی فرستاد. در ۱۰۰۲ ق به مکه مشرف شد و در بازگشت به احمد آباد گجرات رفت و در آنجا ساکن گردید. وی در زمان سکونت در گجرات به مدح شاهزاده مراد پرداخت. بعد از اکبر شاه به دربار جهانگیر شاه (۱۰۱۴-۱۰۳۷ ق) رفت. نظیری در مدت زندگی خود هیچ گاه از دو پیشه اصلی خود، بازرگانی و مدیحه سرایی فارغ نشد. او بر مذهب دوازده امامی بود و شاعرانی چون ظهوری، ملک قمی و عرفی با وی نزاع داشتند. او با ثنایی مشهدی و شکیبی اصفهانی دوستی داشت و با امین احمد رازی معاصر بود. وی در احمد آباد گجرات درگذشت و در محله تاجپوره آنجا به خاک سپرده شد. بنا به آورده مؤلف «تاریخ ادبیات در ایران» با توجه به ماده تاریخهایی که در زمینه فوت نظیری گفته شده است، ۱۰۲۱ ق سندیت بیشتری دارد. برخی از تذکرها نظیری را با نظیر مشهدی و نظیری، صاحب «بهمن نامه آذری»، در آمیخته‌اند. از آثار وی «دیوان» شعر است، که خود در ۱۰۲۰ ق به کتابخانه خان خانان تقدیم کرده و شامل قصیده، ترکیب بند، غزل، قطعه و رباعی می‌باشد، که مجموع ابیات آن به ده هزار بیت می‌رسد.

آنشکده آذر (۷۳۸-۷۱۱/۲)، ایضاح المکنون (۵۳۴/۱)، حماسه سرایی در ایران (۳۵۷)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۶۸/۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۹۱۶-۸۹۷/۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۲۹)، تذکره روز روشن (۸۴۱-۸۳۷)، تذکره میخانه (۷۸۵-۸۰)، دایرةالمعارف فارسی (۳۰۴۰/۲)، (۳۰۴۱)، الذریعه (۱۲۱۳/۹)، ریاض العارفین (۲۳۶-۲۳۷)، ریحانه (۲۱۷-۲۱۶/۶)، سرو آزاد (۲۶-۲۴)، فرهنگ ادبیات فارسی (۵۱۵-۵۱۴)، فرهنگ سخنوران (۹۴۶-۹۴۵)، کاروان هند (۱۴۵۶-۱۴۴۹/۲)، کلمات الشعراء (۱۷۹)، گنج سخن (۷۶-۶۴/۳)، لغت نامه (ذیل/نظیری نیشابوری)، مجمع الخواص (۲۲۰-۲۱۹)، مجمع الفصحا (۱۰۳-۱۰۱/۴)، مطلع الشمس (۱۷۷/۳-۱۷۸)، مراد التواریخ (۳۷۸)، مؤلفین کتب چاپی (۹۱۰-۹۰۹/۲)، نتایج الافکار (۷۱۸-۷۱۳)، هفت اقلیم (۲۸۱-۲۷۵/۲).

نعمت الله بن محمد بواب. (ز ۸۷۰ ق)، نقاش و خطاط. وی از شاگردان عبدالرحیم خلوتی بود و در طراحی و معرق کاری نیز مهارت داشت. از آثار او، تزیین و معرق کاری کاشیهای سردر و حواشی مسجد کبود تبریز است، که از شاهکارهای بی نظیر کاشی کاری و معرق سازی در جهان به شمار می‌رود. رقم این استاد، در قسمتی از متون مفرنس به خط ثلث جلی ممتاز و کوفی و رقاع چنین است: «فی اربع ربیع الاول سنه سبعین و ثمانمائة، اقل العباد نعمة الله بن محمد البواب».

احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۲۳/۴)، احوال و آثار نقاشان (۱۳۹۳/۳)، تاریخ هنرهای ملی (۸۰۵/۲)، گلستان هنر (۲۸).

نعمت الله حجّار. (س یازدهم ق)، حجّار. اهل هرات بود و در سنگ تراشی مهارت داشت. از آثار وی: سنگ قبر منقش و خط دار بزرگی که حواشی و کنار آن به گلهای زینتی و سایر تزیینات آرایش یافته و ادعیه و آیاتی از کلام الله مجید، به خط نستعلیق زیبا در کنارها کتابت شده است، با رقم: «عمل استاد نعمة الله، مشقه درویش علی».

نعمت الله مشهدی. (زح ۱۰۵۲ ق)، خطاط. اهل مشهد بود. پدرش در سلک مقربان شاه عباس (۱۰۳۸-۹۹۶ ق) می‌زیست. وی در کودکی نزد سید احمد مشهدی به تعلیم خط پرداخت، بعدها به قزوین رفت و مدتی نزد علیرضا عباسی (ز ۱۰۲۵ ق) مشق خط کرد. نعمت الله در سرودن

شعر نیز مهارت داشت. هنگامی که شاه عباس به مشهد رفت، او نیز به وطن خود بازگشت. وی هنگام تألیف «گلستان هنر»، حدود ۱۰۵۲ ق، هنوز در قید حیات بود. احوال و آثار خوشنویسان (۹۴۵)، اعیان الشیعه (۲۲۵/۱۰)، گلستان هنر (۱۲۶-۱۲۷)، مطلع الشمس (۴۴۹/۲).

نعمت الله نیشابوری شریف، فرزند محمد، (ز ۸۷۰ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «لباب الاختیار» به قلم کتابت ملیح، با رقم: «قد وقع الفراغ من انتساخه، ضحوة الجمعة الحادی والعشرين من ذی العقدة المنتظم، فی شهر سنة سبعین و ثمانمائة هجرية، کتبه الفقیر الحقیر، نعمة الله بن محمد النيسابوری الشریف». احوال و آثار خوشنویسان (۹۴۵/۳).

نعمت تبریزی، ملا مؤمن. (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به ایمان. برخی از تذکرة نویسان لقب او را نیز ایمان می‌دانند. وی از شاگردان ملا محسن فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ ق) بود و ظاهراً تخلص خود را از استادش گرفته است. اجدادش نقیب الاشراف تبریز بودند. وی در عین حال که تحصیل علوم کرد، از ذوق تصوف نیز بی‌بهره نبود. نعمت تا زمان تألیف «تذکرة نصرآبادی» (تألیف شده در ۱۰۸۳ ق)، در قید حیات بود و در تبریز به سر می‌برد. از اوست:

نبینی روی دل تا روی دل در این و آن بینی
نیابی خویش را تا خویشتن را در میان بینی
تذکرة نصرآبادی (۱۹۴)، دانشمندان آذربایجان (۵۸-۵۷)،
الذریعه (۱۱۵/۹، ۱۱۲۴، ۱۲۱۴)، ریاض العارفین (۲۳۶)،
ریحانه (۲۱۲/۱)، صبح گلشن (۵۳۱، ۴۸)، فرهنگ
سخنوران (۹۴۶)، لغت نامه (ذیل/نعمت تبریزی).

نعمت فسایی، میرزا محمود، فرزند زین العابدین حسینی. (۱۲۷۱-۱۳۴۲/۱۳۴۵ ق)، شاعر، متخلص به نعمت. در فسا به دنیا آمد. نسبش به سید علی خان شیرازی، صاحب «شرح الصحیفة السجادیة»، می‌رسد. میرزا محمود خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و در ساختن ماده تاریخ تبحر داشت. وی همچنین به هندوستان و مصر و عثمانی سفر کرد. از آثارش: «بدیع التواریخ»، منظومه‌ای در تاریخ فوت معاصرین خود؛ «چار مینو»، شعر؛ «گنج زر»، شعر؛ «دیوان» شعر.

آثار عجم (۸۸-۸۷)، اعیان الشیعه (۱۵۲/۸)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۷۰۲-۶۹۱/۵)، الذریعه

(۱۲۱۵/۹، ۷۲/۳)، شرح حال رجال (۲۵۷/۶)، فرهنگ سخنوران (۹۴۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۰۹۴/۱، ۲۷۷۴/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۴-۱۰۳/۶)، یغما (س ۷، ش ۴، ص ۱۶۲).

نعمت گنابادی، قاضی نعمت. (س دهم ق)، شاعر. با سام میرزای صفوی (م ۹۷۴/۹۷۵ ق)، مؤلف تذکرة «تحفة سامی»، معاصر بود. او در فن سیاق مهارت داشت. اشعاری از وی در تذکرة‌ها آمده است. از اوست:
شده مردمان چشم به امیدت اشکباران
چه شود اگر در آیی ز در امیدواران
تحفة سامی (۳۱۴-۳۱۳)، الذریعه (۸۷۳/۹، ۱۲۱۵)، فرهنگ سخنوران (۹۴۷).

نعمتی کاشانی. (س دهم ق)، شاعر. وی با سام میرزای صفوی (م ۹۷۴/۹۷۵ ق) مؤلف تذکرة «تحفة سامی» معاصر بود. در علم عروض و قافیه و معما تبحر داشت، همچنین قصایدی در مناقب دارد. از آثار وی: «دیوان» شعر؛ «مثنوی» در وزن «سبحة الابرار». تحفة سامی (۲۸۵)، الذریعه (۱۲۱۶/۹)، صبح گلشن (۵۳۴)، فرهنگ سخنوران (۹۴۷).

نعیما. (س یازدهم ق)، خطاط. محمد صالح اصفهانی وی را از خوشنویسان بعد از دوره میر عماد و معاصر پدر خود، ترابای اصفهانی (م ۱۰۷۲ ق) می‌داند. از آثار وی: دو قطعه در یک مرقع، به قلم چهار دانگ و دو دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «کتبه نعیم مؤمن». احوال و آثار خوشنویسان (۹۴۶/۳).

نعیمای شیرازی. (س یازدهم ق)، شاعر. اهل شیراز بود و در آن دیار به خیاطی اشتغال داشت. وی مدتی در خدمت امامقلی خان، حاکم فارس، به سر برد و در کارخانه او خیاطی می‌کرد. طبع شعر خوبی داشت و در سرودن شعر به غزل تمایل بیشتری داشت. در «فارسنامه ناصری» نام وی به اشتباه یغمای شیرازی ذکر شده است. اشعاری از وی در تذکرة‌ها نقل شده است. از اوست:

در محبت سر حرف گله و آن توان کرد
صد سخن بر لب و یک حرف ادا نتوان کرد
تذکرة روز روشن (۸۴۱)، تذکرة نصرآبادی (۲۹۴)،
دانشمندان و سخن سرایان فارس (۷۰۵-۷۰۴/۵)، الذریعه (۱۲۱۷/۹)، فارسنامه ناصری (۱۱۸۱/۲)، فرهنگ سخنوران (۹۴۷)، مرآت الفصاحه (۶۶۱-۶۶۲).

تیمور لنگ می‌زیست و مؤسس طریقهٔ حروفیه بود. از شاگردان فضل‌الله می‌توان به سید عمادالدین نسیمی شیرازی و شیخ ابوالحسن اصفهانی، معروف به علی الاعلی، اشاره کرد. گویند میرانشاه، فرزند تیمور و حاکم آذربایجان، به امر پدر او را از شیروان احضار کرد و به فتوای علمای عصر به قتل رسانید. گفته‌اند که در ۸۰۴ ق سر و جسد او را سوزاند. پس از او عقایدش در اکثر ممالک اسلامی منتشر گردید. برخی از طرفدارانش به آناتولی گریختند و در آنجا به خانقاههای بکتاشیان وارد شده و طریقهٔ حروفیان را به جای عقیدهٔ آنها رواج دادند. مدفن او در نخجوان است. در مورد سال تولد، قتل و عناوین آثار وی، بین برخی تذکرها اختلافاتی وجود دارد. از آثار مهم او، «جاودان کبیر» و «جاودان صغیر» می‌باشد که بعضی از تذکرها آن را تحت عنوان کلی «جاودان نامه» آورده‌اند. صاحب «دانشمندان آذربایجان» آورده که سید فضل‌الله در شیروان مدتی زندانی بوده و در ۷۹۶ ق، در محبس، «جاودان نامه» را تألیف کرده، همچنین ادامه داده که شاگرد او، علی‌الاعلی، این کتاب را به نظم درآورده است و در ضمن قصیده‌ای نیز مشتمل بر وقایع آینده به او نسبت می‌دهد. از دیگر آثارش: «انفس و آفاق»، به فارسی؛ «عرف‌نامه»، «نومنامه»، به لهجهٔ استرآبادی؛ «محبت نامه»؛ «مثنوی عرش نامه» در هزار و صد و بیست بیت؛ «دیوان شعر».

حروفیه در تاریخ (۳-۶۶)، دانشمندان آذربایجان (۳۸۸-۳۸۶)، دایرةالمعارف فارسی (۲/۱۹۱۰)، الذریعه (۵/۷۷، ۹/۱۲۱۷، ۱۲۱۸)، ریاض‌المعارفین (۱۵۶)، ریحانه (۶/۲۲۰-۲۲۱)، صبح گلشن (۵۳۴)، فرهنگ سخنوران (۹۴۷)، کشف‌الظنون (۵۷۸، ۱۱۳۲)، لغت نامه (ذیل/حروفی استرآبادی، حروفیان، نسیمی استرآبادی)، هدیه‌المعارفین (۱/۸۲۲).

نعمی جرجانی، ابومنصور احمد بن فضل. (وف ۴۱۵ ق)، حافظ، محدث و مورخ. اهل جرجان بود. از ابوبکر اسماعیلی و ابواحمد غطریفی و ابواحمد بن عدی و ابواحمد نیشابوری حافظ و ابوعمر و حیری و نصر بن عبدالملک اندلسی و دیگران روایت کرد. از آثارش «اخبار الجیل» است. این کتاب در «الانساب» سمعانی تحت نام «اخبار الجیل» و در «الاعلام» زرکلی به نام «اخبار الحیل» آمده است. از دیگر آثارش: «المجتبی»، در حدیث. الاعلام (۱/۱۸۶)، انساب سمعانی (۵/۵۱۲)، سیرالنبلاء (۱۷/۳۴۰)، معجم المؤلفین (۲/۴۶).

نعمیای قمی، فرزند درویش بهشتی قلندر. (س یازدهم ق)، شاعر، وی ساکن قم و صاحب طبعی موزون بود. ظاهراً یکبار به هندوستان رفته، ولی بعد به وطن بازگشته است. به آوردهٔ نصرآبادی نعمی قبل از تحریر «تذکرهٔ نصرآبادی» (تألیف شده در ۱۰۸۳ ق) درگذشته است. در «الذریعه» صاحب عنوان تحت نام نعمی قمی ذکر شده است. تذکرها اشعاری از وی نقل کرده‌اند. از اوست:

آهی که بی تو از دل غمناک می‌کشم
سرو بریده ایست که بر خاک می‌کشم
تذکرهٔ روز روشن (۸۴۱)، تذکرهٔ نصرآبادی (۴۲۰-۴۲۱)،
الذریعه (۹/۱۲۱۷)، فرهنگ سخنوران (۹۴۷).

نعم‌الدین کاتب شیرازی. (ز ۹۱۵ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «دیوان» امیر خسرو دهلوی، به قلم کتابت خفی متوسط، با رقم: «تم بعون الله و توفیقه، سابع عشرین شهر جمادی الاول سنه ۸۹۸... نعم الدین الکاتب شیرازی اصلح الله حاله»؛ یک نسخه «دیوان» کمال خجندی، به قلم کتابت خفی متوسط، با رقم: «تم الکتاب... علی ید العبد المذنب نعم الدین الکاتب، فی شهر سنه احدی و تسعمائة»؛ یک نسخه «خمس» نظامی، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «نعم الدین کاتب شیرازی» و تاریخ ۹۰۷ ق؛ نسخهٔ دیگر «خمس» نظامی، به همان قلم، با رقم: «نعم الدین الکاتب» و تاریخ ۹۱۵ ق. احوال و آثار خوشنویسان (۳/۹۴۶).

نعم شیرازی ← نعمیای شیرازی.

نعمی استرآبادی، سید شاه فضل‌الله حروفی، فرزند ابومحمد. (ح ۷۴۰- مقتول ۷۹۶/۷۹۸ ق)، دانشمند، صوفی، عارف و شاعر، متخلص به نعمی. مشهور به حلال خور. نام پدر فضل را ابومحمد عبدالرحمن جلال‌الدین نیز ذکر کرده‌اند که قاضی‌القضات استرآباد بود. صاحب «ریحانه الادب» اصل وی را مشهدی دانسته که در شروان مقیم بوده است. نعمی در استرآباد به دنیا آمد. در جوانی به طایفه دوزی (دوختن نوعی کلاه) می‌پرداخت و از این راه کسب معیشت می‌نمود. پس از مدتی به اصفهان رفت و از آنجا به زیارت خانهٔ خدا مشرف شد، سپس به تبریز رفت. گویند این سیر و سفرها در طول زندگی نعمی، تکرار شده است. وی جامع معقول و منقول بود و در علوم غریبه و رموز تصوف و حکمت، مرتبه‌ای عالی داشت و در علم اسما، حروف، جفر و اعداد ماهر بود و از این مهارت در جهت نشر و تعمیم عقاید خود استفاده کرد. وی در عهد

نعمی گنابادی، مولانا قاضی - نعمت گنابادی.

نعمه خراسانی، میرزا عبدالوهاب. (ز ۱۲۶۹ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به نعمه. وی برادرزاده ملا لطفعلی خراسانی، ملقب به خاکی بود و در شیراز تحصیل نمود. او به وصال شیرازی (م ۱۲۶۳ ق)، که از فقها و عرفای آن روز بود ارادت داشت. عبدالوهاب خط نسخ و نستعلیق را نیک می نوشت. لازم به ذکر است هدایت، صاحب «مجمع الفصحا» از این شاعر تحت عنوان نعمه خراسانی یاد می کند. اثر وی «دیوان» شعر است. از آثار خطی او: «زاد المعاد» نیم ورقی، نسخ کتابت عالی با ترجمه نستعلیق کتابت خفی متوسط، با رقم: «... و انا العبد الاقل الکتاب عبدالوهاب... سنة ستون و مأتان بعد الالف الهجرة النبویه» قرآن رحلی کوچک روغنی عالی، عمل لطفعلی شیرازی، نسخ کتابت جلی خوش، با رقم: «عبدالوهاب متخلص به نعمه...» ۱۲۶۹ ق.

احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۱۰-۱۱۰۹/۴)،
حدیقه الشعراء (۱۹۰۳-۱۹۰۲/۳)، ۱۹۹۱، الذریعه
(۱۲۱۸/۹)، ریاض العارفین (۳۲۸-۳۲۷)، صد سال شعر
خراسان (۵۷۶-۵۷۷)، مجمع الفصحا (۱۰۳۳/۶).

نعمه شیرازی - نعمه خراسانی، میرزا عبدالوهاب.

نعمه مازندرانی - نعمه نوری مازندرانی.

نعمه نوری مازندرانی، میرزا رضاقلی، فرزند میرزا بزرگ. (ز ۱۲۶۰ ق)، شاعر. وی در مصاحبت الله قلی میرزا ایلخانی، خواهرزاده محمد شاه قاجار (م ۱۲۶۴ ق)، بسر می برد و چندی نیز به خدمت منوچهر خان معتمدالدوله مشغول بود و به مدیحه سرایی می پرداخت. از آثارش «دیوان» شعر می باشد.

حدیقه الشعراء (۱۹۰۴-۱۹۰۳/۳)، ۱۹۹۱، الذریعه
(۱۲۱۸/۹)، فرهنگ سخنوران (۹۴۸).

نفیس کرمانی، برهان الدین نفیس بن عوض بن نفیس. (ز ۸۵۳ ق)، طبیب. معروف به طبیب نفیس. وی در کرمان می زیست و از اطبای مشهور عهد خود بود که به سبب همین شهرت، میرزا الغ بیگ بن شاهرخ تیموری او را به سمرقند احضار نمود. نفیس مدتی در این دیار در خدمت الغ بیگ به سر برد و شرح عربی کتاب «الاسباب و العلامات» نجیب الدین محمد بن علی سمرقندی را که از مهمترین کتابهای طبی بود، به نام الغ بیگ در ۸۲۷ ق به

پایان رسانید. پس از کشته شدن الغ بیگ (۸۵۳ ق)، وی به کرمان بازگشت و تا پایان عمر در آنجا ماند. از دیگر آثارش: رساله ای در «سمومات»؛ شرح «موجز القانون» علی بن ابی الحزم قرشی، که از بهترین شروح این کتاب است و برهان الدین آن را در ۸۴۱ ق در سمرقند به پایان رسانده است. این کتاب به «شرح نفیسی» نیز مشهور می باشد.

الاعلام (۱۶/۹)، اعیان الشیعه (۲۲۷/۱۰)، تاریخ ادبیات
در ایران (۱۰۹/۴)، حبیب السیر (۳۵/۴)، الذریعه
(۸۲/۱۳)، ۹۶-۹۵/۱۴، ۱۱۰، ریحانه (۱۲۷-۱۲۲/۶)،
سرآمدان فرهنگ (۲۲۲/۱)، کشف الظنون (۱۹۰۰، ۷۷)،
لغت نامه (ذیل/نفیس)، معجم المؤلفین (۱۱۴/۱۳).

نفیسی، سعید، فرزند علی اکبر ناظم الاطباء. (۱۲۷۴-۱۳۵۴ ش)، نویسنده، مترجم، مورخ، مصحح، فرهنگ نویس، استاد دانشگاه، روزنامه نگار و شاعر. در تهران به دنیا آمد. خانواده پدری وی تا یازده پشت پزشک بودند و خود نواده حکیم برهان الدین نفیس، فرزند عوض کرمانی، صاحب «شرح اسباب» او تألیفات عدیده ای در طب داشت که برخی از آنها تا روزی که طب قدیم در ایران تدریس می شد جزو کتب درسی بود. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس شرف و علمیه به پایان رساند و سپس برای ادامه تحصیل به اروپا رفت و تحصیلات خود را در سوئیس و پاریس ادامه داد. در ۱۲۹۷ ش به ایران بازگشت و به تدریس زبان فرانسه در دبیرستانهای اقدسیه و سن لویی پرداخت و نیز در مدارس علوم سیاسی، دارالفنون، مدرسه عالی تجارت، مدرسه صنعتی (هنرستان دولتی)، دارالمعلمین عالی و پس از تأسیس دانشگاه تهران، در دانشکده حقوق و سپس ادبیات به تدریس اشتغال ورزید. همچنین در وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه مشغول خدمت شد و به مشاغل چندی دست یافت. او مدتی مدیریت مجله «فلاح و تجارت» و در ۱۳۰۱ ش سر دبیری مجله ادبی «پرتو» با مدیریت میرزا محمد علی خان واله خراسانی و مدتی مدیریت و نویسندگی مجله «شرق» و نیز ریاست اداره امتیازات (اداره ای که برای ایجاد مراکز صنعتی و فعالتهای معدنی و انتشار روزنامه ها و غیره مجوز صادر می کرد) را به عهده داشت. نفیسی همچنین برای تدریس در دانشگاههای کابل، قاهره و سن ژوزف به کشورهای افغانستان، مصر و لبنان سفر کرد. او در ۱۳۴۰ ش در رادیو برنامه یادداشتهای یک استاد را که راجع به شرح حال چند تن از بزرگان علم و ادب بود، به مدت دو سال اجرا کرد. نفیسی سرانجام در بیمارستان شوروی (میرزا کوچک خان

وی روایت کرده‌اند. از آثارش: کتاب «القضاء» یا «القضاء و الشهود»؛ کتاب «طبقات الصوفیة»؛ «امالی»؛ در حدیث. الاعلام (۱۶۰/۷-۱۶۱)، تذکرة الحفاظ (۱۰۵۹/۳-۱۰۶۱)، سیر النبلاء (۳۰۸۳۰۷/۱۷)، شذرات الذهب (۳/۲۰۱)، طبقات الحفاظ (۴۳۱)، العبر (۲۲۸/۲)، کشف الظنون (۱۱۰۴)، الوافی بالوفیات (۱۱۹/۴)، هدیة العارفين (۶۲/۲).

نقدی بیگ. (س دهم ق)، نقاش و مذهب. وی در ارائه مجالس بزمی و چهره پردازی و ارائه حالات گوناگون نفرات، بخصوص در چهره آرایی و زیبا نگاری دست پر حلوتی داشت و در امر تذهیب و ترسیم اشکال هندسی نیز ماهر بود و شیوه‌های مختلف آن را نیکو می دانست. از آثار وی: تصویر مجلس خواستگاری جندل از دختران شاه یمن، که در یکی از نسخه‌های «شاهنامه» در ۹۸۴ ق نقش پذیرفته است، با رقم: «نقدی»؛ تصویر جلسه معارفه زال و رودابه که تصاویر حیوانات گوناگونی را نیز در زمینه آن به شیوه استاد محمد سیاه قلم و شیخی عمل آورده است؛ تصویر ناله و زاری گودرز و گیو بر سیاهوش با تذهیب و آرایش متنوع و با رقم: «نقدی»؛ تصویر دادخواهی زنی که به حضور پادشاه رفته و عده‌ای از وزرا و شاهزاده‌ها و رجال در حضور شاه ایستاده‌اند، با رقم: «نقدی».

احوال و آثار نقاشان (۱۳۹۵-۱۳۹۳/۳).

نقره کار نیشابوری، جمال الدین سید عبدالله بن محمد بن محمد / احمد حسینی. (۷۷۶-۷۷۶ ق)، فقیه، اصولی و نحوی. موصوف به شریف. وی در علوم عربی و اصول فقه تبحر داشت. مدتی در دمشق و قاهره ساکن و عهده‌دار مشیخت بعضی از خانقاه‌ها بود. او به تدریس در مدرسه اسدیة حلب از بزرگترین مدارس شافعیان پرداخت. بعضی این مدرسه را به اسدیة خارج دمشق که اختصاص به حنفیان داشت حمل کرده‌اند، لذا برخی مذهب او را شافعی و برخی حنفی دانسته‌اند. لیکن به آورده «ریحانة الادب»، قرائن حنفی بودنش ارجح می‌باشد و اما چون گاهی اظهار تشیع می‌کرد، محقق کرکی او را از دانشمندان امامی دانسته است. از آثارش: شرح «منار الانوار» ابوالبرکات نسفی، در اصول؛ شرح «التسهیل»، در نحو؛ شرح «الشافیة» ابن حاجب، در صرف؛ «العباب»، در شرح «اللباب» تاج الدین محمد اسفراینی، در نحو؛ شرح «تلخیص المفتاح»، در بلاغت؛ شرح «تفحیح الاصول»، در اصول فقه؛ شرح «قصیده بانث سعاد»؛ شرح «الفوائد الغیایة» عضدالدین ایجی، در معانی و بیان؛ شرح «حرز

جنگلی فعلی) درگذشت. از آثار وی: «آخرین یادگار نادرشاه»، نمایشنامه؛ «احوال و اشعار رودکی»؛ «ایران در صد و هفتاد سال اخیر»؛ «بابک خرم دین، دلاور آذربایجان»؛ «بحرین و حقوق هزار و هفتصد ساله ایران»؛ «پور سینا و زندگی و کار و اندیشه و روزگار او»؛ «تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر»؛ «تاریخ ادبیات روسی»؛ «تاریخ تمدن ایران ساسانی»؛ «تاریخچه ادبیات ایران»؛ «ستارگان سیاه»؛ «تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی»؛ «فرهنگ فرانسه به فارسی»؛ «فرهنگ نامه پارسی»؛ «ماه نخشب»؛ «فرنگیس»؛ «نیمه راه بهشت»؛ «آرزوهای بر باد رفته»، ترجمه؛ «ایلیاد»، ترجمه؛ «تاریخ عمومی قرون معاصر»، ترجمه؛ «افسانه‌های گرلیف»، ترجمه؛ «دیوان» شعر.

آئینه میراث (س ۳، ش ۲ و ۳، ص ۶۹-۶۴)، از نیما تا روزگار ما (۲۵۸-۲۷۱)، تاریخ جراید (۵۰-۲۹/۲، ۵۶/۳، ۷۱)، چهره‌های آشنا (۶۲۳-۶۲۴)، الذریعه (۱۲۱۸/۹)، ۱۲۱/۱۲، ۱۴۱/۱۶، ۲۱۸، ۲۱۲، ۲۱۸، ۳۲/۱۹، ستارگان کرمان (۴۰۸-۳۹۶)، سخنوران نامی معاصر (۳۶۶۷/۶-۳۶۷۲)، سواد و بیاض (۵۳۳-۵۱۸)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۹/۱، ۳۱، ۱۲۶، ۲۹۵، ۴۱۴، ۴۲۴، ۴۳۱، ۴۶۱، ۴۲۹، ۶۵۹، ۶۶۴، ۶۸۸، ۶۹۵، ۷۲۹، ۷۶۲، ۱۹۳۶/۲، ۲۴۰۹، ۲۴۴۱، ۲۴۴۱، ۲۸۶۴، ۳۳۴۱)، کلکی (س ۱، ش ۹، ص ۱۰۲-۱۰۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳۳۸-۳۳۲/۳)، یغما (س ۱۹، ش ۹، ص ۴۹۵-۴۹۳).

نقاش اصفهانی، ابوسعید محمد بن علی بن عمرو. (وف ۴۱۴ ق)، حافظ، محدث و فقیه حنبلی. در طلب حدیث به جاهای مختلف سفر کرد و در اصفهان از جد مادری‌اش، احمد بن حسن بن ایوب تمیمی، و عبدالله بن عیسی خُشّاب و عبدالله بن جعفر بن فارس اصفهانی و احمد سمسار اصفهانی و ابواحمد عسّال اصفهانی و همطبقه آنها و در بغداد از ابوبکر شافعی و ابن مقسم و ابوعلی بن صوّاف و در بصره از ابواسحاق هجیمي و فاروق خطابی و حبیب قزاز و در کوفه از قاضی نذیر محاربی و صباح بن محمد نهدی و در مرو از حاضر بن محمد فقیه و در جرجان از ابوبکر اسماعیلی و در هرات از ابوحامد حسنویه و ابومنصور ازهری و در دینور از ابن السنی و از جماعتی دیگر در حریمین و نیشابور و همدان و نهاوند حدیث شنید و شنیده‌های خود را جمع آوری کرد و تصنیفاتی به وجود آورد. او همچنین املائی حدیث نمود. فضل بن علی حنفی و ابوالعباس ابن اُشته و ابومطیع صحاف و سلیمان حافظ و ابوالفتح سودرجانی اصفهانی از

الامانی شاطبی.

الاعلام (۲۷۱/۴-۲۷۲)، ریحانه (۲۲۹/۶-۲۳۰)، شذرات الذهب (۲۴۲/۶)، كشف الظنون (۴۷۷، ۴۹۹، ۴۶۹، ۱۰۲۱، ۱۳۰۰، ۱۳۳۰، ۱۵۴۴)، مجمع المؤلفين (۱۰۸/۶)، هدية العارفين (۴۶۷/۱).

نقشینه، غلامحسین. (تو ۱۲۸۲ ش)، بازیگر. در تهران به دنیا آمد. وی بازی در تئاتر را از ۱۲۹۷ ش با گروه کمدهی ایران در سالن گراند هتل که بعدها به تئاتر دهقان تغییر نام یافت، شروع کرد و پس از آن در تئاتر تهران مشغول بازیگری گردید. نقشینه در ۱۳۱۸ ش از هنرستان هنرپیشگی تهران فارغ التحصیل شد و جزو نخستین فارغ التحصیلان این هنرستان بود. او در نمایشهای متعددی به ایفای نقش پرداخته است، از جمله: «گیج»، «قمار»، «عاشق غریب» و «محاکمه». نقشینه در ۱۳۳۲ ش با شرکت در فیلم «میهن پرست» به سینما آمد و پس از آن در فیلم‌های: «مستشار جزیره»، «لیلی و مجنون»، «چشمه آب حیات»، «زشت و زیبا»، «تشکیلات»، «ناخدا خورشید»، «سراب» و غیره به ایفای نقش پرداخت. وی همچنین در سریالهای تلویزیونی: «دلیران تنگستان»، «غریبه» و «دایی جان ناپلئون» شرکت نموده است.

تاریخ سینمای ایران (۲۶۴، ۳۵۰، ۳۵۵)، سینمای هنرمندان (۳۴۰/۱-۳۴۲)، فرهنگ فیلم های سینمای ایران (۴۵/۱، ۱۱۲، ۱۲۶، ۱۴۶، ۱۹۲، ۲۱۸، ۳۳۹، ۶۸۳، ۶۸۲/۲، ۷۱۰).

نقیب شیرازی، میرزا احمد، فرزند درویش حسن. (۱۲۳۸-۱۳۰۲ ق)، شاعر، متخلص به نقیب. ملقب به نقیب الاشراف و نقیب الممالک. در شیراز به دنیا آمد و در زادگاهش به تحصیل علوم قدیمی پرداخت. بعد از فوت پدر ابتدا به نقیب الاشراف و سپس به نقیب الممالک ملقب گردید. در اواخر عمر بعد از طواف و زیارت حرمین شریفین و تشریف اماکن متبرکه عراق به مشهد رفت و از خادمان آستان رضوی گردید. سرانجام در اصفهان درگذشت. دوی مثنوی به نام «ده باب» یا «ده دفتر» به سبک و سیاق «کارنامه بلخ» سنایی در ده قسمت: ۱- آداب الحکومة ۲- أوصاف الوزراء ۳- أوصاف ائمة الجماعة ۴- أوصاف القضاة ۵- أوصاف أهل الارشاد ۶- أوصاف الأطباء ۷- أوصاف التجار ۸- أوصاف شحنة و کدخدایان ۹- أوصاف ذاکرین ۱۰- أوصاف تنبلان نوشته است. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.

آثار عجم (۲۶۲-۲۶۳)، حدیقة الشعراء (۱۹۰۸/۳).

۱۹۱۹)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۷۱۰/۵).
۷۱۸)، الذریعه (۱۲۲۰/۹، ۱۲۸۱/۱۹)، شرح حال رجال (۲۴۰/۶)، طرائق الحقائق (۴۶۲/۳-۴۶۳)، فارسانه ناصری (۹۵۷/۲)، فرهنگ سخنوران (۹۴۹)، مرآت الفصاحه (۶۶۳-۶۶۵)، مکارم الآثار (۱۰۶۳/۴-۱۰۶۴).

نقیب الممالک، میرزا احمد - نقیب شیرازی.

نقیبی، سید میر محمد - میر لوحی سبزواری اصفهانی.

نقی کمره‌ای، علینقی. (ح ۹۵۳-۱۰۲۹/۱۰۳۰/۱۰۳۱ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به نقی. در کمره به دنیا آمد و در کاشان نشو و نما یافت. دانشهای زمان را همان جا فراگرفت و به قول معاصر و معاشرش، نقی الدین اوحدی، به غایت فاضل و کامل شد. او گذشته از علوم رسمی زمان، در تصوف و عرفان نیز محقق و قائل به وحدت وجود بود. علینقی در کاشان با شاعرانی همچون وحشی بافقی و محتشم کاشانی معاشرت داشت. او سپس به اصفهان رفت و در آنجا با پیشه شاعری روزگار گذراند و از اطرافیان و مداحان حاتم بیگ، خواجه اعتماد الدوله صافی اردوبادی، شد. وی پس از مرگ پسرش، ابوالحسن، که برای حادثه‌ای سخت و دشوار بود، به کمره بازگشت و تا پایان عمر در آنجا زیست. باره‌ای از منابع، وی را با عزالدین علینقی بن شیخ ابوالعلاء محمد هاشم طغایی کمره‌ای فراهانی درهم آمیخته‌اند. از آثارش: خلاصه و منتخبی از قسمت مقدمین «خلاصه الاشعار» میر تقی الدین کاشانی؛ «دیوان» شعر.

آتشکده آذر (۱۰۵۶-۱۰۶۶)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۱۷/۵-۱۰۲۴)، تاریخ تذکره‌های فارسی (۵۵۶/۱)، ۵۶۳)، تاریخ نظم و نثر (۵۰۹)، تذکره نصر آبادی (۲۳۴-۲۳۶، ۵۲۳-۵۲۴)، دویت سسخنور (۴۶۱)، الذریعه (۱۲۲۲/۹-۱۲۲۳)، ریحانه (۲۳۴/۶-۲۳۵)، سرو آزاد (۴۲-۴۳)، عالم آرای عباسی (۷۲۲/۲)، فرهنگ سخنوران (۹۴۹)، مجمع الخواص (۱۶۸-۱۶۶)، مکتب وقوع (۵۱۸-۴۹۴)، نتایج الافکار (۷۱۸-۷۱۹)، هفت اقلیم (۴۸۲/۲-۴۸۳).

نکیونی، ابوزکریا یحیی بن جعفر بن اعین ازدی بیکنندی. (وف ۲۴۳ ق)، حافظ، محدث و مفسر. اصلش از بیکنند ماوراءالنهر و ساکن قریه نکبون، از قرای بخارا بود. در طلب حدیث به عراق و حجاز سفر کرد. از

نیز اختلاف است، عده‌ای هند و برخی شیراز را ذکر کرده‌اند. وی دارای طبع شعر خوبی بوده و اشعاری از او در تذکرها آمده است. از آثارش: «دیوان» شعر.

تذکره نصرآبادی (۳۸۸)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۷۱۸-۷۱۹/۵)، الذریعه (۱۲۲۴/۹)، صبح گلشن (۵۳۸)، فرهنگ سخنوران (۹۵۰)، کاروان هند (۱۴۵۸/۲). (۱۴۵۹)

نکیسا، (س هفتم م)، موسیقیدان. از چنگ نوازان و خوانندگان دربار خسرو پرویز (۶۲۸-۵۹۰ م) بود و اختراع «سرود خسروانی» را به وی نسبت می‌دهند.

تاریخ موسیقی (۵۶/۱)، ۶۶، تاریخ هنرهای ملی (۷۰۸-۷۰۷/۲)، تمدن باستانی (۱۷۷/۱)، دایرةالمعارف فارسی (۳۰۵۰/۲).

نکیسا، حسینعلی، فرزند ملا رجبعلی، (تو ۱۳۰۰ ق)، موسیقیدان. در تفرش به دنیا آمد. پدر وی از تعزیه خوان‌های قدیمی بود. نکیسا پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی به علت صدای رسا و خوبی که داشت، تحت تعلیم پدر و دیگر استادان قرار گرفت و قسمتهایی از ردیفهای مهجور آواز را نزد آنان آموخت. سپس به تهران آمد و با بزرگان موسیقی زمان خود آشنا شد و مسافرتهایی با آنان کرد و صفحاتی از جمله با علی اکبرخان شهنازی از خود به جای گذاشت. او در خوانندگی صاحب سبک بود و در ابتدای تأسیس رادیو مدتی با آن مؤسسه همکاری داشت. نکیسا همچنین با ارکستر درویش خان در انجمن اخوت کنسرتهایی بر پا کرد که یکی از آنها «مولود نبی (ص)» است. از وی صفحاتی نیز در «سه گاه»، «چهار گاه»، «افشاری» و «ابوعطا» باقی مانده است. به آورده صاحب «مردان موسیقی سنتی و نوین ایران» او هنگام فوت یکصد و دوازده سال داشته است.

تاریخ موسیقی (۴۱۴/۱)، ۴۱۵، ۴۱۷، ۴۶۸/۲، ۵۵۰، ۶۶۶، سرگذشت موسیقی (۳۷۱/۱)، مردان موسیقی (۱۸۵-۱۸۲/۲).

نگارنده، عبدالعسلی، (۱۲۷۸-۱۳۴۶ ش)، شاعر، متخلص به نگارنده. در شعر ابتدا سرباز تخلص می‌نمود. در اصفهان به دنیا آمد و در زادگاهش از محضر بزرگان شعر و ادب کسب دانش نمود. بعد از آن به بین‌النهرین رفت و در آنجا به تحصیل علوم ادبی و عربی پرداخت و با زبان فرانسه آشنا شد. سپس به ایران بازگشت و به خدمت ارتش درآمد. وی سالها مقیم مشهد بود و به همین علت شاعری

فرزندش، حسین بن یحیی بیکنندی، و اسحاق بن سلیمان رازی و عبدالرزاق بن همام و محمد بن عبدالله انصاری و مروان بن معاویه فزاری و معاذ بن هشام دستوایی و یزید بن هارون و سفیان بن عیینه و محمد بن فضیل بن غزوان و وکیع بن جراح و ابومعاویه محمد بن حازم ضریر و همطبقه آنها حدیث شنید. فرزندش، حسین بن یحیی بیکنندی، و محمد بن اسماعیل بخاری و عیبدالله بن واصل و خلف بن عامر و ابوجعفر احمد بن یونس بن جنید و ابومعشر حمدویه مستملی بخاری و سرج بن موسی مؤذن و سهل بن بشر کنندی و سهیل بن سهل مؤذن و عبدالله شیبانی و عیبدالله بن واصل بیکنندی و علی بن حسن نجاد و ابوجعفر بن ابی حاتم وراق بخاری و محمد بن عبدالله سعدی از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: «تفسیرالقرآن». سمعانی در «الانساب» تصنیفاتی، در «صوم» و «صلاة»، و «مناسک» و «معاملات»، برای وی ذکر کرده است.

انساب سمعانی (۵۲۲/۵)، تذکره الحفاظ (۴۸۷/۲)، تهذیب التهذیب (۱۷۰/۱۱)، تهذیب الکمال (۴۸/۲۰)، ۴۹، اللغات (۲۶۸/۹)، سیرالنبلاء (۱۰۱-۱۰۰/۱۲)، طبقات الحفاظ (۲۳۵)، هدیة العارفین (۵۱۵/۲).

نکته سمرقندی، ملا نکته، (وف ۱۰۸۲ ق)، شاعر، اهل سمرقند بود. طبع شعر خوبی داشت و اشعاری از وی در تذکرها آمده است. ملا ملیحای سمرقندی، در تاریخ فوت وی، ماده تاریخ (از دار فنا نمود رحلت = ۱۰۸۲ ق) را سرود. ظاهراً «فرهنگ سخنوران» به تبعیت از برخی از تذکرها (شاید به علت قرائت خاصی از متن «صبح گلشن») نکته سمرقندی را همان ملا ملیحای سمرقندی دانسته است و به علاوه ملا عبدالله نکته را نیز با آنها یکی دانسته است. اشعاری از وی در تذکرها آمده است.

تذکره نصرآبادی (۴۴۰)، الذریعه (۱۲۲۴/۹)، صبح گلشن (۵۳۹)، فرهنگ سخنوران (۹۵۰).

نکته شیرازی - نکته شیرازی.

نکته شیرازی، (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به نکته. بعضی تخلص و نام او را نکته ذکر کرده‌اند. وی با نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) معاصر بود و مدتی قبل از تألیف تذکره او، در اصفهان با هم ملاقات داشته‌اند. او سفری نیز به هندوستان رفته است که به آورده «صبح گلشن» بعدها از هندوستان بازگشته است، ولی در «تذکره نصرآبادی» و «الذریعه» بیان شده که او در هندوستان مانده، و دیگر خبری از وی به دست نیامده است. در مورد محل مرگ وی

نمازی شاهرودی، شیخ علی، فرزند شیخ محمد. (توح ۱۳۳۲ ق)، عالم دینی، فقیه، محدث و متکلم. در شاهرود به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات و استفاده از محضر پدرش، به مشهد مهاجرت نمود و سطوح را نزد مدرسین بزرگ حوزه مشهد به پایان رسانید. آن گاه از بحثهای معارف و اخلاق آیت الله آقا میرزا مهدی غروی اصفهانی بهره مند گشت. او علاوه بر امامت جماعت یکی از مساجد مشهد، به کار تألیف و تصنیف کتب دینی و تحقیقات در این زمینه اشتغال داشت و تألیفات بسیاری از خود باقی گذاشت. از آثارش: «مستدرک سفینه البحار»؛ «ابواب رحمت»؛ «تاریخ فلسفه و تصوف»؛ «ارکان دین»؛ «مقام قرآن و عترت در اسلام»؛ فهرست «منتقى الجمان»؛ کتاب «اثبات ولایت»؛ «تذیلات کتاب «مجموعه الاخبار»؛ «شرح زندگانی حبیب بن مظاهر»؛ «تاریخچه مجالس روضه خوانی»؛ «مناسک حج و وجوب و فضیلت آن»؛ «نور الانوار»؛ به فارسی و عربی؛ رساله ای در «علم غیب امام (ع)».

گنجینه دانشمندان (۳۷۴/۵، ۱۸۳/۷، ۱۸۴)، مؤلفین کتب چاپی (۲۳۷/۴).

نوا، درویش حسین. (ز ۱۲۵۳ ق)، تذکره نویس و شاعر. وی مدتها با لباس درویشی مسافرت کرد و سرانجام در تبریز سکنی گزید و در حوالی شاه حمزه تکیه ای ساخت که محل تفرج اعیان و بزرگان شد. او همچنین تذکره ای دارد که شرح حال کوتاهی است از شعرای قدیم و جدید با منتخباتی از آثارشان و از نظر طبقه بندی مانند «تذکره دولتشاه» می باشد. او این تذکره را در ۱۲۵۳ ق تألیف کرد. لازم به ذکر است در تذکره های «حدیقه الشعراء» و «مجمع الفصحا» و دیگر تذکره ها او را تحت نام نوای کاشانی آورده اند در صورتی که گلچین معانی، مؤلف «تاریخ تذکره های فارسی»، این را خطا دانسته و او را نوای همدانی می خواند. از آثار وی: «تذکره نوا»؛ «دیوان» شعر.

تاریخ تذکره های فارسی (۴۰۷-۴۰۶/۱)، حدیقه الشعراء (۱۹۲۰/۳)، الذریعه (۱۲۲۶/۹)، فرهنگ سخنوران (۹۵۲)، مجمع الفصحا (۱۰۸۹/۶)، نگارستان دارا (۲۷۱-۲۷۰).

نواب اصفهانی، میرزا محمد/محمد باقر بن محمد بن محمد لاهیجی. (و ف ح ۱۲۴۰ ق)، عالم دینی، مفسر، حکیم و منجم. مشهور به نواب و میرزا باقر نواب. اصلش از لاهیجان و ساکن اصفهان بود. وی از حکما و علمای عهد فتحعلی شاه قاجار بود. در حکمت، فلسفه، منطق و نجوم متبحر و چندی نیز عهده دار سمت وزارت جعفرخان زند

خراسانی شناخته شد. وی مؤسس انجمن ادبی فردوسی، از پر بارترین انجمنهای ادبی خراسان، بود. او در تهران درگذشت و در قبرستان ابن بابویه به خاک سپرده شد. از آثارش: مجموعه «شرار اندیشه»؛ رساله «الفبای شعر»؛ درباره شعر و شاعری و تحقیق درباره اوزان عروضی؛ رساله «آیین من»، آمیخته ای از نظم و نثر درباره پاره ای از مباحث اعتقادی.

سخنوران نامی معاصر (۳۶۷۹/۶، ۳۶۸۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۱۰/۲).

نگاهی ابرقوهی ← نگاهی هروی.

نگاهی بهیانی، میر محمد یوسف. (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به نگاهی. از اهالی بهیجان بود. نصرآبادی مدتی قبل از تحریر «تذکره» خود (۱۰۸۳ ق) با او در منزل میرزا صابا ملاقات داشته و اشعاری از وی شنیده است. از اوست:

به نعمتهای الوان شهان یک ره نظر کردم
گزیدم چشم خون بالا و رنگ زعفرانی را

تذکره روز روشن (۸۴۳)، تذکره نصرآبادی (۱۲۴)، الذریعه (۱۲۲۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۹۵۰)، مرآت الفصاحه (۶۶۵-۶۶۶).

نگاهی هروی، مولانا حاجی نگاهی کاتب. (س دهم ق)، شاعر. در هرات به دنیا آمد. سفری به حجاز نمود و حج گزارد. شغل او کتابت بود و شعر نیز می سرود. اشعاری از وی در تذکره ها نقل شده است. از اوست:

با بتان، دل شرح درد بینوایی می کند
بینوایی، از در دلها گسداپی می کند

تحفه سامی (۲۹۳)، الذریعه (۱۲۲۵/۹)، صبح گلشن (۵۳۹)، فرهنگ سخنوران (۹۵۱).

نمازی، حاج محمد، فرزند محمد حسن. (۱۲۷۵-۱۳۵۱ ش)، نیکوکار و بنیانگذار. در شیراز به دنیا آمد. وی از متمولین و مردان نیکوکار شیراز بود و آثار متعددی را به هزینه شخصی تأسیس نمود. وی در بیمارستان نمازی شیراز وفات یافت. از آثارش: سازمان لوله کشی آب شیراز؛ بیمارستان پانصد تخت خوابی نمازی در شیراز؛ آموزشگاه عالی پرستاری نمازی؛ سازمان خیریه بنیاد ایران.

شرح حال رجال (۲۰۳-۲۰۴).

چاپی (۲/۳۴۶-۳۴۷).

نوایی مروی ← ولوالجی مروی، ابوعبدالله محمد.

نوای زند شیرازی، منت علی بیگ. (مقتول ۱۲۰۶/۱۲۰۹ ق)، شاعر. از طایفه زندیه است. در شیراز نشو و نما یافت و به شاعری روی آورد. از فنون شعر به غزلسرایي تمایل بیشتری داشت. وی در جوانی، هنگامی که آقا محمد خان قاجار، کرمان را فتح کرد به دست لشکریان او، کشته شد. صاحب «حدیقه الشعراء» می‌گوید که او یک «دیوان» داشته که در زمان حیات خودش مفقود شده است. همچنین دکتر عبدالحسین نوایی، در زیر نویس این کتاب، به نقل از «تذکره اختر» آورده که منت علی بیگ صاحب یک نسخه «خیالات» بوده و شاعری که همان شیوه او را داشته، آن را به قیمت ناچیزی از پدر او خریده و از میان برده است.

حدیقه الشعراء (۳/۱۹۲۲-۱۹۲۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵/۷۲۰-۷۲۲)، سفینه محمود (۱/۳۲۴)، فرهنگ سخنوران (۹۵۲)، مصطفی خراب (۱۹۴-۱۹۵)، نگارستان دارا (۲۶۸-۲۶۹).

نوای کاشانی ← نوا، درویش حسین.

نوای همدانی ← نوا، درویش حسین.

نوایی، میرزا رضاقلی ← سلطانی مازندرانی.

نوایی اصفهانی، مهدی، فرزند علی اکبر. (ح ۱۲۵۸-۱۳۲۶ ش)، نوازنده. در اصفهان به دنیا آمد. نواختن نی را ابتدا نزد سلیمان اصفهانی آموخت و سپس نزد نایب اسدالله به تکمیل هنر خود پرداخت. او به همراه ادیب خوانساری به تهران آمد و به اتفاق وی صفحه‌ای را پر نمود و در برنامه‌های سالهای اول رادیو شرکت کرد. نوایی در اصفهان درگذشت. از وی صفحاتی در دستگاههای مختلف، از جمله: «راست پنج‌گاه»، «دشتی»، «بیات ترک»، «راک عبدالله» و «نوا» باقی مانده است.

تاریخ اصفهان (۲۴۰-۲۴۱)، تاریخ تحول ضبط موسیقی (۲۰۳، ۲۰۹، ۲۳۷، ۳۰۷، ۳۰۹)، تاریخ موسیقی (۲/۶۱۹-۶۲۰)، سرگذشت موسیقی (۱/۲۹۳).

نوایی بافقی، مولانا هیبت الله. (س یازدهم ق)، شاعر. وی از قاضی زادگان بافق یزد بود. اجداد او پیوسته در آن

بود. با مرگ جعفر خان، میرزا باقر به کار تألیف و تدریس در اصفهان مشغول شد و از عالم سیاست کناره گرفت. وی در تهران درگذشت و در شهر ری به خاک سپرده شد. از آثارش «تحفة الخاقان»، در تفسیر قرآن به اسلوبی جدید، در چهار مجلد: اولی در «قصص» و دومی در «ذکری» و سومی در «احکام» و چهارمی در «وقایع یوم القیام». در «الذریعة» و «طبقات اعلام الشيعة» این کتاب در پنج بخش شامل: «آیات القصص»، «آیات الاحکام»، «آیات المعارف»، «آیات المواعظ» و «آیات الوعید» معرفی شده، که آن را به خواهش فتحعلی شاه قاجار تألیف نموده است. اعیان الشیعه (۹/۴۰۷)، تذکره القبور (۱۸۸-۱۸۹)، الذریعة (۳/۴۳۱-۴۳۲، ۴/۱۴۵-۱۴۴)، روضات الجنات (۷/۱۴۶-۱۴۷)، رباعه (۵/۱۲۳)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۳/۱۸۸-۱۸۹)، فوائد الرضویه (۶۲۱)، کتاب گیلان (۲/۶۷۵-۶۷۶)، مکارم الآثار (۴/۱۲۲۹-۱۲۳۴)، نامها و نامدارهای گیلان (۵۰۸).

نوابخش اصفهانی ← نوای اصفهانی، جعفر.

نواب رضوی یزدی، میرزا محمد صادق. (س سیزدهم ق)، شاعر و خطاط. معروف به نواب صفوی بزرگ. وی داماد عبدالرضا خان امیر مؤید و از ممدوحان جیحون یزدی (م ح ۱۳۰۲ ق) بود. او به غیر از شاعری به خوشنویسی نیز می‌پرداخت. از وی اشعاری در تذکره‌ها آمده است.

تذکره سخنوران یزد (۳۲۲-۳۲۳)، الذریعة (۹/۱۲۲۵)، فرهنگ سخنوران (۹۵۴).

نواب یزدی ← انجم یزدی، میرزا محمد علی.

نوای اصفهانی، جعفر، فرزند فیض الله. (تو ۱۲۹۳ ش)، مدرس و شاعر، متخلص به نوا. وی در اصفهان به دنیا آمد. پس از فوت پدر به کرمانشاه رفت و تحصیلات مقدماتی را به پایان برد. او پس از طی تحصیلات متوسطه به تحصیل علوم قدیمه پرداخت. سپس در ۱۳۲۹ ش به استخدام فرهنگ درآمد و به تدریس در مدارس اصفهان اشتغال ورزید. وی از مؤسسين انجمن ادبی کمال است. از آثارش: «نواهای جانگداز»، شعر؛ مشارکت در «گلچین گلچینها»، صدیقه مسعود کازرونی؛ «دیوان» شعر.

تذکره شعرای اصفهان (۵۱۱-۵۱۷)، الذریعة (۹/۱۲۲۶)، سخنوران نامی معاصر (۶/۳۶۸۶-۳۶۹۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/۲۷۳۶، ۳۳۱۶)، مؤلفین کتب

دیار دارای منصب قضاوت بوده‌اند. نوایی طبعی موزون داشت و شعر می‌سرود. در تذکره «سخنوران یزد»، از قول آیتی، صاحب «تاریخ یزد» آمده که وی در عهد شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ق) در سخنوری مشهور بوده است. از وی اشعاری در تذکره‌ها نقل شده است. از اوست:

درد دل با سنگ گفتم آتش اندر وی فتاد
یادگاری آخر از ما در نهاد سنگ ماند

تذکره سخنوران یزد (۳۱۹)، جامع مفیدی (۴۵۶/۳)، الذریعه (۱۲۲۶/۹)، فرهنگ سخنوران (۹۵۲).

نوایی جغتایی، نظام الدین امیر علیشیر، فرزند میر غیاث الدین کسجکته. (۸۴۱/۸۴۴-۹۰۶ ق)، حکیم، نویسنده و شاعر. معروف به امیر کبیر. او به دو زبان ترکی و فارسی شعر می‌گفت و به ذواللسانین مشهور شد. در شعر ترکی، نوایی و در شعر فارسی، فنایی یا فانی تخلص می‌نمود. اصل او از ترکان جغتایی بود که در هرات به دنیا آمد. پدرش از امرا و رجال عهد تیموریان است که در خدمت بعضی از سلاطین آن سلسله مانند میرزا ابوالقاسم بابر، فرزند بایسنقر میرزا، و سلطان ابوسعید میرزا به سر برد. نوایی نیز همراه پدر مدتی ملازم بابر شاه در مشهد بود. از کودکی با سلطان حسین بایقرا در مکتب مصاحب و همدرس بود. پس از مرگ بابر همراه سلطان حسین میرزا به مرو رفت و آن‌گاه چندی در هرات در ملازمت سلطان ابوسعید به سر برد و سپس به ماوراءالنهر رفت و به تکمیل دانش پرداخت. پس از مدتی به خراسان سفر نمود و در اوایل قدرت سلطان حسین، به خدمت او درآمد و همراه او به سمرقند و سپس به هرات رفت. او از امرای معروف عهد سلطان حسین و ندیم و مقرب خاص او بود که از مشوقین بزرگ ادیبان و شاعران به حساب می‌آمد. از معاصران عبدالرحمن جامی است که به او ارادت‌ی خاص داشت. در ۸۶۲ ق منصب امارت دیوان اعلی به او تفویض گشت. امیر علیشیر یک سال نیز حاکم مازندران بود و در استرآباد به سر می‌برد. پس از آن به هرات بازگشت و در خدمت سلطان زیست. وی در شکوفایی و رونق ادب و هنر در دوران سلطان حسین بایقرا تأثیر فراوان داشت و هرات در این عصر یکی از بزرگترین مراکز ادب و هنر به شمار می‌آمد. وی در هرات درگذشت و در محله عیدگاه این شهر، زیر گنبدی در شمال مسجد جامع دفن گردید. لازم به ذکر است که صاحب «مجمع الفصحا» تاریخ فوت وی را ۹۰۷ ق ذکر کرده است. از آثار خیر او: ایوان جنوبی صحن عتیق آستان رضوی؛ نهر آب بالا خیابان، در مشهد؛ رباط سنگ پست؛ رباط دیز آباد؛ بند آجری قریه

تروق در نزدیکی طوس؛ مقبره قاسم انوار، در قریه لنگر نزدیک تربت جام؛ تعمیر قسمتی از مزار عطار نیشابوری. از تألیفات او: «مجالس النفاثات»، در شرح حال شاعران عهد خود، به ترکی؛ «لسان الطیر»، به تقلید از «منطق الطیر» عطار؛ «قصه شیخ صنعان»؛ «خمسة المتحیرین»، رساله‌ای در شرح حال جامی، در یک مقدمه و یک خاتمه و سه مقاله، به ترکی؛ «منشآت ترکی»؛ «منشآت فارسی»؛ «خمسه‌ای به تقلید از «پنج گنج» نظامی، به ترکی شامل: «حیرت الابرار» یا «حیات الابرار»، در برابر «مخزن الاسرار» و «فرهاد و شیرین» و «لیلی و مجنون» و «سبعة سیاره»، در برابر «هفت گنبد»، و «سد سکندری»؛ «محاكمة اللغتين»؛ «چهار دیوان»، به ترکی شامل: «غریب الصغر»، «نوادیر الشباب»، «بدایع الوسط» و «فوائد الکبر»؛ «دیوان» شعر، به فارسی، در حدود پنج هزار بیت.

آشکده آذر (۸۰/۱)، از سعدی تا جامی (۵۲۹)، ۵۴۶، ۶۳۷-۶۳۸، ۷۳۸-۷۴۴، تاریخ ادبیات در ایران (۳۸۲/۴)، ۳۸۶، تاریخ برگزیدگان (۱۷۲)، تاریخ نظم و نثر (۲۸۹-۲۹۱)، تحفه سامی (۳۳۴-۳۳۸)، تذکره روز روشن (۸۵۰-۸۵۱)، تذکره الشعراء (۵۵۹-۵۷۴)، تذکره نصرآبادی (۵۰۰)، حبیب السیر (۷۱/۴)، ۱۳۷، ۱۴۵، ۱۵۹، ۱۷۰، ۱۷۹، ۱۸۳-۱۸۴، ۲۵۷، دایرةالمعارف فارسی (۱۷۶۵/۲)، الذریعه (۶۲-۶۱/۲)، ۶۶/۳، ۲۳۶، ۱۳۲/۴، ۱۲۵/۷، ۲۶۴-۲۶۵، ۸۰۴/۹، ۸۴۸، ۸۴۹، ۱۲۲۶، ۱۳۱/۱۲، ۱۵۳، ۱۴۲-۱۴۱/۱۴، ۳۱-۳۰/۱۶، ۱۸۹، ۳۵۶، ۱۸۹/۱۷، ۳۰۶، ۱۶۳/۱۹، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۵۸، ۲۸۵-۲۸۴، ۳۷۲، ۱۳۷/۲۰، ۳۶۴/۲۱، ۳۴۴/۲۴، روضة الصفاء (۷/صفحات متعدد)، ریحانه (۲۴۲-۲۳۸/۶)، سرآمدان فرهنگ (۱۹۸/۱-۲۰۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۰-۱۵۴/۱۰)، طرائق الحقائق (۱۰۹/۳-۱۱۰)، فرهنگ ادبیات فارسی (۳۴۹-۳۵۰)، فرهنگ سخنوران (۹۵۲-۹۵۳)، کارنامه بزرگان (۳۲۷-۳۲۸)، کتابشناسی نظامی گنجوی (۴۲۳-۴۲۴)، کشف الظنون (۲۳۰)، ۴۴۵، ۹۸۲، ۹۷۷، ۱۱۹۵، ۱۲۵۸، ۱۳۰۱، ۱۵۷۲، ۱۵۹۱، ۱۶۱۱، ۱۹۷۹، لغت نامه (ذیل/علیشیر نوایی و نظام الدین)، مجالس العشاق (۳۳۵-۳۳۸)، مجالس النفاثات (مقدمه/د-لو)، ۱۳۳-۱۳۶، ۳۵۷-۳۵۸، مجمع الفصحا (۸۲/۱-۸۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۷۷-۶۷۸)، هدیه العارفین (۱/۷۴۰-۷۳۹).

نوایی زند ← نوای زند شیرازی، منت علی بیگ.

نزد شیخ عبدالرحمن کویتی تکمیل کرد و در حوزه درس صدر اصفهانی، که مرجع تقلید بود، درس خارج خواند. پس از مراجعت به شیراز مدتی در مدرسه شریعت، و پس از تأسیس دارالمعلمین شیراز مدت سه سال در آنجا تدریس کرد. او در ۱۲۹۸ ش مجله‌های «دنیای ایران»، «فکر آزاد» و روزنامه «بهارستان» و در ۱۲۹۹ ش مجله «گل آشتی» را در شیراز تأسیس و منتشر نمود. نویخت از طرفداران رضا شاه بود به همین علت شاه او را به مدیریت مجله نظامی «قشون» که در ۱۳۴۰ ق تأسیس شده بود، برگزید. او در دوره‌های ششم و هفتم از طرف مردم بهبهان به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. وی مدتی نیز ریاست کتابخانه سلطنتی را بر عهده داشت. از دیگر آثارش: «شاهنامه پهلوی»، «علم تربیت یا پداگوژی»، «علم روح علم طبایع»، «ماوراء مدرسه»، «فلسفه فازیسم»، «قانون فکر»، در علم منطق، «تاج جاحظ»، ترجمه «کارنامه»، ترجمه رساله «سفرای محمد»، «پندنامه»، شعر، «دیوان» شعر.

تاریخ جراید (۲/۳۶-۳۲۷، ۲۹۸-۲۹۷، ۱۱۰-۱۱۱، ۸۲/۴، ۱۵۵-۱۵۶)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۵/۷۲۷-۷۳۴)، الذریعه (۹/۱۲۲۷، ۲۱/۱۳، ۳۲۱/۱۵، ۱۷/۲۴، ۲۲۹-۲۳۰، ۳۱/۱۹)، فرهنگ سخنوران (۹۵۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/۶۲۸، ۸۵۴، ۱۵۲۸، ۲۰۸۷، ۲۳۳۵، ۲۳۳۷، ۲۴۶۱، ۲۵۱۸، ۲۵۸۴، ۲۸۶۲، ۲۸۶۳، ۳۱۹۸)، مؤلفین کتب چاپی (۲/۴۸۰-۴۸۲).

نویختی، ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق بن ابی سهل بن نویخت. (س چهارم ق)، عالم دینی، حکیم و متکلم امامی. از آثارش کتاب «الیاقوت» یا «فص الیاقوت» است که از قدیمی ترین کتابهای کلامیه شیعه می باشد و بسیاری از علما به آن توجه داشته اند و علامه حلی «انوار الملکوت» خود را در شرح بر این کتاب نگاشته است و از مؤلف آن، ابواسحاق ابراهیم بن نویخت، تعبیر به شیخ اقدم و امام اعظم شیعه می کند. به تبع علامه حلی، محدث قسمی و سید محسن امین و دیگران این کتاب را به ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق نسبت داده اند، اما در «ریاض العلماء» و «الشیعة و فنون الاسلام» و «الذریعة»، ابن نویخت اطلاق بر برادر ابراهیم، شیخ اسماعیل بن اسحاق بن ابی سهل بن نویخت شده و کتاب «الیاقوت» به وی منتسب شده است. از دیگر آثار وی: «الابتهاج فی اثبات اللذة العقلية لله تعالى».

اعیان الشیعة (۲/۱۱۰-۱۱۱)، بحار الانوار (۱/۱۷)، خاندان نویختی (۱۶۶-۱۸۰)، الذریعه (۱/۲۵، ۶۲/۲۷۱-۲۷۱).

نوایی شیرازی، میرزا مهدی منشی، فرزند ملا آقا بابای تاجر. (توح ۱۲۷۲ ق)، شاعر، متخلص به نوایی. وی در شیراز به دنیا آمد. پس از تحصیلات مقدماتی در زادگاهش در ۱۲۹۶ ق به تهران آمد. نزد آصف الدوله میرزا عبدالوهاب خان شیرازی، والی خراسان، انشای رسایل می نمود. از او اشعاری به جا مانده است.

آثار عجم (۵۷۱)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۵/۷۲۷-۷۲۶)، الذریعه (۹/۱۲۲۷)، فارسنامه ناصری (۲/۱۰۳-۱۰۳)، مرآت الفصاحه (۶۶۷-۶۶۸).

نوایی کاشانی، مولانا شمس الدین محمد. (س دهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به نوایی. اهل کاشان و از مدرسان آن دیار بود. گویا مدتی به هند مهاجرت کرده است. به آورده احوال و آثار خوشنویسان وی در زمان تألیف «تحفه سامی» (م ۹۷۴/۹۷۵ ق) هنوز می زیسته است. در خطاطی و شاعری مهارت داشت و در علم قافیه و معما، صاحب نظر بود. اشعاری از وی در تذکرها آمده است. از اوست:

نیاساید دمی از گریه، چشم اشکبار من
گهی بر بخت من گرید، گهی بر حال زار من
احوال و آثار خوشنویسان (۳/۸۵۷)، تحفه سامی (۱۲۵)،
الذریعه (۹/۱۲۲۷)، صبح گلشن (۵۴۰)، فرهنگ
سخنوران (۹۵۳)، کاروان هند (۲/۱۴۶۰-۱۴۶۱).

نوایی مازندرانی، میرزا محمد تقی، فرزند میرزا رضاقلی منشی الممالک. (س سیزدهم ق)، شاعر، متخلص به نوایی. بعد از فوت پدر در دربار فتحعلی شاه (۱۲۱۲-۱۲۵۰ ق) به شغل نویسندگی فرمانهای دولتی اشتغال داشت. وی در اقسام شعر تبحر داشت. از آثارش: «دیوان» شعر، در چهار هزار بیت.

حديقة الشراء (۳/۱۹۲۳-۱۹۲۵)، الذریعه (۹/۱۲۲۷)، سفينة المحمود (۲/۶۲۵)، فرهنگ سخنوران (۹۵۳)، مجمع الفصحا (۶/۱۰۵۲-۱۰۵۴)، مصطفی خراب (۲۰۰-۲۰۱)، نگارستان دارا (۱۴۳-۱۴۴).

نویخت شیرازی، حبیب الله، فرزند محمد حسن. (تو ۱۲۷۳/۱۲۷۴ ش)، نویسنده، مترجم، روزنامه نگار و شاعر. در شیراز به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش به پایان برد، سپس برای تحصیل علوم دینی به نجف و کربلا رفت و ادبیات عرب را آموخت. او علم کلام را از محضر شیخ ابوالقاسم اصفهانی و فلسفه قدیم را از محضر سید محمد مفتی هندی آموخت و ادبیات عرب را

۲۷۲)، ریحانه (۲۴۶-۲۴۷)، الکنی و الالقاب (۹۴/۱).

نوبختی، ابوالحسن علی بن احمد بن نوبخت. (وف ۴۱۶ ق)، شاعر امامی. از شعرا و ادبای شیعی مذهب سده پنجم هجری است. به مصر رفت و در همانجا درگذشت و به خاک سپرده شد. صاحب «اعیان الشیعه» وفات وی را ۴۱۰ ق آورده است. از آثارش: «دیوان» شعر.

الاعلام (۵۷/۵)، اعیان الشیعه (۱۶۱/۸)، الذریعه (۳۲/۹)، ریحانه (۲۵۰/۶، ۲۵۹/۸)، کشف القنون (۷۶۹)، الکنی و الالقاب (۴۴۳/۱)، لغت نامه (ذیل/ابوالحسن)، معجم المؤلفین (۳۱/۷)، وفیات الاعیان (۳۸۳-۳۸۲/۳)، هدیة العارفین (۶۸۶/۱).

نوبختی، ابوالعباس فضل بن ابوسهل بن نوبخت. (وف ۱۸۵ ق)، حکیم، فیلسوف، متکلم، منجم و مترجم. گروهی او را به جدش منسوب کرده و فضل بن نوبخت خوانده‌اند. وی از مشاهیر و پیشوایان متکلمان امامیه به شمار می‌آید. ابونواس از شاعران معاصر او بود که در مدح خاندان نوبختی شعر می‌سرود. فضل از منجمان و فیلسوفان عهد هارون الرشید و خزانه‌دار کتابهای حکمی به حساب می‌آمد که بسیاری از کتب حکمت اشراقی قبل از اسلام را، از زبان پهلوی به عربی، ترجمه نمود. همچنین در حکمت کتابهایی تألیف کرد و در نجوم نیز آثاری دارد. سید جمال‌الدین ابن طاووس، در کتاب خود «فرج المهموم» آورده که، از تصانیف نجومی او دیده و تبحر او را در این فن تصدیق می‌نماید.

اعیان الشیعه (۴۱۲-۴۱۰/۸)، خاندان نوبختی (۱۴، ۳)، ۲۰)، دایرة المعارف فارسی (۳۰۶۰/۲)، ریحانه (۲۵۰/۶)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۱۴، ۲۰۰، ۲۳۶، ۲۷۷)، لغت نامه (ذیل/نوبختی).

نوبختی، ابوالقاسم حسین بن روح بن بحر/ابی بحر. (وف ۳۲۶ ق)، عالم امامی و محدث. نایب سوم از نواب خاص حضرت امام زمان (عج) می‌باشد. وی از بستگان نزدیک ابوعبدالله حسین بن علی نوبختی وزیر ابن رائق بود. اصل وی از نوبخت از توابع فارس است. در ابتدا وکیل ابی جعفر محمد بن عثمان عمری، دومین نایب آن حضرت، بود. در کتاب «غیبت» شیخ طوسی آمده است که محمد بن عثمان قبل از وفاتش شیوخ و بزرگان شیعه را نزد خود فراخواند و به ایشان گفت: چنانچه مرگ برای من مقدر شد، این امر به حسین بن روح واگذار خواهد بود و من از جانب امام زمان (عج) مأمور هستم که او را به

جانشینی خود معرفی نمایم، پس در امورتان به وی مراجعه و در کارهای خود به او اعتماد نمایید. حسین بن روح نوبختی حتی در ایام امامت امام یازدهم، حضرت عسکری (ع)، از صحابه خاص به شمار می‌رفت و نماینده آن حضرت بود. او را به امانت داری و بزرگ منشی ستوده‌اند. وی از ۳۰۵ ق به مدت بیست و یک سال منصب نیابت خاص حضرت امام زمان (عج) را عهده‌دار بود. همچنین مدت پنج سال (۳۱۷-۳۱۲ ق) در زندان مقتدر عباسی محبوس بود و در این مدت ابوجعفر محمد بن علی شلمغانی ادعای باییت نمود که از ناحیه امام زمان (عج)، به واسطه حسین بن روح توقیعی در لعن وی صادر گردید. حسین بن روح در بغداد درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. مدفن او زیارتگاه و مورد توجه می‌باشد. از آثارش: «التأدیب».

اعیان الشیعه (۲۲-۲۱/۶)، تاریخ الغیبة الصفری (۴۱۲-۴۰۶)، تحفه قدسی در علائم ظهور مهدی موعود (۲۹۵-۲۸۹)، خاندان نوبختی (۲۳۸-۲۱۲)، الذریعه (۲۱۰/۳)، سیرالنبلاء (۲۲۲-۲۲۴)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴/۱۱۳)، کلمة الامام المهدی (۱۴۱/۱-۱۴۳)، لسان المیزان (۵۲۳/۲)، معجم رجال الحديث (۲۳۶/۵)، معجم المؤلفین (۸/۴)، نواب الدهور (۸/۱)، الوافی بالوفیات (۳۶۷-۳۶۶/۱۲).

نوبختی، ابومحمد حسن بن حسین بن علی. (وف ۴۰۲-۳۲۰ ق)، محدث امامی و کاتب. ساکن بغداد بود. وی از قاضی محاملی و علی بن عبدالله واسطی روایت نموده است. ابوبکر احمد بن محمد برقانی و ابوالقاسم عبدالله بن احمد ازهری و ابوالقاسم تنوخی و ابوالفرج طنجیری و ابوالقاسم بن خلیل از وی روایت کرده‌اند. محدثین و علمای عامه او را در حدیث صدوق و راستگو دانسته‌اند. در «میزان الاعتدال» وفات وی ۴۵۲ ق ذکر شده است.

اعیان الشیعه (۵۶/۵)، انساب سماعی (۵۳۰-۵۲۹/۵)، تاریخ بغداد (۲۹۹/۷)، ریحانه (۲۴۸-۲۴۷/۶)، لسان المیزان (۳۷۷/۲)، میزان الاعتدال (۴۸۱/۱)، الوافی بالوفیات (۴۲۷/۱۱).

نوبختی، ابومحمد حسن بن موسی. (وف ۳۱۰-۳۰۰ ق)، ادیب، فیلسوف، متکلم و منجم. نسبت وی از جانب مادر به خاندان نوبختی می‌رسد و خواهرزاده ابوسهل بن نوبخت است. بعضی نیز او را فرزند ابوالحسن موسی بن حسن نوبختی، معروف به ابن کبریا، می‌دانند. ابر محمد اهل بغداد بود و از متکلمین، فلاسفه و ادبای عصر خود به

نوجابادی بخاری، ظهیرالدین ابوالمظفر محمد بن عمر بن محمد (۶۶۸-۶۱۶ ق)، فقیه حنفی و اصولی. در نوجاباد از قرای بخارا به دنیا آمد. به دمشق رفت و سرانجام در بغداد مقیم گشت و به امامت مستنصریه رسید. از آثار او: «کشف الابهام لرفع الاوهام» که در «کشف الظنون» تحت عنوان «کشف الابهام لدفع الاوهام» ذکر شده است؛ «تلخیص القدوری» یا «الملخص فی مختصر القدوری»، در فروع فقه حنفی؛ «کشف الاسرار» در اصول فقه.

الاعلام (۲۰۴/۷)، ابضاح المکنون (۳۵۵/۲)، کشف الظنون (۱۶۳۴، ۱۴۸۵-۱۴۸۴)، لغت نامه (ذیل / نوجابادی)، معجم المؤلفین (۹۱/۱۱)، هدیة العارفین (۱۲۹/۲).

نوح بن علی (ز ۶۴۸ ق)، خطاط. ملقب به نجم فارابی. از آثار وی: قرآن خشتی مذهب، نسخ کتابت خوش، با رقم: «کتابه... نوح بن علی الملقب بنجم الفارابی الاتقانی فی بلدة دمشق... فی سادس صفر سنة ثمانا و اربعین و ستمائة و صلی الله علی محمد و آله». احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۲۳/۴).

نور اصفهانی، نورعلیشاه، میرزا محمد علی، فرزند میرزا عبدالحسین فیض علیشاه بن ملا محمد علی خراسانی. (وف ۱۲۱۲ ق)، عالم، عارف، صوفی و شاعر، متخلص به نور که گاهی نور علی نیز تخلص می‌کرد. از مشاهیر عرفا و صوفیه عهد خود و از بزرگان سلسله نعمت الهی می‌باشد. اصل وی از طبس است که جدش در آن شهر امام جمعه بود. در اصفهان به دنیا آمد. ابتدا به تحصیل مشغول شد و در علوم رایج زمان خود تبحر یافت. سپس به فکر تهذیب نفس افتاد و همراه پدر به شیراز آمد و هر دو به خدمت سید معصوم علیشاه هندی، که در آن وقت از طرف شاه علی رضا دکنی برای ارشاد، به ایران آمده بود، رسیدند و به او سر سپردند و پس از چندی، از طرف سید، به القاب فیض علیشاه و نور علیشاه ملقب گشتند که به نور علیشاه اجازه ارشاد داده شد. پس از اینکه معصوم علیشاه، به توسط کریم خان زند، از شیراز اخراج گشت، نورعلیشاه نیز همراه او به اصفهان و خراسان و هرات رفت و سپس در ایران مأمور به اقامت شد. او هر چند مدتی در یک شهر می‌ماند و مردم را ارشاد می‌کرد. سپس به عتبات عالیات و پس از آن به بغداد رفت و به مدح احمد پاشا، حاکم آنجا، پرداخت و مثنوی عرفانی «جنات الوصال» را در آن دیار سرود. عاقبت از بغداد به موصل

حساب می‌آمد. او مانند بسیاری از علمای آن عهد به تحصیل فنون مختلفه علاقه داشته و به همین دلیل منزل او محل اجتماع علما و فضلا محسوب می‌شده است که غالباً تعدادی از مترجمان، مانند ابوعثمان سعید بن یعقوب دمشقی و ابویعقوب اسحاق بن حنین و ابوالحسن ثابت بن قره و دیگران، برای ترجمه کتابهای فلسفی قدیم، در خانه او جمع می‌شدند و در مورد مسائل علمی بحث می‌کردند. وی با وجود متکلم بودن، بیش از دیگر افراد آل نوبخت، به فلاسفه اهمیت می‌داد و علاوه بر آمیزش با مترجمان کتب حکمی قدیم و مطالعه کتب ارسطو، بعضی از آنها را مختصر نموده و در رد بعضی از آرای فلاسفه و اهل منطق نیز کتابهایی نگاشته است. وی در کلام به معتزله، خصوصاً معتزله بغداد، نزدیک بود و به همین جهت بین شیعه و معتزله بر سر عقیده و انتساب او به یکی از این دو فرقه اختلاف وجود داشت. با این حال امامی بودن وی مسلم است و از طرفی نیز بسیاری از مؤلفان قدیم همچون ابن الندیم و مسعودی و اشعری او را در ردیف رجال شیعه آورده‌اند و علاوه بر این خانواده نوبخت به علاقه به ولایت امیرالمؤمنین علی (ع) و ائمه اطهار (ع) معروف هستند. از آثارش: «فرق الشیعة»؛ اختصار کتاب «الکون و الفساد» ارسطو؛ «الجزء الكبير» که کتاب مفصلی است در جزء لایتجزی؛ «الخصوص و العموم»؛ «الجزء الصغير» یا «مختصر الکلام فی الجزء»؛ «الرد علی المنجمین»؛ «الرد علی اصحاب التناسخ»؛ «الآراء و الدیانات»؛ «الرد علی المجسمة»؛ «الموضح»، در باب جنگهای امیرالمؤمنین علی (ع).

الاعلام (۲۳۹/۲)، اعیان الشیعه (۳۲۰-۳۲۱)، ابضاح المکنون (۹۷/۱)، ۵۵۳، ۵۵۴، ۲۶۱ / ۲، ۲۶۵، ۲۷۴، ۲۸۳، ۳۳۰، ۶۷۷، خاندان نوبختی (۱۲۵-۱۴۳)، الذریعه (۳۵۳-۳۵۴، ۴۵۵/۴، ۵۰۷، ۳۵۷، ۱۰۳/۵، ۱۰۹۶، ۲۶۳/۶، ۲۶۴، ۲۷۰، ۱۷۶/۷، ۱۸۱/۱۰، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۷، ۲۱۲۳، ۲۱۶، ۲۲۲، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۴ / ۲۰، ۲۰۵، ۳۰۱، ۲۶۷/۲۳، ۲۸۶/۲۴، ۲۹۲)، رجال طوسی (۴۶۲)، رجال کشی (۴۴۴)، رجال نجاشی (۱۷۹-۱۸۲)، ریحانه (۲۴۸-۲۴۹)، سیر النبلاء (۳۲۷/۱۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۴-۱۰۳)، الفهرست ابن ندیم، ترجمه (۳۳۱)، الفهرست للطوسی (۹۹-۹۸)، الکنی و الانساب (۱۵۴/۱)، لسان المیزان (۴۷۸-۴۷۷/۲)، لغت نامه (ذیل / حسن نوبختی)، معجم المؤلفین (۲۹۸/۳)، الوافی بالوفیات (۲۸۰/۱۲)، هدیة العارفین (۲۶۸/۱).

عماد خط او را به خط رشیدا ترجیح می‌داده است و نیز گوید که به امر شاه عباس «شاهنامه» ای نوشت و در اواخر عمر از شاه رنجیده شد و به هندوستان رفت و همان جا درگذشت. وی در بعضی از آثار خود «نورالدین سام سوار» رقم می‌نموده است. از آثار او: کتیبه‌ای در داخل ایوان شرقی مسجد آقا نور، در اصفهان که به خط نستعلیق نوشته شده و با ماده تاریخ (مسجد نور کعبه عجم است)، ۱۰۳۴ق، با رقم: «کتبه العبد نور».

آثار ملی اصفهان (۵۱۴-۵۱۵)، احوال و آثار خوشنویسان (۹۴۷/۳-۹۴۸)، اطلس خط (۵۳۸)، پیدایش خط و خطاطان (۱۶۹-۱۷۰)، تذکره الخطاطین (۳۴۶-۳۴۷/۱)، گنجینه آثار تاریخی اصفهان (۵۰۲-۵۰۳).

نوربخش، سید محمد بن محمد بن عبدالله (۷۹۵-۸۶۹ق)، متکلم، صوفی، عارف و شاعر معروف به سید محمد نوربخش. از مشاهیر عرفا و صوفیه است و نسبش به هفده واسطه به امام موسی کاظم (ع) می‌رسد و سلسله نوربخشیه به او منسوب است. پدرش در قطیف به دنیا آمد و مولد جدش لحسا بود به همین دلیل نوربخش گاهی در شعر لحسوی تخلص می‌کرد. پدر او به خراسان رفته، در قاین سکنی گزید و سید محمد در آنجا به دنیا آمد. نوربخش از شاگردان احمد بن فهد حلی بود. در تصوف از خواجه اسحاق ختلائی تربیت یافت و از دست خواجه خرقة پوشید و عهده دار مسند ارشاد و پیر خانقاه و ملقب به نوربخش شد. سپس به ختلان رفت و به دعوی مهدویت و خلافت برخاست، اما به زودی دستگیر شد و طرفدارانش به دستور شاهرخ میرزا تیموری به قتل رسیدند. خود او نیز مدتی در زندان به سر برد و سپس به خراسان و فارس فرستاده شد. در شیراز ابراهیم سلطان، پسر شاهرخ، وی را آزاد کرد. چندی بعد او به کردستان رفت و دوباره شروع به دعوت مردم نمود و باز گرفتار گماشتگان شاهرخ گردید و به حکم شاهرخ، در هرات، به منبر رفت و از دعوی خویش تبری کرد. پس از مرگ شاهرخ مجدداً در پی نشر عقاید خود به آذربایجان و شروان و گیلان سفر کرد و نهایتاً در قریه سولقان، از توابع ری، سکنی گزید و آنجا مزرعه و آبادی احداث کرد و در همان دیار از دنیا رفت و مدفون گردید. بعضی از تذکرها فوت او را در قریه نفیس، از توابع قاین، می‌دانند. بعد از مرگ وی پسرش، شاه قاسم فیض بخش، خلیفه و جانشین او شد و نوربخشیه تا اوایل عصر صفویه فعالیت داشتند. از آثارش: «انسان نامه»، «رسالة الاعتقادیة»، «رسالة الفقه الاحوط»، «شجره»، در ذکر مشایخ عرفان، منظومه تفسیر

رفت و در همان جا درگذشت. در مورد مرگ وی بعضی معتقدند که او را مسموم کرده‌اند. مدفن وی در یک فرسخی موصل، در جوار مقبره حضرت یونس (ع)، می‌باشد. از دیگر آثارش: تفسیر «سورة بقره»، به نظم؛ «جامع الاسرار»، به فارسی، به پیروی از «گلستان سعدی»؛ رساله‌ای در «کیمیا»؛ «روضة الشهداء»، به نظم، در احوال امام حسین (ع)؛ «مشکوة النجاة»؛ رساله «اصول و فروع»؛ شرح «خطبة البیان»، به نظم؛ «دیوان» شعر، غزلیات و قصاید و مقطعات، در چهار هزار بیت.

حدیقة الشعراء (۱۰۴۳/۲)، دنباله جستجو در تصوف (۳۳۲-۳۱۹)، الذریعة (۳۳۷/۴، ۳۹/۵، ۱۲۳۱/۹، ۱۳/۱۹۰۲۱۹-۱۴۹/۱۹)، ریاض المارفين (۳۲۶-۳۲۹)، ریحانه (۲۵۴/۶)، سفینه المحمود (۳۲۲-۳۲۴)، صبح گلشن (۵۵۸-۵۵۹)، طرائق الحقائق (۱۹۷/۳-۲۰۳)، فرهنگ سخنوران (۹۵۵-۹۵۴)، لغت نامه (ذیل/نور علیشاه)، مجمع الفصحا (۱۰۳۱-۳۲)، مصطفی خراب (۱۸۹-۱۸۸)، مکرم الآثار (۴۴۸-۴۴۳/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۸/۴-۴۴۰).

نورا لاهیجی - نورالدین محمد لاهیجی.

نورالله. (س دهم ق)، فلز کار. وی نگارگر پر مهارت فلزات سخت بود. از آثار او قطعات هشت ضلعی فلزی است که روی هم سوار شده و کمربندی را تشکیل داده‌اند. نقوش متنوع و اسلیمی این قطعات استادانه است و رقم «عمل نورالله» دارد. احوال و آثار نقاشان (۱۴۰۰/۳).

نورالله همدانی. (ز ۱۲۰۸ ق)، نقاش. اهل همدان بود و قاب آینه می‌ساخت. از آثار وی: قاب آینه تخته‌ای محکمی که در دو طرف آن، دو تصویر از مجلس یوسف و زلیخا و در داخل آن، یک تصویر از مجلس شیخ صنعان و دختر ترسا نقش بسته و به مهارت عمل آورده است، با رقم: «رقم نورالله همدانی ۱۲۰۸».

احوال و آثار نقاشان (۱۳۹۹/۳-۱۴۰۰).

نورای اصفهانی، میرزا نورا، فرزند قاضی غلامعلی. (وف ۱۰۷۰ ق)، خطاط. به قول محمد صالح اصفهانی، وی از شاگردان میر عماد و همردیف ترابای اصفهانی بود. به هندوستان رفت و به سلک شاگردان ملا سلیمان درآمد. میرزا سنگلاخ آورده که نورا فرزند صدرالشریعه اصفهانی و ملقب به مشکین قلم بوده و میر

«سورة المحشر»: «دیوان» شعر.

بهارستان آیینی (۱۸۷-۱۹۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۰-۵۸/۴)، تاریخ نظم و نثر (۳۱۸-۳۱۹)، دایرة المعارف فارسی (۳۰۷۲/۲)، دنبالة جستجو در تصوف (۱۸۳-۱۸۷)، الذریعة (۳۹۰/۲)، ۱۲۲۸/۹، ۱۲۲۹، ۳۰۶/۱۵، ۲۳/۹۷، ریاض العارفین (۱۵۴-۱۵۵)، ریحانه (۲۵۱/۶-۲۵۲)، طبقات اعلام الشیعة (قرن ۹/۱۳۴)، طرائق الحقائق (۳۲۲-۳۱۹/۲)، ۶۱/۳، ۷۱، فرهنگ سخنوران (۶۵۹)، لغت نامه (ذیل/توربخش)، مجالس المؤمنین (۱۴۸-۱۴۳/۲)، معجم المؤلفین (۲۴۱/۱۱).

نورالدین، فرزند سلطان محمد. (ز ۱۱۵۷ ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن بغلی جلد روغنی، دو صفحه افتتاح متن و حاشیه مذهب مرصع، نسخ خفی غبار خوش، با رقم: «کتبه العبد ابن سلطان محمد، نورالدین... ۱۱۵۷». احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۲۴/۴).

نورالدین حسینی شیرازی، فرزند شهاب الدین احمد. (ز ۱۲۷۸ ق)، خطاط. از آثار وی: قرآن سی ورقی، دو صفحه افتتاح متن و حاشیه مرصع، نسخ کتابت خفی غبار خوش، با رقم: «قد تشرفت باتمام، يوم الثلاثاء شهر ذی قعدة الحرام من شهر سنة ثمان و سبعون و مائین بعد الالف... ابن المرحوم المغفور شهاب الدین احمد، نورالدین الحسینی الشیرازی». احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۲۳/۴).

نورالدین محمد اصفهانی، فرزند ابوتراب. (وف ۱۰۹۴ ق)، خطاط. وی برادر بزرگ محمد صالح اصفهانی بود و در کتابخانه شاه عباس اول به امر کتابت اشتغال داشت. میرزا سنگلاخ به وی لقب جواهر نگار داده است. از آثار وی: یک قطعه، به قلم نیم دو دانگ عالی، با رقم: «تراب اقدام الفقراء نورالدین محمد اصفهانی». احوال و آثار خوشنویسان (۹۴۸/۳)، اطلس خط (۵۴۶)، تاریخ اصفهان (۱۵۱).

نورالدین محمد لاهیجی. (وف ح ۱۰۵۱ ق)، خطاط. معروف به نورا، ملقب به خوشنویس ایران. وی از شاگردان میرعماد بود و خط نستعلیق را خوش می نوشت. پس از قتل میرعماد از اصفهان به لاهیجان رفت، اما بعد از مدتی به دستور شاه عباس برای کتابت قرآنی به خط نستعلیق به اصفهان بازگشت. نورا ظاهراً در زمان خود شهرت فراوانی داشته و به خوشنویس ایران ملقب بوده است. از آثار

او: یک مجموعه «دیوان» حافظ و «دیوان» مغربی و «دیوان» اوحدی، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم: «الفقیر نورالدین محمد اللاهیجی... تمت هذه النسخة الشريفة علی يد اضعف عباد الله الغنی، نورالدین محمد اللاهیجانی فی سنة ۱۰۳۲ من الهجرة: یک قطعه به قلم دو دانگ و کتابت خفی ممتاز، با رقم: «کتبه العبد نورالدین محمد اللاهیجی الملقب بخوشنویس ایران غفر الله ذنبه، ... مرقوم قلم شکسته رقم شد، فی سنة ۱۰۳۹»؛ یک نسخه «نگارستان» قاضی احمد غفاری، به قلم کتابت خوش، با رقم: «...نوراء المنشی اللاهیجی»؛ چهار قطعه به قلمهای چهار دانگ و سه دانگ و دو دانگ عالی و خوش با رقمهای: «کتبه نورالدین محمد اللاهیجی» و «مشقه نوراء لاهیجی» و «برسم یادگار جهت برادر عزیز خواجه علی بیگ نوشته شد. مشقه نورالدین محمد لاهیجی»؛ سه قسم اول از دوره کامل یک نسخه «جامع الحکایات» محمد عوفی، به قلم نیم دو دانگ خوش، با رقمهای: «تم قسم الاول من جامع الحکایات و لوامع الروایات... فی منتصف ذی حجة الحرام ثمان و اربعین و الف» و «تمام شد قسم دوم از کتاب جامع الحکایات و لوامع الروایات... فی منتصف شعبان سنة خمسين و الف... نورالدین محمد اللاهیجی...» و «تمام شد قسم سوم از کتاب جامع الحکایات و لوامع الروایات... نورالدین محمد اللاهیجی...».

احوال و آثار خوشنویسان (۸۲۷-۸۲۹/۳)، اطلس خط (۵۳۳)، تاریخ اصفهان (۲۰۱-۲۰۲).

نورزاده بوشهری، اسماعیل - نوروی زاده بوشهری.

نورس دماوندی، محمد حسین. (ز ۱۱۰۵ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به نورس. در دماوند به دنیا آمد. در جوانی از زادگاهش به اصفهان رفت و به جرگه شاگردان صائب تبریزی وارد شد و به سفارش او به ملازمت محمد زمان خان درآمد. وی نستعلیق خفی را خوش می نوشت و قطعاتش تا ۱۱۰۵ ق دیده شده است. حزین لاهیجی در تذکره خود به نقل از میر نجات اصفهانی آورده: «خوشنویسان این را شاعر می دانند و شعرا این را خوشنویس». دکتر صفا نسخه «دیوان» او را در کتابخانه موزه بریتانیا ملاحظه کرده و آورده است که این نسخه حاوی قصیده، ترکیب بند، غزل، مثنویهای کوتاه، قطعه، رباعی و قسمتی به نام مطالع و متفرقات و منشآت است و متجاوز از سه هزار و پانصد بیت می باشد. از خطوط وی: یک قطعه از مرقعی، به قلم دو دانگ و کتابت متوسط، با رقم: «نمقه محمد حسین نورس، سنة ۱۰۸۸»؛ یک نسخه

شما: «ره آموز خانواده»، در تربیت اطفال: «ناقوس»، در اخلاق و روش خانواده، شعر: «تگرگ»، شعر: «گلگشت». زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند (۱۸۳)، زنان سخنور (۳۲۳-۳۵۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۴/۱)، ۶۲۲، ۱۴۷۶، ۱۶۲۳/۲، ۱۹۷۴، ۲۲۰۸، ۲۷۶۳، ۳۲۲۸، کارنامه زنان (۱۷۸-۱۷۶)، مؤلفین کتب چاپی (۶۶۴/۶-۶۶۵).

نوری، ابوحسین احمد بن محمد. (وف ۲۹۵ ق)، صوفی. ملقب به امیر القلوب و شمس العرفا. مکنی به ابوحسین نوری و ابن البغوی. در مورد نام وی بین تذکرها اختلافاتی وجود دارد. اصل او از یغ شور، شهری بین هرات و مرو، است. در بغداد به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت. از نزدیکان و یاران جنید بود. وی احمد بن ابوالحواری را دیده و با سری سقطنی و محمد بن علی قصاب مصاحبت داشته، مراتب عرفان را نزد جنید بغدادی و شبلی و سری سقطنی و ذوالنون مصری تکمیل نموده است. از اکابر و مشاهیر عرفای عهد خود و از بزرگان مشایخ قوم خویش شد که به زهد و تقوی معروف بود. نوری در بغداد درگذشت. گویند پس از فوت او، جنید گفت که نصف علم عرفان و تصوف با مرگ نوری رفت. بعضی از تذکرها تاریخ فوت او را ۲۸۵ ق و ۲۸۶ ق و ۲۹۳ ق نیز ذکر کرده‌اند. از آثارش: «مقامات القلوب»، در تصوف.

ترجمه رساله قشیریه (۵۵۵۴)، جستجو در تصوف (۱۲۴-۱۲۷)، حلیه الاولیاء (۱۰/ ۲۵۵-۲۴۹)، ریحانه (۶/ ۲۵۸، ۴۱۸-۴۱۷/۷)، طبقات الصوفیه سلمی (۱۶۴-۱۶۹)، طبقات الصوفیه هروی (۱۹۵-۱۹۰)، کشف الظنون (۱۷۸۷)، مجمل فصیحی (ذیل/ سال ۲۹۳)، نفحات الانس (۷۸-۷۹)، هدیة العارفین (۵۵/۱).

نوری، محمد، فرزند محمد هادی. (ز ۱۲۸۵ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «طیبات» سعدی، به قلم کتابت خفی متوسط، با رقم: «... فی ست عشرین من شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۸۵، حرره الاقل محمد بن محمد هادی النوری».

احوال و آثار خوشنویسان (۸۵۸-۸۵۷/۳).

نوری، میرزا بهاءالدین، فرزند میرزا جواد، فرزند ملا محمد علی. (وف ۱۳۴۳ ق)، عالم دینی، ادیب و شاعر، متخصص به فاضل. معروف به فاضل نوری. جامع معقول و منقول بود. در محضر علمای اصفهان تلمذ نمود و پس از فراغت از تحصیل در مسجد محله دروازه نور اصفهان به

«تذکره شاه طهماسب»، به قلم نیم دو دانگ متوسط، با رقم: «... سنه ۱۰۹۰»، تصویر و تحریر و تنظیم و تکمیل پذیرفته مرقوم قلم انقیاد و کلک اذعان، المتخلص بالنورس، محمد حسین دماوندی گردید؛ یک نسخه قرآن مجید، به قلم نستعلیق کتابت خوش، با رقم: «کتابه العبد المتخلص بالنورس دماوندی، فی سنه ثلث و تسعین بعد الالف».

احوال و آثار خوشنویسان (۷۰۸-۷۰۷/۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۵/ ۱۳۳۳-۱۳۳۰)، تذکره روز روشن (۸۵۲)، تذکره المعاصرین (۱۹۸-۱۹۷)، تذکره نصرآبادی (۴۰۷)، الذریعه (۹/ ۱۲۳۰)، فرهنگ سخنوران (۹۵۶)، لغت نامه (ذیل/ نورس).

نورعلی‌شاه، ملا علی، فرزند ملا سلطانعلی گنابادی. (۱۲۸۸-۱۳۳۷ ق)، نویسنده و صوفی. ملقب به نور علی‌شاه. در بیدخت، از توابع گناباد، به دنیا آمد. در بیست و شش سالگی، پدرش او را خلیفه خویش نمود و پس از کشته شدن پدر، جانشین وی و پیشوای دراویش معروف به گنابادی گردید. وی با سم کشته شد و در صحن مزار امام زاده حمزه، واقع در جنب مزار حضرت عبدالعظیم (ع)، در مقبره طاووس العرفا سعادت علی‌شاه، آقا محمد کاظم اصفهانی، مدفون گردید. از آثارش: «ارجوم الشیاطین».

شرح حال رجال (۱۶۱/۶-۱۶۲).

نورعلی قاطع. (س دهم و یازدهم ق)، قاطع. اهل بدخشان بود و در مشهد می‌زیست. صاحب «گلستان هنر» گوید: «... به غایت پیر نورانی با صفا بود، خط مولانا میر علی را در نظر می‌نهاد و آنچنان می‌برد که هیچ فرقی و مزیتی میان آن بریده و آن قطعه نبود». وی در مشهد درگذشت.

احوال و آثار نقاشان (۳/ ۱۳۸۳)، تاریخ هنرهای ملی (۲/ ۸۶۴-۸۶۳)، گلستان هنر (۱۵۵-۱۵۶).

نورالهدی منگته، فرزند میرزا علی مشیر دفتر. (تو ۱۲۸۲ ق)، نویسنده و شاعر. در تهران به دنیا آمد. پس از تحصیلات قدیمه، در رشته روانشناسی کودک در دانشگاه بیروت ادامه تحصیل داد. بانو نورالهدی به زبانهای فرانسه و انگلیسی و عربی آشنایی داشت. وی در شهریور ۱۳۳۴ ق مجله «بی‌بی» را تأسیس و منتشر کرد. او در پایه‌گذاری جمعیت نسوان وطن‌خواه عضو موثر بود و همچنین با کانون بانوان همکاری داشت. از آثار وی: «دوست

تصوف می‌باشد. در دمشق درگذشت و همان‌جا به خاک سپرده شد. در «ایضاح المکنون» آمده که قطب الدین در ۷۶۷ ق زنده بوده و نامش را عبدالله بن محمد بن ایمن ذکر کرده است. از آثار او: «نور العقاید و ضیاء الفوائد»؛ «معیار المریدین»؛ «الرسالة المکیة».

ایضاح المکنون (۶۸۵/۲)، کشف الظنون (۸۹۳، ۱۷۴۴)، معجم المؤلفین (۱۱۱/۶-۱۱۲)، هدیة العارفین (۴۵۸/۱).

نوری تنباکو فروش - نوری یزدی.

نوری زاده بوشهری، اسماعیل، فرزند نور محمد. (تو ۱۳۰۴ ق)، نویسنده. در بوشهر به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش فراگرفت. سپس برای ادامه تحصیلات به هندوستان رفت و در مدرسه العلوم کالج شهر علیگر به تحصیل پرداخت و به دریافت دیپلم متوسطه زبان انگلیسی نایل شد. وی سالها در بانک ملی ایران در تهران سمت بازرسی داشت. از آثارش: «ایران کنونی و خلیج فارس»؛ «اسرار نهضت جنوب»، شرح وقایعی، که در ۱۳۲۵ ش در فارس روی داده؛ «فلات قاره و جزایر خلیج فارس»، «اسرار سیاسی نفت ایران»؛ «نظری به ایران و خلیج فارس»، «تاریخچه بنادر و جزائر خلیج فارس از جمله مجمع الجزائر بحرین».

دانشمندان و سخن سرایان فارس (۷۴۴/۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۱۱/۱، ۲۴۵۴/۲، ۳۲۸۵)، مؤلفین کتب چاپی (۶۱۶/۱-۶۱۷).

نوری طبرسی، سید اسماعیل، فرزند سید احمد علوی عقیلی. (تو ۱۳۲۱ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، محدث، متکلم، مدرس و زاهد. از علمای مقیم نجف بود. در محضر شیخ مرتضی انصاری و میرزا حبیب الله رشتی و میرزای شیرازی تلمذ نمود. پس از رسیدن به مقامات علمی به بحث و تدریس فقه و اصول پرداخت. او در کاظمین درگذشت. پیکرش به نجف منتقل و در صحن شریف علوی به خاک سپرده شد. از آثار او: «کفایة الموحدين»، در سه مجلد به فارسی که یک مجلد آن تحت نام «عصمة الولاية»، در مبحث امامت است؛ «وسيلة المعاد فی شرح نجات العباد»؛ کتاب «اصول الفقه».

اعیان الشیعة (۳۱۲/۳)، الذریعة (۲۰۳/۲، ۲۷۵/۱۵)، ۱۰۰/۱۸، طبقات اعلام الشیعة (قرن ۱۵۱/۱۴)، فوائد الرضویة (۴۴)، المآثر و الآثار (۱۵۸)، معجم رجال نجف (۱۳۰۷/۳)، معجم المؤلفین (۲/۲۶۰)، میرزای شیرازی (۱۱۴).

اقامة جماعت پرداخت. وی را اهل تصفیة باطن و سیر و سلوک دانسته‌اند. در اصفهان درگذشت و در تکیه بابا رکن‌الدین تخت فولاد مدفون گردید. از آثارش «دیوان» شعری، که آن را فرزندش نصیرالدین نوری، معروف به خواجوی، گردآوری و تدوین نموده است.

تذکرة القبور (۲۰۵-۲۰۶)، الذریعة (۸۰۲/۹)، ریحانة (۲۵۹/۶-۲۶۱).

نوری، میرزا عباس، فرزند رضاقلی بیگ. (تو ۱۲۵۵ ق)، خطاط. وی در روستای تاکر، از توابع نور مازندران، به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی را در قریه کلاکه گذراند. سپس به تهران آمد و در دستگاه امام ویردی میرزا، فرزند فتحعلی شاه قاجار، به منشیگری پرداخت. میرزا عباس در خوشنویسی استادی نداشت و از روی قطعاتی که از میرعماد به دست آورده بود، مشق می‌کرد تا اینکه در اندک زمانی در خط نستعلیق سرآمد شد. میرزا علاوه بر مشق و کتابت، در کتیبه نویسی نیز مهارت داشت و هفت قلم را خوش می‌نوشت. او به دلیل خط خوشی که داشت، از طرف فتحعلی شاه به میرزای بزرگ ملقب گردید. وی سرانجام در تهران درگذشت و جنازه‌اش را به نجف منتقل کردند و در قبرستان وادی السلام به خاک سپردند. از آثار او: ترجمه فارسی یک نسخه «زادالمعاد» محمد جعفر قمی، به قلم نستعلیق کتابت خوش، با رقم: «حرره الفقیر عباس نوری، ۱۲۲۵»؛ یک نسخه کتاب فارسی، در اخلاق، تألیف محمد فاضل به قلم نستعلیق نیم دو دانگ و چند صفحه آخر به قلمهای ریحان و ثلث و نسخ و رقاع و شکسته نستعلیق عالی، با رقم: «لهذا این کمترین چاکران... عباس نوری... وقع الفراغ من تسوید هذا الرسالة الشریفة فی... ۱۲۳۷...»؛ یک قطعه سیاه مشق، به قلم چهار دانگ و دو دانگ عالی، با رقم: «مشق فقیر عماد، در دارالخلافة تهران... عباس نوری از خط استادی میر عماد الحسنی رحمة الله نقل نمود، سنه هزار و دویست و سی و هفت»؛ دو قطعه، به قلم نیم دو دانگ و کتابت جلی عالی، با رقم: «... بنده درگاه عباس نوری... سنه ۱۲۳۷»؛ یک قطعه بزرگ، به قلم شش دانگ و دو دانگ عالی، با رقم: «الفقیر الحقیر المذنب، عباس نوری غفر له سنه ۱۲۴۹».

احوال و آثار خوشنویسان (۳۴۳/۲-۳۴۸)، اطلس خط (۵۷۱-۵۷۰).

نوری اصفهانی، قطب الدین ابومحمد عبدالله بن محمد بن امین. (تو ۵۹۱ ق)، صوفی. از عرفای ایرانی و ساکن دمشق بود. وی صاحب تألیفاتی در زمینه عرفان و

فیروزکوهی، به خاک سپرده شد. از آثار علمی او: رساله «التعادل والتراجیح»؛ رساله «لباس المصلی»؛ رساله‌ای در «خيار تبیع الصفة»؛ رساله «اليمين»؛ «اجتماع الامر والنهي»؛ «الامستصحاب»؛ «الاورامر والنواهي»؛ «شکوک الصلاة»؛ رساله «القسمة».

اعیان الشیعه (۲۷/۱۰)، الذریعه (۲۶۸/۱)، ۲۶۹/۲، ۲۵/۲، ۴۷۰، ۲۰۴/۴، ۱۸۳/۱۱، ۲۱۷/۱۴، ۸۱/۱۷، ۲۹۵/۱۸، ۲۵/۲۸۶، معجم رجال نجف (۱۳۰۳-۱۳۰۴)، معجم المؤلفین (۶۲/۱۱)، میرزای شیرازی (۱۹۲).

نوری مازندرانی، شیخ فضل‌الله، فرزند ملا عباس کجوری. (۱۲۵۹/۱۲۵۸-شهادت ۱۳۲۷ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، مجتهد، مرجع تقلید، مدرس و شاعر، متخصص به نوری. از علمای بزرگ شیعه در اوایل قرن چهاردهم هجری و خواهرزاده و داماد حاج میرزا حسین نوری صاحب «مستدرک الوسائل» می‌باشد. در قریه لاشک از توابع شهرستان نور به دنیا آمد و در بلده نشو و نما یافت. تحصیلات مقدماتی را در همان جا شروع و در تهران به پایان رسانید و سپس برای تکمیل مراتب علمی راهی عتبات گردید و از محضر شیخ مهدی آل کاشف‌الغطا و شیخ راضی نجفی و میرزا حبیب‌الله رشتی و میرزای شیرازی استفاده نمود و پس از تکمیل تحصیلات به ایران مراجعت کرد. وی از دایمی خود، محدث نوری، اجازه روایت گرفت. از صاحب عنوان سید اسماعیل شریف‌الاسلام و از وی برادر زاده‌اش، آقا نجفی تبریزی، روایت کرده است. وی سالها در تهران مرجع امور دینی و مصدر خدمات بسیاری بود. در آغاز جریان مشروطیت با مشروطه‌خواهان حتی در مهاجرت به حضرت عبدالعظیم (ع)، همراهی کرد. ولی چون روش مشروطه خواهان را مخالف با دیانت تشخیص داد به مخالفت با ایشان پرداخت و خواستار حضور پنج تن از مجتهدان طراز اول در مجلس شد تا مصوبات مجلس را با احکام دینی تطبیق نمایند و همین امر موجب دشمنی مشروطه خواهان با وی گردید. چنان که پس از فتح تهران شیخ فضل‌الله محکوم به اعدام و در میدان توپخانه تهران به دار آویخته شد. پیکر او، پس از تحویل به خویشانش، به قم حمل و در صحن بزرگ حضرت معصومه (ع) دفن گردید. از آثارش: «تقریرات» اساتیدش در فقه و اصول، مانند «رساله مشتق»، که تقریر بحث میرزای شیرازی است؛ «تذکره الغافل و ارشاد الجاهل»؛ «الصحیفه المهدویه» یا «الصحیفه القائمية»، که ادعیه حضرت ولی عصر (عج) را در آن جمع نموده است؛ «سؤال و جواب» یا «شخصت مقاله» از فتاوی

نوری طبرسی، شیخ میرزا محمد تقی بن علی محمد بن تقی. (۱۲۰۱-۱۲۶۳ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و شاعر. وی پدر میرزا حسین نوری صاحب «مستدرک الوسائل» است. در نور مازندران به دنیا آمد و بر خلاف پدرش که شغل دیوانی داشت، به تحصیل علم روی آورد و به اصفهان مهاجرت نمود. پس از فراگیری مقدمات علوم، در محضر عده‌ای از علما از جمله حکیم ملا علی نوری تلمذ نمود. سپس به عراق رفت و در محضر سید محمد مجاهد و دیگران به تکمیل معلومات خویش پرداخت. آن گاه به ایران بازگشت و به تحقیق و انجام امور دینی مبادرت نمود. او در سعادت آباد، از قرای نور درگذشت، پیکرش به نجف منتقل و در وادی السلام دفن گردید. از آثارش: «دلایل العباد»، در شرح «الارشاد»؛ «المدارج»، در اصول فقه در دو مجلد؛ «کشف الحقائق»؛ «هدایة الانام»، در دو مجلد؛ «مخزن الصلاة»؛ «النارجلية»؛ «کشف الاوهام»؛ رساله‌ای در «اشتقاق»، به فارسی؛ رساله‌ای در «امامت»؛ رساله «الصومیه»؛ رساله «الرضاعیه»؛ منظومه «تهذیب المطلق»؛ «ماتمکده»، در مقتل، به فارسی، منظوم و منثور؛ «تشویق العارفين»، در مواعظ، منظوم به فارسی؛ مجموعه قصائد در مدح ائمه (ع)؛ مجموعه قصائد در مرثی.

اعیان الشیعه (۱۹۸/۹)، الذریعه (۱۹۲/۲)، ۱۹۰، ۲۰۵، ۲۲/۱۸، ۲۹، ۱۶/۱۹، ۲۲۶/۲۰، ۲۳۶، ۱۷۴/۲۵، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳-۲۲۲-۲۲۴)، فوائد الرضویه (۴۳۵-۴۳۶)، معجم المؤلفین (۱۳۲/۹).

نوری طبرسی، میرزا حسین - محدث نوری، میرزا حسین طبری.

نوری طهرانی، میرزا ابوالقاسم - کلانتری تهرانى.

نوری مازندرانی، سید محمد بن سید علی بن سید محمود موسوی. (وف ۱۳۲۵ ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و مدرس. وی بعد از تحصیل مقدمات راهی عتبات شد. در نجف از محضر حاج میرزا حبیب‌الله رشتی و میرزا حسین خلیلی استفاده نمود. آن‌گاه خود به تدریس و بحث و امامت جماعت پرداخت. وی سپس به سامرا رفت و از درس میرزای شیرازی بهره‌مند گشت. آن‌گاه به ایران آمد و در نور مازندران سکنی گزید و در همان جا و منطقه تلک سر مازندران مدرسه علمیه بنا کرد. در اواخر عمر به تهران آمد و سرانجام نیز در تهران درگذشت و در شهر ری در صحن حضرت عبدالعظیم (ع)، در مقبره ملا عبدالرسول

وی اشعاری در تذکرة‌ها آمده است. از اوست:
گر زاهد شهری و اگر بساده پرست
می‌باید داد جان و می‌باید رست
تذکرة سخنوران یزد (۳۱۷-۳۱۹)، جامع مفیدی
(۴۴۴-۴۴۵)، فرهنگ سخنوران (۹۵۸).

نوش آفرین خانم - نوش زند.

نوش زند، فرزند پدرخان زند. (س سیزدهم ق)، شاعر،
متخلص به نوش. وی از همسران فتحعلی شاه قاجار و مادر
قمرالسلطنه، همسر میرزا حسین خان سپهسالار (م ۱۲۹۸
ق)، بود. از آثارش: «دیوان» شعر.
از رباعه تا پروین (۲۵۷-۲۵۸)، تاریخ عضدی (۱۶۵)،
الذریعة (۱۲۳۵/۹)، زنان سخنور (۳۷۲/۲)، فرهنگ
سخنوران (۹۵۸)، مشاهیر زنان (۲۳۹).

نوعی اصفهانی. (س دهم و یازدهم ق)، شاعر. مدتی
اتوکنشی می‌کرد و در زمان اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ ق) به
هندوستان رفت. طبع شعر خوبی داشت و غزل را خوب
می‌سرود. از آثارش: «دیوان» شعر.
تاریخ نظم و نثر (۶۴۷)، فرهنگ سخنوران (۹۵۸-۹۵۹)،
کاروان هند (۱۵۷۹/۲-۱۵۸۰).

نوعی خبوشانی، ملا محمد رضا، فرزند محمود. (وف
۱۰۱۹ ق)، شاعر. در خبوشان (قوچان)، از توابع نسا و
باورد خراسان، به دنیا آمد. در کودکی به همراه پدر از وطن
به گجرات هند رفت و پس از چندی بازگشت. پدرش در
مشهد از دنیا رفت و نوعی در مشهد سکنی گزید و به
همین علت نیز به مشهدی مشهور شد. سپس دوباره به هند
سفر کرد و به دربار اکبر شاه رفت. وی در دربار چندی در
خدمت میرزا یوسف خان رضوی مشهدی، از مقربان و
ملازمان شاه، به سر برد و در شعر و سوارکاری و
کمانداری ماهر گشت. پس از آن به دربار شاهزاده دانیال،
پسر اکبر شاه، رفت و ملازم او گردید. بعد از فوت شاهزاده
دانیال به خدمت عبدالرحیم خان، خان خانان درآمد و
اشعاری در ستایش وی سرود. اواخر عمر نوعی، مقارن با
سلطنت جهانگیر شاه بود که چندی نیز در دربار وی به سر
برد و به مداحی پرداخت. سرانجام در برهانپور درگذشت.
صاحب «تاریخ ادبیات در ایران» به نقل از بعضی تذکرة‌ها
آورده است که نوعی، به همراه پدر به کاشان رفت و در
آنجا شاگردی محتشم کاشانی کرد و شعرش ترقی و
پیشرفت نمود. سپس به همراهی میر حسین کفیری به هند

میرزای شیرازی، که شیخ فضل الله نوری آن را جمع آوری
کرده است؛ «تحریم مشروطیت»، حاوی علت موافقت
اولیه و مخالفت ثانویه وی با مشروطیت و دلایل شرعی
او؛ «دیوان» شعر.

اعیان الشیعة (۴۰۷/۸)، پایداری تا پای دار، الذریعة
(۴۲/۴، ۲۳/۱۵، ۲۴۸/۱۲، ۱۸۹/۱۴، ۴۱/۲۱)، ریحانه
(۲۶۲-۲۶۴)، شرح حال رجال (۹۶/۳-۱۰۶)، شهیدان
راه فضیلت (۵۱۵-۵۲۰)، شیخ فضل الله نوری و
مشروطیت، فاجعه قرن، فوائد الرضویه (۲۵۲-۲۵۳)،
لغت نامه (ذیل/نوری)، المآثر و الآثار (۱۵۱)، مستدرکات
اعیان الشیعة (۱۳۸/۴-۱۵۴)، معجم رجال نجف (۳/
۱۳۰۸-۱۳۰۹)، معجم المؤلفین (۷۴/۸)، مکارم الآثار
(۱۶۰۵-۱۶۱۰)، میرزای شیرازی (۱۸۱-۱۸۲)،
یادداشت‌های فروزینی (۱۱۳/۶-۱۱۹).

نوری مازندرانی، شیخ فضل الله بن ملا محمد
حسن. (وف ۱۳۴۵ ق)، عالم دینی و فقیه. معروف به علامه
مازندرانی. اصل وی از نور مازندران است. در کربلا مجاور
گشت و بدین سبب به حایری مشهور شد. صاحب «ریحانة
الادب» مراتب علم و فضل و اجتهاد او را ستوده و
تصنیفاتش را حاکی از بلندی مقام علمی وی دانسته است.
او در کربلا درگذشت. از آثارش کتاب «فضيلة العباد
لذخيرة المعاد» است، که در «ریحانة الادب» به صورت
«فضيلة العباد و ذخيرة المعاد» آمده است. از دیگر
آثارش: «الطهارة»؛ «الوجیزة»، رساله‌ای در «مناسک الحج»،
به فارسی.

الاعلام (۳۶۰/۵)، الذریعة (۵۱/۲۵، ۲۷۰/۲۲)، ریحانه
(۲۶۴/۶)، لغت نامه (ذیل/نوری حایری)، معجم
المؤلفین (۷۶/۸-۷۷).

نوری هروی، ملا نوری. (س نهم ق)، شاعر. از نوادگان
مولانا حسن شاه یا حسین شاه هروی بود. وی با امیر
علیشیر نوایی (۸۴۴-۹۰۶ ق)، صاحب «مجالس النفائس»،
معاصر بوده است. نوری طبع خوبی داشت و اشعاری از او
در تذکرة‌ها نقل شده است.

تذکرة روز روشن (۸۵۲)، الذریعة (۱۲۳۵/۹)، فرهنگ
سخنوران (۹۵۸)، مجالس النفائس (۱۶۴)، هفت اقلیم
(۱۶۰/۲-۱۶۱).

نوری یزدی. (وف ۱۰۸۵ ق)، شاعر. وی به شغل تنباکو
فروشی اشتغال داشت. او با صائب تبریزی معاصر بوده و
غالب رباعیات و غزل‌های صائب را جواب گفته است. از

۳۵۴۳-۳۵۵۳)، کیهان فرهنگی (س ۹، ش ۱۲، ص ۳۸)،
گنجینه دانشمندان (۱۸۸-۱۸۴/۷).

نوقانی سنجستانی، ابو عمر محمد بن احمد بن محمد بن سلیمان. (وف ۳۸۲ ق)، حافظ، محدث، ادیب و شاعر. اصل وی از نوقات از توابع سیستان است. در طلب حدیث به خراسان مسافرت کرد و در هرات، مرو، بلخ و ماوراءالنهر حدیث شنید. وی از ابو عبدالله محمد بن اسحاق قرشی و حاکم ابو عبدالله نیشابوری و ابوحاتم ابن حبان بستی و ابویعلی عبدالمؤمن بن خلف نسفی و محمد بن خیر بن حامد ترمذی و ابی حامد احمد بن محمد بن حسین بوشنجی و عبدالرحمن بن محمد بن علویه ابهری و ابوسلیمان خطابی و دیگران حدیث شنید. دو فرزندش، عمر و عثمان، و نیز علی بن بشری لیشی و علی بن طاهر شروطی و حسین بن محمد کرایسی و قاسم بن عباس صلحی و احمد بن سعید تونی و جماعتی دیگر از وی روایت نموده اند. از آثارش: «آداب المسافرين»؛ «العتاب» یا «العتاب و الاعتاب»؛ کتاب «التعظة»؛ کتاب «الشیب»؛ کتاب «صون المشیب»؛ «الریاحین» یا «فضل الریاحین»؛ کتاب «العلم» یا «العلم والعلماء»؛ «محنة الظراف فی اخبار العشاق»؛ «معاشره الاهلین»؛ «المسلسلات».

سیرالنبله (۱۴۴/۱۷)، لغت نامه (ذیل/نوقانی)،
معجم الادباء (۲۰۸-۲۰۵/۱۷)، معجم البلدان (۳۶۰/۵)،
معجم المؤلفین (۷/۹، ۲۶۶-۲۶۵/۸)، الوافی بالوفیات (۹۱-۹۰/۲)، هدیة العارفین (۵۳/۲).

نوقانی نیشابوری، ابوالقاسم اسماعیل بن زاهر بن محمد. (۴۷۹-۳۹۷ ق)، فقیه شافعی، مسند و محدث. اصلش از نوقان نیشابور است. وی فقه در نزد ابوبکر طوسی آموخت. از ابوالحسن علوی و ابوطیب صعلوکی و عبدالله بن یوسف بن بامویه و ابوطاهر بن محمش و عده ای در نیشابور و از ابوحسین بن بشران و همطبقه اش در بغداد و از جناح بن نذیر محاربی در کوفه و ابو عبدالله بن نظیف در مکه حدیث شنید. زاهر بن طاهر و ابونصر غازی و اسماعیل بن عبدالرحمن قاری و عبدالکریم دامغانی و سعید بن علی شجاعی و عایشه بنت احمد صفار و ابوالفتح خرگوشی و عبدالکریم علوی و عبدالملک بن عبدالواحد و محمد بن جامع خیاط از وی روایت کرده اند. کتاب «تاریخ» یعقوب فسوی را، از ابن فضل قطان، از ابن درستویه، از فسوی، استماع کرده است.

توضیح المشتبه (۴۵۹/۱)، سیرالنبله (۴۴۷-۴۴۶/۱۸)،
شذرات الذهب (۳۶۳/۳)، طبقات الشافعیه سبکی

رفت، اما صاحب «کاروان هند» با آوردن دلایلی این مطلب را رد کرده است. «تاریخ نظم و نثر» مثنوی «وامق و عذرا» را به وی نسبت می دهد. از آثارش: مثنوی «سوز و گداز»، به وزن «خسرو و شیرین» نظامی؛ «ساقی نامه»، در مدح عبدالرحیم خان و در حدود ۴۰۰ بیت؛ «دیوان» شعر، شامل قصیده و ترجیع و ترکیب و قطعه و غزل و رباعی و مثنوی، در حدود ۴۰۰ بیت.

آشکده آذر (۳۸۶-۳۸۷)، ایضاح المکنون (۳۰/۲)،
تاریخ ادبیات در ایران (۸۸۳-۸۹۲)، تاریخ نظم و نثر (۴۳۴)، تذکره روز روشن (۸۵۴-۸۵۶)، تذکره میخانه (۲۵۸-۲۷۹)، الذریعه (۱۲۳۵/۹، ۱۱۷/۱۲، ۱۱۸، ۱۱۹/۱۳)، سرو آزاد (۲۴-۲۲)، فرهنگ سخنوران (۹۵۹)،
کاروان هند (۱۴۷۱-۱۴۸۷)، کتابشناسی نظامی گنجوی (۴۰۱)، مآثر رحیمی (۶۳۵/۳-۶۷۹)،
منظومه های فارسی (۵۹۵-۵۹۷)، نتایج الانکار (۷۱۲-۷۱۳)، هفت اقلیم (۳۰۸-۳۰۷/۲).

نوقانی، میرزا علی اکبر، فرزند میرزا موسی، فرزند میرزا حسن. (۱۳۷۰-۱۳۰۰ ق)، عالم دینی، فقیه، متکلم، واعظ و شاعر، متخلص به فقیر. در محله نوقان مشهد به دنیا آمد و پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی، ادبیات را در محضر میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و فقه و اصول را در محضر شیخ حسنعلی تهرانی و آیت الله سید عباس شاهرودی فراگرفت. در ۱۳۲۷ ق عازم نجف شد و از محضر اساتید بزرگی چون آخوند خراسانی و آیت الله سید محمد کاظم یزدی و آیت الله شیخ الشریعه اصفهانی استفاده نمود. پس از درگذشت آخوند خراسانی، به دریافت اجازه اجتهاد از آیت الله میرزا عبدالله مازندرانی و آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی نایل گشت. در ۱۳۳۰ ق به مشهد بازگشت و به تدریس و انجام امور دینی پرداخت. وی از جانب آیت الله حاج آقا حسین قمی عهده دار تولیت مدرسه نواب گردید. او خطوط نسخ و نستعلیق را خوش می نوشت. در خط نسخ از شاگردان میرزا ابوالقاسم خراسانی و در نستعلیق از شاگردان میرزا ابراهیم خان، متخلص به گمنام، بود. در اثر عارضه سکت قلبی در مشهد درگذشت و در حرم امام رضا (ع) دفن شد. از آثارش تعمیر مدرسه نواب مشهد و تنظیم موقوفات آن است که از مدارس مهم آن شهر می باشد. از آثار علمی او: «سه مقاله نوقانی»؛ «دو مقاله نوقانی»، در اصول عقاید و رد عقاید مادیون؛ تعلیقاتی بر «شرح نهج البلاغه» ابن ابی الحدید معتزلی.

الذریعه (۲۶۴/۱۲)، سخنوران نامی معاصر (۶/۶)

(۲۷۰-۲۷۱)، العبر (۲/۳۴۱)، المنتظم (۹/۶۰۴).

نوید، عزت الله. (تو ۱۲۹۹ ش)، بازیگر. در اصفهان به دنیا آمد. وی بازی در تئاتر را از ۱۳۱۷ ش در تئاتر سپاهان اصفهان و بعد در تئاتر فردوسی تهران شروع کرد و سپس در ۱۳۳۰ ش به فعالیت سینمایی پرداخت و در ۱۳۳۵ ش همکاری خود را با رادیو آغاز نمود. از نمایشهای او: «فالگوش»، «بازرس»، از فیلمهای وی: «آقای هالو» ۱۳۴۹ ش، «درشکه چی» ۱۳۵۰ ش.

تاریخ سینمای ایران (۱۰۱۵)، فرهنگ سینمای ایران (۲۸۷/۱)، ۳۰۳، (۴۷۰)، فرهنگ فیلمهای سینمای ایران (۲۸۷/۱)، ۳۰۳.

نوید اصفهانی ← مهدوی، معزالدين سيد محمد باقر.

نوید خراسانی ← حبیب اللهی، سيد ابوالقاسم.

نویدی تربتی. (س دهم ق)، شاعر. از شاعران ایرانی ساکن هند و ملازم بیرام خان (م ۹۶۸ ق) بود. وی ترجیع بندی در هجو یکی از افراد دستگاه بیرام خان سروده که بسیار معروف است. نویدی تربتی در انواع شعر دست داشت. از او اشعاری به جا مانده است.

تاریخ نظم و نثر (۵۵۵)، الذریعه (۹/۱۲۳۶)، فرهنگ سخنوران (۹۵۹)، کاروان هند (۲/۱۴۸۸-۱۴۸۹)، هفت اقلیم (۲/۱۹۰).

نویدی گیلانی. (س دهم ق)، شاعر. از غزل سرایان عصر خود بود. در زمان اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ ق) به هند رفت. وی طبع شعر خوبی داشت. صاحب «مؤلفین کتب چاپی» ذیل نویدی گیلانی، شرح حال شاعر دیگری به نام نویدی را از «صبح گلشن» آورده است.

تاریخ نظم و نثر (۶۶۴)، الذریعه (۹/۱۲۳۸)، صبح گلشن (۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹)، فرهنگ سخنوران (۹۶۰)، کاروان هند (۲/۱۵۶۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶/۶۶۷-۶۶۸).

نویدی نیشابوری. (وف ۹۷۳/۹۶۳ ق)، شاعر. وی از شعرای عهد اکبر شاه بود. پس از تحصیل علوم به شاعری پرداخت و به دلیل طبع سلیم و هوشمندی شهرت یافت. به آورده «مطلع الشمس» نویدی در راه حج در آجین، از توابع مالوه، در گذشته است. از آثارش: «دیوان» شعر. در «تاریخ نظم و نثر» آمده که صاحب عنوان در ایران میزیسته و در زمان شاه طهماسب مشهور به شاعری بوده و او غیر از نویدی است که به هند رفته است. همچنین این

تذکره، او را مثنوی سرا می داند و دو مثنوی به او نسبت می دهد، یکی «خسرو و شیرین» و دیگری «مثنوی» به تقلید از «حديقة الحقیقه» سنایی.

تاریخ ادبیات در ایران (۵/۴۵۸)، تاریخ نظم و نثر (۵۸۱)، الذریعه (۹/۱۲۳۸)، فرهنگ سخنوران (۹۶۰)، مطلع الشمس (۳/۱۸۴-۱۸۵).

نهانی شیرازی. (وف بعد از ۸۹۸ ق)، شاعر. بانویی از اهالی شیراز است. به قول صاحب «حديقة الشعراء» مدتی پس از عبدالرحمن جامی (م ۸۹۸ ق) از دنیا رفته و در اشعارش غالباً غزلیات جامی را جواب گفته است. تذکره ها از وی اشعاری نقل کرده اند.

حديقة الشعراء (۳/۲۱۹۹-۲۲۰۰)، الذریعه (۹/۱۲۳۸)، زنان سخنور (۲/۳۷۷)، صبح گلشن (۵۶۹)، فرهنگ سخنوران (۹۵۱).

نهانی کرمانی. (س یازدهم ق)، شاعر. وی ندیمه و همنشین خرم بیگم، مادر شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ ق)، بود. برخی از منابع، به نقل از «جواهر العجائب»، نهانی کرمانی را خواهر خواجه افضل الدین کرمانی (م ۹۱۰ ق)، وزیر سلطان حسین بایقرا، دانسته اند، که ظاهراً با بیجه (منبجه) منجمه اشتباه گرفته شده است و این اشتباه در «ستارگان کرمان» و «تذکره شاعران کرمان» پیدا است. تذکره ها اشعاری از وی ذکر کرده اند.

از رابعه تا پروین (۲۶۰-۲۶۱)، تذکره شاعران کرمان (۵۴۰-۵۴۱)، حديقة الشعراء (۳/۲۲۰۰)، الذریعه (۹/۱۲۳۸)، زنان سخنور (۲/۳۷۴-۳۷۵)، ستارگان کرمان (۴۱۲-۴۱۳)، صبح گلشن (۵۶۹)، مرآة الخیال (۳۳۵-۳۳۶)، مشاهیر زنان (۲۴۲).

نهانی کرمانی ← بیجه منجمه.

نهاوندی، شیخ ملا علی اکبر، فرزند ملا حسین / محمد حسین. (۱۲۷۸/۱۲۸۰-۱۳۶۹ ق)، عالم دینی، فقیه، متکلم، محدث، مدرس و مرجع تقلید. اصلش از نهاوند بود، مقدمات را در بروجرد فراگرفت و نزد شیخ جعفر بروجردی و آقا حسین شیخ الاسلام تلمذ کرد. سپس مدتی در تهران در درس میرزا حسن آشتیانی و میرزا عبدالرحیم نهاوندی و میرزا ابوالحسن جلوه و میرزا رضا قمشه ای شرکت نمود. آن گاه برای تکمیل تحصیلات به عراق رفت و در محضر میرزای شیرازی و حاج میرزا حبیب الله رشتی و شیخ الشریعه اصفهانی و سید محمد

مروی (فخریه سابق) مشغول تدریس گردید. در تهران درگذشت. پیکرش به قم منتقل و در صحن جدید حضرت معصومه (س) دفن شد. به آورده شیخ آقا بزرگ تهرانی در «طبقات اعلام الشیعه» پیکر وی به نجف منتقل گردید. از آثارش: «اصل البرائة»؛ حاشیه بر «قوانین»؛ حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ «الوقف» و «العتق»؛ در فقه؛ «دیوان» شعر.

اعیان الشیعه (۴۷۰/۷)، الذریعه (۱۵۷/۶، ۶۸۷/۹)، ریحانه (۲۶۸-۲۶۶/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۱۱۰۸-۱۱۰۹)، فوائد الرضویه (۲۲۹-۲۲۸)، المآثر و الآثار (۱۴۳)، معجم رجال نجف (۱۳۱۲/۳).

نهادندی، شیخ میرزا محمد جواد. (۱۳۳۳-۱۲۷۶/۱۳۳۴ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، ریاضیدان و منجم. ملقب به جهان بخش. در نهادند به دنیا آمد و در این شهر نشو و نما یافت. ریاضیات را نزد ملا عبدالرحیم نهادندی فراگرفت. در ۱۲۹۶ ق به تهران آمد و در فقه و اصول از محضر میرزا محمد حسن آشتیانی و دیگر علما استفاده نمود. وی در استخراج تقویم و تعیین مواقع اذان و غروب ایام طبق محاسبات نجومی متبحر بود. از وی تصانیفی در علم اعداد، جفر، نجوم و زیج و دیگر علوم به جای مانده است. از آثار او: «قبلة البلدان لاهداء الاخوان» در شناخت قبله؛ مقاله ای در «خط نصف النهار».

الذریعه (۴۴/۱۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۳۱۸)، معجم المؤلفین (۱۶۶/۹).

نهادندی، ملا علی بن ملا فتح الله. (وف ۱۳۲۲ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، رجالی، مدرس، ادیب، نحوی و لغوی. پس از فراگرفتن مقدمات، جهت تکمیل آموخته های خویش رهسپار نجف گشت و در درس شیخ مرتضی انصاری شرکت نمود و از خواص شاگردان شیخ گردید. او همچنین از محضر میرزا ابوالقاسم کلانتری نیز استفاده نمود. وی پس از درگذشت شیخ انصاری عهده دار تدریس و بحث و تألیف شد. نهادندی از علمای بزرگ امامیه در اوایل قرن چهاردهم است. او را به کثرت دانش دینی و فقهی ستوده اند و در اصول وی را مؤسس و در پاره ای از مواضع و مباحث این فن یگانه دانسته اند. وی در نجف در اثر بیماری وبا درگذشت و در وادی السلام در مقبره خویش دفن گردید. از آثار او: «تشریح الاصول الصغیر»؛ «تشریح الاصول الکبیر»؛ «مقدمة الواجب»؛ «کتاب الطهارة»؛ «الدعاء الثلاثة»؛ «مشارق الاصول».

اعیان الشیعه (۳۰۱/۸)، الذریعه (۱۸۵/۴، ۱۸۶/۱۵)،

کاظم یزدی و شیخ محمد کاظم خراسانی و شیخ محمد طه نجف تلمذ نمود. وی از حاج میرزا حبیب الله رشتی و شیخ الشریعه اصفهانی و حاج میرزا حسین نوری اجازه روایت داشت. میرزا محمد علی اردوبادی از وی روایت نموده است. در ۱۳۱۹ ق به ایران بازگشت و در ۱۳۲۸ ق عازم مشهد شد و در آنجا اقامت گزید و عهده دار مرجعیت گردید. در مشهد درگذشت. از آثارش: «لمعات الانوار»، در شرح مشکلات آیات و اخبار؛ «البنیان الرفیع فی احوال خواجه ربیع»؛ «جنتان مدهامتان»؛ «الجنة العالیة و الجنة الغالیة» یا «الجنة الغالیة و الجنة العالیة»؛ «جواهر الکلمات فی النوادر و المتفرقات»؛ «خزينة الجواهر فی زينة المنابر»؛ در اصول و فروع و اخلاق؛ «راحة الروح»، در شرح حدیث «مثل اهل بیته کمثل سفینه نوح»؛ «طور سینا»، در شرح «حدیث کساء»؛ «عناوین الجمععات»، در شرح «دعاء سمات»؛ «النفحات العنبرية»؛ «العبری الحسان»؛ رساله ای در «صلاة المسافر»؛ «الیاقوت الاحمر فی من رای الحجة المنتظر (عج)»؛ «الکوکب الدری»؛ «لمعات الانوار»؛ «الید البیضاء»، در مناقب حضرت امیر و زهرا (ع)؛ حاشیه بر «فرائد الاصول».

الذریعه (۱۵۲/۳، ۱۰۹/۵، ۱۵۹، ۱۶۲، ۲۷۹، ۱۵۹/۶، ۱۷/۷)، ۱۵۸، ۵۶/۱۰، ۱۳۰/۱۲، ۱۸۱/۱۵، ۲۱۶-۲۱۵، ۲۶۳، ۳۵۱، ۱۸۶/۱۸، ۲۱۶-۲۱۵، ۳۴۴، ۳۶۰/۲۱، ۲۴۸/۲۴، ۲۵/۲۷۲، ۲۷۷)، ریحانه (۲۶۹-۲۷۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۱۵۹۹-۱۶۰۰)، علماء معاصرین (۲۲۱-۲۲۹)، گنجینه دانشمندان (۱۸۹/۷-۱۹۰)، معجم رجال نجف (۱۳۱۳-۱۳۱۴)، مکارم الآثار (۲۲۰۷-۲۲۰۶/۶)، میرزای شیرازی (۱۷۲).

نهادندی، شیخ میرزا عبدالرحیم، فرزند میرزا نجف مستوفی، فرزند میرزا محمد علی شیرازی. (۱۲۳۷-۱۳۰۴ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، مدرس، ادیب و شاعر. در نهادند به دنیا آمد. در ابتدا به فراگیری خط پرداخت. سپس برای تحصیل مقدمات علوم به بروجرد رفت. آن گاه جهت تکمیل معلومات عازم نجف گشت و در آنجا از محضر شیخ محمد حسن نجفی، صاحب «جواهر»، استفاده نمود و پس از درگذشت صاحب «جواهر» در درس شیخ مرتضی انصاری شرکت کرد و از خواص شاگردان وی گردید. او در حیات استادش، شیخ انصاری، در نجف عهده دار تدریس گردید. سید محمد طباطبایی و میرزا مهدی گلستانه از شاگردان وی بودند. در ۱۲۸۹ ق به قصد زیارت امام رضا (ع) به ایران آمد و در بازگشت از زیارت در تهران ساکن شد و در حدود دوازده سال در مدرسه

الحقائق (۲۲۰/۳)، فرهنگ سخنوران (۹۶۱)، لغت نامه
(ذیل/نیاز)، مجمع الفصحا (۱۰۳۷/۶)، مرآت الفصاحه
(۶۷۶-۶۷۵).

نیاز شیرازی، میرزا سید علی، فرزند میرزا حسنعلی، (۱۱۹۷-۱۲۶۳ ق)، خطاط، طیب و شاعر، متخلص به نیاز. مشهور به خوشنویس. از سادات شیراز بود. طب و حکمت و سایر علوم را در محضر پدر آموخت و نزد دایی خود، حاج میرزا ابراهیم مجتهد، فقه و اصول را فراگرفت. وی در خط شکسته نیز ماهر بود و این فن را نزد خواجه ابوالحسن خوشنویس قسایی، شاگرد بلا واسطه درویش عبدالمجید شکسته نوس، آموخت. او به سه شیوه می نوشت، یکی به شیوه خواجه ابوالحسن، دیگر به شیوه درویش عبدالمجید و سوم به شیوه خاصی که از ترکیب این دو به دست آمده بود. وی برای سیاحت به هندوستان رفت و دو سال در آنجا ماند. سپس به شیراز بازگشت و به علت اختلال در امرار معاش، مدتی خانه نشین شد و بعد به فسا رفت. وی پس از مدتی به شیراز مراجعت نمود و در آن شهر انزوا گزید و فقط افراد طالب تحصیل به خدمتش می رفتند. نیاز در زمان حیات خویش به شاعری معروف نبود، ولی بعد از فوت، اشعارش به دست آمد. از آثارش: حاشیه بر شرح قطب الدین شیرازی بر «کلیات قانون»؛ حاشیه بر شرح قرشی بر «تشریح قانون»؛ مثنوی «فیروز و نسرین»، مشتمل بر نکات حکمی، موعظه و نصیحت که در «مکارم الآثار» نام این مثنوی، «راز و نیاز» بر وزن «گلشن راز» ذکر شده است؛ «دیوان» اشعار، در حدود پنج هزار بیت به همراه «ساقی نامه». از آثار خطی وی کتابت چند نسخه «دیوان» حافظ و «خسرو و شیرین» وحشی و «خمس» نظامی و «شاهنامه» فردوسی را می توان نام برد.

آثار عجم (۵۴۵)، حدیقه الشعراء (۱۹۴۳-۱۹۴۷)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۷۵۲-۷۵۶)، الذریعه (۱۲۳۹-۱۲۴۰)، ریحانه (۲۷۳/۶)، طرائق الحقائق (۳۲۲-۳۲۳)، فارسنامه ناصری (۱۱۰۴-۱۱۰۸)، فرهنگ سخنوران (۹۶۱)، مرآت الفصاحه (۶۷۵-۶۷۳)، مصطفی خراب (۱۹۴)، مکارم الآثار (۵۷/۱)، ۶۰، ۵/ (۱۷۲۲).

نیازی، میرزا ابوالقاسم خان اعتصام زاده، فرزند یوسف اعتصام الملک. (تو ۱۲۶۹ ش)، مترجم، روزنامه نگار، نویسنده و شاعر، متخلص به نیازی. در تبریز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به

ریحانه (۲۶۸-۲۶۹)، معجم رجال نجف (۳/ ۱۳۱۲-۱۳۱۳)، معجم المؤلفین (۱۶۵/۷).

نیاز اصفهانی طباطبایی، سید حسین. (س سیزدهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به نیاز. بعضی تخلص وی را نیازی نوشته اند. نیای او میر شاه تقی جوشقانی در خدمت شاه سلیمان صفوی معتبر بوده است. نیاز در زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲-۱۲۵۰ ق) می زیست. مؤلف «حدیقه الشعراء» از قول احمد بیگ گرجی، صاحب «تذکره اختر»، می گوید که نیاز از طالبان علم است و در علم فقه و منطق و معانی و بیان مهارت دارد. احمد میرزا مؤلف «مصطفی خراب» نیز می گوید در دارالسلطنه اصفهان مکرر او را ملاقات کرده است. وی علاوه بر سرودن شعر، خط نسخ را خوش می نوشت. برخی تذکرها نام وی را حسن ذکر کرده اند. از آثارش: «دیوان» شعر. اثر خطی وی: سور قرآن، نیم ربیعی، نسخ کتابت خوش، با رقم: «حرره الداعی... فتحعلی شاه قاجار... العبد الاقل سید حسین نیاز الطباطبایی فی ۱۲۰۴».

احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۶۲/۴)، حدیقه الشعراء (۱۹۴۳-۱۹۴۷)، الذریعه (۱۲۳۹/۹)، ریحانه (۲۷۳/۶)، سفینه المحمود (۳۳۲/۱)، طرائق الحقائق (۷۴۷/۳)، فرهنگ سخنوران (۹۶۰)، مجمع الفصحا (۱۰۳۵/۶)، مصطفی خراب (۱۹۷-۱۹۶)، مؤلفین کتب چاپی (۹۱۱/۲).

نیاز جوشقانی، سید حسین - نیاز اصفهانی طباطبایی.

نیاز شیرازی، محمدرضا، فرزند محمد هاشم ذهبی. (وف ۱۲۳۴/۱۲۲۴ ق)، خطاط و شاعر. در جوانی به کسب علم پرداخت. چند سالی در زمرة اهل قلم و دبیران بود و در دیوان حسینعلی میرزا فرمانفرما، خدمت می کرد. وی پس از چندی از ملازمت دست کشید و گوشه نشینی و عزلت را برگزید. خط شکسته و نستعلیق را خوب می نوشت و در نظم و نثر نیز مهارت داشت. از آثارش: «دیوان» شعر. از اوست:

از دیر و حرم باشدشان روی به مقصود
زاهد ز رهی پیر خرابات ز راهی

احوال و آثار خوشنویسان (۷۳۷/۳)، حدیقه الشعراء (۱۹۴۷/۳)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۷۵۱/۵-۷۵۲)، الذریعه (۱۲۳۹/۹)، ریاض العارفین (۳۳۶-۳۳۷)، ریحانه (۲۷۴/۶)، سفینه المحمود (۵۴۶/۲)، طرائق

از توابع مشهد، رفت، ولی در آنجا نیز نماند و راهی بدخشان و سپس کابل گشت. در آنجا به اتهامی از شهر رانده شد و رهسپار قندهار گردید و از آنجا به سند رفت. وی علاوه بر شعر، در عروض و تاریخ و خصوصاً معما دست داشت. نیازی سرانجام در تته درگذشت. اشعاری از وی در تذکرها نقل شده است. شیخ آقا بزرگ در «الذریعه» آورده که او در عهد اکبر شاه به هند رفته است و صاحب «تاریخ نظم و نثر» او را از شاعران عهد همایون شاه می‌داند.

تاریخ نظم و نثر (۵۵۶)، تذکره نصرآبادی (۵۱۸)، الذریعه (۱۲۴۰/۹)، فرهنگ سخنوران (۹۶۱)، هفت اقلیم (۳/۲۳۸-۲۳۶).

نیازی حجازی. (س دهم ق)، ادیب، لغوی و شاعر. وی صاحب منظومه «جامع اللغات»، در لغت فارسی است. او پیش از قرن یازدهم هجری می‌زیسته، زیرا در «فرهنگ سروری»، تألیف شده در ۱۰۰۸ ق، و «فرهنگ جهانگیری» تألیف شده در ۱۰۰۵ تا ۱۰۱۷ ق، از «جامع اللغات»، شواهدی نقل گردیده است. همچنین در این کتاب از سال درگذشت میر علی هروی (۹۵۱ ق) نیز نشانی است که در این صورت تاریخ تألیف کتاب بین ۹۵۱ ق و ۱۰۰۸ ق بوده است. در «الذریعه» برای نیازی «دیوان» شعری ذکر شده است.

الذریعه (۶۹/۵)، ۱۲۴۰/۹، ۱۰۰/۲۳، ریحانه (۲۷۵/۶)، فرهنگهای فارسی (۱۱۰-۱۰۶، ۱۱۷-۱۲۴)، لغت نامه (ذیل / حجازی).

نیازی صفوی ← نیازی اصفهانی، احمد میرزا.

نیازی یزدی، ملا محمد شرفی. (وف ۹۸۸ ق)، شاعر، متخلص به نیازی. از خویشاوندان شرف الدین علی یزدی، صاحب «ظفرنامه تیموری» می‌باشد. چندی وکیل شاه نورالدین نعمت الله ثانی بود و سرانجام در قزوین به حضور شاه طهماسب صفوی رسید و از ندیمان دربار وی گشت. نیازی تا پایان عمر ملازم شاه بود و اشعاری نیز در مدح وی سرود. وی را با عنوانهای شرف یزدی، شرفی یزدی و محمد شرقی نیز ذکر کرده‌اند. از آثارش: «دیوان» شعر.

تحفه سامی (۱۲۲)، تذکره روز روشن (۴۱۹)، تذکره سخنوران یزد (۱۶۷-۱۶۹)، جامع سفیدی (۳/۳۲۸-۳۲۹)، الذریعه (۵۱۷/۹)، ۹۹۸، ۱۲۴۱، فرهنگ سخنوران (۹۶۲)، مجمع الخواص (۶۰-۵۹)، هفت اقلیم

پایان برد و برای تحصیل در طب، به سوئیس رفت. او ادبیات فرانسه را به خوبی آموخت و اشعاری به زبان فرانسه سرود که مورد توجه ادبای آنجا قرار گرفت. وی در حدود ۱۳۰۰ ش در اداره تجارتی سفارت ایران در سوئیس با سمت منشیگری مشغول خدمت شد. بعد از بازگشت به ایران به معلمی مدرسه دارالفنون منصوب گردید. او همچنین در دبیرستانهای دولتی ادبیات فرانسه تدریس می‌کرد. پس از فوت میرزا حسین خان صبا، صاحب امتیاز و مدیر مسئول روزنامه «ستاره ایران»، امتیاز آن روزنامه به نیازی منتقل گردید و او در ۱۳۰۳ ش آن را تحت عنوان قبلی خود یعنی «ستاره ایران» منتشر کرد و در ۱۳۰۷ ش تحت عنوان «ستاره جهان» به دو زبان فارسی و فرانسه انتشار داد. وی قطعه‌ای به زبان فرانسه به عنوان «زندگانی» سرود و از آکادمی ژفلورو فرانسه دیپلم افتخار دریافت کرد و در ۱۳۱۱ ش به مناسبت ترجمه «رباعیات» حکیم عمر خیام از طرف آکادمی فرانسه به وی جایزه‌ای اهدا شد. از دیگر آثارش: «هزار و یک خنده». از آثار ترجمه وی: «تاریخ بیزانس»، «تاریخ پلیس»، «کشمیر یا باغ نشاط»، «یک دروغ چه کرد».

تاریخ جراید (۲۲۰/۳)، الذریعه (۸۳/۱۸)، ۲۲۰/۲۵، ۲۸۳، سخنوران نامی (۴۷۷-۴۷۲/۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۶۷۹/۱)، ۶۸۲، ۱۶۷۲/۲، ۱۶۷۶، ۲۶۴۳، ۳۳۹۸، ۳۳۹۷، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۷/۱)- (۲۲۸).

نیازی اصفهانی، احمد میرزا، فرزند میرزا سید مرتضی. (وف ۱۱۸۸/۱۱۸۷ ق)، شاعر، متخلص به نیازی. پدرش داماد و وزیر شاه سلطان حسین و نیازی نیز خواهرزاده و داماد شاه طهماسب بود. وی طبع شعر خوبی داشت و گویند شعرای همعصرش، اشعارشان را برای اصلاح نزد او می‌فرستادند. از آثارش: «دیوان» شعر.

تذکره روز روشن (۸۵۷-۸۵۹)، الذریعه (۱۲۴۰/۹-۱۲۴۱)، ریحانه (۲۷۵-۲۷۴/۶)، سفینه المحمود (۳۳۱-۳۳۰/۱)، طرائق الحقائق (۱۶۶/۳)، فرهنگ سخنوران (۹۶۱)، مجمع الفصحا (۱۰۳۵-۱۰۳۶)، نگارستان دارا (۲۶۸-۲۶۶).

نیازی اصفهانی ← نیاز اصفهانی طباطبایی.

نیازی بخارایی، سید حسن. (س دهم ق)، شاعر. سفری به هرات نمود و در آنجا با شاه محمد صرناپی آشنا شد، ولی در آخر وی را هجو کرد و از آنجا به کولاب،

(۱۵۵/۱).

برادرانش، موسیقی را از استادان قدیم آموخت و دوره ردیف را نزد حسین خان اسماعیلزاده گذراند. او به لحاظ تحولات ناگزیرانه زمانه و پسند عمومی ویولن را به جای کمانچه انتخاب کرد و در نواختن آن، روش کمانچه نوازی اساتید قدیم را به کار می برد. از شاگردان او می توان، مرتضی ورزی و پرویز منصوری را نام برد. در آمریکا درگذشت.

تاریخ تحول ضبط موسیقی (۱۹۶، ۲۳۹)، سیمای هنرمندان (۲۰/۱، ۳۹، ۸۳، ۸۴، ۸۷، ۹۵، ۹۷، ۱۱۲)، کیهان فرهنگی (س ۸، ش ۷، ص ۵۸)، مردان موسیقی (۲۸۴-۲۸۱/۴).

نیر اصفهانی، حبیب الله، فرزند شیخ محمد باقر. (۱۳۷۹-۱۳۰۸ ق)، شاعر، متخلص به نیر. ملقب به نیرالادبا. در اصفهان به دنیا آمد. علوم مقدماتی را نزد پدرش و آقا شیخ مرتضی ریزی و آخوندکاشی فراگرفت و در نزد آقا میرزا عبدالحسین قدسی، دایمی خود، خط و ادبیات آموخت. او همچنین در انجمن شعرا شرکت داشت و ملقب به نیرالادبا گردید. وی به عربی و فارسی شعر می گفت و در سرودن ماده تاریخ مهارت داشت. از آثارش: «معادن الافادات»، «رسوا در خلع میرزا خدا»، در رد بهائیان؛ رساله «اغلاط چاپی قرآن»؛ «دیوان» شعر.

تذکره شعرای معاصر اصفهان (۵۲۵-۵۲۳)، تذکره القبر (۱۷۱-۱۷۰)، الذریعه (۱۲۴۱/۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۴۰/۲)، گلزار جاویدان (۱۶۷۳/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۴۷۸-۴۷۷/۲).

نیر تبریزی، میرزا محمد تقی، فرزند ملا محمد مامقانی. (۱۲۴۷-۱۳۱۲ ق)، عالم دینی، فقیه، خطاط و شاعر، متخلص به نیر. مشهور به حجت الاسلام تبریزی. وی از مشاهیر فرقه شیخیه در آذربایجان بود. او و پدرش از اولین کسانی هستند که بر مسلک علی محمد باب ردیه نگاشتند. در تبریز به دنیا آمد و در همان جا نشو و نما یافت. مقدمات را در تبریز فراگرفت. سپس به نجف رفت. پس از فراگیری فقه و اصول و حکمت و کسب فیض از محضر علما به تبریز بازگشت. او به واسطه پدرش از شیخ احمد احسائی و نیز از شاگردان سید کاظم رشتی روایت کرده است. در خوشنویسی متبحر بود و با شعرای زمان خود از جمله: ادیب الممالک فراهانی، حاج فضلعلی مولوی متخلص به صفا، میرزا محمد ملا باشی طسوجی، حاج میرزا کاظم طباطبایی معروف به حاج وکیل، میرزا علی منجم باشی و شریف العلمای اصفهانی مصاحبت

نی داوود، مرتضی، فرزند بالاخان. (۱۲۸۰-۱۳۶۹ ش)، موسیقیدان. در تهران به دنیا آمد. پدرش از نوازندگان ضرب و موسیقی بود. وی ابتدا تار را بدون استاد می نواخت و سپس نزد رمضان خان ذوالفقاری و آقا حسینقلی شاگردی کرد، آن گاه به مکتب درویش خان رفت و از آن استاد بهره ها برد و حتی موفق به دریافت مدال مخصوص تبریز گردید. مرتضی خان مانند پدر، موسیقی را شغل خویش قرار داد و کلاس آموزش تار دایر کرد. وی آهنگهای زیادی مانند پیش درآمد، تصنیف و رنگ را به سبک استادش، درویش خان ساخته است. نی داوود در خیابان علاءالدوله (فردوسی کنونی) مدرسه ای را دایر کرد و نام آن را به یاد استادش، درویش نهاد. در این مدرسه تار، سه تار، ویولون و آواز تدریس می شد. از معروفترین شاگردان آن مدرسه، قمر الملوک وزیری و ملوک ضرابی کاشانی در آواز، حسن عذاری و حسین سنجری در تار و ارسلان درگاهی در سه تار را می توان نام برد. وی همراه قمر الملوک کنسرت های متعددی را در تهران، شیراز، اصفهان، همدان و مشهد برپا کرده است. پس از افتتاح رادیو تهران همراه دیگر هنرمندان در آنجا به نوازندگی پرداخت. مهمترین خدمت نی داوود، ضبط ردیفهای موسیقی ایران در نوار است که از مهمترین مراجع برای پژوهش موسیقی سنتی به شمار می آمد. او به دعوت رادیو حدود دویست و نود و هفت نوار را طی ماهها تلاش آماده کرد که شامل تمام موسیقی ایرانی و دستگاهها و گوشه ها و ردیفها بود. از امتیازات خاص نی داوود در نوازندگی، پنجه و مضرب بسیار پر قدرت اوست. او همچنین با عارف قزوینی آشنا بود و در آخرین کنسرت وی با نام «انامه عارف» نوازندگی کرد. نی داوود تصانیفی نیز در دستگاههای ماهور، شور، سه گاه و ابوعطا دارد. وی سرانجام در آمریکا درگذشت.

ادبستان (س ۱، ش ۸، ص ۶۲)، استادان موسیقی (۷۰)، تاریخ تحول ضبط موسیقی (۱۹۶، ۲۰۲، ۲۰۷-۲۰۶، ۲۲۲، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۵۷، ۳۰۷، ۳۴۲)، تاریخ موسیقی (۴۸۸-۴۸۷/۲)، سرگذشت موسیقی (۴۰۶/۱)، سیمای هنرمندان (۴۴۳، ۴۴۱-۴۳۸، ۲۱، ۱۹/۱)، کلک (س ۱، ش ۵، ص ۱۲۸-۱۲۹)، مردان موسیقی (۳۸-۳۴/۱، ۲۸۳-۲۸۴/۴).

نی داوود، موسی. (۱۲۸۴-۱۳۷۰ ش)، موسیقیدان. وی به همراه برادر خود، مرتضی نی داوود، و دیگر

نیرالملک هدایت، رضاقلی خان، فرزند جعفرقلی خان. (۱۲۴۹/۱۲۵۰-۱۳۲۴ ش)، مترجم و استاد دانشگاه. ملقب به نیرالملک. در تهران به دنیا آمد و پس از طی علوم مقدماتی وارد دارالفنون شد و به فراگیری علوم عالی پرداخت. او به زبانهای انگلیسی و فرانسه تسلط داشت و پس از فراغت از تحصیل در دارالفنون به تدریس زبان پرداخت و پس از مدتی به نیابت ریاست و نظامت دارالفنون منصوب گشت. هدایت در زمان مظفردالدین شاه به علت خدمات فرهنگی به دریافت نشان لژیون نایل شد. در ۱۲۸۹ ش در دوران پادشاهی احمد شاه به معاونت و در کابینه سید ضیاءالدین طباطبایی به وزارت علوم و معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه منصوب گردید. او در ۱۲۸۸ ش به طور افتخاری به عضویت آکادمی علوم فرانسه پذیرفته شد و به دریافت نشان لژیون دونور نایل گردید. نیرالملک در تهران درگذشت. از آثارش: «پرورش روح و جسم و اخلاق»، ترجمه: «سیاحت نامه استانله به افریقا»، ترجمه.

روز شمار تاریخ (۹۷/۱، ۱۰۲، ۲۱۳، ۲۷۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲/۲۰۴۷)، وزرای معارف ایران (۷۹-۸۰)، وزیران علوم و معارف فرهنگ (۲۰۳-۲۰۶).

نیری، محمد باقر، فرزند محمد حسین. (تو ۱۲۸۷ ش)، شاعر. در سمنان به دنیا آمد. پس از فراگرفتن تحصیلات متدوله زمان به استخدام اداره ثبت اسناد و املاک درآمد. او طنز پرداز و لطیفه گوئی نقد سراسر است. از آثار وی: منظومه «نصاب»، واژه‌های سمنانی؛ «دیوان» شعر. سخنوران نامی معاصر (۶/۳۷۷-۳۷۸).

نیریزی، ابوالعباس فضل بن حاتم. (وف ح ۳۱۰ ق)، منجم و ریاضیدان. او یکی از ریاضیدانان و منجمان بزرگ دوره خود به حساب می‌آید. اهل نیریز فارس بود. او در علم هیئت و نجوم مهارت بسیاری داشت. مترجمان لاتینی او را اناریتیوس می‌نامیدند. نیریزی با معتضد بالله، خلیفه عباسی، معاصر بود و برخی از تألیفات خود را به نام او یا وزرای او نوشته است. وی از نخستین کسانی است که اصطلاح ظل معکوس را، که معادل تانژانت است، به عنوان یک خط مثلثاتی مستقل به کار برده است. آثار نیریزی همواره مورد مراجعه و اعتماد ریاضیدانان و منجمان بزرگی چون ابوریحان بیرونی، حکیم عمر خیام و خواجه نصیرالدین طوسی بوده است. وی تفسیری بر «مجسطی» بطلمیوس نوشته که بهترین تفسیر آن کتاب دانسته شده است، به طوری که گاهی او را به طور مطلق

داشت. در تبریز درگذشت، پیکرش به نجف منتقل و در وادی السلام دفن شد. از آثارش: «مفاتیح الغیب فی علم الاثمة (ع)»، رساله «علم الساعة»، در کیفیت علم اتمه (ع)؛ تفسیر آیه «و ما خلقت الجن و الانس»؛ رساله «نصرة الحق»؛ رساله «لمح البصر»؛ «صحيفة الابرار فی مناقب العترة الاطهار (ع)»؛ «الآلی منثورة»؛ «الآلی منظومه» یا «الآلی المنظومة»؛ مثنوی «در خوشاب فی جواب قاردوشاب» که رساله «توحیدیه» آقا میرزا محمود خویی معروف به اصولی را نقد کرده و تخلص خود را در این منظومه عمیدا قرار داده است؛ «آتشکده»، در مرثیاتی «دیوان» شعر.

تذکره شمراي آذربایجان (۳/۱۷-۲۶)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۰-۳۹۹)، الذریعه (۵/۱، ۳۳۲/۴، ۱۲۴۱-۱۲۴۲/۹، ۱۶-۱۵/۱۵، ۳۲۱، ۲۶۴/۱۸، ۲۶۵، ۳۴۱، ۱۹-۱۷۵/۱۷۶-۱۷۵، ۳۰۵/۲۱، ۱۷۵/۲۴)، ریحانه (۲/۲۸-۲۹)، سخنوران نامی معاصر (۶/۳۷۶-۳۷۷)، شرح حال رجال (۳/۳۲۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۲۶۶)، فرهنگ سخنوران (۹۶۲)، گلزار جلاویدان (۳/۱۶۷۳-۱۶۷۴)، المآثر و الآثار (۱۷۵)، معجم رجال نجف (۱/۳۹۶-۳۹۷)، مکارم الآثار (۴/۱۳۳۷-۱۳۳۸)، مؤلفین کتب چاپی (۲/۲۴۶-۲۴۷).

نیر شیرازی - ایزدی، مهدی نیرخان شیرازی.

نیرالملک، جعفرقلی خان، فرزند رضاقلی خان هدایت. (۱۲۰۹/۱۲۰۶-۱۲۸۴ ش)، معلم، نویسنده و مترجم. ملقب به نیرالملک. در تهران به دنیا آمد. مقدمات علوم زمان را نزد پدر آموخت و در دارالفنون به تحصیل علوم و زبان فرانسه پرداخت. وی در حدود ۱۲۴۰ ش به جای پدر ریاست مدرسه دارالفنون را به عهده گرفت و پس از فعالیتهای زیاد آموزشی و اداری، از ناصرالدین شاه لقب نیرالملک دریافت نمود و حدود چهل سال ریاست دارالفنون را عهده دار بود. او در حدود ۱۲۷۵ ش به وزارت علوم منصوب شد و در زمان صدارت اتابک اعظم و امین الدوله، وزارت معارف را به عهده داشت. وی در دوره وزارتش توانست دوره‌هایی را برای مراتب تحصیل تعیین کند. او همچنین به پاس خدمات فرهنگی نشان فرهنگستان علوم کشور فرانسه را دریافت کرد. وی در تهران درگذشت. از آثارش: رساله «مفتاح العلوم»، در مورد فیزیک و شیمی. روز شمار تاریخ (۵۸/۲)، فرهنگ رجال قاجار (۲۰۷)، وزرای معارف ایران (۳۱-۳۲)، وزیران علوم و فرهنگ ایران (۲۹-۳۹).

محمد رحیم النیریزی، محمد کاظم سنة ۱۲۱۶ من الهجرة النبویه؛ صحیفه مذهب مرصع، نسخ کتابت خفی خوش، با رقم: «... و انا العبد... ابن محمد رحیم النیریزی، محمد کاظم فی نصف الآخر من العشر الاوسط من شهر رجب المرجب سنة ۱۲۴۸».

احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۹۴/۴).

نیریزی اصفهانی، احمد - احمد نیریزی اصفهانی.

نیرزی شیرازی، میرزا طاهر، فرزند قدیم خان. (وف ۱۲۵۶ ق)، شاعر، متخلص به نیری. وی با وصال شیرازی معاصر و معاشر بود. در شیراز به دنیا آمد. در جوانی، پس از کسب کمالات در وطن، به هندوستان رفت. در دکن به مداحی مهاراجه چندولعل، وزیر دکن، پرداخت و از این راه صاحب مکنّت و ثروت گردید. پس از مدتی به شیراز بازگشت و از آنجا قطعه‌ای برای مهاراجه فرستاد. در مورد محل فوت او میان تذکره‌نویسان اختلاف وجود دارد. گروهی او را فوت شده در شیراز می‌دانند و برخی می‌گویند پس از مدتی از شیراز به هند مراجعت نمود و در آنجا درگذشت. از آثارش: «دیوان» شعر.

حدیقه الشعراء (۱۹۵۳-۱۹۵۴)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۷۵۹-۷۶۰)، الذریعه (۱۲۴۲/۹)، طرائق الحقائق (۳۷۰-۳۷۲)، فارسنامه ناصری (۱۰۸۷/۲)، فرهنگ سخنوران (۹۶۳)، مجمع الفصحا (۱۰۴۲/۶-۱۰۵۲)، مرآت الفصاحه (۶۷۸-۶۷۶)، مصطفی غراب (۱۹۲۰-۱۹۲۱).

نیستی، غلامرضا، فرزند محمد تبریزی. (۱۲۴۷-۱۳۱۶ ش)، نوازنده. در تهران به دنیا آمد. وی نواختن تار را ابتدا نزد میرزا عبدالله و سپس نزد آقا حسینقلی آموخت و بعدها به مرحله استادی رسید. پس از چندی به انجمن اخوت راه یافت و در ارکسترهایی که از طرف این انجمن به نفع مؤسسات خیریه و کمک به مستمندان بر پا می‌شد، شرکت می‌جست. مردان موسیقی (۲۹/۲-۳۳).

نیشابوری، ابوابراهیم سید جعفر بن محمد بن مظفر حسینی علوی. (۳۸۶-۴۴۸ ق)، محدث امامی. نسبش به امام علی بن ابیطالب (ع) می‌رسد. او را از اکابر فضیلتی نیشابور دانسته‌اند. در ۴۴۰ ق به بغداد رفت و در آنجا به نقل حدیث از جدش، مظفر بن محمد علوی، و احمد بن محمد بن عمر خفاف و یحیی بن اسماعیل حربی و محمد

شارح «معجسطی» خوانده‌اند. از دیگر آثارش: شرح «اصول اقلیدس»، که در واقع شرح بر ترجمه حجاج بن یوسف از این کتاب است؛ «الزیج الكبير»؛ «الزیج الصغير»؛ رساله‌ای در «احداث الجو»، که به نام المعتضد تألیف کرده است؛ رساله «سمت القبلة».

تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۵/۱)، تاریخ حکماء قفطی (۳۵۱)، تاریخ نجوم اسلامی (۲۷۸، ۲۸۱، ۳۶۳)، چهار مقاله (۸۸)، دایرة المعارف فارسی (۳۰۹۶/۲)، زندگینامه ریاضیدانان (۵۱۳-۵۱۶)، فهرست ابن ندیم، ترجمه (۴۷۹، ۴۸۲، ۵۰۰)، لغت نامه (ذیل/نیریزی).

نیریزی، ارشدالدین ابوالحسن علی بن محمد بن علی. (وف ۶۰۴ ق)، عالم دینی، فقیه، محدث، مفسر و ادیب. وی جامع علوم شرعی و در علم تفسیر و حدیث متبحر بود. مدتها در مسجد جامع عتیق شیراز امامت نمود و نوشته‌اند که به مدت هفتاد سال عهده‌دار منصب افتا بود. او را عالمی خیرخواه و دارای اخلاق نیکو و اوصاف مرضیه دانسته‌اند. در طلب علم به حجاز و عراق مسافرت نمود و مشایخ و علمای بزرگی چون: شیخ توران کبیر، زاهد ابومنصور، ابوالوفا احمد بن ابراهیم فیروزآبادی، ابومقاتل مناویر بن فزکوه دیلمی را درک نمود. شیخ روزبهان بقلی شیرازی و سراج الدین مکرم قاضی القضاة فارس و عارف معروف عزالدین مودود زرکوب و فرزندش، عمادالدین ابوالفضل محمد بن مودود زرکوب، و ملک معین الدین ابوذر کتکی مفتی از شاگردان او بودند. در شیراز درگذشت و در ریاطی که خود در نزدیکی مصلاى شیراز بنا کرده بود، دفن شد. از آثارش: «مجمع البحرين»، در تفسیر و تأویل، در ده مجلد؛ «تنویر المصایح»، در شرح «المصایح»، در حدیث؛ «باکورة الطلب لاهل الادب».

شد الازار (۳۷۲-۳۷۶)، شیراز نامه (۱۶۹-۱۷۰)، فارسنامه ناصری (۱۵۶۷/۲)، مجمل فصیحی (۲۸۲/۲)، معجم المؤلفین (۲۲۴/۷).

نیریزی، محمد حسین. (ز ۱۲۴۴ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «ازاد المعاد»، نسخ کتابت خوش، با رقم: «قد تم الكتاب ... فی شهر شوال المکرم، کتبه العبد الاثم الجانی محمد حسین النیریزی سنة ۱۲۴۴». احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۶۳/۴).

نیریزی، محمد کاظم، فرزند محمد رحیم. (ز ۱۲۴۸ ق)، خطاط. از آثار وی: یک قطعه نسخ و رقاع کتابت جلی و کتابت خفی عالی، با رقم: «حرره فی يوم الاربعاء... ابن

و وی را دانای به تفسیر و عالم در این فن دانسته‌اند. وی از شاگردان ابوالحسن واحدی مفسر بود. از ابو عثمان صابونی و ابو عثمان بحیری و ابوالقاسم قشیری و ابوصالح مودن و عبدالغفار فارسی و جمعی دیگر حدیث شنید. از آثارش: کتاب «التفسیر»؛ «زاد الحاضر و البادی»؛ کتاب «مکارم الاخلاق».

طبقات الشافعیة اسنوی (۲/۲۲۳)، طبقات الشافعیة سبکی (۵/۲۵۸-۲۵۹)، معجم المؤلفین (۷/۱۰۶)، الوافی بالوفیات (۲۱/۱۵۰).

نیشابوری، ابوالحسن محمد بن حسن بن حسین. (وف ۳۵۵ ق)، حافظ و محدث. از محمد بن ایوب بجلی رازی و محمد بن ابراهیم یوشنجی و یوسف بن یعقوب قاضی و ابو عمر قتات و محمد بن عمرو قشمر و همطبقه آنها در خراسان و جبال و عراق حدیث شنید. عبدالله بن سعد حافظ گوید بیش از هزار حدیث از ابوالحسن نیشابوری نوشتم. پدرش و عمویش، عبدوس بن حسین، از وی روایت کرده‌اند. در اواخر عمر بینایی خود را از دست داد و در نیشابور درگذشت. از آثارش: کتاب «الحديث»، که آن را به شیوه ابن خزیمه تألیف نموده است.

تذکره الحفاظ (۳/۸۸۵-۸۸۶)، سیر النبلاء (۱۶/۶۶-۶۷)، شذرات الذهب (۳/۱۷)، طبقات الحفاظ (۳۷۹)، معجم المؤلفین (۹/۱۸۸)، هدیة العارفین (۲/۴۶).

نیشابوری، ابوزکریا یحیی بن یحیی بن بکیر/بکر تسمیمی. (۱۴۲-۲۲۶ ق)، فقیه، حافظ و محدث. شیخ الاسلام و عالم خراسان بود. اصل وی از مرو بود. محدثین اهل سنت مراتب فضل و کمال زهد و ورع او را ستوده‌اند و از قول احمد حنبل نقل شده است که از خراسان پس از ابن مبارک کسی همانند یحیی بن یحیی بر نخواست است. در خراسان، حجاز، عراق، شام و مصر به طلب حدیث پرداخت. او از تابعین، کثیر بن سلیم را ملاقات کرد و از او حدیث آموخت. همچنین از عبدالله بن جعفر مخرمی و یزید بن مقدم و مالک و سلیمان بن بلال و شریک قاضی و لیث بن سعد و ابراهیم بن سعد و داوود بن عبدالرحمن عطار و مسلم بن خالد و اسماعیل بن علیّه و جعفر بن سلیمان ضبعی و حماد بن سلمه و حمید بن عبدالرحمن رواسی و ابن الاحوص و ابوقداه حارث بن عبید ایادی و جریر بن عبدالحمید و اسماعیل بن جعفر مدنی و اسماعیل بن عیاش و حفص بن غیاث نخعی و معاویه بن عمار دهنی و معاویه بن سلام حبشی و محمد بن مسلم «ناقی» و یوسف بن یعقوب ماجشون و عبدالرحمن بن ابی الزناد و

بن احمد بن عبدوس مزکی و عبدالله بن احمد ابن رومی و حاکم ابو عبدالله بن بیع و ابو عبدالرحمن سلمی نیشابوری و دیگر مشایخ وقت پرداخت. خطیب بغدادی از وی روایت کرده است. محدثین شیعه او را در حدیث ثقه می‌دانند. وی در نیشابور درگذشت.

اعیان الشیعه (۴/۱۸۱-۱۸۲)، تاریخ بغداد (۷/۲۳۶)، ریحانه (۶/۲۷۸)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵/۴۴)، فهرست منتخب الدین (۳۹-۴۰)، لسان المیزان (۲/۲۲۳).

نیشابوری، ابوبکر محمد بن ابراهیم بن منذر. (۲۴۲-۳۱۹/۳۱۸ ق)، فقیه شافعی، محدث، حافظ، مجتهد و مفسر. اصلش از نیشابور و ساکن مکه و شیخ الحرم و شیخ الاسلام شافعیه بود. از محمد بن عبدالله بن عبدالحمک مصری و ربیع بن سلیمان مرادی و محمد بن اسماعیل صائغ و محمد بن میمون و علی بن عبدالعزیز روایت کرد. ابوبکر بن مقری و محمد بن یحیی بن عمار دمیاطی و حسن بن علی بن شعبان و برادرش، حسین بن علی بن شعبان و ابوطاهر محمد بن ابراهیم اصفهانی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. وی در علم خلاف متبحر بود. در مکه درگذشت. در بعضی از مآخذ سال وفات وی ۳۰۹ یا ۳۱۰ ق ذکر شده است، اما ذهبی گوید که این تاریخ درست نیست چرا که ابن عمار دمیاطی در ۳۱۶ ق او را ملاقات کرده است. از آثار او: «المبسوط»، در اختلاف آرای فقهی علمای مذاهب؛ «الاشراف فی معرفة الخلاف» یا «الاشراف فی اختلاف العلماء»؛ «الاولسط» که در واقع اصل کتاب «الاشراف» است؛ «التفسیر» یا «تفسیر القرآن»، در چندین مجلد؛ «جامع الاذکار»؛ کتاب «الاجماع»؛ «الافتاح»؛ کتاب «السنن و الاجماع و الاختلاف». الاعلام (۶/۱۸۴)، ایضاح المکنون (۱/۳۴۹-۳۵۰)، تذکره الحفاظ (۳/۷۸۲-۷۸۳)، سیر النبلاء (۱۴/۴۹۰-۴۹۲)، شذرات الذهب (۲/۲۸۰)، طبقات الحفاظ (۳۴۷)، طبقات الشافعیة ابن قاضی شبهه (۱/۹۹-۹۸)، طبقات الشافعیة سبکی (۳/۱۰۲-۱۰۸)، طبقات المفسرین داودی (۲/۵۰-۵۱)، کشف الظنون (۳/۲۰۱-۲۰۲، ۴۴۰)، ۴۶۰، لسان المیزان (۵/۶۲۸-۶۲۹)، معجم المؤلفین (۱/۱۱۵، ۸/۲۲۰)، میزان الاعتدال (۳/۴۳۶)، الوافی بالوفیات (۱/۳۳۶)، وفیات الاعیان (۴/۲۰۷)، هدیة العارفین (۲/۳۱).

نیشابوری، ابوالحسن علی بن سهل بن عباس. (وف ۴۹۱ ق)، مفسر، عالم دینی و زاهد. اهل نیشابور بود. مراتب علم و فضل، همچنین زهد و اخلاق او را ستوده‌اند

نموده‌اند. مرتبه وی را در فقاها و زهد ستوده‌اند و او را از دانشمندانی دانسته‌اند که علاوه بر مقام علمی و زهد به حوائج عامه مردم و فقرا رسیدگی می‌کرده و ابنیه خیریه تأسیس می‌نموده است. از جمله بنای بیمارستانی را به وی نسبت می‌دهند. او در نیشابور درگذشت و در خسرکوش نیشابور دفن شد. از آثارش: «تهذیب الاسرار فی طبقات الاخیار»؛ «شرف المصطفی (ص)»، در هشت مجلد؛ «اللوامع»؛ «سیر العباد و الزهاد»؛ «شعائر الصالحین» یا «شعار الصالحین»؛ «دلائل النبوة»؛ «کتاب التفسیر»؛ «کتاب الزهد»؛ «البشارة و النذارة».

انساب سمعی (۳۵۰-۳۵۱/۲)، تاریخ بغداد (۴۳۲/۱۰)، تاریخ نیشابور (۱۶۹)، تذکرة الحفاظ (۱۰۶۷-۱۰۶۶/۳)، سیرالنبلأ (۲۵۶-۲۵۷/۱۷)، طبقات الشافعية اسنوی (۲۲۹-۲۲۸/۱)، طبقات الشافعية سبکی (۲۲۳-۲۲۲/۵)، المعبر (۲۱۴/۲)، کشف الظنون (۲۴۵، ۵۱۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۷، ۱۵۶۹)، لب اللباب (۲۸۱/۱)، معجم البلدان (۴۱۲/۲-۴۱۳)، معجم المؤلفین (۱۰۸/۶، ۱۸۸-۱۸۹)، المنتظم (۱۴۶/۹)، هدية العارفين (۶۲۵/۱).

نیشابوری، ابوسعید احمد بن محمد بن سعید حیرى. (ح ۳۵۳-۲۸۸ ق)، حافظ و محدث. وی از مرزداران بلاد اسلامی در سرحدات روم بود. در خراسان، عراق و جبال از ابوعمر و خفاف و عبدالله بن شیرویه و حسن بن سفیان و هیشم بن خلف دوری و حامد بن شعیب و قاسم بن فضل رازی و همطبقه آنها حدیث شنید. حاکم نیشابوری از او روایت کرده است. وی در طرسوس به شهادت رسید. از آثارش: «التفسیر الكبير» یا «تفسیر النیشابوری القديم»؛ «الصحيح المخرج علی کتاب مسلم»؛ «الابواب» یا «الابواب و الشیوخ».

تذکرة الحفاظ (۹۲۰/۳)، سیرالنبلأ (۲۵۸/۱۵)، شذرات الذهب (۱۲/۳)، طبقات الشافعية اسنوی (۲۷۱-۲۷۰/۲)، طبقات الشافعية سبکی (۴۳/۳)، کشف الظنون (۴۶۰)، معجم المؤلفین (۱۰۵/۲)، هدية العارفين (۶۴/۱).

نیشابوری، ابوسعید حسن بن اسحاق بن نبیل معری. (وف ۳۴۸ ق)، محدث، فقیه حنفی، اصولی و قاضی. اصل وی از نیشابور بود، در طلب حدیث به مصر و حلب و ری و کوفه مسافرت کرد و در مصر از نسایی و طحاوی حدیث شنید. او چهل سال منصب قضاوت معرة النعمان را عهده دار بود. از آثارش: «الرد علی الشافعی فیما یخالف فیہ القرآن».

کشف الظنون (۱۴۲۰)، معجم المؤلفین (۲۰۶-۲۰۵/۳).

ابن فضیل و سفیان بن عیینة و عبدالله بن مبارک و عبدالعزيز بن محمد درآوردی و محمد بن ثابت عبدی و معتمر بن سلیمان و مغیره بن عبدالرحمن حزامی و هیشم بن بشیر و وکیع بن جراح و یزید بن هارون و ابوبکر بن عیاش و جماعتی دیگر روایت کرد. مسلم و بخاری و ترمذی و نسایی و حمید بن زنجویه و محمد بن نصر مروزی و محمد بن یحیی ذهلی و فرزندش، یحیی بن محمد بن یحیی ذهلی، و ابواذر احمد بن ازهر و اسحاق بن راهویه و عبدالله بن عبدالرحمن دارمی و احمد بن یوسف سلمی و احمد بن سلمه نیشابوری و فضل بن یعقوب رخامی و محمد بن اسلم طوسی و ابو احمد فراء و یعقوب بن سفیان فارسی و احمد بن سیار و عثمان بن سعید دارمی و زکریا بن داوود خفاف و ابراهیم بن علی ذهلی و داوود بن حسین بیهقی و علی بن حسین صفار و محمد بن عبدالسلام بن بشار وراق و حسین بن منصور سلمی و عبیدالله بن فضاله نسایی و عصمة بن ابراهیم نیشابوری و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. او در نیشابور درگذشت و در این شهر به خاک سپرده شد.

الاعلام (۲۲۳/۹)، تاریخ الكبير (۳۱۰/۸)، تذکرة الحفاظ (۴۱۶-۴۱۵/۲)، تهذیب التهذیب (۲۵۷/۱۱)، تهذیب الکمال (۲۵۷-۲۵۳/۲۰)، الجرح و التعديل (ج ۴)، سیرالنبلأ (۵۱۹-۵۱۲/۱۰)، شذرات الذهب (۵۹/۲)، طبقات الحفاظ (۲۰۱-۲۰۰)، المعبر (۳۱۲/۱)، الکامل (۲۶۴/۵)، المنتظم (۳۴۸-۳۵۰)، النجوم الزاهرة (۳۰۲/۲).

نیشابوری، ابوسعید/ ابوسعید عبدالملک بن محمد بن ابراهیم. (وف ۴۰۶/۴۰۷ ق)، فقیه شافعی، محدث، مفسر، واعظ و زاهد. معروف به ابوسعید یا ابوسعید خسرکوشی. نزد ابوالحسن ماسرجسی فقه آموخت. در طلب حدیث به عراق سفر کرد. پس از آن بسوی حجاز رهسپار گشت و در مکه مجاور شد. سپس به خراسان مراجعت نمود و طریق زهد و خدمت به خلق پیشه کرد. وی از حامد بن محمد رقاء و یحیی بن منصور قاضی و اسماعیل بن نجید و محمد بن حسن سراج و ابواحمد شیبانی نیشابوری و محمد بن عبدالملک نسوی و بشر بن احمد اسفراینی و علی بن بندار صوفی و ابواسحاق مزکی و ابوعمر و بن مطر و ابوسهل صعلوکی روایت کرد. حاکم نیشابوری و حسن بن محمد خلال و ابوالقاسم تنوخی و علی بن محمد حنایی و ابوعلی اهوازی و حافظ ابوبکر بیهقی و عبدالعزيز ازجی و ابوالقاسم قشیری و ابوصالح موذن و ابوبکر ابن خلف شیرازی و ابوالقاسم ازهری و جمعی دیگر از وی روایت

هدیه العارفين (۲۶۹/۱).

(۱۴۱۳، ۱۴۱۷، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۵۲، ۱۸۳۰)، لسان

الميزان (۲۲۵/۱)، معجم المؤلفين (۱۸۸/۱)، ميزان

الاعتدال (۱۱۶/۱)، هدیه العارفين (۴۷/۱).

نیشابوری، ابوعبدالله محمد بن رافع بن ابی زید شاپور قشیری. (وف ۲۴۵ ق)، حافظ، محدث و زاهد. اهل نیشابور بود. حاکم نیشابوری او را شیخ عصر خویش در خراسان می‌دانند. وی از ابن عیینه و سلیمان بن داوود طیالسی و حسین بن علی جعفی و عبدالله بن ابراهیم صنعانی و ابراهیم بن عمر صنعانی و اسماعیل بن عبدالکریم صنعانی و سرج بن نعمان و هشام بن سعید طالقانی و اسحاق بن سلیمان رازی و حسین بن محمد مروزی و حفص بن عبدالرحمن بلخی و ابوقتیبه و شبابه بن سوار و عبدالله بن نمیر و عبدالرزاق بن همام و علی بن حسین مروزی و محمد بن بشر عبیدی و معن بن عیسی قزاز و وکیع بن جراح و یونس بن بکیر شیبانی و ولید بن عقبه شیبانی و یحیی بن یحیی نیشابوری و وهب بن جریر و یحیی بن اسحاق و عبدالله بن ادریس و دیگران حدیث شنید. بخاری و مسلم و ابوداود و نسایی و ترمذی در «صحاح» خود و نیز ابوزرعه رازی و ابوحاتم رازی و ابراهیم بن ابی طالب و محمد بن یحیی ذهلی و ابن خزیمه و ابوالعباس سراج و حاجب بن احمد طوسی و احمد بن سلمه و اسحاق بن ابراهیم نیشابوری و تمیم بن محمد طوسی و جعفر بن محمد بن سوار و زنجویه بن محمد و ابن شاذان و محمد بن عقیل خزاعی و محمد بن نعیم نیشابوری و ابواللیث انصاری و یحیی بن زکریا نیشابوری و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند.

الاعلام (۳۵۹/۶)، تاریخ الکبیر (۸۱/۱)، تاریخ نیشابور (۹۷)، تذکره الحفاظ (۵۱۰-۵۰۹/۲)، تهذیب التهذیب (۱۳۶-۱۳۸/۹)، تهذیب الکمال (۲۶۷/۱۶)، ۲۷۰، الثقات (۱۰۲/۹)، الجرح و التعديل (ج ۳، ۲۵۴/۲)، سیر النبلاء (۲۱۸-۲۱۴/۱۲)، شذرات الذهب (۱۰۹/۲)، طبقات الحفاظ (۲۴۵-۲۴۶)، العبر (۳۵۰/۱)، النجوم الزاهرة (۳۸۵/۲)، الوافی بالوفیات (۶۸/۳).

نیشابوری، ابوعبدالله محمد بن محمد بن هانی. (وف ۲۳۶ ق)، محدث، نحوی و ادیب. اهل نیشابور بود. علم نحو را از اخفش فراگرفت. خطیب بغدادی او را در این فن صاحب بصیرت می‌دانند. وی همچنین در ادبیات متبحر بود. از محمد بن جعفر غندر و محمد بن ابی عدی و عبدالاعلی بن عبدالاعلی و یوسف بن عطیه صفار و معلی بن سلیمان و یحیی بن سعید قطان و عبدالعزیز عطار و

نیشابوری، ابوسعید محمد بن احمد بن حسین خزاعی. (س پنجم ق)، حافظ، فقیه و محدث. مشهور به شیخ مفید. وی جد شیخ ابوالفتح حسین بن علی بن محمد رازی و برادر شیخ مفید عبدالرحمن بن احمد نیشابوری، صاحب «الامالی»، شاگرد شیخ طوسی، است. او از پدرش، احمد بن حسین، و حسکاء، جد منتجب الدین صاحب «الفهرست»، و عبدالعزیز بن محمد نیشابوری و محسن بن حسین بن احمد نیشابوری و داعی بن رضا و ناصر بن رضا و ابوسعید منصور بن حسین ابی وزیر حدیث شنید. ابوالنجم محمد بن عبدالوهاب بن عیسی سمان رازی و شیخ منتجب الدین به واسطه شیخ ابوالفتح رازی از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: کتاب «الاربعین عن الاربعین» یا «الاربعون حدیثاً عن الاربعین»، در فضایل امیر المؤمنین (ع)؛ «منی الطالب فی ایمان ابی طالب»؛ «الفرق بین المقامین و تشبیه علی (ع) بذی القرنین»؛ «الروضة الزهراء فی تفسیر فاطمه الزهرا (س)»؛ کتاب «المولی».

ایمان الشیعه (۷۱/۹)، الذریعه (۴۳۲-۴۳۳/۱)، ۲۹۴/۱۱، ۱۷۷/۱۶، ۲۷۸/۲۳، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴۹/۵)، فهرست منتجب الدین (۱۵۷)، معجم المؤلفين (۲۵۲/۸).

نیشابوری، ابوعبدالله احمد بن حرب بن عبدالله بن فیروز. (وف ۲۳۴ ق)، فقیه، محدث، عابد و زاهد. شیخ نیشابور بود. در طلب حدیث سفر کرد و مدتی در کوفه، بغداد و بصره اقامت گزید. وی از سفیان بن عیینه و ابن ابی فدیك و عبدالوهاب بن عطاء و حفص بن عبدالرحمن و ابی اسامه و ابوداود طیالسی و ابی عامر عقدی و محمد بن عبید طنافسی و عبدالله بن ولید عدنی و عامر بن خداش و همطبقه آنها حدیث شنید. احمد بن ازهر و سهل بن عمار و عباس بن حمزه و محمد بن شاذان نیشابوری و جعفر بن محمد نیشابوری و ابراهیم بن محمد بن سفیان فقیه و احمد بن نصر خفاف و اسماعیل بن قتیبه و زکریا بن دلویه از وی روایت کرده‌اند. صاحب عنوان را به زهد و پارسایی و کثرت عبادت ستوده‌اند. از آثارش: کتاب «الاربعین»؛ کتاب «عیال الله»؛ کتاب «الزهد»؛ کتاب «الدعاء»؛ کتاب «الحکمة»؛ کتاب «المناسک»؛ کتاب «التکسب». در «کشف الظنون» و «هدیه العارفين» و «معجم المؤلفين» نام کتاب اخیر وی «التکسب» ذکر شده است.

تاریخ بغداد (۱۱۸-۱۱۹/۴)، سیر النبلاء (۳۵-۳۲/۱۱)، شذرات الذهب (۸۰/۲)، العبر (۳۲۷/۱)، کشف الظنون

در کوفه از محمد بن جعفر قنات و در بصره از ابوخلیفه جمحی و زکریا ساجی و در واسط از جعفر بن احمد بن سنان و در اهواز از عبدان اهوازی و در اصفهان از محمد بن نصیر و در موصل از ابوعلی بن مثنی و در مصر از ابو عبدالرحمن نسایی و در غزه از حسن بن فرج غزی و در مکه از مفضل جندی و در شام از اصحاب ابراهیم بن علا و معافی بن سلیمان حدیث شنید. ابوبکر احمد بن اسحاق صیغی و ابوالولید فقیه و ابن منده و حاکم و ابو عبدالرحمن سلمی و ابوطاهر بن محمض و دیگران از وی روایت کرده‌اند. صاحب عنوان را به قوت حافظه و کثرت احادیثی که از حفظ داشته است، ستوده‌اند، بویژه شاگردش حاکم نیشابوری او را یگانه عصر خود در حفظ حدیث، زهد و ورع می‌داند. او در نیشابور درگذشت و در مقبره باب معمر دفن شد.

الاعلام (۲۶۶/۲)، تاریخ بغداد (۷۲-۷۱/۸)، تاریخ نیشابور (۲۲۴، ۱۶۰)، تذکره الحفاظ (۹۰۵-۹۰۲/۳)، سیرالنبله (۵۹۵۱/۱۶)، شذرات الذهب (۳۸۰/۲)، طبقات الحفاظ (۳۸۵-۳۸۴)، طبقات الشافعیه ابن قاضی شهبه (۱۲۸/۱)، طبقات الشافعیه استوی (۲۷۰/۲)، طبقات الشافعیه سبکی (۲۸۰-۲۷۶/۳)، العبر (۸۱/۲)، معجم البلدان (۳۸۴-۳۸۳/۵)، المنتظم (۳۰۰/۸)، النجوم الزاهرة (۳۷۰/۳).

نیشابوری، ابو عمرو محمد بن احمد بن محمد بحیری. (وف ۳۹۶ ق)، حافظ و محدث. او را از حفاظ حدیث و فقه دانسته‌اند. در طلب علم به عراق و حجاز سفر کرد. از پدرش و یحیی بن منصور قاضی و عبدالله بن محمد کعبی و محمد بن مومل بن حسن و ابابکر قطیعی و همطبقه آنها حدیث شنید. فرزندش، ابو عثمان سعید بن محمد بحیری، و ابو عبدالله حاکم نیشابوری و ابو العلاء واسطی و محمد بن شعیب رویانی از وی روایت کرده‌اند. در نیشابور درگذشت و در مقبره ملقباباد دفن گردید. از آثارش: «الاریعون المرویه» یا «اریعون حدیثاً».

انساب سمعی (۲۹۱/۱)، ایضاح المکنون (۵۳/۱)، تاریخ نیشابور (۱۷۵)، تذکره الحفاظ (۱۰۸۳-۱۰۸۲/۳)، سیرالنبله (۹۰/۱۷)، شذرات الذهب (۱۴۸/۳)، طبقات الحفاظ (۴۳۸)، معجم المؤلفین (۳/۹)، المنتظم (۹۲/۹)، هدیة العارفین (۵۷/۲).

نیشابوری، ابوالفتح ناصر بن سلمان بن ناصر انصاری. (۵۵۲-۴۸۹ ق)، فقیه شافعی، محدث و متکلم. در نیشابور به دنیا آمد. از پدرش و ابو الحسن مدینی مؤذن و

عبدالوهاب ثقفی و عده‌ای دیگر حدیث شنید. ابوبکر بن ابی الدنیا و عبدالله بن محمد بن ناجیه از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: «نوادیر العرب و غریب الفاظها» یا «نوادیر العرب و غرائب الفاظها و المعانی و الامثال».

ایضاح المکنون (۶۸۱/۲)، تاریخ بغداد (۷۳-۷۲/۱۰)، اللغات (۳۶۴/۸)، الجرح و التعمیل (ج ۲، ۱۹۵/۲)، لسان المیزان (۱۸۲-۱۸۳/۴)، معجم المؤلفین (۱۴۳/۶)، هدیة العارفین (۴۴۰/۱).

نیشابوری، ابوعلی حسن بن عبدالله عثمانی. (س پنجم ق)، واعظ، ادیب و شاعر. او در ادبیات و فن بیان استاد و صاحب تصانیف مشهوری در وعظ و خطابه بوده است. بنا به آورده صاحب «معجم الادباء» نوشته‌های او به لحاظ ادبی مورد استفاده اهل فن بوده است. وی نزد امام الحرمین جوینی فقه آموخت. مقام او را در شعر و ادب ستوده‌اند. در اواخر عمر به پشت از توابع نیشابور رفت و در آنجا ساکن گشت و در این شهر مورد احترام و توجه مردم بود تا درگذشت. وفات او را مابین ۴۷۰ تا ۴۸۰ ق ذکر کرده‌اند.

معجم الادباء (۲۶۸-۲۶۹/۸)، معجم المؤلفین (۲۴۱/۳).

نیشابوری، ابوعلی حسن بن محمد بن عمر. (وف ۳۲۰ ق)، محدث. او به قصد سفر حج به بغداد رفت و در این شهر از محمد بن یحیی ذهلی و احمد بن یوسف سلمی و محمد بن عبدالوهاب فراء و محمد بن اشرس و محمد بن اسماعیل اسماعیلی و فضل بن محمد بیهقی و محمد بن ابراهیم یوشنجی و محمد بن عمرو شمر روایت کرد. ابو الحسن بن بواب مقری و قاضی ابو الحسن جراحی و یوسف قواس و دیگران از وی روایت کرده‌اند. در بغداد درگذشت.

تاریخ بغداد (۴۱۷/۷)، المنتظم (۱۲۰/۸).

نیشابوری، ابوعلی حسین بن علی بن یزید. (۳۴۹-۲۷۷ ق)، حافظ، محدث و فقیه. در نیشابور به دنیا آمد. او از مشایخ حاکم نیشابوری است. در نیشابور از ابراهیم بن ابی طالب و علی بن حسن صفار و عبدالله بن شیرویه و ابن خزیمه و احمد بن محمد ماسرجسی و جعفر بن احمد حافظ و در هرات از حسین بن ادریس و محمد بن عبدالرحمن سامی و در نسا از حسن بن سفیان و در جرجان از عمران بن موسی بن مجاشع و در مرو از عبدالله بن محمود و در ری از ابراهیم بن یوسف هستجانی و در بغداد از عبدالله بن ناجیه و محمد بن حبان و قاسم مطرز و

فضل بن عبدالواحد تاجر و دیگران حدیث شنید. ابوسعید بن سمعانی و فرزندش، عبدالرحیم بن ابی سعد، از وی روایت کرده‌اند. او را از بزرگان علم کلام دانسته و در این علم او را برتر از اقرانش شمرده‌اند. وی صاحب کتابی در این زمینه می‌باشد. در مرو درگذشت.

الاعلام (۳۱۱/۸)، طبقات الشافعیة اسنوی (۴۳/۱)، طبقات الشافعیة سبکی (۳۱۷/۷)، هدیة العارفین (۴۸۸/۲).

نیشابوری، ابوالفضل احمد بن نصر/نصر بن عبدالوهاب. (ز ۲۸۰ ق)، حافظ و محدث. حاکم نیشابوری گوید وی یکی از ارکان حدیث بود. از هدیه بن خالد و شیبان بن فروخ و سهل بن عثمان عسکری و ابا مصعب زهری و اسحاق بن راهویه و عبیدالله بن معاذ عنبری و عمرو بن زرارہ نیشابوری و احمد بن یحیی بلخی و حسن بن عمر بلخی و سلیمان بن داوود زهرانی و محمد بن رافع قشیری و محمد بن مهران رازی و جماعتی دیگر حدیث شنید. بخاری در «صحیح» خود و ابوحامد بن شرقی و ابن اخرم ابوعبدالله شیبانی و احمد بن اسحاق صیدلانی و محمد بن صالح بن هانی و ابوالفضل محمد بن ابراهیم هاشمی و علی بن عیسی حیری و ابوزکریا یحیی بن محمد عنبری از وی روایت کرده‌اند.

تاریخ نیشابور (۱۱۲)، تذکرۃ الحفاظ (۶۴۵-۶۴۶)، تهذیب التهذیب (۸۰-۷۹/۱)، تهذیب الکمال (۲۸۸-۲۸۷/۱)، سیر النبلاء (۵۶۵-۵۶۴/۱۳)، شذرات الذهب (۲۰۵/۲)، طبقات الحفاظ (۳۰۴)، معجم المؤلفین (۱۹۶/۲).

نیشابوری، ابوالقاسم زاهر بن طاهر بن محمد شحامی. (۵۳۳-۴۴۶ ق)، مسند و محدث. مسند و مستملی خراسان بود. در نیشابور به دنیا آمد. پنج ساله بود که از پدرش حدیث شنید و ابتدا از او اجازه روایت گرفت. سپس ابوحسین عبدالغافر فارسی و ابوحفص بن مسرور و ابومحمد جوهری، مسند بغداد، به وی اجازه روایت دادند. او نزدیک به هزار مجلس حدیث در جامع نیشابور برپا کرد. از ابو عثمان سعید بن محمد نجیری و ابوسعید کنجرویی و ابویعلی بن صابونی و محمد بن علی خشاب و سعید بن منصور قشیری و ابوبکر محمد بن حسن مقری و ابولید حسن دربندی و احمد بن منصور مغربی و سعید عیار و ابوالقاسم عبدالکریم قشیری و ابوبکر بیهقی و جماعت دیگری حدیث شنید. ابوموسی مدینی و سمعانی و ابن عساکر و صاعد بن رجاء و منصور بن ابوالحسن

طبری و علی بن قاسم ثقفی و ابوالمجد زاهر ثقفی و عبداللطیف خوارزمی و مودود بن محمد هروی و عبدالمعز هروی و عبدالباقی بن عثمان همدانی و مؤید بن محمد طوسی و دیگران از وی روایت کرده‌اند. در سنین کهولت به حجاز، بغداد، اصفهان، همدان، ری، هرات و نیشابور سفر کرد و احادیث بسیاری را روایت نمود و از میان آنها «السباعیات» را برای خودش تنقیح کرد و «التاریخ» را تخریج نمود. وی در نیشابور درگذشت و در مقبره یحیی بن یحیی دفن شد. از دیگر آثارش: «السداسیات و الخماسیات»؛ «تحفة عید الفطر» که در «سیر اعلام النبلاء» تحت عنوان «تحفتی العیدین» ذکر شده است.

الاعلام (۷۱-۷۰/۳)، سیرالنبلاء (۱۳۹-۲۰)، شذرات الذهب (۱۰۲/۴)، المعبر (۴۴۵/۲)، الکامل (۳۶۵/۸)، کشف الظنون (۳۷۰)، لسان المیزان (۱۲۲-۱۲۱/۳)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد (۱۲۰-۱۱۸/۱۹)، معجم المؤلفین (۱۷۹/۴)، المنتظم (۳۱۲/۱۰)، میزان الاعتدال (۵۲/۲)، هدیة العارفین (۳۷۲/۱).

نیشابوری، ابوالقاسم سلمان بن ناصر بن عمران انفصاری. (وف ۵۱۱/۵۱۲ ق)، فقیه شافعی، مفسر، متکلم، زاهد و صوفی. ملقب به امام المتکلمین. اصل وی از ارغیان، از قرای نیشابور بود. در نیشابور به دنیا آمد. علم حدیث و تصوف را نزد ابوالقاسم قشیری تحصیل کرد. سپس به حجاز و بغداد و شام مسافرت کرد و مشایخ آن روزگار را درک نمود. آن‌گاه به نیشابور بازگشت و ملازم امام الحرمین جوینی گردید. وی در فقه از شاگردان امام الحرمین و در علم طریقت و فن تصوف صاحب قدم و اهل عمل بود. از فضل‌الله میهنی و ابوحسین عبدالغافر فارسی و ابوحسین بن مکّی و کریمه مروزیه و ابوصالح موزن و ابوالقاسم قشیری و جماعتی دیگر روایت کرد. ابن سمعانی از وی اجازه روایت داشت. در نیشابور درگذشت. از آثارش: شرح «الارشاد» امام الحرمین جوینی، در علم کلام؛ «الغنیة»، در فقه شافعی.

الاعلام (۱۷۱-۱۷۰/۳)، سیرالنبلاء (۴۱۲/۱۹)، شذرات الذهب (۳۴/۴)، طبقات الشافعیة ابن قاضی شهبه (۲۸۴-۲۸۳/۱)، طبقات الشافعیة اسنوی (۴۳-۴۲/۱)، طبقات الشافعیة سبکی (۹۹-۹۶/۷)، طبقات المفسرین داودی (۱۹۴-۱۹۳/۱)، کشف الظنون (۱۲۱۲-۶۸)، معجم المؤلفین (۲۴۰/۴)، الوافی بالوفیات (۳۱۴/۱۵).

شذرات الذهب (۲۸۵/۶)، کشف الظنون (۴۱۸)، معجم المؤلفین (۲۵۳/۱۱).

نیشابوری، شیخ میرزا جواد/عبدالجواد بن سلیمان (س سیزدهم ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و متکلم. ساکن نجف بود. وی را از فقها و اصولیین بزرگ عصر خود و از طبقه شاگردان شیخ جعفر کاشف الغطا می‌دانند. در فقه، اصول و کلام متبحر بود. شیخ آقا بزرگ تهرانی در «طبقات اعلام الشيعة» او را با توجه به تألیفاتش از فحول علمای عصر خود به شمار آورده است. از آثارش: «شرح الشرایع»، در فقه؛ رساله‌ای در «حدوث العالم»؛ کتاب «اصول الفقه».

الذریعه (۲۰۵/۲، ۲۹۴/۶، ۳۲۵/۱۳)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۳/۲۸۴)، معجم المؤلفین (۱۶۶/۳).

نیشابوری، قطب‌الدین ابوجعفر محمد بن علی بن حسن (س ششم ق)، محدث، مقرر و نحوی. از علمای امامیه در قرن ششم است. او از شیخ ابوعلی بن شیخ طوسی روایت کرده است. کتاب «المجالس»، در حدیث از اوست و ابن شهر آشوب در «مناقب» خود از آن بسیار نقل کرده است. وی از مشایخ روایی سید ضیاء‌الدین ابوالرضا فضل‌الله بن علی راوندی و امام قطب‌الدین راوندی (م ۵۷۳ ق) بود. قطب‌الدین نیشابوری «الندبة» امام زین العابدین (ع) را از حاکم حسکانی از صدوق ابن بابویه روایت کرده و علامه حلی در «اجازة» کبیره خود به این مطلب اشاره کرده است. از دیگر آثارش: «التعلیق»؛ «الحدود»؛ «الموجز فی النحو».

الذریعه (۲۲۱/۴، ۲۵۶/۱۹، ۲۵۱/۲۳)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۶/۲۷۲)، فهرست مستجب‌الدین (۱۵۷-۱۵۸)، فوائد الرضویه (۵۵۹)، معجم المؤلفین (۳۱۸-۳۱۷/۱۰).

نیشابوری، محیی‌الدین ابوسعید/ابوسعید محمد بن یحیی بن ابی منصور (۴۷۶-۵۴۸ ق)، فقیه شافعی، عالم و محدث. شیخ الشافعی نیشابور بود. در طریث نیشابور به دنیا آمد و نزد امام محمد غزالی و ابی‌المظفر خوافی فقه آموخت. او را در فقه و خلاف از سرآمدان شافعی به شمار آورده‌اند. از ابی‌حامد احمد بن علی بن عیدوس و اسماعیل بحیری و ابوالفتیان رؤاسی و نصرالله خشنامی و عبدالغفار شیروی و جماعتی دیگر حدیث شنید. سماعی و منصور بن ابوالحسن طبری و یحیی بن ربیع واسطی فقیه و دیگران از وی روایت کرده‌اند. او در نظامیه نیشابور و

نیشابوری، ابوالقاسم فضل بن عبدالله بن محب (وف ۴۷۳ ق)، مسند، محدث و واعظ. از ابوحسین خفاف و ابوحسین علوی و عبدالله بن یوسف اصفهانی و ابن محمض و جماعتی دیگر حدیث شنید. ابن طاهر و زاهر شحامی و محمد بن اسماعیل شاماتی و ابوطالب محمد بن عبدالرحمن کنجرودی و سعید بن حسین جوهری و حسین بن علی شحامی و محمد بن اسماعیل بن احمد مقری و ابوسعید بن قشیری و ملیکه بنت ابی‌الحسن فندورجی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. ذهبی گوید وی صاحب کتابی در وعظ می‌باشد.

سیرالنبلاء (۳۷۸-۳۸۰)، شذرات الذهب (۳۴۳/۳)، المعبر (۳۳۱-۳۳۲)، معجم المؤلفین (۷۰/۸).

نیشابوری، ابومنصور محمد بن ابی‌الولید حسان بن محمد (وف ۳۶۷ ق)، فقیه شافعی. او را از فقهای بزرگ زمان خود به شمار آورده‌اند. حاکم گوید که وی از افقه اصحاب پدرش بود. از ابوالعباس محمد بن اسحاق و ابوالعباس ماسرجسی و مؤمل بن حسن و جماعتی دیگر حدیث شنید. وی در نیشابور درگذشت و در کنار پدرش به خاک سپرده شد. از آثارش: «الرد علی کتاب الریاضة و الادب» ابونعیم اصفهانی.

طبقات الشافعیة اسنوی (۲۶۴/۲)، طبقات الشافعیة سبکی (۱۳۵-۱۳۶)، معجم المؤلفین (۱۷۹/۹).

نیشابوری، ابویوسف یعقوب بن احمد بن محمد (۴۷۴ ق)، ادیب، لغوی و شاعر. اهل نیشابور بود و در علم لغت تبحر داشت و بنابر آورده «کشف الظنون» صاحب تألیفاتی در این فن می‌باشد. او شعر نیز می‌سرود. از آثار او: «البلغة فی اللغة».

کشف الظنون (۲۵۳)، معجم المؤلفین (۲۴۱/۱۳)، هدیة العارفين (۵۴۴/۲).

نیشابوری، جمال‌الدین محمد بن محمد بن علی (وف ۷۸۴ ق)، محدث، فقیه شافعی و خطیب. اصل وی از نیشابور است. در ۷۲۱ ق وارد مصر شد و از حجاز حدیث شنید. او در نزد قطب سنباطی و ابن القماح و ابن عدلان و دیگران فقه آموخت. وی در مصر منصب تدریس و فتوا داشت. صاحب «شذرات الذهب» او را به سلامت نفس و رعایت جانب حق می‌ستاید. در سنین کهولت شنوایی خود را از دست داد و به همین علت به او اطروش می‌گفتند. از آثارش: شرح «التعجیز» یا «تصحیح التعجیز»، در فقه.

الانسان؟ «جمل الغرائب»، در تفسیر حدیث؛ «التذکرة و التبصرة».

الاعلام (۴۳/۸)، کشف الظنون (۲۰۵، ۳۹۳، ۶۰۲-۶۰۱، ۷۲۲، ۱۲۰۵)، معجم الادباء (۱۹/۱۲۴-۱۲۵)، معجم المؤلفین (۱۲/۱۵۷-۱۵۸).

نیکپو، قاسم (۱۳۵۵-۱۲۹۶ ش)، موسیقیدان. در تهران به دنیا آمد. وی موسیقی را ابتدا نزد درویش خان فراگرفت و سپس در ۱۳۰۹ ش به مدرسه موسیقی دولتی که زیر نظر علی نقی وزیری اداره می شد، رفت و به تکمیل اطلاعات خود پرداخت. در ۱۳۱۸ ش به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در ۱۳۲۰ ش کلاس موسیقی تأسیس کرد و در همین سال همکاری و نوازندگی خود را با رادیو آغاز نمود. او در اکثر فعالیت های هنری انجمن موسیقی ملی که خودش یکی از اعضای مؤسس آن بود شرکت داشت. نیکپو ترانه های بسیاری ساخت که یکصد و بیست آهنگ آن در دسترس است و اولین آنها «پریان» نام دارد که به شیوه علمی تنظیم شده است. از دیگر آثار وی «بیست و شش آهنگ چهار مضارب برای ویولن»، در دستگاه های مختلف است. او بر اثر سانحه اتومبیل درگذشت و در آرامگاه وادی السلام دفن شد.

مردان موسیقی (۲/۷۹-۸۱).

نیکو اصفهانی، زین الدین مسعود نطنزی، فرزند علی حلاج. (وف ۱۰۰۰ ق)، شاعر. از شاعران و هنرمندان عهد شاه طهماسب صفوی و نزد شاه مقرب بود و از او مقرری داشت. در نطنز به دنیا آمد و در اصفهان نشو و نما یافت. ابتدا پیشه حلاجی داشت و سپس به تجارت روی آورد. بیشتر اوقات خود را به سیاحت پرداخت. وی با شاعرانی چون لسانی شیرازی، محتشم کاشانی و وحشی بافقی معاصر بود و با آنان ملاقات داشت. شعر خوب می گفت و می گویند که «دیوان» خود را بر کاغذ کلفت سلطانی به خط جلی نوشته است. نیکو نزدیک به صد سال عمر کرد. در حاشیه «آتشکده آذر»، به نقل از «عرفات العاشقین»، آمده که وی دارای سه «دیوان» غزل و قصیده می باشد و در حاشیه «کاروان هند»، به نقل از «خلاصة الاشعار» آمده که زین الدین مسعود «شهرانگیزی» برای مردم یزد گفته است که شهرت دارد. از آثارش: مثنوی «زبدة الافکار» یا «زبدة الاسرار»، به تنبع از «مخزن الاسرار» نظامی؛ «ترکیب بند» مسدسی که کودکان در مکتب آن را می خواندند؛ «دیوان» شعر.

آتشکده آذر (۳/۱۰۳۹-۱۰۴۳)، تاریخ نظم و نثر (۵۱۱).

نظامیه هرات تدریس می کرد. ابومنصور هروی که یکی از بزرگان فقهای شافیه است، از شاگردان وی می باشد. عمده شهرت وی بواسطه تألیف کتاب «المحیط» در شرح کتاب «الوسیط» استادش، امام محمد غزالی، است. وی در جریان فتنه غزان و سقوط نیشابور به قتل رسید. از دیگر آثارش: «الانتصاف فی مسائل الخلاف»، در «طبقات الشافیه سبکی» این کتاب با عنوان «الانصاف فی مسائل الخلاف» ذکر شده است؛ «تعلیقه فی الاخلاقیات».

روضات الجنات (۲۲/۸)، ریحانه (۵/۲۶۰)، سیر النبلاء (۲۰/۳۱۵-۳۱۲)، شذرات الذهب (۴/۱۵۱)، طبقات الشافیه اسنوی (۲/۳۱۶)، طبقات الشافیه سبکی (۷/۲۸-۲۵)، العبر (۳/۸۷)، کشف الظنون (۱۷۴)، ۲۰۰۸، النجوم الزاهره (۵/۲۹۳)، الوافی بالوفیات (۵/۱۹۷)، وفیات الاعیان (۴/۲۲۳-۲۲۴)، هدیة الاحباب (۲۳۷-۲۳۸)، هدیة العارفین (۲/۹۱).

نیشابوری، ملا علی. (س سیزدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «مفتاح الفلاح»، نسخ کتابت خفی متوسط، با رقم: «ملا علی نیشابوری».

احوال و آثار خوشنویسان (۴/۱۱۲۴-۱۱۲۵).

نیشابوری، میرزا علی، فرزند میرزا محمد بن عبدالنبی. (وف ۱۲۷۳ ق)، فقیه و محدث. پدرش میرزا محمد اخباری، از مشاهیر اخباریون است. وی نزد پدر علوم مختلف را فراگرفت و از او روایت کرد. علامه سید شهاب الدین مرعشی نجفی به دو واسطه از او روایت نموده است. او در فقه و حدیث و علوم غریبه متبحر بود. او را صاحب تألیفات بسیاری دانسته اند. در خرمشهر درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش: «سبکة المسجد»، در تاریخ ملوک عرب و عجم از صدر اسلام تا عصر مؤلف؛ «سبکة اللجین فی الفرق بین الفرقین»؛ «العروة الوثقی».

اعیان الشیعه (۸/۳۰۸)، الذریعه (۱۲/۱۳۶-۱۳۷، ۱۱۵/۲۵۱)، معجم المؤلفین (۷/۲۳۶).

نیشابوری، نجم الدین ابوالقاسم محمود بن ابوالحسن بن حسین. (وف ح ۵۵۰ ق)، فقیه، مفسر، ادیب، لغوی و شاعر. ملقب به بیان الحق. مؤلف «معجم الادباء» وی را عالمی بارع و مفسری دانشمند توصیف کرده است. او در علم لغت و فقه متبحر بود. همچنین وی را متفنن در علوم و تصانیف او را کم نظیر دانسته اند. از آثارش: «ایجاز البیان فی معانی القرآن»؛ «خلق

شاعران ایران حاضر بود. در این کنگره حدود شصت تن از شاعران شرکت کردند که از آن میان تنها چهار تن نوپرداز و معتقد به شیوه نیما بودند. نیما در این کنگره شعرهای «آی آدمها»، «مادری و پسری» و غیره را خواند که مورد توجه و نقد و نظر قرار گرفت. از آن پس با وجود پاره‌ای مخالفتها از جانب ادیبان و سنت‌گرایان، شیوه نیما در کنار شیوه سنتی فارسی جا باز کرد. نیما در شعر دید تازه‌ای نسبت به طبیعت و جهان دارد. نکته دیگر نظر اجتماعی و انتقادی نیماست. در حکومت بیست ساله رضا شاهی که نیما از آن به نام دوره سختی و فشار یاد می‌کند، وی به کار شعر و تکمیل تجربه‌های شعری پرداخت و نیز شعرهایی سمبولیک و انتقادی سرود که پیچیده‌تر است. او راهی نو، در شعر فارسی گشود که امروز او را به نام پیشگام و مبتکر شعر نو می‌شناسند. بسیاری از اشعار وی به ادبیات عامیانه بسیار نزدیک است و قسمتی از اشعار خود را به زبان مادری و به نام «روجا» سروده است. اشعار نخستین او با اینکه در قالب اوزان عروضی ساخته شده، از مضامین نو و تخیلات شاعرانه بهره بسزایی دارد. از آثار اولیه او باید منظومه‌های «مجلس»، «قصه رنگ پریده»، «افسانه»، «برای دل‌های خونین» را نام برد که در زمان خود موجب تحولی در شعر گردید. نیما در آثار بعدی خود اوزان عروضی شعر فارسی را شکست و شعرش را از چهار چوب وزن و قافیه آزاد ساخت و راهی تازه و نو در شعر آفرید که به سبک نیمایی مشهور شد. او چندی نیز در اداره انطباعات وزارت فرهنگ به خدمت اشتغال داشت. وی در تهران درگذشت. از دیگر آثارش: «شعر من»، «مانلی»، «ناقوس»، «شهر صبح شهر شب»، «آهو و پرندها»، «دنیا خانه من است»، «قلم انداز»، «نامه‌های نیما به همسرش»، «عنکبوت»، «فریادهای دیگر»، «کننده‌های شکسته»، «خانواده سرباز»، «آب در خوابگاه مورچگان»، «دونامه»، «ای شب». تمام آثار او اعم از منظوم و مثنوی در دو جلد در تهران به چاپ رسیده است.

ادبیات نوین (۸۰، ۱۱۸-۱۱۷، ۱۲۰، ۱۶۰، ۱۶۸، ۱۷۳، ۱۸۴-۱۹۴، ۱۹۸-۱۹۶، ۳۳۹، ۳۴۲، ۳۵۵-۳۴۹، ۳۵۷-۳۵۸)، از نیما تا روزگما (۶۲۷-۵۷۹)، بدعتها و بدایع نیما یوشیج، چشمه روشن (۴۹۲-۴۷۶)، چون سبوی تشنه (۱۰۰-۸۸)، الذریعه (۱۲۴۴/۹)، سخنوران نامی معاصر (۶/ ۳۷۹۴-۳۸۰)، شخصیت‌های نامی (۴۹۸-۴۹۷)، شرح حال رجال معاصر مازندران (۱۵۵-۱۴۹)، فرهنگ سخنوران (۹۶۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۱۳، ۱۴، ۱۵۴، ۲۸۹، ۴۲۰، ۱۲۴۴، ۱۴۸۳، ۲۱۵۱/۲، ۲۵۴۲، ۲۸۶۰، ۲۹۹۶، ۳۳۴۱، ۳۴۰)، مؤلفین کتب چاپی (۶/ ۶۷۵-۶۷۳)، یغما (س ۱۲، ش ۱۱، ص ۶۲۹-۶۳۱).

(۸۳۲)، تحفه سامی (۲۱۹)، تذکره روز روشن (۸۵۹)، (۸۶۱)، الذریعه (۱۲۴۳/۹-۱۲۴۴/۱۹، ۱۹۵)، فرهنگ سخنوران (۹۶۴)، کاروان هند (۲/ ۱۰۴۵-۱۰۴۶)، کتابشناسی نظامی گنجوی (۳۹۳)، مجمع الخواص (۱۸۳-۱۸۲)، نتایج افکار (۷۲۲)، هفت اقلیم (۴۲۲/۲).

نیلی نیشابوری، ابوسهل سعید بن عبدالعزیز بن عبدالله. (۳۵۳-۴۲۰ ق)، فقیه، طبیب، ادیب، نحوی و شاعر. اهل نیشابور بود. او در علم طب استاد بود و از مشاهیر اطبا به شمار می‌آمد و تصانیفی در این زمینه دارد. وی همچنین در فقه و فنون شعر و ادب نیز متبحر بود. از آثار او: اختصار کتاب «المسائل» حنین بن اسحاق؛ تلخیص «شرح فصول بقراط» جالینوس همراه با نکاتی از «شرح ابوبکر رازی».

الاعلام (۳/ ۱۵۰)، تاریخ طب (۶۷۸-۶۷۹)، عیون الانباء (۳۱۴)، کشف الظنون (۱۶۶۸)، معجم الادباء (۱/ ۲۱۸)، معجم المؤلفین (۴/ ۲۲۵)، الوافی بالوفیات (۱۵/ ۲۴۰).

نیما یوشیج، علی اسفندیاری، فرزند ابراهیم خان نوری. (۱۲۷۶-۱۳۳۸ ش)، شاعر، متخلص به نیما. مشهور به یوشیج. در دهکده یوش، از توابع نور مازندران، به دنیا آمد. خواندن و نوشتن را در زادگاهش فراگرفت. پس از مدتی به تهران آمد و برای آموختن زبان فرانسه به مدرسه کاتولیک سن لویی رفت و با ادبیات اروپایی آشنایی یافت و در اثر تشویق نظام وفا، شاعر معروف و معلم دلسوز آن مدرسه، به نظم شعر پرداخت. نیما در ۱۳۰۰ ش منظومه «قصه رنگ پریده» و در ۱۳۰۱ ش منظومه «ای شب» و «افسانه» را سرود که ابتدا در روزنامه «قرن بیستم» میرزاده عشقی چاپ شد و پس از آن در ۱۳۰۳ ش، قسمتی از منظومه «افسانه» و چند منظومه دیگر وی در کتاب «منتخاب اشعار» محمد ضیاء هشتروندی چاپ گردید که بساعت خشم گروه زیادی از سنت‌گرایان شد. او در ۱۳۰۵ ش دفتر کوچک «خانواده سرباز» را به چاپ رسانید. او چندی به همراه همسرش، در مدارس شهرهای شمالی ایران به تدریس پرداخت و در ۱۳۰۹ ش به آستارا رفت و تا ۱۳۱۱ ش در دبیرستان حکیم نظامی، آن شهر به تدریس زبان و ادبیات اشتغال ورزید. نیما پس از آن به شهر خود بازگشت و دوباره در ۱۳۱۴ ش به تهران آمد و در مدرسه عالی صنعتی، زبان و ادبیات فارسی را درس داد. در بازگشت به تهران، در ۱۳۱۷ ش چندی در هیأت تحریریه «مجله موسیقی» بود و مقاله‌هایی درباره شعر و هنر با عنوان «ارزش احساسات» نوشت که بعدها با همین عنوان به چاپ رسید. در تیرماه ۱۳۲۵ ش در کنگره نویسندگان و



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



(۱۲۴۵)، صبح گلشن (۵۷۶)، فرهنگ سخنوران (۹۶۵).

واثق نیشابوری، میرزا حسن بیگ. (س یازدهم ق)، شاعر. (ق)، شاعر. در سرودن شعر دارای طبعی خوش بود و در نثر سخنان خواجه عبدالله انصاری را تتبع می‌کرد. وی در زمان اورنگ زیب عالمگیر (۱۰۶۹-۱۱۱۹ ق) به هند مسافرت کرد و منصب و مقامی یافت. او با محمد افضل سرخوش (م ۱۱۲۶ ق) معاصر و معاشر بود. واثق در راه بازگشت از هند، در قمشه درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثار وی: «دیوان» شعر.

تذکره نصرآبادی (۳۱۵-۳۱۶)، الذریعه (۱۲۴۵/۹)، ریاض العارفین (۱۵۷)، صبح گلشن (۵۷۷)، فرهنگ سخنوران (۹۶۵)، کاروان هند (۱۴۹۵-۱۴۹۶)، کلمات الشعراء (۱۹۳)، مطلع الشمس (۱۸۴/۳).

واثق همدانی، شیخ محمد باقر، فرزند حسنعلی. (۱۲۷۴-۱۳۳۶ ق)، عالم، مدرس و شاعر، متخلص به واثق. در همدان به دنیا آمد. برای تکمیل تحصیلات به اصفهان رفت و در نزد ملا محمد باقر فشارکی تلمذ نمود. وی به مدت سی سال در مدرسه صدر به تدریس صرف، نحو، معانی، بیان، فقه، اصول و منطق مشغول بود. وی در اصفهان وفات یافت و در تخت فولاد در صحن تکیه میرزا عبدالغفار تویسرکانی به خاک سپرده شد. از آثارش: «نصح الحبيب»، بر وزن «مثنوی» مولوی، در نصایح و مواعظ، مشتمل بر هزار بیت؛ «دیوان» شعر، مشتمل بر دو هزار بیت.

تذکره القبر (۱۶۹-۱۷۰)، الذریعه (۱۲۴۶/۹)، مکارم الآثار (۲۰۷۶-۲۰۷۵/۶).

واثق رشتی، ملا واثق. (س یازدهم ق)، شاعر. اهل رشت بود و به شغل خیاطی روزگار می‌گذراند. با نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) معاصر بود. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

طالب دردم و در دل هوسی نیست مرا
بینوا مُرغم و کنج قفسی نیست مرا
تذکره نصرآبادی (۳۷۹)، الذریعه (۱۲۴۵/۹).

واثق شیرازی، شیخ عبدالحی، فرزند شیخ مفید داور. (س چهاردهم ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به واثق. ملقب به صدرالشریعه. وی در خدمت پدرش، داور شیرازی (م ۱۳۲۵ ق)، صاحب تذکره «مرآت الفصاحه»، علوم قدیمه را تحصیل نمود و پس از آن به امور شرعی و اصلاح بین مردم پرداخت. در «دانشمندان و سخن سرایان فارس» و به تبع آن در «فرهنگ سخنوران» آمده که او در ۱۳۱۳ ق زنده بوده است. از او اشعاری در تذکره‌ها آمده است. از آثار وی: «اساس الکمال»؛ «جمع المسائل».

آثار عجم (۵۷۱)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۷۶۰-۷۶۱/۵)، الذریعه (۱۲۴۵/۹، ۷/۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۱۴-۱۰۹۵)، مرآت الفصاحه (۶۷۸، ۶۷۹).

واثق نجفی، ملا مهدی، فرزند مولانا محمد قاسم. (س یازدهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به واثق. اهل اصفهان و با صاحب «تذکره نصرآبادی» (ز ۱۰۸۳ ق) معاصر بود. وی به تحصیل پرداخت و در اکثر علوم مهارت یافت. واثق انواع خط، از جمله خط کوفی را خوش می‌نوشت. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. تذکره نصرآبادی (۲۰۳-۲۰۴)، الذریعه (۱۱۳۶/۹).

آذربایجان (۳۹۰)، الذریعه (۱۰۵-۱۰۴/۱)، (۱۲۴۷/۹)،
ریاض العارفین (۲۳۷)، ریاض العلماء (۲۸۴-۲۸۳/۲)،
ریحانه (۲۸۵/۶)، طرائق الحقائق (۱۶۲/۳)، فرهنگ
سخنوران (۹۶۶)، لغت نامه (ذیل/واحد تبریزی).

واحد شیرازی، میرزا لطف الله حمزوی، فرزند میرزا
نصراالله مستوفی. (ز ۱۳۲۰ ق)، نقاش، قلمدان ساز و
شاعر، متخلص به واحد. مشهور به میرزا لطف الله
مستوفی. اهل شیراز بود. وی در چهره پردازی و شبیه
سازی دستی قوی داشت. گل و مرغ و منظره سازی را
خوب می دانست و در تذهیب و گونه های مختلف
طلاکاری ماهر بود. علاوه بر آن، در سیاه قلم و آبرنگ و
کارهای روغنی نیز دست داشت و خط نستعلیق را نیکو
می نوشت. فرصت شیرازی در «آثار عجم» گوید: «در
رسایل و مکاتیب بی نظیر است و در نقاشی شهر. گاهی
شعر می گوید...» از آثار او: قلمدانی با زمینه نخودی کمرنگ
که در رویه آن، تصاویر گل و مرغ است، با رقم: «لطف الله
الحمزوی»؛ قلمدان زیبایی که تصویر زنی در شیوه فرنگی
بر روی آن نقش بسته و بالا و پایین آن در شیوه روسی
تذهیب شده و به خط نستعلیق رقم نهاده: «لطف الله
الحمزوی سنه ۱۳۱۵»؛ تصویر سیاه قلمی دسته گلهای
متنوعی که به شیوه لطفعلی شیرازی عمل آمده، با
رقم: «لطف الله الحمزوی ۱۳۱۸»؛ قلمدان استادانه ای که در
حواشی و اطراف آن مناظر زیبایی دارد، با رقم: «لطف الله
الحمزوی ۱۳۲۰».

آثار عجم (۵۴۱، ۵۴۸)، احوال و آثار نقاشان
(۵۵۹-۵۶۰)، الذریعه (۱۲۴۷/۹)، گلستان هنر (پنجاه
و دو)، هنر قلمدان (۱۵۴-۱۵۵).

واحدی نیشابوری، ابوالحسن علی بن احمد بن
محمد. (وف ۴۶۸ ق)، فقیه شافعی، مفسر، محدث،
نحوی، لغوی و مدرس. اصل وی از ساوه بود. در نیشابور
به دنیا آمد و بر خلاف پیشه اجدادش (تجارت)، او و
برادرش عبدالرحمان، به کسب علم پرداختند و در سلک
محدثین و علما درآمدند. وی را از نویسندگان بزرگ و امام
و استاد بی نظیر عصر خود در ادبیات، تفسیر، حدیث، فقه
و نحو دانسته اند. او نزد خواجه نظام الملک وزیر مقتدر
سلجوقیان تقریبی تمام داشت. ادبیات و لغت را نزد
ابوالفضل عروضی ادیب و نحو را نزد ابوالحسن ضریر
قهندزی و ابو عمران مغربی مالکی فراگرفت و برای تکمیل
معلومات خویش به مسافرت پرداخت. وی در علم تفسیر
از محضر ابواسحاق احمد بن محمد بن ابراهیم ثعلبی

واثقی نیشابوری. (وف ۹۴۰ ق)، شاعر. وی چهل سال
در نجف بود، سپس به تبریز بازگشت و تا آخر عمر در
تبریز به سر برد و در آنجا درگذشت. از اوست:

خوبان غم عشق و دل بسی داد چه دانند
بسی داد گران قاعده داد چه دانند

تاریخ نظم و نثر (۶۶۴)، الذریعه (۱۲۴۶/۹)، صبح گلشن
(۵۷۸)، فرهنگ سخنوران (۹۶۵)، مطلع الشمس
(۱۷۹/۳).

واحد اصفهانی، میرزا شاه تقی. (وف ۱۰۸۳/۱۰۸۰
ق)، شاعر، متخلص به واحد. از سادات اصفهان و در علوم
نظری و فقه، سرآمد فضلالی عصر خود بود. مدتی در
رشت منصب شیخ الاسلامی داشت و پس از عزل، به
مشهد رفت و شیخ الاسلام آنجا شد. مدتی در این منصب
بود تا اینکه به سبب شکایت بیگلربیگی معزول شد. واحد
به اصفهان رفت و در سال تحریر «تذکره نصرآبادی»
(تألیف شده ۱۰۸۳ ق) درگذشت. اشعاری از وی در
تذکره ها آمده است.

آشکده آذر (۱۰۴۳/۳)، تذکره روز روشن (۸۶۲)، تذکره
نصرآبادی (۱۷۷)، الذریعه (۱۲۴۶/۹)، فرهنگ سخنوران
(۹۶۶)، نتایج الافکار (۷۴۳-۷۴۴).

واحد تبریزی، مولانا رجبعلی. (وف ۱۰۸۰
ق)، حکیم، عارف، مدرس و شاعر، متخلص به واحد. وی
اهل تبریز بود. تمام مدت عمر، دست از مطالعه بر نداشت
تا در حکمت، منطق، طبیعیات و الهیات مهارت یافت. وی
مدتی در مدرسه شیخ لطف الله تدریس می کرد. محمد
تنکابنی (م ۱۱۲۴ ق)، صاحب «ریاض العلماء»، و حکیم
محمد سعید، معروف به حکیم کوچک و ملا عباس
مولوی، صاحب «اصول الفوائد» و محمد شفیع اصفهانی
را از شاگردان وی می دانند. وی به عباس آباد اصفهان رفت
و ساکن شد. شاه عباس دوم (۱۰۷۷-۱۰۵۲ ق) بنا به
ارادتی که به وی داشت خانه ای در شمس آباد، خارج از
اصفهان، برای وی خریداری کرد. گویند واحد در اواخر
عمر به دلیل ضعف و پیری، درس و بحث را کنار گذاشت.
او در اصفهان درگذشت. بعضی از تذکره ها تاریخ وفات وی
را ۱۰۰۸ و ۱۰۶۵ ق نوشته اند. اشعاری از وی در تذکره ها
آمده است. از آثار وی: «وجودیه» یا «اثبات واجب»، به
فارسی. عده ای از مؤلفان کتاب «کلید بهشت» را از او
می دانند.

تاریخ ادبیات در ایران (۳۴۰-۳۴۲)، تذکره روز روشن
(۸۶۳-۸۶۲)، تذکره نصرآبادی (۱۵۴)، دانشمندان

سخنوران (۹۶۷)، هفت اقلیم (۲۵۸/۳).

وارسته چکنی، امامقلی بیگ. (وف ۱۰۷۵ ق)، شاعر، متخلص به وارسته. معروف به ملا وارسته. در ری به دنیا آمد. از ایل چکنی و از رؤسای آن طایفه بود. به هند مسافرت کرد و مدت سی سال آنجا بود. عاقبت به وطن مراجعت نمود. در راه بازگشت از هند به قندهار رفت و در آنجا اوتارخان بیگلر بیگی قندهار را مدح کرد. در ۱۰۷۳ ق عازم اصفهان شد و نزد شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ق) تقرب یافت. چندی نیز به یزد رفت و بعد از آن به اصفهان بازگشت و در آنجا درگذشت. مؤلف «تذکره نصرآبادی» سال مرگ وارسته را ۱۰۲۵ ق ذکر کرده است. از وی یک «مثنوی» در هجو شخصی به نام میر مظفر ترک که با او درگیری داشته، به جا مانده است. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر. صاحب «مؤلفین کتب چاپی»، کتاب «اصطلاحات الشعراء»، مصطلحات الشعراء را به او نسبت می‌دهد.

آتشکده آذر (۹۴/۱)، تذکره روز روشن (۸۶۳-۸۶۴)، تذکره نصرآبادی (۳۳۵-۳۳۶)، الذریعه (۱۲۴۸/۹)، ریحانه (۲۸۷/۶)، فرهنگ سخنوران (۹۶۷)، کاروان هند (۱۴۹۷/۲-۱۵۰۰)، لغت نامه (ذیل/وارسته)، مجمع الفصحی (۱۰۷/۴)، مؤلفین کتب چاپی (۶۷۸/۶).

وارسته چکنی رازی - وارسته چکنی.

واسطی، ابوبکر محمد بن موسی. (وف قبل از ۳۲۰ ق)، صوفی و شاعر. معروف به ابن فرغانی. اصل وی از فرغانه بود. در جوانی برای کسب حقیقت، از عراق راهی سفر شد و پس از سالها مسافرت، در مرو ساکن گردید. او از اصحاب جنید بغدادی و ابوالحسن نوری بود. در مرو درگذشت.

ترجمه رساله قشیریه (صفحات متعدد)، حلیه الاولیاء (۳۵۰-۳۴۹/۱۰)، طبقات الصوفیه سلمی (۳۰۶-۳۰۲)، طبقات الصوفیه هروی (۴۳۲-۴۳۴)، نفحات الانس (۱۷۹-۱۸۰).

واصب قندهاری، ملا واصب. (س یازدهم ق)، شاعر. در فن موسیقی مهارت داشت. مدتها در دستگاه رستم خان سپهسالار آذربایجان به سر می‌برد. وی با ملا حسین صبوچی (۱۰۷۸ ق) معاصر بود و چندی همراه او و محمد قلی سلیم (۱۰۵۷ ق) در ملازمت میرزا عبدالله وزیر لاهیجان به سر می‌برد. بعد از آن به اصفهان و سپس به لاهیجان مراجعت کرد و در آنجا درگذشت. مؤلف «صبح

استفاده نمود. از ابوطاهر بن محمش و قاضی ابوبکر حیری و ابوالبراهیم اسماعیل بن ابراهیم واعظ و محمد بن ابراهیم مزکی و عبدالرحمن بن حمدان نصروی و احمد بن ابراهیم نجار و دیگران حدیث شنید. احمد بن عمر ارغیانی و عبدالجبار بن محمد خواری و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. در نیشابور درگذشت. در «النجوم الزاهرة» سال وفات وی ۴۶۹ ق ذکر شده است. از آثارش: تفاسیر سه گانه: «البسیط»، «الوسیط» و «الوجیز» که به «الحاوی لجمع المعانی» موسوم و به «تفسیر واحدی» معروف است؛ «اسباب النزول» یا «اسباب التنزیل»؛ «الدعوات و المحصول»؛ «المغازی»؛ شرح «دیوان» مثنوی؛ «الاعراب فی الاعراب» یا «الاعراب فی علم الاعراب»، در نحو؛ «تفسیر النبی (ص)»؛ «نفی التحریف عن القرآن الشریف»؛ «التحیر فی شرح الاسماء الحسنی» یا «التنجیز فی شرح اسماء الله الحسنی».

الاعلام (۵۹/۵)، ایضاح المکنون (۶۷۳/۲-۶۷۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۲۶۰/۲)، دمیة القصر (۱۰۱۷/۲-۱۰۲۰)، الذریعه (۳۱۹/۴)، ۱۸۸/۲۰، ۴۲/۲۵، روضات الجنات (۲۳۴-۲۳۶/۵)، ریحانه (۲۸۶-۲۸۵/۶)، سیر النبلاء (۳۳۹-۳۴۲/۱۸)، شذرات الذهب (۳۳۰/۳)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۵/۱۱۸)، طبقات الشافعیة ابن قاضی شبهه (۲۵۸-۲۵۶/۱)، طبقات الشافعیة اسنوی (۳۰۳-۳۰۴/۲)، طبقات الشافعیة سبکی (۲۴۳-۲۴۰/۵)، طبقات المفسرین داودی (۳۸۷/۱-۳۹۰)، المعبر (۳۲۴/۲)، الکامل (۱۲۳/۸)، کشف الظنون (۷۶، ۱۲۵، ۲۴۵، ۳۵۵، ۸۰۹، ۱۲۷۷، ۱۴۱۷، ۱۴۶۰، ۱۷۴۷، ۲۰۰۲)، الکنی و الالقاب (۲۷۷/۳)، معجم الادباء (۲۵۷/۱۲-۲۷۰)، معجم المؤلفین (۲۷/۷-۲۷)، النجوم الزاهرة (۱۰۵/۵)، وفيات الاعیان (۳۰۳-۳۰۴/۳)، هدیة الاحیاء (۲۶۰)، هدیة العارفین (۶۹۲/۱).

وارثی اردبیلی. (ز ۹۸۹ ق)، شاعر. اصلش از اردبیل بود. وی مسافرتهاى بسیاری به عراق و خراسان کرد. نهایتاً در ۹۸۹ ق در استرآباد ساکن شد و مورد توجه مردم آنجا قرار گرفت و سرانجام در همان شهر درگذشت. غزل را نیکو می‌سرود، اشعاری از وی در تذکرها آمده است. از اوست:

وارثی را بارها گفتم که ترک عشق کن
حرف من نشنید چندانى که دشمن کام شد

تاریخ نظم و نثر (۷۰۶)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۰)، الذریعه (۱۲۴۷/۹)، صبح گلشن (۵۷۹)، فرهنگ

گلشن» و تذکره «روز روشن» به نقل از «آفتاب عالمتاب»، نام وی را ملا محمد و ذیل واهب قندهاری ذکر کرده‌اند. مؤلف تذکره «شعراى خوانسار»، ملا حسین صبحی را برادر وی می‌داند. از آثار وی: «دیوان» شعر.

تاریخ ادبیات در ایران (۱۱۵۹/۵)، تذکره روز روشن (۸۶۴)، تذکره شعراى خوانسار (۲۰۲)، تذکره نصرآبادی (۲۳۷)، الذریعه (۱۲۴۹-۱۲۴۸/۹)، صبح گلشن (۵۸۶)، فرهنگ سخنوران (۹۷۶).

واصف مشهدی، ملا ابراهیم. (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به واصف. به آورده نصرآبادی اهل مشهد و مدتی در خدمت میرزا محسن متولی آستان قدس رضوی بود. سپس ترک ملازمت وی را گفت و در مدرسه مشغول به تحصیل گشت. در زمان تألیف «تذکره نصرآبادی»، (۱۰۸۳ ق) در راه سفر به هند، در بندر عباس درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

تذکره نصرآبادی (۳۹۹)، الذریعه (۱۲۴۹/۹)، فرهنگ سخنوران (۹۶۸)، لغت نامه (ذیل/واصف مشهدی)، مطلع الشمس (۴۴۹/۲).

واصل گیلانی، ملا محمد امین ← واصل لاهیجی.

واصل لاهیجی، ملا محمد امین، فرزند درویش محمد. (وف ح ۱۱۱۵ ق)، شاعر، متخلص به واصل. اهل لاهیجان بود. پس از تحصیل علوم، از گیلان به تبریز رفت. مدتی از مقربان میرزا ابراهیم، وزیر آذربایجان، بود. بعد از آن به مشهد رفت و در آنجا با ملا محمد امین اسطرلاب‌ساز همنشینی و مباحثه داشت. وی سپس به اصفهان رفت و در مدرسه حاج محمد باقر مهابادی ساکن و به ادامه تحصیل مشغول شد و در همین شهر نیز درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر. صاحب «الذریعه»، مثنوی «خلوت راز» را که بر وزن «تحفة العراقین» است، به وی نسبت می‌دهد.

تذکره نصرآبادی (۳۵۳-۳۵۲)، تذکره المعاصرین (۲۰۸)، ۳۶۷-۳۶۹، الذریعه (۱۲۴۹/۹-۱۲۵۰)، ریحانه (۶/۲۹۰)، فرهنگ سخنوران (۹۶۸)، لغت نامه (ذیل/واصل لاهیجی).

واصل بخارایی، مولانا واصلی. (س دهم ق)، شاعر. از شعراى بخارا بود که با سام میرزا صفوی (م ۹۷۵ ق)، مؤلف «تحفه سامی»، معاصر بود. اشعاری از وی در تذکرها آمده است. از اوست:

آن گرد باد نیست به گرد سرای تو
سرگشته‌ای است، رقص کنان در هوای تو
تحفه سامی (۳۰۸-۳۰۷)، الذریعه (۱۲۵۰/۴)، فرهنگ سخنوران (۹۶۹)، لغت نامه (ذیل/واصل بخارایی)، هفت اقلیم (۴۳۵-۴۳۶/۳).

واصلی تبریزی، مولانا واصلی. (س دهم ق)، شاعر. اهل تبریز بود و به شغل ابریشم فروشی مشغول بود که بعدها به بازرگانی پرداخت. گویند اشعار نیکویی می‌سروده و در جوانی درگذشته است. اشعاری از وی در تذکرها آمده است. از اوست:

مشکلی هست ز سر دهنّت در دل ما
تا نگوئی سخنی، حل نشود مشکل ما
تحفه سامی (۳۰۹)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۱-۳۹۰)، الذریعه (۱۲۵۰/۹)، لغت نامه (ذیل/واصلی تبریزی).

واصل یزدی، محمد، فرزند حسین. (تو ۱۲۹۰ ش)، شاعر. ملقب به قیصری. از اوست:

آن زلف دلاویز تو آرام دل است
سرو از قد دلربای تو پا به گل است
گه مهر درخشانی و گه ماه منیر
شمس و قمر از پرتو رویت خجل است
تذکره سخنوران یزد (۷۷۲-۷۷۰)، الذریعه (۱۲۵۰/۹).

واصلی شاهجهان آبادی، میرزا امام وردی. (وف ۱۲۰۰ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به واصلی. اصلاً ایرانی بود و در دهلی به دنیا آمد. وی شعر می‌گفت و از موسیقی آگاه بود و چون نسبت به شاه واصل ارادت داشت، واصلی تخلص می‌کرده است. از آثار وی: «دیوان» شعر.

احوال و آثار خوشنویسان (۷۷/۱)، الذریعه (۱۲۵۰/۹)، فرهنگ سخنوران (۹۶۹)، نتایج الانکار (۷۶۹-۷۶۸).

واصلی شیرازی، آقا خان فیلی. (وف ۱۳۰۲ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به واصلی. وی خط نستعلیق را خوش می‌نوشت و در سرودن شعر نیز دست داشت. صاحب «آثار عجم» آورده که اشعارش در حدود پنج هزار بیت و متفرق است و ماده تاریخ وفات او را چنین گفته:

کلیک فرصت بهر تاریخش نوشت
«واصلی در قرب یزدان واصل است»
آثار عجم (۵۷۱)، احوال و آثار خوشنویسان (۶۰۵-۵۷۱)، دانشمندان و سخن سراپان فارس (۷۷۸/۵)، الذریعه (۱۲۵۰/۹)، مرآت الفصاحه (۶۸۲-۶۸۱)، موادالتواریخ

(۴۰۵۴۰۴).

مظفرالملک حاکم همدان ابلاغ کرد، او نیز این مساله را به دربار تهران گزارش داد. لذا امیر افخم همدانی حاکم بروجرد از طرف دربار مأمور شد تا سید جمال را به بروجرد ببرد. سید جمال مدتی در بروجرد زندانی بود و عاقبت توسط عمال محمد علیشاه قاجار مسموم و خفه گردید و در قبرستان یخچال این شهر دفن شد. بعدها این قبرستان به جمالیه معروف گردید. در «کارنامه بزرگان» سال درگذشت وی ۱۳۳۶ ق ذکر شده است. از دیگر آثار وی: «لباس التقوی»؛ مقالاتی که در روزنامه «جبل المتین» کلکته و جراید مصر چاپ می شد.

تاریخ انقلاب مشروطیت ایران (۱۶۵/۱-۱۶۸)، تاریخ برگزیدگان (۱۴۰-۱۴۱)، سرآمدان فرهنگ و تاریخ (۵۰۱-۵۰۲)، شرح حال رجال (۲۵۵-۲۵۷)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۷۹۵/۲، ۲۷۹۹)، کارنامه بزرگان (۳۳۷-۳۳۵)، یغما (س ۳۰، ش ۷، ص ۴۰۵، ۴۱۴، ش ۸، ص ۴۸۰-۴۸۷).

واعظ تهرانی، شیخ ملا باقر بن ملا اسماعیل بن عبدالعظیم کجوری مازندرانی. (۱۲۵۵-۱۳۱۳ ق)، عالم دینی و واعظ. در تهران به دنیا آمد و در این شهر نشو و نما یافت. وی از وعاظ مشهور دوران ناصرالدین شاه قاجار است که متبر او به جهت بیان مطالب تازه و اجتناب از مبالغه و اغراق گویی در بیان مصائب، مورد توجه عامه مردم بود. او در مشهد در حین زیارت درگذشت و در مقبره شیخ بهایی دفن شد. در «طبقات اعلام الشيعة» وفات وی به اشتباه ۱۳۲۳ ق ذکر شده است. از آثارش: «جنة النعيم و العيش السليم»، در احوال سید عبدالعظیم (ع)، «الاسرار في كيفية الاسفار»، «الاصرار في الاستغفار»، «الخصایص الفاطمية»، «برهان التجارة في تبيان الزیارة»، «برهان العباد في اثبات المعاد»، «ارائة الطريق»، «ایقاف القوم في آداب الصوم»، «الثمرات الجنية من الحديث الحسینی».

اعیان الشيعة (۵۳۰/۳)، الذریعة (۴۰۶/۱-۴۰۷، ۳۸/۲، ۱۲۱، ۵۰۴، ۹۴/۳، ۹۸، ۱۲/۵، ۱۶۰-۱۶۱، ۱۷۳/۷-۱۷۴)، ریحانه (۲۹۱/۶)، شرح حال رجال (۱۸۴/۱)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۴/۱۹۶)، علماء معاصرین (۳۵۹-۳۶۷)، المآثر و الآثار (۲۰۰-۲۰۱)، معجم المؤلفین (۳۵/۳).

واعظ شروانی - فیضی شروانی.

واعظ قاینی، محمد بن محمد تقی. (س دوازدهم / سیزدهم ق)، واعظ و عالم دینی. او فاضلی مشهور و

واعظ اصفهانی، ابوعبدالله محمد بن محمود بن ابوبکر. (وف ۵۷۹ ق)، ادیب، واعظ و محدث. او واعظ و ادیبی فاضل، از دانشمندان و بزرگان حنابله در عصر خود بود. از ابوسعید احمد بن محمد بغدادی و ابوالقاسم اسماعیل بن علی حمامی و ابورشید احمد بن محمد بن احمد خرقی و ابوالقاسم ابراهیم بن محمد دواتی و جمع کثیری حدیث شنید. به بغداد رفت و در آنجا نقل حدیث کرد. محمد بن حامد بن عبدالواحد بقال از او روایت کرده است. از آثارش گردآوری «معجم»ی از مشایخ خود بوده است.

سیرالنبلاء (۱۶۹/۲۲)، معجم المؤلفین (۳۱۵/۱۱)، الوافی بالوفیات (۳۹۲-۳۹۳).

واعظ اصفهانی، سید جمال الدین، فرزند سید عیسی، فرزند سید محمد علی موسوی عاملی لبنانی. (۱۲۷۹-مقتول ۱۳۲۶ ق)، عالم و واعظ. ملقب به صدر الواعظین و صدر المحققین. در همدان به دنیا آمد. در تاریخ «انقلاب مشروطیت»، تولد وی ۱۲۸۹ ق در اصفهان ذکر شده است. او برادرزاده آیت الله سید اسماعیل صدر عاملی اصفهانی است. در کودکی پدرش را از دست داد و به همراه مادر به تهران آمد. پس از تحصیلات ابتدایی به اصفهان رفت و به فراگیری مقدمات عربی و فلسفه و عرفان پرداخت. او در اصفهان مشغول وعظ و تبلیغ گشت و در اندک زمانی از وعاظ مشهور شد. به علت جو استبدادی که ظل السلطان در اصفهان برقرار کرده بود. سید جمال در ۱۳۱۹ ق به تبریز رفت و در مورد اهمیت قانون و مزایای حکومت قانونی خطابه‌هایی ایراد نمود. در بازگشت به اصفهان پس از انتشار کتاب «رویای صادقه» با همکاری شیخ احمد مجد الاسلام کرمانی و میرزا نصرالله ملک المتکلمین، مورد کینه ظل السلطان قرار گرفت. بار دیگر به تبریز رفت و در آنجا مورد توجه محمد علی شاه ولیعهد قرار گرفت. سپس به تهران آمد و به تشویق محافل آزادیخواهان شبها در مسجد شاه (مسجد امام خمینی) به وعظ و خطابه پرداخت. وی در اوایل مشروطیت در مساجد و انجمنها به طرفداری از مشروطه سخنرانی می کرد و به همین جهت مورد توجه مردم واقع شده بود. پاره‌ای از سخنرانیهای او به صورت روزنامه‌ای به نام «الجمال» چاپ شد. در زمان به توپ بستن مجلس، به شهر ری رفت و از آنجا به قصد عتبات به همدان رفت. وی به واسطه سابق دوستی ورود خود را به میرزا محسن خان

(۴۲۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۰۶-۱۳۰۱/۵)، تذکرة نصرآبادی (۱۷۱-۱۷۲)، الذریعة (۷۷-۷۶/۱)، ۱۲۵۲/۹، ریاض العارفین (۲۳۷)، ریحانه (۲۹۳/۶-۲۹۴)، طبقات اعلام الشیعة (قرن ۱۱/۲۲۸)، فرهنگ سخنوران (۹۶۹-۹۷۰)، الکنى و الالقاب (۲۷۹/۲)، لغت نامه (ذیل/واعظ قزوینی)، معجم المؤلفین (۱۱۷/۱۱)، هدیة الاحباب (۲۶۰)، هدیة العارفین (۲۹۶/۲).

واعظ هروی، ملا عطاءالله بن حسام. (ز ۹۸۱ ق)، واعظ و شاعر. از واعظ شیعه ساکن هرات بود. او صاحب مثنوی مشهور «مختار نامه»، در شرح وقایع قیام مختار ثقفی در خونخواهی شهدای کربلا می باشد. وی در ۹۸۱ ق در هرات این مثنوی را به صورت کتابی مستقل تحت عنوان «روضة المجاهدین» به نثر درآورد. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.

تاریخ نظم و نثر (۳۹۶)، الذریعة (۳۰۳/۱۱)، ۷۲۸/۹، ۱۹/۲۸۸.

وافی اصفهانی، مصطفی معظم، فرزند علیرضا. (تو ۱۲۸۹ ش)، شاعر، متخلص به وافی. در اصفهان به دنیا آمد. وی پس از اندکی تحصیل، وارد مشاغل دولتی گردید. او از اعضای انجمن ادبی کمال بود. از اوست: ساقیا خیز و بده جامی از آن راحت روح کز خماری تن و جانم به عذاب افتاده است تذکرة شعرای معاصر اصفهان (۵۲۶)، گلزار جاویدان (۱۶۸۵/۳).

وافی تبریزی، قاضی وافی. (مقتول ح ۹۹۲ ق)، شاعر. از اهالی تبریز بود که از کودکی به کسب دانش پرداخت. او از ابتدای جوانی به شعر گفتن تمایل داشت و غزل را نیکو می سرود. گویند وی در اندک زمانی مشهور گشت و اشعارش در آذربایجان و عراق منتشر شد. اشعاری از وی در تذکرةها آمده است. از اوست:

کس در غم عشق تو دل شاد ندارد
عشاق تو را شاد کسی یاد ندارد

تاریخ نظم و نثر (۵۳۵)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۱)، الذریعة (۱۲۵۳/۹)، فرهنگ سخنوران (۹۷۰)، معجم الخواص (۳۰۵).

واقفی مشهدی، ملا خواجه علی. (س یازدهم ق)، عالم و شاعر. اهل مشهد و برادرزاده خواجه محمد جان قدسی بود. گویند در علوم عقلی و نقلی، حدیث و

سخنوری مسلط به شیوه تبلیغ و ارشاد و همچنین نویسنده و اهل قلم بود. از آثارش کتاب «نجات الخافقین» پیرامون وعظ و ارشاد است که این اثر با تکیه بر منابعی چون «بحار الانوار» و «عوالم العلوم» نگارش یافته و در احوالات ائمه هدی (ع) می باشد.

بزرگان قائن (۳۴۶)، الذریعة (۵۷/۲۴).

واعظ قاینی، میر سید علی بن سید عابد. (س نهم و دهم ق)، عالم دینی، واعظ، ادیب و شاعر. از فضلا و فصحای بزرگ امامیه در خراسان در سده نهم هجری می باشد. در وعظ و خطابه او را از اقربان و امثال ممتاز دانسته اند. او معاصر با سلطان حسین میرزای بایقرا بود و مشهور است که چون سلطان، در ۸۷۳ ق، در ابتدای دولت خود خواست در خطبه اسامی ائمه معصومین (ع) را ذکر کند، به میر سید علی که شیعه امامی مذهب بود فرمان داد که خطبه بخواند، اما هجوم ناصبیان و عوام هرات به مرتبه ای رسید که او را از منبر به پایین کشیدند. وی را صاحب حافظه ای قوی دانسته اند تا آنجا که می گویند با یک مرتبه شنیدن قصیده ای همه آن را به خاطر می سپرد. او همچنین شاعری خوش قریحه بود و در مدح ائمه معصومین (ع) قصایدی دارد. وی در نیشابور درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد و به روایتی در روستای آفریز بیرجند مدفون است. از آثارش: «دیوان» شعر.

بزرگان قائن (۲۴۴-۲۴۶)، بهارستان (۲۰۸-۲۱۱)، تاریخ نظم و نثر (۳۲۹)، الذریعة (۱۲۵۱/۹)، مجالس المؤمنین (۵۲۳-۵۲۶/۱).

واعظ قزوینی، رفیع الدین ملا محمد/محمد رفیع بن ملا فتح الله. (وف ۱۰۸۹ ق)، عالم امامی، واعظ، ادیب و شاعر، متخلص به واعظ. معروف به میرزا رفیع. موصوف به ملا رفیع الدین یا ملا رفیع. از علمای امامیه و از ادبا و شعرا و فضلالی قرن یازدهم هجری است. در وعظ و خطابه سرآمد بود و مدتها در مسجد جامع قزوین وعظ می گفت. او از شاگردان ملا خلیل قزوینی بود. از علم معقول حظی وافر داشت و در این علم کتابی به نام «ابواب الجنان»، در هشت باب شروع کرد که بیش از یک یا دو باب آن را نتوانست بنویسد، پس از مرگ او فرزندش، ملا محمد شفیع، آن را به اتمام رسانید. در بعضی از مآخذ وی نواده ملا فتح الله ذکر شده است. از دیگر آثارش: «الموعظة»، در دو مجلد؛ «الحملة الحیدریة»؛ «دیوان» شعر مشتمل بر چندین هزار بیت.

آتشکده آذر (۱۲۰۴-۱۲۱۰)، ایضاح المکنون (۱۲/۱)،

خط تعلیق دیده نشده است و به تعبیر فضائلی در «اطلس خط»: «خط تعلیق در اصفهان به دست واله بر سنگ مزارش نقش بست و برای همیشه بر خاک واله نشست». از آثارش: «دیوان» شعر. از آثار خطی وی: یک نسخه شش دفتر «مثنوی» مولانا، متن به قلم نستعلیق کتابت خوش و عنوانها به قلم رقاع کتابت عالی، با رقم: «انا العبد محمد کاظم الواله الاصفهانی»؛ یک نسخه «کلیات» سعدی، به قلم کتابت عالی که بر دیباچه آن چنین آمده است: «... در این عهد که عهد کاتب کتاب محمد کاظم متخلص به واله اصفهانی است...»؛ پنج قطعه به قلم دو دانگ خوش، با رقم: «مشقه... محمد کاظم الواله الاصفهانی فی ۱۲۰۴ فی دارالسلطنه اصفهان» و «محمد کاظم الواله الاصفهانی فی ۱۲۲۵».

احوال و آثار خوشنویسان (۸۲۴-۸۲۳/۳)، ۱۲۷۳/۴-
 (۱۲۷۵)، اطلس خط (۴۱۰-۴۱۱)، تاریخ اصفهان (۱۲۵)،
 تذکره القبور (۴۶۵)، حدیقه الشعراء (۱۹۶۲/۳-۱۹۶۶)،
 الذریعه (۱۲۵۵/۹)، ریحانه (۳۰۲-۳۰۱/۶)، سفینه
 المحمود (۲۲۳-۲۱۱/۱)، شرح حال رجال (۲۵۸/۵)،
 فرهنگ سخنوران (۹۷۲)، گلزار جاویدان (۱۶۸۷/۳-
 ۱۶۸۸)، لغت نامه (ذیل/واله)، مجمع الفصحا (۱۵۵/۶-
 ۱۱۵۶)، مصطفی خراب (۲۱۰-۲۱۲)، مکارم الآثار (۳/۳-
 ۸۷۴-۸۷۶)، مؤلفین کتب چاپی (۴۶/۵)، نگارستان دارا
 (۲۷۷-۲۷۵)، یادگار (س ۳، ش ۹، ص ۲۳-۲۶).

واله اصفهانی، میرزا یوسف/محمد یوسف، فرزند محمد حسین خان. (س یازدهم ق)، مورخ و شاعر، متخلص به واله. برادر میرزا محمد طاهر وحید و با نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) معاصر بود. در اواخر عهد شاه صفی (۱۰۵۲-۱۰۵۳ ق) به امور دفتری و دیوانی روزگار می‌گذراند و در زمان شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ق) به نوشتن ارقام و منشور اشتغال داشت. گویند در ۱۰۶۶ ق به وزارت توپخانه منصوب شد که تا زمان شاه سلیمان (۱۱۰۵-۱۱۰۷ ق) در این منصب بود. در نظم و نثر تبحر داشت و خط را نیکو می‌نوشت. اشعاری از وی در تذکرها آمده است. از آثار او: تاریخ «خلد برین»، از زمان خلقت آدم تا پادشاهی شاه سلیمان صفوی، که در ۱۰۷۸ ق تألیف شده است.

آتشکده آذر (۱۲۲۱/۳)، تارخ ادبیات در ایران (۱۷۷۶-۱۷۷۴/۵)، تارخ تذکرة‌های فارسی (۲/۱۶-۶۲۰)، تذکرة روز روشن (۸۸۸)، تذکرة نصرآبادی (۸۲)، الذریعه (۱۲۵۵/۹)، ۱۲۲۰، فرهنگ سخنوران (۹۷۲)، ۱۰۱۹، لغت نامه (ذیل/واله).

تفسیر تبحر داشت. به آورده مؤلف تذکرة «روز روشن» بعضی از تذکرها خواجه علی را تخلص وی می‌دانند و عده‌ای واقعی را یک شاعر و خواجه علی را شاعری دیگر، ذکر کرده‌اند. از آثار وی: «دیوان» شعر.

آتشکده آذر (۵۱۰/۲)، تذکرة روز روشن (۸۸۵)، تذکرة نصرآبادی (۱۶۶)، الذریعه (۱۲۵۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۹۷۱)، مطلع الشمس (۲۵۰/۲).

والای قاجار، علینقی میرزا، فرزند فتحعلی شاه. (تو ۱۲۰۷ ق)، شاعر، متخلص به والا، ملقب به رکن الدوله. چندی حاکم قزوین بود، که در ۱۲۳۸ ق از این امر کناره گرفت، سپس حاکم خراسان شد. محمود میرزا قاجار در «سفینه‌المحمود» آورده که در زمان تألیف این تذکرة (۱۲۴۰ ق)، والا به قزوین بازگشته و با وی معاشر و مصاحب بوده است. والا جزو شاهزادگانی بود که در زمان محمد شاه به زندان اردبیل منتقل شد و به همراه چهار شاهزاده توانست از آنجا فرار کند. سپس به روسیه رفت و از آنجا به عثمانی پناه برد و در بغداد ماند. از آثار وی: «دیوان» شعر.

حدیقه الشعراء (۱۹۶۱/۳)، الذریعه (۱۲۵۴/۹)، سفینه المحمود (۳۱۰-۳۰۱/۱)، گلزار جاویدان (۱۶۸۷/۳-۱۶۸۸)، نگارستان دارا (۲۸).

واله ارومی، میرزا علی، صدرالذاکرین.

واله اصفهانی، محمد کاظم. (ح ۱۱۵۲-۱۲۲۹ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به واله. در اصفهان به دنیا آمد. در جوانی برای تکمیل تحصیلات به عراق رفت و پس از بازگشت به اصفهان، حجره‌ای برای خود ترتیب داد و بعد از ساخته شدن تکیه والهیه به دستور حاج محمد حسین خان نظام‌الدوله، به آنجا نقل مکان کرد و تا پایان عمر همان‌جا زیست. واله از مشاهیر ادبا و شعرا و خوشنویسان خط تعلیق بود که از فنون عربی و ادبی و حکمت و عرفان نیز بهره کافی داشت. وی در ایام پیری، زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار را درک کرد و نزد او و رجال دولت آن زمان صاحب شهرت و حرمت بود. بیانی در «احوال و آثار خوشنویسان» آورده است: «محمد کاظم واله نستعلیق را نیز خوش و استادانه می‌نوشت. اثر مهم وی که هم اکنون در میان سنگ نوشته‌ها بی‌نظیر است، سنگ مزار آرامگاه او در تخت فولاد اصفهان می‌باشد که به دست خود نوشته و حرکات و استواری خط او را نشان می‌دهد. گویند پس از مرگ واله دیگر قطعات

شاگرد و مصاحب میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی بود. به آورده «کاروان هند»، میرزا محمد صادق مینای اصفهانی در خاتمه «صبح صادق» گوید که واله هروی از دوستانش بوده و در ۱۰۴۸ ق در اودیسه او را ملاقات کرده است. مؤلف تذکره «روز روشن» نام وی را محمد نوشته است. از آثار وی: «دیوان» شعر.

تذکره روز روشن (۸۸۶-۸۸۸)، الذریعه (۱۲۵۶/۹)، فرهنگ سخنوران (۹۷۳)، کاروان هند (۱۵۰۶-۱۵۰۳/۲).

والهی قمی، میر یوسف / محمد یوسف. (س دهم ق)، شاعر. از سادات قم و از شاعران معاصر شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴ ق) بود. وی شاعری هجاگو بود و بدین سبب اشخاص بسیاری را از خود رنجانده بود. گویند در غزل از روش شریف قزوینی و قاضی نوری اصفهانی پیروی می‌کرد و در موسیقی نیز مهارت داشت. از آثارش: «دیوان» شعر، شامل شش هزار بیت.

تاریخ نظم و نثر (۴۵۹)، تذکره روز روشن (۸۸۸-۸۹۰)، الذریعه (۱۲۵۷/۹)، عالم آرای عباسی (۱۸۳/۱)، فرهنگ سخنوران (۹۷۴)، مجمع الخواص (۸۲)، هفت اقلیم (۵۱۷/۲).

والی، علی اشرف. (تو ۱۲۹۹ ش)، نقاش، مذهب و خطاط. در کرج به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه، وارد دانشکده هنرهای زیبا شد و از محضر استادانی چون: علی محمد حیدریان، رفیع حالتی، ابوالحسن صدیقی و آشتیانی بهره جست. او در به کار گرفتن طرحها و رنگهای مختلف، استادی تمام عیار است. آثار وی در ۱۳۴۲ ش به نمایش گذاشته شد و مورد توجه علاقمندان بسیاری در کشورهای اروپایی و برخی ملل آسیای غربی و شبه قاره هند قرار گرفت. والی علاوه بر نگارگری، در خوشنویسی و تذهیب و صفحه آرایی متبحر است و در خوشنویسی پیرو شیوه زرین خط. او آثار متعددی از خود به یادگار نهاده و اثر مهم وی، طرح کتاب «ترجمة الصلوة» ملا محسن فیض کاشانی است که به خط استاد حسن زرین خط نگاشته شده است.

کیهان فرهنگی (س ۴، ش ۲، ص ۴۸).

والی بختیاری، نجفقلی بیگ. (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به والی. با مؤلف «تذکره نصرآبادی» (ز ۱۰۸۳ ق) معاصر و معاشر بود. بعضی او را رشتی و برخی اصفهانی می‌دانند. اشعاری از وی در تذکرها آمده است. از اوست:

واله داغستانی، علیقلی خان، فرزند محمد علی خان بیگلر بیگی. (۱۱۲۴-۱۱۷۰ ق)، تذکره‌نویس و شاعر، متخلص به واله. معروف به شش انگشتی. در اصفهان به دنیا آمد. از طایفه لزگی و داغستانی الاصل بود. گویند نسبش به عباس بن عبدالمطلب، عموی پیامبر اکرم (ص) می‌رسد. جد اعلای او در فتنه چنگیز به داغستان رفت. واله مدتی در خدمت سلطان صفوی بود و بعد از فتنه افغانه در جوانی به هندوستان مسافرت کرد و به عهد محمدشاه (۱۱۳۱-۱۱۶۱ ق) و احمدشاه (۱۱۶۱-۱۱۶۷ ق) و عالمگیر شاه (۱۱۶۷-۱۱۷۳ ق) به منصب و لقب خان‌زمان بهادر ظفر جنگ رسید. وی به دو زبان ترکی و فارسی شعر می‌گفت و با امیر غلامعلی آزاد بلگرامی مصاحب و معاشر بود. او در دهللی یا شاه جهان آباد درگذشت. سال درگذشت وی را ۱۱۶۱، ۱۱۶۵ و ۱۱۶۹ ق نیز ذکر کرده‌اند. از آثار وی: «ریاض الشعراء»، در ۱۱۶۱ ق؛ «دیوان» شعر، مشتمل بر چهار هزار بیت.

تاریخ ادبیات در ایران (۱۷۹۷/۵-۱۸۰۲)، تاریخ تذکرة‌های فارسی (۶۵۰/۱-۶۶۶)، حدیقه الشعراء (۱۹۶۷-۱۹۷۰)، الذریعه (۳۴-۳۳/۴)، ۱۲۵۵/۹، ۳۲۷/۱۱-۳۲۸، ریاض العارفین (۱۵۷)، ریحانه (۳۰۱-۲۹۸/۶)، سفینه المحمود (۶۶۳/۲)، فرهنگ ادبیات فارسی (۲۴۸)، فرهنگ سخنوران (۹۷۳-۹۷۲)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۲۵۹۵/۳)، کاروان هند (۱۳۹/۱-۱۴۰)، لغت نامه (ذیل/واله داغستانی)، مجمع الفصحا (۱۱۵۳-۱۱۵۴)، نتایج الانکار (۷۵۰-۷۵۶).

واله فارسی، درویش زین العابدین. (وف ۱۳۲۰ ق)، شاعر، متخلص به واله. اصلش از فیروزآباد فارس بود و در همان جا سکونت داشت. او شاعری درویش مسلک و از مداحان سلطان محمود خان ایلخان قشقای بود. وی در فیروزآباد درگذشت. از اوست:

آنکه با تیغ جفا قتل منش مقصود است
گو بیا غارت جان کن اگر ت این سود است
حدیقه الشعراء (۱۹۷۰/۳)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۷۷۹/۵-۷۸۰).

واله فیروآبادی - واله فارسی.

واله هروی، ملا درویش. (س یازدهم ق)، شاعر. اهل هرات و از شاگردان ملا فصیحی انصاری (م ۱۰۴۹ ق) بود. در عهد شاه جهان (۱۰۳۷-۱۰۶۹ ق) به هند رفت. در زمان قاسم خان جوینی، حاکم بنگاله، در آن دیار ساکن شد. او

پیراهن گل ریزه مقراض قبایی است
کز روز ازل بر قد حُسن تو بریدند
تذکره روز روشن (۸۹۱)، تذکره نصرآبادی (۳۶۲-۳۶۳)،
الذریعه (۱۲۵۷/۹)، صبح گلشن (۵۸۵)، فرهنگ
سخنوران (۹۷۴).

والی قاجار، نجفقلی میرزا، فرزند حسینعلی
میرزا فرمانفرما (۱۲۷۲-۱۲۷۲ ق)، شاعر، ملقب به
والی. به گفته «مکارم الآثار»، شاید به همین علت در
اشعارش والی تخلص می‌کرده است. وی از نوادگان
فتحعلی شاه قاجار است. سالها حکومت کهگیلویه و
بهبهان را به عهده داشت. او در ۱۲۵۰ ق بعد از دستگیری
پدرش به دست عمال دولت محمد شاه قاجار به اتفاق
برادرش، رضاقلی میرزا نایب الایاله، به عتبات و از آنجا به
استانبول و انگلیس رفت و دولت انگلیس برای آنها ماهیانه
مبلغی قرار داد تا در عراق ساکن شوند. والی مدتها در
بغداد زندگی کرد و در همان‌جا درگذشت. برخی اشعارش
در تذکره‌ها آمده است.

حدیقه الشعراء (۱۹۷۱-۱۹۷۲)، الذریعه (۱۲۵۷/۹)،
فارسنامه ناصری (۷۴۸/۱، ۷۶۴، ۷۶۶، ۱۰۹۴/۲)،
۱۴۷۶، فرهنگ سخنوران (۹۷۴)، مجمع الفصحی
(۱۲۷/۱)، مصطفی خراب (۲۰۱-۲۰۲)، مکارم الآثار
(۷۶۰/۳).

والی کردستانی، امان الله خان ثانی، فرزند خسرو
خان. (وف ۱۲۸۰/۱۲۸۴ ق)، شاعر، متخلص به والی.
معروف به غلام شاه خان و ملقب به ضیاءالملک. پدرش
داماد فتحعلی شاه قاجار بود. وی دو بار حاکم کردستان
شد و به مناسبت سرکوبی طایفه اورامی، که در محل
اورامان سکونت داشتند، از طرف شاه مورد تقدیر واقع و
به ضیاءالملک ملقب گردید. وی تمایلی به طریقه شیخیه
داشت و صاحب کتابخانه معتبری بوده است. از
آثارش: «دیوان» شعر.

تاریخ عضدی (۲۳۸)، حدیقه امان اللهی (۴۷-۱۳)،
حدیقه الشعراء (۱۹۷۲-۱۹۷۳)، الذریعه (۱۲۵۷/۹)،
شرح حال رجال (۳۱/۵)، فرهنگ سخنوران (۷۹۴)،
مجمع الفصحی (۱۱۳۱/۶).

والیه، حُسن جهان خانم، فرزند فتحعلی شاه
قاجار. (م سیزدهم ق)، شاعر، ملقب به والیه. مادرش
فاطمه، مشهور به سنبل خانم، است. والیه به عقد خسرو
خان، والی کردستان، درآمد. بعد از فوت شوهر در

۱۲۵۰ ق، کفالت حکومت فرزندان را در کردستان به
عهده داشت. او در شعر از لطافت طبع بهره‌مند بود و خود
را از پیروان اهل طریقت و وابستگان عرفا می‌دانست. وی تا
اواسط حکومت ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ق) در قید
حیات بود. از او «دیوان» شعری باقی است که به آورده
«الذریعه» شامل هشتاد غزل است. از دیگر آثار وی:
منظومه «بساط نشاط».

از رابعه تا پروین (۱۱۰-۱۰۹)، تاریخ عضدی
(۲۳۸، ۳۱۹)، حدیقه امان اللهی (۴۶۶-۴۵۷)،
حدیقه الشعراء (۲۲۰۹-۲۲۰۱/۳)، الذریعه (۱۲۵۷/۹)،
ریاحین الشریعه (۱۴۹/۴)، زنان سخنور (۳۸۲-۳۸۰/۲)،
طرائق الحقائق (۳۲۵/۳)، مشاهیر زنان (۲۴۴-۲۴۳).

وامق اصفهانی، میرزا محمد صالح. (م سیزدهم
ق)، شاعر، اصلش از اصفهان است. وی از شاعران عهد
فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲-۱۲۵۰ ق) بود و با تجارت امرار
معاش می‌کرد. از آثار وی: «دیوان» شعر، مشتمل بر چهار
هزار بیت.

حدیقه الشعراء (۱۹۷۴-۱۹۷۵)، الذریعه (۱۲۵۸/۹)،
ریحانه (۳۰۳/۶)، سفینه‌المحمود (۲۲۷-۲۲۵/۱)،
فرهنگ سخنوران (۹۷۵)، مجمع الفصحی (۱۱۵۵/۶)،
مصطفی خراب (۲۱۰).

وامق یزدی، محمد شریف/میرزا شریف. (م
سیزدهم ق)، شاعر. وی با میرزا محمد علی وامق (م ۱۲۶۲
ق)، صاحب تذکره «میکده»، معاصر بود. خط نسخ را زیبا
می‌نوشت و از شاگردان آقا محمد هاشم اصفهانی بود. وی
در اصفهان درگذشت. از آثارش: «دیوان» شعر. از اوست:

افسوس که عمر رفت و جامی ندیدم
واندر طلب نگار گامی ندیدم
از دست حلال‌زاده‌ای در گلزار
در پای گلی آب حرامی ندیدم
آینه دانشوران (۵۶۶)، حدیقه الشعراء (۱۹۷۵/۳)، الذریعه
(۱۲۵۵۹/۹).

وامق یزدی، میرزا حسین وامق زاده، فرزند سید
یحیی. (وف ۱۳۰۷ ق)، شاعر، متخلص به وامق. مشهور به
وامق زاده. از احفاد میرزا محمد علی مدرس بود.
تحصیلاتش را بیشتر در اصفهان گذراند و سپس سالها در
یزد به امر تدریس پرداخت. وی را از عرفای بزرگ شیعه
دانسته‌اند و گویند که در مقامات معنوی، صاحب مرتبه‌ای
والا بود. او در یزد درگذشت و در مقبره جوی هرهر دفن

سخنوران (۹۷۵)، نتایج افکار (۷۴۴).

وجدی خراسانی، ملا محمد اسماعیل. (وف ۱۲۳۲/۱۲۳۱ ق)، صوفی و شاعر، متخلص به وجدی. در ازغند، از توابع شاهان دز از محال مشهد رضوی، به دنیا آمد. سالها تحصیل کمال نمود و به طریقه مشایخ ذهبیه کبرویه گروید و محضر بزرگانی چون میر عالم شاه هندی، سید قطب الدین نیریزی و آقا محمد هاشم ذهبی شیرازی و آقا محمد کازرونی را درک کرد تا به درجه کمال و مقام ارشاد رسید. از جمله مریدانش می توان به محمد زمان خان جلایر کلاتی و وحدت هزار جریبی اشاره کرد. وی در نظم به خصوص رباعی و مثنوی تبحر داشت. از آثار وی: «دیوان» شعر. صاحب «الذریعه» کتاب «الرسائل العرفانیه» را به او نسبت می دهد.

حدیقه الشعراء (۱۹۷۹/۳-۱۹۸۰)، الذریعه (۱۲۶۰/۹-۱۲۶۱/۱۰، ۲۵۰/۱۰، ریاض المارفین (۲۷۸)، سیری در تصوف (۲۸۷)، طرائق الحقائق (۲۴۳/۳)، مجمع الفصحا (۱۱۵۶/۶).

وجدی خراسانی ازغندی ← وجدی خراسانی، ملا محمد اسماعیل.

وجدی شیرازی، میرزا محمد علی حسینی، فرزند میر حسین خان. (وف ۱۲۹۲/۱۲۹۱ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به وجدی. در شیراز به دنیا آمد. پدرش حاکم لارستان بود. وجدی خط نستعلیق را خوش می نوشت و شعر نیز می سرود. اثر وی «دیوان» شعر است. از آثار خطی وی: یک نسخه «دیوان» ادیب صابر، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «حسب الفرمایش... بیوک خان افشار... سمت تحریر یافت، کتبه الحقیق الفقیر اقل السادات محمد علی الحسینی المتخلص بوجدی، فی شهر صفر المظفر سنه ۱۲۸۴».

آثار عجم (۵۷۱-۵۷۲)، احوال و آثار خوشنویسان (۷۹۵/۳)، حدیقه الشعراء (۱۹۸۰-۱۹۸۸)، دانشمندان و سخن سرايان فارس (۷۸۵/۵)، الذریعه (۱۲۶۱/۹)، فارسنامه ناصری (۱۱۸۲، ۹۷۱/۲)، مرآت الفصاحه (۶۸۲-۶۸۴).

وجهی تفرشی، مولانا وجهی. (س دهم ق)، شاعر. اصل وی از تفرش است. در هرات به دنیا آمد و در زمان اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ ق) به هند رفت. رباعی را خوب می سرود. صاحب «کاروان هند» آورده که «صبح گلشن»، وجهی تفرشی را با وجهی هروی یکی دانسته است. از

شد. بعضی از مؤلفین، کتابی به نام تذکره «میخانه» را به او نسبت می دهند. اشعاری از وی در تذکره ها آمده است.

آینه دانشوران (۱۰۷-۱۰۶)، تذکره سخنوران یزد (۳۳۱)، الذریعه (۱۲۵۹/۹)، ریحانه (۳۰۵/۶)، فرهنگ سخنوران (۹۷۵)، گنجینه دانشمندان (۴۶۲/۷).

وامق یزدی، میرزا محمدعلی، فرزند محمد باقر، فرزند میرزا یحیی. (وف ۱۲۶۲ ق)، تذکره نویس و شاعر، متخلص به وامق. از سادات حسینی حسینی یزد و دودمان میرزا سعید یزدی است که در کرمان به دنیا آمد. در کودکی به یزد رفت و در مدرسه مصلی به تحصیل پرداخت. وی در حدود سی یا چهل سالگی به عراق عرب و عجم و خراسان و آذربایجان رفت و از علمای آن سامان استفاضه نمود. او در حکومت حاجی محمد ولی میرزا و پیشکاری عبدالرضا خان بافقی، تذکره ای تحت عنوان «تذکره میکده» یا «آشیانه میکده»، در ذکر شعرای یزد، تألیف کرد و بعدها به الزام عبدالرضا خان بافقی، تخلص خود را در شعر ساقی برگزید، ولی نهایتاً دوباره تخلصش را به وامق تغییر داد. وی به بیماری وبا درگذشت. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.

آینه دانشوران (۱۳۲-۱۳۴، ۵۴۲-۵۴۳، ۵۶۷)، تاریخ تذکره های فارسی (۳۳۹-۳۲۶/۲)، تذکره سخنوران یزد (۳۳۱-۳۲۷)، حدیقه الشعراء (۱۹۷۵-۱۹۷۹/۳)، الذریعه (۵۰/۴، ۱۲۵۸/۹)، ریحانه (۳۰۵، ۳۰۳/۶)، سفینه المحمود (۲۲۳/۱-۲۲۴)، گلزار جاویدان (۱۶۹۱/۳)، گنجینه دانشمندان (۴۶۲/۷)، مجمع الفصحاء (۱۱۱۵۴/۶)، مصطفی خراب (۲۱۲)، نگارستان دارا (۲۷۲).

واهب اصفهانی، میرزا حسن، فرزند خواجه میرزا بیگ. (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به واهب. اصلش از مال میر، از محلات کهکیلویه و نبیره خواجه نعمت الله المامیری، بود که در اصفهان رشد و نما یافت. وی در شعر و فن انشا مهارت داشت. هنگامی که شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ ق) مسجد جامع اصفهان را بنا نهاد، او قطعه ای تاریخی در مورد آن مسجد سرود. وی «رباعیات سته» میرزا محتشم را جواب گفته است. واهب مدتی به وزارت یزد منصوب شد و در آنجا نیز درگذشت. از آثارش: «دیوان» شعر.

آتشکده آذر (۱۰۴۳-۱۰۴۴/۳)، تذکره روز روشن (۸۹۳-۸۹۱)، تذکره نصرآبادی (۱۰۹-۱۰۸، ۴۸۵)، جامع مفیدی (۲۶۲-۲۵۵/۳)، الذریعه (۱۲۵۹/۹)، فرهنگ

اشعار اوست:

چو تیغت خون من بر خاک ریزد
وز آن خون قطره‌ای در خاک ریزد
از آن خاک و از آن خون هر چه روید
به تو راز دل من باز گوید

تاریخ نظم و نثر (۶۶۴)، الذریعه (۱۲۶۱/۹)، صبح گلشن (۵۸۷)، فرهنگ سخنوران (۹۷۷)، کاروان هند (۱۵۰۷/۲)، هفت اقلیم (۴۹۳-۴۹۲/۲).

احمد مشهدی رسید و خط نستعلیق را نزد او تکمیل کرد. پس از قتل سلطان ابراهیم میرزا، ترک خدمت کرد و در قم عزلت گزید و تا پایان عمر در این شهر به عبادت و زراعت روزگار گذراند. وجیه الدین شعر نیز می‌گفت و بسیاری از اشعار ابراهیم میرزا را تتبع کرده است.

احوال و آثار خوشنویسان (۹۵۴-۹۵۳/۳)، (۱۲۸۴/۴)، گلستان هنر (۱۲۱-۱۲۰).

وحدت رشتی، حسین. (وف ۱۲۵۰-۱۲۶۰ ق)، طیب و شاعر. اصلش از رشت است. وی غیر از تحصیلات متداول زمان، در علم طب مهارت داشت و در اطراف رشت و گیلان به طبابت مشغول بود. ظاهراً وی در هنگام مرگ بیش از سی و پنج سال نداشت. از اوست:

خونین جگر نمود خطت مشک ناب را
خالت ستاره سوخته کرد آفتاب را

حدیقه الشعراء (۱۹۸۲-۱۹۸۳)، فرهنگ سخنوران (۹۷۷)، مصطفی خراب (۲۱۳-۲۱۲).

وحشت اردستانی، میر جمال الدین محمد، فرزند میر ضیاء. (تو ۱۰۳۴ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به وحشت. از سادات طباطبایی اردستان بود که در زواره به دنیا آمد. وی خطوط هفتگانه به ویژه نستعلیق را بسیار خوش می‌نوشت. به هندوستان مسافرت کرد و در ۱۰۷۳ ق به اصفهان مراجعت نمود. او پس از مدتی توقف در اصفهان و یکسال پیش از تحریر «تذکره نصرآبادی» (تألیف شده ۱۰۸۳ ق) به هند بازگشت. از آثار وی: «دیوان» شعر، حدود بیست هزار بیت.

احوال و آثار خوشنویسان (۶۷۴/۳)، تذکره روز روشن (۸۹۶-۸۹۵)، تذکره نصرآبادی (۳۴۳-۳۴۲)، الذریعه (۱۲۶۳-۱۲۶۲/۹)، فرهنگ سخنوران (۹۷۸)، کاروان هند (۱۵۱۴-۱۵۱۳/۲).

وحشت بختیاری، میرزا اماسقلی. (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به وحشت. وی برادر خلیل خان بختیاری، که شهر خلیل آباد را بنا نهاده بود، است. در سرودن شعر طبع خوبی داشت و از معاصران نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) بود. اشعاری از وی در تذکرها آمده است. از اوست:

تا خط تو رهن نظر شد
هوشم به نگاه بال و پر شد
تذکره نصرآبادی (۳۹)، الذریعه (۱۲۶۳/۹)، ریاض العارفین (۱۵۷)، فرهنگ سخنوران (۹۷۸).

وجهی کرد اصفهانی، علی اکبر بیگ، فرزند محمد صالح. (س دهم ق)، شاعر، متخلص به وجهی. وی از اکراد عمادیه اصفهان و صوفی مشرب بود. در زمان شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ ق) می‌زیست. در اقسام شعر به رباعی تمایل داشت. با نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) معاصر و معاشر بود. از آثار وی: «دیوان» شعر.

آتشکده آذر (۹۴/۱)، تذکره نصرآبادی (۵۳-۵۲)، الذریعه (۱۲۶۱/۹)، صبح گلشن (۵۸۷)، فرهنگ سخنوران (۹۷۷-۹۷۶)، مجمع الخواص (۳۰۳).

وجهی هروی ← وجهی تفرشی.

وجهی هروی، وجیه الدین. (س یازدهم ق)، شاعر. وی برادر مولانا حیدر خصالی هراتی بود. در قندهار در ملازمت رستم میرزا و مظفر حسین میرزای صفوی به سر می‌برد و از طریق سپاهیگری روزگار می‌گذراند. او پس از استیلای ازبکان به خراسان به همراه برادرش به هند رفت. وجهی در هند مدتی ملازم خان خانان و پس از آن در خدمت ظفرخان، فرزند زین خان کوله (م ۱۰۳۱ ق) بود که این ملازمت تا سال ۱۰۲۴ ق به طول انجامید. او در گجرات با تقی الدین اوحدی (۹۷۳-۱۰۳۰ ق)، قادری پانی پتی، ملا محمدی رازی و مولانا محمد صوفی دیدار داشت. از وی اشعاری در تذکرها نقل شده است.

فرهنگ سخنوران (۹۷۷)، کاروان هند (۱۵۰۷-۱۵۱۰)، مآثر رحیمی (۱۲۸۹-۱۲۹۷).

وجیه الدین، میر خلیل الله. (ح ۹۳۲-۱۰۰۴ ق)، خطاط. وی عموی قاضی احمد قمی، صاحب «گلستان هنر» بود. مطابق شرح حالی که از میر خلیل الله در این کتاب آمده است، او ابتدا به مشق شکسته تعلیق در شیوه درویش عبدالله پرداخت و بعدها به نستعلیق توجه کرد و چون در ملازمت شاهزاده هنرمند صفوی، سلطان ابراهیم میرزا بود، در این فن از وی بهره‌ها برد. سپس به خدمت سید

شیرازی با افزودن هزار و دویست و پنجاه و یک بیت به پایان رسانید؛ مثنوی «خلد برین»، در معارف و اخلاق و مراثی، به پیروی از «مخزن الاسرار» نظامی؛ «دیوان» شعر، متجاوز از نه هزار بیت، شامل قصیده، ترکیب بند و ترجیع بند، غزل، قطعه، رباعی و مثنوی.

آتشکده آذر (۶۳۴/۲-۶۵۴)، تاریخ ادبیات ایران، برآون (۱۵۹/۴-۱۶۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۷۷-۷۶۰/۵)،

تاریخ نظم و نثر (۴۳۵-۴۳۴)، تذکره روز روشن (۸۹۷-۹۰۱)، تذکره سخنوران یزد (۳۳۶-۳۵۲)، تذکره

میخانه (۱۸۱-۱۹۷)، جامع مفیدی (۴۲۳/۳-۴۲۶)،

دایرةالمعارف فارسی (۳۱۹۴/۲)، دیوان وحشی بافقی (مقدمه)، الذریعه (۲۴۰/۷-۱۲۶۴/۹، ۱۲۶۵-۱۸۹/۱۶-۱۹۰،

۱۹/۱۹-۳۱۸)، ریحانه (۳۰۹-۳۰۷/۶)، ستارگان کرمان (۴۱۷-۴۲۱)، صبح گلشن (۵۸۹-۵۸۸)، فرهنگ ادبیات

فارسی (۵۲۷)، فرهنگ سخنوران (۹۷۹-۹۷۸)، عالم آرای عباسی (۱۸۱/۱)، کتابشناسی نظامی گنجوی (۳۹۱-۳۹۲)،

گنج سخن (۳۹۲-۲۷/۳)، لغت نامه (ذیل/وحشی بافقی)، مجمع الخواص (۱۴۴-۱۴۰)، مجمع الفصحا

(۱۱۵-۱۰۷/۴)، مکتب وقوع (۵۶۲-۵۴۴)، منظومه های فارسی (۶۰۷-۶۰۳)، مؤلفین کتب چاپی (۶۸۵-۶۸۲/۶)،

نتایج الانکار (۷۳۶-۷۳۳)، هفت اقلیم (۱۵۹-۱۵۷/۱).

وحید تبریزی ← وحیدی تبریزی.

وحید دستگردی، حسن، فرزند محمد قاسم. (ح ۱۲۵۸-۱۳۲۱ ش)، ادیب، مصصح، نویسنده و شاعر، متخلص به وحید. در قریه دستگرد، از توابع اصفهان، به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش فراگرفت و در پانزده سالگی به اصفهان رفت و در مدرسه میرزا حسن علوم ادبی را نزد میرزا یحیی مدرس بیدآبادی، معروف به کاشی پز، و علوم دینی را نزد عبدالکریم گزی و سید محمد باقر درجه ای آموخت و از محضر جهانگیرخان قشقایی و آخوند ملا محمد کاشی استفاده نمود. وی از طرفداران مشروطیت بود و اشعار و مقالاتی در این زمینه در روزنامه های اصفهان منتشر می کرد. دستگردی در آغاز جنگ بین الملل اول روزنامه «درفش کاویان» را در اصفهان منتشر نمود. او همچنین با روزنامه های «پروانه»، «زاینده رود» و «مفتش ایران» نیز همکاری می کرد. وی در ۱۳۳۸ ق به تهران آمد و انجمن ادبی ایران و انجمن ادبی حکیم نظامی را تأسیس کرد و همچنین در ۱۳۳۸ ق مجله ادبی «ارمغان» را طی دوره ای بیست و دو ساله در تهران تأسیس و منتشر نمود. وحید در اوایل ورود خود به تهران در حلقه

وحشتی جوشقانی کاشانی. (وف ۱۰۱۲-۱۰۱۴ ق)، شاعر. در جوشقان از توابع کاشان به دنیا آمد. وی از شاگردان محتشم کاشانی و غیرتی بود. وی با ابوتراب بیگ فرقتی (م ۱۰۲۶ ق) دوستی داشت. به شیراز رفت و پس از آن به هند مسافرت کرد و در زمان محمد قلی قطبشاه (۹۸۹-۱۰۲۰ ق)، در گلکنده ساکن شد و همان جا نیز درگذشت. دکتر صفا در «تاریخ ادبیات در ایران» آورده که برخی تذکرها و وحشتی را همان خواجه حسین کاشی که تقی کاشی در «خلاصه الاشعار» نام برده، دانسته اند. از آثارش: «دیوان» شعر، شامل دو هزار بیت.

تاریخ ادبیات در ایران (۸۶۹/۵-۸۷۰)، تاریخ نظم و نثر

(۵۱۷)، تذکره روز روشن (۸۹۷-۸۹۶)، الذریعه

(۱۲۶۳/۹-۱۲۶۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۹۷۹)،

فهرست نسخه های خطی فارسی (۲۵۹۸/۳)، کاروان هند

(۱۵۱۹-۱۵۱۴/۲)، لغت نامه (ذیل/وحشتی)، مجمع

الخواص (۲۲۳-۲۲۵).

وحشی بافقی، مولانا شمس الدین/کمال الدین

محمد. (وف ۹۹۱ ق)، شاعر، متخلص به وحشی. در بافق به دنیا آمد. بافق را گاه از توابع کرمان و گاه از توابع یزد می نویسند به همین سبب، وحشی را گاه یزدی و گاه کرمانی گفته اند. برادر بزرگش مرادی بافقی در تربیت او و آشنا کردنش با محفل های ادبی نقش مؤثری داشت. او مدتی نیز در خدمت شرف الدین علی بافقی به کسب دانش و ادب پرداخت. وی پس از آموختن مقدمات ادب از بافق به یزد و از آنجا به کاشان رفت و مدتی در آن شهر به شغل مکتب داری مشغول بود. پس از مدتی به یزد بازگشت و در آنجا به شاعری پرداخت. دوران کمال شاعری را در یزد گذراند و ممدوح و حامی واقعی او غیاث الدین محمد میر میران حاکم یزد بود. وحشی در دستگاه حکومتی یزد با عده ای از شاعران محلی مانند مولانا موحّدالدین فهمی و محتشم کاشانی و شجاع الدین غضنفر کاشانی و تابعی خوانساری آشنایی و گاه معارضه داشت. دوران حیات وی با پادشاهی شاه طهماسب و شاه اسماعیل صفوی و شاه محمد خدابنده (۹۸۵-۹۹۶ ق) مصادف بود که وحشی، شاه طهماسب را ستوده و در مورد شاه اسماعیل نیز ماده تاریخی داشته است. وحشی در یزد درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. درباره چگونگی مرگ وی در بین تذکره نویسان اختلاف وجود دارد. از آثار وی: «ساقی نامه»؛ مثنوی «ناظر و منظور»، در هزار و پانصد و شصت و نه بیت، در بحر «خسرو و شیرین» نظامی؛ «فرهاد و شیرین»، در هزار و هفتاد بیت، که بقیه آن را وصال

«خلوت راز»، در دو هزار و دویست بیت؛ «راز و نیاز» یا «ناز و نیاز»، در دو هزار و دویست بیت؛ «عاشق و معشوق»، به وزن «لیلی و مجنون»، در یک هزار و سیصد بیت؛ «فتح نامه قندهار»، در چهار صد و شصت بیت؛ «آلات جنگ»، در هشتصد بیت؛ «گلزار عباسی»، در ششصد و شصت بیت؛ «ساقی نامه»، «عباسنامه» یا «تاریخ شاه عباس ثانی» یا «تاریخ طاهر وحید»، در تاریخ دوران شاه عباس دوم؛ «منشآت»؛ مثنوی «شهر آشوب»؛ «دیوان» شعر.

آتشکده آذر (۱۲۱۱/۳-۱۲۲۰)، احوال و آثار خوشنویسان (۷۸۴/۳)، ایضاح المکنون (۵۳۷/۱)، تاریخ ادبیات ایران، بسراون (۱۷۵/۴)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۳۴۶-۱۳۵۱)، تاریخ تذکرةهای فارسی (۶۵۴/۱-۶۵۵)، تذکرة روز روشن (۹۰۵-۹۰۱)، تذکرة المعاصرین (۲۶۲-۲۷۴)، تذکرة نصرآبادی (۲۰-۱۷)، دانشمندان آذربایجان (۸۰)، دایرةالمعارف فارسی (۳۱۴۹/۲)، الذریعة (۲۰/۱)، ۱۲۶۷-۱۲۶۶/۹، ۱۸۵/۱۹، ریحانة (۳۱۱-۳۱۰/۶)، سبک شناسی (۲۵۹/۳)، سرو آزاد (۱۳۵-۱۳۲)، فرهنگ سخنوران (۹۸۰-۹۷۹)، کتابشناسی نظامی گنجوی (۴۱۶)، کلمات الشعراء (۱۸۷-۱۹۰)، لغت نامه (ذیل/وحید قزوینی)، مجمع الفصحا (۱۰۵/۴)، منظومه‌های فارسی (۶۱۶-۶۰۸)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۱/۳)، مینودر (۸۷۴-۸۷۲/۲)، نتایج الانکار (۷۴۳-۷۴۰)، یادگار (س) ۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۱۸-۱۲۰).

وحید گلپایگانی، میرزا هدایت‌الله، فرزند ملا محمد جواد نخعی. (۱۳۱۸/۱۳۰۸-۱۳۹۴/۱۳۹۵ ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس. وی در قریه گوگرد گلپایگان به دنیا آمد. مقدمات و سطوح را در زادگاه خویش نزد پدر فراگرفت. آن‌گاه در ۱۳۲۶ ق به اراک رفت و از محضر درس آیت‌الله آقا نور اراکی و حجت الاسلام حاج میرزا محمد علی خان استفاده نمود. سپس ملازمت آیت‌الله حایری را اختیار کرد و در ۱۳۴۰ ق همراه با آیت‌الله حایری به قم مهاجرت نمود و تا ۱۳۵۰ ق از مباحث فقه و اصول ایشان استفاده برد و نیز در موقع تبعید آیات عظام نجف از عراق به ایران، از بحث قاعده (علی الید) آیت‌الله اصفهانی بهره‌مند گردید. پس از درگذشت پدرش به گلپایگان بازگشت و به امر و تشویق آیت‌الله حایری حوزه علمیه‌ای در آنجا تأسیس نمود و خود به تدریس پرداخت. در ۱۳۶۴ ق مجدداً به قم بازگشت و از محضر آیت‌الله بروجردی استفاده نمود. آن‌گاه در ۱۳۶۷ ق به تهران آمد و تا پایان عمر در این شهر به انجام وظایف دینی و تدریس در

میردادن صفی علیشاه درآمد. وی مدتی در اداره انتظامات وزارت معارف مشغول کارگشت. او در شعر ابتدا لمعه تخلص می‌کرد، ولی بعدها به دستور میرزا یحیی بیدآبادی تغییر تخلص داد. وی در تهران درگذشت و در امامزاده عبدالله شهرری دفن شد. از آثارش: «انقلاب ادبی»؛ «ره آورد فرید»، سفرنامه چهار محال و تاریخچه وقایع اصفهان و جنوب ایران؛ تصحیح کتابهای: «اسکندر نامه» نظامی گنجوی، «اقبالنامه» نظامی گنجوی، «تذکرة نصرآبادی» میرزا محمد طاهر نصرآبادی، «جلالیر نامه» قائم مقام فراهانی، «خمس» نظامی گنجوی؛ اهتمام در انتشار کتابهای: «تحفة سامی» سام میرزا صفوی، «جام جم یا جام جهان نما» اوحدی مراغی، «خسرو و شیرین» نظامی گنجوی، «دیوان» امیر فراهانی، «دیوان» بابا طاهر عربان.

ادبیات نوین (۳۳، ۴۵، ۵۱، ۷۶، ۳۴۰، ۳۴۷)، از صبا تا نیما (۳۲۵-۳۲۲/۲)، تاریخ جراید (۱۲۱۱/۱-۱۳۶-۵۱/۲)، ۵۲، ۲۸۴)، تذکرة شعرای معاصر اصفهان (۵۲۹-۵۲۶)، تذکرة القبور (۲۷۳)، چهار صد شاعر برگزیده پارسی گوی (۱۱۴۳)، دایرةالمعارف فارسی (۳۱۴۹/۲)، الذریعة (۹/۱۲۶۶-۱۲۶۵)، سخنوران نامی (۵۱۴-۴۹۸/۲)، سخنوران نامی معاصر (۳۸۴۷-۳۸۴۲/۶)، شخصیت‌های نامی (۵۰۶)، شرح حال رجال (۶۶/۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۱۳/۱)، ۳۷۷، ۳۰۳، ۸۰۱، ۸۳۸، ۹۸۶، ۱۰۴۶، ۱۲۶۶، ۱۲۸۸-۱۲۸۹، ۱۵۰۴، ۱۵۰۵، ۱۵۱۲، ۱۵۶۲، ۱۵۶۵، ۱۵۸۹، ۱۵۹۵، ۱۶۶۷/۲، ۱۶۶۸، ۱۶۶۹، ۱۷۹۶، ۱۹۶۵، ۲۱۴۳، ۲۶۶۸، ۲۷۸۱، ۲۸۳۳، ۲۹۶۱، ۳۱۷۰، ۳۳۹۶، ۳۴۰۵، گلزار معانی (۷۳۷-۷۲۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶۲۴-۶۲۳/۲).

وحید قزوینی، عمادالدوله میرزا طاهر/محمد طاهر، فرزند میرزا حسین خان. (س یازدهم و دوازدهم ق)، مورخ، ادیب، خطاط و شاعر، متخلص به وحید. در قزوین به دنیا آمد. در عهد صفویه می‌زیست و از شاعران و منشیان عصر خود بود. وی پس از کسب دانش و مهارت در ادب و خوشنویسی و ترسل و سیاق، وارد خدمات دیوانی و از دفتر نویسان دیوان شد. در زمان شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ق) به منصب واقعه نویسی انتخاب شد و تا زمان شاه سلیمان در این منصب بود. در حاشیه «آتشکده آذر» آمده که وحید با صائب تبریزی مصاحبت و دوستی داشت. در اوایل عهد شاه سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵ ق) از کار کناره گرفت و چندی بعد درگذشت. در مورد تاریخ وفاتش در بین مؤلفان اختلاف است و به تفاوت ۱۱۰۵، ۱۱۰۷، ۱۱۱۰، ۱۱۱۲، ۱۱۲۰ ق نوشته‌اند. از آثار وی:

همچنین مدتی ریاست مدرسه سیاسی را که مشیرالدوله بنیان نهاده بود، به عهده گرفت. وحیدالملک حدود ۱۳۲۲ ق خبرنگار روزنامه «تایمز» انگلیس بود و مقالات و خبرهایی درباره جنبش مشروطیت به آن روزنامه می‌فرستاد. شیبانی نمایندگی مجلس شورای ملی را از طرف مردم تهران در چند دوره عهده‌دار بود. همچنین وی مدتی وزارت پست و تلگراف، معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه را بر عهده داشت. او پس از کناره‌گیری از سیاست، در دانشسرای عالی به تدریس رشته تاریخ پرداخت. وحیدالملک در تهران درگذشت. از آثار وی «تاریخ عمومی قرون وسطی» در سه مجلد می‌باشد. لازم به ذکر است که خانابا مشار، صاحب «مؤلفین کتب چاپی»، سال تولد وی را ۱۲۹۴ ق آورده است.

فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/۷۳۰)، مؤلفین کتب چاپی (۳/۷۳۸)، نخچیان سیاسی (۴/۴۹۲)، وزرای معارف ایران (۷۳-۷۴)، وزیران علوم و معارف و فرهنگ (۱۸۹-۱۹۵)، پنا (س ۵، ش ۱۲، ص ۵۴۱-۵۴۲).

وحیدی تبریزی. (وف ۹۴۲ ق)، ادیب و شاعر. اهل تبریز بود، ولی چون مدتی در قم سکونت داشت، برخی از مؤلفان او را قلمی نوشته‌اند و همچنین صاحب «ریحانة الادب» او را اهل تبریز یا هرات می‌داند. در شناخت اشعار و علم عروض و قافیه مهارت داشت. وی با مولانا حیرتی معاصر و معاشر بود که به سببی یکدیگر را هجو کردند. وحیدی اواخر عمر به گیلان مسافرت کرد و در آنجا درگذشت. مؤلف «الذریعه» وحید تبریزی و وحیدی قمی را دو نفر دانسته است. از آثار وی: «مفتاح البدایع»، در لغت فارسی؛ «الجمع المختصر» یا «مختصر وحیدی»، در عروض و قافیه؛ «شهر انگیز»، برای مردم تبریز؛ «دیوان» شعر.

تاریخ ادبیات در ایران (۵/۴۰۲، ۶۲۹)، تاریخ نظم و نثر (۷۰۷)، تحفه سامی (۲۲۷-۲۲۸)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۳-۳۹۴)، الذریعه (۵/۱۳۹، ۹/۱۲۶۵، ۲۱/۳۲۰)، ریحانه (۶/۳۱۰)، سخنوران آذربایجان (۷۷۹)، صبح گلشن (۵۸۹)، فرهنگ سخنوران (۹۸۰)، مجالس النفائس (۱۶۱)، هفت اقلیم (۲/۵۰۵، ۴/۵۰۵).

وحیدی قمی ← وحیدی تبریزی.

وخشی بلخی، ابوعلی حسن بن علی بن محمد. (۳۸۵-۴۷۱ ق)، حافظ، محدث، زاهد و ادیب. اصل وی از وخش قریه‌ای در حوالی بلخ است. در طلب حدیث به

مدرسه عالی سیهسالار پرداخت. او در تهران درگذشت. پیکرش به قم منتقل و در مقبره شیخان در کنار قبر زکریا بن آدم دفن گردید.

آینه دانشوران (۴۲۵)، گنجینه دانشمندان (۶/۴۳۸، ۴/۵۹۱-۵۹۲).

وحید مازندرانی، غلامعلی/علی، فرزند مصطفی. (۱۲۹۱-۱۳۶۹ ش)، نویسنده و مترجم. در ساری به دنیا آمد. پس از پایان دوره ابتدایی به تهران آمد و تحصیلات متوسطه را در دارالفنون به پایان رساند و در ۱۳۱۴ ش از دانشکده حقوق تهران فارغ التحصیل شد و سپس به خدمت وزارت امور خارجه درآمد. وی به زبانهای فرانسه و انگلیسی آشنایی داشت. او در تهران ابتدا به معاونت و بعد به کفالت اداره عهود و امور حقوقی وزارت امور خارجه مشغول شد و پس از آن ریاست اداره ششم سیاسی در واشنگتن و سرکنسولی ایران در بمبئی و وزیر مختاری ایران در لندن را عهده‌دار گشت. او چندی نیز در هندوستان و اندونزی در سفارت ایران مشغول خدمت بسود. از آثار وی: «اقتصاد ملی»؛ «راهنمای عهود و عهدنامه‌های تاریخی ایران»؛ «ممالک متحده آمریکا»؛ «موسولینی»؛ «هند یا سرزمین اشراق». از آثار ترجمه وی: «بحثی چند درباره انقلابیون این عصر»؛ «تاریخ هردوت»؛ «تاریخ اروپا از انقلاب کبیر فرانسه تا ظهور هیتلر»؛ «تاریخ ایران در قرن نوزدهم»؛ «تمدن غرب در شرق نزدیک»؛ «خواستن توانستن است».

چهره‌های آشنا (۶۴۶-۶۴۷)، الذریعه (۲۵۰/۲۵)، شرح حال رجال معاصر مازندران (۱۵۶-۱۵۸)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۸، ۵۲۰، ۹۵۰، ۱۲۹۳، ۲/۱۶۵۳، ۱۹۹۷، ۲۵۱۳، ۲۸۵۴)، کتاب گیلان (۳/۱۴۳)، ۳۶۰، ۵۴۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴/۷۲۸-۷۳۰).

وحیدالملک شیبانی کاشانی، میرزا عبدالحسین، فرزند میرزا آقاخان. (۱۲۵۲-۱۳۴۲ ق)، نویسنده، مدرس و خبرنگار. در کاشان به دنیا آمد. علوم مقدماتی و ادبیات فارسی و ادبی را در زادگاهش فراگرفت و پس از آن به هندوستان رفت و در آنجا زبان انگلیسی را فراگرفت. سپس جهت ادامه تحصیلات عالی، راهی انگلستان شد و در دانشگاه کمبریج به آموختن تاریخ جهان و ادبیات انگلیسی پرداخت. شیبانی با ادوارد پرون، مستشرق معروف، آشنا و با معرفی او در دانشگاه کمبریج به تدریس زبان فارسی مشغول شد. او در ۱۳۲۷ ق به ایران مراجعت کرد و در مدرسه دارالفنون به تدریس زبان انگلیسی پرداخت و

تاریخ نظم و نثر (۵۹۲)، تحفه سامی (۲۵۸-۲۵۷)، صبح گلشن (۵۹۰).

وزّاق کرمانی، ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن محمد بن موسی. (وف ۳۲۹ ق)، ادیب، نحوی، لغوی و منجم. از علمای نحو و لغت و از شاگردان ثعلب نحوی بود. به حسن خط شهرت داشت و از طریق وراقی و کاغذ سازی امرار معاش می نمود. او صاحب تألیفاتی در زمینه علم لغت و علم نحو می باشد. از آثارش: «الموجز»، در نحو؛ «الجامع فی اللغة»، «ما اغفله الخلیل فی کتاب العین»، و ما ذکر آنه مهمل و هو مستعمل و قد أهمل.

الاعلام (۹۶/۷)، روضات الجنات (۲۸۱/۳)، ریحانة (۳۱۳/۶)، فهرست ابن النديم، ترجمه (۱۳۴)، کشف الظنون (۵۷۶، ۱۸۹۹)، لغت نامه (ذیل / ابو عبدالله)، معجم الادباء (۲۱۳/۱۸)، معجم المؤلفین (۲۴۶-۲۴۷/۱۰)، الوافی بالوفیات (۳۲۹/۳)، هدیة العارفین (۳۵، ۲۴/۲).

ورامینی رازی، قاضی محمد، فرزند قاضی شکرالله. (س دهم ق)، شاعر. از سادات ورامین و کلاتر ری بود. سپس به خدمت سلاطین صفوی درآمد و صاحب مال و مقام شد. وی برادر قاضی عطاءالله، قاضی دربار شاه طهماسب (۹۳۰-۹۸۴ ق) بود. مدتی نیز در ورامین به امر قضاوت اشتغال داشته است. از اوست:

در صحبت رندان دو سه روزم گذر افتاد

خسالی ز ریا بسود مرا نیز در افتاد

تحفه سامی (۵۱)، الذریعه (۸۷۲/۹)، ری باستان

(۳۸۸/۲)، صبح گلشن (۳۸۰)، فرهنگ سخنوران

(۸۱۸)، مجمع الفصحا (۷۹/۴)، هفت اقلیم (۵۰-۴۹/۳).

ورثینی نسفی، ابوالحارث اسد بن حمدویه بن معبد / سعید. (وف ۳۱۵ ق)، عالم و محدث. اصل وی از ورثین از قرای نسف و دانشمندی متفنن در علوم مختلف بود. از طفیل بن زید تمیمی و مثنی بن ابراهیم غوبدینی و ابو عیسی ترمذی و ابومعقوب اسحاق بن ابراهیم دبری و ابوالعباس محمد بن یونس کدیمی و حسن بن عبدالاعلی بوسی و عبیدالله بن محمد کشوری و ابویحیی مکی و جماعتی دیگر حدیث شنید. از آثارش: «الباستان»، در اخبار نسف؛ «العجائب»؛ «اخبار الحسن و الحسین (ع)»؛ «المقتل»؛ کتاب «مفاخرة اهل کس و نسف».

انساب سمانی (۵۸۸/۵)، معجم البلدان (۴۲۷-۴۲۶/۵)،

معجم المؤلفین (۲۴۰/۲)، هدیة العارفین (۲۰۳/۱).

عراق، جبال، شام و مصر سفرهای طولانی نمود و در بلخ، نیشابور، بغداد، اصفهان، دمشق، بصره، مصر، عسقلان، تیس، رمله، قدس، عکّا، حلب و همدان از ابوالقاسم خزاعی و ابوسعید صیرفی و یحیی بن ابراهیم مزکی و ابو عمر بن مهدی فارسی و ابونعیم حافظ و ابوحسین بن بشران و ابو محمد نحاس و تمام بن محمد رازی و محمد بن احمد بن محمد بن مزدین و ابوسعید بن حسنویه و ابوالحسن علی بن قاسم نجاد و عقیل بن عبدان و قاضی ابوبکر حیری و عبدالواحد بن محمد بن مهدی و محمد بن حسین بن فضل قطان و محمد بن احمد بن ابی الفوارس و از جماعتی دیگر حدیث شنید. خطیب بغدادی و عمر بن محمد سرخسی و عمر بن علی محمودی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده اند. خواجه نظام الملک در بلخ از وی حدیث شنید. در بغداد خلیفه عباسی به اتهام قدری بودن دستور به غرق کردن او داد. پس به مصر گریخت و بعد از چندی دوباره مخفیانه به بغداد آمد و از آنجا به بلخ بازگشت، در بلخ به امر خواجه نظام الملک برای وی مدرسه ای بنا نمودند تا در آن حدیث گوید. او در بلخ درگذشت. وی برگزیده ای از احادیثی را که از ابونعیم حافظ شنیده بود، در پنج جزء تحت نام «وَحْشِیَّات» نگاشت. در «کشف الظنون» و به تبع آن در «هدیة العارفین»، «الامالی»، در حدیث و کتاب «التوقیر» از آثار وی شنوده شده است.

الاعلام بوفیات الاعلام (۳۱۲/۱)، انساب سمانی

(۵۷۹/۵)، ایضاح المکنون (۳۴۰/۱)، تذکره الحفاظ

(۱۱۷۴-۱۱۷۱/۳)، سیر النبلاء (۳۶۷-۳۶۵/۱۸)، شذرات

الذهب (۲۳۹/۳)، طبقات الحفاظ (۴۵۹)، العبر

(۳۲۹/۲)، کشف الظنون (۱۶۳، ۵۰۸)، لسان المیزان

(۴۴۶-۴۴۵/۲)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد

(۱۰۳-۱۰۲/۱۹)، توضیح المشتبه (۱۷۶/۹)، معجم

البلدان (۴۱۹/۵)، معجم المؤلفین (۲۶۰/۳)، الوافی

بالوفیات (۱۶۳/۱۲)، هدیة العارفین (۲۷۷/۱).

وداعی حصاری، مولانا وداعی. (س دهم ق)، شاعر.

وی از مردم حصار ماوراءالنهر بود و در هند نشو و نما یافت. گویند مردی درویش مشرب بود، پس از آنکه در هند رنج بسیار دید، به موطن خود بازگشت و از آنجا به کابل و سپس به حجاز رفت. او در عروض و قافیه و معما و اقسام شعر استاد بود. وداعی در سفر حجاز، در بین راه درگذشت. از اوست:

تا زلف دو تـای تو بلای دل ما شد

سودای دل ما، یکی بود، دو تا شد

بصری و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. او در زندان نیشابور درگذشت. در «تذکره الحفاظ» و «هدیه العارفین» وفات وی ۲۹۵ ق ذکر شده است. او آثاری در «سیر» و «سنن» تصنیف نمود. در کتب رجالی از «مسند» وی در حدیث به وضوح یاد شده است.

انساب سماعی (۵۹۸/۵)، تذکره الحفاظ (۵۶۲/۲)، سیرالنبلاء (۵۰۸۵۰۷/۱۲)، شذرات الذهب (۱۴۰/۲)، طبقات الحفاظ (۲۶۶)، معجم المؤلفین (۲۲۹/۲)، هدیه العارفین (۱۹۸/۱).

وزیری، عبدالعلی. (۱۳۶۸-۱۲۹۳ ش)، خواننده و نوازنده. وی در ده سالگی نزد پسر عموی خود، علینقی وزیری، به مدرسه عالی موسیقی رفت و در رشته آواز تحت تعلیم قرار گرفت و خواندن نت و اصول موسیقی را به زودی آموخت و پس از آن، نواختن تار را آغاز کرد. او در ۱۳۰۸ ش آموزشگاه موسیقی را دایر نمود و از ۱۳۰۹ ش در مدرسه موزیک دولتی معلم آواز شد. وزیری از ۱۳۲۵ ش همکاری خود را با رادیو آغاز کرد و اولین خواننده‌ای بود که در برنامه گلهای جاویدان شرکت جست و در ضمن، سولیست خوانندگان ارکستر انجمن موسیقی ملی شد و آهنگهای بسیاری را در رادیو با ارکستر اجرا نمود. او علاوه بر نواختن تار، تارپاس نیز می‌نواخت.

سرگذشت موسیقی (۹۴-۹۳/۲)، مردان موسیقی (۱۷۲-۱۷۳/۱).

وزیری، علینقی، فرزند موسی. (۱۳۵۸-۱۲۶۵ ش)، موسیقیدان، معروف به کلنل وزیری. در تهران به دنیا آمد. در پانزده سالگی تار را نزد دایی خود، حسینعلی خان، فراگرفت و بعد نزد درویش خان و آقا حسینقلی رفت و از شاگردان ممتاز آنها گردید. وی چندی نیز نزد یاور خان، که سرپرست موزیک نظام بود، مقامات موسیقی و نت را آموخت. وزیری مدت سه سال در پاریس و دو سال در آلمان علم هماهنگی (هارمونی) و خط نت و دیگر اصول موسیقی غرب را فراگرفت و از هنرستان موسیقی برلن فارغ التحصیل گردید. پس از بازگشت به ایران، در ۱۳۰۲ ق به تأسیس مدرسه عالی موسیقی در تهران همت گماشت که از جمله شاگردان آن مدرسه، روح الله خالقی، ابوالحسن صبا، موسی معروفی، جواد معروفی و حشمت سنجرى بودند و یک سال بعد اقدام به تأسیس کلوب موزیکال، جهت اجرای کنسرت نمود. او در ۱۳۰۷ ش ریاست مدرسه موزیک (هنرستان عالی موسیقی) را به عهده گرفت و در ۱۳۰۸ ش مدرسه صنایع ظریفه را در

ورزی، ابوالحسن، فرزند حسین فلاح‌زاده. (۱۳۶۸-۱۲۹۳ ش)، شاعر، مترجم و نوازنده. در تهران به دنیا آمد. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه، در ۱۳۱۵ ش به اخذ لیسانس از دانشکده حقوق نایل شد و در همین سال بود که به انجمنهای ادبی تهران راه یافت و با شعرای همعصر خود آشنا گردید. وی هنگام تحصیل در دانشکده حقوق، در دانشکده معقول و منقول (الهیات و معارف اسلامی) هم به تحصیل پرداخت و زمانی که از طرف وزارت دادگستری در شیراز به سر می‌برد، «جامع المقدمات» و «مغنی» و «مطول» تفتازانی و «شرح منظومه» ملاهادی سبزواری و مقداری از «اسفار اربعه» را نزد میرزا علی حکیم آموخت. ورزی در ۱۳۲۰ ش در کابینه اول قوام السلطنه به سمت بازرس مخصوص نخست وزیر انتخاب شد و از آن پس عهده دار مشاغل مختلفی چون رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت فلاحی خراسان، مدیر کل مالی شهرداری تهران، رئیس هیئت مدیره شرکت نجای گیلان، عضو هیئت اعزامی برای خلع ید تأسیسات نفت در زمان دکتر محمد مصدق و غیره بود. او از همان دوران کودکی با شعر و ادب و موسیقی آشنا شد و در محضر اساتیدی مانند موسی نی داوود، نواختن تار و ویولن و سه‌تار را آموخت و با ابوالحسن صبا، حسین تهرانی، روح الله خالقی، علینقی وزیری، غلامحسین بنان، قمرالملوک وزیری، تاج اصفهانی و بسیاری از هنرمندان دیگر مصاحب و معاشر بود. ورزی شاعری غزلسراست، اما در انواع شعر فارسی نیز طبع آزمایی کرده است. وی زبان فرانسه را خوب می‌دانست و اشعاری نیز به این زبان سروده و آثاری را ترجمه کرده است. از آثار منظوم او: «سخن عشق»؛ «رهاورد عمر»؛ «دیوان» شعر. از ترجمه‌های وی: «بررسیهای ادبی» و «هفت صورت عشق» از آندره موروا؛ «نغمه پرداز نامرد» که نام داستانی از داستایوفسکی است به نام «نیه توچکانبتروانف».

از بهار تا شهریار (۴۹۵-۴۹۲/۲)، تاریخ موسیقی (۵۸۶/۲)، چشمه روشن (۷۰۱-۶۹۰)، سخنوران نامی معاصر (۳۸۵۸-۳۸۵۲)، سیمای هنرمندان (۱۳۰/۱)، ۱۵۹، ۲۳۴، ۲۳۵، فرهنگ سخنوران (۹۸۰)، مردان موسیقی (۵۵۷-۵۴۷/۳).

وزدولی عصّار جرجانی، ابویعقوب اسحاق بن ابراهیم بن موسی. (وف ۲۵۹ ق)، حافظ و محدث. وی از عبیدالله بن موسی و آدم بن ابی ایاس و مسلم بن ابراهیم و همطبقه آنها حدیث شنید. عبدالرحمن بن عبدالؤمن جرجانی و ابراهیم بن موسی جرجانی و محمد بن جعفر

عنوان مدرس موسیقی به بین‌النهرین رفت و در کاظمین و کربلا به تدریس مشغول شد. پس از بازگشت به ایران، تحصیلات خود را در هنرستان عالی موسیقی پی گرفت و موفق به اخذ دیپلم شد و متعاقباً بعد از آن به سمت مدرس موسیقی در مدارس بزرگ شهر شیراز منصوب گشت. از خدمات او در شیراز، آشنا ساختن موسیقیدانهای دوره‌گرد به تکنیک موسیقی بود. وزیری تبار در ۱۳۲۰ ش به تهران آمد و معلم موسیقی در آموزشگاهها شد و در همان سال با سمت نوازنده ارکستر نوین در رادیو تهران به کار پرداخت و در ۱۳۲۸ ش به تدریس در هنرستان ملی موسیقی اشتغال یافت. همچنین پس از افتتاح برنامه گلهای با نوازندگانی چون: ابوالحسن صبا، مرتضی محجوبی، حسین تهرانی، نصرالله زرین‌پنجه، جواد معروفی، غلامحسین بنان و عبدالعلی وزیری همکاری کرد و آثاری از خود به جای گذاشت. او زحمت و کوشش فراوانی در تربیت ارکستر ناپینایان کشید. از آثار او: تصنیف «در بیات اصفهان»؛ قطعه «به یاد تو» در دستگاه همایون؛ آهنگ «به یاد شیراز» و نیز صفحات دیگری که از وی به یادگار مانده است.

تاریخ تحول ضبط موسیقی (۲۳۶، ۲۴۰، ۳۰۹، ۳۱۲)،
تاریخ موسیقی (۶۲۵/۲)، سرگذشت موسیقی (۲/۲۶۵)،
مردان موسیقی (۷۱-۶۶/۱).

وَصَافُ الْحَضَرَةِ، شهاب‌الدین / شرف‌الدین عبدالله بن فضل‌الله شیرازی. (ح ۷۳۰/۷۱۹-۶۶۳ ق)، ادیب، مورخ و شاعر، متخلص به شرف. ملقب به وَصَافُ الْحَضَرَةِ. در شیراز به دنیا آمد و همان جا نشو و نما یافت. او مانند پدرش در شمار عمال دیوانی دولت ایلخانیان در فارس درآمد و از خواص خواجه صدرالدین احمد خالدی زنجانی، نایب امیر طغاجار حاکم فارس، گردید. مدتی نیز مورد لطف خواجه رشیدالدین فضل‌الله و غازان خان و سلطان الجایتو قرار گرفت. وی علاوه بر مقام بلند خود در نثر متکلف مصنوع، در شعر عربی و فارسی نیز دست داشته که بسیاری از ابیات و قطعات و قصاید خود را در کتاب خویش ذکر کرده است. قبر وی مابین تکیه چهل تنان و حافظیه است. از آثارش: «تجزیه الامصار و تجزیه الاعصار»، معروف به «تاریخ و صاف»، در ذکر وقایع تاریخی ایلخانیان، در پنج مجلد؛ «دیوان» شعر.

از سعدی تا جامی (۹۲-۹۴)، الاعلام (۲۵۲/۴)، اعیان الشیعه (۶۵/۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۳/۱۲۵۹-۱۲۶۲)، تاریخ نظم و نثر (۱۲۳-۱۴۴)، حبیب السیر (۱۹۷/۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۵/۷۹۹-۷۹۹).

رشت دایر نمود و مدیریت آنجا را به ابوالحسن صبا سپرد. کلنل وزیری در ۱۳۱۵ ش با سمت استادی در دانشگاه تهران به تدریس تلفیق شعر و موسیقی، تاریخ هنر، آیین نمایش و زیبایی‌شناسی پرداخت و بعدها ارکستر نوین را نیز برای رادیو دایر کرد. وی در ۱۳۵۰ ش به استادی ممتاز دانشگاه برگزیده شد. وزیری در بسیاری از زمینه‌های موسیقی مبتکر بود که از آن جمله می‌توان به ایجاد موسیقی چند صدایی، نوشتن ردیف موسیقی ایرانی به خط نت بین‌المللی، تعیین گامهای موسیقی ایرانی، ذکر ویژگیهای ردیف و ساختن قطعات ابتکاری اشاره کرد. او بعد از عارف، نخستین کسی بود که موسیقی ایران را از انزوا بیرون آورد و در دسترس عام بطور علمی قرار داد. وی در نواختن تار، ویولن، سه‌تار، پیانو و خواندن آواز مهارت داشت. موسیقیدانان بزرگ ایران معتقدند که استاد علینقی وزیری پدر موسیقی جدید ایران است. از آثار وی: آهنگهای «به سوی تخت»؛ «مارش ظفر»؛ «مارش ایران»؛ «مارش اصفهان»؛ «بند باز»؛ «تک نوازی»؛ «دخترک ژولیده»؛ «نیمه شب»؛ «خریدار تو»؛ «شکایت نی»؛ «سمفونی شوم به نام «سمفونی نفت» و اپرت‌های «دایی کچل» و «گلرخ». از آثار نمایشنامه‌ای وی: «خانم خوابند»؛ «تشک پر فو». از آثار چاپی وی: «دستور تار»؛ «در عالم موسیقی و صنعت»؛ «سرودهای مدارس»؛ «دستور ویولن»؛ «موسیقی نظری»؛ «دستور جدید تار»؛ «زیبایی شناسی»؛ «تاریخ هنرهای مصور».

استادان موسیقی (۷۰)، تاریخ برگزیدگان (۵۶۹-۵۷۰)،
تاریخ تحول ضبط موسیقی (۱۸۶، ۱۴۱، ۲۱۵، ۲۳۰، ۲۴۰، ۲۶۱، ۳۰۴، ۳۵۷-۳۵۹، ۳۸۵)، تاریخ موسیقی (۲/۴۹۰-۴۹۱، ۵۷۸، ۵۹۱)، سرگذشت موسیقی (۲/۳۴۷-۱)، سیمای هنرمندان (۱/۱۵۱-۱۵۲، ۱۶۴)،
مردان موسیقی (۱/۳۹-۴۲).

وزیری تبار، حسینعلی، فرزند مبصر همایون. (۱۲۸۵-۱۳۳۷ ش)، موسیقیدان. در تهران به دنیا آمد. در نوجوانی به خاطر علاقه‌ای که به موسیقی داشت، به مدرسه موزیک نظام رفت و مبانی علمی موسیقی غربی را فراگرفت و سپس وارد دسته موزیک شد. با افتتاح مدرسه موسیقی دولتی در ۱۳۰۷ ش، وی نیز با شرکت در کلاسهای این مرکز به تکمیل معلوماتش در زمینه ساز مورد علاقه خود، یعنی قره‌نی، پرداخت و بعد نزد ابراهیم خان منصوری، ردیفها را آموخت. وزیری تبار مشهورترین و موفق‌ترین نوازنده قره‌نی در زمان خود بود. او با ساکسیفون و ویولن نیز آشنایی داشت. وی در ۱۳۱۰ ش به

و صحافی متبحر بوده و آورده‌اند هنگامی که فتحعلی شاه برای بازدید خطه فارس به شیراز رفته بود، وصال قرآنی را که با هفت نوع خط نوشته و در تذهیب و تجلید آن هنرمندی بسیار به کار برده بود، به شاه تقدیم کرد و فتحعلی شاه نیز کمالات وی را ستود. از مصاحبان و معاشران او قآنی شیرازی است. وصال در طول حیاتش، یکبار به عزم سفر هندوستان، از زادگاه خود به بوشهر رفت، لیکن در آنجا از سفر خود متصرف شد و دوباره به شیراز بازگشت. وی در اواخر عمر نابینا شد و سپس در شیراز درگذشت و در بقعه شاهچراغ به خاک سپرده شد. از آثار او: مثنوی «بزم وصال»، در هفت هزار بیت؛ تکمیل «فرهاد و شیرین» وحشی بافقی؛ ترجمه «اطواق الذهب» زمخشری، به فارسی؛ «سفینه»، در تفسیر احادیث قدسیه؛ «صبح وصال»، به سبک «گلستان» سعدی؛ «دیوان» شعر از خطوط او: یک نسخه «اوصاف الاشراف» خواجه نصیر، به قلم کتابت متوسط، با رقم: «حرره العبد الاقل محمد شفیع المشهور بمیرزا کوچک، المتخلص بوصول سنه ۱۲۳۹»؛ ادعیه نیم ربعی، نسخ کتابت و نستعلیق کتابت خفی خوش، با رقم: «اقل... میرزا کوچک مسمی بمحمد شفیع متخلص بوصول... ۱۲۴۳»؛ یک نسخه «کلیات» سعدی، به قلم نستعلیق کتابت خفی خوش، با رقم: «حرره العبد... میرزا کوچک ابن المرحوم میرزا محمد اسمعیل الشیرازی... سنه ۱۲۴۵»؛ یک نسخه دفتر اول «مثنوی» مولانا، به قلم کتابت خفی عالی، با رقم: «... محمد شفیع المشتهر به میرزا کوچک المتخلص بوصول فی دارالعلم شیراز ۱۲۴۶»؛ یک نسخه «حدیقه الحقیقه» سنایی، به قلم کتابت جلی خوش، با رقم: «کتبه العبد العاصی محمد شفیع متخلص بوصول الشیرازی... سنه هزار و دویست و پنجاه و پنج»؛ چند نسخه از کلام الله مجید، به خط نسخ و رقاع عالی و خوش، با تاریخهای ۱۲۳۶، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵ و ۱۲۵۹ ق و قطعات مختلف دیگر.

آثار عجم (۳۵۸)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۷۷-۱۱۷۵/۴، ۷۶۲-۷۵۵/۳)، از صبا تا نیما (۴۴-۴۰/۱)، اطللس خط (۳۵۹-۳۵۸)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۰۵-۲۰۳/۴)، تاریخ موسیقی (۳۸۳-۳۸۲/۱)، ۴۲۰، ۴۲۱)، تاریخ هنرهای ملی (۹۵۹-۹۵۸/۲)، حدیقه الشعراء (۱۹۸۷/۳-۲۰۰)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۸۱۳-۸۰۳/۵)، دایرة المعارف فارسی (۳۱۷۰/۲)، الذریعه (۱۹۰/۱۶، ۱۲۶۸/۹)، روضة الصفا (۱۳۲/۱۰)، ریاض المارفين (۳۵۰-۳۳۷)، ریحانه (۳۳۰-۳۲۱/۶)، سفینه المحمود (۵۲۱-۵۱۴/۲)، شرح حال رجال

(۸۰۳)، دایرة المعارف فارسی (۳۱۶۹/۲-۳۱۷۰)، الذریعه (۱۲۶۸/۹، ۳۵۸/۳)، ریحانه (۳۱۸/۶-۳۲۰)، سبک شناسی (۱۰۳-۹۹/۳)، صبح گلشن (۵۹۱)، فارسانه ناصری (۱۱۴۵/۲)، فرهنگ سخنوران (۴۹۹)، لغت نامه (ذیل/اوصاف الحضرة)، مجمع الفصحا (۱۴۴۸/۳)، مرآت الفصاحه (۶۸۷-۶۸۵)، معجم المؤلفین (۱۰۲/۶)، مؤلفین کتب چاپی (۹۸۲-۹۸۱/۳)، هدیه المارفين (۴۶۴/۱).

وصاف شیرازی ← وصال الحضرة.

وصاف قاجار، موسی خان. (س سیزدهم ق)، شاعر. وی از نجبای ایل قاجاریه و به فصاحت و بلاغت مشهور بود. دیوان بیگی (وف بعد از ۱۳۱۳ ق)، صاحب «حدیقه الشعراء»، با وصال قاجار دیداری داشته است. از آثار وی «دیوان» شعر می باشد. از اوست: طایر بال بسته ام کنج قفس نشسته ام دانه ام آر نمی دهی بشکنی از چه بال من حدیقه الشعراء (۱۹۸۷/۳)، الذریعه (۱۲۶۸/۹)، گلزار جاویدان (۱۷۰۴/۳)، مجمع الفصحا (۱۰۹۱-۱۰۹۰/۶).

وصال شیرازی، میرزا محمد شفیع، فرزند محمد اسماعیل. (۱۲۶۲-۱۱۹۷ ق)، عالم، ادیب، شاعر، عارف و خطاط. مکنی به ابوحامد. مشهور به میرزا کوچک. وی از هنرمندان ذوفنون بود که در شیراز به دنیا آمد. خاندانش در دوره صفویان و افشاریان و زندیان دارای مناصب دیوانی بودند و خود نیز از بزرگان دانش و ادب و هنر در دوره فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار بود. او در آغاز جوانی به تحصیل دانش پرداخت و از علوم و فنون عصر خویش بهره کافی یافت و چون دارای ذوق و مشرب عرفانی بود، دل در صحبت مشایخ صوفیه بست و به میرزا ابوالقاسم سکوت سر سپرد. میرزا محمد شفیع در نوشتن خطوط سبعة استاد بوده و بویژه، در نسخ و نستعلیق مهارت بسزایی داشته است. از شاگردان وی در خط نستعلیق، میرزا فتحعلی حجاب شیرازی است. در شعر، عمده شهرت او به واسطه غزلیات عارفانه و مراثی شورانگیزی است که به پیروی از محتشم کاشانی سروده است. همچنین قصایدی نیز در مدح شاهان قاجار و بزرگان شیراز دارد. وی در نخستین اشعار خود مهجور تخلص می کرد، اما پس از آشنایی با میرزا ابوالقاسم سکوت تخلص وصال را برگزید. وصال علاوه بر این فضایل، صدایی خوش داشت و مشهور است که سه تار نیز می نواخته است. وی گویا در نقاشی و تذهیب

خوش می نوشت. از آثار او قطعه‌ای است به اقلام مختلف از جمله شکسته تعلیق نیم دو دانگ خوش، با رقم: «این صفحه مرقوم شد برسم مطالعه شریف اعلیحضرت ... سلطان عادل، آنکه بود:

بود سلطان درویشان عالم
بدرویشی و سلطانی مسلم
خلد الله ایام حکومته و دولته الی یوم الدین کتبه الحقیق
وصفی».

احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۸۴/۴-۱۲۸۵).

وصفی هروی، ملا وصفی، (ز ۹۲۸ ق)، شاعر. وی نبیره ملا معین واعظ و با مؤلف تذکره «مجالس النفائس»، امیر علیشیر نوایی (۹۰۶-۸۴۴ ق)، معاصر بود. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

خوبان شهر فتنه و آشوب می‌کنند
کاری که می‌کنند، همه خوب می‌کنند
آتشکده آذر (۷۷۷/۲)، تحفه سامی (۲۷۹)، الذریعه (۱۲۷۰/۹)، فرهنگ سخنوران (۹۸۲)، مجالس النفائس (۱۶۵).

وصلی تهرانی، میرزا محمد طاهر بیگ، فرزند محمد شریف هجری. (س دهم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به وصلی. برادر میرزا غیاث بیگ و عموی نورجهان بیگم، همسر جهانگیر شاه، بود. همراه پسر خود میرزا محمد صادق که در زمان جهانگیر شاه (۱۰۱۴-۱۰۳۷ ق) و شاه جهان (۱۰۳۷-۱۰۶۹ ق) منصب دیوانی داشت، به لاهور رفت و به کار دیوانی مشغول شد. مؤلف «عرفات العاشقین» در ۱۰۲۴ ق در آگره او را دیده است. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است. مؤلف «الذریعه» وصلی تهرانی را با وصلی سارانی یکی می‌داند. در صورتی که مؤلف «فرهنگ سخنوران» آنها را جدا کرده است.

تاریخ ادبیات در ایران (۴۷۹/۵، ۱۰۹۸، ۱۶۸۸)، الذریعه (۱۲۷۰/۹)، صبح گلشن (۵۹۳)، فرهنگ سخنوران (۹۸۲-۹۸۳)، کاروان هند (۱۵۲۲-۱۵۲۴)، هفت اقلیم (۷۰-۷۱/۳).

وصلی خوانساری، مولانا وصلی. (س دهم ق)، شاعر. اصل وی از ولایت خوانسار بود. در کاشان نشو و نما یافت. برادر لطفی خوانساری بود. ابتدا در عراق به سر می‌برد بعد از آن مصاحب و ملازم میر محمد یوسف صدر استرآبادی شد. بعد از عزل میر محمد یوسف از صدارت همراه او به زیارت حرمین شریفین رفت و از راه دریا به هند مسافرت

(۲۳۸-۲۳۹)، صبح گلشن (۵۹۱-۵۹۲)، طرائق الحقائق (۳۶۵-۳۷۰)، فارسنامه ناصری (۹۹۷-۹۹۰/۲)، فرهنگ سخنوران (۹۸۱)، کارنامه بزرگان (۳۵۲-۳۵۳)، گنج سخن (۱۹۷/۳-۲۰۰)، مجمع الفصحا (۱۰۹۱/۶-۱۱۳۱)، مرآت الفصاحه (۶۸۷-۶۹۱)، مصطفی خراب (۲۰۲-۲۰۶)، مکارم الآثار (۶۶۱/۱-۶۶۹/۵)، مؤلفین کتب چاپی (۴۳۳/۳-۴۳۴)، نگارستان دارا (۲۷۵-۲۷۶)، یادگار (س ۱، ش ۳، ص ۶۷-۷۱).

وصلی تبریزی، سلطان محمد. (س دهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به وصلی. در تبریز به دنیا آمد. وی در کتابت نستعلیق متبحر بود و شعر نیز می‌سرود. وی هنگام سفر به هند در کاشان با تقی الدین کاشانی، صاحب «خلاصة الاشعار»، ملاقات نمود.

احوال و آثار خوشنویسان (۲۸۰-۲۸۱/۱، ۲۸۱-۲۸۰/۳، ۹۵۵-۹۵۴)، تاریخ نظم و نثر (۷۰۷)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۴)، الذریعه (۱۲۶۹/۹)، فرهنگ سخنوران (۹۸۱)، کاروان هند (۱۵۱۹/۲-۱۵۲۰).

وصلی رازی، قاضی محمد غفاری. (وف ۹۳۲ ق)، شاعر، متخلص به وصلی. قاضی شهر ری بود. در نثر و نظم و فنون شعر مهارت داشت. صاحب مؤلف «الذریعه» و «تحفه سامی»، مثنوی «پنج فصل» را به او نسبت می‌دهند. از اوست:

چو من دیوانه هرگز قدم در دشت غم نهاد
دران وادی که من سر می‌نهم مجنون قدم نهاد
تاریخ نظم و نثر (۶۶۵)، تحفه سامی (۱۲۰-۱۲۱)، الذریعه (۱۲۶۹/۹، ۱۳۲/۱۹)، ریحانه (۲۴۸/۴-۲۴۹)، صبح گلشن (۵۹۲)، فرهنگ سخنوران (۹۸۱-۹۸۲)، لغت نامه (ذیل/قاضی غفاری).

وصلی مازندرانی، میرزا رضا. (س سیزدهم ق)، شاعر. در ساری به دنیا آمد. از جوانی به تحصیل مقدمات علم پرداخت و در مدرسه دارالفنون به تحصیل علوم طبیعی مشغول گشت. در زمان حکمرانی اردشیر میرزا قاجار (م ۱۲۸۹ ق) به منصب کتابداری منصوب شد. از آثارش: «دیوان» شعر.

حدیقه الشعراء (۲۰۰۴-۲۰۰۰/۳)، الذریعه (۱۲۶۹/۹)، شمیرای مازندران و گرگان (۳۴۵-۳۴۶)، گنج شایگان (۴۶۶-۴۷۷)، مجمع الفصحا (۱۱۵۷/۶-۱۱۷۰).

وصفی. (س یازدهم ق)، خطاط. وی همه اقلام را

سپید آهنگ است، از جمله: «شب جدایی»؛ «گل اومد بهار اومد»؛ «یار نازنین»؛ «عشق تو»؛ «گلنار»؛ «آمد، آمد»؛ «مرا ببوس»؛ «گل سفید»؛ «صبا به یار عزیز».

تاریخ تحول ضبط موسیقی (۳۰۹، ۳۱۰، ۳۲۵)، تاریخ موسیقی (۵۸۸/۲)، سرگذشت موسیقی (۴۵۷/۱)، سیمای هنرمندان (۱۷۲/۱)، مردان موسیقی (۲۵۴-۲۴۸/۱).

وفای اشرفی، میرزا مهدی قلی. (س سیزدهم ق)، شاعر. اصلش از گرجیان صفویه است و با بزرگان اشرف البلاد (بهشهر کنونی) مواصلت نمود. او منشی منوچهر خان معتمدالدوله گرجی (م ۱۲۶۳ ق) بود. از آثارش: «دیوان» شعر.

حدیقه الشعراء (۲۰۴/۳)، الذریعه (۱۲۷۱/۹)، مجمع الفصحاء (۱۰۹۱/۶).

وفای زواره‌ای، میرزا محمد علی، فرزند محمد طباطبایی اصفهانی. (۱۲۴۸-۱۱۹۵ ق)، شاعر، متخلص به وفای. از شاعران عهد فتحعلی شاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۱۲ ق) از سادات زواره اصفهان بود. در اصفهان به تحصیل پرداخت. سپس مدتی در تهران معلم فرزندان حاجی محمد حسین خان صدر اصفهان بود. با ملک الشعرای صبا معاشرت و مصاحبت داشت و در طب، ریاضی، فقه، حدیث، عروض و قافیه و فنون شعری مهارت یافت. از آثار وی: «مآثر الباقیه»، در شرح حال و اشعار مداحان سید محمد باقر شفتی پیدآبادی؛ «دیوان» شعر.

تاریخ تذکره‌های فارسی (۱۱۷-۱۱۰/۲)، حدیقه الشعراء (۲۰۶-۲۰۵/۳)، الذریعه (۱۲۷۲/۹)، ریسحانه (۳۳۳/۶)، سفینه‌المحمود (۲۲۵-۲۲۴/۱)، فرهنگ سخنوران (۹۸۳)، مصطفی خراب (۲۰۷)، یغما (س) ۱۸، ش ۴، ص ۱۸۱-۱۸۲.

وفای شریعتی، محمد علی، فرزند میرزا ابوطالب. (تو ۱۲۸۸ ش)، حقوق‌دان. در سمنان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه ادب سمنان و تحصیلات متوسطه را در دارالفنون به پایان رساند. سپس به دانشسرای عالی راه یافت و فارغ التحصیل شد و آنگاه در دانشکده حقوق تهران به ادامه تحصیل پرداخت و در ۱۳۱۵ ش موفق به دریافت لیسانس حقوق شد و بعد از آن وارد خدمات قضایی در وزارت دادگستری گردید. وی از ۱۳۱۵ ش تا ۱۳۲۷ ش عهده‌دار مشاغل متعددی در دادگستری از جمله: دادیاری دادسرای تهران، بازپرسی تهران، بازرسی

کرد. بعد از مرگ امیر محمد در دریا و نجات وصلی، او به شهر گلکنده رفت و در ملازمت ابراهیم قلی قطبشاه (۹۸۹-۹۵۷ ق) درآمد. بر سر چگونگی مرگ وی بین مؤلفین اختلاف است. از اوست:

یک نفس جان در غمت بی ناله جانسوز نیست
حال بیمار غمت امروز چون هر روز نیست
فرهنگ سخنوران (۹۸۲)، کاروان هند (۱۵۲۰-۱۵۲۲).

وصلی شیرازی، میر نعمت الله. (ز ۱۰۲۸ ق)، ادیب و شاعر، متخلص به وصلی. از سادات طباطبایی شیراز بود. پدرش در شیراز به میر پنبه‌زن شهرت داشت. وی شاگرد و پسر خوانده مرشد بروجردی بود. وقتی مرشد در هند بود به دلگرمی دیدار او به هند رفت و در سند به او پیوست و در جرگه ملازمان و مداحان میرزا غازی ترخان درآمد و مدتی نیز با فخرالزمانی قزوینی، معاشر بود. بعد از فوت میرزا غازی (م ۱۰۲۱ ق) به اجمیر، پنجاب و لاهور مسافرت کرد. وی به همراه محمود بیگ ترکمان به بنگش، نزد الله دادخان افغان رفت و پس از چندی به حضور جهانگیر شاه رسید، ولی دوباره بازگشت و در بنگش، ساکن شد. فخرالزمانی در تذکره «میخانه» آورده که از ۱۰۲۸ ق دیگر از او خبری ندارم و قریب چهار هزار بیت از قصیده و غزل و رباعی و مثنوی داشت و هنوز دیوانی ترتیب نداده بود. از آثار وی: «ساقی نامه»؛ «دیوان» شعر.

تذکره میخانه (۶۷۳-۶۶۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۱۴-۸۱۵/۵)، الذریعه (۱۲۷۰/۹)، کاروان هند (۱۵۲۵-۱۵۲۴/۲).

وفادار، مجید، فرزند میرزا محمد خان. (۱۲۹۱-۱۳۵۴/۱۳۵۷ ق)، موسیقیدان. در تهران به دنیا آمد. پدرش مدیریت کتابخانه مدرسه کالج را بر عهده داشت و او نیز در همان مدرسه به تحصیل پرداخت. پس از اتمام دوره متوسطه، به موسیقی علاقه مند شد و در محضر حسین خان اسماعیل زاده نواختن ویولون را آموخت. سپس در کلاس رضا محجوبی پیش درآمدها و ضربها را فراگرفت و ردیف میرزا حسینقلی را نیز نزد علی اکبر شهنازی آموخت. بعدها به یادگیری نت علاقه‌مند شد و ابتدا نزد آلبریک، یکی از همشاگردیهای ارمنی خود و بعد در محضر ابوالحسن صبا نت خوانی را فراگرفت. وفادار بعد از تأسیس رادیو در ۱۳۱۹ ش، همکاری خود را با این سازمان آغاز نمود و تا ۱۳۳۹ ش برای رادیو نوازندگی و آهنگسازی کرد. وی در ضمن رهبری و ارکستری شماره سه را نیز در رادیو بر عهده داشت. ساخته‌های او بالغ بر

از مؤلفان معتقدند در زمان لطفعلی خان زند (۱۲۰۳-۱۲۰۹ ق) به زیارت خانه خدا مشرف شد و در قزوین درگذشت، اما مؤلف «شرح حال رجال ایران» آورده که وی در زمان آقا محمد خان قاجار با برادر خود به عتبات عالیات رفت و تا آخر عمر در آنجا ساکن شد و تا ۱۲۱۲ ق زنده بوده است. مؤلف «طرائق الحقائق» کتاب «تاریخ زندیه» را به او نسبت می‌دهد و وی را برادر میرزا عیسی قائم مقام ذکر می‌کند. از آثار وی: «مثنوی» بر وزن هفت پیکر نظامی؛ «دیوان» شعر قریب به چهار یا پنج هزار بیت. حدیقه الشعراء (۱۳/۳-۲۰۱۵)، الذریعه (۹/۱۲۷۲)، ریحانه (۶/۳۳۳-۳۳۲)، سفینه‌المحمود (۱/۲۲۸-۲۲۹)، شرح حال رجال (۶/۲۲۷-۲۲۸)، صبح گلشن (۵۹۵-۵۹۶)، طرائق الحقائق (۳/۲۵۰-۲۵۱)، فرهنگ سخنوران (۹۸۴)، گلزار جاویدان (۳/۱۷۱۲)، مجمع الفصحا (۶/۱۰۸۹-۱۰۹۰)، نگارستان دارا (۱۴۵-۱۴۷).

وفای قمی، میرزا شرف‌الدین علی خان. (وف ح ۱۲۰۰ ق)، شاعر مشهور به آقاسی بیگ. از سادات قم بود. نسبش از طرف پدر به میرزا محمد هاشم حسینی و از طرف مادر به ملا عبدالرزاق فیاض می‌رسد. در زمان نادرشاه افشار (۱۱۴۸-۱۱۶۰ ق) به هندوستان رفت. بعد از ورود نادر به دهلی، شرف الدین به حجاز مسافرت کرد و بعد از مراجعت نادرشاه به ایران، شرف الدین از مکه معظمه به هند بازگشت و تا آخر عمر آنجا ماند تا درگذشت. مؤلف «الذریعه» وفای قمی را با وفای همدانی یکی می‌داند. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

تذکره روز روشن (۵/۹۰۵-۹۰۶)، حدیقه الشعراء (۳/۲۰۱۵-۲۰۱۶)، الذریعه (۹/۱۲۷۲)، سفینه المحمود (۱/۲۲۴)، فرهنگ سخنوران (۹۸۴)، نتایج الانکار (۷۶۹-۷۷۰).

وفای نایینی، میرزا حسینعلی، فرزند میرزا محمد علی. (س سیزدهم و چهاردهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به وفا. وی برادر کوچکتر میرزا حسنعلی خان طایر، صاحب تذکره «نائین» است. در سنین جوانی، در حدود ۱۲۸۷ ق گلشن تخلص می‌کرد، سپس در حدود ۱۳۰۲ ق تغییر تخلص داد. وی با مقدمات عربی و ادبیات و طب آشنایی داشت. خط شکسته و نستعلیق را هم خوب می‌نوشت. از آثار او: شرحی بر قصیده «لامیه العجم» طفرایی.

حدیقه الشعراء (۳/۲۰۱۹-۲۰۲۰).

قضایی و ریاست دادگاه بود. وفا برای مطالعه درباره امور حقوقی به کشورهای فرانسه، سوئیس و انگلستان سفر نمود. وی به زبان فرانسه و عربی تسلط داشت. از جمله اقدامات نیکوکارانه ایشان حفر چاه و تعمیر قنوات نوکلاته سمنان است.

تاریخ قومس (۴۵۰).

وفای شیرازی، میرزا حسنعلی، فرزند میرزا سید علی. (۱۲۲۴-۱۲۷۶ ق)، طبیب، خطاط و شاعر، متخلص به وفا. مشهور به میرزا بزرگ طبیب. در شیراز به دنیا آمد. در خدمت پدر کسب کمال کرد و در علم طب مهارت یافت. وی خط نستعلیق را خوب می‌نوشت و در زمینه شاعری نیز تبحر داشت. در ۱۲۵۴ ق به هندوستان مسافرت کرد و از آنجا به سفر حج رفت. وفا در مدح محمد علی پاشا، خدیو مصر، که در مکه او را ملاقات کرد، قصیده‌ای سرود. از طریق مصر و اسکندریه برای تکمیل علم طب به اروپا رفت و مدتی در شهرهای پاریس و لندن مشغول تحصیل بود، سپس به هندوستان برگشت و چند سال در کلکته به تدریس طب اشتغال داشت. وی در راه بازگشت به ایران به منظور زیارت مشهد رضوی، از کلکته به بمبئی رفت و در آنجا درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر، شامل کلیات، قصاید، غزلیات، قطعات و رباعیات، حدود پانزده هزار بیت.

احوال و آثار خوشنویسان (۱/۹۹-۱۰۰)، حدیقه الشعراء (۳/۲۰۰۷-۲۰۰۹)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۵/۸۱۵-۸۲۰)، الذریعه (۹/۱۲۷۲)، صبح گلشن (۵۹۵)، فارسنامه ناصری (۲/۱۱۰۸-۱۱۱۲)، فرهنگ سخنوران (۹۸۴)، مرآت الفصاحه (۶۹۳-۶۹۴)، مصطفی خراب (۲۰۸-۲۰۷).

وفای طباطبایی اصفهانی، وفای زواره‌ای، میرزا محمد علی.

وفای فراهانی، میرزا محمد حسین حسینی. (س دوازدهم و سیزدهم ق)، ادیب و شاعر، متخلص به وفا. وی برادر میرزا حسن و عموی قائم مقام اول و از سادات فراهان بود. او بعد از کسب علوم متداوله به شیراز رفت. در عهد لطفعلی خان زند می‌زیست و عهده‌دار منصب وزارت بود. با عبدالرزاق دنبلی مؤلف «نگارستان دارا» معاصر و معاصر بود. در نظم و نثر و فن سیاق تبحر داشت و در زمینه نظم بیشتر به غزلسرایی متمایل بود. وفا در نظم از شیوه میرزا صادق نامی و مشتاق اصفهانی پیروی می‌کرد. بعضی

نام آن را «طبقات بابری» نامیده است.

تاریخ ادبیات در ایران (۶۲۵/۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۱۱، ۶۳۴)، الذریعه (۱۲۷۳/۹)، ریحانه (۳۳۴/۶)، صبح گلشن (۵۹۷-۵۹۶)، فرهنگ سخنوران (۹۸۵)، کاروان هند (۱۵۲۷-۱۵۲۸).

وفایی شوشتری، ملا فتح الله، فرزند ملا حسن بن ملا رحیم. (وف ۱۳۰۴ ق)، عالم دینی، عارف و شاعر، متخلص به وفایی. جد او ملا رحیم از شادگان خوزستان به شوشتر مهاجرت کرد و در آنجا اقامت گزید. لذا به شوشتری معروف شدند. صاحب عنوان علاوه بر تبحر در علوم دینی، در فنون شعر و ادب نیز دست داشت و بیشتر اشعار وی در مدح و منقبت پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) می باشد. شیخ علی بن محمد صالح شوشتری از شاگردان وی است که کتاب «معالم» را در ۱۲۴۹ ق به خط خویش نوشت و آن را بر وفایی قرائت کرد. از آثارش: «الجبر و الاختیار»، «سراج المحتاج»، در سیر و سلوک؛ «شهاب ثاقب»، در رد صوفیه که آن را به امر آیت الله شیخ جعفر شوشتری تألیف نمود؛ «دیوان» شعر.

حدیقه الشعراء (۲۰۲۱-۲۰۲۱/۳)، الذریعه (۸۲۸۱/۵)، حدیقه الشعراء (۱۲۷۴-۱۲۷۵، ۱۶۱/۱۲، ۲۵۱/۱۴)، ریحانه (۳۳۴/۶)، (۳۳۵)، الکنی و الالقاب (۲۸۸/۳).

وفایی مهابادی، میرزا عبدالرحیم، فرزند ملا غفور. (وف ۱۲۶۴-۱۳۱۸ ق)، شاعر. در سابلخ (مهاباد فعلی) به دنیا آمد. پس از فراگیری مقدمات، در مدرسه مسجد سور به ادامه تحصیل پرداخت و از محضر فضیای آنجا بهره برد. وفایی به زبانهای عربی و ترکی آشنایی داشت و بیشتر به زبان کردی شعر می سرود. وی در مهاباد مکتبدار بود. وفایی در بیست و یک سالگی به قصد استانبول از مهاباد بیرون رفت، اما پس از رسیدن به نهریه و ملاقات شیخ عیبالله شمرینایی از ادامه سفر منصرف شد و در همان جا ماند و به طریقه نقشبندیه داخل شد و یک سال بعد از آن که شیخ مرشدش از سفر حجاز مراجعت نمود به مهاباد بازگشت. وفایی دو بار به حج رفت و در سفر دوم در مراجعت بین راه درگذشت. لازم به ذکر است که صاحب «فرهنگ سخنوران» سال وفات وی را ۱۳۳۲ ق ذکر کرده است. از اوست:

گل گفت به بلبل که به ما یک دله باش
جانباز و پر از نیاز و با حوصله باش
هنگام سحر اگر به یک خنده من
اشکال تو حل نگشت پس در گله باش

وفایی اصفهانی. (س دهم ق)، شاعر، متخلص به وفا. اهل اصفهان بود. در زمان اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ ق)، به هندوستان مسافرت کرد. با صادقی کتابدار، صاحب «مجمع الخواص»، (م ۱۰۱۷/۱۰۱۸ ق) معاصر بود. مدتی در خدمت زین خان کولکناش و در ۱۰۲۴ ق در ملازمت ظفرخان بن زین خان به سر می برد و گویند در امور دیوانی و سپاهیگری نیز تبحر داشت. تقی اوحدی، صاحب «عرفات العاشقین»، او را در گجرات دید. وی مدتی به کشمیر و لاهور رفت. اشعاری از وی در تذکره ها آمده است.

تاریخ ادبیات در ایران (۴۵۷/۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۳۰)، الذریعه (۱۲۷۳/۹)، صبح گلشن (۵۹۶)، فرهنگ سخنوران (۹۸۴)، کاروان هند (۱۵۲۷-۱۵۲۵/۲)، مجمع الخواص (۲۸۹).

وفایی اکبر آبادی ← وفایی خوافی اکبر آبادی.

وفایی تفرشی، عبدالله بیگ/میرزا عبدالله خان، فرزند محمد حسین. (س سیزدهم ق)، شاعر. اصلش از تفرش بود و در شیراز نشو و نما یافت. مدتی در اصفهان به تحصیل پرداخت و سپس به تهران آمد و از ملازمان علی شاه ظل السلطان شد. وی پس از مدتی به خدمت شیخعلی میرزا وارد شد و بعد از آن از محضر میرزا ابوالقاسم شیرازی (م ۱۲۸۶ ق) بهره برد. وفایی در زمان سلطان محمد شاه (۱۲۵۰-۱۲۶۴ ق) وفات نمود. اشعارش در بعضی از تذکره ها آمده است.

حدیقه الشعراء (۲۰۲۱-۲۰۲۰/۳)، الذریعه (۱۲۷۳/۹)، سفینه المحمود (۲۳۱-۲۲۹/۱)، فرهنگ سخنوران (۹۸۵)، نگارستان دارا (۱۴۷-۱۴۸).

وفایی خوافی اکبر آبادی، شیخ زین الدین. (وف ۹۴۴/۹۴۰ ق)، مورخ و شاعر، متخلص به وفایی. وی نبیره شیخ زین الدین خوافی و از شعرا و دانشمندان خراسان بود. در عهد ظهیرالدین محمد بابر شاه (۹۳۲-۹۳۷ ق) در هندوستان منصب صدارت داشت و در زمان همایون شاه (۹۳۷-۹۶۳ ق) نیز به امارت رسید. وفایی در نظم و نثر، تاریخ و معما تبحر داشت. در هند، مسجد و مدرسه ای ساخت. وی در هند درگذشت و در مدرسه خود به خاک سپرده شد. از آثار وی: کتابی تاریخی در فتوحات هند؛ «دیوان» شعر. به آورده مؤلف «کاروان هند» او کتاب «بابرنامه یا واقعات بابری» بابر شاه را که به زبان جغتایی بوده، ترجمه کرده و مشهودات خود را نیز به آن افزوده و

فرهنگ سخنوران (۹۸۶)، مشاهیر کرد (۶۸۶۵/۲).

وفایی هروی، ملا وفا. (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به وفا. وی وفایی نیز تخلص می‌کرد. اهل هرات و از شاگردان میر فصیحی انصاری هروی (م ۱۰۴۹ ق) بود. در ۱۰۱۸ ق در عهد اکبر شاه به قصد سیر و سیاحت به هندوستان رفت. تقی‌الدین اوحدی در مندو او را ملاقات نموده است. پس از آن به برهانپور رفت و عبدالرحیم خان خانان را مدح کرد و از انعام او بهره‌مند شد. اوحدی گوید که وی در ۱۰۲۴ ق قصد مراجعت به وطن داشته که به آورده مؤلف «کاروان هند» اگر این امر عملی شده باشد، او دوباره به هند رفته است، زیرا میرزا محمد صادق مینای اصفهانی در زمان حکومت قاسم خان جوینی (۱۰۳۸-۱۰۴۱ ق) او را در بنگاله دیده است. وفایی به اصفهان برگشت و همان جا درگذشت، مؤلف تذکرة «روز روشن» از قول «نشر عشق» و «شمع انجمن» می‌گوید که وی در عهد شاه جهان به بنگاله رسید و وارد هند شد. اشعاری از وی در تذکرةها آمده است.

تذکرة روز روشن (۹۰۶)، تذکرة نصرآبادی (۳۳۸)، تاریخ نظم و نثر (۶۶۵)، الذریعة (۱۲۷۵-۱۲۷۶)، صبح گلشن (۵۹۷)، فرهنگ سخنوران (۹۸۶)، کاروان هند (۱۵۲۸-۱۵۳۰)، مآثر رحیمی (۱۳۹۷-۱۴۰۰).

وفایی یزدی، میرزا محمد علی/محمد. (س سیزدهم ق)، شاعر. وی از اعیان سلسله ضرابیان یزد بود. در ابتدا تحصیل مقدمات صرف و نحو کرد و بعد به شاعری مایل شد. او با وامق نایینی، صاحب تذکرة «شعراي نایین»، معاصر بود. لازم به ذکر است رضا قلیخان هدایت، صاحب «مجمع الفصحا»، نام وی را آقا محمد و از شاعرانی که مداحی حکام می‌نمود، آورده است. از آثارش: «دیوان» شعر.

تذکرة سخنوران یزد (۳۳۱-۳۳۳)، حدیقة الشعراء (۲۰۲۷-۲۰۲۸)، الذریعة (۱۲۷۶/۹)، مجمع الفصحا (۱۰۹۰/۶).

وقار شیرازی، میرزا احمد، فرزند محمد شفیع وصال. (۱۲۳۲-۱۲۹۸ ق)، شاعر، ادیب و خطاط. وی فرزند بزرگ وصال شیرازی بود که در شیراز به دنیا آمد. بعد از فراگیری مقدمات به تحصیل فقه و اصول و حکمت الهی پرداخت و پس از اتمام تحصیل به تألیف و تصنیف همت گماشت. وی در اصناف شعر متبحر و در فن انشا مهارت داشت. وقار در ۱۲۶۶ ق با برادر خود میرزا

محمود حکیم به هندوستان رفت و در مدت توقفش در بمبئی، کتاب «مثنوی» مولوی را در مدت چهار ماه با خط خوش نوشت و به چاپ رسانید و سپس به زادگاه خود بازگشت. در ۱۲۹۰ ق به زیارت عتبات رفت و در راه بازگشت، به تهران آمد و مورد عنایت ناصرالدین شاه واقع شد. وقار علاوه بر نستعلیق، خطوط نسخ و رقاع و شکسته نستعلیق را استادانه می‌نوشت و بویژه در خط نسخ کمتر نظیر داشت. وی در شیراز درگذشت و در جوار پدر خود به خاک سپرده شد. از آثار او: «انجمن دانش»، به سبک «گلستان» سعدی؛ «رموز الامارة»، ترجمه و شرح نامه حضرت علی (ع) به مالک اشتر؛ مثنوی «بهرام و بهروز»؛ «روزنامه خسروان پارسی»، که فرهنگ شیرازی آن را «تاریخ ملوک عجم» خوانده است؛ مثنوی «خضر و موسی»؛ «قانون الصدارة»؛ «مرغزار»، که نثری مسجع به روش «کلیله و دمنه» دارد؛ کتاب «مجالس السنة و محافل الازمنة»، به سبک «کشکول» شیخ بهایی؛ «عشره کامله»، در ذکر مصایب امام حسین (ع) و اصحاب و اولادش؛ رساله‌ای در تفسیر آیه «لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک و ماتاخر»؛ «شرح شش رباعی محتشم»، در دوازده فصل؛ «تاریخ چهارده معصوم»، که توسط فرزندش، همت شیرازی، تکمیل شده است؛ «دیوان» شعر و چند رساله کوچک و ناتمام دیگر. از خطوط او: قرآن نیم ورقی، جلد روغنی کار علی اشرف، متن نسخ کتابت خوش و ترجمه نستعلیق کتابت خفی متوسط و پایان رقاع کتابت خوش، با رقم: «حرره... خادم الفقراء احمد المتخلص بوقار... ۱۲۸۱»؛ قرآن وزیری، نسخ کتابت خفی خوش و حواشی نستعلیق و شکسته خفی خوش، سر سوره‌ها و آخر رقاع کتابت خوش، با رقم: «کتبه و حرره... احمد الشیرازی المتخلص بالوقار... ۱۲۷۸»؛ یک نسخه «صحیفة سجادیة»، نسخ کتابت خفی خوش، با رقم: «... احمد الوقار فی سنة ۱۲۸۵»؛ یک نسخه «شرح اسماء قدسیه»، نسخ کتابت جلی و خفی و رقاع خوش، با رقم: «کتبه العبد... احمد الوقار ابن المرحوم الوصال الشیرازی فی سنة ۱۲۷۴»؛ یک نسخه «دعای کمیل»، نسخ کتابت و رقاع خوش، با رقم: «... و انا العبد احمد الشیرازی المتخلص بالوقار... سنة ۱۲۸۱».

آثار عجم (۳۵۸-۳۵۶)، احوال و آثار خوشنویسان (۵۶-۵۵/۱)، ۱۰۴۳-۱۰۴۱/۴، اطلس خط (۵۶۴)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۰۵/۴)، تاریخ هنرهای ملی (۹۸۶-۹۸۵/۲)، حدیقة الشعراء (۲۰۴۰-۲۰۲۸/۳)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۸۳۳-۸۲۱/۵)، الذریعة (۳۶۵/۲)، ۱۶۵/۳، ۱۲۷۷-۱۲۷۶/۹، ۳۱۱-۳۱۰/۲۰.

فرهنگ سخنوران (۹۸۷)، مجمع الخواص (۱۹۴-۱۹۲)،
مکتب وقوع (۵۸۳-۵۶۳).

وقوعی سمنانی ← وقوعی نیشابوری، میر محمد
شریف.

وقوعی نیشابوری، میر محمد شریف حسینی. (وف
۱۰۰۲ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به وقوعی. از سادات
اسحاق آباد نیشابور و خواهرزاده امیر شاه میر معیر بود.
تربیت و تحصیلاتش در خراسان صورت گرفت. او از
شعرای مکتب وقوع بود که در زمان شاه طهماسب صفوی
(۹۸۴-۹۳۰ ق) از صاحب منصبان دیوان شاهی بود. از
جوانی در بیشتر فنون، خاصه تاریخ، ادب و خط مهارت
داشت، خط شکسته را خوب می‌نوشت و از این رو به
محمد شریف شکسته نویس شهرت یافت. سپس به هند
رفت و مدتها در ملازمت شهاب الدین احمد خان
نیشابوری که از اعیان دربار اکبر شاه و از خویشانش بود، به
سربرد. بعد از مرگ وی به درگاه عبدالرحیم خان، خان
خانان پیوست و از مداحان خاص او شد و توسط او در
۹۹۸ ق به دربار اکبر شاه راه یافت. دکتر صفا در «تاریخ
ادبیات در ایران» آورده که وقوعی را به سبب اعتقادات
خاصی که در مسائل دینی داشت کافر می‌دانستند، اما او
قصیده‌هایی در ستایش ائمه اطهار (ع) سروده، که دلیل
پایداریش در تشیع بوده است. گویند وقوعی کتابهای
نقیسی در اختیار داشت که پس از مرگ وی باقی ماند. وی
در لاهور درگذشت. از آثار وی: «مجامع الاخبار» یا «مجمع
الاخبار»، که تاریخ مجمل عالم است از خلقت تا سال هزار
هجری؛ «دیوان» شعر.

تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۸۱/۵-۱۶۸۴)، تاریخ نظم و نثر
(۳۵۷، ۴۲۵، ۷۱۰)، تذکره روز روشن (۹۱۰-۹۱۱)،
الذریعه (۱۲۷۸/۹-۱۲۷۹)، ریاض العارفین (۲۳۷)،
فرهنگ سخنوران (۹۸۷)، کاروان هند (۱۵۳۱/۲-۱۵۳۵)،
مآثر رحیمی (۶۸۷/۳-۶۹۷)، مکتب وقوع (۵۸۹-۵۸۴)،
مفت اقلیم (۲۷۵-۲۷۳/۲).

وقوعی هروی. (س دهم و یازدهم ق)، شاعر. مشهور به
میر واعظ. اهل هرات و ساکن بدخشان بود. در عهد اکبر
شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ ق) به هندوستان رفت و از مداحان وی
گردید. همچنین صاحب «الذریعه» و تذکره «روز روشن»،
صاحب عنوان را وقوعی هروی دانسته‌اند. اشعاری از وی
در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

ریحانه (۳۳۸-۳۳۶/۶)، شرح حال رجال (۲۶-۲۵/۶)،
صبح گلشن (۵۹۹)، طرائق الحقائق (۳۷۴-۳۷۲/۳)،
فارسانه ناصری (۱۰۰۵-۹۹۷/۲)، فرهنگ سخنوران
(۹۸۶)، المآثر و الآثار (۲۱۵)، مجمع الفصحا (۱۱۳۲/۶-
۱۱۵۳)، مرآت الفصاحه (۷۰۱-۶۹۷)، مکارم الآثار (۳/
۹۴۹-۹۵۰)، مؤلفین کتب چاپی (۴۹۴-۴۹۳/۱)،
مدیه العارفین (۱۸۹/۱).

وقاری طبسی ← وقاری یزدی، ملا محمد امین.

وقاری یزدی، ملا محمد امین، فرزند ملا عبدالفتاح
طبسی. (ز ۱۰۹۸ ق)، شاعر، متخلص به وقاری. مولانا
شمس الدین محمد طبسی جد اعلای وقاری و خود اهل
طبرس بود و چون بسیار در یزد ساکن بوده به یزدی مشهور
شده است. استادان وقاری عبارت بودند از: عموی وی ملا
عبدالکریم طبسی، خلیل قزوینی، ملا محمد صادق یزدی،
ملا محمد باقر یزدی و غیره. در اکثر علوم دینی و دنیوی و
در فنون شعر، معما، انشا و در خط ثلث، نسخ و تعلیق تبحر
داشت. مؤلف «الذریعه» از قول مؤلف «نجوم السماء»
آورده است که محمد امین قطعه‌ای در تاریخ وفات محقق
خوانساری (۱۰۹۸ ق) گفته است. وقاری در ۱۰۷۰ ق به
اصفهان رفت و در ۱۰۸۲ ق در آنجا دیوانش را جمع آوری
نمود. از آثار وی: «گلدسته اندیشه»؛ «دیوان» شعر.

تذکره نصرآبادی (۱۷۹-۱۸۱، ۴۸۶-۴۸۷، ۵۳۰)، جامع
مفیدی (۴۳۷-۴۳۶/۳)، الذریعه (۱۰۵/۹-۱۲۷۸-۱۲۷۷)،
صبح گلشن (۲۱۲-۲۱۱/۱۸)، فرهنگ
سخنوران (۹۸۷-۹۸۶).

وقایع نگار، میرزا صادق ← همای مروزی، میرزا
صادق وقایع نگار.

وقوعی تبریزی، مولانا محمد شریف، فرزند حدادی.
(وف ۱۰۱۸ ق)، خطاط و شاعر. اهل آذربایجان بود و از
شعرای مکتب وقوع شمرده می‌شد و در زمینه غزلسرای
مهارت داشت. وی با تقی الدین اوحدی (۹۷۳-۱۰۳۰ ق)
و صادقی کتابدار (م ۱۰۱۸/۱۰۱۷ ق) معاصر بود. وقوعی
مسافرت‌های زیادی کرد تا عاقبت در عتبات ساکن شد و
همان جا درگذشت. از آثار وی: «دیوان» شعر، قریب به ده
هزار بیت. گویند قصیده‌ای در وصف گرگ به نام «گرگ
نامه» داشته است.

آتشکده آذر (۱۴۵/۱)، تاریخ نظم و نثر (۵۱۳-۵۱۲)،
دانشمندان آذربایجان (۳۹۵-۳۹۴)، الذریعه (۱۲۷۸/۹)،

گر سرم خاک رخت گردد و بر باد رود
نیست ممکن که خیال رخت از یاد رود
تذکره روز روشن (۹۱۱)، الذریعه (۱۲۷۹/۹)، فرهنگ
سخنران (۹۸۷)، کاروان هند (۱۵۸۲/۲).

وکیل الملک، فضل الله طباطبایی. (ز ۱۳۱۹ ق)، خطاط.
ملقب به وکیل الملک. از سادات آذربایجان و از خاندان
میرزا رفیع نظام‌العلمای تبریزی و از پیشکاران و کارگزاران
آن سامان و از منشیان دربار ناصرالدین شاه قاجار بود. وی
خط نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت. از آثار او: دو
قطعه از دو مرقع، با رقمهای: «بنده درگاه کیوان جاه فضل
الله طباطبایی سنه ۱۲۸۱» و «برای یادگاری... آقای لسان
الدوله... سنه ۱۳۱۹، فضل الله الطباطبایی».
احوال و آثار خوشنویسان (۵۷۱-۵۷۲).

وکیلی، علی. (تو ۱۲۹۰ ش)، پزشک، نویسنده و استاد
دانشگاه. وی تحصیلات متوسطه را در دارالفنون به پایان
رساند و پس از طی مقدمات طب، جهت ادامه تحصیل در
۱۳۰۹ ش عازم فرانسه شد. پس از موفقیت در آزمون
مسابقه کارورزی تا اواخر ۱۳۱۶ ش، در بخش بیماریهای
درونی بیمارستانهای پاریس به کارورزی اشتغال داشت.
سپس در ۱۳۱۷ ش پسایان نامه خود را درباره
«فیزیولوژی انفارکتوسها» با درجه ممتاز گذراند و از
دانشکده پزشکی پاریس با مدرک دکتر فارغ التحصیل
شد. او در خلال سالهای ۱۳۱۶ تا ۱۳۱۷ ش گواهینامه‌های
طب مستعمراتی و مناطق گرمسیر و دوره‌های تکمیلی
میکروب شناسی، آسیب شناسی، خون شناسی،
انگل شناسی و بیماریهای زنان را دریافت نمود. دکتر وکیلی
در ۱۳۱۸ ش به ایران بازگشت و عهده‌دار مشاغل از
جمله: دانشیاری بیماریهای داخلی، مدرسی بیماریهای
دستگاه گوارش و استادی کرسی بیماریهای داخلی بود. از
آثار وی: «بیماریهای خون»، «بیماریهای دستگاه تنفس»،
«بیماریهای کبد»، «بیماریهای صفرا»، «بیماریهای تغذیه و
رماتیسم»، گردآورنده حسن ملکوتی، «بیماریهای دستگاه
گردش خون»، گردآورنده نعمت الله کرامتی، «بیماریهای
دستگاه گوارش»، گردآورنده ابوالفضل هشتروندی،
«بیماریهای ریه و برونش»، با مشارکت محمد حسین
اردوبادی.

زندگینامه مشاهیر رجال پزشکی معاصر (۱-۸۷/۹۱)،
فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵،
۵۶۷)، مؤلفین کتب چاپی (۴/۴۴۵-۴۴۶).

وکیلی، علی، فرزند اعتضادالممالک تبریزی. (تو
۱۳۰۵ ق)، نویسنده. او یکی از مؤسسين و فعالان نمایش و
سینما در ایران بود. در تبریز به دنیا آمد. در کودکی به تهران
آمد و در مدرسه آلیانس درس خواند و پس از پایان
تحصیلات به تجارت پرداخت. وکیلی بعد از استقرار
مشروطیت به استانبول رفت و در زمان شوستر وارد
خدمت وزارت دارایی گردید. او از ۱۳۰۳ ش به بعد وارد
کار نمایش فیلم شد و سالتهایی با سلیقه‌های گوناگون
تأسیس کرد. هر چند که در این کار ناموفق بود، ولی با
ایده‌های خود تحولی در این زمینه بوجود آورد. وکیلی
چندین دوره از طرف مردم تهران نماینده مجلس شد. از
جالبترین کارهای او ترجمه فارسی برای فیلمها بود. وی
همچنین در ۱۳۰۹ ش مجله «سینما و نمایشات» را در
تهران تأسیس و منتشر کرد. از دیگر آثارش: «تجارت»،
«علاج چیست؟»، «فراموش مکن»، «نشر اسکناس».

تاریخ جراید (۵۵/۳)، تاریخ سینمای ایران (۲۸-۳۰)، روز
شمار تاریخ (۱/۱۷۴، ۱۷۹، ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۳۸، ۲۸۵)،
زندگینامه رجال و مشاهیر (۲/۲۵۷)، مؤلفین کتب چاپی
(۴/۴۴۴)، نخبگان سیاسی (۴/۴۹۳).

ولایت الله گلپایگانی. (س دوازدهم ق)، خطاط و شاعر.
وی از شاگردان محمد صالح اصفهانی (م ۱۱۲۶ ق) بود،
در شعر طبعی موزون داشته است. از آثار وی: کتیبه سردر
مدرسه میرزا حسین خان در محله بیدآباد، به خط
نستعلیق، با رقم: «العبد المذنب ولایت الله گلپایگانی».
آثار ملی اصفهان (۵۰۱)، احوال و آثار خوشنویسان
(۳/۹۵۵)، گنجینه آثار تاریخی اصفهان (۴۹۹).

ولایی، محمد جواد، فرزند محمد تقی. (س چهاردهم
ق)، شاعر، متخلص به افسر. در خوانسار به دنیا آمد. وی با
کار نویسندگی لوايح و اسناد، گذران زندگی می‌کرد. در
سنین جوانی غزلیاتش را در مجله «دعوت اسلامی» به
چاپ می‌رساند. ولایی از حسن خط با بهره و خط شکسته
زیبایی دارد. از آثار وی مثنویات «مشکاة العشق»، «سربازان
حسین» و «اسرار فاطمیه» است.
تذکره شعرای خوانسار (۱۹-۲۲)، مؤلفین کتب چاپی
فارسی (۲/۴۱۰-۴۱۱).

ولوالجی، ظهیرالدین ابوالفتح عبدالرشید بن ابی
حنیفه نعمان بن عبدالرزاق. (۴۶۷- پس از ۵۴۰ ق)، فقیه
حنفی. در ولوالج از توابع بدخشان به دنیا آمد. در بلخ فقه
آموخت. مدتی در کش ساکن بود و سپس به سمرقند رفت.

شاهزاده‌ای که کلاه عمامه پرداری بسر نهاده، با رقم: «قلم ولی جان»؛ تصویر شیری که به روی زمین دراز کشیده و در بالای تصویر به خط نستعلیق رقم نهاده: «ولیعجان استاد»؛ تصویر فرشته‌ای که خود را آرایش کرده و نوارهای البسه وی به اطراف گسترده شده، با رقم: «ولی جان بن قاسم»؛ تصویر آبرنگی جوانی در شیوه لونی و استاد محمدی، که البسه بلندی با پیراهن گلدار پوشیده و به خط نستعلیق غبار چنین رقم نهاده: «ولی»؛ تصویر یک مرد فرنگی که البسه مخصوص زمان خود را پوشیده و کلاهی به سر نهاده و مشغول نواختن سازی است، با رقم: «ولیعجان».

احوال و آثار نقاشان (۱۴۰۹-۱۴۰۴/۳)، مناقب هنروران (۱۰۶-۱۰۷)، هنر عهد تیموریان (۵۸۸-۵۸۷).

ولی حسینی. (ز ۹۲۵ ق)، خطاط. از سادات قم و از کتبه‌نویسان بناهای مذهبی این شهر بود و خط ثلث را ماهرانه می‌نوشت. از آثار وی: کتبه برجسته مدخل حرم حضرت معصومه (س) در قم، به خط ثلث یک دانگ کتبه عالی، با رقم: «...شاه اسمعیل الصفوی...سنة خمس و عشرين و تسعمائة کتبه ولی الحسینی»؛ کتبه سر در ورودی صحن قدیم، به خط ثلث چهار دانگ عالی، با رقم: «...بتاریخ خمس و عشرين و تسعمائة کتبه ولی الحسینی».

احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۲۵/۴)، گلستان هنر (۳۳).

ولی دشت بیاضی، میرزا محمد ولی. (مقتول ۱۰۰۱ ق)، شاعر، متخلص به ولی. اهل دشت بیاض قاین بود. در آغاز جوانی که اواخر عهد شاه طهماسب صفوی بود، به قزوین رفت. در آنجا با ضمیری اصفهانی، محتشم کاشانی و وحشی بافقی و دیگران معاشرت داشت. در زمان شاه اسماعیل (۹۸۵-۹۸۴ ق) به خراسان مراجعت کرد و در آنجا با شاعرانی چون: شکیبی اصفهانی، ثنایی مشهدی و میرزا قلی میلی معاشرت داشت. محمد ولی از شاگردان مولانائاری تونی شمرده می‌شد که مشوق وی در سرودن شعر بود و از تربیت شدگان سلطان ابراهیم میرزای صفوی (م ۹۸۴ ق) است که در شهرهای مشهد، سبزوار و قزوین ملازم او بود. وی در بازگشت به وطن به کاشان رفت و در آنجا با صاحب «خلاصة الاشعار» ملاقات کرد. محمد ولی به سیستان نیز مسافرت کرد و مورد احترام ملک محمد قرار گرفت، وی مدت یکسال در آنجا به سربرد و قصایدی در مدح ملک محمود گفت. محمد ولی سرانجام به دلیل سرسختی در حمایت از تشیع و عداوت شدید مخالفان، به فرمان دین محمد خان ازبک، پسر جان بیگ، خواهرزاده

و در آنجا سکنی گزید. او در بلغ از ابوالقاسم احمد بن محمد خلیلی و ابوجعفر محمد بن حسین سنجانی و در بخارا از ابوبکر محمد بن منصور نسفی و احمد بن سهل عتایی حدیث شنید. سمعانی از وی روایت کرده است. در ولوالج درگذشت. او «الامالی» را در زمینه فقه تصنیف کرد. «الفتاوی الولوالجیه» اثر مشهور اوست.

الاعلام (۱۲۶/۴)، معجم البلدان (۴۴۱/۵)، معجم المؤلفین (۲۲۰/۵)، هدیة العارفین (۵۶۸/۱).

ولوالجی مروی، ابوعبدالله محمد بن صالح. (س چهارم ق)، شاعر. وی از شعرای عهد سامانی و غزنوی است که گویند مقدم شاعران سلطان محمود غزنوی (۳۸۹-۴۲۱ ق) بوده است. عوفی در «لباب الالباب» آورده که خواستند دو بیت فارسی ولوالجی را به عربی ترجمه کنند، ولی نتوانستند تا اینکه خواجه ابوالقاسم، فرزند ابوالعباس اسفراینی با کوشش فراوان، توانست آن را ترجمه کند. برخی تذکره‌ها شهرت وی را نوایحی ذکر کرده‌اند. اشعاری از وی در تذکره‌ها آمده است.

تاریخ ادبیات در ایران (۴۲۱/۱)، تاریخ نظم و نثر (۲۲)، الذریعه (۹۸۵/۹)، شاعران بی‌دیوان (۲۰۹-۲۱۰)، فرهنگ سخنوران (۸۱۸)، لباب الالباب (۲۲/۲)، مجمع الفصحا (۱۱۶۷/۳).

ولی استرآبادی. (س نهم ق)، نقاش. از آثار او: تصویر اژدهای سهمناکی، که در روی صخره‌ها قرار گرفته و عده‌ای تماشاچی، با ترس و حیرت تمام، به عظمت و دهشتناکی اژدها حیران گشته‌اند، با رقم: «اثر مولانا ولی استرآبادی».

احوال و آثار نقاشان (۱۴۰۱/۳).

ولی‌الله مصور ← ولی مصور.

ولی تبریزی، ولی‌الله حکیم‌باشی ← آق‌الر آذربایجانی.

ولی جان تبریزی، فرزند قاسم. (س دهم ق)، نقاش. اهل تبریز و از شاگردان سیاوش بیگ گرجی بود. وی در شبیه سازی و آرایش البسه و زرافشانی و سرلوحه سازی و حل‌کاری مهارت داشت و تا حدی به اصول پرسپکتیو آشنا بود. ولی‌جان در تذهیب و اسلیمی سازی سیاه قلمی نیز دست داشت و در فن تذهیب شیوه‌های ابتکاری به کار می‌برد. از آثار او: شبیه سازی

حیات وی مصادف است با صدارت امیر علیشیر نوایی (۸۴۴-۹۰۶ ق) و سلطان حسین بایقرا (۸۷۳-۹۱۱ ق). از شاگردان وی در تذهیب و خط ثلث، روح الله میرک هروی است که در مواردی از روی کارهای استاد مشق می نموده است. از آثار وی: کتیبه سر در مسجد جامع زیارتگاه، در هرات که به خط ثلث است؛ تصویر پر مهارت سلطان حسین بایقرا در البسه سلطنتی که در بالای آن، شعری با خط نستعلیق نوشته شده و چنین رقم نهاده: «بنده ولی مصور»؛ جلد روغنی زیبایی در شیوه گل و مرغی دوره تیموری و سبک هراتی، با رقم: «عمل ملا ولی»؛ تصویر سلطان حسین بایقرا در جوانی که بر روی قالیچه ای نشسته و در پایین تصویر نیز چند خط نوشته شده و رقم آن به خط تحریری چنین است: «تصویر سلطان حسین بایقرا - بنده ولی مصور»؛ تصویر شکارگاه سلطنتی که در گوشه چپ و پایین نقاشی به خط نستعلیق رقم نهاده: «عبده ولی مصور»؛ تصویر شتری که به زنجیری بسته شده، با رقم: «عبده ولی مصور».

احوال و آثار نقاشان (۱۴۰۴-۱۴۰۱/۳)، خوشنویسان و هنرمندان (۱۶، ۹۹، ۱۰۰، ۱۳۲)، گلستان هنر (سی و سه، سی و نه)، هنر قلمدان (۲۱).

ولیه، فروغ الملوك، فرزند ظهیرالسلطان، (ز ۱۳۳۶ ق)، نقاش. در آبرنگ مهارت داشت. از آثار وی: تصویر آبرنگی برادرش، محمدناصرخان، خان خانان، که به شیوه صنیع الملک پرداخت شده و رقم: «ولیه ۱۳۳۶» دارد. احوال و آثار نقاشان (۱۴۰۹/۳)، مشاهیر زنان (۲۴۵-۲۴۴).

ولی هسروی، مولانا ولی قلندر. (س نهم ق)، شاعر، متخلص به ولی. اهل خراسان بود و در دستگاه محمد بایسنقر (۸۰۲-۸۳۸ ق) و بابر میرزا خدمت می کرد. زمانی که پیر بوداق میرزا (م ۸۷۰ ق) به هرات رفت و شاعران آنجا را با خود به شیراز برد، ولی هروی نیز جزو آنان بود. به آورده «تاریخ نظم و نثر» وی پیش از تألیف تذکره «مجالس النفاث» (۸۹۶ ق) در شیراز درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. اشعاری از وی در تذکره ها آمده است.

تاریخ نظم و نثر (۳۰۶)، الذریعه (۱۲۸۱/۹)، صبح گلشن (۶۰۱)، فرهنگ سخنوران (۹۸۹)، مجالس النفاث (۴۰).

وئی الحاسب - قهستانی، ابوعبدالله حسین بن محمد.

عبدالله خان ازیک در حوالی قائنات کشته شد و در روستای کارشک دشت بیاض به خاک سپرده شد. سال درگذشت وی را با اختلاف از ۹۹۹ تا ۱۰۱۵ ق نوشته اند. ولی به آورده «تاریخ ادبیات در ایران» آنچه که بر روی سنگ قبرش نوشته شده سنه احدى و الف (۱۰۰۱ ق) است. از آثار وی: «دیوان» شعر. برخی تذکره ها مثنوی به نام «خسرو و شیرین» به وی نسبت می دهند.

آتشکده آذر (۶۰۶-۶۱۱)، ایضاح المکنون (۵۳۸/۱)، بزرگان قائن (۶۴۱-۶۵۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۸۲۷-۸۳۲)، تاریخ نظم و نثر (۴۵۸، ۵۰۸)، تذکره روز روشن (۹۱۱-۹۱۴)، الذریعه (۱۲۸۰/۹)، فرهنگ سخنوران (۹۸۸)، عالم آرای عباسی (۱۸۰-۱۸۱)، مجمع الفصحا (۱۰۵-۱۰۷)، مکتب وقوع (۵۹۰-۶۱۸)، نتایج الافکار (۷۳۷-۷۳۸)، هفت اقلیم (۳۲۸-۳۳۱).

ولی شیرازی، محمد ولی میرزا، فرزند میرزا علی صدر. (س سیزدهم و چهاردهم ق)، شاعر، متخلص به ولی. وی علاوه بر تحصیل علم، خط شکسته را خوب می نوشت. خانواده او اهل فضل و دانش بودند و جدش حاج اکبر نواب، صاحب «تذکره دلگشا»، متخلص به بسمل، از فضلاء عصر خود بود. لازم به ذکر است فرصت شیرازی، صاحب «آثار عجم»، صاحب عنوان را ملقب به آقا شاهزاده ذکر کرده است. از آثار وی: «دیوان» شعر.

آثار عجم (۵۷۲)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۸۳۷-۸۳۸)، الذریعه (۱۲۸۱/۹)، مرآت الفصاحه (۷۰۲-۷۰۱).

ولی قلندر - ولی هروی، مولانا ولی قلندر.

ولی گیلانی. (ز ۸۹۷ ق)، خطاط. از خوشنویسان معروف اقلام شش گانه است که شکسته تعلیق را خوش می نوشت. از آثار وی: قطعه ای به قلم نیم دو دانگ خوش، با رقم: «مشقه العبد الحقیر الجانی، ولی گیلانی، من خط قبله الکتاب تاج السلمان نور مرقد و برد مضجعه، بتاریخ شهر محرم الحرام سنة سبع و تسعين و ثمانمائة الهجرية النبوية».

احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۸۵/۴).

ولی مصور. (س نهم و دهم ق)، نقاش و خطاط. مشهور به ملا ولی قلندر. اهل هرات بود و علاوه بر نقاشی در نوشتن خطوط، بخصوص ثلث مهارت داشت. دوران

وهاب شیرازی، شیخ وهاب، فرزند شیخ محمد مؤمن. (ز ۱۲۵۷ ق)، نقاش. وی در شیراز ساکن بود و در شیوه ناخنی دستی هنرمندانه داشت. از آثار گرانقدر وی، لوله خطی و ناخنی استادانه‌ای است که «زیارتنامه عاشورا» به خط ناخنی بر آن مشق شده و کناره‌های آن به جدول کشی کمندی و گل‌های ناخنی ریزی آرایش یافته و در انتهای زیارتنامه، تصویر درخت سروی جلوه‌گر گشته است، با رقم: «این لوله زیارت عاشورا که بخط ناخن مشق شد، خط حقیر فقیر شیخ وهاب ولد عالیجناب مقدس القاب شیخ المشایخ شیخ محمد مؤمن شیرازی بتاریخ ۲۵ شهر شعبان المعظم من سنه ۱۲۵۷».

احوال و آثار نقاشان (۱۴۰۹/۳).

وهاب بن منبه، ابو عبدالله ابنای صتعمانی یمانی. (۳۴- مقتول ۱۱۰/۱۱۳/۱۱۶ ق)، حافظ، محدث، مفسر، مورخ، اخباری، زاهد و عابد. اصل او از هرات بود. پدرش، منبه، در دوره پادشاهی کسری انوشیروان از هرات اخراج شد و به جزیره العرب رفت، سپس در زمان پیامبر (ص) اسلام آورد و در یمن سکنی گزید. وهاب در زمان خلافت عثمان در یمن به دنیا آمد. اصحاب تراجم مراتب علم، زهد و جهد او را در عبادت ستوده‌اند. در زمان عمر بن عبدالعزیز وی عهده‌دار منصب قضاوت صنعا در یمن بود. روایات سند دار (مسند) کمی را نقل کرده، عمده دانش وی درباره اسرائیلیات و صحائف اهل کتاب بوده است. به آورده صاحب «کشف الظنون» وی اولین کسی است که در موضوع قصص انبیا کتاب نوشته است. احمد بن حنبل گوید که او قدری بود، سپس از این عقیده بازگشت. از

برادرش، همام بن منبه، و ابن عباس و ابوهریره و ابوسعید و نعمان بن بشیر و جابر بن عبدالله و عبدالله بن عمرو بن عاص و عبدالله بن عمر خطاب و طاووس بن کيسان و انس بن مالک و عمرو بن شعيب و فنج یمانی حدیث شنید. فرزندان، عبدالله و عبدالرحمان، و برادرزاده هایش عقیل بن معقل و عبدالصمد بن معقل، و نواده‌اش، ادریس بن سنان، و عمرو بن دینار و سماک بن فضل و عوف اعرابی و عاصم بن رجاء و یزید بن مسلم و یزید بن یزید بن جابر و عبدالله بن عثمان بن خثیم و اسرائیل ابوموسی و همام بن نافع و عیسی بن سنان و مغیره بن حکیم و منذر بن نعمان و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. او در پایان عمر توسط یوسف بن عمر ثقفی حاکم یمن محبوس و توسط عمال وی به قتل رسید. از آثار او: «تفسیر القرآن»؛ کتابی در «ذکر الملوك المتوجه من حمير و اخبارهم و قصصهم و قبورهم و اشعارهم»؛ «قصص الانبياء»؛ «قصص الاخيار»؛ «فتوح البلاد»؛ «الاسرائیلیات»؛ کتاب «القدر».

الاعلام (۱۵۰/۹)، تاریخ الاسلام (حوادث و وفیات ۱۰۱-۱۲۰/۴۹۷-۵۰۰)، تذکره الحفاظ (۱۰۱-۱۰۰/۱)، تهذیب التهذیب (۱۴۷/۱۱)، تهذیب الکمال (۴۸۷/۱۹-۵۰۲)، الثقات (۴۸۷/۵)، الجرح و التمدیل (ج ۴، ق ۲/۲۴)، حلیه الاولیاء (۸۱-۲۳/۴)، سیر النبلاء (۵۵۷-۵۴۴/۴)، شذرات الذهب (۱۵۰/۱)، طبقات ابن سعد (۷۱-۷۰/۶)، طبقات الحفاظ (۵۲)، العبر (۱۰۹/۱)، کشف الظنون (۱۳۲۸)، معجم الادباء (۲۶۰-۲۵۹/۱۹)، معجم المؤلفین (۱۷۴/۱۳)، میزان الاعتدال (۳۲۴-۳۲۳/۴)، وفیات الاعیان (۳۶-۳۵/۶)، هدیة العارفین (۵۰۱/۲).



هابط اصفهانی ← همت اصفهانی، حسین عبداللہی
خوروش .

هاتف اصفهانی، سید احمد حسینی (وف ۱۱۹۸ ق)، طیب و شاعر. اصل وی از اردوباد آذربایجان بود و اجدادش در زمان سلاطین صفویه به اصفهان مهاجرت کردند و در آن شهر سکنی گزیدند. هاتف در اصفهان به دنیا آمد و در همان جا به کسب دانش پرداخت و ریاضی، حکمت، طب و علوم عربی را آموخت. او در طب و حکمت از محضر میرزا محمد نصیر طیب اصفهانی، صاحب «مرآت الحقیقه»، بهره برد و به کمک و ارشاد و اشراف او، در این علوم تبحر یافت و از اطبای نامدار عهد کریم خان زند شد. در شاعری نیز مشتاق را به عنوان استاد خود اختیار نمود. وی با انجمن مشتاق، که محل تجمع طالبان تجدد در شعر بود، ارتباط پیدا کرد و در حلقه درس و بحث میرزا نصیر و مشتاق، با لطفعلی بیگ آذر و سلیمان صباحی بیدگلی کاشی، دوستی و رفاقت یافت. او مدتی ملازم و مورد توجه میر عبدالوهاب موسوی، حاکم اصفهان بود که پس از عزل حاکم، در آنجا نماند و به همراه لطفعلی بیگ آذر به قم و پس از مدتی به کاشان رفتند و از مصاحبان صباحی شدند. بعضی از تذکرها می گویند که این سه شاعر چندین بار به شهرهای کاشان، اصفهان و قم سفر کرده اند. هاتف سرانجام در قم درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. بعضی از تذکرها فوت وی را در کاشان و مدفنش را در قم می دانند. هاتف در نظم عربی و فارسی ماهر بود و اشعار بسیاری در مدح ائمه اطهار (ع) و خصوصاً حضرت علی (ع) سروده است. وی در غزل شیوه سعدی و خواجهوی کرمانی را، که در آن عصر متروک بود، احیا کرد و در قصیده شیوه انوری و کمال الدین

اصفهانی را دنبال می کرد. ترجیع بند او که ظاهراً بلندترین شعر دوره بازگشت است، به ترجیعات شیخ فخرالدین عراقی شبیه می باشد. این ترجیع بند دارای پنج بند و در موضوع وحدت وجود است که هاتف به واسطه آن مشهور و معتبر گردید. از آثارش: «دیوان» شعر، مشتمل بر قصاید، غزلیات، مقطعات، ترجیعات و رباعیات.

با کاروان حله (۳۲۷-۳۱۵)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۴/ ۱۸۷-۱۹۱)، تاریخ ادبیات ایران، در دوره بازگشت (۲/ ۳۱۰-۳۱۳)، تذکره روز روشن (۹۱۵-۹۱۷)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۶)، دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۳۲۲۶)، دیوان هاتف اصفهانی (۷-۱۴)، الذریعه (۹/ ۱۲۸۳، ۱۹/ ۲۳۲)، ریسمانخانه (۶/ ۳۴۵-۳۴۴)، سفینه المحمود (۱/ ۲۰۰-۲۰۹)، صبح گلشن (۲۰۲-۶۰۳)، طرائق الحقائق (۳/ ۲۲۰)، فرهنگ سخنوران (۹۹۱)، کارنامه بزرگان (۳۰۱)، الکنی و الالقاب (۳/ ۲۸۹)، گنج سخن (۳/ ۱۵۰-۱۶۰)، لغت نامه (ذیل/هاتف)، مجمع الفصحا (۶/ ۱۱۷۵-۱۱۸۴)، مکارم الآثار (۱/ ۷۴-۷۵)، مؤلفین کتب چاپی (۱/ ۴۹۴-۴۹۶)، نتایج الافکار (۷۸۶)، نگارستان دارا (۲۷۷-۲۷۸).

هاتف کاشانی، سید احمد حسینی ← هاتف اصفهانی.

هاتفی جامی، مولانا عبدالله (وف ۹۲۷ ق)، شاعر، متخلص به هاتفی. در خرجرد جام، از توابع خراسان، به دنیا آمد و نزد دایی اش، عبدالرحمن جامی، به کسب فیض پرداخت. هاتفی از پرورش یافتگان انجمن فضلالی هرات در اواخر عهد تیموریان می باشد که اوایل عصر صفویه را نیز درک کرده است. وی سفرهایی به هرات نموده و با امیر

النقائس (۶۲-۶۳، ۲۳۵-۲۳۶)، مجمع الفصحا (۱۱۶-۱۱۷)، منظومه‌های فارسی (۶۱۶-۶۲۲)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۰۵/۳-۱۰۰۶)، نتایج الانکار (۷۷۹-۷۸۰)، هدیه الاحیاب (۲۶۲)، هفت اقلیم (۱۸۸-۱۸۶/۲).

هاتفی خبوشانی ← هاتفی جامی.

هاتفی خرجردی ← هاتفی جامی.

هاتفی سمنانی، حاج جواد قوام پور. (۱۲۹۲-۱۳۷۰ ش)، شاعر. معروف به هاتفی سمنانی. در سمنان به دنیا آمد. از اوان جوانی به شعر روی آورد و بیشتر اشعارش که به دو دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران تقسیم می‌شود، مضامین مذهبی و انقلابی دارد. از هاتفی سمنانی مجموعه اشعاری به نام «ندای دل» به جای مانده است. وی بر اثر بیماری قلبی درگذشت.
کیهان فرهنگی (س ۸، ش ۶، ص ۵۶).

هاتفی قهفرخی، سید قدرت‌الله، فرزند سید علی. (تو ۱۳۰۰ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر. در قصبه قهفرخ به دنیا آمد. در اوایل جوانی به تحصیل علوم و فضائل پرداخت و در ۱۳۳۱ ش روزنامه «هاتف اصفهان» را منتشر نمود. او همچنین از اعضای انجمن ادبی پروانه و کمال می‌باشد. از دیگر آثار وی: «دیوان» شعر.

تذکره شعرای معاصر اصفهان (۵۳۰-۵۳۱)، الذریعه (۱۲۸۴-۱۲۸۵)، گلزار جاریدان (۱۷۲۵/۳).

هادوی بیرجندی، شیخ هادی/محمد هادی، فرزند ملا حسین/محمد حسین بن محمد محسن. (۱۲۷۷-۱۳۶۶ ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و شاعر، متخلص به هادی. اصلش از اصفهان بود. خاندانش به هنگام فتنه افغانه به بیرجند مهاجرت کردند. در بیرجند به دنیا آمد. مقدمات و سطوح اولیه را نزد پسر عمویش در مدرسه معصومیه بیرجند فراگرفت. آن‌گاه به قصد اقامت به مشهد رفت. او در محضر پدرش و آقا سید محمد باقر گلپایگانی و ملا محمد رضا بروغنی سبزواری استاد حکمت تلمذ نمود و از محضر حاج میرزا حبیب خراسانی و شیخ محمد حسن کرمانی نیز استفاده نمود. در ۱۲۹۹ ق به عراق رفت و در سامرا از محضر میرزای بزرگ شیرازی و در نجف از محضر آخوند خراسانی و آیت الله رشتی کسب سراتب عالیہ علمی نمود. وی از حاج میرزا حسین محدث نوری به

علیشیر نوایی و سلطان حسین بایقرا ملاقات داشته است. او با آصفی، از مریدان جامی، و مظفر حسین میرزا و کپک میرزا و بدیع الزمان میرزا، پسران سلطان حسین بایقرا، دوستی و معاشرت داشته و ظاهراً مثنوی «تمرنامه» را به درخواست بدیع الزمان میرزا سروده است. هاتفی به مدح پادشاهان و امرا علاقهای نداشت و گویند روزگارش را به زراعت می‌گذراند. در طریقت پیرو مشایخ سلسله کبرویه بود. او کنار باغ خود خانقاهی ساخت و در آن مشغول عبادت گشت. در ۹۱۷ ق شاه اسماعیل صفوی به قصد زیارت مزار شاه قاسم انوار حرکت نمود، در تربت جام با وی ملاقات کرد و او را به نظم فتوحات خود مأمور گرداند. هاتفی سرانجام در زادگاهش از دنیا رفت و در همان باغی که خود ساخته بود به خاک سپرده شد. وی در سرودن انواع شعر ماهر بود و به آورده «تاریخ ادبیات در ایران» خود را در قصیده برتر از خاقانی و در غزل بهتر از خسرو و حسن دهلوی می‌دانست، ولی عمده مهارت او در مثنوی سرایی بود و چهار مثنوی از «خمسه» نظامی را جواب گفت. از آثارش: مثنوی «لیلی و مجنون»، در برابر «لیلی و مجنون» نظامی، به نام امیر علیشیر نوایی که بیت اول آن را جامی سروده است؛ مثنوی «شیرین و خسرو»، در برابر «خسرو و شیرین» نظامی، به نام امیر علیشیر نوایی؛ مثنوی «تمرنامه» یا «ظفرنامه» یا «تیمور نامه»، در شرح فتوحات تیمور، در برابر «اسکندر نامه» نظامی؛ مثنوی «هفت منظر»، در داستان بهرام گور، در برابر «هفت پیکر» نظامی؛ «شاهنامه هاتفی» یا «شاهنشاه نامه» به امر شاه اسماعیل و در ذکر فتوحات وی، که ناتمام ماند؛ «دیوان» شعر، مشتمل بر قصاید، غزلیات، قطعات، رباعیات و «ساقی نامه».

آتشکده آذر (۳۷۵-۳۸۴)، از سعدی نا جامی (۲۲۱)، ۶۷۳، تاریخ ادبیات ایران، براون (۱۵۲/۴-۱۵۳)، تاریخ ادبیات در ایران (۴۳۸/۴-۴۴۷)، تاریخ نظم و نثر (۳۱۴-۳۱۵)، تحفه سامی (۱۶۰-۱۶۴)، تذکره روز روشن (۹۱۸-۹۱۹)، تذکره میخانه (۱۱۲-۱۲۳)، حبیب السیر (۳۵۴/۴-۳۵۵)، حماسه سرایی در ایران (۳۵۷-۳۶۰)، دایرة المعارف فارسی (۳۲۲۶/۲)، الذریعه (۵۱۸/۴)، ۲۱۰/۷، ۹۶۵/۹، ۶۹۸، ۱۲۸۴، ۱۱۸/۱۲، ۲۰/۱۳، ۲۷۰/۱۴، ۳۹۹-۳۹۸/۱۸، ۱۴۴/۱۹، ۱۶۹، ۲۲۱، ۲۴۲، ۲۸۰، ۳۴۱، ریحانه (۳۴۶/۶-۳۴۷)، طرائق الحقائق (۱۱۳/۳)، فرهنگ سخنوران (۹۹۲)، کتابشناسی نظامی گنجوی (۳۸۶-۳۸۷)، کشف الظنون (۱۱۲۰، ۲۰۴۵)، الکسبی و الاقباب (۲۸۹/۳)، گلزار جاریدان (۱۷۲۵-۱۷۲۳/۳)، لغت نامه (ذیل/هاتفی)، مجالس

هادی اصفهانی، فرزند محمد علی. (س یازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک قطعه ثلث رقاع دو دانگ جلی عالی و نسخ کتابت خوش، با رقم: «مشقه العبد المذنب المحتاج ابن محمد علی، هادی الاصفهانی».

احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۲۵/۴).

هادی بروجردی - هادی یزدجردی.

هادی شهرستانی، میرزا هادی، فرزند میرزا رفیع صدر / رفیع الدین. (س یازدهم ق)، شاعر. در ابتدا احتساب ممالک با وی بود. پس از مدتی به هندوستان رفت و در آنجا به مناصب و درجات بالایی رسید. او در زمان تألیف «تذکره نصرآبادی» (۱۰۸۳ ق) در هند به سر می‌برده است. طبع خوبی داشت و شعر می‌سرود. از آثارش: «دیوان» شعر.

آتشکده آذر (۱۰۴۴/۳)، تذکره نصرآبادی (۹۶)، الذریعه (۱۲۸۶/۹)، صبح گلشن (۶۰۴)، فرهنگ سخنوران (۹۹۳)، کاروان هند (۱۵۳۶-۱۵۳۵/۲)، لغت نامه (ذیل/هادی).

هادی کاشانی - هادی یزدجردی.

هادی کاشی، میرزا عبدالهادی، فرزند میرزا علی رضا تجلی. (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به هادی. وی در اواخر عمر ملهم تخلص می‌نمود. اهل کاشان بود. در حدود هیجده سالگی، برای تحصیل، از کاشان خارج شد و در آنجا به تحصیل پرداخت. سپس به اصفهان رفت و چندی نیز در این دیار سکنی گزید، بعد از مدتی به کاشان، نزد پدرش، بازگشت و گروهی نیز از محضر او بهره بردند. از وی اشعاری باقی مانده است. صاحب تذکره «میخانه» آثاری به او نسبت می‌دهد، از جمله: کتابی در وصف معراج پیامبر (ص)؛ مجموعه «غزلیات»، «مثنوی»، نزدیک به چهارده هزار بیت و «ساقی نامه».

تذکره میخانه (۹۲۶-۹۳۶)، الذریعه (۱۲۸۶/۹)، صبح گلشن (۶۰۴-۶۰۳)، فرهنگ سخنوران (۹۹۳).

هادی مترجم - مترجم اصفهانی.

هادی یزدجردی، میر محمد هادی. (وف ۹۵۰ ق)، طیب و شاعر، متخلص به هادی. گفته‌اند که اصل وی از یزدجرد است و در کاشان نشو و نما یافت، به همین دلیل به او کاشی هم می‌گویند. به آورده «تاریخ نظم و نثر» او

دریافت اجازه روایت و از آخوند خراسانی به دریافت اجازه اجتهاد نایل گشت. سپس به ایران بازگشت و بنا به خواهش بزرگانی چون حاج میرزا حبیب خراسانی و حاج شیخ حسنعلی اصفهانی مدتی در مشهد ماند، سپس به بیرجند رفت و تا آخر عمر به تربیت و ارشاد معنوی مردم مشغول بود. وی در دوره اول مجلس شورای ملی از طرف آخوند خراسانی به عنوان مجتهد طراز اول معرفی گردید، ولی نپذیرفت و عهده دار ریاست انجمن ولایتی گردید. در بیرجند درگذشت. از آثارش: «بستان الناظر» یا «بستان الناظرین» به سبک «کشکول» شیخ بهایی؛ «آئین سخنوری»؛ ترجمه «ادب الکبیر» یا «درة الیتیمه» ابن مقفع؛ ترجمه «نامه حضرت امیر (ع) به مالک اشتر» یا «عهدنامه مالک اشتر»؛ «دیوان» شعر؛ «مائده محمدیه»، شعر.

بهارستان آیتی (۱۲۳)، الذریعه (۱۰۸/۳، ۷۶/۴، ۱۱۹-۱۲۰، ۱۲۸۵/۹، ۱۰/۱۹)، صد سال شعر خراسان (۵۹۸-۶۰۵)، مؤلفین کتب چاپی (۷۴۰-۷۳۹/۶)، میرزای شیرازی (۲۰۶-۲۰۵)، یسفا (س ۷، ش ۱۱، ص ۵۰۸-۵۰۴).

هادی. (ز ۱۲۳۹ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «زاد المعاد» رحلی، دو صفحه اول متن و حاشیه مذهب مرصع عالی، نسخ کتابت خوش و ترجمه نستعلیق کتابت خفی متوسط، با رقم:

«...ز کلک بنده درگاه خسروی هادی
نوشت از پسی تاریخ سال او انجم
زهی کتاب که زادالمعاد سلطان است»

۱۲۳۹ ق.

احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۲۵/۴).

هادی ابرقویی، میر هادی. (س یازدهم ق)، شاعر. اهل ابرقو و برادر میر برهان ابرقویی بود. وی بیشتر عمر خود را در شیراز گذراند و دارای طبع شعر خوبی بود. از اوست:

از پیروی دل به حسد نباید گشت
در هم‌ری اش کشیده سر نباید گشت
سی سال به غفلتم به راهی پرده است
که امروز تمام راه بر باید گشت

تذکره روز روشن (۹۱۹)، تذکره سخنوران یزد (۳۵۵)، تذکره نصرآبادی (۳۰۲-۳۰۱)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۸۳۸-۸۳۹/۵)، الذریعه (۱۲۸۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۹۹۲)، مرآت الفصاحه (۷۰۳-۷۰۲).

شاعر معروف، صباحی بیدگلی، به نظم درآورده است و از مضمون آن چند بیت، چنین دانسته می‌شود که میرزا هاشم از خوشنویسان خط نسخ و در این شیوه متبحر بوده است. احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۲۶/۴).

هاشم شیرازی، آقا محمد هاشم «ذهبی شیرازی، آقا محمد هاشم».

هاشم قراباغی. (ز ۱۲۸۱ ق)، خطاط. از آثار وی: یک قطعه به قلم دو دانگ و کتابت خوش، با رقم: «کتابه العبد المذنب هاشم قراباغی ۱۲۸۱». احوال و آثار خوشنویسان (۹۵۸/۳).

هاشم مذهب. (ز ح ۱۰۰۰ ق)، قاطع، طغرانیس و مذهب. از هنرمندان ذوفنون بوده و در حدود ۱۰۰۰ ق فعالیت هنری داشته است. از آثار وی: تصویر طغرایس شیرازی که از جملات (ناد علیا مظهر العجایب...) تشکیل یافته، با رقم: «کاتبه الفقیر الحقیق هاشم»؛ تصویر طغرایس شیرازی، با رقم: «قاطعه و کاتبه هاشم مذهب». احوال و آثار نقاشان (۱۲۱۶/۳).

هاشم مذهب. (س نهم ق)، مذهب و خطاط. وی از مذهبیان و تشعیر سازان نامی عصر خود بود که در کتابخانه بهرام میرزا به خدمت مشغول بوده و خط را نیز نیکو می‌نوشته است. از آثار وی: قطعه خط زیبایی در مرقع بهرام میرزای صفوی، که حواشی و اطراف آن را به تردستی تمام تذهیب کرده و رقم نهاده: «حرره العبد هاشم المذهب». احوال و آثار نقاشان (۱۲۱۲/۳).

هاشمی، سید طاهر سمیع زاده. (تو ۱۳۳۲ ق)، عالم دینی، قلیه شافعی، صوفی، مدرس، خطاط و شاعر. وی از فقها و علمای بزرگ شافعیه کردستان و مشایخ فرقه قادریه است. در دولت آباد روانسر به دنیا آمد و مقدمات علوم را در همان جا فراگرفت. سپس نزد ملا محمد رحیم سنندجی و بدیع الزمان سنندجی به تکمیل معلومات خویش پرداخت و از محضر اساتید دیگری مانند شیخ محمد نجیب کردانی و شیخ مصطفی نجیب و سید بابا رسول و شیخ حبیب الله کاشوری نیز بهره‌مند شد. وی درباره تاریخ ادبیات کردی و همچنین تاریخ تصوف و فرق آن مخصوصاً سلسله قادریه تحقیقات و تألیفاتی دارد. از آثارش: «مقامات الغوثیه»، در مناقب شیخ عبدالقادر گیلانی؛ «قرة العین فی مناقب سیدنا شیخ حسین»؛ «مرآت

بروجردی است و به خطا به وی هادی یزدجردی گفته‌اند. وی در عهد شاه طهماسب صفوی می‌زیست و در علم طب ماهر بود. شاه طهماسب او را به احتساب ممالک ایران گماشت. هادی در اواخر عمر توبه کرد و به تولیت آستان قدس رضوی مفتخر گردید و به طاعت و عبادت پرداخت. او طبع شعر خوبی داشت و اشعاری از وی در تذکره‌ها نقل شده است. در «تحفه سامی» صاحب عنوان تحت نام هادی موسوی آورده شده است. شیخ آقا بزرگ تهرانی در «الذریعه» از هادی اصفهانی (م ۹۵۰ ق)، فرزند شاه تقی شیخ الاسلام، نام می‌برد و او را با هادی یزدجردی و هادی موسوی یکی می‌داند. همچنین محمد طاهر نصرآبادی در «تذکره» خویش، (تألیف شده در ۱۰۸۳ ق) از معاصر خود میر محمد هادی، عموزاده میر عبدالرزاق کاشی، که شغل طبابت داشته و شعر هم می‌گفته ذکر کرده میان آورده است. بر این اساس در «فرهنگ سخنوران» هادی کاشی تنظیم یافته و این شخصیت با صاحب عنوان خلط شده است.

تاریخ نظم و نثر (۶۶۵)، تحفه سامی (۳۸۳۷)، تذکره روز روشن (۹۲۰)، تذکره نصرآبادی (۱۱۵)، الذریعه (۹/ ۱۲۸۵، ۱۲۸۶)، صبح گلشن (۶۰۴)، فرهنگ سخنوران (۹۹۴، ۹۹۳).

هارون جوینی، خواجه شرف الدین هارون، فرزند خواجه شمس الدین محمد صاحب دیوان. (مقتول ۶۸۵ ق)، شاعر. وی وزیر ابا قاخان و داماد احمد بن مستعصم، آخرین خلیفه عباسی، بود که پس از مرگ عطا ملک جوینی حاکم بغداد گردید. وی از ممدوحان سعدی شیرازی و همام تبریزی بود و همام، مثنوی «صحبت نامه» خود را به نام او سرود و خود نیز دارای طبع خوبی بود و شعر می‌سرود. وی سرانجام به دستور ارغون ایلخان مغول و به قولی به سعایت خواجه فخرالدین مستوفی و به دست امیر آروق، برادر یوقا، به قتل رسید. از آثارش: «دیوان» شعر.

از سعدی تاجامی (۳۱، ۴۰)، تاریخ ادبیات در ایران (۳/ ۷۱۷، ۷۲۰، ۱۲۱۲)، تاریخ گزیده (۵۹۷)، تاریخ نظم و نثر (۷۴۱)، الذریعه (۱۲۸۷/۹)، ریاض المارین (۱۶۰)، صبح گلشن (۶۰۵، ۶۰۴)، فرهنگ سخنوران (۹۹۴)، لغت نامه (ذیل/ هارون)، مجمع الفصحا (۱۷/۲، ۸۱۸، ۳/ ۱۴۴۹).

هاشم. (س دوازدهم ق)، خطاط. بیانی در «احوال و آثار خوشنویسان» کتابت قرآنی را به وی نسبت می‌دهد که تاریخ اتمامش ۱۱۹۸ ق است. ماده تاریخ اتمام این قرآن را

روشن (۹۲۱-۹۲۲)، الذریعه (۱۲۸۷/۹، ۱۲۸۹، ۱۹/۳۰)، فرهنگ سخنوران (۹۹۵)، لغت نامه (ذیل/هاشمی)، مجالس النفائس (۱۴۵-۱۴۴، ۳۷۹)، هفت اقلیم (۴۳۶/۳).

هاشمی کاشانی، میر نظام الدین. (س دهم ق)، شاعر. از شاعران عصر شاه طهماسب صفوی است. چندی در اصفهان زیست و در ۹۹۱ ق به دربار سلطان محمد خدابنده راه یافت و به ملک الشعرا ملقب گردید. وی با کلامی و سلامی معاصر بود و با آنان مشاعره و مناظره می کرد. سرانجام در اطراف سمنان درگذشت. هاشمی دارای طبع شعر خوبی بود و غزل را خوب می سرود. از وی اشعاری در تذکره ها نقل شده است.

تذکره روز روشن (۹۲۲-۹۲۳)، تاریخ نظم و نثر (۶۴۸)، الذریعه (۱۲۸۹/۹)، صبح گلشن (۶۰۶-۶۰۵)، فرهنگ سخنوران (۹۹۶).

هاشمی کرمانی، سید محمد، فرزند سید باقر تبریزی. (۱۲۷۷/۱۲۷۹-۱۳۴۹ ش)، شاعر، روزنامه نگار و مورخ. در کرمان به دنیا آمد. پدرش از فقیهان و عالمان و مدرسان شهر تبریز بود. در دوازده سالگی کلاس نهم را در مدرسه سعادت به پایان رساند، سپس علوم ادبی و عربی را از اساتید عصر شهر خود فراگرفت. او چندی به تحصیل فلسفه پرداخت و در علم رجال و تاریخ مطالعه و تحقیق کرد و در این دو رشته صاحب نظر گردید و با زبان انگلیسی و ترکی نیز آشنا شد. وی در جوانی به احزاب سیاسی پیوست و با نوشتن مقالات اجتماعی و انتقادی به بیداری مردم پرداخت. در ۱۳۰۲ ش روزنامه «بیداری» را در کرمان و در ۱۳۲۰ ش روزنامه «اتحاد ملی» را در تهران تأسیس و منتشر کرد. هاشمی در کرمان مدتی ریاست دبیرستان شهاب و کمی بعد ریاست انجمن شهر و هلال احمر (شیر و خورشید سرخ) را به عهده داشت. او همچنین چند دوره نماینده مردم کرمان در مجلس شورای ملی و سنا بود و چندی نیز ریاست ادارات تابعه مجلس شورای ملی و اداره «لغت نامه» دهخدا را عهده دار بود. وی در تهران درگذشت. از دیگر آثارش: «کرمانیان نامی»، «تاریخ مذاهب در کرمان»، «دست نوشته هایی درباره «جنگ های شیخی و بالا سری در کرمان»، «شوخی های خلفا، علما و سلاطین»، «سخنان ائمه (ع) پادشاهان و بزرگان»، «تحصیل و حاشیه تذکره الاولیاء یا مزارات هرات» محرابی کرمانی.

تاریخ جراید (۴۱-۳۹/۲)، تذکره شاعران کرمان (۵۵۵-۵۵۲)، ستارگان کرمان (۴۲۱-۴۲۴)، سخنوران

الحق، ترجمه «سفرنامه ریج»، یکی از سیاحان انگلیسی؛ حاشیه و تعلیقات بر «سفرنامه» حاجی ملک الکلام مجدی؛ «دیوان» شعر. از آثار خطی وی: یک نسخه قرآن مجید؛ یک نسخه «صحیفه سجاده»؛ یک نسخه «دلایل الخیرات».

کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۲، ص ۱۰-۳).

هاشمی، سید عباس، فرزند سید نصرالله رضوی. (۱۲۷۶-۱۳۵۴ ش)، شاعر، متخلص به هاشمی. او ابتدا در شعر سراج تخلص می کرد. وی در سرآسیا، از توابع مشهد، به دنیا آمد و از پانزده سالگی به سرودن اشعار و مرثیاتی حضرات ائمه اطهار (ع) پرداخت. او در زادگاه خویش به خاک سپرده شد. از آثار وی: «دیوان» شعر، با نام «گلزار هاشمی»، در دو جلد؛ «گلزار کربلا»، در یک جلد.

صد سال شعر خراسان (۶۰۶-۶۰۵)، فرهنگ سخنوران (۴۴۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۵۳۳/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۶۵۵-۶۵۴/۳).

هاشمی اصفهانی، امیر شمس الدین محمد. (س دهم ق)، شاعر و مذهب، متخلص به هاشمی. ملقب به صدر جهان. وی از سادات اصفهان بود. در ابتدا به شغل تذهیب اشتغال داشت. سپس به دکن رفت و ملازم عادلشاه (۹۱۶-۸۹۵ ق) گردید و از جانب او خطاب صدر جهان یافت. طبع شعر خوبی داشت و اشعاری از وی در تذکره ها ذکر شده است.

تاریخ نظم و نثر (۶۴۷)، الذریعه (۱۲۸۸/۹)، صبح گلشن (۶۰۵)، فرهنگ سخنوران (۹۹۵)، کاروان هند (۱۵۳۶/۲)، هفت اقلیم (۴۰۷-۴۰۶/۲).

هاشمی بخارایی، خواجه هاشم، فرزند خواجه عصمت الله بخاری. (وف ۹۴۵ ق)، شاعر. از نوادگان خواجه محمد پارسا است. اجداد وی شیخ الاسلام و فقیه و محدث بوده اند، خود او نیز شیخ الاسلام بخارا بود. هاشمی در ملازمت عبدالله خان ازبک، حاکم بخارا، به سر می برد. وی طبع خوبی داشت و اقسام شعر را می سرود. از آثارش: «دیوان» شعر. شیخ آقا بزرگ تهرانی در «الذریعه»، به نقل از «آتشکده آذر»، آورده که هاشمی سفری به حجاز داشته و در این سفر کشته شده است، همچنین مثنوی به نام «مظهر الانوار» در برابر «مخزن الاسرار» نظامی به وی نسبت می دهد، ولی دهخدا این انتساب را درست نمی داند.

تاریخ نظم و نثر (۶۹۰)، تحفه سامی (۶۱-۶۰)، تذکره روز

او را در ساختن تار استاد می دانستند. یحیای دوم که تارهایش به نام کار یحیی معروف و مورد توجه اهل فن است، برادرزاده اوست.

تاریخ موسیقی (۶۹۴/۲)، سرگذشت موسیقی (۱۷۰/۱).

هبة الله کاشانی. (وف ۹۵۸ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به قانعی. به آورده صاحب «مناقب هنروران» وی در خط، شاگرد سلطانعلی مشهدی و استاد میر معز کاشانی بود. همچنین او را در خوش طبعی و خوش فهمی و شعر شناسی استاد مسلم دانسته اند. وی علاوه بر خوشنویسی گاهی شعر نیز می گفت.

احوال و آثار خوشنویسان (۹۵۹/۳)، تحفه سامی (۶۲)، الذریعه (۱۲۹۰/۹)، فرهنگ سخنوران (۷۳۷)، مناقب هنروران (۷۲-۷۱، ۶۶).

هبة الدین شهرستانی، سید محمد علی، فرزند سید حسین، فرزند سید محسن. (۱۳۰۱-۱۳۸۶ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، هیوی، مجتهد، مفسر و رجال. ملقب به هبة الدین و معروف به شهرستانی. نسبش با سی واسطه به زید بن علی بن حسین (ع) می رسد. او از سادات شهرستانی اصفهان است. در سامرا به دنیا آمد. مقدمات را در محضر پدرش آموخت. وی علاوه بر فراگیری صرف و نحو، منطق، عروض، بدیع، معانی و بیان از تاریخ و حدیث و ریاضیات نیز بهره مند گشت. در ۱۳۱۹ ق به نجف رفت و در حوزه درس آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی شرکت نمود و به درجه اجتهاد نایل آمد و خود مستقلاً به تدریس پرداخت. شیخ جعفر نقدی و شیخ محمد رضا شبیبی و سید سعید کمال الدین از شاگردان او بودند. وی از شیخ محمد باقر اصطهباناتی شیرازی و سید عبدالصمد موسوی شوشتری و امیر سید محمد آل امیر سید علی کبیر و سید حسن بن هادی شرف الدین کاظمی و سید صدرالدین عاملی اصفهانی و آخوند خراسانی اجازه روایت و از سید مصطفی حجت کاشانی و سید محمد مجتهد کاشانی و سید مولوی هندی و سید محمد مهدی حکیمی و سید محمد حجت فیروزآبادی اجازه اجتهاد داشت. او در ۱۳۲۸ ق مجله «العلم» را منتشر نمود که نخستین مجله عربی در نجف است و برای پشتیبانی آن کتابخانه ای تأسیس کرد تا علما و ادبا و بویژه جوانان بتوانند از آن استفاده کامل ببرند. وی همچنین با مجله «المرشد البغدادیة» همکاری داشت و برای نشر معارف دینی به سوریه، لبنان، مصر، حجاز، یمن، ایران و هند مسافرت نمود. در دوره ملک فیصل، پادشاه عراق،

نامی معاصر (۳۹۰۸/۶-۳۹۱۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۰۱/۲)، نخبگان سیاسی (۵۳۶/۴).

هاشمی کرمانی، میر جهانگیر. (مقتول ۹۴۸/۹۴۶ ق)، شاعر، متخلص به هاشمی. مشهور به شاه جهانگیر. عنوان شاه را به مناسبت سیادت و ارشاد داشت. وی از اعیان شاه قاسم انوار بود و نسبش با چهار واسطه به او می رسید. از جانب مادر نیز به شاه نعمت الله ولی کرمانی منسوب بود. هاشمی در تیمه دوم قرن نهم به دنیا آمد. با جامی (م ۸۹۸ ق) مصاحبت داشت. پس از مدتی به شهر تته در سند رفت و ملازم شاه حسین بن امیر ذوالنون ارغون (۹۲۸-۹۶۲ ق)، والی آنجا، گشت. پس از چند سال اقامت در آن دیار توانست مثنوی «مظهر الآثار» را به پیروی از «معزن الاسرار» نظامی، در ۹۴۰ ق به پایان رساند. سپس از راه کبچ و مکران، عازم ایران شد، ولی در راه به دست راهزنان به قتل رسید. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر، مشتمل بر قصیده و غزل و رباعی. به آورده «کاروان هند» وی قصد داشته که تمام «خمس» نظامی را تتبع کند ولی اگر از مثنویات چهار گانه چیزی هم سروده بوده، از میان رفته است. در «الذریعه» صاحب مثنوی «مظهر الآثار» تحت نام سید شاه (/سید محمد هاشم شاه) جهانگیر هاشمی کرمانی معرفی شده است. بعضی از تذکرها سر سلسله هاشم شاهیه، ابوعبدالله میر محمد هاشم شاه هاشمی (۱۰۷۳-۱۱۵۰ ق)، فرزند میر محمد مؤمن عرشی، را که ساکن دهلی بوده و در نهایت نیز بر سر ترویج دین اجداد خود در دهلی به شهادت رسیده است، با صاحب عنوان یکی می دانند و همان نسبتها را برای وی قائلند و مثنوی «مظهر الآثار» را اثر او می شمارند. در «مجمع الفصحا» و «الذریعه» و «لغت نامه» میر محمد هاشم شاه، هاشمی دهلوی ذکر شده و در «ریحانة الادب» نام مثنوی وی «مظهر الانوار» بیان گردیده است.

آتشکده آذر (۶۵۴/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۶۵۳/۵-۶۶۱)، تاریخ نظم و نثر (۴۰۹-۴۱۰)، تذکره روز روشن (۹۲۲)، الذریعه (۱۲۸۹/۹، ۱۲۹۹/۱۹، ۳۰-۳۰)، ریاض العارفین (۱۵۸-۱۵۹)، ریحانه (۳۴۸، ۳۳۰/۶)، طرائق الحقائق (۱۰۱/۳-۱۰۲)، فرهنگ سخنوران (۹۹۶)، کاروان هند (۱۵۳۶/۲-۱۵۴۵)، لغت نامه (ذیل/هاشمی دهلوی)، مجمع الفصحا (۱۰۷/۴، ۱۲۱-۱۲۳)، هفت اقلیم (۲۷۹/۱-۲۸۲).

هامبارسون. (س سیزدهم ق)، موسیقیدان. از ارامنه اصفهان بود. پیش از آنکه تارهای کار یحیی مشهور شوند،

سید فضل‌الله (وف ح ۱۱۸۰ ق)، حکیم، ادیب و شاعر، متخلص به هجری. وی تحصیلات مقدماتی را نزد دایی خود، آق محمد مؤمنای داعی، گذراند و پس از آن برای تکمیل تحصیلات به قم و اصفهان سفر کرد. او در اصفهان به فراگیری معقول و منقول، ادب، عرفان و اخلاق نزد بزرگان علم و دانش از جمله مولانا محمد صادق اردستانی مشغول شد و به مدارج بالایی رسید. هجری چندی نیز به تعلیم و تربیت رضاقلی میرزا، فرزند نادرشاه پرداخت که به دلایلی از دربار به خراسان رفت و پس از مدتی بازگشت و تا پایان عمر در حوالی تفرش عزلت گزید. وی در سرودن ماده تاریخ، غزل، رباعی و بخصوص مثنوی مهارت داشت. از آثارش می‌توان به دو مثنوی اشاره کرد که در اولی تعبیراتی از اکثر علوم همچون: صرف، نحو، منطق و تصوف بکار برده شده است و مثنوی دیگر او مشتمل بر صد و نود و یک بیت، در ذکر داستان شکار مأمون و امام جواد (ع) و غیره است. مؤلف «نگارستان دارا» آورده که وی در مشهد درگذشت.

سفینه‌المحمود (۴۴۱/۲)، فرهنگ سخنوران

(۹۹۷)، لغت نامه (ذیل/صادق)، نگارستان دارا

(۲۱۹-۲۲۰)، یادگار (س ۵، ش ۶ و ۷، ص ۹۲-۱۰۰).

هجری تفرشی، میرزا ابوالقاسم، فرزند میرزا محمد صادق (وف ۱۱۸۵ ق)، شاعر، متخلص به هجری. ظاهراً اصل وی از تفرش است. در جوانی به اصفهان رفت و بعد از تحصیل علوم در آن شهر به گیلان و رشت مهاجرت نمود و ملازم و مداح هدایت خان رشتی، از مشاهیر و بزرگان ایران، گردید. هجری سرانجام در رشت درگذشت. صاحب تذکره «روز روشن» صاحب عنوان را با هجری قسمی شمشیرگر (ز ۹۸۲ ق) یکی دانسته است. از آثارش: «دیوان» شعر.

آتشکده آذر (۴۴۶/۲)، تذکره روز روشن (۹۲۳)،

حدیقه الشعراء (۲۰۵۶/۳-۲۰۵۷)، الذریعه (۱۲۹۰/۹)،

سفینه‌المحمود (۲۱۰/۱)، فرهنگ سخنوران

(۹۹۸-۹۹۷)، مجمع الفصحا (۱۱۸۶/۶)، مصطفی خراب

(۲۱۶)، نگارستان دارا (۲۷۸)، یادگار (س ۵، ش ۶ و ۷،

ص ۹۸، ۹۹-۱۰۰).

هجری تهرانی، خواجه محمد شریف، فرزند لهراسب (وف ۹۸۴/۹۸۰ ق)، شاعر، متخلص به هجری. وی پدر میرزا غیاث بیگ اعتمادالدوله تهرانی و جد نورجهان بیگم و از نزدیکان مولانا امیدی رازی بود. اصل او از تهران است و در یزد نشو و نما یافت، به

عهده‌دار منصب وزارت معارف گردید. در ۱۳۴۰ ق از مقام خود استعفا نمود و به امر تألیف پرداخت. در ۱۳۴۲ ق مجدداً به امر حکومت عراق به ریاست دیوان عالی تمیز (مجلس تمیز جمعوری) منصوب گشت. همچنین در ۱۳۵۲ ق از طرف مردم بغداد به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب گردید و پس از انحلال مجلس در همان سال، تمامی اوقات خود را صرف تألیف نمود. در اواخر عمر در کاظمین کتابخانه‌ای به نام مکتبه الجوادین تأسیس نمود و کتابخانه شخصی خود را به آنجا منتقل کرد. او در کاظمین درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. از آثار علمی‌اش: «الامامة و الامة»، «الجامعة الاسلامية و العقائد القرآنية»، «الجان و الجن»، «حکمة الاحکام»، «الشریعة و الطبیعة»، «افغان اسلام»، «دعوة نامه»، «ما هو نهج البلاغة»، «المعارف العالیة للمدارس الراقیة»، «ثقة الرواة»، «مواقع النجوم فی تحقیق سماء الدنيا و الرجوم»، «نقض الفرض فی اثبات حركة الارض»، «نهضة الحسین (ع)»، «الهیة و الاسلام»، «تفسیر سورة الواقعة»، «توحید اهل التوحید»، «المرجانیة»، در تلخیص «دلائل الخیرات»، «تنزیه التنزیل»، در اثبات صیانت مصحف از نسخ و نقص و تحریف، «التنبه فی تحریم التشبه بین الرجال و النساء»، «التنبه فی حرمة التشبه بین النساء و الرجال»، «المعجزة الخالدة»، در اعجاز قرآن، «رواشح الفیوض فی علم العروض»، «اشاعة النوادر».

اعیان الشیعة (۲۶۱/۱۰)، الذریعه (۹۹/۲)، ۲۱۴، ۴۸۱/۳،

۱۳۰، ۶۳، ۴۸۷-۴۸۶، ۴/۲۲۹، ۴۸۴، ۵/۷۶، ۷۷،

۸/۳۷۸، ۱۰/۸۷، ۱۱/۱۳۹، ۱۲/۳۷-۳۷،

۱۰۱، ۱۴/۱۸۳، ۱۶/۳، ۱۰۵-۱۰۶، ۲۷۸-۲۷۷،

۱۹/۳۲، ۲۰/۳۰۲، ۲۳/۲۳۰، ۲۴۳، ۲۴/۲۹۰، ۲۳۰،

۲۵/۲۵۹-۲۶۰، ریحانه (۳۵۲-۳۵۰/۶)، طبقات اعلام

الشیعة (قرن ۱۴/۱۴۱۳-۱۴۱۸)، علماء معاصرین

(۲۰۱-۲۱۱)، معجم رجال نجف (۷۶۱/۲-۷۶۲)، مؤلفین

کتب چاپی (۲۸۵-۲۸۲/۴).

هجری افشار، قاسم بیگ، فرزند اژدها سلطان افشار (س دهم ق)، شاعر، متخلص به هجری. وی از شاعران خوش قریحه عهد خود بود که غزل را خوب می‌سرود. گویند از وی یک «ترکیب بند» مسدس باقی مانده است.

تاریخ نظم و نثر (۵۰۲)، الذریعه (۱۲۹۰/۹)، مجمع

النواص (۷۲).

هجری تفرشی، آقا صادق/سید محمد صادق، فرزند

آتشکده آذر (۱۳۵۴-۱۳۵۰/۳)، تحفه سامی (۱۳۲۱)،
الذریعه (۱۲۹۱/۹)، فرهنگ سخنوران (۹۹۸)، هفت
اقلیم (۵۱۵/۲).

هجری یزدی - هجری تهرانی، خواجه محمد
شریف.

هجویری جلابی غزنوی، ابوالحسن علی بن عثمان.
(وف ۴۶۵ ق)، صوفی، عارف و عالم. اصل وی از جلاب
غزنه بود. خاندان او در غزنین از مردان راه حق بوده و
مسجد و منبر داشته‌اند. وی مدتی مصاحب شیخ ابوالفضل
محمد بن حسن ختلی بود و طریقت خود را از او گرفت.
سفرهای بسیاری کرد و با عده زیادی از مشایخ صوفیه در
خراسان و ماوراءالنهر و عراق و شام صحبت داشت و به
حج نیز مشرف گردید. او مدتی ملازم شیخ ابوالعباس
احمد بن محمد اشقانی بود و از وی کسب علم کرد. از
مشایخ دیگر او می‌توان شیخ ابوالقاسم عبدالکریم قشیری
و شیخ ابوسعید ابوالخیر و ابوعلی فارمدی را نام برد. در
پایان عمر به هندوستان سفر نمود و ساکن لاهور شد و
سرانجام نیز در همان جا از دنیا رفت. مدفن او زیارتگاه عام
است. در تاریخ فوت او اختلاف وجود دارد. مهمترین اثر
وی «کشف المحجوب» به فارسی، می‌باشد که اواخر عمر
خود، در لاهور، و به درخواست یکی از همشهریانش به
نام ابوسعید هجویری تألیف نمود. این کتاب در احوال
مشایخ و عقاید صوفیه و مسایل و اقوال آنها و تا حدودی به
شیوه «رساله قشیری» نوشته شده است. ظاهراً هجویری
آثار دیگری نیز داشته است و در «کشف المحجوب» از
آنها صحبت می‌کند. همچنین، به آورده صاحب «جستجو
در تصوف»، در «کشف المحجوب» آمده که وی کتاب
«منهاج الدین» و «دیوان» شعری نیز داشته است که دیگران
آنها را به خود نسبت داده‌اند.

تاریخ ادبیات در ایران (۸۹۳-۸۹۲/۲)، تاریخ نظم و نثر
(۶۵)، جستجو در تصوف (۷۲-۷۱)، دایرةالمعارف
فارسی (۳۲۵۳/۲)، الذریعه (۵۹/۱۸)، سبک شناسی
(۱۹۷-۱۸۷/۲)، کارنامه بزرگان (۱۵۵-۱۵۴)، کشف
الظنون (۱۴۹۴)، کشف المحجوب (۵۵، ۳۰۱)، مبنای
عرفان و اسوای عارفان (۳۷۵-۳۷۰)، نفعات الانس
(۳۲۲-۳۲۱)، هدیه العارفین (۶۹۱/۱).

هجمیم املی طبرستانی، قاضی هجمیم. (س ششم
ق)، شاعر و ادیب. در عصر سلجوقیان می‌زیست. مؤلف
«فرهنگ سخنوران» وی را از شعرای عهد سامانیان

همین دلیل به هجری یزدی نیز مشهور شد. بعد از فوت
پدر به خراسان رفت و وزیر محمد خان تکلوگردید. پس از
درگذشت محمدخان، به وزارت فرزند او، قزاق خان،
رسید و بعد از او مورد توجه شاه طهماسب صفوی قرار
گرفت و به وزارت یزد و ابرقو و بیابانک منصوب شد. وی
سپس به وزارت اصفهان رسید و تا پایان عمر در این
منصب باقی ماند. سلامی و کلامی قصایدی در مدح
هجری سروده‌اند. سرانجام در اصفهان درگذشت و مولانا
ضمیری اصفهانی ماده تاریخ فوت او را سرود. مؤلف
«آتشکده آذر» تاریخ فوت وی را ۹۸۲ ق و محل وفاتش را
یزد می‌داند. از آثارش: «دیوان» شعر، در حدود پنج هزار
بیت.

آتشکده آذر (۱۱۲۱-۱۱۱۹/۳)، تاریخ نظم و نثر
(۵۱۴-۵۱۳)، تحفه سامی (۲۴۶-۲۴۷)، تذکره روز روشن
(۹۲۴-۹۲۳)، تذکره سخنوران یزد (۳۵۲-۳۵۳)، الذریعه
(۱۲۹۱/۹)، ریحانه (۳۵۴-۳۵۳/۶)، فرهنگ سخنوران
(۹۹۸)، کاروان هند (۶۰۱/۱، ۱۵۲۲-۱۵۲۳)، لغت
نامه (ذیل/هجری)، هفت اقلیم (۶۷/۳-۷۰).

هجری جامی. (س دهم ق)، شاعر. از بازماندگان احمد
جام زنده پیل بود. از ایران به هندوستان رفت. در آن دیار
مدتی به مدح میرزا محمد هندال، پسر بابر شاه، و همچنین
همایون شاه (۹۳۷-۹۶۳ ق) پرداخت. در اواخر عمر نیز در
خدمت اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ ق) به سر می‌برد. از
آثارش: «دیوان» شعر، مشتمل بر پنج هزار بیت.

تاریخ نظم و نثر (۵۵۷)، الذریعه (۱۲۹۰/۹)، فرهنگ
سخنوران (۹۹۸)، کاروان هند (۱۵۴۵-۱۵۴۷)، گلزار
جاویدان (۱۷۳۰/۳).

هجری رازی - هجری تهرانی، خواجه محمد شریف.

هجری قمی، میرزا ابوالقاسم شمشیرگر. (ز ۹۸۲ ق)،
شاعر. از شعرای قم و از اقربان نیکی صفاهانی و هلاکی
همدانی بود. به شغل سیافی و شمشیر سازی اشتغال
داشت. به نقل از «آتشکده آذر» با صاحب «خلاصه
الاشعار» ارتباط داشت و به کاشان نیز رفت. سام میرزا
صاحب تذکره «تحفه سامی» وی را ذیل مولانا هجری
کاشانی آورده است. از آثار وی: «دیوان» شعر. در حاشیه
«آتشکده آذر» به نقل از صاحب «خلاصه الاشعار» بیان
شده که هجری در ۹۸۲ ق زمان تألیف «خلاصه الاشعار» از
قم به کاشان رفته و با او ملاقات داشته است.

در این مدت دربارهٔ اوضاع و احوال مردم آنجا تحقیق و مطالعه کرد. سپس در نخستین کنگرهٔ نویسندگان ایران در ۱۳۲۵ ش، که تحت شعار ادبیات نوین و مرفعی ایران، با ریاست ملک الشعرا بهار تشکیل شده بود، شرکت کرد. وی در ۱۳۲۹ ش به پاریس رفت و پس از مدتی اقامت، در فروردین سال بعد در گرمابهٔ پانسیون خویش با گشودن شیر گاز به زندگی خود پایان داد. هدایت را در قبرستان پرلاشز پاریس به خاک سپردند. از دیگر آثار وی: «زنده به گور» شامل نه داستان؛ «سه قطره خون»، شامل یازده داستان؛ «سگ ولگرد»، شامل هشت داستان؛ «یوسف کور»؛ «حاجی آقا»؛ «پروین دختر ساسان»، نمایشنامه؛ «فوائد گیاه خواری»؛ «تصحیح» «ترانه‌های خیام»؛ «سفرنامهٔ اصفهان نصف جهان»؛ «گجستک ابالیش»، ترجمه از پهلوی؛ «دیوار»، ترجمه؛ «مسبخ»، ترجمه.

ادبیات نوین (۵۰، ۵۱، ۶۷، ۷۳، ۷۶، ۸۵، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۳، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۸، ۱۵۷، ۱۵۸، ۲۱۲، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۷، از نیما تا روزگار ما (۲۲۳-۴۲۹)، تاریخ برگزیدگان (۳۵۵-۳۵۷)، چون سیوی نشنه (۱۹۸-۲۰۰)، دایرةالمعارف فارسی (۲/ ۱۵۴۹)، روز شمار تاریخ (۲۷۹/۱)، شخصیت‌های نامی (۵۱۴-۵۱۶)، شناخت نامهٔ صادق هدایت، صد سال داستان نویسی (۱/ ۹۱-۱۱۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/ ۳۴۲، ۳۶۲، ۳۹۴، ۴۰۳، ۵۲۷، ۶۰۲، ۶۳۵، ۸۴۵، ۱۱۳۷، ۱۲۰۰، ۱۳۷۲، ۱۳۸۳، ۱۴۶۲، ۱۴۷۸، ۱۴۷۹، ۱۶۱۴، ۱۸۶۶، ۱۹۲۶، ۱۹۲۹، ۲۰۱۰، ۲۰۴۲، ۲۰۹۴، ۲۱۸۳، ۲۳۴۴، ۲۴۷۵، ۲۵۸۴، ۲۶۴۸، ۲۶۹۷، ۲۷۰۷، ۲۷۰۹، ۲۸۵۴ - ۲۸۵۵، ۲۹۸۵، ۲۹۹۹، ۳۰۱۲، ۳۰۱۶، ۳۳۲۸، ۳۳۶۷، ۳۳۷۵، ۳۴۲۶)، کتابنامهٔ نخستین دههٔ انقلاب (۳۹۲)، لغت نامه (ذیل/صادق)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۵۱۳-۵۰۸).

هدایت، محمود، فرزند هدایت قلی اعتضادالملک. (تو ۱۳۱۴ ق)، نویسنده، مترجم و شاعر. وی برادر صادق هدایت، داستان نویس معروف است. او در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه و عالی خود را در مدارس علمیه و دارالفنون و دانشکده حقوق تهران به پایان رساند. هدایت در جوانی به علوم ادبی، فنون نقاشی، موسیقی و مجسمه سازی علاقه زیادی داشت و سالها در خدمت استاد کمال الملک به آموختن صنعت نقاشی مشغول بود. او همچنین زبان فرانسه را می‌دانست. هدایت پس از اتمام تحصیلات به خدمت وزارت دادگستری درآمد و عهده دار مشاغلی از جمله: مترجمی موسیو پرنی

می‌داند. او در ادبیات عربی و فارسی مهارت داشت و شاعری چیره دست و خوش بیان بود. وی در آمل از دنیا رفت و در همان‌جا به خاک سپرده شد. او به پیروی از یکی از قصاید دقیقی، قصیده‌ای با لغات فارسی و عربی و طسبری سروده که حدود هشتاد بیت است. از آثارش: «دیوان» شعر.

تاریخ نظم و نثر (۸۹)، الذریعه (۸۷۳/۹)، شعرای مازندران و گرگان (۳۴۷-۳۴۸)، فرهنگ سخنوران (۹۹۷)، مجمع الفصحا (۱۱۰۳/۳).

هدایت، رضاقلی، فرزند جعفرقلی - نیرالملک هدایت.

هدایت، صادق، فرزند هدایت قلی اعتضادالملک. (۱۲۸۱-۱۳۳۰ ش)، نویسنده، مترجم و محقق. وی از خاندان رضاقلی خان هدایت است. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه را در دارالفنون و دبیرستان سن لوئی تهران به پایان رساند و در حدود ۱۳۰۶ ش با کاروان دانش آموزان اعزامی به اروپا به بلژیک رفت و در رشته مهندسی راه و ساختمان نام نویسی کرد، اما در آنجا نماند و یکسال بعد با نخستین گروه دانشجویان اعزامی به اروپا برای تحصیل در رشته معماری به فرانسه رفت. وی در اقامت چهار ساله خود در فرانسه بیشتر به سیر و گشت گذراند و داستان‌های معروفی در آنجا نوشت، سپس به وطن بازگشت و در ۱۳۱۵ ش به دعوت دکتر شیراز پور پرتو، عضو وزارت امور خارجه که در آن هنگام نایب کنسول ایران در بمبئی بود، به عنوان متخصص تنظیم دیالوگ فیلم فارسی به هندوستان رفت و زبان پهلوی را آموخت و دو داستان به فرانسه نوشت و به وطن بازگشت. هدایت در این سفر بیشتر اوقات خود را در موزه‌ها و کتابخانه‌ها می‌گذراند. وی با بزرگ علوی، مجتبی مینوی و مسعود فرزاد گروهی موسوم به ربهه را که هدفش ایجاد روحی تازه در ادبیات ایران بود در مقابل ادیبان محافظه کار که آنان را سبیه نامیده بودند، تشکیل داد. هدایت مدتی نیز با مجله «موسیقی» به مدیریت سرگرد مین باشی، تا تعطیل شدن آن در ۱۳۲۰ ش همکاری داشت. وی در همان سال مدتی نیز در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به عنوان مترجم مشغول بود. هدایت با مجله‌های «سخن» و «پیام نو» همکاری داشت و مقالات و داستان‌هایی را در آنها منتشر می‌کرد. وی در ۱۳۲۴ ش همراه یک هیئت فرهنگی به دعوت دانشگاه تاشکند عازم ازبکستان شد و حدود دو ماه در آنجا ماند و

و منتشر کرد. پس از مدتی به تهران آمد و در وزارت دادگستری مشغول شد. وی در ضمن مأموریت به اصفهان وفات یافت و در آن شهر به خاک سپرده شد.

تاریخ جراید (۸۶/۳)، تذکره القبور (۵۳۸-۵۳۹)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۵۳/۴-۱۵۴).

هدایت‌الله کاتب. (س یازدهم ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «کلیات» اهلی شیرازی، به قلم دو دانگ و کتابت خفی متوسط، با رقم: «حرره هدایت‌الله کاتب». احوال و آثار خوشنویسان (۹۶۲/۳).

هدایت طبرستانی، رضاقلی خان، فرزند محمد هادی. (۱۲۸۸-۱۲۱۵ ق)، نویسنده و شاعر، متخلص به هدایت. معروف به لِّله باشی و مشهور به شیرازی. ملقب به خانی و امیرالشعرا. نسبش به شیخ کمال خجندی می‌رسد. در تهران به دنیا آمد. پدرش از اعیان قریه چارده از توابع دامغان بود و در زمان فتحعلی شاه قاجار به خدمت حسینعلی میرزا، فرمانفرمای فارس، رسید و همان‌جا درگذشت. پس از فوت پدر، همراه مادر و بستگانش به تهران و از آنجا به مازندران رفت. بعد از چند سال همراه مادرش به قصد زیارت مکه به فارس رفت و در خدمت محمد مهدی خان، متخلص به شحنه، مشغول تحصیل شد. هدایت از آغاز جوانی به سرودن شعر پرداخت و ابتدا چاکر تخلص می‌کرد. وقتی فتحعلی شاه به شیراز رفت عنوان خانی و امیرالشعرا به وی داد. پس از مرگ فتحعلی شاه مدتی در خدمت والیان فارس، از جمله فیروز میرزا و فریدون میرزا بود تا اینکه عازم تهران شد و به خدمت میرزا آقاسی صدراعظم رسید. محمد شاه قاجار تعلیم و تربیت فرزند خود، عباس میرزای نایب السلطنه (دوم) را به وی واگذار کرد و به همین جهت به لِّله باشی معروف شد. پس از مرگ محمد شاه گوشه نشینی اختیار کرد، ولی پس از مدتی به پیشنهاد امیرکبیر و دستور ناصرالدین شاه او به سفارت خوارزم مأمور گردید و به امر امیر رضاقلی خان در این سفر به تألیف کتابی در شرح راه و اسامی بلاد و اسامی سرکردگان و ریش سفیدان و حوادث این سفر به نام «سفارت نامه خوارزم» پرداخت. پس از بازگشت به تهران با کمک علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه به ریاست و ناظمیت دارالفنون انتخاب گردید. رضاقلی خان در ۱۲۷۹ ق به للگی ولیعهد مظفرالدین میرزا انتخاب و همراه او به آذربایجان رفت و پس از بازگشت به تهران انزوا گزید. وی در مسجد هدایت تهران به خاک سپرده شد. از دیگر آثارش: تذکره «ریاض العارفین»، مبنی بر شرح

مستشاری وزارت دادگستری، بازرسی و مستشاری شعبه اول استیناف تهران و چند سالی نیز ریاست شعبه دوم دیوان دادرسی دارایی و فرمانداری تبریز بود. از آثارش: «ازدواج عجیب»؛ «سرگذشت عشرت»؛ «زیارت و سیاحت»؛ در ذکر جزئیات سفر به پاریس؛ «شهنشاه‌نامه پهلوی»؛ تاریخ ایران از بدایت تا نهایت؛ «گلزار جاویدان»؛ در سه مجلد؛ تذکره «بذر سخن»؛ «آینه زندگی»؛ «در رکاب نادر شاه» یا «سفرنامه عبدالکریم»؛ «مسافرت به ارمنستان و ایران»؛ ترجمه «کلیات راجع به تاریخ سیاسی اروپا»؛ ترجمه «مردم گریز»؛ ترجمه «آب حیات»؛ شعر؛ «حقایق عریان»؛ شعر.

چهارصد شاعر برگزیده پارسی گوی (۱۱۸۰-۱۱۸۴)، روز شمار تاریخ (۳۱۳/۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۷۱/۱، ۸۶۷، ۱۳۸۶-۱۳۸۷، ۱۷۳۶/۲، ۱۹۶۹، ۲۶۶۰، ۲۷۱۷، ۳۰۰۶)، گلزار جاویدان (۱۷۸۰-۱۷۸۹)، مؤلفین کتب چاپی (۱۰۹۰-۱۰۷/۶).

هدایت‌الله اصفهانی. (س دهم و یازدهم ق)، خطاط. وی شاگرد میر معز کاشانی (م ۹۹۵ ق) بود. از آثار منسوب به او: قطعه‌ای از یک مرقع، به قلم کتابت جلی عالی، با رقم: «کتاب هدایت‌الله».

احوال و آثار خوشنویسان (۹۵۹/۳)، مناقب هنروران (۸۶).

هدایت‌الله شیرازی. (ز ۹۹۹ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «تیمور نامه» هاتفی، به قلم کتابت خفی متوسط، با رقم: «تمت الکتاب تمرنامه مولانا هاتفی، بعون الله الملک الغنی کاتبه الفقیر الحقیر الراجی، هدایت‌الله الشیرازی، غفر الله ذنوبه و ستر عیوبه، سنه تسع و تسعین و تسعمائة». احوال و آثار خوشنویسان (۹۶۱/۳)، هنر عهد تیموریان (۶۲۰).

هدایت‌الله شیرازی. (ز ۱۲۸۵ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «سراج المنیر»، به قلم کتابت خوش، با رقم: «کتابه العبد الحقیر هدایت‌الله شیرازی فی شهر رجب ۱۲۸۵».

احوال و آثار خوشنویسان (۹۶۲/۳).

هدایت‌الله فلسفی شیرازی. (وف ۱۳۳۸ ش)، روزنامه‌نگار و قاضی. در شیراز به دنیا آمد و در همانجا علوم دینی، ادبی و عربی را فراگرفت. وی در ۱۳۰۴ ش به خوزستان رفت و روزنامه «شوش» را در خرمشهر تأسیس

تا بتوانی جای بدی نیکی کن
 تا راه شفاعت نبی سد نکنی
 تذکره سخنوران یزد (۳۵۴)، تذکره نصرآبادی (۱۹۷)،
 الذریعه (۱۲۹۳/۹)، فرهنگ سخنوران (۹۹۹)، گلزار
 جاویدان (۱۷۴۱/۳).

هدایتی، جواد، فرزند احمد. (تو ۱۲۹۶ ش)، پزشک،
 استاد دانشگاه و نویسنده. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات
 ابتدایی را در دبستان اسلام و دوره متوسطه را در دارالفنون
 گذراند و سپس دانشکده پزشکی دانشگاه تهران و
 نیویورک را به اتمام رساند. پس از مدتی دوره رزیدنتی و
 تخصصی را در رشته بیماریهای گوش و حلق و بینی
 بیمارستان حلق و بینی نیویورک، وابسته به دانشگاه
 نیویورک و دوره رزیدنتی برونکوازو فاکولوزی و جراحی
 حنجره را در بیمارستان دانشگاه تمپل فیلادلفیا
 گذراند. هدایتی در ۱۳۳۳ ش پس از مدتی طبابت در
 نیویورک به تهران بازگشت. از مشاغل مهم وی استادی
 بیماریهای گوش و حلق و بینی و ریاست دانشکده پزشکی
 دانشگاه ملی ایران بود. دکتر هدایتی عضو ممتاز و صاحب
 درجه بود تخصصی از جامعه متخصصین آمریکا، عضو
 آکادمی و صاحب نشان از آکادمی چشم و گوش و حلق و
 بینی آمریکا و عضو ممتاز کالج بین المللی جراحان از ژنو و
 شیکاگو و عضو انجمن بین المللی برونکوازو فاکولوزی و
 عضو جراحان سر و گردن آمریکا بود. از آثار وی: «آثار
 چشم پزشکی تومورهای هیپوفیز»، «تغییرات آناتومیک
 حلزون در گوش داخلی»، «نقش عضله کریکو تیروئید در
 فلج های حنجره». چهره های آشنا (۶۶۰).

هراتی، محمد محسن. (ز ۹۹۰ ق)، نقاش و خطاط.
 وی اهل هرات بود و خط نستعلیق را استادانه می نوشت. از
 آثار خطی او: یک نسخه «دیوان» حافظ که به امر فریدون
 میرزا پسر سلطان حسین بایقرا کتابت کرده و تصاویر و
 تذهیبهای آن نیز کار خود اوست؛ مزق زیبای، از جمع
 خطوط و تصاویر گوناگون که دیباچه و خاتمه آن را نیز خود
 کتابت کرده، با رقم: «کتابه الفقیر المذنب محمد محسن...
 فی بلده هرات ... سنه تسعین و تسعمائة الهجرية». فی
 احوال و آثار نقاشان (۱۰۷۸/۳).

هراتی، محمود بن محمد. (س ششم ق)، حکاک. وی
 از نگارگران و حکاکان زیر دست هرات بود. از
 آثارش: ابرق نفیسی، که به ترصیع نقره و مس و در شیوه

حالات عرفا، فضلا، حکماء، ادبا و شعرا از متقدمین و
 متأخرین و معاصرین؛ تذکره «مجمع الفصحا» در شش
 مجلد؛ ملحقات «تاریخ روضة الصفای ناصری» در سه
 مجلد، که الحاقی است بر «تاریخ روضة الصفای» تألیف میر
 محمد بن برهان الدین خواند شاه؛ «مظاهر الانوار»؛ «لطایف
 المعارف»؛ «فهرست التواریخ»؛ «فرهنگ انجمن آرای
 ناصری»، در لغت فارسی؛ مثنویات سته ضروریه شامل:
 «انوار الولاية» در معجزات ائمه (ع) بر وزن «مخزن
 الاسرار» نظامی گنجوی، «گلستان ارم» مشهور به «بکتاش
 نامه» بر وزن «خسرو و شیرین» نظامی گنجوی، «بحر
 الحقایق» بر وزن «حدیقه» سنایی، «انیس العاشقین» بر وزن
 «لیلی و مجنون» نظامی گنجوی، «خرم بهشت»، «هدایت
 نامه»؛ «دیوان» شعر.

اعیان الشیعه (۱۵/۷)، تاریخ برگزیدگان (۳۱۹-۳۱۸)،
 تاریخ قومس (۴۰۳-۴۰۲)، حدیقه الشعراء (۲۰۶۰/۳)،
 ۲۰۷۲، دایرة المعارف فارسی (۳۲۵۵/۲)، الذریعه
 (۲۵/۴، ۴۷/۷، ۱۵۰/۹، ۱۲۹۳-۱۲۹۲/۹، ۲۹۷/۱۱، ۱۲۵/۱۹)،
 ریاض العارفین (۳۶۵-۳۵۲)، ریحانه (۳۵۶-۳۵۴/۶)،
 سبک شناسی (۳۶۹-۳۶۷/۳)، شرح حال رجال (۳۹/۲)،
 ۴۲، طرائق الحقائق (۲۹۹-۲۹۶/۳)، فارسنامه ناصری
 (۷۸۶، ۷۱۲/۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۱۴/۱)،
 ۳۵۰، ۷۰۹، ۱۵۶۶، ۱۵۸۷، ۱۷۹۱/۲، ۱۸۰۹، ۱۸۱۰،
 ۱۹۸۹، ۱۹۹۴، ۲۱۶۴، ۲۴۱۸، ۲۴۸۰، ۲۵۰۷، ۲۷۴۵،
 ۲۸۷۵، ۲۹۰۱، ۲۹۶۶، ۳۰۳۸، ۳۱۴۴، ۳۲۹۵، گلزار
 جاویدان (۱۷۴۱-۱۷۳۲/۳)، المآثر و الآثار (۱۹۰-۱۸۹)،
 مجمع الفصحا (۱۴۱۳-۱۲۰۹/۶)، مصطفی خراب
 (۲۱۵-۲۱۴)، معجم المؤلفین (۱۶۳/۴)، مکرم الآثار
 (۵۴۵-۵۴۰/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۶-۲۱۳/۳)،
 یادگار (س ۴، ش ۴، ص ۱۴-۹).

هدایت طبرسی ← مخبر السلطنه، مهدیقلی خان
 هدایت.

هدایت نایینی، میرزا هدایت حسین. (س یازدهم
 ق)، شاعر. نسبش به جابر بن عبدالله انصاری می رسد.
 فرزندان جابر در ولایت فارس می زیستند. اجداد میرزا
 هدایت از آن دیار به یزد مهاجرت نمودند و او در این شهر
 به تحصیل علوم پرداخت. طبع شعر خوبی داشت و بیشتر
 رباعی می سرود. اشعاری از وی در تذکره ها نقل شده
 است. از اوست:

ز نهار که عذر معتذر رد نکنی
 او بد کرد دست تو به او بد نکنی

خراسانی عمل آمده و در بدنه آن نقوش مختلف طراحی و نقش بسته، با رقم: «محمود بن محمد هراتی» ۵۷۷ ق.
احوال و آثار نقاشان (۱۱۳۵/۳).

هراسی کائی خوارزمی، ابو عبدالله محمد بن علی بن ابراهیم. (وف ۴۲۵ ق)، ادیب، لغوی، صرفی و نحوی. وی از بزرگان ادبا و لغویون خوارزم بود. اصلش از کاث از قرای خوارزم است. در «الاعلام» تحت عنوان هراسی و در «روضات الجنات»، «هدیه العارفين» و «كشف الظنون» تحت عنوان هراس آمده است. از آثارش: شرح «دیوان» متنبی؛ کتابی در «تصريف»؛ «رسائل البلاغة و البراعة».
الاعلام (۱۶۱/۷)، روضات الجنات (۲۳۱/۱)، كشف الظنون (۸۱۲-۸۱۱)، معجم المؤلفين (۳۰۱/۱۰)، الوافی بالوفیات (۱۲۲-۱۲۱/۴)، هدية العارفين (۶۵/۶).

هرمزی، سعید، فرزند میرزا حسین خان ثقة السلطنة. (۱۳۵۵-۱۲۷۶ ق)، موسیقیدان. در تهران به دنیا آمد. وی ابتدا نزد درویش خان و سپس نزد علی اکبر خان شهنازی به فراگیری تار و ردیفهای موسیقی ایرانی پرداخت و در ۱۳۵۰ ش بنا به درخواست سازمان رادیو و تلویزیون وقت، اندوخته‌های خود را بر روی نوار ضبط کرد و در اختیار مرکز حفظ و اشاعه موسیقی سنتی ایران قرار داد. او همچنین به تعلیم رموز نواختن تار و سه تار به هنرجویان آن مرکز پرداخت. از شاگردان وی می‌توان به عبدالرضا اقبال و سید حسن حسینی اشاره کرد. وی در تهران درگذشت.

استادان موسیقی (۷۱)، مردان موسیقی (۴۴۳-۴۴۴).

هروی، ابواسحاق احمد بن محمد بن یاسین. (وف ۳۳۴ ق)، حافظ، محدث و مورخ. معروف به ابن یاسین حداد. وی از عثمان بن سعید دارمی و موسی بن احمد فریابی و عیید بن محمد وراق حافظ و معاذ بن مثنی و فضل بن عبدالله یشکری و همطبقه آنها حدیث شنید. ابو عبدالله بن ابی ذهل و منصور بن عبدالله خالدی و خلیل بن احمد قاضی و محمد بن علی بن محمد باشانی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. او در فن تاریخ نویسی دست داشت و کتابی با عنوان «تاریخ هرات» تصنیف نمود. در «میزان الاعتدال» درگذشت وی ۲۳۴ ق ذکر شده است.

تذکره الحفاظ (۸۷۷-۸۷۸)، سیر النبلاء (۳۳۹/۱۵)، شذرات الذهب (۳۳۵/۲)، طبقات الحفاظ (۳۷۵)، لسان المیزان (۴۳۷/۱)، معجم المؤلفين (۱۶۸/۲)، میزان الاعتدال (۱۷۵/۱)، هدية العارفين (۴۷/۱).

هروی، ابوبکر احمد بن محمد بن علی. (۴۰۵-۴۸۹ ق)، مقری. اصلش از هرات و عالم به قرأت بود. در اواخر عمر بسوی بلاد غربی عالم اسلام سفر کرد. به دمشق رفت و نهایتاً در قدس درگذشت. از آثارش: «التذكرة في القراءات الثمان».

ابضاح المکنون (۲۷۶/۱)، معجم المؤلفين (۱۳۶/۲)، هدية العارفين (۸۱/۱).

هروی، ابوالحسن علی بن ابی بکر بن علی. (وف ۶۱۱ ق)، عالم، خطیب و جغرافیدان. مشهور به سایح هروی. اصل وی از هرات و جهانگردی مشهور بود. در موصل به دنیا آمد و در حلب ساکن گشت. او به شهرهای مختلف و اقصا نقاط دنیای آن روز مسافرت نمود و همه دریاها و خشکی‌ها و جزایری را که امکان دیدن آنها بود، پشت سر گذاشت. وی در علم سیمیا تبحر داشت و مهارت او در این علم باعث نزدیکی‌اش به ملک ظاهر، فرزند سلطان صلاح‌الدین ایوبی شد و به همین سبب ملک ظاهر برای وی مدرسه‌ای در حلب بنا کرد. او در حلب، در مدرسه‌اش، درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. از آثارش: «الاشارات في معرفة الزيارات» یا «الاشارات الى معرفة الزيارات من صحيح الروایات»؛ «الخطب الهروية»؛ «التذكرة الهروية في الحيل الحربية»؛ «زيارات الشام»؛ «منازل الارض ذات الطول والعرض»؛ «الرحلة». در «ابضاح المکنون»، کتاب «الزيارات من صحيح الروایات» از آثار صاحب عنوان ذکر شده است که به احتمال زیاد همان «الاشارات...» مذکور می‌باشد.

ابضاح المکنون (۲۷۸/۱)، شذرات الذهب (۴۹/۵)، كشف الظنون (۷۱۵، ۹۶، ۱۸۲۷)، معجم المؤلفين (۴۷/۷)، وفیات الاعیان (۳۴۸-۳۴۶/۳)، هدية العارفين (۷۰۵/۱).

هروی، ابوالحسن علی بن محمد. (س چهارم ق)، ادیب و نحوی. او پدر ابوسهل مؤذن هروی (م ۴۳۳ ق) است اصلش از هرات بود و از پیشوایان ادب در عصر خود به شمار می‌رفت. به مصر رفت و در آنجا سکنی گزید. او اولین کسی است که کتاب «صحاح اللغة» جوهری را به مصر برد و آن را تهذیب و اصلاح کرد. وی از ازهری روایت کرده است. صاحب «معجم الادباء» تألیفات او را نشان دهنده مراتب علم و فضل وی می‌دانند. در «هدیه العارفين» وفات وی در حدود ۴۱۵ ق ذکر شده است. از آثار او: «الازهية»، که در آن عوامل و حروف را شرح کرده است؛ «الذخائر»، در نحو، در چهار

مجلد؛ «المرشد» مختصری در نحو.

کشف الظنون (۷۳، ۸۲۲)، معجم الادباء (۲۴۸/۲۴۹)، معجم المؤلفین (۲۳۶/۷-۲۳۷)، هدیة العارفين (۶۸۶/۱).

«الیمین الفاجرة»؛ «کرامات الاولیاء».

تاریخ بغداد (۱۱/۱۴۱)، تذکره الحفاظ (۳/۱۱۰۸-۱۱۰۳)، سیر النبلاء (۱۷/۵۶۳-۵۵۴)، شذرات الذهب (۳/۲۵۴)، طبقات الحفاظ (۴۴۳)، طبقات المفسرین داودی (۱/۳۶۸-۳۶۹)، العبر (۲/۲۶۹)، الکامل (۸/۳۶)، کشف الظنون (۴۴۱، ۱۶۷۲-۱۶۷۳، ۱۸۳۰)، معجم المؤلفین (۵/۶۵-۶۶)، المنتظم (۹/۳۱۱)، النجوم الزاهرة (۵/۳۸)، هدیة العارفين (۱/۴۳۷-۴۳۸).

هروی، ابوسعید محمد بن احمد بن ابی یوسف / یوسف. (مقتول ۵۱۸ ق)، فقیه شافعی و قاضی. وی از فقهای شافعی در سده های پنجم و اوایل ششم بود. در نزد ابوعاصم عبادی تلمذ کرد و کتاب «ادب القضاء» او را شرح نمود و «الاشراف علی غوامض الحکومات» نامید. در «هدیة العارفين» به نقل از ابن عساکر و به تبع آن در «معجم المؤلفین» این کتاب به ابوسعید عبدالمجید بن اسماعیل هروی (م ۵۳۷ ق) نیز نسبت داده شده است. وی عهده دار منصب قضاوت همدان بود. در مسجد جامع همدان به همراه پدرش به قتل رسید.

طبقات الشافعية اسنوی (۲/۲۹۲)، طبقات الشافعية سبکی (۴/۱۰۴، ۵/۳۶۵-۳۷۱)، کشف الظنون (۱۰۳)، معجم المؤلفین (۴/۲۱۰، ۶/۱۶۷-۱۶۸، ۹/۳۰)، هدیة العارفين (۱/۶۱۹، ۲/۸۴).

هروی، ابوسعید ابراهیم بن طهمان بن شعبه خراسانی. (وف ۱۶۳/۱۶۸ ق)، حافظ، فقیه و محدث. در اواخر روزگار صحابه صفار (آنان که در زمان رحلت پیامبر (ص) کم سن و سال بودند) در هرات به دنیا آمد. اصلش از قریه باشان هرات بود. در نیشابور نشو و نما یافت. در طلب علم به مسافرت پرداخت و عده ای از تابعین را ملاقات نمود و از آنها حدیث شنید. از جمله از عبدالله بن دینار و ابوزیر محمد بن مسلم قرشی و عمرو بن دینار و ثابت بنانی و ابوحازم اعرج و ابواسحاق سبیعی و سماک بن حرب و موسی بن عقبه و ابوزیر محمد بن مسلم قرشی و محمد بن زیاد جمحی قرشی و یحیی بن سعید انصاری. همچنین از منصور بن معتمر و ابی جمره ضبعی و عاصم بن بهدله و عاصم بن سلیمان و حسین معلم و آدم بن علی و عبدالعزیز بن رفیع و ابوحصین عثمان اسدی و حمید طویل و حجاج بن حجاج باهلی و عطاء بن ابی مسلم خراسانی و عبدالعزیز بن صهیب و مطر وراق و دیگران حدیث شنید. به بغداد رفت و در آنجا حدیث گفت. سپس به مکه رفت و در آنجا مجاور شد. فرزندش، عبدالخالق بن

هروی، ابوذر عبد/عبدالله بن احمد بن محمد انصاری. (۳۵۶/۳۵۶-۴۳۴ ق)، فقیه مالکی، حافظ، محدث و صوفی. معروف به ابن سماک. اصل او از هرات و از علمای بزرگ مالکی و شیخ الحرم زمانش بود. در طلب علم و حدیث به مسافرتها طولانی پرداخت. علم کلام را از ابن باقلانی فراگرفت. وی در هرات از ابوالفضل بن خمیرویه و بشر بن محمد مزنی و عده ای دیگر و در سرخس از ابومحمد بن حمویه و زاهر بن احمد فقیه و در بلخ از ابواسحاق مستملی و در مرو از ابوهیثم کشمیهنی و در بصره از ابوبکر هلال بن محمد بن محمد و شیبان بن محمد ضبعی و در بغداد از ابوالفضل زهری و ابوالحسن دارقطنی و ابوعمر بن حیویه و در دمشق از عبدالوهاب بن حسن کلابی و در مصر از ابومسلم کاتب و در مکه از ابواسحاق ابراهیم بن محمد دینوری و عده ای دیگر حدیث شنید. وی راوی «صحیح» از مستملی و حموی و کشمیهنی بود. فرزندش عیسی و علی بن محمد بن ابوالهول و موسی بن عیسی صقلی و عبدالله بن حسین تنیسی و ابوصالح نیشابوری موذن و علی بن بکار صوری و احمد بن محمد قزوینی و ابوطاهر اسماعیل بن سعید نحوی و ابوحسین بن المهتدی بالله و ابوولید باجی و عبدالله بن سعید شنتجالی و عبدالحق بن هارون سهمی و ابوبکر احمد بن علی طریثی و ابوشاکر احمد بن علی عثمانی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده اند. ابوبکر خطیب بغدادی و ابوعمر بن عبدالبر و احمد بن عبدالقادر یوسفی و ابو عبدالله احمد بن محمد بن غلبون خولانی از او اجازه روایت داشته اند. او را حافظی کثیر الشیوخ دانسته اند. وی مدتی در مکه مجاور گشت و در آنجا به تصنیف کتب و گردآوری «معجم» مشایخ خود پرداخت. بعدها در ناحیه سروات، در حوالی مکه، سکنی گزید. او هر سال در موسم حج به مکه می رفت و سرانجام نیز در مکه درگذشت. از دیگر آثارش: تفسیر قرآن؛ «السنه و الصفات»؛ «الجامع»؛ «الدعاء»؛ «فضائل القرآن»؛ «دلائل النبوة»؛ «المستدرک علی الصحیحین»؛ «الصحيح المسند المخرج علی الصحیحین» یا «المسند الصحيح المجرد علی البخاری و مسلم»؛ «شهادة الزور»؛ «فضائل مالک بن انس»؛ «العیدین» یا «فضائل العیدین»؛ «مسانید الموطآت»؛ «فضل یوم عاشوراء»؛ «المناسک»؛ «الربا» و

خشرم و علی بن حرب و احمد بن عیسیٰ مصری و عمر بن شبة و احمد بن منصور رمادی و همطبقه آنها حدیث شنید. حاکم نیشابوری گوید که وی در مرو، طوس، سرخس، مرو رود، بخارا و نیشابور نقل حدیث کرد. ابو ولید حسان بن محمد و محمد بن جعفر بن مطر و ابوبکر احمد بن علی رازی و ابوحامد بن شرقی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. او در هرات درگذشت. از آثارش: کتاب «تاریخ هرات»؛ کتاب «الجواهر»؛ «العجائب».

تاریخ نیشابور (۱۲۷)، تذکره الحفاظ (۷۴۸/۲-۷۴۹)، سیرالنبله (۲۲۱-۲۲۲/۱۴)، شذرات الذهب (۲۴۲/۲)، طبقات الحفاظ (۳۳۵-۳۳۶)، المعبر (۴۴۶/۱)، کشف الظنون (۱۴۳۷)، معجم المؤلفین (۵۱۰-۵۰/۱۲)، الوافی بالوفیات (۶۷/۵).

هروی، ابو عبید احمد بن محمد بن محمد. (وف ۴۰۱ ق)، محدث، ادیب و لغوی. معروف به صاحب «الغریبین». اصلش از فاشان، از قرای هرات است. از بزرگان علما و ادبا و لغویون و از شاگردان نبطویه و ابن سراج و ابومتصور ازهری بود. وی از احمد بن محمد بن محمد بن یاسین و ابواسحاق احمد بن محمد بن یونس بزاز حافظ روایت کرد. شیخ الاسلام ابو عثمان اسماعیل بن عبدالرحمن صابونی و ابو عمر عبدالواحد بن احمد ملیحی و ابوبکر اردستانی از وی روایت کرده‌اند. او را پیشوای اهل ادب در زمان خود می‌دانستند. وی به سرزمینهای مختلف سفر کرد و مدتی نیز اسیر قرامطه شد. در «ریحانة الادب» و «روضات الجنات» کنیه وی ابو عبدالله یا ابوالقاسم ذکر شده است. از آثارش: «الغریبین»، که جمعی است بین تفسیر «غریب القرآن» و «غریب الحدیث»؛ «ولاة هرات» یا «تفصیل ولایة هرات».

الاعلام (۲۰۳/۱)، روضات الجنات (۲۵۱-۲۵۲)، ریحانه (۳۶۱/۶)، سیرالنبله (۱۴۶-۱۴۷)، شذرات الذهب (۱۶۱/۳)، طبقات الشافعیة استوی (۲۹۱/۲-۲۹۲)، طبقات الشافعیة سبکی (۸۵۸۴/۴)، المعبر (۱۹۹/۲)، الکامل (۲۵۶/۷)، کشف الظنون (۱۲۰۶)، ۱۲۰۹، معجم الادباء (۲۶۱-۲۶۰/۴)، معجم المؤلفین (۱۵۰/۲)، النجوم الزاهرة (۲۲۹/۴)، الوافی بالوفیات (۱۱۵-۱۱۴/۸)، وفیات الاعیان (۹۶-۹۵/۱)، هدیة الاحباب (۲۶۲)، هدیة العارفين (۷۰/۱).

هروی، ابو علی حسین بن ادریس بن مبارک انصاری. (وف ۳۰۷-۳۰۸ ق)، حافظ، محدث و مورخ. معروف به ابن خرم. وی از سعید بن منصور و خالد بن هیاج و داوود

ابراهیم، و استادش، صفوان بن سلیم، و ابو حنیفه نعمان بن ثابت و محمد بن جعفر بن ابی کثیر و عبدالله بن مبارک و حفص بن عبدالله سلمی نیشابوری و ابو عامر عقدی و سفیان بن عیینة و خالد بن نزار و وکیع بن جراح و حسین بن ولید نیشابوری و عبدالرحمن بن عبدالله دشتکی رازی و غسان بن سلیمان هروی و برادرش، مالک بن سلیمان هروی، و عمر بن عبدالله بن رزین و عبدالرحمن بن مهدی و محمد بن سابق و معن قزاز و یحیی بن ابوبکر کرمانی و یحیی بن ضریس بسجلی رازی و ابو حذیفه نهدی و عبدالرحمن بن سلام جمحی و محمد بن سنان عوقی و جماعتی دیگر از او روایت کرده‌اند. در مکه درگذشت. از آثارش: «السنن»، در فقه؛ «المناقب»؛ کتاب «العیدین»؛ کتاب «التفسیر».

اعیان الشیعه (۱۶۸/۲)، تاریخ بغداد (۱۱۱-۱۰۵/۶)، تاریخ الکبیر (۲۹۴/۱)، تذکره الحفاظ (۲۱۳/۱)، تهذیب التهذیب (۱۱۸-۱۱۷/۱)، تهذیب الکمال (۳۶۸-۳۶۴/۱)، الشفقات (۲۷/۶)، سیرالنبله (۳۸۵-۳۷۸/۷)، شذرات الذهب (۲۵۷/۱)، طبقات الحفاظ (۱۰۶-۱۰۵)، المفسرین داودی (۱۱-۱۰/۱)، المعبر (۱۸۵/۱)، فهرست ابن الندیم، ترجمه (۴۱۶)، الکامل (۶۴/۵)، لسان المیزان (۱۹۱/۸)، معجم البلدان (۳۸۳/۱)، معجم المؤلفین (۴۱/۱)، میزان الاعتدال (۶۳/۱)، الوافی بالوفیات (۲۴-۲۳/۶).

هروی، ابو عبدالله سامی، محمد بن عبدالرحمان. (وف ۳۰۲/۳۰۱ ق)، حافظ و محدث. اصل وی از هرات بود. از احمد بن یونس یربوعی و همطبقه او در کوفه و اسماعیل بن ابی اویس و عده‌ای دیگر در مدینه و احمد بن حنبل و همطبقه او در بغداد و ابراهیم بن محمد شافعی در مکه و محمد بن معاویه نیشابوری و محمد بن مقاتل مروزی حدیث شنید. سامی از مشایخ ابوحاتم بن حبان بستی است و ابن حبان در «صحیح» خود و نیز عباس بن فضل ضروری و بشر بن محمد مزنی و دیگر علمای هرات از وی روایت کرده‌اند.

تذکره الحفاظ (۶۹۸-۶۹۷/۲)، سیرالنبله (۱۱۵-۱۱۴/۱۴)، شذرات الذهب (۲۳۵/۲)، طبقات الحفاظ (۳۲۴)، المعبر (۴۴۲/۱)، معجم المؤلفین (۱۵۷/۱۰)، الوافی بالوفیات (۲۲۶/۳).

هروی، ابو عبدالرحمان/ابو جعفر محمد بن منذر بن سعید. (وف ۳۰۳/۳۰۲ ق)، حافظ، محدث و مورخ. معروف به شکر. وی از محمد بن رافع قشیری و علی بن

سعد الهروی» موجود است و گویند خواجه نصیرالدین طوسی در تحریر «اکر منالاولس» از این کتاب استفاده کرده است. از دیگر آثارش: «مدخل الصاحبی»، در نجوم، که ابوریحان بیرونی در کتاب «تحدید نهایات الاماکن» خود از آن استفاده کرده است.

دانشنامه ایران و اسلام (۱۳۲۸-۱۳۲۹)، زندگینامه ریاضیدانان دوره اسلامی (۱۰۹۹-۱)، لغت نامه (ذیل/احمد)، بغما (ص ۲۰، ش ۱، ص ۹۸).

هروی، ابومحمد عبدالله بن عروه. (وف ۳۱۱ ق)، حافظ و محدث. اصل وی از هرات بود. از ابوسعید اشج و زعفرانی و محمد بن ولید بسری و حسن بن عرفه و همطبقه آنها حدیث شنید. محمد بن احمد بن ازهری لغوی و محمد بن عبدالله سیاری و ابومنصور محمد بن عبدالله بزاز هروی و اهل هرات از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: کتاب «الاقضية».

ایضاح المکنون (۲/۲۷۰)، تذکره الحفاظ (۳/۷۸۶-۷۸۷)، سیر النبلاء (۱۴/۲۹۴)، شذرات الذهب (۲/۲۶۲)، طبقات الحفاظ (۳۴۹)، المعبر (۱/۴۶۲)، معجم المؤلفین (۸۳-۸۲/۶)، هدیة العارفین (۱/۴۴۳).

هروی، ابومعمر سالم بن عبدالله. (وف ۴۳۳ ق)، فقیه شافعی و متکلم. معروف به غولچه (تصغیر غول). اصل او از هرات و از علمای شافعی در سده پنجم بود. وی در انواع علوم مهارت داشت. حاکم نیشابوری از وی روایت کرده است. سبکی در «طبقات الشافعیه» آورده که او همطبقه شیخ ابومحمد و ناصر مروزی است. از آثارش: «اللمع فی الرد علی اهل الزيغ و البدع»، در مسائل کلامی و اصول اعتقادی اهل سنت. این کتاب در «کشف الظنون» تحت نام «اللمعة فی الرد علی اهل الزيغ و البدعة» آمده است.

شذرات الذهب (۳/۲۵۱)، طبقات الشافعیة اسنوی (۲/۲۹۸)، طبقات الشافعیة سبکی (۴/۳۸۰)، کشف الظنون (۱۵۶۵)، معجم المؤلفین (۴/۲۰۳).

هروی، حسینعلی. (۱۲۹۷-۱۳۷۲ ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و مترجم. وی دوره لیسانس زبانهای خارجی را در دانشسرای عالی گذراند و از دانشکده الهیات دکترای گرفت و سرانجام بعد از سالها، که عهده دار خدمات فرهنگی بود، در همان دانشکده به تدریس زبان فرانسه پرداخت. هروی مقالات ادبی و نقدهایی در مورد کار دیگر اساتید در «دیوان» حافظ نوشته که به همت دکتر عنایت الله مجیدی به چاپ رسیده است. وی سرانجام در تهران

بن رشید و هشام بن عمار و سدید بن سعید و محمد بن عبدالله بن عمار و عثمان بن ابی شیبه و همطبقه آنها حدیث شنید. بشر بن محمد مزنی و منصور بن عباس و ابوحاتم بن حبان و ابوبکر نقاش مفسر و محمد بن عبدالله بن خمیره و اهل هرات از وی روایت کرده‌اند. دارقطنی او را در حدیث ثقه می‌داند. از آثار وی کتابی در تاریخ است که بر اساس سنوات مرتب نشده است.

الاعلام (۲/۲۵۱)، انساب سمعانی (۵/۶۳۷)، تذکره الحفاظ (۲/۶۹۵-۶۹۶)، توضیح المشبه (۳/۲۱۸-۲۱۹)، الثقات (۸/۱۹۳)، الجرح و التعديل (ج ۱، ق ۴۷/۲)، سیر النبلاء (۱۴/۱۱۳-۱۱۴)، شذرات الذهب (۲/۲۳۵)، طبقات الحفاظ (۳۲۲)، المعبر (۱/۴۴۱)، لسان المیزان (۲/۵۰۳-۵۰۲)، معجم المؤلفین (۳/۲۰۵)، میزان الاعتدال (۱/۵۲۴)، النجوم الزاهرة (۳/۲۰۴)، الوافی بالوفیات (۱۲/۳۴۰).

هروی، ابوالفتح نصر بن احمد بن ابراهیم حنفی. (۴۱۹-۵۱۰/۵۱۱ ق)، محدث، مسند، زاهد و عابد. وی در هرات به دنیا آمد. از پدرش و جدش ابراهیم و جد مادری اش، ابی المظفر منصور بن اسماعیل هروی، و ابویعقوب قراب حافظ و ابوالحسن دبّاس و اباعثمان سعید بن عباس قرشی و عبدالوهاب بن محمد بن عیسی و محمد بن فضیل و جماعتی دیگر حدیث شنید. تعدادی از مشایخ سمعانی از وی روایت کرده‌اند. از آثارش: «المسند» در حدیث که شیخ الاسلام ابواسماعیل خواجه عبدالله انصاری آن را در سه مجلد تخریج کرد.

تذکره الحفاظ (۴/۱۲۶۲)، سیر النبلاء (۱۹/۳۹۱)، معجم المؤلفین (۱۳/۸۸-۸۷)، هدیة العارفین (۲/۴۹۱).

هروی، ابوالفضل احمد بن ابی سعد/سعید. (توح ۳۲۰-وف ۳۹۰-۳۸۰ ق)، ریاضیدان و منجم. در هرات به دنیا آمد. چندی در ری و جرجان زیست. از ریاضیدانان و منجمان ماهر عصر خود و معاصر با ابوجعفر خازن و ابومحمود خجندی و رکن الدولة دیلمی بود. وی در ۳۴۸ ق ارتفاع خورشید را در ری رصد کرد و در ۳۷۱ ق عرض جرجان را محاسبه نمود. آثار او در ریاضیات و نجوم مورد توجه و مطالعه علمای ریاضی چون ابوریحان بیرونی و خواجه نصیر طوسی قرار می‌گرفت. هروی کتاب «اکر منالاولس» را، که ابوعبدالله محمد بن عیسی ماهانی تا شکل دهم از مقاله دوم آن را تصحیح کرده بود، از نو اصلاح نمود. دو نسخه خطی از کتاب وی با عنوان «کتاب منالاولس فی الاشکال الکریة مما اصلحه احمد بن ابی

شذرات الذهب (۱۸۹/۷-۱۹۰)، الضوء اللامع (۱۵۵-۱۵۱/۸)، طبقات الشافعية ابن قاضي شهبه (۱۰۵-۱۰۴/۴)، كشف الظنون (۴۷۳)، معجم المؤلفين (۲۹۴-۲۹۳/۱۰)، هدية العارفين (۱۸۵-۱۸۶).

هروی، عبدالملک بن علی. (وف ۴۸۹ ق)، ادیب و لغوی. معروف به مؤدب. در هرات به دنیا آمد. از بزرگان اهل سنت در سده پنجم هجری در این شهر می‌باشد. وی در هرات معلم و مرجع استفاده اکثر فضلا بود. صاحب «كشف الظنون» و «ريحانة الادب» وی را تحت عنوان عبدالملک بن علی مؤذن هروی آورده‌اند. از آثارش: «الصفات و الذوات» یا «الصفات و الادوات التي يتبدى بها الاحداث»؛ «المحيط»؛ در لغت؛ «المنتخب من تفسير الرماني» یا «مختصر» تفسير قرآن رماني (علی بن عیسی وراق).

روضات الجنات (۱۶۱/۵)، ریحانه (۳۶۲/۶)، كشف الظنون (۴۴۸-۴۴۷، ۴۴۳، ۱۶۲۱)، معجم المؤلفين (۱۸۶/۶)، هدية العارفين (۶۲۶/۱).

هروی، مقصود علی. (ز ۱۰۱۱ ق)، مترجم. اصل وی از تبریز است. از ایران به هندوستان مهاجرت کرد و در آنجا سکنی گزید به همین علت به مقصود علی هندی نیز مشهور است. از آثارش «تاریخ الحکما»، درباره سرگذشت حکیمان و عالمان است که ترجمه «نزهة الأرواح و روضة الافراح فی تواریخ الحکما المتقدمین و المتأخرین»، تألیف محمد بن محمود شهرزوری، است. مقصود علی این کتاب را در ۱۰۱۱ ق، در عهد اکبر شاه و به دستور شاهزاده سلیم (جهانگیر شاه)، از عربی به فارسی ترجمه نمود و بعدها میر سید صدرالدین بن میر محمد صادق، گزیده‌ای از این کتاب را به نام «قول الحکما» یا «انتخاب تاریخ الحکما» تحریر نمود.

ایضاح المکنون (۲۱۴/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۵۸۶-۱۵۸۷)، تاریخ نظم و نثر (۴۰۱، ۸۰۸).

هروی بغدادی، ابو عبید قاسم بن سلام بن عبدالله. (۱۵۷-۲۲۲/۲۲۳/۲۲۴ ق)، حافظ، محدث، فقیه، مجتهد، ادیب و لغوی. در هرات به دنیا آمد. پدرش از غلامان رومی و در خدمت مردی از اهل هرات بود. ادبیات و فقه را از اساتید بزرگ آن زمان فراگرفت. قرآن و لغت را نزد ابوالحسن کسایی و اسماعیل بن جعفر و شجاع بن ابونصر بلخی و ابو عمرو شیبانی و فراء و ابوزیاد کلابی و ابو عبیده و اصمعی و یزیدی و ابوزید انصاری و عده‌ای دیگر

درگذشت و در گرگان در کنار افراد خاندان خود به خاک سپرده شد. از دیگر آثار وی: «شرح غزلهای حافظ»؛ «فرهنگ البسه مسلمانان»، ترجمه؛ «زندگینامه داستایوسکی» هانری تروا، ترجمه؛ ترجمه جلد اول «تاریخ بزرگ جهان»؛ «درسهایی برای خوش زیستن در زندگی زناشویی»، ترجمه.

فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۳۹۱/۱، ۲۴۱۷/۲)، کلک (س ۴، ش ۳۸، ص ۱۵۱-۱۵۳).

هروی، سید مهدی بن سید اسماعیل موسوی خراسانی. (وف ح ۱۲۷۰/۱۲۷۳ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و متکلم. به نجف رفت و در محضر شیخ محمد حسن صاحب «جواهر» تلمذ نمود. آن گاه خود به بحث و تدریس و تألیف پرداخت. وی بعدها به تهران آمد. حاج شیخ محمد باقر بیرجندی، صاحب «کبریت الاحمر»، در اجازه‌ای که برای آیت الله سید شهاب الدین نجفی مرعشی صادر نموده، صاحب عنوان را ستوده است. وی در تهران درگذشت. پیکرش را به مشهد منتقل کردند و در بقعه شیخ بهایی به خاک سپردند. از آثارش: «شرح «نجاه العباد»؛ «درایة الحديث».

اعیان الشیعه (۱۴۳/۱۰)، الذریعه (۵۶/۸، ۱۰۲/۱۴)، معجم رجال نجف (۴۸۱-۴۸۰/۲)، معجم المؤلفين (۲۶/۱۳).

هروی، شمس الدین ابو عبدالله شمس/محمد بن عطاء الله بن محمد رازی. (۸۲۹-۷۶۷ ق)، فقیه شافعی و قاضی. اصل وی از ری و گفته‌اند از فرزندان فخر رازی بود. در هرات به دنیا آمد. در ابتدا حنفی مذهب بود و بعدها به فقه شافعی روی آورد و در آن سرآمد شد. وی از شاگردان علامه سعدالدین تفتازانی بود. وی مدتی در ملازمت تیمورلنگ به سر برد. سپس به فلسطین سفر کرد و در ۸۱۵ ق عهده‌دار منصب تدریس در مدرسه صلاحیه شهر بیت المقدس گشت. آن گاه چندی در مصر به قضاوت پرداخت و مشاغل دیوانی متعددی را پذیرا گشت. نهایتاً در قدس سکنی گزید و در آنجا بنای مدرسه‌ای را آغاز کرد که نتوانست آن را به آخر برساند. او سرانجام در بیت المقدس درگذشت. از آثارش: «تقریب الاحکام»، در فروع شافعی؛ «التنویر»، در تلخیص «الجامع الکبیر» شیبانی؛ «التمحیص»، در شرح «تلخیص جامع الکبیر»، در فقه حنفی؛ شرح «مصابیح السنه» بغوی؛ «المنعم» یا «فضل المنعم»، در شرح «الصحيح» مسلم؛ شرح «مشارق الانوار» صفانی.

الاعلام (۱۵۰-۱۵۱)، ایضاح المکنون (۱۹۹/۲، ۴۹۰).

هزار جریبی مازندرانی، آقا محمد علی بن ملا محمد باقر بن ملا محمد باقر (۱۱۸۸-۱۲۴۵ ق)، عالم دینی و فقیه مشهور به فقیه مطلق جامع علوم معقول و منقول بود. در نجف به دنیا آمد. پدر و جدش از علمای بزرگ بودند. وی در نجف از حوزه درس سید مهدی بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف الغطاء بهره مندگشت و در شمار افاضل علما و فقهای نجف درآمد. بعد از وفات پدرش راهی ایران شد و در قم ملازمت میرزا ابوالقاسم قمی، صاحب «قوانین»، را اختیار نمود و از مجلس درس وی استفاده کامل برد و از خواص اصحاب او گردید. او همچنین از محضر ملا احمد نراقی و سید محمد جواد حسینی عاملی صاحب «مفتاح الکرامه» استفاده نمود و از اساتید خود همچون میرزای قمی و ملا احمد نراقی و سید محمد جواد حسینی عاملی اجازه اجتهاد دریافت نمود. صاحب عنوان طرف توجه و اعتماد میرزای قمی بود و میرزا به همین مناسبت نسخه اصلی کتاب «قوانین» را به وی اعطا کرد. مدتی در ارومیه و تبریز به تدریس و تبلیغ پرداخت و از آنجا به اصفهان رفت و دختر میرزا باقر نواب، مفسر قرآن و شارح نهج البلاغه، را به همسری گرفت و پس از چندی در قمشه از توابع اصفهان سکنی گزید. او به بیماری وبا در قمشه درگذشت و در بقعه امامزاده سید علی اکبر دفن شد. فرزندش، شیخ محمد حسن، نیز از علمای بزرگ بود. از آثارش: کتاب «القضاء»؛ «مخزن الاسرار»، در حاشیه بر «شرح لمعه»؛ «تکملة القواعد الدینیة»، در شرح «قواعد» علامه حلی؛ «الکواکب الباهرة»، حاشیه بر «قواعد» شهید اول؛ «البحر الزاخر»؛ «کنز الکنوز»، در حاشیه بر مبحث «طهارة» از کتاب «مدارک»؛ «رمز الرموز»؛ «اللالی المتلأله»، در اصول فقه؛ «مجمع العرائس»، در حاشیه بر «معالم الاصول»؛ «حلال الغوامض»، در حاشیه بر «قوانین»؛ «مفتاح الکنوز»، در تعلیقه بر «شوارق» و «تجرید» و حواشی و شروح «تجرید»؛ «البدر الباهر»، در تفسیر بعضی از آیات؛ «السراج المنیر»، در فوائد رجالیه؛ «انیس المشتغلین»، در حکایات و مفاکحات؛ «تبصرة المستبصرین»، در امامت؛ «محبی الرفاة»، در قصاید عربی و شرح آن.

اعیان الشیعه (۲۶/۱۰)، تذکرة القبور (۲۶۵-۲۶۶)، الذریعه (۱/۱۱-۳۰۲، ۲/۳۳۰، ۳/۴۶۶، ۳۹/۳، ۶۷، ۳۲۴-۳۲۳، ۴/۴۱۵، ۶/۹۵، ۷/۱۷۷، ۱۱/۳۰، ۱۳/۶۵، ۱۵/۲۰۲، ۱۷/۱۳۶، ۱۸/۱۶۳، ۱۷۸، ۲۶۲، ۲۰/۳۳، ۲۲۲)، روایات الجنات (۷/۱۵۰-۱۴۶)، فوائد الرضویه (۵۷۶-۵۷۷)، معجم رجال نجف (۳/۱۳۲۲-۱۳۳۳)، معجم المؤلفین (۱۱/۴۴)، مکرم الآثار (۴/۱۲۲۸-۱۲۲۳).

آموخت. وی در قرآآت، فقه، لغت و شعر متبحر بود. از اسحاق بن سلیمان رازی و اسماعیل بن جعفر و شریک بن عبدالله و اسماعیل بن عیاش و هشیم بن بشیر و سفیان بن عیینة و اسماعیل بن علی و یزید بن هارون و یحیی بن سعید قطان و حجاج بن محمد و ابو معاویه ضریر و صفوان بن عیسی و عبدالرحمن بن مهدی و حماد بن مسعدة و مروان بن معاویه و ابوبکر بن عیاش و محمد بن جعفر غندر و سعید بن عبدالرحمن جمحی و عبیدالله اشجعی و وکیع بن جراح و عبدالله بن ادریس و جریر بن عبدالحمید و عباد بن عباد مهلبی و معاذ بن معاذ عنبری و عمر بن یونس و عبدالله بن مبارک و اسحاق ازرق و دیگران حدیث شنید. استادش، سعید بن ابومریم مصری، و نصر بن داود بن طوق صاغانی و محمد بن اسحاق صاغانی و حسن بن مکرم و احمد بن یوسف تغلبی و ابوبکر بن ابی الدنيا و حارث بن ابی اسامه و محمد بن یحیی مروزی و علی بن عبدالعزیز بغوی و عبدالله بن عبدالرحمن دارمی و عباس دوری و محمد بن حفص دوری و احمد بن یحیی بلاذری و عبدالمجید بوشنجی و ابوالحسن علی بن عبدالله طوسی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده اند. وی مدتی در بغداد اقامت گزید. سپس در زمان امیر ثابت بن نصر بن مالک خزاعی به منصب قضاوت شهر طرسوس گمارده شد. در اواخر عمر به مکه رفت و در همان جا درگذشت. از آثارش: «الغریب» یا «غریب الحدیث»؛ «غریب القرآن»؛ «الغریب المصنف فی علم اللسان»؛ «فضائل القرآن»؛ «ادب القاضی»؛ «الاموال»؛ «الشعراء»؛ «الناسخ و المنسوخ»؛ «المواعظ»؛ «القرآآت»؛ «النسب»؛ «معانی القرآن»؛ «المجاز فی القرآن»؛ «عدد آی القرآن»؛ «الامثال السائرة»؛ «المقصود و الممدود»؛ «الطهارة».

الاعلام (۱۰/۶)، تاریخ بغداد (۱۲/۴۰۳-۴۱۶)، التاریخ الکبیر (۷/۱۷۲)، تذکرة الحفاظ (۱/۴۱۷-۴۱۸)، تهذیب التهذیب (۸/۲۷۴-۲۷۶)، تهذیب الکمال (۱۵/۱۴۵-۱۵۴)، الجرح و التعذیل (ج ۳، ق ۱۱۱/۲)، سیرالنبلاء (۱۰/۵۰۹-۴۹۰)، شذرات الذهب (۲/۵۵۵-۵۵۴)، صفة الصفوة (۲/۳۲۷-۳۲۸)، طبقات ابن سعد (۷/۲۵۳-۲۵۴)، طبقات الشافعیة سبکی (۲/۱۵۳-۱۶۰)، طبقات الفقهاء الحنابلة (۱/۳۶۰-۳۶۴)، طبقات المفسرین داودی (۲/۳۲۷-۳۲۸)، العبر (۱/۳۰۸)، فهرست ابن النديم، ترجمه (۱۲۰-۱۲۱)، الکامل (۵/۲۵۹)، معجم الادباء (۱۶/۲۵۴-۲۵۶)، المستظم (۶/۳۳۴-۳۳۶)، میزان الاعتدال (۳/۲۵۹)، النجوم الزاهرة (۲/۲۹۴)، وفيات الاعیان (۴/۶۳۰-۶۳۱).

طب» ابوعلی سینا را آغاز کرد و با ترجمه این کتاب به عضویت فرهنگستان زبان فارسی درآمد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران او مجال یافت در زمینه ادبیات و زبان کردی به فعالیت بیشتری بپردازد. مقبره هزار در قبرستان بداع السلطان در مهاباد می باشد. از دیگر آثار وی ترجمه فارسی به کردی کتابهای: «رباعیات خیام»، «شرفنامه» شرف خان بدلیسی، «یک جلوش بی نهایت صفرها» دکتر علی شریعتی، «آری این چنین بود برادر» دکتر علی شریعتی و «عرفان، برابری، آزادی» دکتر علی شریعتی؛ ترجمه از عربی به فارسی کتابهای: «تاریخ سلیمانیه» و «روابط فرهنگی ایران و مصر»؛ ترجمه قرآن کریم، به کردی؛ «فرهنگ جامع کردی به کردی و فارسی»؛ «دیوان» شعر با نام «بو کوردستان».

ادبستان (س ۲، ش ۱۰، ص ۳۱-۳۲)، تاریخ مشاهیر کرد (۶۹۱-۶۷۸/۳)، زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد عبدالرحمن شرفکندی (هزار)، کلک (س ۲، ش ۱۳، ص ۲۵۵-۲۵۶)، کیهان فرهنگی (س ۵، ش ۵، ص ۱-۶، س ۸، ش ۴، ص ۵۴).

هزیر، عبدالحسین، فرزند محمد. (ح ۱۲۸۰-۱۳۲۸ ش)، مترجم. از تحصیل کرده های مدرسه علوم سیاسی بود که ابتدا کارمند وزارت خارجه شد و سپس در سمت منشی گری و مترجمی سفارت روس به کار مشغول گردید. وی زبان های روسی، فرانسوی و انگلیسی را می دانست. هزیر وزارت های پیشه و هنر و بازرگانی، راه، کشور، دارایی را به ترتیب در کابینه های علی سهیلی، احمد قوام، ساعد، حکیمی و قوام السلطنه بر عهده داشت. او همچنین در ۱۳۲۷ ش سمت نخست وزیری را بر عهده گرفت. هزیر در مدرسه عالی سپهسالار به دست سید حسین امامی با ضرب گلوله به قتل رسید. وی را در صحن حضرت عبدالعظیم به خاک سپردند. از آثارش: «بطرز بزرگ یا قسطنطنیه»، تاریخ روابط دربار ایران با دو دربار مزبور از ظهور صفویه تا مرگ نادرشاه، ترجمه؛ «تاریخ قرون وسطی» یا «جنگ صد ساله»، ترجمه؛ «تاریخ ملل شرق و یونان»، ترجمه؛ «حافظ تشریح»، تبویب و تقسیم آن از روی مضامین.

دولتهای ایران در عصر مشروطیت (۱/۳۱۶-۳۱۷)، روز شمار تاریخ (۱/۱۲۳، ۱۸۵، ۲۲۲، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۵۶، ۲۵۹، ۲۶۸، ۲۷۲، ۲۸۰، ۲۸۸، ۲۹۶، ۲۹۷، ۳۰۴، ۳۰۵)، شرح حال رجال (۲/۲۵۸-۲۶۰)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/۶۱۲، ۶۵۷-۶۵۶، ۳۸/۷۵۵)، کتابنامه نخستین دهه انقلاب (۳۹۳)، نخست وزیران

هزار شیرازی، محمدرضا. (س سیزدهم و چهاردهم ق)، نویسنده و مترجم. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در شیراز برای تکمیل تحصیلاتش به هندوستان رفت و در کراچی علوم جدید و زبان انگلیسی را آموخت و دوره کالج اسلامی آن شهر را به پایان رساند و سپس به شیراز بازگشت. وی در جنگ بین الملل اول (۱۳۳۳-۱۳۳۷ ق) وارد خدمت قشون انگلیسی جنوب ایران شد. پس از انحلال قشون، وی انتشارات هزار را تأسیس کرد و به تألیف و نشر کتاب روی آورد. رکن زاده آدمیت صاحب «دانشمندان و سخن سرایان فارس» با وی دوستی داشته و صاحب عنوان را زنده ۱۳۵۲ ق آورده است. از آثار وی: «حیات مالک اشتر»؛ «دوران پهلوی نماینده عملیات رضا شاه از ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۴ ش»؛ «عارفنامه»؛ «بقاء روح»؛ در چگونگی عالم پس از مرگ جسمانی، ترجمه.

دانشمندان و سخن سرایان فارس (۵/۸۴۸-۸۴۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/۱۲۲۷، ۱۴۶۳، ۲/۲۲۷۹)، مؤلفین کتب چاپی فارسی (۳/۲۰۷-۲۰۸).

هزار، عبدالرحمن شرفکندی، فرزند ملا محمد. (۱۳۰۰-۱۳۶۹ ش)، محقق، مترجم، فرهنگ نویس، نویسنده و شاعر، متخلص به هزار. در مهاباد به دنیا آمد. در پنج سالگی نزد پدرش قرآن آموخت و سپس مدتی به مکتب خانه رفت و از آنجا رهسپار خانقاه شیخ برهان شد و پس از فرا گرفتن مقدمات، به روستاهای اطراف عزیمت کرد و در کلاس درس تنی چند از مدرسین علوم اسلامی آن زمان حاضر شد. علاقه شدید عبدالرحمن به زبان و ادبیات کردی چنان بود که بسیاری از دواوین شعرای کردی را خوانده بود و بیشتر آنها را از حفظ داشت. وی جزو نخستین کسانی بود که در جمعیت تجدید حیات کردستان عضو شد. شعر و شاعری را از سرگرفت و از طرف قاضی محمد (مقتول ۱۳۲۶ ش) شاعر ملی لقب گرفت و نخستین «دیوان» اشعارش را که «آلکوک» نام داشت منتشر کرد که این کتاب به زبان ترکی نیز ترجمه شده است. وی در پی مبارزاتش به کشورهای عراق و سوریه و لبنان سفر کرد و هنگامی که از لبنان به عراق بازگشت به عضویت مجمع علمی آن کشور درآمد. وی علاوه بر آن، عضو آکادمی علوم آذربایجان شوروی و آکادمی علوم گُرد در بغداد و از اعضای اصلی آکادمی علوم گُرد در پاریس بود. او با دوست دیرینه اش هیمن در ایجاد و تأسیس مرکز نشر فرهنگ و ادب کرد، انتشارات صلاح الدین ایوبی و نشر مجله کردی «سروه» تلاش فراوانی از خود نشان داد. وی در ۱۳۵۳ ش به ایران آمد و در دانشگاه تهران، ترجمه کتاب «قانون در

داشت. تعداد این تحقیقات به نوزده می‌رسد که از آن جمله: هندسه، هندسه فضائی، معادلات دیفرانسیل، نظریه اعداد، آنالیز، مکانیک و جبر می‌باشد. از آثار وی: «التصاقهای ناهتجار»، «دانش و هنر»، «سایه‌ها»، شعر: «مسئله ملیت»، «نظریه اعداد».

تاریخ برگزیدگان (۴۰۶-۴۰۴)، دایرةالمعارف فارسی (۳۲۷۰/۲)، روز شمار تاریخ (۳۱۱/۲)، شخصیت‌های نامی (۵۲۱-۵۱۹)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۱۴/۱)، ۱۳۵۳، ۱۹۳۰/۲، ۲۰۰۳، ۲۰۱۰، کلک (س ۷، ش ۷۹-۷۶، ص ۷۵۱، ۷۵۷)، مؤلفین کتب چاپی (۲۴۶-۲۴۵/۵).

هشترودی تبریزی، شیخ حسن / محمد حسن، فرزند ملا عبدالله بن ملا علی. (وف ح ۱۳۰۴ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی و مجتهد. وی از شاگردان حوزه درس شیخ مرتضی انصاری بود. او مدتی نیز در نجف به تدریس و تألیف مشغول بود. پس از تکمیل تحصیلات به زادگاه خویش آذربایجان بازگشت و مصدر خدمات دینی شد. وی در بازگشت از یکی از مسافرتهاش به عتبات در شهرکرد درگذشت و همان جا به خاک سپرده شد. از آثار او: «تقریرات»، درس استادش شیخ انصاری در مباحث اجتهاد و تقلید، «محسن الابرار»، در ترجمه مجلد دهم از «بحار الانوار» که در «مؤلفین کتب چاپی» این کتاب تحت عنوان «محسن الابرار فی ترجمه مقتل بحار الانوار» آمده است.

اعیان الشیعه (۱۵۰/۵)، الذریعه (۱۶۰/۲۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۴۱۱)، معجم رجال نجف (۲۸۴/۱)، معجم المؤلفین (۲۴۱/۳)، مؤلفین کتب چاپی (۵۹۰-۵۸۹/۲).

هشیار سنندجی، علینقی، فرزند میرزا کاظم. (۱۳۵۸-۱۲۶۶ ش)، شاعر، متخلص به هشیار. ملقب به دبیر مخصوص. در سنندج به دنیا آمد. در زادگاه خود علوم مقدماتی را فراگرفت و پس از آن در مدارس دینی با زبان عربی آشنا شد و در آموزشگاه آلیانس کترین سنندج به تحصیل زبان فرانسه پرداخت. وی از اساتید خط نیز بهره برد، او در ۱۳۳۳ ق به تهران آمد و وارد خدمات دولتی شد و مدت هجده سال در دفتر نخست وزیری منشی مخصوص و کفیل دفتر بود و چند سالی هم در دادگستری سمت نویسندگی و دفترداری داشت. همچنین مدتی نیز در وزارت کشور خدمت نمود. هشیار از شاعرانی بود که به زبان کردی و فارسی شعر می‌سرود. از آثارش «دیوان» شعر می‌باشد. لازم به ذکر است برقمی، صاحب «سخنوران نامی

(۲۱۹-۱۹۵/۱)، یادگار (س ۱، ش ۹، ص ۷۹)، یغما (س ۲، ش ۸، ص ۳۹۱-۳۹۲).

هسنجانی رازی، ابواسحاق ابراهیم بن یوسف بن خالد. (وف ۳۰۱ ق)، حافظ و محدث. اصل وی از هسنجان، از قرای ری بود. در طلب حدیث به عراق، شام و مصر سفر کرد و از طلوت بن عباد و عبدالاعلی بن حماد نرسی و هشام بن عمار و عبدالواحد بن غیاث و محمد بن عبید بن حساب و احمد بن ابی الحواری و همطیقه آنان حدیث شنید. ابوجعفر محمد بن عمرو عقیلی و ابو عمرو بن مطر مرقی و ابوبکر اسماعیلی و ابوحسین محمد بن عبدالله رازی و عبدالله بن عدی و ابوعلی حسین بن علی و ابوجعفر بن مردویه اصفهانی و احمد بن علی دیلمی و عباس بن حسین صفار و دیگران از وی روایت کرده‌اند. هسنجانی دارای «مسند»ی در حدیث بوده، با بیش از صد جزء، که میسر بن علی قزوینی آن را از وی روایت کرده است.

الاعلام (۷۶/۱)، انساب سمعانی (۶۴۲/۵)، تذکره الحفاظ (۶۹۲/۲)، ری باستان (۲۷۲/۲)، سیرالنبلاء (۱۱۷-۱۱۵/۱۴)، شذرات الذهب (۲۳۵/۲)، طبقات الحفاظ (۳۲۱)، المعبر (۴۴۱/۱)، کشف الظنون (۱۶۸۵)، معجم البلدان (۴۶۷/۵)، معجم المؤلفین (۱۳۱/۱)، الوافی بالوفیات (۱۷۲/۶).

هشترودی، محسن، فرزند اسماعیل. (۱۳۵۵-۱۲۸۶ ش)، ریاضیدان، استاد دانشگاه، نویسنده و شاعر. در تبریز به دنیا آمد. بعد از اتمام تحصیلات ابتدایی در مدارس اقدسیه و سیروس و متوسطه در دارالفنون موفق به اخذ درجه لیسانس از دانشسرای عالی گردید و تحصیلات تکمیلی بعدی وی شامل درجه لیسانس در علوم ریاضی از دانشکده سوربن (علوم پاریس) و درجه دکترای دولتی در علوم از دانشگاه پاریس بود. وی سالها در دانشگاه تهران و دانشسرای عالی و دانشکده علوم سمت استادی داشت و علاوه بر آن مشاغلی چون ریاست فرهنگ تهران، ریاست دانشگاه تهران، ریاست جامعه لیسانسیه‌های دانشسرای عالی و ریاست انجمن نویسندگان ایران را نیز عهده‌دار بود. دکتر هشترودی صرفاً استاد ریاضیات نبود و علاوه بر آن فیلسوف نیز بود و با اکثر علوم و هنرها آشنایی کافی داشت. زبان انگلیسی و عربی را می‌دانست و در زبان فرانسه استاد بود. وی ضمن شرکت در کنگره‌های بین‌المللی مختلف و سخنرانیهای متعدد در دانشگاههای معتبر، تألیفات و تحقیقات متعددی در زمینه علوم ریاضی

الذریعه (۱۲۹۴/۹، ۱۹۰۱۲۹۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۰)، لغت نامه (ذیل/هلاکی)، مجمع الخواص (۱۷۲-۱۷۴)، نتایج الافکار (۷۸۵-۷۸۶)، هفت اقلیم (۵۶۵-۵۶۶).

هلال، مریم، فرزند محمد تقی میرزا حسام السلطنه، (ز ۱۲۴۱ ق)، شاعر، متخلص به هلال. برخی از تذکرها تخلص صاحب عنوان را هلالی آورده‌اند. وی همسر اللهیار خان آصف‌الدوله، صدر اعظم فتحعلی‌شاه (۱۲۱۲-۱۲۵۰ ق) بود و خواندن و نوشتن و فنون شعر و ادب را می‌دانست. بعضی از اشعارش در تذکرها ذکر شده است. از اوست:

آنکه از کوی توام منع نمودی همه عمر
دیدمش دوش سراغ ره کسوت می‌کرد
از رابعه تا پروین (۲۶۳)، الذریعه (۱۲۹۶/۹)، زنان سخنور (۳۸۴/۲)، شرح حال رجال (۱۵۴/۱)، گلزار جاویدان (۱۷۴۴/۲)، مشاهیر زنان (۲۴۷).

هلال کاشانی، سید ابوطالب. (س سیزدهم ق)، شاعر. وی از سادات کاشان است. او از انواع علوم بویژه از حکمت و عرفان آگاه بود. وی بعدها از کاشان به اصفهان رفت. او مداح منوچهر خان معتمدالدوله (م ۱۲۶۳ ق) بود. از وی اشعاری در تذکرها آمده است.

حدیقه الشعراء (۲۰۸۱/۳-۲۰۸۲)، الذریعه (۱۲۹۴/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۰).

هلالی استرآبادی ← هلالی جغتایی، مولانا بدرالدین.

هلالی جغتایی، مولانا بدرالدین/نورالدین. (مقتول ۹۳۵/۹۳۶/۹۳۹ ق)، شاعر، متخلص به هلالی. نسب وی به ترکان جغتایی می‌رسد. در استرآباد به دنیا آمد و در همان جا به تحصیل و کسب کمالات پرداخت. از زادگاهش به هرات رفت و به خدمت امیر علیشیر نوایی رسید و در سایه تربیت او به کسب فضائل و فنون شاعری پرداخت. وی با سام میرزا صفوی (م ۹۷۴/۹۷۵ ق)، صاحب «تحفه سامی»، معاصر و معاشر بود. بعد از فوت سلطان حسین، هرات به تصرف عبیدالله خان ازبک درآمد و هلالی به همراه گروهی از شیعیان یا متهمان به تشیع، به وسیله عبیدالله خان، به قتل رسیدند. البته گفته‌اند که وی ابتدا مورد محبت خان ازبک و از ملازمان او بود تا آنکه مورد حسادت اطرافیان شاه قرار گرفت و او را به شیعه بودن

معاصر ایران»، وفات صاحب عنوان را ۱۳۴۱ ش آورده است. از اوست:

در انتظار بماندم که کامم از تو بر آید
روا مدار که عیسم در انتظار سرآید

الذریعه (۱۲۹۳/۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۹۳۰-۳۹۲۶/۶)، گلزار جاویدان (۱۷۴۲/۳-۱۷۴۳)، مشاهیر کرد (۴۲۷/۲-۴۲۹).

هشیار شیرازی ← سامی هزار جریبی.

هشیار فارسی، حسین/محمد حسین. (وف ۱۲۹۲ ق)، شاعر، متخلص به هوشیار. اصلش از مرو دشت فارس بود و لطفعلی خان ایلخانی به تربیت وی پرداخت. پس از مرگ لطفعلی خان به بمبئی رفت و چندی هم از ارباب طرب شد، اما در اواخر عمر توبه کرد و جزو نوحه خوانان و مرثیه خوانان گردید. برخی از اشعارش در تذکرها آمده است. لازم به ذکر است که دیوان بیگی، صاحب «حدیقه الشعراء»، وفات صاحب عنوان را حدود ۱۲۸۰ ق آورده است. از اوست:

هر چه با من بیشتر جور آن بت بدخو کند
بیشتر مسکین دل من جستجوی او کند

آثار عجم (۵۷۲)، حدیقه الشعراء (۲۰۷۹/۳)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۸۵۱/۵-۸۵۲)، الذریعه (۱۲۹۳)، ریحانه (۳۶۷/۶).

هشیار کرد ← هشیار سنندجی، علینقی.

هشیار کردستانی ← هشیار سنندجی، علینقی.

هلاکی همدانی. (س دهم ق)، شاعر. پدرش به خیاطی روزگار می‌گذراند، ولی خود او به شاعری روی آورد. وی سواد نداشت و اشعارش را دیگران برایش می‌نوشتند. هلاکی در خدمت بهرام میرزا صفوی (م ۹۵۵ ق) بود. مؤلف تذکره «روز روشن» از وی به عنوان ملازم حسین میرزا صفوی فرزند بهرام میرزا نام می‌برد که در هنگام جلوس شاه اسماعیل صفوی (۹۸۴-۹۸۵ ق) قصیده تهنیت گفته، و در زمان اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ ق) به هند رفته و در آنجا درگذشته است. از آثارش: مثنوی «شوق و ذوق»، که از آن بیت زیر شهرت یافته است:

در لحاف فلک افتاد شکاف
پنبه‌ها ریخت از این کهنه لحاف

تحفه سامی (۲۲۹-۲۳۱)، تذکره روز روشن (۹۲۶-۹۲۷).

معلم کودکان بود و نوشته‌اند که سه هزار دانش آموز در مکتب وی به کسب علم می‌پرداختند و او برای تعلیم و تدریس اجرت و مزدی دریافت نمی‌کرد. وی در خراسان درگذشت. از آثارش: «التفسیر».

الاعلام (۳/۳۱۰)، تاریخ الاسلام (حوادث و وفیات ۱۰۱-۱۲۰/۱۲۰۸-۱۱۴)، تهذیب التهذیب (۴/۴۱۷-۴۱۸)، تهذیب الکمال (۹/۱۷۳-۱۷۷)، الثقات (۶/۴۸۰-۴۸۲)، سیر النبلاء (۴/۵۹۸-۶۰۰)، شذرات الذهب (۱/۱۲۴-۱۲۵)، طبقات ابن سعد (۷/۲۶۱)، طبقات المفسرین داودی (۱/۲۱۶)، العبر (۱/۹۴)، معجم المؤلفین (۵/۲۷)، میزان الاعتدال (۲/۲۵۰)، النجوم الزاهرة (۱/۳۱۷).

هلالی هروی، مولانا هلالی. (ز قبل از ۸۹۰ ق)، شاعر. روزگارش با ندیمی می‌گذشت. شعرها نیکو می‌سرود و در شعر ترکی نیز دستی داشت. وی در گورستان خواجه طاق هری به خاک سپرده شد. از وی اشعاری در تذکرها نقل شده است. نام وی را به صورتهای هلال بلال، بلالی و کابلی نیز ذکر کرده‌اند.

الذریعه (۹/۱۴۰، ۱۲۹۶)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۱)، مجالس النفائس (۵۳).

همام بن منبه، ابوعقبه ابنای صنعتانی یمانی. (وف ۱۳۱/۱۳۲ ق)، محدث. اصل وی از هرات و برادر وهب بن منبه بود که هر دو آنها از محدثین بودند. پدرشان در زمان خسرو انوشیروان به جزیره العرب کوچ کرده و در یمن سکنی گزیده بود. از ابوهریره و معاویه بن ابی سفیان و ابن عباس و عبدالله بن عمر بن خطاب و عبدالله بن زبیر روایت کرد. برادرش، وهب بن منبه، و برادرزاده‌اش، عقیل بن معقل بن منبه، و علی بن حسن بن اتش و معمر بن راشد از وی روایت کرده‌اند. او را صاحب قدیمی‌ترین کتابی که در حدیث نوشته شده است، می‌دانند. این کتاب مشتمل بر صد و چهل حدیث بوده که آنها را از ابوهریره نقل نموده است. در صنعا درگذشت.

الاعلام (۹/۹۸)، تاریخ الاسلام (حوادث و وفیات ۱۲۱-۱۴۰/۳۳۰، ۵۵۵-۵۵۶)، تهذیب التهذیب (۱۱/۵۹)، تهذیب الکمال (۱۹/۲۹۹-۲۳۰)، الثقات (۵/۵۱۰)، الجرح و التعديل (ج ۴، ۲/۱۰۷)، سیر النبلاء (۵/۳۱۳-۳۱۱)، شذرات الذهب (۱/۱۸۲).

همام تبریزی، همام الدین محمد بن علاء/علاء الدین فریدون. (۶۳۶-۷۱۳/۷۱۴ ق)، صوفی، عارف و شاعر،

محکوم کردند و به همین علت سلطان او را ابتدا به زندان افکند و پس از چندی در چهار سوق هرات به قتل رساند. هلالی طبع شعر خوبی داشت. از او قصایدی در مدح عبیدالله خان و ائمه اطهار (ع) به جا مانده است، اما اهمیت وی بیشتر به سبب غزلهای لطیف و پر مضمون او می‌باشد. از آثارش: مثنوی «شاه و درویش»، در هزار و سیصد و چهل و پنج بیت؛ مثنوی «صفات العاشقین»، در هزار و دویست و سی و هفت بیت؛ مثنوی «لیلی و مجنون»؛ «دیوان» شعر.

آتشکده آذر (۱/۹۴-۹۹)، تاریخ ادبیات در ایران (۴/۴۳۸-۴۳۲)، تاریخ نظم و نثر (۴۰۹)، تحفه سامی (۱۵۲-۱۶۰)، حبیب السیر (۴/۳۶۱-۳۶۲)، دایرة المعارف فارسی (۲/۳۲۷۶)، الذریعه (۹/۱۲۹۴-۱۲۹۵، ۱۳/۲۳/۱۵)، ۴۵/۱۸، ۳۹۹/۱۹، ۲۲۲/۱۹، ۲۳۵-۲۳۶، ۲۸۰، ریاض العارفین (۲۳۸)، ریحانه (۶/۳۶۷-۳۶۹)، عالم آرای عباسی (۱/۵۷)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۱-۱۰۰۰)، کتابشناسی نظامی گنجوی (۳۸۷)، لغت نامه (ذیل/هلالی)، مجالس النفائس (۶۹-۶۸، ۲۴۲)، مجمع الفصحا (۴/۱۱۸-۱۲۰)، منظومه‌های فارسی (۶۲۴-۶۲۸)، هفت اقلیم (۳/۱۰۹-۱۱۱)، یادگار (س ۲، ش ۳، ص ۶۵-۷۱)، یغما (س ۱۶، ش ۴، ص ۱۵۷-۱۶۰).

هلالی خراسانی، ابو محمد/ابوالقاسم ضحاک بن مزاحم بلخی. (وف ۱۰۲/۱۰۵-۱۰۶ ق)، محدث، مفسر و مدرس. اصلش از بلخ و مدتی در بلخ و سمرقند و نیشابور ساکن بود. او در تفسیر و قصص تبحر داشت. علم تفسیر را از سعید بن جبیر در ری آموخت. از ابن عباس و ابوسعید خدری و عبدالله بن عمر و انس بن مالک و اسود بن یزید نخعی و سعید بن جبیر و عطاء بن ابی رباح و طاووس بن کیسان و طائفه‌ای دیگر حدیث شنید. ابن حبان ملاقات وی با صحابه و حدیث شنیدنش از آنها را صحیح نمی‌داند و احادیث وی را منسوب به تابعین می‌کند. عمارة بن ابی حفصه و ابوسعید سعید بن مرزبان بقال و جویبر بن سعید و مقاتل بن حیان نبطی و علی بن حکم و ابوروق عطیة بن حارث کوفی و ابوجناب یحیی بن ابی حبه کلبی و ابوسنان سعید بن سنان شیبانی اصغر و ابوسنان ضرار بن مره شیبانی اکبر و ابو عیسی سلیمان بن کیسان خراسانی و عبدالرحمن بن عوسجه و ابوالحارث عبید بن سلیمان باهلی خراسانی و مالک بن سعید بلخی و محمد بن سلیم خراسانی و ابو عبدالله میمون و راق خراسانی و نهشل بن سعید و عمر ابن رماح و عبدالعزیز بن ابی رؤاد و قره بن خالد سدوسی و جماعتی دیگر از وی روایت کرده‌اند. وی

المعارفین (۲۳۷)، ریحانه (۳۷۰-۳۷۱)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۲)، گنج سخن (۲۱۵-۲۱۹)، لغت نامه (ذیل/همام)، مجمع الفصحا (۱۴۴۹/۳)، مجمل فصیحی (ذیل/اسال ۷۱۴)، مرآة الخیال (۴۴-۴۳)، مؤلفین کتب چاپی (۸۸۱/۵-۸۸۲)، هفت اقلیم (۲۲۴-۲۲۲/۳).

همامی اصفهانی، آقا ملا محمد، فرزند ملا محسن. (۱۲۸۲-۱۳۵۹ ق)، شاعر و معلم. در اصفهان به دنیا آمد. وی پس از تحصیل مقدمات علوم ادبی به تکمیل آن نزد اساتید همت گماشت. ادبیات عرب را نزد حاج سید مهدی نحوی و آقا سید محمود کلیشادی، معروف به مغنی فراگرفت و فقه و اصول را نزد آقا میرزا محمد هاشم چهار سوتی و آقا سید محمد باقر درجه‌ای آموخت. وی همچنین حکمت و فلسفه را نزد آخوند ملا محمد کاشانی و جهانگیر خان قشقایی فراگرفت و سپس به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و در مدارس علیه، ایتم، کالج و سعدی به تدریس پرداخت. همامی در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد به خاک سپرده شد.

تذکره شمراي معاصر اصفهان (۵۳۳-۵۳۶)، چهارصد شاعر برگزیده پارسی گوی (۱۱۹۵)، گلزار جاویدان (۱۷۴۷/۳-۱۷۴۸).

هما ناخنی. (ز ۱۲۸۶ ق)، نقاش و خطاط. وی تصویرگر و خوشنویس شیرین قلم و پر مهارت شیوه ناخنی است. از آثار او: دسته گل زیبایی که به خط نستعلیق ناخنی چنین رقم نهاده: «رقم هما ۱۲۸۶». احوال و آثار نقاشان (۱۴۱۸/۳).

همای شیرازی، محمد رضا قلی خان/رضا قلی خان، فرزند بدیع خان. (۱۲۱۲-۱۲۹۰ ق)، ادیب، عارف و شاعر، متخلص به هما. در مورد نام وی بین تذکرها اختلاف وجود دارد. اصل وی از ایل بیات فارس بود. پدرش از رؤسای طایفه فیلی زند ساکن شیراز، منتسب به خاندان زندیه بود و مادرش از منسوبان فتحعلی خان، فرزند کریم خان زند، به حساب می‌آمد. هما در شیراز به دنیا آمد. در آغاز جوانی از افسران نظام بود، ولی از آن شغل کناره گرفت و به تحصیل پرداخت و از محضر میرزا وصال استفاده نمود. وی از همان ابتدا طبع شعر خوبی داشت و با رضاقلی خان هدایت، صاحب «مجمع الفصحا»، و قآنی و سروش اصفهانی و شهاب اصفهانی و فروغی بسطامی معاصر بود. پس از تحصیل در شیراز، در طلب علم به سیاحت پرداخت و به عتبات رفت و بین

متخلص به همام. معروف به خواجه همام. نام وی در تذکرها به صورتهای علاء و همام‌الدین بن علاء تبریزی و همامی نیز ذکر شده است. وی در تبریز به دنیا آمد. از معاصران و ندمای خاص خواجه شمس الدین محمد صاحب‌دیوان جوینی بود. نزد خواجه نصیرالدین طوسی به تحصیل علم پرداخت. او همچنین از محضر علامه قطب‌الدین شیرازی استفاده برد و از اقران او به حساب می‌آمد. گویند علامه کتاب «مفتاح المفتاح» خود را به خواهش او تألیف نمود. پس از طی این مدارج علمی مدتی به وزارت آذربایجان رسید و بعد با خواجه شمس الدین به روم سفر کرد. وی در ادبیات، شعر، انشا و حسن خط متبحر بود و به عربی و فارسی شعر می‌گفت. از جمله ممدوحان او می‌توان خواجه شمس الدین صاحب‌دیوان، خواجه شرف الدین هارون جوینی، رشیدالدین فضل‌الله، علامه نجم‌الدین عبدالغفار، سلطان احمد تگودار، غازان خان، سلطان محمد خداپسند و مولانا قطب‌الدین شیرازی را نام برد. او در شعر از شعرایی چون سنایی و انوری و نظامی و سعدی، که با او معاصر و معاشر بودند، پیروی می‌کرد و گویند شعرایی چون حافظ، عبید زاکانی، کمال خجندی و شمس مغربی از او متأثر شده‌اند. وی در اواخر عمر منزوی گشت و از مال و منصب اعراض نمود، سپس به مکه مشرف گشت و بعد از مراجعت طریقه صوفیه را در پیش گرفت و مرید شیخ سعید فرغانی گردید. وی در تبریز درگذشت و در مقبرة الشعراء نزدیک مزار بابا مزید، به خاک سپرده شد و به گفته بعضی از تذکرها در خانقاهی که خود ساخته بود دفن گردید. در مورد سال تولد و مرگش بین تذکرها اختلاف وجود دارد. از آثارش: تقریظی بر «توضیحات» خواجه رشیدالدین، به نثر؛ «دیوان» شعر، مشتمل بر قطعات و قصاید و غزلیات و رباعیات و مثنویات، از جمله یک «مثنوی» بر وزن «حدیقة الحقیقة» سنایی، در تحقیق و تهذیب، متجاوز از پانصد بیت و مثنوی «صحب نام»، به وزن «خسرو و شیرین» نظامی، به نام خواجه شرف‌الدین هارون، در سیصد و هشتاد و سه بیت. آتشکده آذر (۱۴۵/۱-۱۴۷)، از سعدی تا جامی (۱۹۶-۱۹۸)، تاریخ ادبیات در ایران (۷۳۱-۷۱۲/۳)، تاریخ گزیده (۷۵۶)، تاریخ نظم و نثر (۱۶۸)، تذکره روز روشن (۹۲۷-۹۲۹)، تذکره الشعراء (۲۴۱-۲۴۲)، تذکره شعرای آذربایجان (۴۶/۳-۵۶)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۸-۳۹۶)، دایرةالمعارف فارسی (۳۲۸۲/۲)، دیوان همام تبریزی (مقدمه/سی و یک - هشتاد و چهار)، الذریعه (۱۲۹۶/۹)، رباعی و رباعی سرایان (۱۴۰)، روضات الجنان و جنات الجنان (۱۰۵/۱-۱۰۶)، ریاض

ترکمنان و ازبکان، به کربلا و نجف رفت و بعد از مراجعت، در کاشان اقامت گزید و نزد حاجی سلیمان خان صباحی کاشانی (م ۱۲۰۶ ق) به تمرین شعر و شاعری پرداخت. وی قصایدی به شیوه متقدمان در مدح شاهان و بزرگان دارد. سپس به تهران آمد و به دربار فتحعلی شاه راه یافت و ابتدا به سمت منشیگری و بعد به منصب وقایع نگاری رسید و از جانب فتحعلی شاه مأمور نوشتن تاریخ قاجاریه بویژه دوره سلطنت فتحعلی شاه شد و بعدها به مناصب دولتی دیگری نیز دست یافت. از آثار وی «تاریخ جهان آراء» جلد اول در ۱۲۲۵ ق، که به دستور فتحعلی شاه نوشته شد و شامل وقایع ده ساله از ۱۲۱۲ ق تا ۱۲۲۱ ق بود، جلد دوم شامل وقایع ده ساله از ۱۲۲۲ ق تا ۱۲۳۲ ق؛ «قواعد الملوك»؛ «شیم عباسی» یا «تحفه عباسی»؛ «زینة المدايح» یا «مدایح الخاقان»؛ مجموعه‌ای از مدایحی که شاعران در مدح فتحعلی شاه گفته‌اند از بدو جلوس شاه تا سال هفتم سلطنتش.

از صبا تا نیما (۷۷-۷۵/۱)، الذریعه (۲۴۷/۳، ۱۲۹۷/۹، ۱۹۱/۱۷، ۲۴۳/۲۰)، سفینه المحمود (۵۸۷-۵۸۴)، شرح حال رجال (۱۷۳/۲)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۲-۱۰۰۱)، مجمع الفصحا (۱۲۰۳-۱۱۸۶/۶)، مصطفی خراب (۲۱۵)، نگارستان دارا (۱۴۸-۱۵۱).

همایونفر، ابراهیم، فرزند محمد، (تو ۱۲۹۰ ش)، نویسنده. در تهران به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی را در مدارس تربیت و شرف مظفری و متوسطه را در دارالمعلمین و شرف مظفری به پایان رساند. او در ۱۳۱۰ ش برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و پس از شش سال موفق به اخذ دیپلم در رشته مهندسی از مدرسه عالی معدن سنت ایتین گردید. او همچنین موفق به دریافت دیپلم مهندسی نفت از دانشگاه استراسبورگ فرانسه شد. وی پس از اتمام تحصیلات عالی به آمریکا رفت و در امور مهندسی معادن و کارخانجات مخصوصاً نفت مشغول کار شد و در ۱۳۱۹ ش به ایران بازگشت و عهده‌دار مشاغلی از جمله: ریاست اداره معادن و اکتشافات بانک صنعتی، ریاست بازرگانی در سازمان برنامه، عضو کمیسیون نفت، ریاست مناطق نفت خیز و مدیر عامل بنگاه مستقل آبیاری بود. وی به زبانهای فرانسه و انگلیسی تسلط داشت و مدتی استاد رشته نفت و متالورژی در هنر سرای عالی بود. از آثارش: «دردهای صنایع ایران و طرح اداره امور آن»؛ «نفت در دنیا و ایران»؛ «طرح آب و برق و اصلاحات ارضی».

چهره های آشنا (۶۶۳-۶۶۴)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۳۸۴/۲، ۳۲۹۴/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۹۹/۱).

۱۲۳۰ تا ۱۲۵۰ ق در محضر شیخ محمد حسن ابن شیخ محمدباقر اصفهانی (م ۱۲۶۶ ق)، صاحب کتاب «جواهرالکلام»، و اساتید دیگر به تحصیل علوم نقلی و عقلی اشتغال ورزید تا به درجه اجتهاد و مقام قضا و فتوا رسید. سپس از نجف به هند، شیراز، اصفهان، تهران، خراسان، ترکستان و کرمان سفر کرد و در آخر، به امر معتمدالدوله منوچهرخان گرجی (م ۱۲۶۳ ق)، حاکم اصفهان، و اصرار حاج سید محمد باقر شفتی بیدآبادی، در ۱۲۵۹ ق به اصفهان رفت و در آنجا سکنی گزید. وی عالمی بلند همت بود که درخواستهای محمد شاه و بعد از آن ناصرالدین شاه قاجار را برای ندیمی و ملازمت دربار نپذیرفت. بعد از وفات سروش اصفهانی، در ۱۲۸۵ ق، منصب ملک الشعرایی و ملازمت ناصرالدین شاه به وی تکلیف شد و به تهران آمد. همایونفر در این سمت ماند، اما پس از آن بدون رعایت آداب دربار از آنجا رفت. وی سرانجام در اصفهان درگذشت و در آستانه امامزاده احمد، در محله میدان شاه، به خاک سپرده شد. در «حدیقه الشعراء» سال مرگ وی ۱۲۸۸ و ۱۲۸۹ ق ذکر شده است. همچنین در این تذکره تحت عنوان همای شیرازی دو فرد به نامهای رضاقلی و میرزا علی اکبر ذکر شده‌اند که به آورده آقای دکتر نوایی، در حاشیه کتاب، هر دو یکی هستند. از آثارش: «دیوان» شعر، در هیجده هزار بیت، که یکسال پس از فوت او به امر ظل السلطان و به دست میرزا عنقا، فرزند هما، جمع آوری و تدوین گردید و نام آن را «شکرستان» نهادند.

حدیقه الشعراء (۲۰۸۲-۲۰۹۰)، دانشمندان و سخن سریان فارس (۸۵۲-۸۵۹)، دایرةالمعارف فارسی (۳۲۸۳/۲)، دیوان طرب (مقدمه/۴-۳۴)، الذریعه (۱۲۹۶-۱۲۹۷/۹)، ریحانه (۳۷۰/۶)، شرح حال رجال (۱۰۸۱-۱۰۷/۶)، طرائق الحقائق (۴۶۸-۴۶۹/۳)، فارسنامه ناصری (۱۰۹۰/۲)، گلزار جاویدان (۱۷۴۸-۱۷۴۹)، لغت نامه (ذیل/همای شیرازی)، مجمع الفصحا (۱۱۷۲-۱۱۷۵)، مرآت الفصاحه (۷۱۰-۷۱۳)، مصطفی خراب (۲۱۶-۲۱۷)، مکارم الآثار (۴۳۳-۴۳۶)، مؤلفین کتب چاپی (۲۱۶-۲۱۷).

همای مروزی، میرزا صادق وقایع نگار. (وف ۱۲۵۰ ق)، مورخ و شاعر، متخلص به هما. ملقب به وقایع نگار اهل مرو شاه جهان و از نجیب زادگان آنجا بود. ابتدای جوانی خود را در مشهد به تحصیل مقدمات علوم عربی و ادبی گذراند و از شاگردان حاج محمد حسین خان فرزند بیرامعلی خان قاجار بود. در ۱۲۰۰ ق پس از حمله

همایون قاجار، همایون میرزا، فرزند فتحعلی شاه. (ح) ۱۲۱۶-۱۲۷۳ ق)، شاعر، متخلص به حشمت پسر شانزدهم فتحعلی شاه و داماد میرزا شفیع مازندرانی صدراعظم و برادر محمود میرزای قاجار، صاحب «سفینه الم محمود»، بود. وی در تهران درگذشت. لازم به ذکر است میرزا محمد علی مدرس، صاحب «ریحانة الادب»، و آقا بزرگ طهرانی، صاحب «الذریعة»، کتابهای «تذکره سفینه» و «گلشن محمود» را به وی نسبت داده اند. از آثارش: مثنوی «یوسف و زلیخا»، «دیوان» شعر.

تاریخ عضدی (۲۲۸-۲۲۹)، حدیقة الشعراء (۴۷۱/۱).
۴۷۳، الذریعة (۲۵۶/۹، ۳۴۵-۳۴۶)، ریحانة
۴۸/۲)، سفینه الم محمود (۳۹-۳۸/۱)، شرح حال
رجال (۴۳۰-۴۳۱)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۳)، مجمع
الفصحا (۳۸/۱)، مصطفی خراب (۲۱۳)، مکارم الآثار
(۵۶۱-۵۶۰/۲).

همایون کرمانی، محمد تجربه کار، فرزند علی اکبر. (۱۲۹۰-۱۳۵۸ ش)، شاعر. در کرمان به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات مقدماتی چندین سال به فن نقاشی اشتغال ورزید و در هنگام فراغت به آموختن مقدمات ادبی می پرداخت. او در ۱۳۱۴ ش به خدمت دارایی کرمان درآمد. وی در شعر به جنبه های اجتماعی و مردمی بیشتر توجه داشت. از آثار وی: «گلزار همایون»، به شعر؛ «نغمه ها و چکامه ها و تغزلات همایون»، «دیوان» شعر.

تذکره شاعران کرمان (۵۵۶-۵۵۷)، الذریعة (۱۲۹۹/۹)،
ستارگان کرمان (۴۲۴-۴۳۱)، سخنوران نامی معاصر
(۳۹۳۶-۳۹۳۱/۶)، مؤلفین کتب چاپی (۷۸۹-۷۹۰/۶).

همایون همدانی، محمد همایون، فرزند ملا شکوهی همدانی. (س یازدهم ق)، شاعر و خطاط. از اکثر علوم بهره داشت و بیشتر خطوط را خوب می نوشت. گویند در جوانی از دنیا رفت. از آثارش: «دیوان» شعر. به آورده «الذریعة»، میرزا سنگلاخ در «امتحان الفضلاء» می گوید که «دیوان» همایون را که به خط سلطان محمد نورا نوشته شده، دیده است. از اوست:

مجمع دهر به جمعیت مستان ماند

کاین یک از پای فتد آن دگری بر خیزد

تذکره روز روشن (۹۳۵)، تذکره نصرآبادی (۳۲۴)،

الذریعة (۱۲۹۹/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۳).

همایون فرخ، رکن الدین، فرزند عبدالرحیم. (۱۲۹۷-۱۳۷۹ ش)، نویسنده، مترجم، روزنامه نگار و شاعر، متخلص به رخ. در تهران به دنیا آمد. پدرش از اساتید زبان و ادب فارسی و صاحب «دستور جامع زبان فارسی» است. وی تحصیلات خود را در دبستان شرف مظفری و دبیرستان پهلوی رضائیه و نزد پدرش به پایان رساند. همایون فرخ در چهارده سالگی به نظم شعر پرداخت و نخستین اثر نظم خود را در شانزده سالگی به نام «سوز دل» منتشر کرد. او از ۱۳۲۰ ش به کار نویسندگی پرداخت. وی همچنین چندی روزنامه «رخ» را منتشر می کرد و مدتی نیز سر دبیری روزنامه های «آرزو»، «آزادی شرق»، «نیروی ملی» و «نهضت کشاورزان» را به عهده داشت. از دیگر آثار وی: «امپریالیسم چگونه به ایران آمد»، «خوئین خونین»، «عاشق بی نوا»، «عروس گورستان»، «شهریار»، «تصحیح و مقدمه «تحفه سامی» سام میرزا؛ نمایشنامه «ابو مسلم خراسانی»، ترجمه.

چهره های آشنا (۶۶۵)، سخنوران نامی معاصر
(۱۵۱۷-۱۵۱۳/۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی
(۱۰۳/۱)، ۲۱۵، ۳۳۰، ۴۴۷، ۶۹۸، ۱۲۹۶، ۱۴۹۸،
۱۵۷۹، ۱۵۰۴، ۱۹۸۱/۲، ۲۰۳۳، ۲۱۸۴، ۲۲۷۹،
۲۶۱۹، مؤلفین کتب چاپی (۲۲۸-۲۲۷/۳).

همایون فرخ، عبدالرحیم، فرزند محمد حسین. (۱۲۶۲-۱۳۳۸ ش)، استاد دانشگاه، نویسنده و مترجم. در کاشان به دنیا آمد. وی در کودکی به تهران آمد و تحت سرپرستی دایی خود مجیرالدوله شیانی به تحصیل پرداخت. او مدتی در دارالفنون و سپس در کالج آمریکایی به تحصیل زبان و ادبیات انگلیسی مشغول شد و دوره آن را به اتمام رساند و بعدها در دانشکده حقوق سیاسی به تدریس علوم دفترداری پرداخت. او همچنین سالها در وزارت دارایی ریاست کل حسابداری را عهده دار بود. وی نشان درجه یک از وزارت فرهنگ را به دلیل تدوین «دستور جامع زبان فارسی» یا «دستور فرخ» در هفت مجلد، که تألیف آن حدود چهل و دو سال طول کشیده و مرجع و سند علمی مهمی برای صرف و نحو زبان فارسی می باشد، دریافت کرد. از دیگر آثارش: «آیین نگارش»، «اتم»، «کشفیات بزرگ دانشمندان ایرانی»، «داستان تاریخی بابک و افشین»، «هیئت جدید»، «فاجعه کربلا»، ترجمه.

چهره های آشنا (۶۶۵)، الذریعة (۱۵۸/۸، ۱۶۴، ۹۲/۱۶)،
شرح حال رجال (۱۳۹/۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی

کاشانی؛ «منتخب اخلاق ناصری» خواجه نصیرالدین طوسی؛ مقدمه کتابهای مثنوی «ولد نامه»، «تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر» خوانند میر، «دیوان» شکیب اصفهانی؛ اهتمام در انتشار «دیوان» عثمان مختاری.

آینده (س ۶، ش ۷ و ۸، ص ۶۱۶-۶۲۴)، از نیما تا روزگار ما (۱۶۰-۱۶۶)، تاریخ اصفهان (سیزده-چهل و سه)، تذکره شعرای معاصر اصفهان (۲۴۷-۲۵۰)، چهره‌های آشنا (۶۶۵-۶۶۷)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۱۹۵/۳-۲۰۸)، الذریعه (۲۳۰/۳، ۴۷۲/۹، ۵۱/۱۶)، زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحوم جلال الدین همایی، سخنوران نامی معاصر (۱۸۰۷/۳-۱۸۱۲)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۴۰/۱، ۲۴۰، ۴۸۹، ۹۳۶، ۹۳۶، ۱۳۵۰، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۹۶، ۱۵۴۹، ۱۵۵۳، ۱۵۵۵، ۱۵۹۳، ۲۲۵۶/۲، ۲۳۶۶، ۲۳۶۷، ۲۳۶۸، ۲۳۶۹، ۲۳۸۴-۲۳۸۵، ۲۶۹۱، ۳۰۲۷، ۳۰۵۹، ۳۰۸۴، ۳۰۹۳، ۳۱۳۹، ۳۲۵۰، ۳۲۸۰، ۳۳۷۵)، کیهان فرهنگی (س ۱، ش ۴، ص ۳۸-۳۹)، مؤلفین کتب چاپی (۳۷۰/۲-۳۷۲)، همایی نامه.

همت اردبیلی، محمد زمان بیگ. (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به همت. از اهالی اردبیل است. مدتی در قلعه هویزه کوتوال ساکن بود، سپس آنجا را ترک نمود و ملازم محراب بیگ، فرزند گداغلی، شد. وقتی گداغلی حاکم دورق گردید، او را همراه خود برد. بعد از فوت حاکم، همت به اصفهان رفت و بعد از مدتی به ملازمت زمان خان، حاکم کهگیلویه، رسید و تا پایان عمر در خدمت او به سر برد. وی طبع شعر خوبی داشت و اشعارش در تذکرها ذکر شده است. از اوست:

نام خود نیک بر آرید که در گنبد چرخ

این صدائیس که در روز جزا می ماند

تذکره نصرآبادی (۳۹۰-۳۹۱)، الذریعه (۱۳۰۰/۹)،

فرهنگ سخنوران (۱۰۰۴).

همت اصفهانی، حسین عبداللہی خوروش، فرزند غلامعلی. (تو ۱۳۳۳/۱۳۳۷ ق)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به همت. در اصفهان به دنیا آمد. مدتی در مدارس جدید تحصیل کرد و بعد علوم قدیمی را نزد علمای اصفهان آموخت. بیشتر اوقات خود را صرف مطالعه کتب رجال و تراجم احوال می کرد. از آثار وی: «انقلاب یا نهضت سید جمال الدین»؛ مقدمه و حواشی بر کتاب «بررسی در پیرامون سیاست و دیانت» علی جمالی؛ «بسوی کمونیست»؛ مقدمه بر کتاب «بهداشت در

همایی، جلال/جلال الدین، فرزند ابوالقاسم محمد نصیر. (ح ۱۲۷۸-۱۳۵۸ ش)، عالم، ادیب، استاد، مورخ، مصحح، مترجم و شاعر، متخلص به سنا پدرش، ابوالقاسم متخلص به طرب، از ادبا و شعرا و خوشنویسان بود. وی در کوی پاقلعه اصفهان به دنیا آمد. ابتدا نزد والدین خود و سپس در مدرسه حقایق و مدرسه قدسیه به فراگیری مقدمات پرداخت. وی همچنین خط نسخ و ثلث را نزد پدر و میرزا حسن قدسی و ملا محمد تقی کاتب فراگرفت. او ادبیات عرب، سطوح فقه و کلام و رجال را نزد شیخ علی یزدی و سید محمد کاظم کروندی اصفهانی و ملا عبدالکریم گزی و میرزا احمد اصفهانی و میرزا محمد صادق خاتون آبادی فراگرفت. او مدت هیجده سال از شیخ محمد خراسانی بهره برد و از «شرح شمسیه» تا «شرح هدایه» ملا صدرا و «شرح منظومه» و «اشارات» را نزد وی خواند. همایی قسمتی از فنون هیئت و ریاضی جدید و فن اسطرلاب و فن استخراج تقویم را از زیجهای قدیم، خدمت میرزا سید علی جناب گذراند. از دیگر استادان جلال الدین همایی: در فلسفه شیخ اسدالله حکیم قمشاهی متخلص به دیوانه، در معقول و ریاضیات ملا عبدالجواد آدینه‌ای، در طب شیخ محمد حکیم و میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت احمد آبادی و در حکمت و نجوم آیت الله حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی را می توان نام برد. وی از آیت الله شیخ مرتضی آشتیانی اجازه روایت و از شیخ محمد حسین فشارکی اجازه اجتهاد و روایت و از سید محمد نجف آبادی مدرس و آیت الله حاج میرزا عبدالحسین سید العراقرین خاتون آبادی پاقلعه‌ای اجازه اجتهاد دریافت کرد. او در مدارس قدیم تدریس می کرد و از حدود ۱۳۰۰ ش برای تدریس به مدرسه صارمیه اصفهان رفت. شیخ عباس ادیب حبیب آبادی و سید حسن مدرس بیدآبادی و شیخ محمود شریعت ریزی از شاگردانش بودند. همایی در حدود ۱۳۰۷ ش وارد خدمت معارف شد و در مدارس متوسطه تبریز، دارالفنون، شرف مظفری، دبیرستان نظام، دانشکده حقوق و دانشکده ادبیات به تدریس پرداخت. از آثار وی: «تاریخ ادبیات ایران» از قدیمی ترین عصر تاریخی تا عصر حاضر؛ «غزالی نامه»، شرح حال امام محمد غزالی؛ «اسرار و آثار واقعه کربلا»؛ «تاریخ علوم اسلامی»؛ «خیامی نامه»؛ «فنون بلاغت و صناعات ادبی»؛ «مولوی نامه»؛ «تصوف در اسلام»؛ «شعوبیه»؛ «تاریخ اصفهان»؛ شرح «مثنوی معنوی» مولوی؛ «دیوان» شعر که با نام «دیوان سنا» به چاپ رسیده است؛ تصحیح کتابهای «التفهیم لأوائل صناعة التنجیم» ابوریحان بیرونی، «مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه» عزالدین محمود

دین اسلام؛ تأثیر موسیقی بر اعصاب؛ عقاید و افکار؛ موسیقی و اسلام، ترجمه؛ دیوان شعر. تذکره شعرای معاصر اصفهان (۵۳۶-۵۳۷)، الذریعه (۹/ ۱۳۰۰)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۴/۲)، مؤلفین کتب چاپی (۸۰۲-۸۰۰/۲).

همتیار اصفهانی، سید عبدالحسین طباطبایی، فرزند سید محمد. (ح ۱۲۵۹-۱۳۴۴ ش)، شاعر معروف به همتیار. در اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات خویش را در مدرسه باقریه، که به همت حاج میرزا باقر خان مشیرالملک نایینی تأسیس شده بود، و مدرسه اسقف (کالج انگلیسی‌ها) در اصفهان و کالج آمریکاییها در تهران به پایان رساند. او سپس وارد مشاغل دولتی شد و در وزارتخانه‌های عدلیه و مالیه و فرهنگ انجام وظیفه نمود. وی مدتی ریاست فرهنگ بنادر جنوب و زمانی نیز ریاست فرهنگ ساوه و سمنان و چندی ریاست دانشسرای مقدماتی پسران اصفهان را عهده‌دار بود. همتیار در علوم غربیه نیز تبحر داشت. مدفن وی در تخت فولاد اصفهان در جنب تکیه ملک در لسان‌الارض می‌باشد. از اوست:

تا بقا این آسمان از داور و دادار دارد
تا اثر اندر فضا این گنبد دوار دارد
تذکره شعرای معاصر اصفهان (۵۴۸-۵۴۹)، تذکره القیور (۵۴۵-۵۴۶)، گلزار جاویدان (۱۷۵۶/۳).

همتی بافقی، ملا افضل، فرزند ملا یعقوب. (س یازدهم ق)، خطاط و شاعر، متخلص به همتی. از خوشنویسان معروف عهد خود به حساب می‌آمد و در خط تعلیق شاگرد خواجه اختیار منشی (م ۹۹۰ ق) بود. وی همچنین در شعر، شاگرد حکیم شقایب و در بعضی علوم دیگر شاگرد ملا معزالدین یزدی بوده است. او چندی به تصدی موقوفات و میرابی یزد و استیفای محال خالصه‌جات یزد اشتغال داشت و با نواب میرزا حبیب الله صدر معاشر بود. از وی اشعاری در تذکرها ذکر شده است.

تذکره نصرآبادی (۳۰۷)، الذریعه (۸۵/۹)، ۱۳۰۰-۱۳۰۱، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۴).

همدانی، ابواسحاق ابراهیم بن عمرو بن محمد فسطاطی. (وف ۳۲۱ ق)، فقیه و محدث. او از مشایخ ابوالحسن علی بن بابویه پدر شیخ صدوق و محدث همدان بود. مطابق اسانید بعضی از روایات کتاب «امالی» صدوق، علی بن بابویه در همدان آن روایات را از صاحب عنوان شنیده است. ابراهیم بن عمرو بن نیز به نوبه خود از ابی

همت سیستانی، میرزا همت. (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به همت. از عموزادگان ملک حمزه سیستانی، متخلص به غافل، و از سخنوران سیستان بود که خاندانش تا انقراض سلسله صفویه حاکم سیستان بودند. همت در زمان اورنگ زیب (۱۰۶۹-۱۱۱۹ ق) به هندوستان رفت و ملازم وی گشت. طبع شعر خوبی داشت. از اوست: زندگی در خواب غفلت همچو بادامت گذشت چشم تا وا کرده‌ای آغاز و انجامت گذشت تذکره روز روشن (۹۳۷-۹۳۸)، تذکره نصرآبادی (۳۸)، الذریعه (۱۳۰۰/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۴)، کاروان هند (۱۵۴۹/۲-۱۵۵۰).

همت شیرازی، میرزا علاءالدین حسین، فرزند میرزا احمد وقار. (وف ۱۳۳۶ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به همت. ملقب به علاءالدین. وی از نوادگان میرزا شفیع وصال است. هنگام تولدش در شیراز، بر اثر بیماری آبله از یک چشم نابینا شد. او در نزد پدر مراتب علمی را تحصیل نمود و خط نسخ و فن سخنوری را نزد عموی خود، ابوالقاسم فرهنگ، تکمیل کرد. در ادبیات عرب و ریاضیات نیز متبحر بود. همت خط نسخ را به شیوه علاءالدین تبریزی مشق می‌کرد و از او ادعیه و قرآنی به خط نسخ به یادگار مانده است. او در شیراز درگذشت و در آستانه حضرت سید میر محمد، در کنار عموهای خود، فرهنگ و یزدانی، دفن گردید. از آثارش: تکمیل «تاریخ چهارده معصوم» پدرش؛ «دیوان» اشعار بالغ بر پنج هزار بیت. از آثار خطی وی: یک نسخه ترجمه منظوم فرمان حضرت امیر به مالک اشتر (رموز الامارة) وقار شیرازی، نسخ کتابت خفی و رقاع کتابت جلی متوسط، با رقم: «حرره الداعی... انا العبد الاثم ابن الناظم و الداعی التائب الجازم علاءالدین حسین المتخلص بالهمة ابن الوقار فی شهر ربیع الاول من شهر سنة ۱۲۹۸».

آثار عجم (۳۶۲-۳۶۳)، احوال و آثار خوشنویسان (۱۰۶۱/۴)، حسدیکه الشعراء (۲۱۰۴-۲۱۰۰/۳)، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس (۸۶۹-۸۶۶/۵)، الذریعه (۱۳۰۰/۹)، ریحانه (۱۵۹/۴)، ۳۷۴-۳۷۳/۶، شرح حال رجال (۲۶/۶)، فارسنامه ناصری (۱۰۱۹/۲-۱۰۲۰).

الاعلام (۱۲۷/۷)، بزرگان و سخن سرایان همدان (۱۷۲/۲)، طبقات الشافعية سبکی (۱۳۵/۶)، الکامل (۳۲۵/۸)، کشف الظنون (۳۰، ۲۹۸، ۱۱۰۵، ۱۱۷۵)، لغت نامه (ذیل/همدانی)، المنتظم (۱۰/۲۲۷)، الوافی بالوفیات (۳۸۳۷/۴)، هدية العارفين (۸۵/۲).

همدانی، ابوالعلاء حسن بن احمد بن حسن عطار (۴۸۳/۴۸۸-۵۶۹ ق)، مقرئ، حافظ، محدث، مفسر، ادیب، نحوی، لغوی و زاهد. شیخ همدان و امام العراقین در قرائت بود. در همدان به دنیا آمد. در طلب علم مسافرتهاى بسیاری نمود. علم قرائت را نزد ابوعلی حداد اصفهانی و ابوالمزقلانسی و ابو عبدالله بارع حسین دباس و ابوبکر مزرفی فراگرفت و در همدان از عبدالرحمن بن حمد دونی و در اصفهان از محمود اشقر و ابوعلی حداد اصفهانی و در بغداد از ابوالقاسم بن بیان و ابن حصین و ابوعلی ابن مهدی و ابوعلی بن نیهان و در خراسان از ابو عبدالله فراوی حدیث شنید. آن گاه به همدان بازگشت و تا پایان عمر در این شهر زندگی نمود. او در علم تفسیر، حدیث، انساب و تاریخ متبحر بود. ابواحمد بن سکیه و ابوالحسن ابن دباس و محمد بن محمد بن کیال علم قرائت را در نزد وی فراگرفتند. شیخ متجب الدین، صاحب «الفهرست»، نیز از شاگردان وی بود و کتاب «الهادی» را نزد او خواند. متجب الدین استادش ابوالعلاء را صدرالحفاظ و در علم حدیث و قرائت علامه معرفی کرده است. فرزندانش، احمد و عبدالبر و فاطمه، و نوادگانش، قاضی علی و محمد و عبدالحمید پسران عبدالرشید بن علی بن بنیمان، و ابوالموهوب ابن صصری و عبدالقادر حافظ و یوسف بن احمد شیرازی حافظ و محمد بن محمود حمامی و عتیق بن بدل مکی و جماعتی دیگر از وی حدیث شنیدند. ابوالحسن ابن المقیر از وی اجازه روایت داشت و شیخ هاشم بن محمد در «مصباح الانوار» خویش از وی روایت کرده است. در «معجم الادباء» وفات وی ۵۹۹ ق آمده است. از آثارش: «زاد المسافر»، در پنجاه مجلد؛ «غایة الاختصار» در قرائت دهگانه؛ «الهادی الی معرفة المقاطع و المبادئ» در وقوف قرآن؛ «الانتصار فی معرفة قراء المدن و الامصار» که «طبقات القراء» است؛ «مفردات القراء»؛ «مولد امیرالمؤمنین (ع)»؛ کتاب «الادب فی حسان الحدیث».

الاعلام (۱۹۵/۲)، اعیان الشیعة (۶۳۴/۴)، ایضاح المکنون (۶۰۶/۱)، بزرگان و سخن سرایان همدان (۱۲۸-۱۲۶/۱)، تذکرة الحفاظ (۱۳۲۴-۱۳۲۸)، الذریعة (۸/۱۲)، ۸/۲۵، ۱۵۰-۱۵۱)، روضات الجنات (۸۷-۸۶/۳)، ریحانة (۲۰۶/۷)، سیرالنبلاء (۳۰۴/۱۹).

علی حسن بن اسماعیل قحطبی روایت کرده است. او همچنین از ابوعمار مروزی و عبدالرحمن بن بشیر و عباس بن یزید بحرانی و عبدالحمید بن عصام و حمید بن زنجویه و بخاری و بسیاری دیگر حدیث روایت کرده است. وفات وی در «طبقات اعلام الشیعة»، ۳۲۹ ق ذکر شده است. سیرالنبلاء (۵۵۰/۱۴)، طبقات اعلام الشیعة (قرن ۴/۴).

همدانی، ابوجعفر محمد بن ابی علی حسن بن محمد. (بعد از ۴۴۰-۵۳۱ ق)، حافظ، محدث و زاهد. در طلب حدیث به مسافرت پرداخت. در بغداد از ابن نقور و ابوالقاسم بن بسری و ابونصر زینبی و در نیشابور از فضل بن محب و ابوصالح مودن و در مکه از ابوعلی شافعی و سعد زنجانی و در جرجان از اسماعیل بن مسعدة و در مرو از ابوالخیر محمد بن ابو عمران و در هرات از ابواسماعیل انصاری و جماعتی دیگر حدیث شنید. وی «الجامع» ابو عیسی ترمذی را از ابو عامر ازدی و محمد بن محمد بن علاء و ثابت بن سهلک قاضی به نقل از جراحی روایت کرد. ابن طاهر مقدسی و ابوالعلاء عطار و عبدالرحمن بن عبدالوهاب بن معزم و عده ای دیگر از وی روایت کرده اند. از آثارش: «البدایة و النهایة فی الموعظة».

سیرالنبلاء (۱۰۲-۱۰۱/۲۰)، شذرات الذهب (۹۷/۴)، طبقات الحفاظ (۴۷۰)، العبر (۴۴۰/۲)، کشف الظنون (۲۲۸)، معجم المؤلفین (۶۹/۱۱)، النجوم الزاهرة (۲۵۳/۵).

همدانی، ابوالحسن محمد بن عبدالملک بن ابراهیم. (۴۶۳-۵۲۱ ق)، عالم و مورخ. ملقب به فرضی. اصل وی از همدان بود، پدرش در بغداد سکنی گزید و او در آن دیار نشو و نما یافت. وی مردی فاضل و نویسنده ای بلیغ بود و به تاریخ و اخبار دولتها و پادشاهان و حوادث زمان آشنایی کامل داشت. ابن نجار گوید که فن تاریخ نویسی به او ختم گردیده است. از ابوحسین احمد بن محمد بن نقور و ابوالقوارس طراد زینبی و دیگران حدیث شنید. ابوالقاسم ابن عساکر از او روایت کرده است. وی سرانجام در بغداد از دنیا رفت و کنار پدرش، در مقبرة ابوالعباس ابن سرج، دفن گردید. از آثارش: ذیلی بر «تاریخ طبری»؛ ذیلی بر «تاریخ ابوشجاع رود راوری وزیر»؛ «عنوان السیر فی محاسن البدو و الحضرة»؛ «اخبار الوزراء»؛ «طبقات الفقهاء»؛ «اخبار دولت سلطان محمد و محمود»؛ «امراء الحج»؛ از زمان حضرت رسول اکرم (ص) تا روزگار مؤلف؛ «فرائد التاجی»، در شرح «فرائض السراجی»؛ «المعارف المتاخرة»، در تاریخ.

۲۱/۴۷-۴۸)، شذرات الذهب (۴/ ۲۳۱ - ۲۳۲)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۵۳-۵۴)، طبقات الحفاظ (۲۹۷-۴۹۸)، طبقات المفسرين داودي (۱/ ۱۲۸-۱۳۱)، العبر (۳/ ۵۶)، فهرست منتخب الدين (۶۵-۶۶)، الكامل (۹/ ۱۲۹)، كشف الظنون (۱۱۴، ۹۴۶، ۱۱۰۶، ۱۱۸۹، ۱۳۸۷، ۱۷۷۳، ۲۰۲۶)، معجم الادباء (۸/ ۵۲-۵۳)، معجم رجال الحديث (۴/ ۲۸۳-۲۸۴)، معجم المؤلفين (۳/ ۱۹۷-۱۹۸)، المستظم (۱۰/ ۵۱۸)، هدية العارفين (۱/ ۲۸۰).

همدانی، ابوالفرج حمد بن علی بن نصر زعفرانی. (ز. ح ۴۰۰ ق)، مقرئ و شاعر. در علم قراآت متبحر بود. وی صاحب کتاب «کنز المقرئين فی الوقف والابتداء» است که آن را از کتابهای مهم در زمینه قراآت به شمار آورده‌اند. در حاشیه «الوافی بالوفیات» به نقل از «طبقات القراء» آمده که جزری وی را زنده حدود ۴۰۰ ق می‌داند. الاعلام (۲/ ۳۰۳)، دمیة القصر (۱/ ۵۲۲-۵۲۳)، معجم المؤلفين (۴/ ۷۴)، الوافی بالوفیات (۱۳/ ۱۵۷).

همدانی، ابویعقوب یوسف بن ایوب ← ابویعقوب همدانی.

همدانی، احمد بن زیاد بن جعفر. (س چهارم ق)، محدث امامی. از علی بن ابراهیم و عمر بن سهل بن اسماعیل دینوری و جعفر بن احمد علوی روایت کرد. ابوعبدالله احمد بن محمد بن عیاش جوهری در «مقتضب الاثر» خود و شیخ صدوق از وی روایت کرده‌اند. به آورده شیخ آقا بزرگ تهرانی نام صاحب عنوان در بعضی از اسانید «امالی» شیخ صدوق به صورت احمد بن محمد بن زیاد و در بعضی دیگر احمد بن جعفر همدانی آمده است. اعیان الشيعة (۲/ ۵۸۹)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۲۸-۲۷/۴).

همدانی، سید ابوطالب، فرزند سید عبدالمطلب بن عبدالصمد حسینی. (وف ۱۲۶۶ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی و مدرس. در همدان به دنیا آمد و پس از فراگرفتن مقدمات به نجف رفت و به تکمیل معلومات خویش پرداخت. او از شاگردان شیخ محمد حسن نجفی، صاحب «جواهر» بود که به امر استادش مبادرت به ترجمه رساله عملیه «نجاه العباد» وی به فارسی نمود. او در نجف پیش از مرگ استادش درگذشت و در صحن مقدس دفن شد. در «اعیان الشيعة» و «ریحانة الادب» وفات وی ۱۲۶۳ ق ذکر

شده، اما با توجه به اینکه وی حدود شش ماه قبل از استادش صاحب «جواهر» (م ۱۲۶۶ ق) درگذشته است، این تاریخ درست به نظر نمی‌رسد. از دیگر آثارش: «اصول الفقه»، در دو مجلد؛ «الذخيرة العلوية فی الاحکام النبوية»؛ «المواهب العلوية فی شرح الاحکام النبوية» یا «المواهب العلوية»، در شرح «شرايع الاسلام».

اعیان الشيعة (۲/ ۳۶۶-۳۶۷)، الذریعة (۲/ ۲۰۲-۲۰۳)، ۱۴۲/۴، ۱۷/۱۰، ۲۴/۲۳، ۲۴۱/۲۴، ۵۹/۶۰، ریحانة (۶/ ۳۷۵)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۴۲-۴۳)، الکنی و الالقاب (۱/ ۱۰۸)، معجم رجال نجف (۳/ ۱۳۳۵-۱۳۳۶)، معجم المؤلفين (۵/ ۳۰)، مکارم الآثار (۵/ ۱۸۱۳-۱۸۱۴).

همدانی، شیخ عبدالرزاق، فرزند شیخ علی رضا، فرزند شیخ عبدالحسین. (۱۲۹۱-۱۳۸۳ ق)، عالم دینی، فقیه اصولی، محدث، مجتهد، متکلم و واعظ. اصل او از قزوین بود. پدرش مقیم اصفهان گردید و وی در آنجا به دنیا آمد. در حدود ۱۳۰۰ ق به همراه پدرش به کربلا مهاجرت نمود. او در کربلا مقدمات علوم را فراگرفت و در ۱۳۱۳ ق به همراه مادرش به همدان رفت و در آنجا به تکمیل دروس و وعظ و خطابه و تألیف اشتغال یافت. چند بار برای زیارت به نجف رفت. در همدان درگذشت. از آثارش: «ذریعة المعاد»، در شرح «نجاه العباد»؛ «السيف القاطع فی ابطال الرکن الرابع»؛ «هدایة الطالبین»، در اصول دین؛ «الخلافة»، در رد شیخیه؛ «السؤال والجواب الدینی»، در رد شیخیه؛ «الهدایة»، در رد صوفیه؛ «المقالة الاسلامیة»، در رد نصارا؛ «الکشکول»؛ «المواعظ المنبرية»؛ «الاسلام و الخلافة»؛ «مواکب حسینیة».

الذریعة (۱۰/ ۳۲۱-۳۲۲، ۲۱۰/۱۲، ۲۴۵، ۲۸۸، ۳۸۴/۱۶، ۱۷/ ۵۹، ۲۱/ ۳۹۵، ۲۳/ ۲۳۲، ۲۵/ ۱۶۶، ۱۸۱-۱۸۲)، طبقات اعلام الشيعة (قرن ۱۴-۱۱۱۳)، گنجینه دانشمندان (۷/ ۳۷۸-۳۷۹)، معجم رجال نجف (۳/ ۱۳۴۱)، مؤلفین کتب چاپی (۳/ ۸۴۳-۸۴۴).

همدانی، شیخ محمد تقی ← مجتهد همدانی.

همدانی، عبدالرحمن بن عیسی بن حماد. (وف ۳۲۰ ق)، ادیب، کاتب، لغوی و شاعر. وی کاتب بکر بن عبدالعزیز بن ابودلف عجلی بود. در «هدیة العارفين» وفات وی ۳۲۷ ق ذکر شده است. از آثارش: کتاب «الالفاظ» که در بیروت تحت عنوان «الالفاظ الکتبایة» یا کتاب «الکلام» چاپ شده است.

فهرست ابن النديم، ترجمه (۲۸۶)، معجم المؤلفين (۱۶۴-۱۶۳/۵)، الوافى بالوفيات (۲۱۶-۲۱۵/۱۸)، هدية العارفين (۵۱۳/۱).

همدانی، محمد بدیع. (ز ۱۲۲۷ ق)، خطاط. از آثار وی: یک رقعہ نسخ دو دانگ خوش، با رقم: «راقم الحروف محمد بدیع الهمدانی سنة ۱۲۲۷».

احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۵۱/۴).

همدانی، ملا محمد جعفر - مجذوب علیشاه همدانی.

همدانی نجفی، شیخ آقا رضا بن شیخ محمد هادی. (۱۲۵۰/۱۲۵۲-۱۳۲۲ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، متکلم، مدرس، عابد و زاهد. وی در همدان به دنیا آمد. پس از فراگرفتن مقدمات به عراق رفت و در محضر علمای بزرگ از جمله میرزا محمد هاشم خوانساری و میرزای بزرگ شیرازی و میرزا محمد تقی شیرازی و میرزا حسن فرزند میرزا خلیل تهرانی نجفی تلمذ نمود. وی از شاگردان برجسته میرزای بزرگ شیرازی بود. در حیات میرزا از سامرا به نجف رفت و به تدریس و تألیف و اقامه جماعت پرداخت. از جمله شاگردان مشهور وی می‌توان به شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب «الذریعه» و شیخ علی زاهد قمی و آیت الله شیخ جواد بلاغی و آیت الله شیخ علی حلی و آیت الله شیخ احمد آل کاشف الغطا و شیخ محمد حسین آل کاشف الغطا و شیخ جعفر آل شیخ راضی و آیت الله شیخ علی جواهری و آیت الله شیخ محمد تقی تهرانی مقدس و آیت الله شیخ ابوالقاسم کبیر قمی و آیت الله علامه سید محسن امین جبل عاملی اشاره کرد. وی به مناسبت اهمیت و شهرت کتابش «مصباح الفقیه» که شرحی است بر «شرایع الاسلام» علامه حلی به صاحب «مصباح الفقیه» مشهور می‌باشد. صاحب «اعیان الشیعه»، وی را به کثرت زهد و ورع، تواضع شدید و کراهت داشتن از شهرت ستوده است. در اواخر عمر در اثر بیماری سل و برای تغییر آب و هوا به سامرا رفت و در آنجا درگذشت و در رواق شریف به خاک سپرده شد. از دیگر آثارش: «الفوائد الرضویة علی الفرائد المرتضویة» یا «العوائد الرضویة علی الفرائد المرتضویة»، در حاشیه بر «رسائل» شیخ انصاری؛ حاشیه بر «المکاسب» شیخ انصاری؛ حاشیه بر «نجات العباد»؛ حاشیه بر «ریاض المسائل»؛ «تقریرات» استادش میرزای بزرگ شیرازی در فقه و اصول؛ کتاب «البيع» از «تقریرات» میرزای بزرگ شیرازی؛ «الهدایة»؛ «الوجیزة».

الاعلام (۵۲/۳)، اعیان الشیعه (۲۳-۱۹/۷)، الذریعه (۳۷۷-۳۷۶/۴)، ۲۱۹، ۱۵۷/۶، ۳۴۱/۱۶، ۱۱۶-۱۱۵/۲۱، ۲۵/۴۹، (۱۶۶)، ریحانه (۳۷۷/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۷۷۸-۷۷۶)، علماء معاصرین (۷۶-۷۵)، گنجینه دانشمندان (۳۷۷-۳۷۶/۷)، معجم رجال نجف (۱۳۳۹/۳)، ۱۳۴۰-، معجم المؤلفین (۱۶۴/۴)، میرزای شیرازی (۱۴۴-۱۴۳).

همدم سمنانی، میرزا محمد علی، فرزند میرزا محمد رضی منشی. (س سیزدهم ق)، مورخ و شاعر. وی در خدمت شاهزاده محمد ولی میرزا (وف ۱۲۴۴ ش) والی سمنان و خراسان بود و منصب صندوق داری و وقایع نگاری داشت. وی کتاب تاریخی به نام «بدایع الوقایع» در خصوص دولت قاجار و وقایع خاصه شاهزاده محمد ولی میرزا نوشت. از دیگر آثارش: «دیوان» شعر.

حدیقة الشعراء (۲۱۰۴-۲۱۰۳/۳)، الذریعه (۱۳۰۱/۹)، سفینه المحمود (۵۸۸-۵۸۷/۲)، گلزار جلاویدان (۱۷۵۶/۳)، لغت نامه (ذیل/همدم سمنانی)، مجمع الفصحاء (۱۱۸۴/۶).

همدم شیرازی، آقا نجفعلی. (س سیزدهم ق)، شاعر. وی برادر آقا محمد ابراهیم منظور شیرازی قصه گو و افسانه خوان فتحعلی شاه بود و همچون برادرش در این فن در خدمت شاهزاده حسینعلی میرزا فرمانفرما (م ۱۲۵۱ ق) حاکم فارس اشتغال داشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

حدیقة الشعراء (۲۱۰۵-۲۱۰۴/۳)، الذریعه (۱۳۰۱/۹)، ریاض العارفين (۳۵۲-۳۵۱)، ریحانه (۳۸۰-۳۷۹/۶)، فارسنامه ناصری (۱۱۸۲/۲)، گلزار جلاویدان (۱۷۵۶-۱۷۵۷)، لغت نامه (ذیل/همدم شیرازی)، مجمع الفصحاء (۱۱۸۵/۶)، مرآت الفصحاء (۷۱۶-۷۱۵).

همدم شیرازی، میرزا محمد حسین، فرزند میرزا علی فخرالدوله. (س سیزدهم و چهاردهم ق)، شاعر، متخلص به همد. پدرش میرزا علی متخلص به فخر از فضلا و ادبای شیراز بود. میرزا محمد حسین با داور شیرازی (م ۱۳۲۵ ق) صاحب «مرآت الفصحاء» معاصر بوده است. از آثار وی «دیوان» شعر می‌باشد که در ۱۳۱۳ ق در حیدرآباد دکن به چاپ رسیده است.

آثار عجم (۵۲۸-۵۲۷)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۸۷۰-۸۷۰/۵)، الذریعه (۱۳۰۱/۹)، ریحانه (۳۷۹-۳۷۸/۶)، ۳۰۳-۳۰۲/۱)، مرآت الفصحاء (۷۱۷-۷۱۶)، مؤلفین کتب چاپی (۸۱۷/۲).

هنر جهرمی فارسی، شیخ ابوالحسن. (وف ۱۲۶۷ ق)، طبیب و شاعر، متخلص به هنر. وی سالها در جهرم و شیراز به تدریس علوم و طبابت مشغول بود، و در طب شهرتی پیدا کرد. وی قصیده‌ای در مدح و منقبت حضرت رسول (ص) به نام «جام جم» دارد. برخی از اشعار وی در تذکره‌ها آمده است.

حدیقه الشعراء (۲۱۰۵/۳)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۸۷۲-۸۷۱/۵)، الذریعه (۱۳۰۳/۹)، فارسنامه ناصری (۱۲۸۵-۱۲۸۲/۲)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۶)، مرآت الفصاحه (۷۱۸-۷۱۷)، مصطفی خراب (۲۱۴-۲۱۳).

هنگ آفرین، حسین خان، فرزند عبدالله خان. (ح ۱۲۵۴-۱۳۳۱ ش)، موسیقیدان. پدرش، عبدالله خان، مردی موسیقیدان بود و تار می‌نواخت. حسین خان رئیس یکی از دسته‌های موزیک قزاقخانه و از شاگردان مسیولومر فرانسوی، معلم موزیک دارالفنون بود. هنگ آفرین در نواختن تار و سه‌تار و ویولن مهارت داشت و علاوه بر تحصیل موسیقی نظامی، از موسیقی ایرانی کاملاً بهره‌مند بود و ردیف دستگاه ماهر را از میرزا عبدالله آموخت. او با عده‌ای از نوازندگان و خوانندگان، از جمله برادرش اکبر خان فلوتی، برای ضبط صفحاتی به روسیه و لندن سفر کرده است. هنگ آفرین از درویشان صفایی بود و در ارکسترهایی که به تشویق ظهیرالدوله در انجمن اخوت تشکیل می‌گردید، سمت نوازندگی و گاهی هم سمت سرپرستی را بر عهده داشت. از شاگردان معروف وی نصرالله زرین پنجه است.

استادان موسیقی (۷۱)، تاریخ موسیقی (۵۵۱-۵۴۶/۲)، سرگذشت موسیقی (۲۲۷-۲۲۵/۱)، مردان موسیقی (۸۳-۸۲/۲).

هوایی مشهدی. (س نهم ق)، نقاش، خطاط، مذهب و شاعر. بعضی منابع وی را برادر و بعضی دیگر او را از مصاحبان مشرفی مشهدی می‌دانند. هوایی در نقاشی کاشی دست داشت و در تذهیب و خوشنویسی نیز ماهر بود. گفته‌اند که به خط خورش، «دیوان» خود را می‌نوشته و پس از تذهیب می‌فروخته است. وی در هرات از دنیا رفت و در خواجه چهل گزی دفن شد. از آثارش: «دیوان» شعر. احوال و آثار نقاشان (۱۴۱۸/۳)، الذریعه (۱۳۰۳/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۷)، مجالس النفائس (۴۳-۴۲)، (۲۱۶-۲۱۵).

هندوشاه نسخجوانی، هندوشاه، فرزند سنجر صاحبی. (ز ۷۲۴ ق)، نویسنده، ادیب و شاعر. اصل وی از نخجوان بود و در همان‌جا نشو و نما یافت. تحصیلات خود را در مدرسه مستنصریه بغداد به پایان رساند و نیز نزد شمس‌الدین محمد کیشی درس خواند. هندوشاه مدتی به خدمت خاندان جوینی درآمد و در ۶۷۴ ق به نیابت از برادر خود، سیف‌الدوله، چندی برکاشان حکمرانی نمود و در آن‌جا مدرسه‌ای ساخت و کتابهای بسیاری وقف نمود. وی مدتی نیز در دستگاه اتابک نصرالدین احمد بن یوسف شاه، از اتابکان لر به سر برد و کتاب «تجارب السلف» را به نام او تألیف کرد. این کتاب در ۷۲۳ تا ۷۲۴ ق تألیف شده است و موضوع آن تاریخ خلفا و وزرای اسلام تا انقراض خلافت عباسی می‌باشد. هندوشاه در تألیف «تجارب السلف» از «منیة الفضلاء فی تواریخ الخلفاء و الوزراء» صفی‌الدین ابن طقطقی استفاده مستقیم نموده با این تفاوت که قسمتهایی از آن را حذف کرده و مطالبی از کتب معروف دیگر عربی و فارسی بر آن افزوده است. از دیگر آثار وی: «صحاح المعجم» یا «صحاح الفرس»، در لغت؛ «موارد الادب»؛ «دیوان» شعر. در «ایضاح المکنون» تاریخ فوت او ۷۳۰ ق ذکر شده در صورتی که در «هدیه العارفین» ۷۳۰ ق تاریخ اتمام کتاب «موارد الادب» بیان گردیده است.

ایضاح المکنون (۵۹۸/۲)، تاریخ ادبیات در ایران (۳/۱۲۴۴-۱۲۴۳)، تاریخ مغول (۵۲۶)، تاریخ نظم و نشر (۱۸۴)، تجارب السلف (مقدمه)، دانشمندان آذربایجان (۳۹۹)، دایرةالمعارف فارسی (۳۲۹۸/۲)، الذریعه (۳۴۸/۳)، ۱۳۰۲/۹، ۱۲-۱۱/۱۵، ۲۳/۲۳، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۷۸۴/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۹۴-۷۹۳/۶)، هدیه العارفین (۵۱۱/۲).

هنر تبریزی - امیر خیزی، حاج محمد اسماعیل.

هنر جندقی، میرزا اسماعیل، فرزند میرزا ابوالحسن یغما. (ز ۱۲۸۸ ق)، شاعر. برای تحصیل علوم اسلامی به نجف مسافرت کرد. در بازگشت مشرب شیخیه را برگزید و حاج محمد کریم خان را مدح کرد. او در سوگ دو فرزندش محمد و محمود که در جوانی درگذشتند، در ۱۲۸۸ ق، مرثیه گفته است. از آثار وی: «داستان عاشقانه» شامل رباعیات؛ مقدمه «دیوان» یغما، به نشر؛ اتمام کتاب «قاموس» پدرش «دیوان» شعر.

الذریعه (۱۳۰۳-۱۳۰۲/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۰۶).

دانشمندان و سخن سرایان فارس (۸۷۸-۸۷۷/۵).

هوشمند راد شیرازی، نجم‌الحاجیه، فرزند نصرالله خان شجاع الانشا، (تو ۱۲۸۸ ش)، نویسنده و روزنامه‌نگار. در دوران کودکی تحصیلات فارسی و عربی را آموخت و در اوایل سلطنت رضا شاه پهلوی در شیراز جمعیت نهضت نسوان را تأسیس کرد و در بیداری و حمایت زنان کوششهای بسیار نمود. وی همسر عبدالحسین هوشمند راد بود. او در ۱۳۲۹ ش روزنامه «جهان زنان» را به مدت سه سال در تهران منتشر کرد.

دانشمندان و سخن سرایان فارس (۸۷۷-۸۷۶)، زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند ایران (۱۸۴).

هوشیار شیرازی، محمد باقر، فرزند محمد (۱۲۸۳-۱۳۳۶ ش)، محقق، مترجم و استاد دانشگاه. در شیراز به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه شجاعیه شیراز به پایان رساند. برای تحصیلات عالی ابتدا به بمبئی و کلکته و بعد به آلمان رفت و مدتی در مدرسه عالی فلاحت برلن به تحصیل نظری فلاح و عملیات زراعی پرداخت. محمدباقر پس از اتمام تحصیلات در ۱۳۰۸ ش به ایران بازگشت و دوباره همراه محصلین اعزامی به اروپا، به برلن رفت و ابتدا در دانشکده ادبیات برلن و سپس در دانشگاه توپین گن و دانشگاه مونیخ در رشته تعلیم و تربیت و فلسفه و تاریخ و ادبیات زبان آلمانی به تعلیم پرداخت و از دانشگاه مونیخ موفق به اخذ دکتری در فلسفه شد. او پس از اتمام تحصیلات به تهران آمد و در دانشسرای عالی و دانشکده‌های علوم و ادبیات و هنرستان موسیقی و آموزشگاه پست و تلگراف و دبیرستان نظام به تدریس و تعلیم مشغول شد. وی بر اثر عارضه قلبی درگذشت. از آثارش: «اصول آموزش و پرورش»، «انقلاب مشروطیت ایران»، «از آثار ترجمه وی»، «آگمنت»، «اراده معروف به قدرت»، «خرده بورژواها»، «روانشناسی علمی سنجش هوش».

دانشمندان و سخن سرایان فارس (۸۷۸-۸۷۸/۵)،

فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/۲۴۵، ۲۹۴،

۳۱۳، ۸۱۶، ۱۷۶۱/۲، ۱۹۲۵، ۳۳۹۵)، کلک (س ۱) ش

۵، ص ۱۳۱)، مؤلفین کتب چاپی (۷۱-۶۹/۲).

هوشی سنغری دینوری، (س دهم ق)، شاعر و صوفی. اهل سنغری، از توابع دینور، بود. در همدان می‌زیست و در آنجا به مکتب‌داری مشغول بود. وی مردی دانشمند و صوفی مشرب و سنی مذهب بود. در معما و

هوشمند بوشهری، محمد جواد، فرزند کربلایی شعبانعلی موحد تاجر کازرونی. (۱۲۷۸-۱۳۳۶ ش)، روزنامه‌نگار، نویسنده و شاعر، متخلص به هوشمند. در بوشهر به دنیا آمد. وی در مدرسه سعادت زادگاهش تحصیل نمود. آن‌گاه به کراچی رفت و در آنجا زبان انگلیسی را آموخت و سپس به بوشهر بازگشت. وی در ۱۳۰۸ ش روزنامه «سعادت بشر» را منتشر کرد که این روزنامه تا ۱۳۱۴ ش غیر مرتب منتشر می‌شد، تا اینکه هوشمند در ۱۳۱۵ ش بعد از توقیف روزنامه به زندان افتاد. پس از رهایی از زندان روزنامه را مجدداً منتشر کرد، ولی دوباره زندانی شد. سرانجام در ۱۳۲۰ ش به کاشان تبعید شد و در همان سال چون اوضاع ایران تغییر یافت به تهران آمد و تا زمان فوتش در ۱۳۳۶ ش روزنامه را منتشر می‌کرد. از دیگر آثار وی: «دوره تمدن»، «تاریخ پرنس ارفع دانش»، «جنبش بانوان»، «جنبشهای دهقانی».

تاریخ جراید (۴۲۰/۳)، دانشمندان و سخن سرایان

فارس (۸۷۳-۸۷۲/۵)، فهرست کتابهای چاپی فارسی

(۱/۶۸۱، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۴۶۹)، مؤلفین کتب چاپی

(۲/۴۳۶).

هوشمند راد شیرازی، عبدالحسین، فرزند محمد حسن. (۱۳۰۹-۱۳۶۵ ق)، مدرس، نویسنده و مترجم. پس از اتمام مقدمات و تحصیل زبانهای عربی و انگلیسی و روسی، در محضر اساتید عصر در ادبیات فارسی و تاریخ و سیاست جهان تحقیقاتی به عمل آورد. او مدتی نیز مترجم کنسولگری دولت اتحاد جماهیر شوروی سابق در شیراز بود و همچنین مقالاتی در مجله «قشون» و دیگر مجلات شیراز و تهران به چاپ می‌رساند. او انجمن ادبی حافظیون را به اتفاق عنایت الله دستغیب روحی تأسیس کرد. هوشمند سرانجام به بیماری نامعلومی که برخی احتمال مسمومیت دادند، فوت کرد و در جوار مزار شاه داعی الی الله به خاک سپرده شد. از آثار وی: «حالات واسموس آلمانی»، «سرگذشت مرحوم سید حسن مدرس اصفهانی مجتهد و سیاستمدار مشهور».

دانشمندان و سخن سرایان فارس (۸۷۳-۸۷۶/۵).

هوشمند راد شیرازی، عبدالحسین، فرزند محمد حسن. (تو ۱۳۰۰ ش)، روزنامه‌نگار و شاعر، متخلص به هوشمند. وی تحصیلات ابتدایی را در مدرسه شریعت گذراند و خارج از مدرسه، علوم متداوله عصر را فراگرفت. وی در ۱۳۳۰ ش هفته نامه «سروش نجات» را منتشر کرد و این هفته نامه پس از سه سال تعطیل شد.

هجو بحر داشت و به فارسی و ترکی شعر می سرود و قصیده‌ای به ترکی در هجو قزاقیگ ذوالقدر گفت که معروف شد. اشعارش در تذکره‌ها ذکر شده است.

تاریخ نظم و نثر (۵۲۳)، الذریعه (۱۳۰۴/۹)، مجمع الخواص (۲۴۸-۲۴۹).

هومن، محمود. (۱۳۵۹-۱۲۸۷ ش)، نویسنده و استاد دانشگاه. در تهران به دنیا آمد. وی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در زادگاهش، تحصیلات عالی خود را در دانشکده صنعتی ایران و آلمان ادامه داد. وی در ۱۳۱۲ ش به تدریس شیمی معدنی و اصول تجزیه‌های شیمیایی شعبه مهندسی شیمی دانشکده صنعتی تهران پرداخت. او همچنین مدتی مدیریت شعبه مهندسی شیمی و استادی اصول تجزیه‌های شیمیایی و شیمی معدنی را به عهده داشت. وی در ۱۳۲۷ ش برای تدریس فلسفه و تاریخ قرون اولیه اسلامی به دانشکده ادبیات تبریز رفت و مدتی نیز در دانشگاه تربیت معلم به تدریس فلسفه پرداخت. از آثار وی: «از زندگانی چه می‌دانیم؟»، «تاریخ فلسفه»، «حافظ چه می‌گوید؟»، «زیست یا زندگی».

آینده (س ۶، ش ۱۲-۹، ص ۹۳۳)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱/۱۱۴۵، ۲/۱۸۷۹)، مؤلفین کتب چاپی (۶/۱۱۰-۱۰۹).

هیمن شیخ الاسلامی، سید محمد امین، فرزند سید حسن شیخ الاسلام مکرری. (۱۳۰۰-۱۳۶۵ ش)، نویسنده،

مترجم و شاعر، متخلص به هیمن. در روستای لاجین از توابع مهاباد به دنیا آمد. خاندانش از علمای مشهور زمان خود بودند و تبارش به سه واسطه به ملا جامی، عارف عالم کرد می‌رسد. وی در کودکی نزد ملا سعید ناکام قرآن، صرف، نحو و متون ادبی کردی و فارسی را آموخت. سپس به مهاباد رفت و پس از گذراندن دوره ابتدایی در مدرسه سعادت به سفارش پدرش مدت چهار سال در خانقاه و مدرسه جد مادری‌اش، شیخ یوسف برهانی، به تحصیل علوم دینی پرداخت و در همان ایام با عبدالرحمن شرفکندی متخلص به هزار آشنا شد. سپس به امر پدرش به روستای کولیجه رفت و نزد ملا احمد فوزی درس خواند. هیمن در ایام جوانی به سبب استعداد ذاتی به شعر کردی روی آورد و از آنجا که پدرش نیز اهل شعر بود در این فن تلاش بسیاری نمود. او همچنین به عضویت شورای نویسندگان نشریه «نیشتمان» درآمد. وی پس از انقلاب، خدمات ادبی و فرهنگی را از سر گرفت و مجله «سروه» را به زبان کردی در ارومیه منتشر کرد. بر اثر سکت قلبی درگذشت. از دیگر آثار وی: «هه واری خالی»، «بازنویسی «تحفه مظفریه» از رسم الخط لاتینی به کردی، ترجمه «ناله جدایی»، شعر «پاشه روک»، مجموعه مقالات و اشعار «قلعه دمدم»، ترجمه «شاهزاده و گدا»، ترجمه «دیوان» شعر، با نام «تاریک وروون».

تاریخ مشاهیر کرد (۲/۴۸۲-۴۸۹)، کیهان فرهنگی (س ۳، ش ۲، ص ۳۹).



یاحقی، حسین، فرزند محمد اسماعیل. (تو ۱۲۸۲ ش)، موسیقیدان. در تهران به دنیا آمد. ابتدا از شبیه خوانهای تعزیه بود. سپس کمانچه را نزد خواهر خود آموخت و بعد به محضر حسین خان اسماعیل زاده رفت و فن صحیح نواختن کمانچه را از او فراگرفت و بعدها نت و اصول علمی موسیقی را نیز از صبا آموخت. یاحقی علاوه بر این ساز، به آموختن سه تار و ویولن پرداخت، به طوری که ویولن، ساز تخصصی وی گشت و در این ساز سبکی تازه برای موسیقی ایران به ارمغان آورد. او علاوه بر کلاسهای خصوصی، در هنرستان هنرهای زیبا نیز به تعلیم ویولن می پرداخت. یاحقی حدود پانصد آهنگ و پیش درآمد و رنگ ساخته که از بهترین آثار هنر موسیقی کلاسیک ایران به شمار می رود. بعضی از آثار وی: «برق غم»، «جوانی»، «بی خبر»، «گلستان».

استادان موسیقی (۷۲-۷۱)، تاریخ موسیقی (۴۹۰/۲)، سرگذشت موسیقی (۴۶۲-۴۵۹/۱)، مردان موسیقی (۲۲۷-۲۱۹/۱).

یسار علی شیرازی. (وف ۸۱۶-۸۱۲ ق)، نویسنده و شاعر. وی صاحب کتابی در شرح «لمعات» فخرالدین عراقی، به نام «اللمحات فی شرح اللمعات» است. از دیگر آثار وی: «دیوان» شعر.

تاریخ نظم و نثر (۷۸۰)، الذریعه (۱۳۰۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۳۳۹-۳۴۰).

یارقلی محلاتی بروجردی، شیخ محمد، فرزند شیخ اسماعیل/محمد اسماعیل بن ملا محمد علی. (۱۲۹۷-۱۲۹۵ هـ - ۱۳۳۶ ق)، عالم دینی، فقیه و مدرس. ری در نجف به دنیا آمد. پدرش، شیخ اسماعیل،

مدتی در بروجرد و مدتی در نجف و سامرا ساکن و از شاگردان میرزا حبیب الله رشتی بود. شیخ محمد یارقلی علوم ادبی و عربی را از پدرش آموخت. فقه و اصول را از محضر مرحوم آیت الله خراسانی و آیت الله شیخ الشریعه اصفهانی فراگرفت و سپس خود به تدریس پرداخت. آیت الله مرعشی نجفی و آیت الله حاج شیخ علی محمد نجفی بروجردی و میرزا احمد منجم شیرازی و آقا میرزا محمد خلیلی از شاگردان او بودند. صاحب عنوان مسافرتهایی به هندوستان، بنادر جنوب ایران، بمبئی، نجف، بغداد، موصل و کرکوک نمود و در طی این مسافرتها از مصاحبت ارباب دانش و فضل بهره مند گشت. وی اولین مجله فارسی را تحت عنوان «درة النجف» در عراق منتشر کرد که بیش از پنج شماره از آن به چاپ نرسید. در محلات درگذشت و در همان جا دفن شد. از آثار او: حاشیه بر «کفایة الاصول»؛ رساله در «نفی تحریف قرآن»؛ تعلیقات بر «شوارق»؛ «مجموعه خطب پیغمبر (ص)»؛ «سر قضیه عاشورا»؛ «اصول دین»؛ در سه مجلد؛ «مذاکرات میزبان و میهمان»؛ در ردّ شیخیه؛ «گفتار خوش یارقلی» در رد بهایی ها که تاکنون چند بار چاپ شده است؛ اشعاری در اخلاق و مواعظ.

تاریخ بروجرد (۵۲۲-۵۲۴)، الذریعه (۱۱۲/۸)، ۱۸/۲۰۸، معجم رجال نجف (۱۱۶۳/۳).

یارک قزوینی، حکیم عماد. (س دهم ق)، شاعر. از طبیب زادگان قزوین و ساکن هرات بود. او شاعری درویش مسلک بود و اوقات خود را به شاعری می گذراند. اشعاری از وی در تذکره ها نقل شده است. از اوست:

پریشان خاطر از کاکل و زلف پریشان
که آن سر می کند در گوش و این سر در گریبان

«خمس» امیر علیشیر نوایی، با رقم: «خمس» میر علیشیر نوایی به خط قیلة الکتاب مولانا سلطانعلی المشهدی و به مذهب یاری مولانا یاری...».

احوال و آثار خوشنویسان (۹۶۶-۹۶۷)، احوال و آثار نقاشان (۱۴۲۱-۱۴۲۴)، تاریخ هنرهای ملی (۸۵۳/۲)، تذکرة روز روشن (۹۳۸-۹۳۹)، خوشنویسان و هنرمندان (۴۴)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۸۸۰-۸۸۱)، الذریعة (۱۳۰۶/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۰)، کارنامه بزرگان (۴۴-۴۳)، گلستان هنر (۱۴۴-۱۴۵)، مجالس الثقات (۱۲۰-۱۲۱).

یاسایی مهرجردی، میرزا عبدالله. (تو ۱۳۱۱ ق)، شاعر، متخلص به یاسایی. در قرية مهرجرد، از روستاهای یزد، به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه موسوم به خان، در یزد به پایان رساند. سپس به مدرسه چهار باغ اصفهان رفت و علوم صرف، نحو، معانی، بیان، فقه، اصول، منطق، حکمت و ریاضیات را فرا گرفت. یاسایی زبان فرانسه را نیز آموخت. وی در ۱۳۳۶ ق به خدمت وزارت دادگستری درآمد و مدتها ریاست دادگستری سمنان، دامغان، شاهرود، نیشابور و سبزوار را به عهده داشت. وی از طرف مردم سمنان و دامغان در دوره های پنجم و ششم و هفتم و هشتم به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. او در انشا و نظم و نثر عربی و فارسی مهارت داشت و مقالات و اشعارش در جراید منتشر می شد که تمام آنها جنبه سیاسی داشت. از اوست:

ایران چو بهشت اگر شود زآبادی
و این خلق ز غفلت به نشاط و شادی

تذکرة سخنوران یزد (۷۸۴-۷۸۵)، روز شمار تاریخ (۱۸۱/۱)، سخنوران نامی (۴۳۴-۴۳۷)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۰)، نخبگان سیاسی ایران (۵۱۷/۴).

یتیم بروجردی - یتیم همدانی.

یتیم همدانی، ملا محمود/محمد بیگ. (س یازدهم و دوازدهم ق)، شاعر، متخلص به یتیم. اصلش از یزدجرد همدان بود. وی در عهد اورنگ زیب (۱۰۶۹-۱۱۱۹ ق) به هندوستان سفر کرد و پس از مدتی از آنجا به اصفهان رفت. برخی منابع نسبت او را بروجردی ذکر کرده اند. صاحب تذکرة «روز روشن»، به نقل از «آفتاب عالمتاب»، صاحب عنوان را محمود پهلوان مشهدی دانسته که مردی دلیر بوده و سرانجام به دست داروغه مشهد کشته شده است. از آثار

آتشکده آذر (۱۲۲۰/۳)، الذریعة (۱۳۰۵/۹)، لغت نامه (ذیل/ یاری)، مجمع الخواص (۲۵۲)، مینودر (۵۹۵/۲).

یاری اصفهانی، میرزا محمد حسین. (وف ۱۲۱۵ ق)، شاعر، متخلص به یاری. اصلش از خراسان است و در اصفهان به دنیا آمد. وی از نوادگان میرزا محمد باقر وزیر خراسان بود. از شاعران دربار زندیه بود و به روزگار پادشاهی لطفعلی خان زند (۱۲۰۳-۱۲۰۹ ق) به سمت ندیمی رسید. یاری در چهل و پنج سالگی در عتبات وفات کرد و در کاظمین دفن شد. او بیشتر به سرودن غزل تمایل داشت. اشعاری از وی در بعضی از تذکرها نقل شده است.

حدیقة الشعراء (۲۱۱۰-۲۱۱۱)، الذریعة (۱۳۰۶/۹)، ریحانه (۳۸۴/۶)، سفینه المحمود (۲۶۴-۲۶۳/۱)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۰)، لغت نامه (ذیل/ یاری اصفهانی)، مجمع الفصحا (۱۲۰۳/۶)، مصطفی خراب (۲۲۲)، مکارم الآثار (۵۶۰/۲)، نگارستان دارا (۲۷۸-۲۸۰).

یاری بخاری. (ز ۹۵۹ ق)، خطاط. از آثار وی: یک قطعه از مرقع بهرام میرزای صفوی، به قلم دو دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «مشقه العبد الفقیر یاری البخاری»؛ قطعه ای دیگر به قلم دو دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «تحریر فی شهر سنه ۹۵۹، مشقه العبد الحقیق، یاری البخاری غفر ذنوبه».

احوال و آثار خوشنویسان (۹۶۴/۳)، هنر عهد تیموریان (۵۸۵-۵۸۴).

یاری مذهب هروی. (س نهم و دهم ق)، مذهب، نقاش، خطاط و شاعر. وی پس از آموختن فنون نقاشی به صورت ابتدایی، به سفارش امیر علیشیر نوایی تحت تعلیم مذهبان بزرگ هرات قرار گرفت و در اندک زمانی در هنر نقاشی ماهر گشت. گویند مهر سلطان حسین بایقرا را با قلم مو تقلید کرده بود و بدین سبب به مرگ محکوم شد، اما به وساطت امیر علیشیر نوایی از قتل نجات یافت. یاری علاوه بر تذهیب، خط نستعلیق را عالی می نوشت و شعر نیز می گفت. از آثار او: دو قطعه از مرقع مالک دیلمی، که اشعاری از خود اوست، به قلم سه دانگ و نیم دو دانگ عالی و خوش، با رقم: «لمحرره یاری المذهب...» و «لمحرره... مشقه یاری»؛ یک قطعه از مرقع امیر غیب بیگ، به قلم نیم دو دانگ خوش رنگه محرر، با رقم: «لمحرره یاری المذهب»؛ تذهیب و طلاکاری نسخه

تاریخ ادبیات در ایران (۱۶۳۹-۱۶۳۴/۵)، تاریخ نظم و نثر (۴۳۳، ۴۳۴)، الذریعه (۸۲۳، ۸۲۴)، عالم آرای عباسی (۵۴، ۲۷/۱)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۲)، کاروان هند (۱۱۵۹-۱۱۶۰)، کشف الظنون (۱۵۴۷)، لغت نامه (ذیل/یحیی)، مینودر (۲/۱۷۷-۸۷۷)، هفت اقلیم (۱۷۶/۳-۱۷۷).

وی: «دیوان» شعر، مشتمل بر دوازده هزار بیت. تذکره روز روشن (۹۴۰)، تذکره نصرآبادی (۳۹۵)، الذریعه (۱۳۰۷/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۱)، کاروان هند (۱۵۵۱/۲)، نتایج الافکار (۷۹۱).

یتیم یزدجردی - یتیم همدانی، ملا محمود.

یحیای ازبک - یحیای سبزواری.

یحیای سبزاری - یحیای سبزواری.

یحیای سبزواری، یحیی خان ازبک. (وف ۱۰۳۵ ق)، شاعر. مدتی منشی تورم خان ازبک بود و به همراه وی به شیراز و از آنجا به عراق رفت و در مکه سکونت یافت. یحیی خان در نظم توانا و در فن انشا ماهر بود. او در مکه درگذشت. لازم به ذکر است که سال مرگ صاحب عنوان را ۱۰۲۵ و ۱۰۳۰ ق نیز ذکر کرده‌اند. اشعاری از وی در تذکرها نقل شده است. از اوست:

مو به مو در ره شوقم به فغان هم نفس است
هر گره در رگ جان هست مرا یک جرس است

تذکره روز روشن (۹۴۱-۹۴۰)، تذکره نصرآبادی (۲۶۴-۲۶۵)، الذریعه (۱۳۰۹/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۱).

یحیای سیفی قزوینی، علاءالدین امیر یحیی، فرزند عبداللطیف حسنی. (۸۸۵-۹۶۲/۹۶۰ ق)، مورخ، نویسنده و شاعر. مشهور به یحیای معصوم. از سادات محتشم قزوین و از پیشوایان اهل تسنن و از رجال دربار صفویه بود. وی از علوم عقلی و نقلی بهره‌مند و در تاریخ نگاری ماهر بود. وی و خاندانش به علت تعصب در تسنن، نزد شاه طهماسب محبوبیتی نداشتند و به همین دلیل نیز میر یحیی اموالش را از دست داد و در زندان اصفهان درگذشت. لازم به ذکر است صاحبان «الذریعه» و «صبح گلشن» سال مرگ وی را ۹۰۱ ق ذکر کرده‌اند. از آثار وی: «لب التواریخ»، در تاریخ عمومی، به نام بهرام میرزا، فرزند شاه اسماعیل و مشتمل بر چهار قسمت: ۱- در بیان هدایت معصومین (ع) ۲- در ذکر پادشاهان قبل از اسلام ۳- در ذکر جمعی از حاکمان بعد از اسلام ۴- در ذکر پادشاهان خاندان صفویه؛ «مختصر التواریخ»، تکمیل کننده «لب التواریخ» و به نام شاه طهماسب. «لغت نامه» دو کتاب به نام «شرح کبیر» و «شرح صغیر» به او نسبت داده و آورده که دومی را در ۷۷۵ ق به پایان رسانیده است.

یحیای قمی، میر یحیی، فرزند میر هاشم موسوی. (س یازدهم ق)، شاعر. اصلش از قم است و در شعر طبعی خوش داشت. در «کاروان هند»، به نقل از «صبح صادق» آمده که صاحب عنوان از اکابر سادات عراق است که از وطن به هند رفته و سالها در دکن زندگی کرده و در عهد جهانگیر پادشاه گورکانی (۱۰۱۴-۱۰۳۷ ق) منصب دیوانی یافته است. عده‌ای یحیای قمی را همان یحیای کاشی دانسته‌اند و ماده تاریخ بنای شاه جهان آباد را به او نسب داده‌اند. از آثار وی: «دیوان» شعر.

تذکره نصرآبادی (۲۴۳، ۴۷۷)، الذریعه (۱۳۱۰/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۲)، کاروان هند (۱۵۵۱/۲-۱۵۵۲)، موادالتواریخ (۶۶۱-۶۶۲).

یحیای کاشی، میر یحیی، فرزند میر محمد جعفر شیرازی. (وف ۱۰۶۴ ق)، شاعر. اصلش از شیراز است و در کاشان به دنیا آمد. در زمان پادشاهی شاه جهان به دهلی رفت و در زمره مداحان وی قرار گرفت. وی ماده تاریخ (شد شاه جهان آباد از شاه جهان آباد = ۱۰۵۸) را در اتمام بنای عمارت شاه جهان آباد گفته است. به آورده تذکره «روز روشن»، به نقل از «آفتاب عالم‌تاب»، عده‌ای یحیای لاهیجی را همان یحیای کاشی دانسته‌اند. از اوست:

ساقیا تا بهار عمر به جاست
می‌بده، وقت توبه بسیار است

تذکره روز روشن (۹۴۴-۹۴۳)، سرو آزاد (۸۵-۸۶)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۲)، کاروان هند (۱۵۵۲/۲-۱۵۵۴)، نتایج الافکار (۷۸۸-۷۸۹).

یحیای گیلانی، مولانا یحیی جان، فرزند احمد طیب. (مقتول ۹۶۷ ق)، شاعر. پدرش از اطبای شاه اسماعیل اول بود. وی سالها منصب صدارت گیلان را به عهده داشت و پس از آن از جانب خان احمد خان به قزوین مأموریت یافت که در آنجا به قتل رسید. اشعارش در بعضی از تذکرها نقل شده است. از اوست:

عاشق آنست که غمگین زید و شاد بمیرد
تا دم مرگ بود بنده و آزاد بمیرد

الذریعه (۱۳۱۰/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۲)، نامها و نامداران گیلان (۶۱۷)، هفت اقلیم (۱۴۴/۳-۱۴۵).

یحیای لاهیجی - قاضی لاهیجانی گیلانی.

یحیی اول، (س سیزدهم ق)، سازنده ساز، از ارامنه اصفهان و در دوره ناصری به ساختن تار و سه تار معروف بود و چون بعد از او یحیای دیگری در ساخت تار شهرت پیدا کرد، او را یحیای اول (قدیم) می گویند. تاریخ موسیقی (۶۹۳/۲)، سرگذشت موسیقی (۱۶۹/۱).

یحیی بن ناصر، (ز ۷۶۵ ق)، خطاط. از آثار وی: یک قطعه از مرقع امیر غیب بیگ، ثلث و رقاع و دو دانگ جلی عالی، با رقم: «کتابه اقل خلق الله یحیی بن ناصر الحیی الجمالی فی محرم سنه خمس و ستین و سبع مائه». احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۳۴/۴).

یحیی حاتمی، (۱۲۴۷-۱۳۱۴ ش)، نوازنده معروف به قوام الدوله ای. وی برای آموختن تار نزد آقا حسینقلی رفت و به قدری در یادگیری این ساز مهارت نشان داد که در غیاب استاد به تعلیم شاگردان می پرداخت. حاتمی از پر کردن صفحه و نواختن در مجالس خودداری می کرد و فقط در جلسات و کنسرتهای انجمن اخوت با سایر نوازندگان همکاری داشت.

تاریخ موسیقی (۵۷۸/۲)، سرگذشت موسیقی (۱۳۹، ۸۷/۱)، مردان موسیقی (۲۳-۲۱/۲).

یحیی دوم، فرزند خاچیک، (س سیزدهم و چهاردهم ق)، سازنده ساز. وی برادرزاده هامبارسون بود. ابتدا در اصفهان نزد پدر به ساختن تار مشغول شد و بیشتر تارهای استاد فرج الله را سرمشق قرار می داد. سپس به قزوین رفت و از آنجا به تهران آمد و شاگردانی از جمله عباس صنعت و جعفر صنعت را تربیت کرد. آقا حسینقلی و میرزا عبدالله سالی یکبار نزد او می رفتند و تارهای ساخته او را برای خود و شاگردانشان انتخاب می کردند.

تاریخ موسیقی (۶۹۵، ۶۹۴/۲)، سرگذشت موسیقی (۱۷۱-۱۷۰/۱)، مردان موسیقی (۳۳۸/۲).

یحیی قزوینی، (س دهم ق)، نقاش. اهل قزوین بود. وی در وصال، رنگ آمیزی، ساختن کاغذهای ابری، تذهیب، جدول کشی و افشان مهارت داشت و در ایران نخستین کسی است که ابری را به روش محمد طاهر

ساخته است. از شاگردان معروف او تذهیبی اصفهانی است.

احوال و آثار نقاشان (۱۴۲۵-۱۴۲۶)، گلستان هنر (چهل و دو).

یدالله شیرازی، (ز ۱۲۹۰ ق)، نقاش و قلمدان ساز. اهل شیراز و قلمدان ساز دوره ناصری بود و در نقش گل و مرغ و چهره پردازی قلمی خوش داشت. نقش گلها در قلمدانهای او ریز و درشت و ایرانی - فرنگی است و شباهت زیادی به شیوه فتح الله شیرازی دارد. از آثار وی: قلمدان گل و مرغی که در روی آن و در بین سه مدالیون متنوع آن، تصاویری از پریرویان ایرانی و فرنگی ترسیم شده، با رقم: «یدالله شیرازی ۱۲۹۰». احوال و آثار نقاشان (۱۴۲۶/۳)، هنر قلمدان (۱۳۹).

یزدانی شیرازی، عبدالوهاب، فرزند محمد شفیع وصال، (۱۲۵۲-۱۳۲۸ ق)، خطاط، موسیقیدان، ادیب و شاعر، متخلص به یزدانی. ششمین فرزند وصال است. در شیراز به دنیا آمد. او در ادبیات، ریاضیات، نجوم و نظم و نثر عربی توانا بود، شعر می گفت و از موسیقی نیز بهره تمام داشت و ریاب را خوب می نواخت. یزدانی خط نستعلیق و شکسته را خوش می نوشت و از شیوه میرعماد پیروی می کرد و کتیبه های اطراف حرم شاهچراغ و برادرش سید میر محمد در شیراز و همچنین کتیبه های قسمتی از رواق مسطهر امام رضا (ع) به قلم اوست. عبدالوهاب در کهنه کردن کاغذ و مرکب دست داشت و فن نقاشی را خوب می دانست. یزدانی به همراه برادر خود، وقار، سفری به عتبات کرده و از آنجا به تهران آمده و سپس به زادگاه خود بازگشته است. او در شیراز درگذشت و در بقعه سید میر محمد، نزد برادرش، فرهنگ دفن شد. از آثار وی: کتابت و نقاشی «خسرو و شیرین» نظامی، که به امر ناصرالدین شاه انجام پذیرفته است؛ یک نسخه «دیوان» انوری، به قلم کتابت خوش، با رقم: «حرره العبد الاقل، عبدالوهاب بن وصال، طاب ثراه فی سنة ۱۲۷۵»؛ یک نسخه «مناجات» حضرت علی (ع)، به قلم دو دانگ خوش، با رقم: «نمقه ... عبدالوهاب المتخلص به یزدانی ابن مرحوم المغفور الوصال ... فی شهر شعبان المعظم ۱۲۸۲»؛ یک قطعه به قلم کتابت خفی خوش، با رقم: «یزدانی»؛ قطعه ای دیگر، به قلم کتابت خوش، با رقم: «یزدانی».

آثار عجم (۳۶۱-۳۶۲)، احوال و آثار خوشنویسان (۳۵۳-۳۵۲/۱)، احوال و آثار نقاشان (۴۱۹/۲-۴۲۰).

الکامل (۱۳۰/۸)، کشف الظنون (۵۶۲)، معجم المؤلفین (۲۰/۷)، هدیة المارین (۶۹۲/۱).

یزدی، سید علی اکبر بن میرزا محمد جعفر حسینی. (ز ۱۲۸۷ ق)، عالم دینی، مفسر، ادیب و لغوی. اصل وی از یزد و از دانشمندان سده سیزدهم هجری می باشد. صاحب عنوان در زمینه ادبیات، لغت و تفسیر قرآن دارای تصانیفی بوده است. از آثار او: «نخبة المیزان» یا «نخبة اللغات»، در لغت که در ۱۲۸۷ ق آن را تألیف نمود و در ۱۲۸۸ ق در تهران به چاپ رسید؛ تفسیر قرآن تا آخر «سورة نساء»؛ شرح «تهذیب المنطق»؛ شرح «خطبة الزهراء (ع)»؛ شرح «خطبة الشقشقیة». اعیان الشیعة (۱۷۱/۸)، الذریعة (۹۸/۲۴، ۹۹-۱۰۰)، معجم المؤلفین (۴۰/۷).

یزدی، سید محمد باقر بن زین العابدین بن حسین. (وف قبل از ۱۳۰۰ ق)، عالم دینی، فقیه و اصولی. اصل وی از یزد و در کربلا ساکن بود. او شاگرد سید ابراهیم قزوینی صاحب «ضوابط» و سید میرزا علی نقی طباطبایی و عده ای دیگر از علمای کربلا بود و از شیخ ابوتراب قزوینی مشهور به میرزا آقا و میرزا علی نقی طباطبایی و شیخ محمد حسین طالقانی قزوینی اجازه روایت داشت. او عالمی کثیرالتالیف بود و شیخ آقا بزرگ تهرانی در «طبقات اعلام الشیعة» به برخی از آنها اشاره نموده است. وی در کربلا درگذشت. از آثارش: «مصباح الانظار» یا «مصایح الانوار»، در شرح «نتایج الافکار» استادش، سید ابراهیم قزوینی؛ «مقالید الافهام»، در شرح «شرائع الاسلام»؛ «مقالید الاصول و موازین العقول»؛ «مخازن الاصول»؛ «القواعد الفقهیة»؛ «تذکره الالباب و انیس الطلاب»؛ «فرادیس الممتحنین»، در چندین مجلد که هر مجلد آن اسم خاصی دارد، از جمله: مجلد اول «فردوس الامامة»، دوم «فردوس القصص»، سوم «فردوس الغزوات» و...؛ «عدة الذاکرین»، در شرح چهل حدیث که در ۱۲۸۰ ق آن را تألیف نموده است.

اعیان الشیعة (۱۸۱/۹)، الذریعة (۱۳۶/۱، ۴۶۷/۲)، ۲۸/۴، ۱۹-۳/۴، ۱۶۵/۲۰، ۸۵-۸۴/۲۱، ۳-۲/۲۲، طبقات اعلام الشیعة (قرن ۱۳-۱۸۱/۱۸۲)، معجم المؤلفین (۸۸-۸۷/۹).

یزدی، سید محمد باقر بن سید مرتضی بن سید احمد طباطبایی. (وف ۱۲۳۹-۱۲۹۸ ق)، عالم دینی، فقیه، اصولی، محدث و ریاضیدان. وی از بزرگان فقه و اصولین

اطلس خط (۵۶۷)، حدیقة الشعراء (۲۱۱۳/۳-۲۱۱۶)، دانشمندان و سخن سرایان فارس (۸۸۸/۵-۸۹۲)، الذریعة (۱۳۱۱/۹)، ریحانة (۳۸۹-۳۸۷/۶)، طرائق الحقائق (۳۸۴/۲)، فارسنامه ناصری (۱۰۱۶-۱۰۱۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۳)، مرآت الفصاحه (۷۲۰-۷۲۴)، مکارم الآثار (۱۴۱۳-۱۴۱۲/۴).

یزدی، ابوالحسن علی بن احمد بن حسین ابن محمویه. (۴۷۳/۴۷۴-۵۵۱ ق)، فقیه شافعی، مقری و محدث. معروف به ابن محمویه. در یزد به دنیا آمد و ساکن بغداد بود. قرآن را در اصفهان بر ابوالفتح حداد و ابوسعید مطرز تلاوت نمود و حمزة بن قبیطی و عبدالعزیز بن ناقد و علی بن دباس بر وی تلاوت نمودند. او در بغداد، شهر دین، همدان، اصفهان، بصره، کوفه و مکه از حسین بن حسن بن جوانشیر و ابی المکارم محمد بن علی بن حسن فسوی مقری و محمد بن حسین بن بلوک صوفی و غیاث بن ابومضمر اصفهانی و محمد بن محمود ثقفی و ابن طیوری و ابن خشیش و ابوالحسن بن علاف و ابوالقاسم ربیعی و ناصر بن مهدی و احمد بن محمد بن مردویه و جماعتی دیگر حدیث شنید. وی «سنن» نسایی را از عبدالرحمن بن حمد استماع نمود. ابواحمد بن سکینه و ابن اخضر از وی روایت کرده اند. فقه را در واسط از ابوعلی فارقی و در بغداد از ابوبکر شاشی فراگرفت. وی صاحب تصانیفی در زمینه فقه و حدیث می باشد و در زهد نیز صاحب اثر است. در «طبقات الشافعیة» اسنوی تحت نام علی بن حسین بن احمد یزدی و در «شذرات الذهب» تحت عنوان یزدی آمده است.

انساب سمعانی (۶۹۰/۵)، سیر النبلاء (۳۳۶-۳۳۴/۲۰)، شذرات الذهب (۱۵۹/۴)، طبقات الشافعیة اسنوی (۳۱۹/۲)، طبقات الشافعیة سبکی (۲۱۱/۷)، المعبر (۱۵-۱۴/۳)، معجم المؤلفین (۱۴/۷)، النجوم الزاهرة (۳۱۰/۵)، هدیة المارین (۶۹۸/۱).

یزدی، ابوالقاسم بسری، علی بن احمد بن علی. (۳۸۶-۴۷۴ ق)، محدث و فقیه حنفی. مشهور به بندار. اصل وی از یزد بود، در بغداد ساکن گشت. از ابوطاهر مخلص و ابواحمد فرضی و ابوالحسن بن صلت حدیث شنید. همچنین از ابن بطه اجازه روایت حدیث دریافت کرد. ابوالفرج جوزی در «المنتظم» گوید عده ای از وی روایت کرده اند. او در بغداد درگذشت و در مقبرة جامع المدینة دفن شد. در «المنتظم» تولد وی ۳۸۰ ق ذکر شده است. از آثار او: شرح «الجامع الصغیر» شیبانی، در فروع فقه حنفی.

صغیر، به خاک سپرده شد. از آثارش: «الکلمة الباقية»، در اخلاق؛ «القسطاس المستقیم و المکیال القویم فی علم المیزان»، تعلیقه‌ای است بر حاشیه ملا عبدالله بر «تهذیب المنطق»، که در «معجم رجال... النجف» تحت عنوان «القسطاس المستقیم» آمده است؛ «الفلک المشحون»، در اصول فقه؛ «مقالید الاحکام»، در فقه.

اعیان الشیعه (۲۳۳/۹-۲۳۴)، الذریعه (۳۱۲/۱۶، ۱۷/۷۹-۷۸، ۱۸/۱۲۱-۱۲۲، ۱/۲۲)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳-۳۷۸/۲۷۹)، فوائد الرضویه (۵۲۹)، معجم رجال نجف (۱۰۴/۱)، معجم المؤلفین (۲۵۲/۹)، مکارم الآثار (۲۰۲۸/۶).

یزدی، شیخ محمد باقر بن محمد حسین بفرویی. (وف بعد از ۱۲۵۱ ق)، عالم دینی و نحوی. اصل وی از بفرویه از قرای یزد بود. از فقها و دانشمندان شیعه در سده سیزدهم می‌باشد که تصانیفی در ادبیات عرب و فقه و اصول از وی بجای مانده است. در «اعیان الشیعه» تحت نام محمد باقر بن محمد حسین بصروی یزدی آمده است که به احتمال زیاد اشتباه در کتابت بفرویی می‌باشد. از آثارش: شرح «الفیه» ابن مالک، در نحو؛ «الرسالة الاستصحابیة»؛ «الرسالة الاجماعیة» یا «الرسالة الاجتماعية»، که در ۱۲۵۱ ق آن را تألیف نموده است.

اعیان الشیعه (۱۸۷/۹)، الذریعه (۳۳-۳۲/۱۱، ۶۵)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/۱۷۸)، معجم المؤلفین (۹۳/۹).

یزدی، شیخ محمد تقی، فرزند شیخ محمد باقر. (س سیزدهم ق)، عالم دینی، فقیه و اصولی. اصل وی از یزد بود. در فقه و اصول تبحر داشت و از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و از ملازمان او در نجف بود. از آثارش: «مجموعه الهدایة»، در سه بخش شامل: اصول الدین، فروع منطبق بر فتاوی شیخ انصاری و معاصی صغیره و کبیره که در ۱۲۷۷ ق در یزد به چاپ رسید. به گفته شیخ آقا بزرگ تهرانی احتمالاً صاحب عنوان بعد از این تاریخ درگذشته است.

الذریعه (۱۰۹/۲۰)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/۲۱۰)، معجم المؤلفین (۱۳۴/۹).

یزدی، شیخ ملا حسن بن علی کشنوی. (وف ۱۲۹۷ ق)، عالم امامی و واعظ. اصلاً اهل یزد و ساکن کربلا بود. شیخ آقا بزرگ تهرانی در «طبقات اعلام الشیعه» وی را عالمی جلیل و از علمای کربلا می‌داند. صاحب عنوان امام

بود و در صرف و نحو و ادبیات عرب از اساتید این فن محسوب می‌شد و در ریاضیات و فنون مربوط به آن مهارت داشت. همچنین در خطابه و وعظ نیز او را دارای مرتبه‌ای بلند دانسته‌اند. مقدمات را در کرمان و یزد و مشهد فراگرفت. سپس برای تکمیل علوم به نجف رفت و در محضر شیخ مرتضی انصاری و سید حسین کوه کمری و ملا محمد علی محلاتی و شیخ مهدی کجوری و شیخ زین العابدین مازندرانی تلمذ نمود. آن گاه خود به بحث و تدریس و تصنیف پرداخت. وی مدتی در سامرا بعد از نماز میرزای بزرگ شیرازی به منبر می‌رفت و مجلس وعظش مورد توجه همه اقدار مردم حتی علما و فضلاء آن سامان بود. او به هند و ایران مسافرت کرد، سپس به نجف بازگشت. در اواخر عمر در کربلا مجاور شد و همان جا درگذشت و در ایوان طلا در صحن امام حسین (ع) به خاک سپرده شد. از آثارش: «وسيلة الوسائل»، در شرح «رسائل» شیخ انصاری؛ «لوائح اللوحین فی شرح خصائص الحسین (ع) و اسرار شهادته»؛ «نفائس الفنون»، در رمل که به آن «نفائس الرمل» نیز گفته شده است؛ «نفحات الاسرار»، در رمل؛ «حل العقول» که به آن «الحل والعقد» یا «العقد والحل» یا «حل مشکلات الاصول» نیز گفته شده است؛ «هدایة الانام»؛ «یتایع الحکمة»، در شرح «مشاعر» ملا صدرا.

اعیان الشیعه (۱۸۶/۹)، الذریعه (۷۲/۷، ۳۰۰/۱۵، ۱۶/۴۰۰-۴۰۱، ۲۵/۹۲، ۱۷۲، ۲۸۸، ۱۸/۳۷۵، ۲۲/۲۴، ۲۴/۲۴۱)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/۱۹۱-۱۹۲)، معجم رجال نجف (۱۳۶۲/۳-۱۳۶۳)، معجم المؤلفین (۹۶/۹).

یزدی، شیخ آقا محمد حسین، فرزند آقا محمد اسماعیل بن محمد مهدی اردستانی. (وف ۱۲۷۳/۱۲۷۲ ق)، عالم دینی، فقیه، مجتهد و مدرس. معروف به پاشنه طلایی. در یزد به دنیا آمد و در این شهر نشو و نما یافت. او نزد برادرش آقا محمد مهدی مقدمات را فراگرفت. سپس به اصفهان مهاجرت کرد و نزد حاج محمد ابراهیم کرباسی صاحب «اشارات» تلمذ نمود. آن گاه برای تکمیل معلومات به عراق رفت و در نجف از محضر علمای بزرگ مانند شیخ محمد حسن صاحب «جواهر» و شیخ مرتضی انصاری و شیخ راضی نجفی بهره‌مند گشت و به مرتبه والایی رسید. سپس در کربلا مقیم شد و به تربیت شاگردان و تدریس و انجام امور مذهبی پرداخت. سید هاشم قزوینی حایری و شیخ علی بفرویی از شاگردان او بودند. وی در کربلا درگذشت و در مقبره رکن الدوله، در صحن

محمد مهدی الیزدی؛ اسطرلابی که با جواهرات گوناگون ترصیع شده و به شاه عباس هدیه شده است؛ اسطرلابی که دستگیره دماغه آن، به نقوش کنده کاری اسلیمی ترتیب یافته و خطوط رویه آن با خط نسخ و رقاع کتابت شده، با رقم: «محمد مهدی بن محمد امین الیزدی». احوال و آثار نقاشان (۱۰۸۹/۳).

یزدی، نجم الدین آخوند ملا عبدالله بن شهاب الدین حسین شاه آبادی. (وف ۹۸۱ ق)، عالم دینی، فقیه و منطقی. جامع معقول و منقول بود. وی همدرس ملا احمد مقدس اردبیلی و ملا میرزا جان باغنوی شیرازی بود و در فراگیری علوم عقلی نزد ملا جمال الدین محمود، شاگرد علامه دوانسی، تلمذ نمود. شیخ حسن بن شهید ثانی، صاحب «معالم»، و سید محمد بن ابی الحسن عاملی، صاحب «مدارک»، بر او قرائت کرده‌اند. او نیز به نوبه خود نزد ایشان علوم شرعیه را فرا گرفته است. در «هفت اقلیم» از خود وی نقل شده که گفته است اگر برهان و دلایل عقلی بر مسائل فقهی بیاورم علم فقه را چنان مدلل سازم که مجال چون و چرا نماند. وی صاحب حاشیه معروف بر «تهذیب المنطق» تفتازانی مشهور به «حاشیه ملا عبدالله» و از اساتید شیخ بهایی می‌باشد. اصحاب تراجم مراتب علم، تقوی، زهد و ورع او را ستوده‌اند. در اواخر دولت شاه طهماسب صفوی در عراق عرب درگذشت. در «الاعلام» و «معجم المؤلفین» وفات وی ۱۰۱۵ ق در اصفهان ذکر شده است. از دیگر آثار او: «التجارة الرابعة فی تفسیر السورة و الفاتحة»؛ «الدرة السنية فی شرح الرسالة الالفية» که شرح «الفیه» شهید اول است؛ حاشیه بر «حاشیه خطائی»؛ حاشیه بر «شرح شمسیه» قطبی؛ حاشیه بر «استبصار»؛ شرح «القواعد» در فقه؛ حاشیه بر «مطول»؛ شرح «العجالة» محقق دوانی.

الاعلام (۲۰۹/۴)، الذریعه (۳۴۸/۳)، ۷۱، ۷۲-۷۳، ۲۰۳، ۳۶۸-۳۶۷/۱۳، روایات الجنات (۲۲۴-۲۲۲/۴)، ریحانه (۳۹۱-۳۹۰/۶)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۵/۱۰)، فوائد الرضویه (۲۴۹)، کشف الظنون (۴۷۶)، معجم المؤلفین (۴۹/۶)، هدیة المارفین (۴۷۴-۴۷۳/۱)، هفت اقلیم (۱۵۵/۱).

یزدی خراسانی، شیخ ملا عبدالخالق بن عبدالرحیم/عبدالله. (وف ۱۲۶۸ ق)، عالم دینی، واعظ و مدرس. وی در ابتدا از شاگردان شیخ احمد احسائی بود. فقه و اصول را در محضر شریف‌العلما مازندرانی فرا گرفت. سپس به یزد بازگشت و از آنجا به مشهد رفت. او از بزرگان علما و از

جماعت مدرسه حسن خان در کربلا بود و در این شهر درگذشت. از آثار او: «انوار الشهادة»، مقتل به فارسی؛ «انوار الهدایة و سراج الامة»، در مواظ و اخلاق؛ «موائد الفوائد»؛ رساله‌ای در «عصمت»؛ رساله «حقوق آل محمد (ع) علی سائر العباد»؛ «میزان الحق» یا رساله «الرد علی العامة و ابطال خلافة المتقدمین»؛ «هدایة الاسماء فی بیان کتب العلماء» یا «فهرست کتب الامة».

الاعلام (۲۲۴/۲)، اعیان الشیعه (۲۱۷/۵)، الذریعه (۲۳۰/۲)، ۴۴۶، ۴۴۷-۴۴۸، ۴۲۷/۷، ۲۱۱/۱۰، ۲۷۲/۱۵، ۳۹۰/۱۶، ۲۱۵/۲۳، ۲۹۹، ۳۰۹، ۱۶۹/۲۵، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳۴۲/۱۳)، معجم المؤلفین (۲۶۵/۳).

یزدی، محمد اشرف، فرزند محمد تقی. (ز ۱۱۰۲ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه تفسیر «مجمع البیان» وزیری، نسخ خفی نزدیک به غبار خوش، با رقمهای: «فرغ من کتابه العبد الاضعف محمد اشرف الیزدی، يوم الاربعاء الثمانية عشر من شهر صفر سنة تسع و تسعين بعد الالف» و «... فرغ من نساخته افقر عبادة الله و احوجهم... فی شهر جمیدی الاولی سنة اثنین و مائة بعد الالف... و انا العبد الاضعف ابن محمد تقی الیزدی محمد اشرف». احوال و آثار خوشنویسان (۱۱۴۵/۴).

یزدی، محمد مقیم. (ز ۱۰۵۷ ق)، حکاک فلزات. او نگارگری استاد و هنرمندی نازک قلم به شمار می‌آمد که در تصویر و ترسیم نقوش هندسی بر روی فلزات قوی دست و پیر مهارت بود. وی پیچش و تزیینات دقیق دوایر و هلالی‌های صفحات اسطرلاب را به زیبایی می‌ساخت. از آثار وی: اسطرلاب نفیسی که جهت شاه عباس ثانی تهیه کرده، با رقم: «قد امر السلطان... ابوالمظفر شاه عباس الثاني... و قد صنعه محمد مقیم یزدی فی سنة غز الهجرية ۱۰۵۷»؛ اسطرلاب کوچک و کم کاری که رقم محمد مقیم یزدی را دارد و سال اجرای آن ۱۰۵۲ ق می‌باشد. احوال و آثار نقاشان (۱۰۸۶/۳).

یزدی، محمد مهدی، فرزند محمد امین. (س یازدهم ق)، خطاط. اهل یزد و نقاشی ماهر بر روی فلزات سخت، بویژه اسطرلاب بود. او از شاگردان محمد مقیم یزدی، طراح و نقاش و سازنده اسطرلاب‌ها، به شمار می‌آمد. از آثار وی: اسطرلابی زیبا، با رقم: «نقشه محمد مهدی الیزدی»؛ اسطرلابی که در بالای آن به خط عالی نوشته شده: «نقشه محمد مقیم الیزدی عفی عنه» و در زیر آن بین ترنج کوچکی، رقم نهاده: «نمقه محتاج الی الله الغنی

المضیئة»؛ «المعضلات»؛ «خزائن الانوار»؛ «الحجج»؛
«الحقائق»؛ تفسیر «سورة الفجر»؛ «مغناطیس الابرار».
اعیان الشیعه (۵۰۵/۲)، الذریعه (۱۱/۳)، ۳۹، ۳۴۱/۴، ۷/۱۵۳،
۲۲۹/۱۲، ۲۳۵/۱۴، ۲۶۶/۲۱، ۳۵۲/۲۴، طبقات
اعلام الشیعه (قرن ۱۴/۹۵-۹۶)، معجم المؤلفین
(۱۹۸/۱).

یشکری، ابوالعباس احمد بن منصور دینوری. (وف ح ۳۷۰ ق)، محدث. اصل وی از دینور از توابع کرمانشاه بود. در بغداد ساکن گشت و در آنجا از ابی بکر بن ابی داود سجستانی و سلیمان بن عیسی جوهری و ابی بکر بن درید و ابراهیم بن محمد بن عرقه نفطویه و ابی بکر بن انباری و محمد بن یحیی صولی حدیث شنید. امیر ابو محمد حسن بن عیسی بن مقتدر بالله و عده ای دیگر از وی روایت کرده اند. وی مربی امیر ابی محمد حسن بن عیسی بن مقتدر بالله بود. از آثارش جزوه هایی است که به «یشکریات» معروف است.

تاریخ بغداد (۱۵۴-۱۵۵)، شذرات الذهب (۷۱/۳)، معجم المؤلفین (۱۸۳/۲).

یعقوب اردبیلی. (س دهم و یازدهم ق)، شاعر به آورده امین احمد رازی (ز ۱۰۰۲ ق) وی مردی دانشمند بوده و در ضمن آداب سپاهی گری را خوب می دانسته و به چند زبان از جمله فارسی، ترکی و کردی شعر می سرود. از آثار وی: «دیوان» شعر.

تاریخ نظم و نثر (۷۰۷)، تذکره شعرای آذربایجان (۱۴۸-۱۴۹)، دانشمندان آذربایجان (۴۰۱)، الذریعه (۱۳۱۱/۹)، سخنوران آذربایجان (۱۰۵)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۴)، هفت اقلیم (۲۵۸-۲۵۷/۳).

یعقوب بیگ آق قویونلو، فرزند اوزون حسن. (مقتول ۸۹۶ ق)، شاعر. او از حکمرانان سلسله ترکمان آق قویونلو (۷۸۰-۹۰۸ ق) بود، که در نواحی غربی و جنوبی ایران حکومت می کرد. وی بعد از غلبه بر برادرش، سلطان خلیل ترکمان، و قتل او به تبریز رفت و به امارت نشست. وی پادشاهی دانش دوست و هنر پرور بود و عده کثیری از دانشمندان و سخن سرایان از پادشاهی او برخوردار می شدند و دربارش مجمع بزرگان عصر بود. یعقوب بیگ شعر فارسی را استادانه می سرود و با سلطان حسین بایقرا (۸۷۳-۹۱۱ ق) مشاعرات و مراسلات بسیاری داشت. او پس از حدود سیزده سال حکومت درگذشت. به آورده برخی منابع وی توسط همسرش با زهر مسموم شد. از آثار

مدرسین مشهور مشهد بود، در توحید خانه حرم رضوی تدریس می کرد و علما و فضلا در مجلس درسش شرکت می جستند. شیخ آقابزرگ تهرانی در «طبقات اعلام الشیعه» تألیفات او را دلیل بر وسعت اطلاعات و کثرت دانش وی می داند. ظاهراً صاحب عنوان متأثر از عقاید شیخ احمد احسائی بوده، چنانکه در «مطلع الشمس» آمده: «ما بین او که بر مسلک شیخیه می رفت با علماء مشهد مجالس مناظرت مکرر منعقد شد.» او در مشهد درگذشت و همان جا دفن شد. از آثار او: «مصائب الائمة» معروف به «مصائب المعصومین»؛ «بیت الاحزان»؛ «معین الطالبین»؛ «معین المجتهدین» در اصول فقه؛ رساله «صلاة الجمعة»؛ «مناقب المعصومین»؛ رساله «علم الماسة».

ایضاح المکتون (۵۱۸، ۴۹۱/۲)، الذریعه (۱۸۵/۳)، ۱۵/۷۳، ۷۳/۲۱، ۲۸۵، ۲۸۷، ۲۳۴/۲۲، ۳۳۵، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۳/۷۲۳)، فوائد الرضویه (۲۲۶)، مطلع الشمس (۳۹۹)، معجم المؤلفین (۱۱۰/۵)، هدیة العارفین (۵۱۰/۱).

یزدی زاده، محمود. (۱۲۹۴-۱۳۷۲ ش)، محقق و استاد دانشگاه. تحصیلات خود را در ۱۳۰۷ ش در دارالفنون به پایان رساند و در همان سال از طرف دولت جهت گذراندن دوره دانشکده دامپزشکی به پاریس رفت و سپس با درجه دکتری به ایران آمد و مأمور تشکیلات دامپزشکی خراسان شد. وی همچنین در دانشکده دامپزشکی، بهداشت اندام شناسی و دامپروری تدریس می کرد. از آثار وی: «اندام شناسی اسب»؛ «اصلاح گاو بوسیله انتخاب و تلقیح مصنوعی»؛ «پرورش گوسفند یا دامپروری»؛ «پرورش گاوهای شیری».

فهرست کتابهای چاپی فارسی (۲۴۴/۱)، ۳۵۳، ۶۰۰، مؤلفین کتب چاپی (۱۱۱/۶-۱۱۲).

یزدی مشهدی، شیخ ملا احمد بن حسن. (وف ح ۱۳۱۰ ق)، عالم دینی و خطیب. او از ائمه جماعت و اهل منبر در مشهد بود. کتاب «بحار الانوار» را به خط خود نوشت و آن را وقف کتابخانه آستان قدس رضوی نمود. از طرف آیت الله سید محمود تبریزی مرعشی، پدر آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی، هنگام تشرف به آستانه مقدسه حضرت رضا (ع) به جهت صاحب عنوان اجازه ای صادر شده است. در مشهد درگذشت. از آثار او: «نوامیس العجب»، در شرح زیارت رجب؛ «نوامیس العرفان»، در شرح صلوات شعبان؛ «الباقیات الصالحات»؛ «بحر الدموع»، مقتل فارسی؛ «سما الغزوات»؛ «الشموس

ریاضیدانان مشهور عهد خویش بود. وی را استاد شرف الدین علی یزدی (م ۸۳۰/۸۵۰ ق) می‌دانند. شرف الدین نیز در کتاب «کنه المراد فی علم الوقف والاعداد» خود از او نام برده و در اثنا بسیاری از مرعاتی که برای استخراج عدد مطلوب ذکر کرده جمله (عمل جلال الدین یعقوب بن محمد) را آورده است. بعضی از تذکرها کتابی به نام «کنه المراد» و خلاصه آن در وفق اعداد را، در سه لوح و مقدمه و خاتمه، به وی نسبت می‌دهند. در «تاریخ نظم و نثر» آمده که وی کتابی به نام «کنه المراد فی وفق الاعداد» تألیف کرده و سپس «رساله حساب» خود را، به فارسی، از آن استنباط نموده است. صاحب «تاریخ ادبیات در ایران» نیز آورده که یعقوب طاووسی درباره «حساب العقود» کتاب فارسی مشروحی در یک مقدمه و سه لوح و یک خاتمه تألیف کرده است.

تاریخ ادبیات در ایران (۱۰۷/۴)، تاریخ نظم و نثر (۲۶۹)، الذریعه (۱۷۶/۱۸-۱۷۷)، طبقات اعلام الشیعه (قرن ۱۵۱/۹-۱۵۲)، کشف الظنون (۱۵۲۱)، لغت نامه (ذیل/یعقوب).

یعقوبی ساوجی، شیخ نجم الدین/شیخ نجم. (س نهم و دهم ق)، شاعر، متخلص به یعقوبی. اصلش از ساوه و با قاضی مسیح الدین عیسی خوشاوند بود. او در خدمت سلطان حسن بیگ ترکمان و فرزند او، سلطان یعقوب، بود تا آنکه به سمت خزانه‌داری و وزارت رسید. وی پس از مرگ سلطان یعقوب (م ۸۹۶ ق) گوشه نشینی اختیار کرد و سرانجام در شیروان توسط عده‌ای از امرا به قتل رسید. از آثارش: «دیوان» شعر.

آتشکده آذر (۱۱۴۸/۳)، تاریخ نظم و نثر (۷۰۹)، تحفه سامی (۱۱۹-۱۱۸)، حبیب السیر (۴۳۱/۴)، ۴۳۲، ۴۳۶، ۴۳۸، الذریعه (۵۶۵/۹)، ۱۱۷۵، ۱۳۱۲، صبح گلشن (۶۱۵)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۴)، لغت نامه (ذیل/یعقوب ساوجی)، مجالس النفاثات (۱۱۹، ۲۹۵-۲۹۶).

یغما جندقی، رحیم/ابوالحسن، فرزند ابراهیم قلی. (۱۱۹۶-۱۲۷۶ ق)، خطاط و شاعر، متخلص به یغما. در خور، از توابع جندق و بیابانک، به دنیا آمد. نام اول وی رحیم بود و بعد از اینکه نزد معلمان دستگاه امیر اسماعیل خان علوم مقدماتی را آموخت، به ابوالحسن تغییر نام داد و تخلص شعری‌اش را مجنون انتخاب کرد و سمت منشی گری خان عامری و بعدها منشی گری سردار ذوالفقارخان را به خود اختصاص داد. وی به علت حسادت برخی افراد مورد خشم قرار گرفت و به اجبار در حضرت شاه

وی: «دیوان» شعر. مؤلف «لغت نامه» به نقل از محمد بن موسی ثالثی، شرح «حکمة العین» را به وی نسبت داده است.

آتشکده آذر (۱۰۰/۱)، تاریخ ادبیات در ایران (۱۷-۱۶/۴)، تاریخ نظم و نثر (۷۹۳)، تحفه سامی (۲۵-۲۳)، تذکره روز روشن (۹۴۵)، دانشمندان آذربایجان (۴۰۲)، دایرة المعارف فارسی (۳۳۶۰/۲)، الذریعه (۱۳۱۱/۹، ۱۳۱۲)، طبقات سلاطین اسلام (۲۲۷)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۴-۱۰۱۳)، لغت نامه (ذیل/یعقوب بیگ)، مجالس النفاثات (صفحات متعدد).

یعقوب چرخ‌ی نقشبندی، مولانا یعقوب، فرزند عثمان غزنوی. (وف ۸۵۱ ق)، صوفی، نویسنده و شاعر. معروف به یعقوب چرخ‌ی نقشبندی. در روستای چرخ، از توابع غزنین، به دنیا آمد. وی از علوم ظاهری و باطنی بهره‌مند بود و مدتی در هرات و مصر به تحصیل علوم پرداخت و از محضر علمای آنجا استفاده نمود. مولانا یعقوب از اصحاب خواجه بهاء الدین و خواجه علاء الدین عطار بود و از شاگردان وی می‌توان به خواجه ناصرالدین عبیدالله اشاره کرد. وی شعر نیز می‌سروده و اشعارش در بعضی از تذکرها نقل شده است. به آورده «تاریخ نظم و نثر»، صاحب عنوان چندی در شیراز ساکن بود و تفسیری بنام «تفسیر یعقوب چرخ‌ی» دارد. عبیدالله احرار، عارف مشهور، خلیفه و جانشین او بود. در حصار شادمان درگذشت. از آثار وی: «رساله الانسیه»، به فارسی، در کلمات بهاء الدین نقشبند: تفسیر «فاتحة الکتاب»، به فارسی.

تاریخ نظم و نثر (۲۶۴-۲۶۵)، الذریعه (۱۳۱۲/۹)، رشحات عین الحیات (۱۱۶/۱-۱۲۱)، ۴۲۸-۴۳۲، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۴)، لغت نامه (ذیل/یعقوب)، نضات الانس (۴۰۴-۴۰۲)، هفت اقلیم (۳۳۴-۳۳۳/۱).

یعقوب زنگنه. (ز ۱۲۹۸ ق)، نقاش. وی در رشته رنگ و روغن و شبیه سازی دست داشت. از آثار او: چهره یک مرد قاجاری که گویا شبیه سازی شده، با رقم: «یعقوب زنگنه ۱۲۹۸».

احوال و آثار نقاشان (۱۴۲۷/۳).

یعقوب ساوجی ← یعقوبی ساوجی.

یعقوب طاووسی، جلال الدین یعقوب بن محمد بن علی. (س نهم ق)، عالم و ریاضیدان. از دانشمندان و

عبدالعظیم شهر ری معتکف شد و تخلص خود را به یغما تغییر داد. یغما در قم به اتفاق میرزا محمد علی مازندرانی و میرزا ملک الکتاب، داماد قائم مقام، انجمنی به نام انجمن مفاکله تشکیل دادند که پس از مدتی انجمن منحل شد و یغما به مشهد رفت و در مدرسه علمیه میرزا جعفر ساکن شد. وی پس از چندی به اصرار حاجی میرزا آقاسی، صدراعظم محمد شاه، به وزارت حکومت کاشان منصوب شد و مدتها با حاج ملا احمد نراقی، صاحب «معراج السعاده»، دوستی و معاشرت داشت. وی به تصوف گرایش داشت، ولی گویند بعدها با خواندن کتاب «ارشاد العوام» حاج محمد کریم خان کرمانی، و همچنین به تشویق فرزند خود اسماعیل، متخلص به هنر، در سلک پیروان شیخیه درآمد. یغما به اصرار فرزندانش به زادگاهش بازگشت و در آنجا نیز درگذشت و در بقعه امامزاده داود دفن شد. از تألیفات وی: «منشآت»، به نثر، شامل مکتوبات فارسی؛ «غزلیات»؛ «هجویات» مانند: «سرداریه»، «قصایه»، «احمد»، «خلاصة الافتضاح»، «شکوک الدلیل» یا «شکوک الدلیل» و مثنوی «قاضی نامه»؛ «مراثی»؛ «ترجیعات»؛ «قطعات»؛ «رباعیات». از آثار خطی او: «برهان قاطع»؛ «المعجم فی معاییر اشعار المعجم»؛ «دیوان» ظهور فارابی؛ «کلیات» سعدی؛ «خمسه» نظامی؛ «مقامات» حمیدی؛ «دیوان» کمال الدین و جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی.

احوال و آثار خوشنویسان (۹۷۱/۳)، ارمغان (س ۵، ش ۹ و ۱۰، ص ۴۸۵-۵۰۱، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۶۳۶-۶۴۲)، از صبا تا نیما (۱۲۷-۱۰۹/۱)، تاریخ ادبیات ایران، براون (۲۲۲-۲۱۷/۴)، تاریخ قومس (۵۰۴-۴۹۷)، تذکره سخنوران یزد (۳۶۰-۳۵۶)، چهارصد شاعر برگزیده پارسیگوی (۱۱۹۷-۱۱۹۶)، حدیقه الشعراء (۲۱۲۱/۳-۲۱۲۷)، دایرة المعارف فارسی (۳۳۶۱/۲)، الذریعه (۱۳۱۴-۱۳۱۳/۹)، ریحانه (۳۹۸/۴-۳۹۹)، سخنوران نسامی معاصر (۳۹۷۶-۳۹۷۲/۶)، سفینه المحمود (۲۶۷-۲۶۴/۱)، شرح حال رجال (۹/۵-۱۱)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۵۹۷/۱، ۱۵۵۸/۲-۱۹۵۹)، لغت نامه (ذیل/یغما)، مجمع الفصحا (۱۲۰۸-۱۲۰۴/۶)، مجموعه آثار یغمای جندقی (مقدمه جلد یک و دو)، مصطفی خراب (۲۲۱-۲۱۸)، مؤلفین کتب چاپی (۱۶۹/۱-۱۷۰)، نگارستان دارا (۲۸۱-۲۸۰)، یادگار (س ۵، ش ۱ و ۲، ص ۱۴۱-۱۴۲)، یغما (س ۱، ش ۱، ص ۱۱۷-۱۱۲).

یغمایی، اقبال، فرزند اسدالله مستخب السادات، (۱۲۹۵-۱۳۷۶ ش)، روزنامه نگار، نویسنده، مترجم و

مصحح. در روستای مسکین خور و بیابانک به دنیا آمد. وی برادر حبیب یغمایی، صاحب مجله «یغما»، بود. اقبال پس از اتمام تحصیلات مقدماتی به تهران آمد و تحصیلات ابتدایی را در مدارس تهران و متوسطه را در مدرسه دارالفنون به پایان رساند. او سپس وارد دانشسرای مقدماتی شد و بعد از پایان تحصیلات دانشسرای عالی به شاهرود رفت و در ضمن تدریس ریاست دبیرستان ایران شهر آنجا را نیز به عهده گرفت. یغمایی در ۱۳۲۴ ش به تهران بازگشت و در وزارت فرهنگ و هنر مشغول خدمت شد و از ۱۳۲۷ ش در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به مدت سه سال به تدریس پرداخت. وی مدتی سرپرستی مجله «آموزش و پرورش» را به عهده گرفت و بعد از چندی خود مستقلاً اقدام به نشر مجله «دانش آموز» نمود. یغمایی مدت طولانی با بنیاد فرهنگ ایران به سرپرستی دکتر پرویز خانلری و اداره نگارش وزارت فرهنگ و هنر همکاری داشت. او در تهران درگذشت و در قطعه هنرمندان بهشت زهرا به خاک سپرده شد. از دیگر آثار وی: «طرفه‌ها»، سه مجلد؛ «داستان پیامبران»؛ «مدرسه دارالفنون»؛ «شهید راه آزادی»؛ «سرگذشت سید جمال الدین اصفهانی پدر محمد علی جمال زاده»؛ «جغرافیای تاریخی دامغان»؛ «داستانهای عاشقانه ادبیات فارسی»؛ «داستانهای عیاری و پهلوانی در ادبیات فارسی»؛ «تصحیح حماسه ابومسلم نامه»؛ «تصحیح هوسنامه خسرو و شیرین»؛ «سفرنامه شاردن»؛ «ترجمه پتی شز»؛ «ترجمه رایینسون کروژونه»؛ «ترجمه تشبیهات شاعرانه»؛ شعر.

فهرست کتابهای چاپی فارسی (۵۰۴/۱، ۵۸۸، ۸۹۷، ۱۰۳۴، ۱۶۷۷/۲، ۱۷۲۳، ۲۳۰۹)، کلک (س ۸، ش ۸۹-۹۳، ص ۸۰۸-۸۱۱)، مدرسه دارالفنون (پشت جلد)، مؤلفین کتب چاپی (۶۴۲/۱).

یغمایی، حبیب - حبیب یغمایی.

یقین کاشانی، جلال/جلالای شعراف. (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به یقین. وی با سرودن شعر گذران زندگی می‌کرد و اشعاری از او در تذکره‌ها آمده است. از اوست:

رفت از برم چنانکه به گردش نمی‌رسم
کی عمر رفته را به دویدن توان گرفت
الذریعه (۱۳۱۴/۹)، صبح گلشن (۶۱۶)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۵)، لغت نامه (ذیل/یقین کاشانی).

یقینی شروانی. (س دهم ق)، شاعر. اصلش شروانی

یکه سوار کاشانی ← مؤمن کاشانی، ملا مؤمن.

یگانه، اسماعیل ← عامی.

یمین فریومدی، امیر یمین الدین طغرایسی. (وف ۷۲۴ ق)، شاعر. مشهور به طغرایسی. اصلش ترک و پدر ابن یمین است. وی در زمان محمد خدابنده (۷۰۳-۷۱۶ ق)، در فریومد ساکن و مورد توجه علاءالدین محمد فریومدی، صاحب دیوان و وزیر خراسان، بود. او با فرزندش مکاتبات و مراسلات و مشاعراتی داشته است که مشهور است. وی در قصبه فریومد درگذشت و همانجا به خاک سپرده شد. از آثار وی: «دیوان» شعر. لازم به ذکر است صاحب «ریحانة الادب» کتابهای زیر را به او نسبت می‌دهد: «انشاء طغری»، به نام مجموعه منشیات؛ «انوار المبارک»؛ «چشمه فائز»؛ «کلیات طغری»، مجموعه اشعار؛ «مجموعه الغرائب»؛ «المرآت المفتوحة». مؤلف تذکره «روز روشن» کتاب «تاریخ یمینی» را که متضمن وقایع حکومت سلطان محمود غزنوی است، از آن وی می‌داند.

تاریخ ادبیات در ایران (۹۵۱/۳-۹۵۲)، تذکره روز روشن (۹۴۹-۹۵۰)، تذکره الشعراء (۳۰۹-۳۰۶)، الذریعه (۹/۱۰۱۶-۱۰۱۷)، مجالس المؤمنین (۶۷۱/۲-۶۷۲)، هفت اقلیم (۲۸۵/۲).

یمینی سمنانی. (وف ۹۸۱ ق)، شاعر. معروف به مولانا یمینی شمشیرگر. اصل وی از شیراز و از شاعران عهد شاه طهماسب صفوی است. وی در سمنان به شمشیر سازی مشغول بود. اشعاری از او در تذکرها نقل شده است. از اوست:

هزار پاره اگر دل به تیغ یار شود

بیار میل دل ما، یکی هزار شود

آتشکده آذر (۴۱۷-۴۱۳/۱)، تحفه سامی (۳۲۲-۳۲۱)، تذکره روز روشن (۹۵۱)، الذریعه (۱۳۱۷-۱۳۱۶/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۷)، لغت نامه (ذیل/یمینی سمنانی)، مجمع الخواص (۱۸۵)، نتایج الافکار (۷۹۲-۷۹۱).

یمینی شریف، عباس. (۱۳۶۸-۱۲۹۸ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر. در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان انتصاریه و شاهپور تجریش و دوره متوسطه را در دارالفنون و دانشسرای مقدماتی به پایان

بود و در شیراز سکونت داشت. وی با سام میرزا (م ۹۷۴/۹۷۵ ق)، صاحب «تحفه سامی»، معاصر بود. صاحب «الذریعه» نام وی را به صورت یقینی شیروانی ذکر کرده است. از آثار وی «دیوان» شعر می‌باشد. از اوست:

سر به پیرانه سر افشانند یقینی در عشق

زانکه در عشق تو دارد سر پر افشانی

تحفه سامی (۳۲۶)، دانشمندان آذربایجان (۴۰۳)، الذریعه (۱۳۱۴/۹).

یقینی لاهیجی، قاضی عبدالله. (س دهم ق)، صوفی و شاعر، متخلص به یقینی. اصلش از لاهیجان است و نسبش از جانب پدر به سید محمد نوربخش، مؤسس نوربخشیه، می‌رسد. وی عموی قاضی یحیی لاهیجی (م ۹۵۲/۹۵۳ ق) بود و سرانجام به اغوای متعصبان در لاهیجان به قتل رسید. از آثار وی: «دیوان» شعر.

آتشکده آذر (۸۶۵-۸۶۴/۲)، تاریخ نظم و نثر (۵۱۱)، تحفه سامی (۱۱۰)، تذکره روز روشن (۹۴۷-۹۴۶)، الذریعه (۶۹۸/۹-۱۳۱۴)، ریاض المارفین (۱۶۱)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۵)، لغت نامه (ذیل/قاضی یقینی، یقینی)، نامها و نامدارهای گیلان (۶۱۸-۶۱۷)، هفت اقلیم (۱۴۲/۳-۱۴۳).

یکتا اصفهانی، مجید/عبدالمجید، فرزند محمد کریم اوحدی. (۱۲۹۰-۱۳۵۴ ش)، نویسنده، مترجم و شاعر، متخلص به یکتا. در اصفهان به دنیا آمد و تحصیلات خود را در آموزشگاههای زادگاهش به اتمام رساند و در خدمت محمد کاظم غمگین قواعد شعر و فنون ادب را آموخت. او شعر را نیک می‌سرود و ابتدا فردی تخلص می‌کرد. وی به زبان فرانسه و انگلیسی آشنا بود و در علم حساب و دفترداری و موسیقی نیز اطلاعاتی داشت. او در انجمنهای مرحوم شیدا، فرهنگد و کمال شرکت داشت. از آثارش: «رساله در موسیقی»؛ «تاریخ سلجوقی»، ترجمه؛ «تذکره شعرای ایران»، از اوایل قرن چهاردهم تا زمان حاضر؛ تدوین و تحشیه «دیوان» غمگین؛ «دیوان» شعر.

تذکره شعرای معاصر اصفهان (۵۴۹-۵۴۶)، چهارصد شاعر برگزیده پارسی گوی (۱۱۹۸)، الذریعه (۱۳۱۵-۱۳۱۴/۹)، سخنوران نامی معاصر (۳۹۸۲/۶-۳۹۸۶)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۱۵۹۷/۱)، مؤلفین کتب چاپی (۱۹۷/۵).

یکتای جوشقانی، احمد اشتیری.

حلقه حلقه مشک دارد بر کران ارغوان
تسوده تسوده لاله دارد در میان ضیمران
دایرةالمعارف فارسی (۲/۳۳۶۴)، الذریعه (۹/۱۳۱۷)،
ریحانه (۶/۴۰۳-۴۰۲)، فرهنگ سخنران (۱۰۱۷)،
مجمع الفصحا (۳/۱۴۴۹-۱۴۵۰).

یوسف. (ز ۱۰۱۸ ق)، خطاط، از آثار وی: کتیبه یک
جعبه محبره روغنی، با تصاویر مجلس شاه عباس و
مجالس دیگر، نسخ کتابت خوش، بارقم: «بنده درگاه
یوسف سنه ۱۰۱۸».

احوال و آثار خوشنویسان (۴/۱۲۳۵).

یوسف. (ز ۱۰۱۶ ق)، نقاش، وی تصویر را در شیوه
دکنی مصور ساخته و مخلوطی از مکتب رضا عباسی و
معین مصور را ترسیم نموده و جلالت هندی به آن داده
است. از آثار او: تصویر جوانی که لباس هندیان به تن نموده
و کلاه محلی بر سر گذاشته و در پشت سرش درختی
تنومند نقش شده است، با رقم: «راقمه یوسف ۱۰۱۶».

احوال و آثار نقاشان (۳/۱۴۲۸-۱۴۲۹).

یوسف. (ز ۱۲۸۷ ق)، نقاش، وی در شیوه ناخنی
مهارت داشت و نقش و نگار و خطوط مختلف ناخنی را
ماهرانه به عمل می آورد. از آثار او: تصویر گل زیبایی که
ناخنی عمل آورده و بر روی یک مرغ و یک شاه پرک علاوه
نموده است، با رقم: «یوسف ۱۲۸۷».

احوال و آثار نقاشان (۳/۱۴۲۹).

یوسف. (ز ۱۲۸۰ ق)، نقاش. از اساتید فن نقاشی در
دوره ناصری و از شاگردان ابوالحسن خان صنیع الملک بود
که به شیوه استاد خود به چهره پردازی و صورت سازی
می پرداخت و به دقت نظر و وسواس در کار مشهور بود. از
آثار وی: تصویر شاهزاده اعتضادالسلطنه علیقلی میرزا، در
حالت نشسته که از روی کار استادش، صنیع الملک، مصور
ساخته و با خط شکسته خوش چنین رقم نهاده: «هو الله
شیهه نواب...علیقلی میرزا...شهر ربیع الثانی ۱۲۸۰» و
«مشق کمترین یوسف خانه زاد از روی کار استادی صنیع
الملک».

احوال و آثار نقاشان (۳/۱۴۲۷).

یوسف آزاد. (س دوازدهم ق)، نقاش، وی در
چهره سازی به شیوه فرنگی مهارت داشت، ولی بیشتر در
شیوه صفوی کار می کرد. از آثار او: قلمدان شیرین قلمی

رساند. وی در ۱۳۱۹ ش وارد دانشسرای عالی و سپس
وارد دانشکده ادبیات شد و موفق به اخذ لیسانس گردید و
آنگاه به استخدام وزارت فرهنگ درآمد. رشته مورد علاقه
یمینی شریف آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان بود.
در تیچرز (تربیت معلم) کالج کلمبیا علاوه بر رشته آموزش
و پرورش به تحصیل در رشته ادبیات کودکان نیز پرداخت.
شعرهایش در ۱۳۲۳ ش در اولین شماره مجله «بازی
کودکان» که بعدها سردبیری آن مجله را به عهده گرفت، به
چاپ رسید و در ۱۳۲۴ ش اشعاری از وی ابتدا در کتابهای
ابتدایی اراک و سپس در کتابهای کلاسهای اول و دوم و
سوم کلیه دبستانها چاپ شد. او در ۱۳۲۸ ش مدیریت
مجله «دانش آموز» و از ۱۳۳۵ ش تا ۱۳۵۸ ش مدیریت
مجله «کیهان بچه ها» را به عهده داشت. در ۱۳۳۴ ش امتیاز
مدرسه روش نو را به کمک همسرش از وزارت فرهنگ
دریافت کرد و بیش از بیست و پنج سال اداره آن را عهده دار
بود. در ۱۳۴۱ ش با همکاری عده ای از دوستان مؤسسه
فرهنگی و غیر انتفاعی شورای کتاب کودک را تأسیس کرد،
که هدف از آن راهنمایی و مشاورت با نویسندگان و
شاعران و تصویرگران و مترجمان علاقه مند به آثار کودکان
و نوجوانان بود. از دیگر آثار وی: «دنیا گردی جمشید و
مهشید»، «فری به آسمان می رود»، «قصه های شیرین»، «دو
کدخد»، «داستان عروسک»، «بازی با الفبا»، «روی زمین و
زیر زمین» گیاه شناسی برای کودکان، ترجمه: «بیژن و
شیر»، ترجمه: «جزیره مرجان»، ترجمه: «آواز فرشتگان»،
شعر: «قصه های شیرین»، شعر: «گربه های شیپور زن»،
شعر: «دیوان شعر».

ادبستان (س ۱، ش ۱، ص ۵۷)، الذریعه (۹/۱۳۱۶)،
سخنران نامی معاصر (۶/۳۹۸۷-۳۹۹۲)، فهرست
کتابهای چاپی فارسی (۱/۶۸، ۶۹، ۴۳۹، ۵۵۶، ۱۰۲۶،
۱۳۳۰، ۱۴۵۸، ۱۴۸۰، ۱۷۹۵-۱۷۹۶، ۲۴۴۵، ۲۵۴۷،
۲۷۱۳، ۲۷۱۴، ۳۴۱۴)، کتابنامه نخستین دهه انقلاب
(۴۰۳-۴۰۴)، کیهان فرهنگی (س ۶، ش ۹، ص ۴۴)،
مؤلفین کتب چاپی (۳/۶۸۸-۶۸۹).

یمینی غزنوی، محمد بن عثمان. (س پنجم ق)، شاعر،
متخلص به یمینی. از شاعران و کاتبان غزنویان بود که در
زمان یمین الدوله سلطان محمود غزنوی (۳۸۹-۴۲۱ ق)
زندگی می کرد و تخلصش را به جهت انتساب به سلطان
محمود برگزیده بود. وی همچنین با بهرام شاه غزنوی (م
۵۵۲ ق) معاصر و با سوزنی و مختاری مصاحب بود. مؤلف
«الذریعه» نام وی را به صورت یمین غزنوی ذکر کرده
است. اشعاری از وی در تذکره ها نقل شده است. از اوست:

نامه (ذیل/یوسف).

یوسف بختیاری، یوسف خان، فرزند حسینیلی ایلخانی. (۱۲۸۳-۱۳۵۷ ق)، شاعر. معروف به امیر مجاهد. وی از خوانین بختیاری و مورد احترام کلیه طوایف بود و مدتی فرمانداری یزد و زمانی حکومت بختیاری را به عهده داشت و بیشتر عمر خود را به زراعت و ملک داری گذراند. وی در زندان قصر وفات یافت. از آثارش: «دیوان» شعر.

تذکره شعری معاصر اصفهان (۵۴۹)، الذریعه (۱۳۱۷/۹).

یوسف بن حاجی گیلانی. (ز ۹۲۹ ق)، حکاک. اهل گیلان و از حکاکان و نگارگران بر روی فلزات بود و اسطرلاب می ساخت. از آثار وی: اسطرلاب پرکار و نقش و نگاری که در ۹۲۹ ق انجام یافته، با رقم: «فی سنه ط ک ط الهجره مناصب الیزدجریه صنه یوسف بن حاجی الجیلانی».

احوال و آثار نقاشان (۱۳۳۱/۳).

یوسف بن علی بن محمد بن ابی طاهر. (ز ۷۳۴ ق)، طراح و نقاش. وی از خاندان مشهور ابی طاهر و از هنرمندان نقاش و طراح نقوش اسلیمی و سایر تزیینات گوناگون، بر روی کاشی ها بود. به آورده «کارنامه بزرگان»: «این خاندان از هنرمندان زیر دست کاشی کار هستند که از نیمه دوم قرن ششم تا نیمه دوم قرن هفتم هجری می زیسته اند». از آثار وی: کاشی محراب چهار تکه ای در آرامگاه امامزاده یحیی در ورامین که در کمال مهارت و استادی فرجام پذیرفته است، با رقم: «عمل یوسف بن علی بن محمد سنه ۷۰۵»؛ کاشی مزین و استادانه ای که به خط رقاع رقم نهاده: «و کتب فی غره شعبان سنه تسع و سبعمائه»؛ محراب امامزاده علی بن جعفر در قم، با رقم: «عمل العبد یوسف [بن] علی بن محمد بن طاهر و کتب فی غره رمضان سنه اربع و ثلثین و سبعمائه»؛ کاشی دیگری، با رقم: «عمل یوسف بن علی بن محمد بن ابوطاهر».

احوال و آثار نقاشان (۱۳۳۲/۳)، کارنامه بزرگان (۱۰۲).

یوسف بن ماهک بن بهزاد/مهران فارسی مکی. (وف ۱۱۳ ق)، محدث. اصل وی از فارس و از غلامان اهل مکه بود. وی از پدرش، ماهک بن بهزاد، و حکیم بن حزام ابوهریره و عبدالله بن عمرو بن عاص و ابن عباس و عبدالله بن صفوان بن امیه و فرزندش، صفوان بن عبدالله بن

است که در رویه آن، تصاویر زنان ایرانی جلب نظر می کند و در مدالیون بزرگتر، تصویر زنی است که کلاه خالدار بسر نهاده و البسه سبک زمان صفوی را به تن کرده است. در بالا و پایین رویه قلمدان و در داخل دو مدالیون کوچکتر، رقم نهاده:

«ز کلک یوسف آزاد این صورت هویدا شد

گلستان ارم بستخانه چنین باز پیدا شد»

احوال و آثار نقاشان (۱۳۳۱/۳).

یوسف ارومی، فرزند سید محمد. (ز ۱۳۰۲ ق)، شاعر. از او «دیوان» شعری باقی است که خود، آن را در ۱۳۰۲ ق تدوین کرده است و این نسخه در کتابخانه ملک موجود می باشد.

الذریعه (۱۳۱۷/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۷).

یوسف اصفهانی. (ز ۱۰۶۹ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه شرح «اربعمین» بهایی، وزیری کوچک، مجدول مذهب، نسخ کتابت خوش، با رقم: «اتفق الفراغ... علی يد العبد... المدعو یوسف فی العشر الثانی من شهر جمادی الثانی سنة تسع و ستین بعد الالف فی بلدة اصفهان».

احوال و آثار خوشنویسان (۱۳۳۵/۴).

یوسف اصفهانی، فرزند تاج الدین بنّا. (ز ۹۳۸ ق)، طراح و معمار. وی رسمی ساز و طراح نقوش عمارات و معمار مشهور اصفهانی در دوره صفوی است. از آثار وی: کتیبه هلال داخل صفه صاحب، در مسجد جمعه اصفهان، که به خط ثلث هشت آیه از اول سوره «اسری» را نوشته، با رقم: «تحریراً فی تاریخ سنة ثمان و ثلاثین تسعمائة بعمل الفقیر یوسف بن تاج الدین بنّا اصفهانی».

آثار ملی اصفهان (۵۴۱، ۵۸۸)، احوال و آثار نقاشان

(۱۳۳۱/۳)، تاریخ اصفهان (۳۵۴)، تاریخ هنرهای ملی

(۹۳۲/۲)، سرآمدان فرهنگ (۱۶۰/۱)، کارنامه بزرگان

(۱۶۷-۱۶۸)، گنجینه آثار تاریخی اصفهان (۹۵).

یوسف اصم استرآبادی، امیر یوسف. (وف ۹۷۷ ق)، شاعر. وی به هند رفت و شهرانگیزی که عبارت است از مجموعه رباعیاتی موسوم به «صفات الاصفان»، به تقلید «مجمع الاصفان» لسانی شیرازی، که درباره پیشه وران و صنعتگران بود به نام اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴ ق) سرود. اشعاری نیز از وی در تذکره ها آمده است.

الذریعه (۱۳۱۷/۹)، صبح گلشن (۶۱۶)، فرهنگ

سخنوران (۱۰۱۷)، کاروان هند (۱۵۵۶-۱۵۵۷)، لغت

شاعر. از سادات جویبار بخارا و از نوادگان خواجه محمد پارسا است، که در آن ولایت به خواجه مشهور بود. وی شعر را نیک می‌سرود و معاصر میرزا صائب تبریزی (م ۱۰۸۰/۱۰۸۶ ق) بود. از آثارش: «دیوان» شعر.

تذکره روز روشن (۹۵۲)، تذکره نصرآبادی (۶۷)، الذریعه (۱۳۱۸/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۸).

یوسف خواجه ← یوسف جویباری.

یوسف درویش ← یوسف لاری.

یوسف شاملو، یوسف بیگ، (س دهم ق)، شاعر. وی از بزرگان ایل شاملو و از امرای شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴ ق) بود که با حسن خان شاملو قرابت داشت. او بعدها به هندوستان سفر کرد و گویا در بین راه فوت شد. نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) وی را صاحب یک «دیوان»، در سه هزار بیت می‌داند. از اوست:

آن کس که دهد خسلت آرایش عالم

یک جسمه به انداز درویش ندارد

تذکره روز روشن (۹۷۱-۹۷۲)، تذکره نصرآبادی (۴۲-۴۳)، الذریعه (۱۳۱۹/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۸).

یوسف شاه هروی. (ز ۸۵۱ ق)، خطاط. از آثار وی: کلمات حضرت امیر، ثلث سه دانگ جلی ممتاز و نسخ کتابت یاقوتی عالی، با رقم: «اتم شعر الافوه علی ید العبد... یوسف شاه الهروی نقل من خط السلطان الکتاب یاقوت طیب الله مرقده»؛ یک صفحه از مرقع ریحان، ثلث سه دانگ جلی عالی، نسخ یاقوتی و رقاع کتابت خوش، با رقم: «مشقه العبد الضعیف المحتاج الی رحمة الله الغنی یوسف شاه الهروی فی العشر الاخر من رمضان المبارک سنة احدى وخمسين و ثمانمائة ۸۵۱ الهجرة النبوية...».

احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۳۵-۱۲۳۶).

یوسف طیب، فرزند یعقوب. (س چهارم ق)، طیب. از پزشکان نام آور زمان خود و از شاگردان محمد بن زکریای رازی (م ۳۱۳/۳۲۰ ق) بود. رازی رساله «فی الادویه العین و علاجها و مداواتها و ترکیب الادویه لما یحتاج الیه من ذلک» خود را برای یوسف نوشته است.

تاریخ طب (۳۸۷/۲، ۴۳۱، ۶۵۸-۶۵۹)، عیون الانباء (۳۹۲).

صفوان، و عبید بن عمیر لیشی و عبدالله بن عمر بن خطاب و عبدالله بن منبه و محمد بن حاطب جمحی و حفصه بنت عبدالرحمن بن ابویکر صدیق و عایشه بنت طلحة بن عبیدالله و عایشه ام المؤمنین و ام هانی بنت ابوطالب روایت کرد. ابویسر جعفر بن ابیوحشیه و عطاء بن ابورباح و ایوب سختیانی و حمید طویل و عبدالملک بن جریح و ابراهیم بن مهاجر و جعفر بن سلیمان ضبعی و عاصم احول و عبدالله بن عثمان بن خثیم و ابوزید عامری زراد و علی بن زید بن جعدان و عمرو بن مره و مسلمة بن عبدالرحمن و ولید بن عبدالله بن ابی مغیث و یعلی بن حکیم ثقفی از وی روایت کرده‌اند. وفات او را ۱۰۳ و ۱۱۰ و ۱۱۴ ق نیز ذکر کرده‌اند، اما ذهبی تاریخ ۱۱۳ ق را تصریح می‌کند.

تاریخ الاسلام (حوادث و وفیات ۱۰۱-۱۲۰/۵۰۹-۵۰۸)، تهذیب التهذیب (۳۶۹-۳۶۸/۱۱)، تهذیب الکمال (۵۰۳-۵۰۱/۲۰)، الثقات (۵۴۹/۵)، الجرح و التعديل (ج ۴)، ۲/۲۲۹، سیر النبلاء (۶۹۸/۵)، شذرات الذهب (۱۴۷/۱).

یوسف بن یعقوب. (س هفتم ق)، نقاش و حکاک. وی طراح و نگارگر نقوش اسلیمی بر روی فلزات سخت بود و در نقره و طلاکوبی مهارت زیادی داشت. از این هنرمند، قلمدان مثلثی و نیزه‌ای موجود است که در روی آن و در داخل پنج دایره مختلف، تصاویری نقش بسته که استادی او را عیان می‌سازد، این اثر با خط کوفی رقم «یوسف ابن یعقوب» دارد.

احوال و آثار نقاشان (۱۴۳۴/۳).

یوسف تبریزی. (ز ۱۲۹۸ ق)، طراح و نجار. وی نگارگر نقوش و ترسیمات هندسی و خطوط گوناگون، بر روی چوب بود و در حرفه خود مهارت داشت. از آثار او در بقعه سید ولی در تهران است، با رقم: «عمل استاد یوسف نجار تبریزی سنه ۱۲۹۸».

احوال و آثار نقاشان (۱۴۳۱/۳).

یوسف تبریزی، فرزند میرزا زین العابدین بن محمد علی قره داغی. (وف ۱۳۳۷ ق)، شاعر. از او «دیوان» شعری نزد فرزندش میرزا علی بها باقی مانده که به آورده «الذریعه» خیابانی در «وقایع الايام» از آن ذکری به میان آورده است.

الذریعه (۱۳۱۸/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۸).

یوسف جویباری، خواجه یوسف. (س یازدهم ق)،

متنوع است. در قسمت بالای فرش به خط زیبای نستعلیق رقم نهاده: «عمل استاد یوسف کرمانی ۱۲۸۳».

احوال و آثار نقاشان (۱۳۳۲/۳).

یوسف گرجی، یوسف بیگ. (س سیزدهم ق)، شاعر. اصلش از گرجستان است. وی به توسط سربازان آقا محمد خان قاجار به اسیری به ایران آورده شد و از تربیت شدگان محمود میرزای قاجار (م ۱۲۷۱ ق)، صاحب «سفینه المحمود» بود. اشعارش در بعضی از تذکرها آمده است. از اوست:

اول از سنگ ستم بال و پر من مشکن
چون ز بند غمت آخر کنی آزاد مرا
الذریعه (۱۳۲۰/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۹)، مجمع الفصحاء (۱۲۰۴/۶)، مصطفیٰ خراب (۲۲۳-۲۲۲).

یوسف لاری، درویش یوسف. (س یازدهم ق)، شاعر، متخلص به یوسف. اصلش از لار و از معاصران نصرآبادی (ز ۱۰۸۳ ق) بود. گویند در ابتدا یهودی مذهب بود که برای رسیدن به حقیقت به همراه درویش محمد صالح به سیر و سفر پرداخت. پس از سالها سفر به دین اسلام گروید. وی برای تحصیل به اصفهان رفت و در اکثر علوم بخصوص حکمت و معانی و حساب و رمل و شعر و معما مهارت یافت. از وی اشعاری در تذکرها نقل شده است. آتشکده آذر (۸۳۵/۲)، تذکره روز روشن (۹۵۲)، تذکره نصرآبادی (۲۰۵۲۰۴)، الذریعه (۱۳۲۰، ۳۲۵/۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۱۹).

یوسف مجدی. (ز ۱۱۹۵ ق)، خطاط. از آثار وی: یک لوحه ثلث دو دانگ عالی و نسخ کتابت جلی خوش، با رقم: «و انا المذهب یوسف المجدی سنة ۱۱۹۵».

احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۳۶/۴).

یوسف مذهب. (ز ۸۱۰ ق)، مذهب و خطاط. مشهور به امیری. از آثار وی: کتابت و تذهیب «کلیله و دمنه» که در ۸۱۰ ق به پایان رسیده و نوزده تصویر آبرنگی در آن نقش نموده است که در ذیل بعضی از نقوش رقم «یوسف المذهب» دارد و در آخر نسخه رقم نهاده: «کتبه العبد یوسف المشهور به امیری».

احوال و آثار نقاشان (۱۴۲۹/۳).

یوسف مذهب باشی شیرازی. (وف ۱۳۰۰ ق)، مذهب. مشهور به میرزا یوسف مذهب. از اساتید فن

یوسف علی سبز مشهدی. (س نهم ق)، خطاط. از آثار وی: دو قطعه از یک مرقع، به قلم نیم دو دانگ و کتابت متوسط، به شیوة سلطان علی مشهدی، با رقمهای: «مشقه العبد یوسف علی سبز مشهدی تجاوز الله عنه» و «مشقه العبد یوسف علی سبز مشهدی».

احوال و آثار خوشنویسان (۹۷۲-۹۷۳)، هنر عهد تیموریان (۶۴۹).

یوسف علی کازرونی، فرزند محمد. (ز ۱۱۰۶ ق)، خطاط. از آثار وی: یک نسخه «قاموس اللغه» فیروزآبادی، عنوان به قلم نیم دو دانگ نسخ سرخ و سیاه و متن به نسخ کتابت خفی متوسط، با رقم: «قد وقع الفراغ من تحرير الجزء الثاني من القاموس... نمقه العبد الراجی... یوسفعلی ابن حاجی محمد الکازرونی فی عام سادس و المائه بعد الالف من الهجرة النبویه ۱۱۰۶».

احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۳۶/۴).

یوسف غباری. (ز ۹۴۵ ق)، خطاط. از آثار وی: کتابت قرآن روی یک پرده پارچه حریر، به خطوط مختلف از جمله: ثلث و رقاع چهار دانگ جلی، نستعلیق گلزار سه دانگ، رقاع سه دانگ جلی، کوفی تزینی سه دانگ و نسخ کتابت جلی و خفی و غبار، با رقم: «یوسف غباری... فی ایام الدولة السلطان الاعظم ابوالمظفر طهماسب... این پرده نذر ابوالفتح بهرام ابن شاه اسمعیل صفوی برای تقدیم به آستانه شیخ صفی»، ۹۴۵ ق.

احوال و آثار خوشنویسان (۱۲۳۶/۴).

یوسف غزنوی، فرزند نصر کاتب. (س ششم ق)، شاعر. وی مداح و معاصر خسرو ملک (م ۵۸۲ ق) بود و به فارسی و عربی شعر می سرود. گویند وی دو «دیوان» شعر به فارسی و عربی داشته است.

الذریعه (۱۳۱۹/۹)، لباب الالباب (۱۰۱۹۶/۱)، مجمع الفصحا (۱۴۵۰/۳).

یوسف قزوینی، میرزا یوسف -واله اصفهانی، میرزا یوسف.

یوسف کرمانی. (ز ۱۲۸۳ ق)، طراح فرش. اهل کرمان بود. او را در طراحی و بافت فرش، هنرمندی صاحب ذوق و دقیق دانسته اند. از آثار وی: فرش خوش نقش و ریز بافی که در صحنه داخلی آن، دسته گلهای زیبایی در نقش فرنگی سازی ترسیم گشته و کناره ها نیز دارای گلهای

در باره نشانه‌های بیماریها و مداوای آنها، مشتمل بر دروست و هشتاد و نه رباعی، و شرح آن به نام «جامع الفوائد» یا «طب یوسفی»؛ قصیده‌ای در «حفظ الصحة»، به نام بابر شاه، که در آن شرایط حفظ صحت را در خوردن، آشامیدن و خواب و بیداری، در فصلها و هواهای مختلف بیان کرده است؛ «ریاض الادویه»، به نام همایون شاه در ۹۴۶ ق؛ مثنوی «مأکول و مشروب»، در ۹۴۶ ق، در مورد تدبیرهای پزشکی برای خوردن‌ها و آشامیدن‌ها؛ منظومه «فوائد یوسفیه» یا «فوائد الاخیار»، در طب و روای، در ۹۱۲ ق، که در هر دو یا سه بیت آن یکی از مسئله‌های پزشکی توضیح داده شده است؛ «بداایع الانشاء» یا «انشای یوسفی»، در ۹۴۰ ق برای پسرش رفیع الدین حسین؛ «جواهر اللغة» یا «بحر الجواهر»، در بیان واژه‌ها و اصطلاحات پزشکی.

تاریخ ادبیات در ایران (۳۵۸-۳۵۶/۵، ۱۴۸۶، ۱۵۹۵)،
تاریخ نظم و نثر (۲۸۲، ۳۹۹-۳۹۸، ۸۰۸)، تحفه سامی (۲۹۰)، الذریعه (۱۳۲۱/۹، ۳۲۲/۱۶، ۳۶۴)،
ریحانه (۴۰۳/۶)، صبح گلشن (۶۱۹)، فرهنگ سخنوران (۱۰۲۰)، فهرست کتابهای چاپی فارسی (۳۷۳/۱، ۹۹۹، ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۲۲۵۴/۲، ۲۳۲۹، ۲۴۷۶)، کاروان هند (۱۵۵۸-۱۵۶۰)، کشف الظنون (۵۶۷)، لغت نامه (ذیل/یوسفی)، مجالس التفات (۱۵۶)، معجم المؤلفین (۳۳۴/۱۳)، منظومه‌های فارسی (۶۳۰-۶۳۱)، مؤلفین کتب چاپی (۹۰۳-۹۰۴)، هدیه العارفین (۵۶۴/۲).

یوسفی طبیب، یوسف بن محمد - یوسفی خوانفی.

یوسفی گلپایگانی، محمد یوسف. (س دهم و یازدهم ق)، شاعر. از شاعران و مداحان دوره شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ ق) بود که در سرودن قصیده و غزل مهارت داشت. از آثار وی: «دیوان» شعر.

تذکره نصرآبادی (۲۷۴-۲۷۵)، الذریعه (۱۳۲۱/۹)،
فرهنگ سخنوران (۱۰۲۰)، هفت اقلیم (۴۸۱-۴۸۲).

یوسفی هروی، یوسف بن محمد - یوسفی خوانفی.

تذهیب در شیراز بود. فرزندان وی نیز هنرمند و به شغل تذهیب و صنعت خط اشتغال داشته و در زمان خود معروف بوده‌اند. میرزا یوسف در شیراز مدفون است. از آثار وی: تذهیب یک نسخه «تحفة الحسن» که تزیینات صفحه اول و دوم و سایر تذهیبهای داخلی آن، اثر دست میرزا یوسف است و جلد روغنی نسخه که در اندازه رحلی است، به انواع نقوش تذهیبی آراسته شده و یکی از بهترین تذهیبهای روغنی نقاش به شمار می‌آید، با رقم: «این کتاب مستطاب... سنه ۱۲۷۵ در خطه شیراز... حرره محمد حسن مؤلف هذا الكتاب»؛ تذهیب صفحه اول و دوم نسخه «دیوان» حافظ که با ترصیع و تذهیب عالی فرجام پذیرفته و رقم «عمل میرزا یوسف مذهب باشی ۱۲۹۵» دارد.

احوال و آثار نقاشان (۱۴۲۹/۳-۱۴۳۰)، گلستان هنر (پنجاه و دو)، هنر قلمدان (۱۵۸).

یوسف مشهدی. (وف ح ۷۰۰ ق)، خطاط. وی یکی از شش تن شاگردان بزرگ یاقوت مستعصمی بود. در اواخر عمر از عراق عرب به آذربایجان رفت و در شهر تبریز به کتابت و تعلیم پرداخت. از شاگردان او عبدالله صیرفی است. از آثار یوسف مشهدی قرآنی در کتابخانه ایا صوفیه استانبول نشانی داده‌اند که تاریخ ۶۶۸ ق دارد.

تاریخ هنرهای ملی (۷۸۵/۲)، گلستان هنر (۲۲).

یوسفی جربادقانی - یوسفی گلپایگانی.

یوسفی خوانفی، یوسف بن محمد. (وف ح ۹۵۰ ق)، طبیب و شاعر، متخلص به یوسفی. اصل او از خوان بود و در ماوراءالنهر دانش آموخت. او سالهای زیادی از عمر خود را در هرات گذراند. در اواخر عمر به هندوستان رفت و به دربار بابر شاه و همایون شاه راه یافت و ملازم آنان گردید و به نام آن دو، چند کتاب تألیف نمود. وی عاقبت در همان دیار از دنیا رفت. در «هدیه العارفین» سال مرگ وی ۹۶۶ ق ذکر شده است. اهمیت یوسفی به ویژه در آن است که برای آسان کردن دانش پزشکی چند منظومه در این فن سرود. از آثار وی: منظومه «علاج الامراض».

فهرست مداخل

آرایش بیگم ۲۴/۱	آباقآن میرزا ۱/۱
آرزو ۲۴/۱	آبان محمد ۱/۱
آرزوی سمرقندی ۲۴/۱	آبرو گیلانی ۲/۱
آزاد سرو ۲۷/۱	آپاسای منشی ۴/۱
آزاد قزوینی ۲۷/۱	آتایی بلخی ۴/۱
آزادوار چنگی ۲۸/۱	آتشی شروانی ۵/۱
آزاد یزدی ۲۸/۱	آتشی مواغهای ۵/۱
آسیه خانم ۳۱/۱	آثار بنجاری ۶/۱
آشوب همدانی ۳۷/۱	آخوند ملاآقا بابا ۱۳/۱
آشوبی نظری ۳۸/۱	آخوند ملاآقا دریندی ۲۲/۳
آصف آصفی هروی ۳۹/۱	آخوند ملا عباسعلی سوادکوهی آلاشتی ۶۱/۱
آصف اصفهانی ۳۸/۱	آخوند ملا علی محمد اصفهانی ۲۶۲/۱
آصف بهبهانی ۳۸/۱	آخوند ملا علی موگونی شوشتری ۱۳/۱
آصف قزوینی ۳۹/۱	آخوند ملا قربانعلی زنجان ۱۳/۱
آصفی شیرازی ۳۹/۱	آخوند ملا محمد طاهر قمی ۱۴/۱
آغا باجی قراباغی ۳۹/۱	آدم بن ابی ایاس خراسانی ۱۶/۱
آغا بیگم طباطبایی ۴۰/۱	آدم بن اسحاق اشعری قمی ۱۶/۱
آغاسلطان ۴۱/۱	آدم بن عبدالله قمی ۱۷/۱
آغا کوچک ۴۱/۱	آدم بن یونس نسفی ۱۷/۱
آفاق بیگه جلایر ۴۱/۱	آدم قلایسی بلخی ۱۷/۱
آفتابی ساوجی ۴۱/۱	آدم هروی ۱۷/۱
آفتی قزوینی ۴۲/۱	آدمی یزدی ۱۸/۱
آقا ابرالقاسم ۴۳/۱	آدینه قلی تابعی خوانساری ۱۳۲/۲
آقا ابومحمد مشهدی ۴۳/۱	آذر ۱۸/۱
آقابابا ۴۳/۱	آذرباد ایمیدان ۱۹/۱
آقا بابای شیرازی ۴۳/۱	آذرباد مهر اسپندان ۱۹/۱
آقابالا نقاش ۴۴/۱	آذر قوئینغ فرخزادان ۲۰/۱
آقا بزرگ آبادهای ۱/۱	آذر کیوان ۲۱/۱



- آقا بزرگ حکیم ۴۵/۱
 آقا بزرگ ذوق شیرازی ۶۲/۳
 آقا بزرگ ذوق شیرازی ۶۶/۳
 آقا بزرگ سامی شیرازی ۱۹۷/۳
 آقا بزرگ شیرازی ۴۵/۱
 آقا بیکلر افشار ۴۶/۱
 آقا جان ۴۶/۱
 آقا جان اصفهانی ۴۶/۱
 آقا جان اول ۴۶/۱
 آقا جان دوم ۴۶/۱
 آقا جان ساوهای ۴۷/۱
 آقا جان کاشی پز اصفهانی ۴۷/۱
 آقا جونی اصفهانی ۴۷/۱
 آقاخان البرز ۴۳/۱
 آقاخان فیلی واصلی شیرازی ۹۶/۶
 آقاخان محاسب الدوله ۴۸/۱
 آقا زمان شهدی قزوینی ۳۵۱/۳
 آقاسی بیک افشار ۵۱/۱
 آقا سید حسین ۵۱/۱
 آقا کوچک نقاش شیرازی ۵۴/۱
 آقا ملا قزوینی ۵۴/۱
 آقا میر همدانی ۵۵/۱
 آقا یادگار حاجت شیرازی ۲۲۸/۲
 آقای خراسانی ۵۸/۱
 آق بابا مدرکی نهاوندی ۲۰۶/۵
 آگهی تبریزی ۶۰/۱
 آگهی یزدی خیاط ۶۰/۱
 آمنه بیگم حائری ۷۳/۱
 آمنه بیگم مجلسی ۷۳/۱
 آمنه حسن آبادی ۷۴/۱
 آمنه طباطبایی علوی ۷۴/۱
 آمنه قزوینی ۷۴/۱
 امیرزا حکیم یزدی ۷۵/۱
 آنسی توشیزی ۷۵/۱
 آنی هروی ۷۵/۱
 آوانس ماسپیان ۷۵/۱
 آهنگ یزدی ۷۶/۱
 آهی تبریزی ۷۷/۱
 آهی مشهدی ۷۷/۱
 آهی هروی ۷۷/۱
 آیتی اصفهانی ۷۹/۱
 آیتی تبریزی ۸۰/۱
 ابوالقاسم ۸۱/۱
 ابدال اصفهانی ۸۱/۱
 ابدال بیگ نقاش باشی ۸۱/۱
 ابراهیم ۸۲/۱
 ابراهیم آجودان باشی ۷/۱
 ابراهیم آژنگ ۳۰/۱
 ابراهیم آقایی اصفهانی ۴۴/۱
 ابراهیم آگاه جهرمی ۵۸/۱
 ابراهیم آل بحر العلوم ۶۱/۱
 ابراهیم آملی ۶۹/۱
 ابراهیم آملی اصفهانی ۷۲/۱
 ابراهیم آملی مازندرانی ۷۳/۱
 ابراهیم ابن یعیش ۱۵۲/۱
 ابراهیم ادهم بلخی ۸۲/۱
 ابراهیم ادهم توسرکانی همدانی آرتیمانی ۲۱۶/۱
 ابراهیم ادهم کاشانی ۲۱۶/۱
 ابراهیم ادیب نوبری تبریزی ۲۲۲/۱
 ابراهیم اردوبادی ۲۳۰/۱
 ابراهیم استرآبادی ۸۲/۱
 ابراهیم استرآبادی ۲۳۵/۱
 ابراهیم اصفهانی ۸۲/۱
 ابراهیم اصفهانی ۸۳/۱
 ابراهیم امنی خراسانی ۲۹۵/۱
 ابراهیم انوار اردکانی ۳۱۳/۱
 ابراهیم انواری اصفهانی ۳۱۴/۱
 ابراهیم ابلجی ۸۳/۱
 ابراهیم باغمیشه ۸۳/۱
 ابراهیم بکوس ۶۶/۲
 ابراهیم بلوچ ۸۳/۱
 ابراهیم بن حسن سیبویه ثانی ۲۷۰/۳
 ابراهیم بن حسین خویی ۳۴۹/۲
 ابراهیم بن شهریار ابواسحاق کازرونی ۱۵۲/۱
 ابراهیم بن علی ابوالریاض بحرانی ۱۶۵/۱
 ابراهیم بن عیسی ابواسحاق اصفهانی ۱۵۲/۱
 ابراهیم بن محمد ۸۳/۱
 ابراهیم بن محمد ابن عرشاه اسفراینی ۱۲۷/۱
 ابراهیم بن محمد ابن منده اصفهانی ۱۴۶/۱
 ابراهیم بن مدبر ۱۳۹/۱

- ابراهیم بن نصر رازی نهاوندی ۸۰/۳
 ابراهیم بنی صدر ۷۳/۲
 ابراهیم بن یوسف زجاجی ۱۵۴/۳
 ابراهیم بوذری ۷۴/۲
 ابراهیم بهبهانی ۸۴/۱
 ابراهیم پرتو همدانی ۱۱۸/۲
 ابراهیم پوردلوود ۱۲۳/۲
 ابراهیم تبریزی ۸۴/۱، ۱۳۹/۲
 ابراهیم تنکابنی قزوینی ۱۶۲/۲
 ابراهیم جلال یزدی ۲۰۲/۲
 ابراهیم جوهری ۲۱۴/۲
 ابراهیم حسینی ۸۴/۱
 ابراهیم حسینی اصطهباناتی ۲۶۱/۱
 ابراهیم حسینی کردی ۲۸۱/۲
 ابراهیم خاموش یزدی ۳۱۴/۲
 ابراهیم خان عکاسباشی ۱۹۰/۴
 ابراهیم خلیل ۸۵/۱
 ابراهیم خواجه نوری ۳۴۱/۲
 ابراهیم داوری آرائی کاشی ۱۵/۳
 ابراهیم دردی نویسگرانی ۲۳/۳
 ابراهیم دزفولی ۳۰/۳
 ابراهیم راه نجات ۸۹/۳
 ابراهیم رشتی ۱۰۱/۳
 ابراهیم رضوی قمی ۱۱۵/۳
 ابراهیم رفعتی تبریزی ۱۲۱/۳
 ابراهیم ریاضی ۱۴۵/۳
 ابراهیم زاهد گیلانی ۱۵۱/۳
 ابراهیم زرین قلم ۸۵/۱
 ابراهیم زنجانی ۱۶۹/۳، ۱۷۱، ۱۷۲
 ابراهیم زیور ۸۵/۱
 ابراهیم ساکت تبریزی ۱۹۲/۳
 ابراهیم ستنه هروی ۲۰۶/۳
 ابراهیم سجاسی طائی ۲۰۸/۳
 ابراهیم سربابی ۸۵/۱
 ابراهیم سرخوش ۲۱۷/۳
 ابراهیم سری پوده‌ای ۲۲۲/۳
 ابراهیم سعید ۲۲۵/۳
 ابراهیم سعیدالعلماء لاریجانی ۲۲۵/۳
 ابراهیم سهای تبریزی ۲۶۱/۳
 ابراهیم شاه کرمانی ۸۵/۱
 ابراهیم شجری ۳۰۳/۳
 ابراهیم شریفی کرمانی ۳۱۷/۳
 ابراهیم شببانی ۲۵۹/۳
 ابراهیم شیرازی ۸۵/۱
 ابراهیم شیرازی ۳۷۲/۳
 ابراهیم شیروانی ۸۳/۱
 ابراهیم صاحب «ضوابط الاصول» ۸/۴
 ابراهیم صحاف‌باشی تهرانی ۲۸/۴
 ابراهیم صفار بخاری ۴۳/۴
 ابراهیم صفای شیرازی ۴۶/۴
 ابراهیم صفایی ملایری ۵۰/۴
 ابراهیم صهبا ۶۴/۴
 ابراهیم ضیاء الواعظین ۷۵/۴
 ابراهیم طوی ۱۱۴/۴
 ابراهیم ظهیر اصفهانی ۱۲۷/۴
 ابراهیم ظهیر همدانی ۱۳۰/۴
 ابراهیم عارف اصفهانی ۱۳۲/۴
 ابراهیم عالی ۱۳۶/۴
 ابراهیم عراقی همدانی ۱۷۲/۴
 ابراهیم علوی سبزواری ۱۹۶/۴
 ابراهیم عثی ۸۵/۱
 ابراهیم عثیری طوسی ۲۱۹/۴
 ابراهیم فسائی فارسی ۸۵/۱
 ابراهیم فسوی شیرازی ۸۵/۱
 ابراهیم فیروزآبادی شیرازی ۳۱۲/۴
 ابراهیم قریسینی ۳۴۶/۴
 ابراهیم قفقازی سلیمانی ۳۶۴/۴
 ابراهیم قمچی باف ۱۴۹/۲
 ابراهیم کازرونی ۵/۵
 ابراهیم کاشانی ۸۴/۱، ۱۱/۵
 ابراهیم کجی بصری ۲۷/۵
 ابراهیم کرمانشاهی ۸۶/۱
 ابراهیم کلابادی ۴۶/۵
 ابراهیم کهر ۸۶/۱
 ابراهیم گلشنی پردی ۸۲/۵
 ابراهیم گورانی ۸۶/۱
 ابراهیم محلاتی شیرازی ۱۵۲/۵
 ابراهیم/محمد ابراهیم کاخکی گنابادی کرباسی ۲۸/۵
 ابراهیم/محمد ابراهیم لنکرانی ۱۰۶/۵
 ابراهیم/محمد ابراهیم مدرس مشهدی ۲۰۶/۵

- ابراهیم / محمد ابراهیم مشتری خراسانی ۲۴۱ / ۵
 ابراهیم / محمد ابراهیم نادری گازرونی ۳ / ۶
 ابراهیم مدرسی ۲۰۶ / ۵
 ابراهیم مروزی ۲۲۰ / ۵
 ابراهیم مروزی ۲۲۱ / ۵
 ابراهیم مؤذی نیشابوری ۲۲۶ / ۵
 ابراهیم مستملی بلخی ۲۲۹ / ۵
 ابراهیم منشی ۸۶ / ۱
 ابراهیم منصوری ۲۹۹ / ۵
 ابراهیم موصلی ۸۶ / ۱
 ابراهیم میان کوشکی پاراوی ۸۶ / ۱
 ابراهیم میرزا آقا ۳۲۶ / ۵
 ابراهیم میرزا جاهی صفوی ۱۸۴ / ۲
 ابراهیم میرزا قاجار ۸۶ / ۱
 ابراهیم مؤذی خوارزمی ۳۰۷ / ۵
 ابراهیم نازویه نیشابوری ۸۶ / ۱
 ابراهیم ناعم ۱۶ / ۶
 ابراهیم ناهید شیرازی ۱۸ / ۶
 ابراهیم نصرآبادی نیشابوری ۲۲ / ۶
 ابراهیم نصیر شیرازی ۴۵ / ۶
 ابراهیم نوبختی ۶۷ / ۶
 ابراهیم واصف مشهدی ۹۶ / ۶
 ابراهیم هروی ۱۳۳ / ۶
 ابراهیم هسنجانی رازی ۱۳۹ / ۶
 ابراهیم همایونفر ۱۴۳ / ۶
 ابراهیم همدانی ۸۷ / ۱
 ابراهیم همدانی ۱۴۶ / ۶
 ابن ابی جید قمی ۸۸ / ۱
 ابن ابی ربیع ۸۹ / ۱
 ابن ابی طاهر مروزی ۹۰ / ۱
 ابن ابی هند سرخسی ۹۲ / ۱
 ابن ابی یمان بندنیچی ۹۲ / ۱
 ابن بلخی ۹۷ / ۱
 ابن حصول رازی ۱۰۱ / ۱
 ابن حسین شریفی ۱۰۲ / ۱
 ابن راهویه ۱۱۰ / ۱
 ابن رفاعه هاشمی ۱۱۱ / ۱
 ابن زیاد نیشابوری ۱۱۱ / ۱
 ابن سلّمه نیشابوری ۱۱۵ / ۱
 ابن شاذکونی اصفهانی ۱۱۸ / ۱
 ابن شاه مردان ابهری ۱۱۹ / ۱
 ابن شیبب ۱۱۹ / ۱
 ابن شیخ شبستری ۱۲۱ / ۱
 ابن عاصم اصفهانی ۱۲۵ / ۱
 ابن عبدالباقی بخاری مکی ۱۲۵ / ۱
 ابن عبدوس نیشابوری ۱۲۶ / ۱
 ابن عماد خراسانی ۱۲۸ / ۱
 ابن عمید قمی ۱۲۸ / ۱
 ابن قنجه ۱۳۱ / ۱
 ابن فورک اصفهانی ۱۳۱ / ۱
 ابن قتیبه دینوری ۱۳۳ / ۱
 ابن کربویه رازی ۱۳۵ / ۱
 ابن مجاور شبیانی ۱۳۸ / ۱
 ابن محرز ۱۳۸ / ۱
 ابن مردویه اصفهانی ۱۴۰ / ۱
 ابن مسکویه ۱۴۰ / ۱
 ابن معین شیرازی ۱۴۴ / ۱
 ابن مقفع ۱۴۵ / ۱
 ابن منده اصفهانی ۱۴۶ / ۱
 ابن یحیی فریومدی ۱۵۲ / ۱
 ابوالبراهیم اسعد عتبی ۲۴۳ / ۱
 ابوالاحمد آفرانی ۴۲ / ۱
 ابوالاحمد ابدال چشتی ۸۱ / ۱
 ابوالاحمد محمد بن احمد حاکم نیشابوری ۲۳۹ / ۲
 ابوالاحمد محمد بن علی ابن عیدک گرگانی ۱۲۵ / ۱
 ابواسحاق ابراهیم ابن مقفل نسفی ۱۴۴ / ۱
 ابواسحاق ابراهیم اسفراینی ۲۴۳ / ۱
 ابواسحاق ابراهیم اصطخری فارسی ۲۶۱ / ۱
 ابواسحاق ابراهیم بن محمد حموی جوینی ۲۹۵ / ۲
 ابواسحاق ابراهیم خوّاص ۸۵ / ۱
 ابواسحاق ابراهیم ریاطی ۹۰ / ۳
 ابواسحاق ندیم ۸۶ / ۱
 ابواسماعیل احمد بن محمد شیخ عمو ۳۶۷ / ۳
 ابوالبرکه سمرقندی ۱۵۳ / ۱
 ابوالبقاء بقای نفرشی ۶۵ / ۲
 ابوالبقاء موسوی حسینی ابرقویی ۱۵۳ / ۱
 ابوالثناء محمود اصفهانی ۲۶۴ / ۱
 ابوالجیش مظفر بلخی خراسانی ۶۸ / ۲
 ابوالحرث حرب حقوری هروی ۲۸۴ / ۲
 ابوالحسن ۱۵۶ / ۱

- ابوالحسن آبری سیستانی ۲/۱
 ابوالحسن آگهی یزدی زرگر ۶۰/۱
 ابوالحسن آهنین ۷۶/۱
 ابوالحسن / ابوالحسین محمد ابن تمام دهقان ۹۸/۱
 ابوالحسن احمد ابن سیار مروزی ۱۱۵/۱
 ابوالحسن احمد ابن صلت اهوازی ۱۲۳/۱
 ابوالحسن احمد ابن مدبر ۱۳۹/۱
 ابوالحسن اصفهانی ۱۵۷/۱، ۲۶۳/۱
 ابوالحسن اصفهانی صنیع الملک معماریاشی ۶۰/۴
 ابوالحسن افشار ۱۵۷/۱
 ابوالحسن افشار ارموی ۱۵۷/۱
 ابوالحسن اقبال آذر ۲۷۶/۱
 ابوالحسن انجوی شیرازی ۳۰۹/۱
 ابوالحسن انگجی تبریزی ۳۱۳/۱
 ابوالحسن باخروزی ۵/۲
 ابوالحسن باقری یزدی ۱۰/۲
 ابوالحسن بشری سجزی ۶۱/۲
 ابوالحسن بن محمد حسن نقاش ۱۵۶/۱
 ابوالحسن بهاءالدین علی ابن ساعتی خراسانی ۱۱۲/۱
 ابوالحسن بهمنیار ۹۵/۲
 ابوالحسن بیگانه نیشابوری ۱۰۸/۲
 ابوالحسن پیرنیا ۱۲۸/۲
 ابوالحسن تهرانی ۱۵۷/۱
 ابوالحسن ثالث ۱۵۸/۱
 ابوالحسن جلوه ۲۰۴/۲
 ابوالحسن حریف جندقی ۲۵۶/۲
 ابوالحسن خان امید نهاوندی ۲۹۷/۱
 ابوالحسن خان تفرشی ۱۵۸/۱
 ابوالحسن خاور کرمانشاهی ۳۱۷/۲
 ابوالحسن دستغیب تمنای شیرازی ۱۵۸/۲
 ابوالحسن دستغیب شیرازی ۳۴/۳
 ابوالحسن راجی تبریزی ۶۹/۳
 ابوالحسن رضوی مشهدی ۱۱۶/۳
 ابوالحسن رفیعی قزوینی ۳۵۰/۴
 ابوالحسن سبزواری ۲۰۱/۳
 ابوالحسن سعید بن مسعود اخفش اوسط خوارزمی بلخی ۲۱۳/۱
 ابوالحسن شعرانی تهرانی ۳۱۹/۳
 ابوالحسن شکرریز یزدی ۳۲۷/۳
 ابوالحسن شهید بلخی ۳۵۷/۳
 ابوالحسن شیخ ۳۶۰/۳
 ابوالحسن شیدای یزدی ۳۷۲/۳
 ابوالحسن شیرازی ۱۵۸/۱، ۱۵۹
 ابوالحسن صبا ۲۰/۴
 ابوالحسن طالقانی ۸۴/۴
 ابوالحسن طباطبایی ۱۵۹/۱
 ابوالحسن طبری ۱۵۹/۱
 ابوالحسن طلحه ۱۵۹/۱
 ابوالحسن طوطی همدانی ۱۱۸/۴
 ابوالحسن عامری نیشابوری ۱۵۹/۱
 ابوالحسن علی الاعلی دستگردی اصفهانی ۲۰۱/۴
 ابوالحسن عمیدی نوری ۲۱۸/۴
 ابوالحسن غفاری کاشانی صنیع الملک ۶۰/۴
 ابوالحسن غفاری مستوفی کاشانی ۱۵۹/۱
 ابوالحسن فراهانی ۱۶۰/۱
 ابوالحسن فروغی اصفهانی ۲۸۶/۴
 ابوالحسن فیاضی ۳۱۱/۴
 ابوالحسن کاشانی ۱۲/۵
 ابوالحسن کرمانی ۱۶۰/۱
 ابوالحسن کوشیار گیلانی ۶۲/۵
 ابوالحسن لامعی گرگانی ۹۵/۵
 ابوالحسن محقق اصطهباناتی ۱۴۸/۵
 ابوالحسن محمد ابن ختویه نیشابوری ۱۰۳/۱
 ابوالحسن محمد ابن داوود قمی ۱۰۸/۱
 ابوالحسن محمد ابن شاذان قمی ۱۱۷/۱
 ابوالحسن محمد ابن طباطبایی اصفهانی ۱۲۴/۱
 ابوالحسن محمد ابن لنکک ۱۳۶/۱
 ابوالحسن مسگر خرم شیرازی ۲۲۴/۲
 ابوالحسن مشگینی ۲۴۸/۵
 ابوالحسن معاون الفقراش شیرازی ۲۶۳/۵
 ابوالحسن منشی ۱۶۰/۱
 ابوالحسن موسوی ۱۶۰/۱
 ابوالحسن مهدی ابن سرهنگ طبری ۱۱۳/۱
 ابوالحسن میرزا ۱۶۰/۱
 ابوالحسن میرزا شیخ رئیس قاجار ۳۶۳/۳
 ابوالحسن نادرالزمان مشهدی ۱۶۰/۱
 ابوالحسن ناصری کلهر کرمانشاهی ۱۱/۶
 ابوالحسن نجار ۱۶۱/۱
 ابوالحسن واعظ ریاضی برازجانی ۱۴۵/۳
 ابوالحسن ورزی ۱۰۷/۶
 ابوالحسن هنر جهرمی فارسی ۱۵۰/۶

- ابوالحسن آوی ۷۵/۱
 ابوالحسن ابن تفاع ۹۸/۱
 ابوالحسن ابن عجم فارسى ۱۲۶/۱
 ابوالحسن حداد هروى ۲۵۵/۲
 ابوالحسن طاهر سجزى طبيب ۸۹/۴
 ابوالحسن طزرى ۱۰۹/۴
 ابوالحسن فارسى ۱۶۱/۱
 ابوالحسن كشكرايا ۱۶۱/۱
 ابوالحسن محمد ابن جنيد رازى ۱۰۰/۱
 ابوالحسن محمد بن حسين ابن عبدالوارث فارسى ۱۲۵/۱
 ابوالحسن وراق ۱۶۱/۱
 ابوالحمد بن محمد شفيح ۱۶۲/۱
 ابوالحى قنيلى بخاراى ۳۴۱/۴
 ابوالخير حسن بن سوار ابن خمار ۱۰۷/۱
 ابوالخير حسنى ۱۶۴/۱
 ابوالخير رضى الدين طالقانى ۱۱۷/۳
 ابوالخير زيد بن عبدالله ابن رفاعه هاشمى ۱۱۱/۱
 ابوالطيب سرخسى ۱۷۴/۱
 ابوالطيب عبدالملك آفرانى ۴۲/۱
 ابوالعباس احمد ابن بابا كاشانى ۹۴/۱
 ابوالعباس احمد ابن شريج ۱۱۴/۱
 ابوالعباس احمد ابن شاذان قمى ۱۱۷/۱
 ابوالعباس احمد ابن قاص طبرى ۱۳۲/۱
 ابوالعباس احمد بن محمد ابن عطا آدمى ۱۲۸/۱
 ابوالعباس ارزبى ۱۷۴/۱
 ابوالعباس باوردى ۱۹/۲
 ابوالعباس بشتى ۶۱/۲
 ابوالعباس رينجنى ۱۷۴/۱
 ابوالعباس سهروردى ۲۶۲/۳
 ابوالعباس مروى ۱۷۵/۱
 ابوالعباس معين الدين ابن ابى الخير زركوب ۸۹/۱
 ابوالعز محمد ابن خراسانى ۱۰۴/۱
 ابوالعلاء آبسكونى ۲/۱
 ابوالعلاء شوشترى ۱۷۶/۱
 ابوالعلاء فارسى ۱۷۶/۱
 ابوالعلاء قاضى صاعد استواى نيشابورى ۳۳۰/۴
 ابوالعلاء محمد همدانى ۱۰۱/۱
 ابوالفتح انجو ۳۰۹/۱
 ابوالفتح لوژن بختيارى ۳۱۹/۱
 ابوالفتح بندار رازى ۷۲/۲
 ابوالفتح تبريزى ۱۷۹/۱
 ابوالفتح حاتمى هروى ۲۲۸/۲
 ابوالفتح خازنى ۳۰۹/۲
 ابوالفتح خان دهقان سامانى ۵۲/۳
 ابوالفتح خان زند ۱۷۹/۱
 ابوالفتح دانشور بختيارى ۱۴/۳
 ابوالفتح دواى لاهيجى ۴۴/۳
 ابوالفتح سهل بن احمد ارغوانى ۲۳۲/۱
 ابوالفتح شريفى حسنى ۳۱۶/۳
 ابوالفتح طوطى جواشبر قرهباغى ۱۱۸/۴
 ابوالفتح عبدالسلام ابن سالبه ۱۱۲/۱
 ابوالفتح گنابادى ۱۷۹/۱
 ابوالفتح محمد شهرستانى ۳۵۲/۳
 ابوالفتح آوى ۷۵/۱
 ابوالفتح احمد بن محمد غزالى طوسى ۲۳۳/۴
 ابوالفرج اصفهانى ۱۸۰/۱
 ابوالفرج رونى ۱۸۱/۱
 ابوالفرج سگزى ۱۸۱/۱
 ابوالفرج على ابن هندو ۱۵۱/۱
 ابوالفضل بلعمى ۶۸/۲
 ابوالفضل جامى ۱۸۱/۲
 ابوالفضل چلبى بيگ علامى ۲۲۳/۲
 ابوالفضل زاهدى ۱۵۲/۳
 ابوالفضل شعبى آفرانى ۴۲/۱
 ابوالفضل لسانى ۹۹/۵
 ابوالفضل ميبدى ۳۲۳/۵
 ابوالفضل همایى شادمان اصفهانى ۲۸۲/۳
 ابوالفيض افشار ۱۸۲/۱
 ابوالقاسم ۱۸۲/۱، ۱۸۳
 ابوالقاسم آذر تبريزى ۲۰/۱
 ابوالقاسم آزاد مراغه‌اى ۲۷/۱
 ابوالقاسم آشوب تهرانى ۳۷/۱
 ابوالقاسم ابراهيمى ۸۷/۱
 ابوالقاسم اديب همدانى ۲۲۳/۱
 ابوالقاسم اشراق شيرازى ۲۵۴/۱
 ابوالقاسم اشكورى ۲۶۰/۱
 ابوالقاسم اصفهانى ۱۸۲/۱
 ابوالقاسم اعتمادى ۲۶۹/۱
 ابوالقاسم افصح المتكلمين ۲۷۳/۱
 ابوالقاسم امام جمعه تهرانى ۲۸۵/۱

- ابوالقاسم انجدانی فراهانی ۱۸۲/۱
 ابوالقاسم انجوی شیرازی ۳۰۹/۱
 ابوالقاسم ایروانی ۳۲۴/۱
 ابوالقاسم برقی ۴۲/۲
 ابوالقاسم بشر یاسین ۶۱/۲
 ابوالقاسم بلیانی کازرونی ۶۹/۲
 ابوالقاسم بن آقا میرزا محمد منجم ۱۸۲/۱
 ابوالقاسم بن میرزا محمد ۱۸۲/۱
 ابوالقاسم بیضاوی ۳۲۲/۴
 ابوالقاسم پورحسینی ۱۲۳/۲
 ابوالقاسم تمکین شیرازی ۱۵۷/۲
 ابوالقاسم جنید قاینی ۳۳۶/۴
 ابوالقاسم حالت ۲۴۰/۲
 ابوالقاسم حایری لاهیجی ۲۴۶/۲
 ابوالقاسم حبیب‌اللهی ۲۵۱/۲
 ابوالقاسم حبیب شیرازی ۲۴۹/۲
 ابوالقاسم حبیب یزدی ۲۵۰/۲
 ابوالقاسم حجت حایری طباطبایی ۲۵۴/۲
 ابوالقاسم حسن ابن حبیب نیشابوری ۱۰۰/۱
 ابوالقاسم حسین نویختی ۲۷۶/۲
 ابوالقاسم حسینی ۱۸۳/۱
 ابوالقاسم حسینی اصفهانی ۱۸۳/۱
 ابوالقاسم حسینی موسوی میرزا کوچک اصفهانی ۳۳۱/۵
 ابوالقاسم حماد راویه ۲۹۲/۲
 ابوالقاسم خالو (فغانی) ۱۸۳/۱
 ابوالقاسم خویی ۳۴۹/۲
 ابوالقاسم دامغانی ۸/۳
 ابوالقاسم دبیر شیرازی ۲۰/۳
 ابوالقاسم دهکردی اصفهانی ۵۳/۳
 ابوالقاسم ذوقی اصفهانی ۶۵/۳
 ابوالقاسم راز شیرازی ذهبی ۷۱/۳
 ابوالقاسم راضی تهرانی ۸۲/۳
 ابوالقاسم راغب اصفهانی ۸۲/۳
 ابوالقاسم رشتی گیلانی اصفهانی ۱۰۳/۳
 ابوالقاسم رضایت ۸۲/۳
 ابوالقاسم زید جعفری ۲۰۰/۲
 ابوالقاسم سجادی دژه ۶۲/۳
 ابوالقاسم سدهی اصفهانی ۲۱۲/۳
 ابوالقاسم سکوت شیرازی ۲۳۰/۳
 ابوالقاسم سلطان الحکما ۲۳۴/۳
 ابوالقاسم سید شیرازی ۲۷۳/۳
 ابوالقاسم شعری شیرازی ۳۱۹/۳
 ابوالقاسم شعوری هروی ۳۲۱/۳
 ابوالقاسم شکرایی ۳۲۷/۳
 ابوالقاسم شمشیرگر هجری قمی ۱۲۸/۶
 ابوالقاسم شیرازی ۱۸۳/۱
 ابوالقاسم شیفته همدانی ۳۸۰/۳
 ابوالقاسم صفوی اصفهانی نجفی ۵۲/۴
 ابوالقاسم ضیاءالملاء ۷۵/۴
 ابوالقاسم طالقانی کجوری مازندرانی ۸۶/۴
 ابوالقاسم طاهری ۹۰/۴
 ابوالقاسم طباطبایی تبریزی حایری ۹۴/۴
 ابوالقاسم عارف قزوینی ۱۳۳/۴
 ابوالقاسم عبدالرحمن ابن ابی صادق ۹۰/۱
 ابوالقاسم عبدالرحمن ابن منده اصفهانی ۱۴۶/۱
 ابوالقاسم عبدالله آبتونی گرگانی ۲/۱
 ابوالقاسم عبدالله / عبیدالله ابن حیدر قزوینی ۱۰۳/۱
 ابوالقاسم عبیدالله ابن خرداذبه ۱۰۵/۱
 ابوالقاسم عبیدالله حاکم حسکانی ۲۳۹/۲
 ابوالقاسم علی ابن سمنانی ۱۱۵/۱
 ابوالقاسم فردوسی ۲۷۸/۴
 ابوالقاسم فروهر ۲۸۷/۴
 ابوالقاسم فرهنگ شیرازی ۲۸۹/۴
 ابوالقاسم فندرسکی ۳۰۶/۴
 ابوالقاسم فیوضات ۳۱۶/۴
 ابوالقاسم قائم مقام فراهانی ۳۱۷/۴
 ابوالقاسم قائمی ۳۱۹/۴
 ابوالقاسم قاری مشهدی خراسانی ۳۲۰/۴
 ابوالقاسم / قاسم امری شیرازی ۲۹۵/۱
 ابوالقاسم قربانی ۳۴۵/۴
 ابوالقاسم قشیری نیشابوری ۱۸۴/۱
 ابوالقاسم قمی ۱۸۴/۱
 ابوالقاسم قمی لاهوری ۳۶۹/۴
 ابوالقاسم کاشانی ۱۱، ۹/۵
 ابوالقاسم کاشی ۱۸۴/۱
 ابوالقاسم کرباسی ۲۹/۵
 ابوالقاسم کلاتری تهرانی ۴۷/۵
 ابوالقاسم کوچک ۵۱/۱
 ابوالقاسم گرجی ۷۴/۵
 ابوالقاسم گلپایگانی ۷۸/۵

- ابوالقاسم لاهوتی کرمانشاهی ۹۶/۵
 ابوالقاسم لاهیجی ۹۷/۵
 ابوالقاسم لیشی سمرقندی ۱۱۱/۵
 ابوالقاسم مامقانی ۱۱۷/۵
 ابوالقاسم مذهب‌باشی شیرازی ۱۸۴/۱
 ابوالقاسم مذهب یزدی ۱۸۵/۱
 ابوالقاسم مرتضوی ۲۰/۱
 ابوالقاسم مستوفی جاوید اصفهانی ۱۸۴/۲
 ابوالقاسم مشهدی ۱۸۵/۱
 ابوالقاسم مصحح مشهدی ۱۸۵/۱
 ابوالقاسم موسوی ۱۸۵/۱
 ابوالقاسم موسوی لاهیجانی ۳۰۸/۵
 ابوالقاسم نباتی قراچه داغی تبریزی ۱۹/۶
 ابوالقاسم نجفی اردوبادی ۲۲۹/۱
 ابوالقاسم نیازی ۷۹/۶
 ابوالقاسم نیریزی ۱۸۵/۱
 ابوالقاسم هیة‌الله ابن بودی شیرازی ۹۸/۱
 ابوالقاسم هجری تفرشی ۱۲۷/۶
 ابوالمثل بخاری ۱۸۵/۱
 ابوالمجد محدود بن آدم سنایی غزنوی ۲۵۶/۳
 ابوالمحاسن محمد ابن ساوجی ۱۱۳/۱
 ابوالمظفر بن محمد بن انوشنگین قرچهای ۱۹۶/۱
 ابوالمظفر حبال ترمذی ۱۴۸/۲
 ابوالمظفر طاهر اسفراینی طوسی ۲۴۵/۱
 ابوالمظفر مکی ۱۸۶/۱
 ابوالمظفر نصر استغنائی نیشابوری ۲۳۷/۱
 ابوالمظفر یوسف ابن حمویه جوینی ۱۰۳/۱
 ابوالمعالی اصفهانی ۱۸۷/۱
 ابوالمعالی بن وشمگیر ۳۰۰/۱
 ابوالمعالی حسینی ۱۸۷/۱
 ابوالمعالی رازی دهخدا ۵۰/۳
 ابوالمعالی شوشتری ۱۸۷/۱
 ابوالمعالی عبدالملک امام‌الحرمین جوینی ۲۸۷/۱
 ابوالمعالی محمد ابن خاتون طوسی ۱۰۳/۱
 ابوالمعالی نحاس رازی اصفهانی ۱۸۷/۱
 ابوالمعصوم بن موسی سلطان موصلو ۱۸۸/۱
 ابوالمفاخر رازی ۱۸۸/۱
 ابوالمفاخر عمر ابن مظفر شیرازی ۱۴۳/۱
 ابوالمکارم جامی ۱۸۸/۱
 ابوالمکارم حاضری مشهدی ۲۳۳/۲
 ابوالمکارم شهود ۳/۳
 ابوالمکارم مرشدی ۱۸۸/۱
 ابوالمؤید بلخی ۶۷/۲
 ابوالمؤید عمر ابن مظفر شیرازی ۱۴۳/۱
 ابوالنصر فتح‌الله خان شیبانی کاشانی ۳۶۰/۳
 ابوالوجد/ابوالواحد فارغی هروی ۲۵۲/۴
 ابوالوفا محمد بوزجانی ۷۵/۲
 ابوالوفای تبریزی ۱۹۲/۱
 ابوالوفای خوارزمی ۱۹۲/۱
 ابوالوفاء محمد ابن ابی‌المناقب اخسیکشی ۹۱/۱
 ابوالوفاء محمود بن ابراهیم ابن منده اصفهانی ۱۴۷/۱
 ابوالولی انجوی حسینی شیرازی ۱۹۲/۱
 ابوالولید حسن دربندی بلخی ۲۲/۳
 ابوالهادی تبریزی ۱۹۲/۱
 ابوالهادی قزوینی ۱۹۲/۱
 ابوالهادی یزدی ۱۹۳/۱
 ابوالهدی کرباسی ۲۹/۵
 ابوالهیجا مقاتل ابن عطیه ۱۲۸/۱
 ابویوب سلیمان بن داوود منقری ۱۱۸/۱
 ابوبکر جامی ۱۸۱/۲
 ابوبکر خرقی مروزی ۳۲۴/۲
 ابوبکر خسروی بخارایی ۳۲۷/۲
 ابوبکر رازی ۷۱/۳
 ابوبکر زین‌الدین خوانی ۱۷۹/۳
 ابوبکر ساعت‌ساز یزدی ۱۵۴/۱
 ابوبکر سکاکی ۲۲۹/۳
 ابوبکر شبلی خراسانی ۳۰۱/۳
 ابوبکر صندل ۱۵۴/۱
 ابوبکر صیدلانی ۶۵/۴
 ابوبکر طمسانی ۱۵۴/۱
 ابوبکر عتیق سوراآبادی ۲۶۰/۳
 ابوبکر فالیزیان ۲۵۸/۴
 ابوبکر قطبی اهری ۳۶۳/۴
 ابوبکر نساج طوسی ۳۴/۶
 ابوتراب آل آقا کرمانشاهی ۶۱/۱
 ابوتراب اسدآبادی ۱۵۵/۱
 ابوتراب اصفهانی ۱۴۳/۲
 ابوتراب اعتمادالشریفة اصطهباناتی ۲۶۹/۱
 ابوتراب جلی ۲۰۵/۲
 ابوتراب حجاب اصفهانی ۲۵۲/۲

- ابوتراب حسینی ۱۵۵/۱
 ابوتراب رازانی ۷۱/۳
 ابوتراب علوی همدانی ۱۵۵/۱
 ابوتراب غفاری ۱۵۵/۱
 ابوتراب فروتنی جوشقانی کاشانی ۲۸۲/۴
 ابوتراب قاضی ۳۳۶/۴
 ابوتراب کاشانی ۱۵۵/۱
 ابوتراب ماحوزی بحرانی ۲۲/۲
 ابوتراب محروم رازی ۱۴۵/۵
 ابوتراب مشهدی ۱۴۴/۲
 ابوتراب میرزا فراخی فاجار ۲۷۳/۴
 ابوتمام بروجردی ۲۳/۲
 ابوثابت رازی ۱۵۶/۱
 ابوجبرئیل بختیشوع ۲۷/۲
 ابوجعفر احمد ابن ابی آشعث فارسی ۸۷/۱
 ابوجعفر احمد بن حسن ابن خرواش خراسانی ۱۰۵/۱
 ابوجعفر احمد بن عبید ابو عصبه کوفی ۱۷۶/۱
 ابوجعفر احمد بن محمد اشعری قمی ۲۵۹/۱
 ابوجعفر برقی ۴۲/۲
 ابوجعفر حاسب طبری ۲۳۳/۲
 ابوجعفر دامغانی ۷/۳
 ابوجعفر سائب خاثر ۱۸۷/۳
 ابوجعفر عمر بن احمد ابن شاهین ۱۱۹/۱
 ابوجعفر محمد ابن اورمه قمی ۹۴/۱
 ابوجعفر محمد ابن بابویه قمی ۹۵/۱
 ابوجعفر محمد ابن بطله قمی ۹۶/۱
 ابوجعفر محمد ابن حمزه طوسی ۱۰۲/۱
 ابوجعفر محمد ابن شهر آشوب سرری مازندرانی ۱۲۱/۱
 ابوجعفر محمد بن احمد اشعری قمی ۲۵۹/۱
 ابوجعفر محمد بن حارث ۱۵۶/۱
 ابوجعفر محمد بن حسن ابن ولید قمی ۱۵۰/۱
 ابوجعفر محمد بن حسن شیخ طوسی ۳۶۵/۳
 ابوجعفر محمد بن عاصم ثقفی ابن عاصم اصفهانی ۱۲۵/۱
 ابوجعفر محمد بن عبدالرحمن ابن قیه رازی ۱۳۲/۱
 ابوجعفر محمد بن عبدالله اسکافی ۲۴۶/۱
 ابوجعفر محمد بن عبدالله بلخی/ هندوانی ۱۶۲/۱
 ابوحاتم محمد ابن حیثان تمیمی بُستی ۱۰۰/۱
 ابوحاتم مظفر اسفزاری ۲۴۵/۱
 ابو حامد احمد ابن بشر مروودی ۹۶/۱
 ابو حامد احمد ابن خسرویه بلخی ۱۰۶/۱
 ابو حامد احمد ابن شرقی نیشابوری ۱۲۰/۱
 ابو حامد احمد اسفراینی ۲۴۴/۱
 ابو حامد احمد بن حسین ابن طبری مروزی ۱۲۴/۱
 ابو حامد احمد دلوی استوایی ۴۲/۳
 ابو حامد اوحدالدین احمد اوحدی کرمانی ۳۱۷/۱
 ابو حامد دوستان ۴۵/۳
 ابو حامد عبدالعزیز جیلی ۲۲۰/۲
 ابو حامد محمد بن محمد غزالی طوسی ۲۳۲/۴
 ابو حرب ۱۵۶/۱
 ابو حفص حداد نیشابوری ۱۶۱/۱
 ابو حفص خوزی ۱۶۲/۱
 ابو حفص سراج الدین بلیقینی ۷۰/۲
 ابو حفص سُغدی ۱۶۲/۱
 ابو حفص عمر آجری ۶/۱
 ابو حفص عمر بروجردی ۴۴/۲
 ابو حنیفه اسکافی مروزی ۱۶۲/۱
 ابو حنیفه صغیر ۱۶۲/۱
 ابو حنیفه نعمان بن ثابت تیمی ۱۶۲/۱
 ابوذر اسعد ابن بُندار یزدی ۹۷/۱
 ابوذر بوزجانی ۱۶۴/۱
 ابوذر ترمذی ۱۴۸/۲
 ابوذر عبد/ عبدالله هروی ۱۳۳/۶
 ابورشاد احمد بن محمد اخسیکشی ۲۱۲/۱
 ابوریحان بیرونی ۱۰۳/۲
 ابوزرع اردبیلی ۱۶۵/۱
 ابوزرع رازی ۱۶۵/۱
 ابوزکریا یحیی بن عبدالوهاب ابن منده اصفهانی ۱۴۷/۱
 ابوزکریا یحیی بن علی خطیب تبریزی ۳۳۰/۲
 ابوزید کاشانی ۱۶۶/۱
 ابوسعید / ابوسعید منصور آبی ۲/۱
 ابوسعید فضل آذیوخانی ۲۲/۱
 ابوسعید ابوالخیر ۱۶۶/۱
 ابوسعید / ابوسعید عبدالرحمن ابن دوست ۱۰۸/۱
 ابوسعید امامی ۱۶۷/۱
 ابوسعید جرجانی ۱۶۷/۱
 ابوسعید حسن بن احمد شافعی اصطخری ۲۶۰/۱
 ابوسعید حسینی ۱۶۷/۱
 ابوسعید خلیل ابن جنگ سجری ۹۹/۱
 ابوسعید سهل آدمی رازی ۱۸/۱
 ابوسعید عبدالحمید امیرالکتاب ملک الکلامی ۳۰۰/۱

- ابوسعید محمد ابن طحان بیهقی نیشابوری ۱۲۴/۱
 ابوسلمه باوردی ۱۹/۲
 ابوسلیک گرگانی ۱۶۷/۱
 ابوسهل ازجانی ۲۲۵/۱
 ابوسهل فارسی ۱۶۸/۱
 ابوسهل کوهی ۱۶۸/۱
 ابوسهل نوبختی ۱۶۹/۱
 ابوشرف یحیی ابن شیرزاد خاقانی ۱۲۲/۱
 ابوشریف سلطان محمد قاینی ۳۳۵/۴
 ابوشکور بلخی ۱۷۰/۱
 ابوصالح خلف آملی بخاری ۷۲/۱
 ابوصالح رضوی ۱۱۵/۳
 ابوضحاک فیروز دیلمی ۵۴/۳
 ابوطالب اصفهانی ۱۷۲/۱، ۲۶۵
 ابوطالب تبریزی ۱۷۱/۱
 ابوطالب حسینی اصفهانی ۲۶۵/۱
 ابوطالب حسینی خطیب قمی ۱۷۲/۱
 ابوطالب حسینی نیریزی ۱۷۲/۱
 ابوطالب رشتی ۱۰۲/۳
 ابوطالب رضوی شیرازی ۱۷۲/۱
 ابوطالب زاهدی گیلانی ۱۵۲/۳
 ابوطالب زهره بروجنی ۱۷۶/۳
 ابوطالب شیرازی ۸۲/۴
 ابوطالب صارمی ۱۲/۴
 ابوطالب فندرسکی استرآبادی اصفهانی ۲۶۵/۱
 ابوطالب قاینی خراسانی ۳۳۹/۴
 ابوطالب قمی ۳۶۹/۴
 ابوطالب کزازی سلطانآبادی ۲۳۱/۳
 ابوطالب کلیم کاشانی ۵۰/۵
 ابوطالب مجتهد زنجان‌ی ۱۷۳/۳
 ابوطالب مدرس همدانی ۱۷۲/۱
 ابوطالب مذهب اصفهانی ۱۷۲/۱
 ابوطالب مقیمی ۲۸۲/۵
 ابوطالب نواب شیرازی ۱۷۳/۱
 ابوطالب هلال کاشانی ۱۴۰/۶
 ابوطالب همدانی ۱۴۸/۶
 ابوطاهر بن محمد حمزه بن حسن ۱۷۳/۱
 ابوطاهر طیب خسروانی خراسانی ۳۲۶/۲
 ابوعبدالرحمن قتیبة آزادانی ۲۶/۱
 ابوعبدالله احمد آملی طبری ۷۳/۱
 ابوعبدالله احمد بن محمد جیهانی ۲۲۰/۲
 ابوعبدالله باذنی ۷/۲
 ابوعبدالله بلخی ۶۸/۲
 ابوعبدالله بن فارسی ۱۳۰/۱
 ابوعبدالله جریر آبی ۳/۱
 ابوعبدالله جعفر بن زیاد کوفی احمر ۲۰۹/۱
 ابوعبدالله زنجانی ۱۷۳/۳
 ابوعبدالله سجزی ۲۰۷/۳
 ابوعبدالله سلمان / سلیمان خلوانی ابن فتی ۱۳۰/۱
 ابوعبدالله عبدالواحد آغزونی ۴۱/۱
 ابوعبدالله محمد آزادواری جوینی نیشابوری ۲۹/۱
 ابوعبدالله محمد ابن جراح ۹۹/۱
 ابوعبدالله محمد ابن حمویه جوینی ۱۰۳/۱
 ابوعبدالله محمد ابن خفیف ۱۰۶/۱
 ابوعبدالله محمد ابن رزین رازی اصفهانی ۱۱۱/۱
 ابوعبدالله محمد ابن صُرَیس رازی ۱۲۳/۱
 ابوعبدالله محمد ابن عاصم اصفهانی ۱۲۵/۱
 ابوعبدالله محمد ابن فاذشاه اصفهانی ۱۲۹/۱
 ابوعبدالله محمد ابن ماجه قزوینی ۱۳۶/۱
 ابوعبدالله محمد ابن منده اصفهانی ۱۴۸/۱
 ابوعبدالله محمد ابن نقیب بلخی ۱۵۰/۱
 ابوعبدالله محمد ابن هندویه فارسی ۱۵۱/۱
 ابوعبدالله محمد ارغیانی اسفنجی نیشابوری ۲۳۲/۱
 ابوعبدالله محمد امیر معزی نیشابوری ۳۰۱/۱
 ابوعبدالله محمد انصاری اکفانی سنجاری ۲۷۹/۱
 ابوعبدالله محمد ایلاقی ۳۲۵/۱
 ابوعبدالله محمد بن جعفر ابن مشهدی حائری ۱۴۱/۱
 ابوعبدالله محمد بن علی حکیم تومدی ۲۸۸/۲
 ابوعبدالله محمد بن محمودیه آوجی ۷۵/۱
 ابوعبدالله محمد حاکم نیشابوری ۲۴۰/۲
 ابوعبدالله محمد صالح رضوی سمرقندی ۱۱۵/۳
 ابوعبدالله نصر ابن ابی مریم شیرازی ۹۱/۱
 ابوعثمان اسماعیل صابونی نیشابوری ۴/۴
 ابوعثمان سعدان ابن مبارک ۱۳۷/۱
 ابوعصمة نوح ابن ابی مریم مروزی ۹۱/۱
 ابوعلی احمد ابن رُسته ۱۱۱/۱
 ابوعلی احمد ابن سمکه قمی ۱۱۵/۱
 ابوعلی احمد ابن شادان ۱۱۷/۱
 ابوعلی احمد ابن مندویه اصفهانی ۱۴۶/۱
 ابوعلی بلخی ۶۸/۲

- ابوعلی بلعمی ۶۹/۲
 ابوعلی بوته گر ۷۴/۲
 ابوعلی جوزجانی ۲۱۴/۲
 ابوعلی حسن دقاق نیشابوری ۳۹/۳
 ابوعلی حسین ابن ضحاک باهلی ۱۲۳/۱
 ابوعلی حسین بن عبدالله ابن سینا ۱۱۶/۱
 ابوعلی زرگر ۱۷۷/۱
 ابوعلی سندی ۱۷۷/۱
 ابوعلی سیاه ۱۷۷/۱
 ابوعلی عبدالله بن محمد بلخی ۶۸/۲
 ابوعلی محمد ابن مثله ۱۴۵/۱
 ابوعلی محمد اسکافی ۲۴۶/۱
 ابوعلی محمد حایری طبرسی مازندرانی ۲۴۵/۲
 ابوعلی مروزی ۱۷۸/۱
 ابوعلی یحیی ابن ابی منصور منجم فارسی ۹۱/۱
 ابوعمرو اسماعیل ابن نجید نیشابوری ۱۴۹/۱
 ابوعمرو سهل ابن هارون دشت میشانی ۱۵۰/۱
 ابوعمرو عبدالوهاب ابن منده اصفهانی ۱۴۸/۱
 ابوعمرو نیشابوری اسفراینی ۱۷۸/۱
 ابوغانم رازی ۱۷۸/۱
 ابوکامل احمد ابن نصیر آنترودانی ۱۴۹/۱
 ابولیت طبری گرکانی ۱۸۵/۱
 ابوماهر/ابوعمران موسی ابن سیار شیرازی ۱۱۵/۱
 ابو محمد ۱۸۶/۱
 ابو محمد اصفهانی ۱۸۶/۱
 ابو محمد بدیع بلخی ۳۲/۲
 ابو محمد تبریزی ۱۳۶/۲
 ابو محمد جبرئیل بن عؤن آفرانی ۴۲/۱
 ابو محمد جعفر ابن رازی ۱۰۹/۱
 ابو محمد حداد ۲۵۵/۲
 ابو محمد حسن ابیوردی ۱۹۵/۱
 ابو محمد سلیمان بن مهران اعمش ۲۷۰/۱
 ابو محمد عبدالرحمن ابن ابی حاتم رازی ۸۸/۱
 ابو محمد عبدالرحمن ابن ابی شریح انصاری هروی ۸۹/۱
 ابو محمد عبدالرحمن ابن خیراش مروزی ۱۰۵/۱
 ابو محمد عبدالله ابن حمویه جوینی سرخسی ۱۰۳/۱
 ابو محمد عبدالله ابن شیرویه نیشابوری ۱۲۲/۱
 ابو محمد عبدالله ابن لبان اصفهانی ۱۳۵/۱
 ابو محمد عبدالله ابن هارون توزی ۱۵۰/۱
 ابو محمد عبدالله بن جعفر ابن دُرستویه فسوی ۱۰۸/۱
 ابو محمد عبدالله بن محمد ابوالشیخ اصفهانی ۱۷۰/۱
 ابو محمد عبدالله بن محمد کلاباذی استاد سیدمونی بخاری ۲۳۴/۱
 ابو محمد عبدالله بن مسلم ابن قتیبه دینوری ۱۳۳/۱
 ابو مسلم عبدالرحمن ابن مهران ۱۴۸/۱
 ابو منصور حسین ابن زبیه ۱۱۱/۱
 ابو منصور سوخته ۱۸۹/۱
 ابو منصور گازر ۷۳/۵
 ابو منصور محمد بن عبدالرزاق ۱۸۸/۱
 ابو منصور محمد سمرقندی ابن قتلش ۱۳۳/۱
 ابو منصور معمر بن احمد اصفهانی ۲۶۲/۱
 ابو موسی ابراهیم آزادواری ۲۹/۱
 ابو موسی هارون آزادواری جوینی ۲۹/۱
 ابو نصر خانچه بادی هروی ۳۱۴/۲
 ابو نصر طالقانی ۱۸۹/۱
 ابو نصر گیلانی ۱۹۰/۱
 ابو نصر محمد ابن تانه خرجانی ۹۸/۱
 ابو نصر منصور بن علی ابن عراق ۱۲۷/۱
 ابو نصر ناصرالدین مهنه ۱۹۱/۱
 ابویزید آل مظفر ۱۹۳/۱
 ابویعقوب اسحاق بن ابراهیم مروزی ۱۱۰/۱
 ابویعقوب اهوازی ۱۹۳/۱
 ابویعقوب همدانی ۱۹۴/۱
 ابویعلی اسحاق صابونی نیشابوری ۴/۴
 ابویوسف عبدالسلام ابن بُنّدار قزوینی ۹۷/۱
 ابویوسف یعقوب بن اسحاق ابن سبکیت ۱۱۴/۱
 اتابک سعد زنگی ۱۹۵/۱
 آتسز خوارزمشاه ۱۹۶/۱
 اثیراخیسکی ۱۹۷/۱
 اثیرالدین ابهری سمرقندی ۱۹۷/۱
 اثیرالدین فتوحی مروزی ۲۶۵/۴
 احد حسینی ۱۹۸/۱
 احسان طبری ۹۹/۴
 احسنی خوانساری ۲۰۰/۱
 احمد ۲۰۷، ۲۰۰/۱
 احمد آدمی چاپچی ۱۷/۱
 احمد آذینی اصفهانی ۲۲/۱
 احمد آرام ۲۳/۱
 احمد آزاد ۲۵/۱
 احمد آشتیانی ۳۳/۱
 احمد آل عصفور ۶۶/۱

- احمد آملی ۶۹/۱
احمد آملی طبری ۷۳/۱
احمد ابطی شیرازی ۸۷/۱
احمد ابن سالبه بیضاوی ۱۱۳/۱
احمد ابن شاذان ۱۱۷/۱
احمد ابن فارس رازی ۱۲۹/۱
احمد ابن فوات رازی ۱۳۰/۱
احمد ابن فقیه همدانی ۱۳۰/۱
احمد ابن هارون عسکری ۱۵۱/۱
احمد ابوالولید هروی ۱۹۲/۱
احمد احسانی ۱۹۸/۱
احمد اخوینی بخارانی ۲۱۵/۱
احمد ادیب پیشاوری ۲۱۷/۱
احمد ادیب شیبانی کاشانی ۲۱۹/۱
احمد ادیب صفوی ۲۲۰/۱
احمد ادیب گرمانی ۲۲۱/۱
احمد اردستانی طباطبایی ۲۲۷/۱
احمد ارسنجانی ۲۳۱/۱
احمد اشتری ۲۰۱/۱
احمد اصطهباناتی ۲۶۱/۱
احمد اصفهانی ۲۰۳، ۲۰۱/۱
احمد الفت کردستانی ۲۸۱/۱
احمد الهامی کرمانشاهی ۲۸۳/۱
احمد امین الاطباء رشتی ۳۰۶/۱
احمد انجوی شیرازی ۳۱۰/۱
احمد بخاری ۲۰۱/۱
احمد بدل فارسی ۳۱/۲
احمد بدیع الممالک ۳۵/۲
احمد بصیرت ۲۰۱/۱
احمد بن ابراهیم سیاری ۲۶۸/۳
احمد بن ابراهیم عبدوی نیشابوری ۱۶۴/۴
احمد بن ابراهیم مانک ۱۷۵/۱
احمد بن ابی عمران صرام هروی ۴۱/۴
احمد بن ابی نصر ۲۰۱/۱
احمد بن ازهر ابوالاظهر عبدی نیشابوری ۱۵۳/۱
احمد بن اسحاق صیفی نیشابوری ۲۵/۴
احمد بن اسماعیل جرجانی ۲۵۱/۱
احمد بن ایزدی ۲۰۱/۱
احمد بن بکر عبدی فسوی ۱۶۵/۴
احمد بن ثابت طرقي اصفهانی ۱۰۹/۴
احمد بن جعفر دینوری ۵۸/۳
احمد بن حسن ۲۰۱/۱
احمد بن حسن ابوالهثیم گرگانی ۱۹۳/۱
احمد بن حسن ابوشجاع اصفهانی ۱۶۹/۱
احمد بن حسن جابرردی ۱۸۰/۲
احمد بن حسن رازی ۷۴/۳
احمد بن حسن صاحب‌دیوان شمس میمندهی ۳۴۰/۳
احمد بن حسین باخرزی ۶/۲
احمد بن حسین بدیع الزمان همدانی ۳۵/۲
احمد بن حسین بیهقی خسروجرودی ۱۱۲/۲
احمد بن حسین جزایری شوشتری ۱۹۱/۲
احمد بن حسین دینوری کسار ۵۹/۳
احمد بن حسین رازی ۷۶/۳
احمد بن حمدان ابوحاتم لیثی رازی ۱۵۶/۱
احمد بن حنبل ۲۰۲/۱
احمد بن داوود دینوری ۵۷/۳
احمد بن سعید دارمی سرخسی ۵/۳
احمد بن سلمه یزاز ۱۱۵/۱
احمد بن سلیمان عبّادانی ۱۴۰/۴
احمد بن سهل ابوزید بلخی ۱۶۵/۱
احمد بن شیرویه دیلمی همدانی ۵۶/۳
احمد بن طیب ابوالعباس سرخسی ۱۷۴/۱
احمد بن طیفور خراسانی ۹۰/۱
احمد بن عبدالغنی نجار ۲۰۲/۱
احمد بن عبدالله حبش حاسب مروزی ۲۴۷/۲
احمد بن عبدالله رازی صنعایی ۸۰/۳
احمد بن عبدالله / عبیدالله ابونعیم اصفهانی ۱۹۱/۱
احمد بن عطا رودباری ۱۳۴/۳
احمد بن علی ابن لال همدانی ۱۳۵/۱
احمد بن علی بیهقی ۱۱۰/۲
احمد بن علی حسنی داوودی ۲۶۹/۲
احمد بن علی رازی ۷۱/۳
احمد بن علی رازی نیشابوری ۸۱/۳
احمد بن علی سلیمانی بیکندهی ۱۰۷/۲
احمد بن علی مراغی ۲۰۲/۱
احمد بن عمر خبوقی خوارزمی ۲۷/۶
احمد بن عمر غازی اصفهانی ۲۲۷/۴
احمد بن عمرو ضحاک شیبانی ۷۱/۴
احمد بن عیسی دینوری ۵۸/۳
احمد بن فضل باطرقانی اصفهانی ۹/۲

احمد بن محمد قاضی الحرمین نیشابوری ۳۲۷/۴
 احمد بن مروان دینوری ۵۷/۳
 احمد بن مظفر رازی کردری ۸۰/۳
 احمد بن منصور ابومزاحم صوفی شیرازی ۱۸۶/۱
 احمد بن مودود چشتی ۲۲۲/۲
 احمد بن موسی خیالی بخارایی ۳۵۲/۲
 احمد بن نجف علی نقاش ۲۰۰/۱
 احمد بن نعمت‌الله ۲۰۳/۱
 احمد بن هارون بردیچی ۳۸/۲
 احمد بن یحیی ابن راوندی ۱۰۹/۱
 احمد بن یحیی ابوالعباس شیرازی ۱۷۵/۱
 احمد بن یحیی بلاذری ۶۶/۲
 احمد بن یحیی حفید تفتازانی ۲۸۴/۲
 احمد بن یحیی سوسی ۲۶۱/۳
 احمد بن یوسف طبیب ۲۰۱/۲
 احمد بهار مست ۸۰/۲
 احمد بهبهانی ۸۲/۲
 احمد بهمنش ۹۴/۲
 احمد بهمنیار کرمانی ۹۵/۲
 احمد بیرشک ۱۰۳/۲
 احمد بیک اخترگرچی ۲۱۱/۱
 احمد بیگ اصفهانی ۲۰۳/۱
 احمد پارسا ۱۱۳/۲
 احمد پژوم شریعتی ۱۲۲/۲
 احمد پیرجمالی اردستانی ۱۲۶/۲
 احمد تبریزی ۲۰۳/۱، ۱۳۶/۲، ۱۴۰
 احمد تکلو ۲۰۳/۱
 احمد جامی ۱۸۱/۲
 احمد جزایری شوشتری نجفی ۱۹۵/۲
 احمد جزایری نجفی ۱۹۵/۲
 احمد جشوی ۱۹۶/۲
 احمد جلالی گوران ۲۰۳/۲
 احمد حافظ شیرازی ۲۰۴/۱
 احمد حجازی ۲۰۴/۱
 احمد حسن الحسینی ۲۶۴/۲
 احمد حسینی ۲۰۴/۱
 احمد حسینی ساوجی ۲۸۰/۲
 احمد حسینی صفایی اعرجی خوانساری ۴۸/۴
 احمد حسینی هانف اصفهانی ۱۲۱/۶
 احمد حسینی یزدی اردکانی ۲۲۸/۱

احمد بن محمد ابن خازن دینوری خراسانی ۱۰۴/۱
 احمد بن محمد ابن ذؤل قمی ۱۰۹/۱
 احمد بن محمد ابن شاه ۱۱۹/۱
 احمد بن محمد ابن صلاح همدانی ۱۲۲/۱
 احمد بن محمد ابن مُعظم رازی ۱۴۴/۱
 احمد بن محمد ابوالعباس شقانی حسنی ۱۷۵/۱
 احمد بن محمد ابوالعباس مسروق طوسی ۱۷۵/۱
 احمد بن محمد ابوزرعه رازی ۱۶۵/۱
 احمد بن محمد ابوسعید سجری ۱۶۷/۱
 احمد بن محمد ابونصر قباوی بخاری ۱۹۰/۱
 احمد بن محمد بحرانی ۲۲/۲
 احمد بن محمد برقانی خوارزمی ۴۱/۲
 احمد بن محمد برقی خوارزمی ۴۲/۲
 احمد بن محمد تبریزی ۲۰۳/۱
 احمد بن محمد چغانی اسطرابی ۲۲۳/۲
 احمد بن محمد حسن رشتی ۱۰۱/۳
 احمد بن محمد خارزنجی نیشابوری ۳۰۸/۲
 احمد بن محمد دینوری ۵۸/۳
 احمد بن محمد رازی ۷۶، ۷۲/۳
 احمد بن محمد رودباری ۱۳۴/۳
 احمد بن محمد راز سرخسی مروزی ۱۴۹/۳
 احمد بن محمد زردی ۱۵۶/۳
 احمد بن محمد زوزنی ۱۷۶/۳
 احمد بن محمد سلفی اصفهانی ۲۴۴/۳
 احمد بن محمد سهیلی خوارزمی ۲۶۶/۳
 احمد بن محمد سیاری اصفهانی ۲۶۸/۳
 احمد بن محمد صاعدی نیشابوری ۱۴/۴
 احمد بن محمد صخری خوارزمی ۲۹/۴
 احمد بن محمد صعلوکی نیشابوری ۴۲/۴
 احمد بن محمد صندوقی نیشابوری ۵۸/۴
 احمد بن محمد طبری ۹۸/۴
 احمد بن محمد طیبی ۱۰۲/۴
 احمد بن محمد طبیب ابوالحسن طبری ۱۵۹/۱
 احمد بن محمد طوائفی عتّزی نیشابوری ۱۰۶/۴
 احمد بن محمد طوسی ۱۱۵/۴
 احمد بن محمد طیان مرغزی ۱۲۰/۴
 احمد بن محمد عبدی لبنانی اصفهانی ۱۶۶/۴
 احمد بن محمد عتّابی بخاری ۱۶۹/۴
 احمد بن محمد علام‌الدوله سمنانی ۱۹۰/۴
 احمد بن محمد غزنوی کاشانی ۲۳۴/۴

- احمد حقیری هروی ۲/ ۲۸۵
 احمد حیرت اصفهانی ۲/ ۳۰۳
 احمد خادم زنجان ۲/ ۳۰۷
 احمد خالوی نیشابوری ۲/ ۳۱۳
 احمد خان ۱/ ۲۰۴
 احمد خان پدر ۶/ ۴۵
 احمدخان بیدل یزدی ۲/ ۱۰۱
 احمد خان ملک ساسانی ۲/ ۳۱۵
 احمد خاوری کاشانی ۲/ ۳۱۷
 احمد خفری ۲/ ۳۳۲
 احمد خلیفه نیشابوری ۲/ ۳۳۵
 احمد خوارزمی ادیبی ۱/ ۲۲۳
 احمد خوانساری ۱/ ۲۰۵
 احمد خویی ۲/ ۳۵۰
 احمد خویینی قزوینی ۲/ ۳۵۰
 احمد دارای کازرونی ۳/ ۴
 احمد دامغانی ۳/ ۸
 احمد دخیلی اصفهانی ۳/ ۲۲
 احمد دزفولی ۳/ ۳۰
 احمد دقاق ۳/ ۳۹
 احمد دیوانبگی شیرازی ۳/ ۵۹
 احمد ذبیح شیرازی ۳/ ۶۱
 احمد رحمت علیشاه ۳/ ۹۴
 احمد رسوای شیرازی ۳/ ۱۰۰
 احمد رشتی طباطبایی ۳/ ۱۰۳
 احمد رضوی ۳/ ۱۱۴
 احمد رفیع‌زاده ۳/ ۱۲۲
 احمد روحانی قمی ۳/ ۱۳۰
 احمد روحی کرمانی ۳/ ۱۳۳
 احمد روشن شیرازی ۳/ ۱۳۸
 احمد رومی ۱/ ۲۰۵
 احمد ریاحی اصفهانی ۳/ ۱۴۴
 احمد زابلی ۳/ ۱۴۹
 احمد زاهد ۳/ ۱۵۰
 احمد زنجان ۳/ ۱۶۶
 احمد زنجان نجفی ۳/ ۱۷۴
 احمد زنگنه ۳/ ۱۷۴
 احمد ژنده‌پیل ۳/ ۱۸۵
 احمد سالم ۳/ ۱۹۴
 احمد سامی نیشابوری ۳/ ۱۹۸
 احمد سیط‌الشیخ دزفولی نجفی ۳/ ۲۰۳
 احمد سجاوندی غزنوی ۳/ ۲۰۷
 احمد سراج ایزدی ۳/ ۲۱۴
 احمد سرایی ۳/ ۲۱۶
 احمد سهیلی تبریزی ۳/ ۲۶۵
 احمد سهیلی خوانساری ۳/ ۲۶۶
 احمد سید امامی ۳/ ۲۷۱
 احمد شاملو ۱/ ۲۰۵
 احمد شانه‌ساز شیرازی ۳/ ۲۸۴
 احمد شاه‌رودی ۳/ ۲۸۸
 احمد شاه قراتاش ۱/ ۲۰۵
 احمد شایق سندجی ۳/ ۲۹۹
 احمد شرمی قزوینی ۳/ ۳۰۹
 احمد شریعتی بیدار ۲/ ۹۹
 احمد شریف ۱/ ۲۰۵
 احمد شریفی ذهبی شیرازی ۳/ ۳۱۷
 احمد شریف یزدی ۱/ ۲۰۵
 احمد شطاری ۳/ ۳۱۸
 احمد شفایی ۳/ ۳۲۲
 احمد شفق یزدی ۳/ ۳۲۳
 احمد شوری اصفهانی ۳/ ۳۴۳
 احمد شهاب سمرقندی ۳/ ۳۴۸
 احمد شهرستانی ۳/ ۳۵۳
 احمد شهیدی ۳/ ۳۵۸
 احمد شیخ‌زاده سهروردی ۳/ ۳۶۴
 احمد شیدای نایینی ۳/ ۳۷۲
 احمد شیرازی ۱/ ۲۰۵، ۲۰۶
 احمد شیمی ۳/ ۳۸۰
 احمد صادقی اردستانی ۴/ ۱۱
 احمد صبوری کاشانی ۴/ ۲۶
 احمد صدر اصفهانی ۴/ ۳۲
 احمد صدری مدرس ابهری ۲/ ۳۰۷
 احمد طاهری یزدی ۴/ ۹۱
 احمد طبرسی ۴/ ۹۶
 احمد طیبی ۴/ ۱۰۳
 احمد طسوجی ۴/ ۱۱۰
 احمد عبادی ۴/ ۱۴۰
 احمد عراقی ۴/ ۱۷۲
 احمد علومی ۴/ ۱۹۵
 احمد علوی ۴/ ۱۹۵

- احمد علی آبادی ۱۹۸/۴
 احمد علی رجایی بخارایی ۹۲/۳
 احمد علی مورخ الدوله سپهر ۲۰۴/۳
 احمد عودی ۲۰۶/۱
 احمد عیانی جهرمی ۲۲۴/۴
 احمد غروی تویسرکانی ۲۳۱/۴
 احمد غفاری قزوینی ۲۳۶/۴
 احمد غلام محسن اصفهانی ۲۳۹/۴
 احمد غورجی هروی ۲۴۳/۴
 احمد غیاث الدین ۲۴۳/۴
 احمد فاضل مراغی ۲۵۶/۴
 احمد فدایی لاهیجی ۲۷۲/۴
 احمد فرامرزی ۲۷۳/۴
 احمد فردید ۲۷۹/۴
 احمد فرسیو اخگر لاریجانی ۲۱۴/۱
 احمد فرهاد ۲۸۷/۴
 احمد فریدون سپهسالار ۴۹۲/۴
 احمد فصیح خوانی ۲۹۵/۴
 احمد فنایی خلخالی ۳۰۵/۴
 احمد فوقی یزدی ۳۰۸/۴
 احمد فیضی کاشانی نجفی ۱۴/۵
 احمد فیضی لرستانی ۳۱۵/۴
 احمد قاسمی ۳۲۵/۴
 احمد قاضی لاغر سیستانی ۳۳۲/۴
 احمد قانع طوسی ۳۳۴/۴
 احمد قاینی ۳۳۸/۴
 احمد قدکچیان ۳۴۳/۴
 احمد قدوسی نهاوندی ۳۴۳/۴
 احمد قصاب آملی ۳۵۷/۴
 احمد قطفی ۳۶۴/۴
 احمد قناری خلخالی ۳۷۰/۴
 احمد قوام السلطنه ۳۷۲/۴
 احمد کاتب ۲۰۶/۱
 احمد کاجری ۴/۵
 احمد کازرونی ۵/۵
 احمد کازقی ۷/۵
 احمد کاسنی نسفی ۸/۵
 احمد کاشف شیرازی ۱۵/۵
 احمد کافوری اصفهانی ۲۱/۵
 احمد کامل ۲۰۶/۱
 احمد کردستانی ۲۰۶/۱
 احمد کرمانی ۳۲/۵
 احمد کریمی ۳۷/۵
 احمد کسروی ۳۸/۵
 احمد کشته کاشانی ۴۱/۵
 احمد کلابادی ۴۶/۵
 احمد کلوتانی ۴۹/۵
 احمد کمال الوزاره ۵۶/۵
 احمد کمالپور ۵۱/۵
 احمد کمانچه ۲۰۷/۱
 احمد کمانگر ۵۷/۵
 احمد کوزه کنانی تبریزی نجفی ۶۱/۵
 احمد کرشا ۵۹/۵
 احمد گلپایگانی ۷۷/۵
 احمد گلچین معانی تهرانی ۷۸/۵
 احمد لال ۲۰۷/۱
 احمد مامایی اصفهانی ۱۱۷/۵
 احمد متین دفتری ۱۲۵/۵
 احمد مجتهد تبریزی ۱۲۶/۵
 احمد مجد الاسلام کرمانی ۱۳۰/۵
 احمد محسنی ۲۰۲/۱
 احمد مخلص گرجانی ۲۰۰/۵
 احمد مذهب‌باشی ۲۰۷/۱
 احمد مذهب‌باشی آستان قدس ۲۰۷/۱
 احمد مردویه ۲۱۴/۵
 احمد مرزوقی اصفهانی ۲۱۵/۵
 احمد مرعشی خراسانی ۲۱۷/۵
 احمد مروزی ۲۲۱/۵
 احمد مستملی نیشابوری ۲۲۹/۵
 احمد مشهدی ۲۰۴/۱
 احمد مقدس اردبیلی ۲۷۸/۵
 احمد منشوری سمرقندی ۲۹۶/۵
 احمد منوچهری دامغانی ۳۰۴/۵
 احمد موسی ۲۰۷/۱
 احمد مذهب شیرازی ۳۱۸/۵
 احمد میدانی نیشابوری ۳۲۳/۵
 احمد میرزا قاجار عضدالدوله ۱۸۴/۴
 احمد میرک صالحی خراسانی ۱۹/۴
 احمد مینو شیرازی ۳۴۴/۵
 احمد مؤذن نیشابوری ۳۰۶/۵

- احمد ناخدای یزدی ۲/۶
 احمد ناصری شیرازی ۱۱/۶
 احمد ناظر زاده کرمانی ۱۳/۶
 احمد نجار استرآبادی ۲۲/۶
 احمد نجاران لواسانی ۲۰۷/۱
 احمد نخجوانی ۳۰/۶
 احمد نراقی ۳۲/۶
 احمد نسایی ۳۵/۶
 احمد نسوی مروزی ۳۸/۶
 احمد نصر ۲۰۷/۱
 احمد نظام جامی ۴۹/۶
 احمد نظام کرمانی ۵۲/۶
 احمد نظامی عروضی سمرقندی ۵۴/۶
 احمد نعمت‌اللهی قمی ۳۵۴/۳
 احمد نعیمی جرجانی ۵۹/۶
 احمد نقاش ۲۷۵/۳
 احمد نقیب شیرازی ۶۲/۶
 احمد نوری ۷۲/۶
 احمد نیازی اصفهانی ۸۰/۶
 احمد نیریزی ۲۰۷/۱
 احمد نیریزی اصفهانی ۲۰۸/۱
 احمد نیشابوری ۸۵/۶
 احمد نیشابوری ۸۵/۶
 احمد وقار شیرازی ۱۱۵/۶
 احمد هروی ۱۳۵، ۱۳۴، ۱۳۲/۶
 احمد همدانی ۱۲۸/۶
 احمد یزدی مشهدی ۱۶۰/۶
 احمد یسکری ۱۶۰/۶
 احتف همدانی ۲۰۹/۱
 اختر خراسانی ۲۱۰/۱
 ✓ اختر خوانساری ۲۱۰/۱
 اختر شیرازی ۲۱۰/۱
 اختری یزدی ۲۱۱/۱
 اخت شیخ ملا رحیم اصفهانی ۲۱۱/۱
 اختیارالدین حسین ۲۱۲/۱
 اختیار شهابی ترشیزی ۳۴۹/۳
 انخی فرج زنجان ۲۱۵/۱
 ادایی بخارایی ۲۱۵/۱
 ادایی سمرقندی ۲۱۶/۱
 ادیس بن ابوالملوک میرزا ۲۱۶/۱
 ادیس کاتب ۲۱۶/۱
 ادوارد ژوزف ۱۸۶/۳
 ادهم خلخال ۲۱۶/۱
 ادهم یزدی ۲۱۶/۱
 ادیب الخطاطین اصفهانی ۲۱۸/۱
 ارباب کیخسرو ۲۲۵/۱
 ارجاسب امیدی تهرانی ۲۹۷/۱
 ارجمند منشی ۲۲۵/۱
 ارداویراف ۲۲۶/۱
 اردشیر خدابخش یزدی ۳۲۰/۲
 اردشیر دیلمسپار نجمی ۲۲۷/۱
 اردشیر معاذی تیریزی ۲۶۳/۵
 اردشیر میرزا آگاه قاجار ۵۸/۱
 ارسطو ۲۳۰/۱
 ارسطوی قمی ۲۳۱/۱
 ارسلان خان ناصر همایون ۱۰/۶
 ارسلان عقیلی خلعتیری ۱۸۹/۴
 ارشد کازرونی ۲۳۱/۱
 ازهر کاتب بلخی ۱/۵
 اسپهبدوست ابن شیرویه دیلمی ۱۲۲/۱
 استاد آقا ۲۳۴/۱
 استاد ابوالحسن معمار ۲۳۴/۱
 استاد حسین سرنایی ۲۲۰/۳
 استاد محمد ۲۳۴/۱
 استاد مردان ۲۳۴/۱
 استاد معصوم کمانچه ۲۳۴/۱
 استبان هاراثونیان حکیم فانوس ۲۹۰/۲
 اسحاق ۲۳۷/۱
 اسحاق آستارایی ۳۰/۱
 اسحاق ابن طلیق ۱۲۴/۱
 اسحاق بن احمد ابویعقوب سجستانی ۱۹۳/۱
 اسحاق بن احمد صفار بخاری ۴۳/۴
 اسحاق بن جبریل دیلمی ۵۵/۳
 اسحاق بن حسن زنجان ۱۶۵/۳
 اسحاق بن محمد حکیم سمرقندی ۲۸۹/۲
 اسحاق بیگ عذری بیگدلی ۱۷۲/۴
 اسحاق تربتی ۱۴۴/۲
 اسحاق حسینی ۲۳۸/۱
 اسحاق شیرازی ۳۷۳/۳
 اسحاق طوسی ۱۱۴/۴

- اسحاق قارابی ۲۵۰ / ۴
 اسحاق فراهانی ۲۷۴ / ۴، ۲۳۸ / ۱
 اسحاق قراب سرخسی هروی ۳۴۴ / ۴
 اسحاق کامجرى مروزی ۲۲ / ۵
 اسحاق کوسج مروزی ۵۸ / ۵
 اسحاق گنابادی نیشابوری ۸۵ / ۵
 اسحاق محمد ۲۳۸ / ۱
 اسحاق موصلی ۲۳۸ / ۱
 اسحاق میرزا صابر قاجار ۳ / ۴
 اسحاق نیشابوری ۲۳۸ / ۱
 اسحاق وزدولی عصار جرجانی ۱۰۸ / ۶
 اسدالله ۲۳۹ / ۱، ۲۴۰
 اسدالله آل بویه ۶۴ / ۱
 اسدالله اسد اصفهانی ۲۳۹ / ۱
 اسدالله اسد کاشی ۲۳۹ / ۱
 اسدالله اشتری اصفهانی ۲۵۳ / ۱
 اسدالله اصطهباناتی ۲۶۱ / ۱
 اسدالله اصفهانی ۲۴۰ / ۱
 اسدالله بیژن ۱۰۴ / ۲
 اسدالله بیگ اسیر سندی ۲۵۲ / ۱
 اسدالله تنکابنی ۱۵۹ / ۲
 اسدالله حجت مرودشتی ۲۵۴ / ۲
 اسدالله حجة الاسلام پروجردی ۲۵۵ / ۲
 اسدالله حجة الاسلام ثانی بیدآبادی ۲۵۵ / ۲
 اسدالله حسینی ۲۴۰ / ۱
 اسدالله حسینی قرشی ۲۴۰ / ۱
 اسدالله حسینی مرعشی ۲۴۰ / ۱
 اسدالله حکیم دیوانه قمشه‌ای ۵۹ / ۳
 اسدالله خان خازن‌المالکی ۳۰۹ / ۲
 اسدالله خرد شیرازی ۳۲۲ / ۲
 اسدالله دزفولی کاظمی ۳۲ / ۳
 اسدالله رجالی اصفهانی ۲۴۰ / ۱
 اسدالله رسا تهرانی ۹۸ / ۳
 اسدالله رودباری رانکوهی اشکوری ۱۳۵ / ۳
 اسدالله زارع شیرازی ۲۳۱ / ۳
 اسدالله زنجانی ۱۶۹ / ۳
 اسدالله شهریار شایان ۳۵۵ / ۳
 اسدالله شیرازی ۲۴۱ / ۱
 اسدالله صابر همدانی ۴ / ۴
 اسدالله صفوت‌الملک مشرقی ۵۱ / ۴
 اسدالله طاهری اهوازی ۹۱ / ۴
 اسدالله غالب تهرانی ۲۲۸ / ۴
 اسدالله غرای شیرازی ۲۳۰ / ۴
 اسدالله غفاری کاشانی ۲۳۶ / ۴
 اسدالله قزوینی ۲۴۱ / ۱
 اسدالله کاشانی ۲۴۱ / ۱
 اسدالله کرمانی ۲۴۱ / ۱
 اسدالله مذهب شیرازی ۲۴۱ / ۱
 اسدالله مذهب مشهدی ۲۴۲ / ۱
 اسدالله نادر مازندرانی ۲ / ۶
 اسدالله ناصر علیشاه ۳۲۴ / ۱
 اسد بیگ قزوینی ۲۳۹ / ۱
 اسد تبریزی ۲۳۹ / ۱
 اسد ورثینی نسفی ۱۰۷ / ۶
 اسد همدانی ۲۳۹ / ۱
 اسدی طوسی ۲۴۲ / ۱
 اسرائیل بن سهل ۲۴۲ / ۱
 اسرار ۲۴۲ / ۱
 اسعد ابزری فارسی ۲۴۳ / ۱
 اسعد ابن مظفر شیرازی ۱۴۲ / ۱
 اسعد اصفهانی ۲۴۳ / ۱
 اسعد بن علی یارع زوزنی ۷ / ۲
 اسعد بن علی زبیدی هروی ۱۷۷ / ۳
 اسعد بن محمود عجلی اصفهانی ۱۷۰ / ۴
 اسعد کرایسی نیشابوری ۲۷ / ۵
 اسکندر ابراهیم‌آبادی نطنزی ۲۴۶ / ۱
 اسکندربیک ترکمان ۲۴۶ / ۱
 اسکندرخان کوثر کلهر کرمانشاهی ۶۰ / ۵
 اسماعیل ۲۴۷ / ۱
 اسماعیل آخری ۷ / ۱
 اسماعیل آرم ۳۰ / ۱
 اسماعیل آشتیانی ۳۱ / ۱
 اسماعیل آشوب ایروانی ۳۷ / ۱
 اسماعیل ابن برّاز ۹۶ / ۱
 اسماعیل ابن مظفر شیرازی ۱۴۴ / ۱
 اسماعیل ادیب خوانساری ۲۱۸ / ۱
 اسماعیل ادیب صابر ترمذی ۲۲۰ / ۱
 اسماعیل استرآبادی ۲۴۸ / ۱
 اسماعیل اشرف شیرازی ۲۵۶ / ۱
 اسماعیل اصفهانی ۲۴۸ / ۱

- اسماعیل ذبیح گنجوی ۶۲/۳
 اسماعیل ذبیح نهاوندی ۶۲/۳
 اسماعیل ذبیح یزدی ۶۲/۳
 اسماعیل راین ۸۹/۳
 اسماعیل ریاحی ۱۴۴/۳
 اسماعیل زایر دامغانی ۱۵۳/۳
 اسماعیل زرین فر ۱۵۹/۳
 اسماعیل زنجانی ۱۶۵/۳
 اسماعیل زهدی ۲۴۹/۱
 اسماعیل ساقی ۲۴۹/۱
 اسماعیل سامانی ۱۹۵/۳
 اسماعیل سبزواری ۲۰۲/۳، ۲۴۹/۱
 اسماعیل سدهی اصفهانی ۲۱۲/۳
 اسماعیل سراج ثقفی نیشابوری ۲۱۵/۳
 اسماعیل سرباز بروجردی ۲۱۶/۳
 اسماعیل سیاه ۲۵۰/۱
 اسماعیل شریف الاسلام ۳۱۳/۳
 اسماعیل شریف تبریزی ۳۱۳/۳
 اسماعیل شریف شاهرودی ۳۱۴/۳
 اسماعیل شنب غازانی ۳۴۲/۳
 اسماعیل شیخ المشایخ دزفولی ۳۶۹/۳
 اسماعیل شیرازی ۳۷۳/۳، ۲۵۰/۱
 اسماعیل صدر ۳۰/۴
 اسماعیل صدرالدین ابرقویی ۳۴/۴
 اسماعیل صفوی ۲۵۰/۱
 اسماعیل طبعی رازی ۱۰۳/۴
 اسماعیل عارف کرمانی ۱۳۴/۴
 اسماعیل عامی ۱۳۹/۴
 اسماعیل علاقه‌بند ایمای اصفهانی ۳۲۵/۱
 اسماعیل فردوسی نراهانی ۲۷۸/۴
 اسماعیل قاری رمجاری نیشابوری ۳۲۰/۴
 اسماعیل فاینی ۳۳۷/۴
 اسماعیل قراب سرخسی هروی ۳۴۵/۴
 اسماعیل قره‌باغی نجفی ۳۴۷/۴
 اسماعیل قزوینی ۳۵۱/۴
 اسماعیل قوام‌السنه اصفهانی ۳۷۲/۴
 اسماعیل قهرمانی ۲۵۰/۱
 اسماعیل کاشانی ۲۵۰/۱
 اسماعیل کاشف اصفهانی ۱۴/۵
 اسماعیل کاشی تراش کاشانی ۲۵۰/۱
 اسماعیل افتخار الحکماء ۲۷۰/۱
 اسماعیل الله قولی خویی ۲۸۲/۱
 اسماعیل باخرزی ۶/۲
 اسماعیل بحثی قزوینی ۲۱/۲
 اسماعیل بدرالدین تبریزی ۳۰/۲
 اسماعیل بروجردی ۴۸/۲
 اسماعیل بن اسماعیل رازی ۷۷/۳
 اسماعیل بن حسن ابوالمعالی حسینی ۱۸۷/۱
 اسماعیل بن حسن بیهقی ۱۱۲/۲
 اسماعیل بن حسین بیهقی ۱۱۲/۲
 اسماعیل بن حسین علوی حسینی ۱۷۳/۱
 اسماعیل بن حماد جوهری قارابی ۲۱۵/۲
 اسماعیل بن علی ۲۴۸/۱
 اسماعیل بن علی ابوسهل نوبختی ۱۶۹/۱
 اسماعیل بوشهری ۷۶/۲
 اسماعیل بهاری ۸۰/۲
 اسماعیل بهبانی ۸۴/۲
 اسماعیل بیگ دیهیم قزوینی ۶۰/۳
 اسماعیل پناهی همدانی ۱۲۲/۲
 اسماعیل تبریزی ۱۳۷/۲
 اسماعیل تفرشی ۲۴۸/۱
 اسماعیل جرجانی ۱۸۸/۲
 اسماعیل جلایر ۲۴۸/۱
 اسماعیل چشتی ۲۲۲/۲
 اسماعیل چشم‌آذر ۲۲۳/۲
 اسماعیل حجاب قزوینی ۲۵۳/۲
 اسماعیل حجار اصفهانی ۲۴۹/۱
 اسماعیل حسینی ۲۴۹/۱
 اسماعیل حسینی ۲۷۷/۲
 اسماعیل حیرت تبریزی ۳۰۳/۲
 اسماعیل خاجویی اصفهانی ۳۰۷/۲
 اسماعیل خان دبیرالممالک ۲۱/۳
 اسماعیل خان کمانچه ۲۴۹/۱
 اسماعیل خایف شیرازی ۳۱۸/۲
 اسماعیل خرسندی شیرازی ۳۲۳/۲
 اسماعیل دباس جیرفتی ۱۷/۳
 اسماعیل دبیر فصیح ۲۱/۳
 اسماعیل دزفولی کاظمی ۳۲/۳
 اسماعیل دهقان رشتی ۵۲/۳
 اسماعیل دیباج ۵۳/۳

- اسماعیل کُشانی سمرقندی ۴۰/۵
 اسماعیل کمال‌الدین اصفهانی ۵۳/۵
 اسماعیل کوشان ۵۹/۵
 اسماعیل گلپایگانی ۲۵۱/۱
 اسماعیل محلاتی ۱۵۰/۵
 اسماعیل مدهوش تهرانی ۲۰۸/۵
 اسماعیل مرآت الممالک مرآت ۲۱۰/۵
 اسماعیل مردوخ روحانی ۲۱۳/۵
 اسماعیل مزارعی شیرازی ۲۲۶/۵
 اسماعیل مستملی بخاری ۲۲۹/۵
 اسماعیل موسوی ۲۵۱/۱
 اسماعیل مهرتاش ۳۱۸/۵
 اسماعیل میرزا ۲۵۱/۱
 اسماعیل میکالی ۳۴۲/۵
 اسماعیل ناصح الممالک بروجردی ۶/۶
 اسماعیل نصرآبادی ۴۱/۶
 اسماعیل نقاش ۲۵۱/۱
 اسماعیل نوری زاده بوشهری ۷۳/۶
 اسماعیل نوری طبرسی ۷۳/۶
 اسماعیل نوقانی نیشابوری ۷۷/۶
 اسماعیل واحد‌العین ۲۶۴/۱
 اسماعیل هنر جندقی ۱۵۰/۶
 اسماعیل یزدی ۲۵۲/۱
 اسمی هروی ۲۵۲/۱
 اسیری تربتی ۲۵۳/۱
 اشرف طباطبایی ۲۵۶/۱
 اشرف مراغه‌ای ۲۵۷/۱
 اشرف مشکوتی ۲۵۸/۱
 اصغر حاجی اسماعیلی ۱۵۲/۲
 اصغر خرد شیرازی ۳۲۲/۲
 اصغر مشهدی ۲۶۲/۱
 اطروش ناصرالحق، ابومحمد حسن ۲۶۶/۱
 اعتمادالدوله حاتم بیگ اردوبادی ۲۲۷/۲
 اعتماد حضور ۲۶۸/۱
 اعجاز حسین کنتوری ۲۶۹/۱
 اعظم شهابی شیرازی ۳۴۹/۳
 اعلی گیلانی ۲۷۰/۱
 افراسیاب آزاد ۲۶/۱
 افسری گلپایگانی ۲۷۳/۱
 افضل‌الدین آذربند ۱۹/۱
 افضل‌الدین ابوحامد کرمانی ۲۷۵/۱
 افضل‌الدین بدیل خاقانی شروانی ۳۰۹/۲
 افضل‌الدین عمر بن علی ابن غیلان ۱۲۹/۱
 افضل‌الدین محمد ترکه‌اصفهانی ۱۴۷، ۱۴۶/۲
 افضل تونی افصح‌الحسینی ۲۷۴/۱
 افضل طباطبایی اردستانی ۲۷۴/۱
 افضل نامی تهرانی ۱۷/۶
 افضل همتی بافقی ۱۴۶/۶
 اقبال ۲۷۶/۱
 اقبال یغمایی ۱۶۲/۶
 اکبر بروجنی ۲۷۸/۱
 اکبر بیگ کردستانی ۲۷۸/۱
 اکبرخان ۲۷۸/۱
 اکبرخان قلوئی ۲۷۸/۱
 اب ارسلان ملک‌شاه سلجوقی ۲۸۷/۵
 الف بیگ گورگانی ۲۷۹/۱
 الف ابدال بلخی ۲۸۰/۱
 الفتی بدخشی ۲۸۱/۱
 الفتی ساوجی ۲۸۱/۱
 القاص میرزا صفوی ۲۸۱/۱
 الکساندر آتاپکیان ۱۹۶/۱
 الله کرم وئوئی ۱۹۳/۳
 الله وردی ۲۸۲/۱
 الله وردی افشار ۲۸۲/۱
 الله وردی میرزا بیضای قاجار ۱۰۵/۲
 الله یار خان حاجب قاجار ۲۲۸/۲
 الماس ۲۸۲/۱
 الماس آزاد حبشی ۲۷/۱
 الماس ۲۸۴/۱
 الماس نظامی گنجوی ۵۴/۶
 امام سدهی ۲۸۸/۱
 امام قلی بیگ استاجلو ۲۹۴/۴
 امام قلی بیگ وارسته چگنی ۹۵/۶
 امام قلی خاکی خراسانی ۳۱۱/۲
 امام قلی خان بخارایی ۲۸۸/۱
 امام قلی خان غارت زند تهرانی ۲۲۷/۴
 امام قلی خان فضلی گلپایگانی ۲۹۸/۴
 امام قلی رازه (معمار) قاینی ۲۸۸/۱
 امام قلی میرزا بیضای قاجار ۱۰۶/۲
 امام قلی وحشت بختیاری ۱۰۳/۶

- امام وردی واصلی شاهجهان آبادی ۹۶/۶
 امام ویردی میرزا داور قاجار ۱۵/۳
 امامی خلخاللی ۲۹۳/۱
 امان‌الله اردلان ۲۲۹/۱
 امان‌الله خان ثانی والی کردستانی ۱۰۱/۶
 امان‌الله سنندجی ۲۹۵/۱
 امان‌الله قهستانی ۲۹۵/۱
 امان‌الله نظیر زنگه ۵۶/۶
 امان‌الله روشن ۱۳۷/۳
 امانی کابلی ۲۹۵/۱
 امتیازخان خالص اصفهانی ۳۱۲/۲
 امراش حکاک ۲۹۵/۱
 ام‌سلمه بیگم شیرازی ۱۰۸/۲
 ام‌سلمه قاجار ۲۹۶/۱
 ام‌هانی ۲۹۶/۱
 امید بلخی ۲۹۶/۱
 امید زایر همدانی ۱۵۳/۳
 امیرآق ملک امیر شاهی سبزواری ۲۹۹/۱
 امیر ابوبکر روحانی سمرقندی ۱۳۰/۳
 امیراحمد ابن خطیب گنجوی ۱۰۶/۱
 امیر احمد راستی تبریزی ۸۱/۳
 امیرارسلان خان درگاهی ۲۴/۳
 امیر اسلام غزالی بلخی ۲۳۲/۴
 امیربیک همدانی ۳۰۲/۱
 امیریگ پیروی ساوجی ۱۲۹/۲
 امیر پازواری ۲۹۷/۱
 امیر جلال الدین حسن اصفهانی ۲۶۲/۱
 امیرچه سفال فروش ۲۲۹/۳
 امیر حامد حامدی قمی ۲۴۳/۲
 امیرحسن بیک روملو ۱۳۹/۳
 امیر حسن/حسین طفیلی جلایر ۱۱۲/۴
 امیر حسین صدر جهان طبری ۳۳/۴
 امیر حسین ظفر ایلخان بختیاری ۱۲۵/۴
 امیر خسرو دهلوی ۲۹۸/۱
 امیر دولت یار ۲۹۹/۱
 امیر رفیع‌الدین حیدر معمای ۱۲۳/۳
 امیر رمزی سبزواری ۱۲۷/۳
 امیر روزبهان رونقی همدانی ۱۴۰/۳
 امیر سلیمان عزت قاجار ۱۷۵/۴
 امیر سید شریف باقی شیرازی ۳۱۷/۳
 امیر شرف خان بدلیسی ۳۱/۲
 امیر شریفی مشهدی ۳۱۷/۳
 امیر شمس الدین محمد هاشمی اصفهانی ۱۲۵/۶
 امیر عاشقی تربتی ۱۳۵/۴
 امیر عطاء‌الله دشتکی شیرازی هروی ۳۷/۳
 امیر علی بوری تگین ۷۵/۲
 امیر علیشیر نوایی جغتایی ۶۶/۶
 امیر غیاث حسینی رازی هروی ۲۴۳/۴
 امیر فاضلی کرمانی ۲۵۷/۴
 امیر قاسم ۳۰۰/۱
 امیر قاضی اسیری رازی ۲۵۳/۱
 امیر قلی اشراقی بروجنی ۲۵۵/۱
 امیرقلی امینی ۳۰۷/۱
 امیر کججی تبریزی ۳۰۰/۱
 امیر کیا ۶۶/۵
 امیر کیکاووس دیلمی طبری ۵۵/۳
 امیر محمد امین ذوقی کاشانی ۶۶/۳
 امیر محمد صالح جغتایی ۱۸/۴
 امیر مختار کریم‌پور ۳۴۲/۳
 امیر مسعود بن سعد سلمان ۲۳۳/۵
 امیر مسعود سپهرم ۲۰۴/۳
 امیر نظرانی ۳۰۱/۱
 امیر همایون اسفراینی ۳۰۱/۱
 امیر یحیی یحیای سیفی قزوینی ۱۵۵/۶
 امیر بمین الدین طغرائی یمین فریومدی ۱۶۳/۶
 امیر یوسف یوسف آصم استرآبادی ۱۶۵/۶
 امین آصف توپسرکانی ۳۸/۱
 امین اردستانی ۳۰۴/۱
 امین‌الدین حسن امین اصفهانی ۳۰۴/۱
 امین‌الدین نزل آبادی ۳۰۶/۱
 امینای رودسری ۳۰۴/۱
 امینای فراهانی ۳۰۴/۱
 امینای کاسه‌گر کرمانی ۳۰۴/۱
 امین تبریزی ۳۰۵/۱
 امین واقم کرمانی ۸۴/۳
 امین شیرازی ۳۰۶/۱
 امین نصرآبادی ۳۰۶/۱
 امین نقاش ۳۰۶/۱
 امینه بانو ۳۰۶/۱
 امینی مشهدی ۳۰۸/۱

- انوار همدانی ۳۱۴/۱
انوری بلخی ۳۱۵/۱
انوشیروان کاشانی ۳۱۵/۱
اوجی شیرازی غیاثا ۳۱۶/۱
اوجی نظنزی ۳۱۶/۱
اوحدالدین عبدالله بلیانی کازرونی ۶۹/۲
اوحدالدین محمد انوری ابیوردی ۳۱۴/۱
اوکتنای قآن میرزا اوکتنای قاجار ۳۱۹/۱
اولیاء ۳۱۹/۱
اویس اردبیلی ۳۱۹/۱
ایازیگ ایاز طالش ۳۲۱/۱
ایوان پرتو اعظم ۱۱۶/۲
ایراندخت تیمورتاش ۱۶۸/۲
ایران‌شاه بن ابی‌الخیر ۳۲۲/۱
ایرج تبریزی ۳۲۳/۱
ایرج میرزا انصاف قاجار ۳۱۲/۱
ایزد شیرازی ۳۲۴/۱
ایوب خراسانی ۳۲۶/۱
ایوب، فرزند حکیم نورمحمد ۳۲۶/۱
بابا اصلی دماوندی ۲۶۶/۱
بابا افضل کاشانی ۱/۲
بابا بیات ۱/۲
بابا تبریزی ۱/۲
باباجان تربتی ۲/۲
بابا حاجی ۲/۲
بابا حسن روشن جهرمی ۱۳۸/۳
بابا حسین مطلق فزینی ۲۵۷/۵
بابا خان میرزا مشیر دیوان ۲/۲
بابا دوست طارمی ۷۹/۴
بابا رکن‌الدین انصاری ۲/۲
بابا سلطان قلندر لوایی قمی ۱۰۹/۵
بابا سودایی ابیوردی ۲/۲
بابا شاه اصفهانی ۲/۲
بابا طالب اصفهانی ۳/۲
بابا طاهر همدانی ۳/۲
بابا فغانی شیرازی ۳/۲
بابا مستوفی آشتیانی ۴/۲
بابا ملک‌الاطباء رشتی ۲۸۶/۵
بابامیر ۴/۲
بابامیرک تاشکندی ۴/۲
بابا نصیبی گیلانی ۴/۲
بابا نعمت‌الله نخجوانی ۴/۲
بابای حصار ۵/۲
بابا یوسف ۵/۲
بابر سلطان تیموری ۵/۲
باذلی ساوجی ۷/۲
بارید ۷/۲
بارع فضلوی هروی ۷/۲
باطنی بلخی ۹/۲
باقر ۱۱/۲
باقر آخوند اردکانی ۷/۱
باقر آشتیانی ۳۳/۱
باقر آل‌ابراهیم شهرکردی ۱۳/۲
باقر خلیل کاشانی ۳۳۶/۲
باقر اصفهانی ۱۱/۲
باقر/باقی عزت شیرازی ۱۷۵/۴
باقر بن میرزا ابوالحسن ۱۱/۲
باقر بیگ شاملو ۱۳/۲
باقر تبریزی ۱۱/۲
باقر حسرت شیرازی ۲۶۱/۲
باقر حسینی حاصل مشهدی ۲۳۳/۲
باقر حکمت ۲۸۶/۲
باقرخان رامشگر ۱۲/۲
باقرخان ملاباشی رشتی زند ۱۳/۲
باقر دبیران ۱۹/۳
باقر دزفولی کاظمی ۳۲/۳
باقر سمنانی ۱۳/۲
باقر شاکری ۱۳/۲
باقر شعراف کاشانی ۱۴/۲
باقر شیرازی ۱۳/۲
باقر صبوری رشتی ۲۷/۴
باقر عاملی ۱۴/۲
باقر فانی تبریزی ۲۶۰/۴
باقر قائم مقامی ۳۱۸/۴
باقر قاضی‌زاده اصفهانی ۳۲۸/۴
باقر قاضی طباطبایی ۳۳۰/۴
باقر قمصری ۱۴/۲
باقر کرمانشاهی ۳۱/۵
باقر لاری ۱۴/۲
باقر/محمد باقر لمعه دستگردی ۱۰۶/۵

- باقر/محمد باقر نجم آبادی ۲۵/۶
 باقر مذهب شیرازی ۱۳/۲
 باقر ناجی قزوینی ۱/۶
 باقر نقاش ۱۵/۲
 باقر واعظ نهرانی ۹۷/۶
 باقیای کاشانی ۱۸/۲
 باقیای نایینی ۱۸/۲
 باقی ماوراءالنهری ۱۷/۲
 باقی محمدبخاری ۱۷/۲
 باقی هروی ۱۷/۲
 بالاخان کلیمی ۱۸/۲
 بامشاد ۱۹/۲
 بانو خاور حایری ۳۱۶/۲
 بایزید بسطامی ۱۹/۲
 بایزید بسطامی ثانی ۲۰/۲
 بایزید پورانی ۲۰/۲
 بایزید عارف بخارایی ۱۳۲/۴
 بایزید کرمانی ۲۰/۲
 بایسقر میرزا ۲۰/۲
 باقرای گورکانی ۲۱/۲
 بایندرخان صفوی ۲۱/۲
 بحری میانجی ۲۵/۲
 بختیاری اهوازی ۲۶/۲
 بختی تبریزی ۲۶/۲
 بختیشوع، فرزند جبریل ۲۶/۲
 بختیشوع فرزند یوحنا / یحیی ۲۷/۲
 بخش الله خان جواهر رقم ثانی ۲۱۴/۲
 بدرالدین حاجرمی ۲۹/۲
 بدرالدین رومی نخشبی ۳۰/۲
 بدرالدین طبری ۳۰/۲
 بدرالدین علیخان ۳۰/۲
 بدرالدین فارسی ۳۰/۲
 بدرالدین قوامی خباز رازی ۳۷۳/۴
 بدرالدین کتابی ۲۶/۵
 بدرالدین کرمانی ۳۰/۲
 بدرالدین محمد چاچی ۲۹/۲
 بدرالدین/نورالدین هلالی جغتایی ۱۴۰/۶
 بدرالدین هروی ۳۰/۲
 بدر تبریزی ۲۹/۲
 بدری مستوفی الممالکی (خیلناش) ۳۱/۲
 بدیع الزمان اصفهانی ۳۱/۲
 بدیع الزمان بدیع اسطرابی ۳۱/۲
 بدیع الزمان تبریزی ۳۴/۲
 بدیع الزمان سبزواری ۳۳/۲
 بدیع الزمان عبدالواسع جبلی غرجستانی ۱۸۵/۲
 بدیع الزمان گورکانی جغتایی ۳۵/۲
 بدیع الزمان محمد حسن فروزانفر خراسانی ۲۸۳/۴
 بدیع الزمان میرزای صفوی ۳۴/۲
 بدیع الزمان هرنندی قهپایی ۳۵/۲
 بدیع الله دبیری نژاد ۲۱/۳
 بدیع تونی ۳۳
 بدیع درب امامی اصفهانی ۳۲/۲
 بدیعی تبریزی ۳۶/۲
 بدیعی سمرقندی ۳۶/۲
 بذلی اصفهانی ۳۶/۲
 برجعلی اردبیلی ۳۷/۲
 برجی ۳۷/۲
 برخوردار بیگ منصور نائینی ۲۹۹/۵
 برخوردار ترکمان فراهی ۱۴۶/۲
 برزو سپهری ۲۰۴/۳
 برزویه اصفهانی ۳۸/۲
 برزویه طبیب ۳۸/۲
 برگی تبریزی ۲۳/۲
 برهان ۵۱/۲
 برهان الدین ابرقوهی ۵۱/۲
 برهان الدین ابونصر پارسا ۱۸۹/۱
 برهان الدین اردلانی ۵۱/۲
 برهان الدین قدسی خلخالی تبریزی ۳۴۲/۴
 برهان الدین محقق حسینی ترمذی ۵۳/۲
 برهان الدین محمد خاوند شاه بلخی ۳۱۸/۲
 برهان غروری کاشانی ۵۳/۲
 برهان کاتب هروی ۵۳/۲
 برز تبریزی ۵۴/۲
 برزجمهر قاینی ۵۵/۲
 بزرگ علوی ۵۵/۲
 بزرگمهر، فرزند بختگان ۵۵/۲
 بزمی اردبیلی ۵۶/۲
 بزمی شیرازی ۵۶/۲
 بساطی شوشتری ۵۷/۲
 بسام کورد ۵۷/۲

- بهاء‌الدین درجزینی ۷۶/۲
 بهاء‌الدین ساوجی ۷۷/۲
 بهاء‌الدین صابر سمرقندی ۲/۴
 بهاء‌الدین عمر ۷۷/۲
 بهاء‌الدین گیلانی ۷۷/۲
 بهاء‌الدین محلاتی ۱۵۱/۵
 بهاء‌الدین محمد سلطان ولد ۲۴۲/۳
 بهاء‌الدین مرغینانی ۲۱۹/۵
 بهاء‌الدین منشی بغدادی خوارزمی ۷۷/۲
 بهاء‌الدین نوری ۷۲/۶
 بهیود شاهنشاهی ۸۱/۲
 بهرام ۸۸/۲
 بهرام اصفهانی ۸۸/۲
 بهرام افشار ۸۸/۲
 بهرام بخارایی ۸۸/۲
 بهرام بیگ بیانی تبریزی ۹۷/۲
 بهرام بیگ دیلمی ۸۹/۲
 بهرام پژدو ۸۸/۲
 بهرام جغتای بخارایی ۲۲۹/۳
 بهرام سفره‌کش ۸۹/۲
 بهرام قلی ۸۹/۲
 بهرام قلی افشار ۹۰/۲
 بهرام کرمانشاهی ۸۹/۲
 بهرام گور ساسانی ۸۹/۲
 بهرام میرزا صفوی ۸۹/۲
 بهروز طبری ۹۱/۲
 بهزاد ابراهیمی ۹۲/۲
 بهزاد بیگ گرجی ۹۲/۲
 بهشتی حصاری ۹۳/۲
 بهمن میرزا قاجار ۹۴/۲
 بیاضی استرآبادی ۹۶/۲
 بیاضی حصاری ۹۶/۲
 بیانی استرآبادی ۹۷/۲
 بیانی تبریزی ۹۷/۲
 بیانی جوینی ۹۷/۲
 بیانی قلندر هروی ۹۷/۲
 بی‌باک مجلس آرا ۹۸/۲
 بی‌بی بیدلی ۹۸/۲
 بی‌بی جان حیاتی کرمانی ۲۹۸/۲
 بی‌بی دولت سمرقندی ۴۹/۳
 بسحق اطعمه شیرازی ۵۸/۲
 بسملی قزوینی ۶۰/۲
 بسمه چی هروی ۶۰/۲
 بشار بن برد طخارستانی ۶۰/۲
 بشار مرغزی ۶۰/۲
 بشر بن غانم ابو غانم خراسانی ۱۷۸/۱
 بشر حافی مروزی بغدادی ۶۱/۲
 بشیر تبریزی ۶۱/۲
 بشیر دزفولی ۳۰/۳
 بصیر سیستانی ۶۲/۲
 بقایی بدخشی ۶۵
 بقایی خوارزمی ۶۵
 بقایی قهستانی ۶۵/۲
 بقایی کمانگر ۶۵/۲
 بکر سفدی ۲۲۹/۳
 بلایی بخارایی ۶۷/۲
 بلبل یزدی ۶۷/۲
 بمانعلی راجی کرمانی ۷۰/۳
 بنایی تونی ۷۰/۲
 بنت‌الشیخ طوسی ۷۱/۲
 بنت‌المجلسی ۷۱/۲
 بنت‌المنشار عاملی ۷۱/۲
 بنت‌النجاریه ۷۱/۲
 بندار ابن لزه کرخی اصفهانی ۱۳۵/۱
 بندار شیرازی ۷۲/۲
 بنو موسی بن شاکر ۷۳/۲
 بنیادی تبریزی ۷۳/۲
 بوداق اظهري شیرازی ۲۶۷/۱
 بوداق قزوینی ۷۴/۲
 بوداق نسیم شاملو ۳۸/۶
 بوعلی ۷۶/۲
 به‌آفرید ۷۸/۲
 بهادرچم بهادر شیرازی ۷۸/۲
 بهاری اصفهانی ۸۰/۲
 بهاء‌الدین ۷۶/۲
 بهاء‌الدین برندق خجندی ۴۳/۲
 بهاء‌الدین بن حسن ۷۶/۲
 بهاء‌الدین بهای قزوینی ۸۱/۲
 بهاء‌الدین بهایی شیرازی ۸۱/۲
 بهاء‌الدین حسام‌زاده بازارگاد ۱۱۵/۲

- بیجه منجمه ۹۸/۲
 بیخودی سمرقندی ۹۸/۲
 بیخودی سمنانی ۹۹/۲
 بیخودی شیرازی ۹۹/۲
 بیخودی قزوینی ۹۹/۲
 بیدلی همدانی ۱۰۱/۲
 بیرام بیگ سامعای همدانی ۱۹۶/۳
 بینمی نطنزی ۱۰۷/۲
 بیغو ملک ۱۰۷/۲
 بیکسی شوشتری ۱۰۷/۲
 بیکسی غزنوی ۱۰۷/۲
 بیگم جان خانم فخری قاجار ۲۷۰/۴
 بیگم جان طیبه قاجار ۱۲۱/۴
 بیگم رشحه اصفهانی ۱۰۴/۳
 بی نشان ۱۰۹/۲
 بیوک فرمند ۲۸۸/۴
 پادشاه خاتون ۱۱۳/۲
 پادشاه خواجه ۱۱۳/۲
 پادشاه قلی جذبی کرد نازنجی ۱۸۷/۲
 پرتوی ۱۱۸/۲
 پرتوی شیرازی ۱۱۸/۲
 پرغم تبریزی ۱۱۹/۲
 پروانه ۱۱۹/۲
 پرویز خان سلماسی ۱۲۰/۲
 پرویز رهبر ۱۴۲/۳
 پرویز زابلی ۱۴۹/۳
 پرویز نائل خانلری ۳۱۵/۲
 پروین ۱۲۰/۲
 پروین اعتصامی ۱۲۰/۲
 پری بیگه ترکمان ۱۲۱/۲
 پریخان خانم صفوی ۱۲۱/۲
 پریزاد خانم ۱۲۱/۲
 پورفریدون ۱۲۴/۲
 پهلوان حسین دیوانه ۵۹/۳
 پیامی شیرازی ۱۲۵/۲
 پیر احمد زرکوب نقاش ۲۴۴/۴
 پیربیک غلام ۱۲۶/۲
 پیرحسین ۱۲۶/۲
 پیر سید احمد تبریزی ۱۲۷/۲
 پیرعلی جامی ۱۲۷/۲
 پیرعلی هروی ۱۲۷/۲
 پیرغلام مینوچهر ۱۲۷/۲
 پیرقلی بیک استاجلو ۱۲۷/۲
 پیرمحمد ثانی ۱۲۷/۲
 پیرنور اصفهانی ۱۲۷/۲
 پیری اصفهانی ۱۲۹/۲
 پیریحبی صوفی ۱۲۹/۲
 پیری قاسمی ۱۳۰/۲
 تابعی دماوندی ۱۳۲/۲
 تابعی هروی ۱۳۲/۲
 تاج الدین پوربهای جامی ۱۲۲/۲
 تاج الدین حسن جرجانی ۱۸۸/۲
 تاج الدین سرخسی ۱۳۳/۲
 تاج الدین فارسی ۱۳۴/۲
 تاج نمران شاه ۱۳۳/۲
 تاجری خضری خوانساری ۳۲۹/۲
 تاجری خوانساری ۱۳۵/۲
 تاج سلمانی ۱۳۳/۲
 تاج سلمانی اصفهانی ۱۳۳/۲
 تاج محمد هراتی ۱۳۴/۲
 تارک شیرازی ۱۳۵/۲
 تائب خراسانی ۱۳۵/۲
 تائب کرمانی ۱۳۶/۲
 تجلی بخارایی ۱۴۱/۲
 تجلی لاهیجی گیلانی ۱۴۱/۲
 تذرو ابهری قزوینی ۱۴۳/۲
 تذهیبی اصفهانی ۱۴۳/۲
 ترابی ۱۴۳/۲
 ترابی بلخی ۱۴۴/۲
 ترجمان برازجانی ۱۴۵/۲
 ترکی کشی ایلاقی ۱۴۸/۲
 تزرقی اردبیلی ۱۴۹/۲
 تزرقی بیارجمندی ۱۴۹/۲
 تسلی اصفهانی ۱۴۹/۲
 تصنیفی خوانساری ۱۵۱/۲
 تعظیمای قمی ۱۵۱/۲
 تقی ارانی ۲۲۴/۱
 تقی اصفهانی ۱۵۴/۲
 تقی افشار ارموی ۲۷۳/۱
 تقی الدین ابو محمد عبدالعزیز ابن انخضر گنابادی ۹۲/۱

- تقی‌الدین حزنی اصفهانی ۲/ ۲۵۷
تقی‌الدین طیب شیرازی ۴/ ۱۰۵
تقی‌الدین محمد اوحدی بلیانی ۱/ ۳۱۷
تقی‌الدین محمد / محمد تقی ابوالخیر فارسی ۱/ ۱۶۴
تقی‌مثال قهپایه‌ای ۵/ ۱۲۵
تقی بن سلطان الکتاب ۲/ ۱۵۴
تقی بهرامی ۲/ ۹۰
تقی پروانه شیرازی ۲/ ۱۱۹
تقی پیرزاد مشهدی ۲/ ۱۵۴
تقی حسرت سندی ۲/ ۲۶۱
تقی حلوائی ضمیر اصفهانی ۴/ ۷۲
تقی‌خان مجدالملک عبقری ۴/ ۱۶۸
تقی‌خان نسق چی باشی ۲/ ۱۵۴
تقی دانش تفرشی ۳/ ۱۱
تقی دانشور ۳/ ۱۳
تقی ذکری کاشانی ۲/ ۱۵۵
تقی رایفی ۳/ ۸۹
تقی رزاقی قمی ۳/ ۹۷
تقی زیور یزدی ۳/ ۱۸۴
تقی شایگان ۳/ ۲۹۹
تقی شوشتری ۲/ ۱۵۵
تقی ظهوری ۴/ ۱۲۶
تقی فاطمی ۴/ ۲۵۸
تقی قمی ۲/ ۱۵۵
تقی مازندرانی ۲/ ۱۵۶
تقی / محمد تقی آق‌اولی ۱/ ۵۷
تقی مستوفی اصفهانی ۲/ ۱۵۶
تقی میناساز ۲/ ۱۵۶
تقی نثاری اصفهانی ۶/ ۲۰
تقی واحد اصفهانی ۶/ ۹۴
تقی همدانی ۲/ ۱۵۶
تکلو خان قصه خوان ۲/ ۱۵۷
تنسر هیریدان هیرید ۲/ ۱۵۹
تنهایی بیگ ارسبارانی ۲/ ۱۶۳
توران‌شاه ۲/ ۱۶۴
توسنی تبریزی ۲/ ۱۶۴
تولک باقی ۲/ ۱۶۵
تیمور لکستانی ۵/ ۱۰۶
جارویی بلخی ۲/ ۱۸۱
جامی اردبیلی ۲/ ۱۸۲
جانی بخارایی ۲/ ۱۸۳
جانی قزوینی ۲/ ۱۸۳
جاوید قزوینی ۲/ ۱۸۴
جبار عسکرزاده باغچه‌بان ۲/ ۹
جبار ناظم‌المهام ۶/ ۱۵
جبریل جندی شاپوری ۲/ ۱۸۵
جبریل فرزند عبيدالله ۲/ ۱۸۵
جبله خراسانی ۲/ ۱۸۵
جدیدی اصفهانی ۲/ ۱۸۷
جذبی خوانساری ۲/ ۱۸۷
جرجیس بن جبریل ۲/ ۱۸۹
جزمی تبریزی ۲/ ۱۹۶
جزوی عراقی ۲/ ۱۹۶
جسمی همدانی ۲/ ۱۹۶
جعفر ۲/ ۱۹۶
جعفر آشتیانی ۱/ ۳۳
جعفر آقا صادق ۲/ ۱۹۷
جعفر آل بحر العلوم ۱/ ۶۲
جعفر آملی ۱/ ۷۱
جعفر افتخارالحکماء ۱/ ۲۷۰
جعفر انیس طباطبایی ۱/ ۳۱۵
جعفر اهری ۲/ ۱۹۷
جعفر بایسنقری ۲/ ۱۹۷
جعفر بحرانی ۲/ ۲۳
جعفر بزرگی ۲/ ۵۶
جعفر بن احمد ابوالقاسم رازی ۱/ ۱۸۳
جعفر بن عبدالله حویزی اصفهانی ۲/ ۲۹۷
جعفر بن عبدالله فناکی رازی ۴/ ۳۰۵
جعفر بن محمد ابن قولویه قمی ۱/ ۱۳۳
جعفر بن محمد ابو‌معشر فلکی بلخی ۱/ ۱۸۸
جعفر بن محمد خطی بحرانی ۲/ ۳۳۰
جعفر بن محمد رودکی ۳/ ۱۳۵
جعفر بن محمد فریابی ۴/ ۲۹۰
جعفر بن نجفعلی ۲/ ۱۹۷
جعفر پیدا ۲/ ۱۲۶
جعفر تبریزی ۲/ ۱۳۷، ۱۹۸
جعفر توکلی ۲/ ۲۵
جعفر جعفری یزدی ۲/ ۲۰۰
جعفر جوان ۲/ ۲۱۳
جعفر جهان ۲/ ۲۱۷

- جعفر چهره‌نگار ۱۹۸/۲
 جعفر حسینی سبزواری ۱۹۸/۲
 جعفر حقایق‌نگار خورموجی ۲۸۴/۲
 جعفر خاکشیر اصفهانی ۳۱۰/۲
 جعفر خامنه‌ای ۳۱۳/۲
 جعفرخان ۱۹۸/۲
 جعفر خشنی ۱۹۸/۲
 جعفر دوریستی رازی ۴۴/۳
 جعفر رازی ۱۹۸/۲
 جعفر ریاض همدانی ۱۴۵/۳
 جعفر ریاضی خوانساری ۱۴۶/۳
 جعفر ساغر کنگاوری ۱۹۰/۳
 جعفر سبزواری ۲۰۱/۳
 جعفر شوشتری ۳۴۴/۳
 جعفر شهیدی ۳۵۸/۳
 جعفر صافی اصفهانی ۱۵/۴
 جعفر صبور قمی ۲۷/۴
 جعفر عاملی تهرانی ۱۳۹/۴
 جعفر علی صادق نیشابوری ۱۱/۴
 جعفر غضبان اصفهانی ۲۳۵/۴
 جعفر غیرت اصفهانی ۲۴۶/۴
 جعفر قراچه‌داغی ۳۴۵/۴
 جعفر قزوینی ۱۹۸/۲
 جعفر قزوینی حلی ۳۵۳/۴
 جعفر قلی خان نیرالملک ۸۲/۶
 جعفر کرمانی ۱۹۹/۲
 جعفر کشفی دارابی بروجردی ۴۲/۵
 جعفر گلپایگانی ۷۶/۵
 جعفر لاهیجی ۱۹۹/۲
 جعفر/محمد جعفر کاشانی ۹/۵
 جعفر مذهب ۱۹۹/۲
 جعفر مروزی ۲۲۲، ۲۲۱/۵
 جعفر مستغفری نسفی ۲۲۹/۵
 جعفر مشیرالدوله ۲۴۹/۵
 جعفر معلم کاشی ۱۹۹/۲
 جعفر منجم تبریزی ۱۹۹/۲
 جعفر نوای اصفهانی ۶۵/۶
 جعفر نیشابوری ۸۳/۶
 جعفر یزدی ۱۹۹/۲
 جلال اسیر شهرستانی اصفهانی ۲۵۲/۱
 جلال‌الدین آقامیرک اصفهانی ۵۵/۱
 جلال‌الدین آیت‌الله‌زاده شیرازی ۷۸/۱
 جلال‌الدین تقوی ۱۵۴/۲
 جلال‌الدین حسینی محدث ارموی ۱۴۱/۵
 جلال‌الدین خواندمیر ۲۰۲/۲
 جلال‌الدین درّی مهریزی یزدی ۳۰/۳
 جلال‌الدین غباری ۲۰۲/۲
 جلال‌الدین فریدون عکاشه ۱۹۰/۴
 جلال‌الدین فضل‌الله خواری ۲۰۰/۲
 جلال‌الدین قاپی ۳۳۶/۴
 جلال‌الدین کاسی ۲۹۷/۱
 جلال‌الدین محمد دوانی ۴۳/۳
 جلال‌الدین محمد عتیقی تبریزی ۱۷۰/۴
 جلال‌الدین محمود امامی ۲۸۹/۱
 جلال‌الدین میرزا قاجار ۲۰۱/۲
 جلال‌الدین مؤید الاسلام ۳۱۳/۵
 جلال‌الدین هروی ۲۰۲/۲
 جلال‌الدین یوسف هروی ۲۰۳/۲
 جلال‌المالک ایرج میرزا ۳۲۳/۱
 جلالای طباطبایی زواره‌ای ۲۰۳/۲
 جلال بقایی نایینی ۶۵/۲
 جلال تاج اصفهانی ۱۳۲/۲
 جلال/جلال‌الدین همایی ۱۴۵/۶
 جلال/جلالای شمریاف یقین کاشانی ۱۶۲/۶
 جلال درکانی ۲۰۱/۲
 جلال عضد ۲۰۱/۲
 جلال قانونی ۳۳۵/۴
 جلال هروی ۲۰۲/۲
 جلالی خراسانی ۲۰۳/۲
 جمال‌الدین آرام گلپایگانی ۲۳/۱
 جمال‌الدین ازهری هروی ۲۳۳/۱
 جمال‌الدین اصفهانی ۲۶۲/۱
 جمال‌الدین افجه‌ای ۲۷۱/۱
 جمال‌الدین جرجانی ۱۸۸/۲
 جمال‌الدین حسین اینجو ۳۲۶/۱
 جمال‌الدین سماوی ۲۵۱/۳
 جمال‌الدین شاهفور / شاهپور شهری نیشابوری ۲۶۰/۱
 جمال‌الدین شیرازی ۲۰۶/۲
 جمال‌الدین کرباسی ۳۰/۵
 جمال‌الدین گلپایگانی ۷۶/۵

- جمال‌الدین محمد خوانساری ۳۴۴/۲
 جمال‌الدین محمد سراجی خراسانی ۲۱۵/۳
 جمال‌الدین محمد عرفی شیرازی ۱۷۴/۲
 جمال‌الدین واعظ اصفهانی ۹۷/۶
 جمال حسن اصفهانی ۲۰۵/۲
 جمال شهران ۳۵۲/۳
 جمال شیرازی ۲۰۵/۲
 جمال قزوینی ۲۰۶/۲
 جمال کازرونی ۲۰۷/۲
 جمال کاشانی ۲۰۷/۲
 جمال مشهدی ۲۰۷/۲
 جمال نقاش ۲۰۷/۲
 جمالی شوشتری ۲۰۸/۲
 جمالی کاشانی ۲۰۸/۲
 جمالی مهرجردی ۲۰۸/۲
 جمشید اسحاقی ۲۰۸/۲
 جمشید امینی ۳۰۷/۱
 جمشید بختیاری ۲۰۸/۲
 جمشید معمای هروی ۲۰۸/۲
 جمیل صدقی زهابی ۳۸/۴
 جمیل قزائلو ۳۴۹/۴
 جمیل اصفهانی ۲۰۹/۲
 جناب دماندی ۲۱۰/۲
 جنتی بیای نخشی ۲۱۰/۲
 جنتی خراسانی ۲۱۱/۲
 جنونی بدخشی معمای ۲۱۱/۲
 جنونی هروی ۲۱۱/۲
 جنونی همدانی ۲۱۱/۲
 جنید بغدادی ۲۱۱/۲
 جنید سلطانی ۲۱۱/۲
 جنید شیرازی ۲۱۲/۲
 جواد آدینه اصفهانی ۱۸/۱
 جواد آملی ۷۰/۱
 جواد اسیر خوانساری ۲۵۲/۱
 جواد اصفهانی ۲۱۳، ۲۱۲/۲
 جواد امامی اصفهانی ۲۸۹/۱
 جواد بدیع زاده ۳۴/۲
 جواد تهرانی ۱۶۷/۲
 جواد خان بهشتی ۹۳/۲
 جواد خان قزوینی ۲۱۳/۲
 جواد رشتی ۱۰۲/۳
 جواد سروری ۲۲۱/۳
 جواد سیاهپوش ۲۶۹/۳
 جواد شوقی اصفهانی ۳۴۴/۳
 جواد صدر ۳۰/۴
 جواد طارمی زنجانی ۸۰/۴
 جواد عامری ۱۳۷/۴
 جواد/عبدالجواد نیشابوری ۸۹/۶
 جواد عنقای اصفهانی ۲۲۱/۴
 جواد فاضل لاریجانی ۲۵۵/۴
 جواد قوام پور هاتمی سمنانی ۱۲۲/۶
 جواد / محمد جواد آزادی ۲۹/۱
 جواد معروفی ۲۶۶/۵
 جواد هدایتی ۱۳۱/۶
 جوان‌بخت قاجار ۲۱۳/۲
 جوهری سمرقندی ۲۱۵/۲
 جهان ۲۱۷/۲
 جهان‌شاه صالح ۱۶/۴
 جهان‌شاه قراقوینلو ۲۱۸/۲
 جهان‌شاه میرزا قاجار ۲۱۸/۲
 جهانگیر آموزگار ۷۴/۱
 جهانگیر بخاری ۲۱۹/۲
 جهانگیر تسلی لرستانی ۱۴۹/۲
 جهانگیر جلیلی ۲۰۵/۲
 جهانگیرخان شیرازی ۲۱۹/۲
 جهانگیرخان ضیایی مرندي ۷۸/۴
 جهانگیرخان قشقایی ۲۱۹/۲
 جهانگیر سلطانی ۲۱۹/۲
 جهانگیر قائم مقامی ۳۱۸/۴
 جهانگیر مراد حمام‌السلطنه ۲۶۰/۲
 جهانگیر میزرا ۲۱۹/۲
 جهان ملک خاتون اینجو ۲۲۰/۲
 جی جی باهای سلیستر دینشاه ایرانی ۵۶/۳
 چالانچی خان ۲۲۱/۲
 چراغعلی خان فطرت نوایی مازندرانی ۳۰۰/۴
 چماقلو بارفروشی ۲۲۴/۲
 چمدان اوغلی غیوری ۲۲۷/۴
 چهری کی نیا ۶۸/۵
 حاتم اصم بلخی ۲۲۷/۲
 حاتم بیگ همدانی ۲۲۸/۲

- حاج بارک‌الله ۲/ ۲۲۸
 حاجب بن احمد طوسی ۴/ ۱۱۶
 حاجت قلی حکاک مراغی ۲/ ۲۲۹
 حاج سید حسن رضا ۲/ ۲۲۹
 حاجی آقا نقشباشی ۲/ ۲۲۹
 حاجی ابرقوهی ۲/ ۲۲۹
 حاجی تبریزی ۲/ ۲۲۹
 حاجی تهرانی ۲/ ۲۲۹
 حاجی حسن کلاه‌دوز ۵/ ۴۶
 حاجی خان عین‌الدوله‌ای ۲/ ۲۳۰
 حاجی سبزواری ۲/ ۲۳۰
 حاجی طبسی ۲/ ۲۳۰
 حاجی علی ۲/ ۲۳۰
 حاجی محمد ۲/ ۲۳۱
 حاجی محمد رضا ۲/ ۲۳۱
 حاجی محمد گیلانی ۲/ ۲۳۰
 حاجی محمد هروی ۲/ ۲۳۱
 حاجی مدنی ۲/ ۲۳۱
 حاجی مقصود تبریزی ۲/ ۲۳۱
 حاجی نجومی هروی ۶/ ۲۹
 حاجیه مریم خانم بانوی خاتون آبادی ۲/ ۱۹
 حاجی یوسف بن محمد ابراهیم ۲/ ۲۳۱
 حاصلی تبریزی ۲/ ۲۳۳
 حاضری سمنانی ۲/ ۲۳۳
 حافظ احمد قزوینی ۲/ ۲۳۶
 حافظ باباجان تربتی ۲/ ۲۳۶
 حافظ پناهی خراسانی ۲/ ۲۳۶
 حافظ جلال‌باخرزی ۲/ ۲۳۶
 حافظ حسین رفعتی آق حصار ۲/ ۲۳۶
 حافظ رومی ۲/ ۲۳۷
 حافظ شربنی ۲/ ۲۳۷
 حافظ صابونی قزوینی ۲/ ۲۳۷
 حافظ علاف شیرازی ۲/ ۲۳۷
 حافظ علی غوری هروی ۲/ ۲۳۷
 حافظ عندلیب تبریزی ۲/ ۲۳۷
 حافظ فوطه‌ای ۲/ ۲۳۸
 حافظ قزوینی ۲/ ۲۳۸
 حافظ قنبر شرفی ۲/ ۲۳۸
 حافظ مجلسی تبریزی ۲/ ۲۳۸
 حافظ محمد تجلی ۲/ ۲۳۸
 حافظ مظفر قمی ۲/ ۲۳۸
 حافظی ۲/ ۲۳۹
 حافظ یاری ۲/ ۲۳۹
 حافظی کرمانی ۲/ ۲۳۹
 حالتی گیلانی ۲/ ۲۴۱
 حالی آذربایجانی ۲/ ۲۴۱
 حامد بن خضر خجندی ۲/ ۳۱۹
 حامد حسین ۲/ ۲۴۲
 حامد قزوینی ۴/ ۳۵۱
 حامد کاغذی نیشابوری ۵/ ۲۱
 حامدی اصفهانی ۲/ ۲۴۳
 حامدی شوشتری ۲/ ۲۴۳
 حبیب اصفهانی ۲/ ۲۴۸
 حبیب‌الله ۲/ ۲۵۰
 حبیب‌الله آموزگار ۱/ ۷۴
 حبیب‌الله باغ نوری شیرازی ۲/ ۱۰
 حبیب‌الله بهارجانی ۲/ ۲۵۰
 حبیب‌الله حبیب نیشابوری ۲/ ۲۵۲
 حبیب‌الله خاقانی محلاتی ۲/ ۳۱۰
 حبیب‌الله خیابان کاشانی ۲/ ۳۱۸
 حبیب‌الله خراسانی ۲/ ۲۴۸
 حبیب‌الله ذوالفقون عراقی ۳/ ۶۴
 حبیب‌الله رشتی ۳/ ۱۰۱
 حبیب‌الله ساوجی ۲/ ۲۵۰
 حبیب‌الله سبزواری ۲/ ۲۴۹
 حبیب‌الله شیخ ثانی کرمانی ۳/ ۳۶۳
 حبیب‌الله شیرازی ۲/ ۲۵۱، ۲۵۰
 حبیب‌الله صالحی ۴/ ۱۹
 حبیب‌الله صحیحی ۴/ ۲۹
 حبیب‌الله صمدی ۴/ ۵۷
 حبیب‌الله طبیب کاشانی ۴/ ۱۰۶
 حبیب‌الله عین‌الملک هویدا ۴/ ۲۲۶
 حبیب‌الله قانلی شیرازی ۴/ ۳۱۷
 حبیب‌الله قاجار ۲/ ۲۵۱
 حبیب‌الله کاتب ۲/ ۲۵۱
 حبیب‌الله کاشانی ۵/ ۱۲
 حبیب‌الله مشهدی ۲/ ۲۵۱، ۲۴۸
 حبیب‌الله مشیر همایون شهردار ۵/ ۲۵۰
 حبیب‌الله نوبخت شیرازی ۶/ ۶۷
 حبیب‌الله نیر اصفهانی ۶/ ۸۱

- حبيب الله همدانی ۲/ ۲۵۱
 حبيب رازی ۲/ ۲۴۸
 حبيب ساهر ۳/ ۱۹۸
 حبيب سماع حضور ۳/ ۲۵۰
 حبيب سماعی ۳/ ۲۵۱
 حبيب شاطر حاجی اصفهانی ۲/ ۲۴۹
 حبيب شیرازی ۲/ ۲۴۹
 حبيب قراآغاجی نظام افشار ۶/ ۴۹
 حبيب لوی ۵/ ۱۱۰
 حبيب نجار لواسانی ۲/ ۲۴۹
 حبيبی برگشادی آذربایجانی ۲/ ۲۵۱
 حبيب یغمایی ۲/ ۲۵۰
 حبيبش تغلیسی ۲/ ۲۵۱
 حبيبش ثقفی طوسی بغدادی ۲/ ۲۵۲
 حجابی استرآبادی ۲/ ۲۵۳
 حریفی ساوجی ۲/ ۲۵۷
 حریفی نهاوندی ۲/ ۲۵۷
 حزنی اصفهانی ۲/ ۲۵۷
 حزنی گیلانی ۲/ ۲۵۸
 حزنی یزدی ۲/ ۲۵۸
 حسام اردستانی ۲/ ۲۵۹
 حسام‌الدین ۲/ ۲۶۰
 حسام‌الدین جناب شیرازی ۲/ ۲۱۰
 حسام‌الدین جلبی ارموی ۲/ ۲۶۰
 حسام‌الدین زرین قلم ۳/ ۱۶۰
 حسام‌الدین عبدالحسین دولت‌آبادی ۲/ ۲۵۹
 حسام‌الدین کارکیا لامیجی ۵/ ۵
 حسام‌الدین هروی ۲/ ۲۶۰
 حسامی قراکولی ۲/ ۲۶۱
 حسن ۲/ ۲۶۱
 حسن. ۲/ ۲۶۱
 حسن آتش اصفهانی ۱/ ۴
 حسن آتشی ۱/ ۴
 حسن آخوند یزدی کريلای ۱/ ۱۵
 حسن آرنودی نایینی ۱/ ۲۵
 حسن آزاد معدلی شیرازی ۱/ ۲۸
 حسن آل بحر العلوم ۱/ ۶۲
 حسن آل طه اشرف‌الواعظین یزدی ۱/ ۲۵۸
 حسن آل عصفور ۱/ ۶۶
 حسن آوی ۱/ ۷۵
 حسن ابن شرفشاه حسینی استرآبادی ۱/ ۱۱۹
 حسن ابن شهاب یزدی ۱/ ۱۲۰
 حسن ابن مقله ۱/ ۱۴۵
 حسن ابوعلی وختی بلخی ۶/ ۱۰۶
 حسن ادیب طالقانی ۱/ ۲۲۰
 حسن ادیب طوطی اهری ۴/ ۱۱۸
 حسن اردشیر کلانی ۲/ ۲۶۲
 حسن استرآبادی ۱/ ۲۳۵
 حسن اسفندیاری ۱/ ۲۴۵
 حسن اصفهانی ۱/ ۲۶۲
 حسن اصفهانی ۱/ ۲۶۴، ۲/ ۲۶۲
 حسن اعظام قدسی ۱/ ۲۶۹
 حسن اعوری اصفهانی ۱/ ۲۷۰
 حسن امامی ۱/ ۲۸۹
 حسن اهتمام اصفهانی ۱/ ۳۲۰
 حسن اهوازی ۲/ ۲۶۲
 حسن بروجنی ۲/ ۵۰
 حسن بسته‌نگار ۲/ ۵۷
 حسن بسمل شیرازی ۲/ ۵۹
 حسن بغدادی ۲/ ۲۶۲
 حسن بن احمد ۲/ ۲۶۳
 حسن بن احمد ابوعلی فارسی ۱/ ۱۷۷
 حسن بن احمد بروجردي ۲/ ۴۴
 حسن بن احمد قاسمی گوخمیشی سمرقندی ۴/ ۳۲۵
 حسن بن خداداد ۲/ ۲۶۳
 حسن بن خطیر فارسی ۴/ ۲۵۱
 حسن بن روزبهان شیرازی ۳/ ۳۷۳
 حسن بن عبدالرحمن رامهرمزی ۳/ ۸۶
 حسن بن عبدالله سیرافی ۳/ ۲۷۵
 حسن بن عبدالله عسکری ۴/ ۱۷۸
 حسن بن عبدالله عسکری ۴/ ۱۷۹
 حسن بن عبدالمیمون ثانی ۳/ ۳۶۳
 حسن بن عبدالوهاب دیلمی ۳/ ۵۵
 حسن بن عرشاه نقاش ۲/ ۲۶۳
 حسن بن علی ابوعلی اهوازی ۱/ ۱۷۶
 حسن بن علی ابونصر منجم قمی ۱/ ۱۹۰
 حسن بن علی دیلمی ۳/ ۵۴
 حسن بن علی سلیمی تونی ۳/ ۲۵۰
 حسن بن علی طبری ۴/ ۱۰۰
 حسن بن علی طوسی ۴/ ۱۱۵

- حسن بن فضل طبرسی ۹۷/۴
 حسن بن قاسم رازی ۷۴/۳
 حسن بن قاسم طبری ۹۹/۴
 حسن بن محمد ۲۶۳/۲
 حسن بن محمد احسن ۲۶۳/۲
 حسن بن محمد باقر عریضی خراسانی ۱۷۵/۴
 حسن بن محمد دارکی اصفهانی ۴/۳
 حسن بن محمد رامی تبریزی ۸۶/۳
 حسن بن محمد زجاجی طبری ۱۵۴/۳
 حسن بن محمد صدر بکری نیشابوری ۳۳/۴
 حسن بن محمد صفانی ۴۲/۴
 حسن بن محمود سالم ۲۶۳/۲
 حسن بن مظفر خوارزمی ۳۴۲/۲
 حسن بن منصور قاضی خان اوزجندی فرغانی ۳۲۸/۴
 حسن بن منوچهر ۲۶۳/۲
 حسن بن نوح ابومنصور قمری بخاری ۱۸۹/۱
 حسن بن ولی ۲۶۳/۲
 حسن بن هانی ابونواس اهوازی ۱۹۱/۱
 حسن بیدار مغز ۹۹/۲
 حسن بیک ذوالقدر انسی اصفهانی ۳۱۰/۱
 حسن بیک سگ لوند قزوینی ۲۳۰/۳
 حسن بیگ بروجردی ۲۶۲/۲
 حسن بیگ تبریزی ۲۶۴/۲
 حسن بیگ خاکی شیرازی ۳۱۱/۲
 حسن بیگ رفیع مشهدی ۱۲۳/۳
 حسن بیگ شکرآوغلی مقیمی ترکمان تبریزی ۲۸۲/۵
 حسن بیگ صلابی اسفراینی ۵۶/۴
 حسن بیگ عتابی تکلو ۱۶۹/۴
 حسن بیگ عجزی تبریزی ۱۷۰/۴
 حسن بیهودی ۱۱۲/۲
 حسن پیرنیا ۱۲۸/۲
 حسن تسلیم اصفهانی ۱۵۰/۲
 حسن تقی زاده ۱۵۷/۲
 حسن تمنای یزدی ۱۵۸/۲
 حسن توپسرکانی ۲۶۴/۲
 حسن جابری اصفهانی ۱۷۹/۲
 حسن جلال نیشابوری ۲۰۲/۲
 حسن جنتی ۲۱۰/۲
 حسن جهان خانم والیه ۱۰۱/۶
 حسن حسام مظفری خویی ۲۶۰/۲
 حسن حسنی ۲۶۴/۲
 حسن/حسین صلابی اردستانی ۵۶/۴
 حسن/حسین لذنی همدانی ۹۹/۵
 حسن/حسین واعظ فیضی شروانی ۳۱۵/۴
 حسن حسینی ۲۶۴/۲
 حسن حسینی فسایی ۲۹۳/۴، ۲۶۴/۲
 حسن حکاک ۲۸۵/۲
 حسن خاکبای اصفهانی ۳۱۰/۲
 حسن خان خبیرالملک تهرانی ۳۱۹/۲
 حسن خان شاملو ۲۶۴/۲
 حسن خان شیپانی کاشانی ۳۶۰/۳
 حسن خان گیلانی دبیر مخصوص ۲۱/۳
 حسن خراسانی ۲۶۵/۲
 حسن خوانساری ۲۶۵/۲
 حسن خوانساری صدر ۳۴۶/۲
 حسن دزفولی کاظمی ۳۲/۳
 حسن دورستی رازی ۴۵/۳
 حسن دهلوی ۵۳/۳
 حسن رادفر یزدی ۷۰/۳
 حسن رادمرد ۷۰/۳
 حسن راهب مالگیری ۸۸/۳
 حسن رشديه تبریزی ۱۰۴/۳
 حسن رمضان شاهی ۱۲۷/۳
 حسن زرین خط ۱۵۹/۳
 حسن زرین قلم ۱۶۰/۳
 حسن زیتنی نظری ۱۷۹/۳
 حسن زینی ۱۸۴/۳
 حسن ساروی ۱۸۸/۳
 حسن سالک اصفهانی ۱۹۳/۳
 حسن سبزواری ۲۰۲/۳
 حسن ستوده تهرانی ۲۰۶/۳
 حسن سحابی استرآبادی ۲۱۰/۳
 حسن سخنور یزدی ۲۱۱/۳
 حسن سعید تهرانی ۲۲۶/۳
 حسن سمنانی ۲۶۵/۲
 حسن سمعی ۲۵۵/۳
 حسن سیادت ۲۶۷/۳
 حسن شاه بهاءالدوله رازی ۲۸۶/۳
 حسن شاه هروی ۲۶۵/۲
 حسن شریف ۲۶۵/۲

- حسن شفیعیان راد ۳/۳۲۵
 حسن شکوهی بناهکی یزدی ۳/۳۲۸
 حسن شمسی لاریجانی ۳/۳۴۱
 حسن شمیرانی ۳/۳۴۱
 حسن شوکت شیرازی ۳/۳۴۶
 حسن شهباز ۳/۳۵۰
 حسن شهرت شیرازی ۳/۳۵۲
 حسن شهید نورایی ۳/۳۵۸
 حسن شیرازی ۲/۲۶۵
 حسن صدر ۲/۲۶۶
 حسن صدر حاج سید جوادی ۴/۳۴
 حسن صدر عاملی کاظمی ۴/۳۶
 حسن صفوی ۲/۲۶۶
 حسن صفی علیشاه ۴/۵۴
 حسن صنعی رشیدپور دزفولی ۴/۵۹
 حسن صهبا یغمایی ۴/۶۵
 حسن طایر شیرازی ۴/۹۲
 حسن طباطبایی ۲/۲۶۶
 حسن طباطبایی قمی ۴/۳۶۷
 حسن عسکری کاشانی ۴/۱۸۰
 حسن عشقی کرمانشاهی ۴/۱۸۲
 حسنعلی ۲/۲۶۸
 حسنعلی آذرخش ۱/۲۰
 حسنعلی اصفهانی ۱/۲۶۳، ۲/۲۶۲
 حسنعلی بیضای اصفهانی ۲/۱۰۵
 حسنعلی/حسینعلی فلسفی نایینی حسینی ۴/۳۰۴
 حسنعلی/حسینعلی قابل ایروانی ۴/۳۱۹
 حسنعلی خان امیر نظام گروسی ۱/۳۰۱
 حسنعلی خان بنی آدم ۲/۷۳
 حسنعلی دانش شوشتری ۳/۱۱
 حسنعلی دفتری ۳/۳۸
 حسنعلی رونق شیرازی ۳/۱۴۰
 حسنعلی سوزی ساوجی ۳/۲۶۰
 حسنعلی شهاب ارسنجانی ۳/۳۴۶
 حسنعلی شیرازی ۲/۲۶۹
 حسنعلی طایر نایینی ۴/۹۲
 حسنعلی مشهدی ۲/۲۶۹
 حسنعلی میرزا شکسته فاجار ۳/۳۲۷
 حسنعلی وفای شیرازی ۶/۱۱۳
 حسنعلی یزدی ۲/۲۶۹
 حسن عمید ۴/۲۱۷
 حسن عنصری بلخی ۴/۲۲۱
 حسن غندجانی شیرازی ۴/۲۴۱
 حسن غیور کرمانی ۴/۲۴۷
 حسن فرید گلپایگانی ۴/۲۹۱
 حسن فرید محسنی نجفی ۴/۲۹۲
 حسن فلکی کاشانی ۲/۲۶۶
 حسن قائمیان ۴/۳۱۹
 حسن قادر بروجردی ۴/۳۲۰
 حسن قاضی طباطبایی ۴/۳۳۰
 حسن قاضی خراسانی ۴/۳۴۰
 حسن قزوینی ۲/۲۶۶
 حسن قصاب ۲/۲۶۶
 حسن قطان مروزی ۴/۳۵۸
 حسن قمی ۲/۲۶۶، ۴/۲۶۷، ۴/۳۶۸
 حسن کاتب شیرازی ۲/۲۶۷
 حسن کاشانی ۲/۲۶۷، ۵/۹، ۵/۱۰
 حسن کاشی آملی ۵/۱۷
 حسن گلپایگانی ۲/۲۶۷
 حسن گنابادی نیشابوری ۵/۸۴
 حسن گوهر قراچه داغی ۵/۸۸
 حسن گیلانی ۲/۲۶۷
 حسن لاهیجی ۵/۹۸
 حسن لکذه اصفهانی ۵/۱۰۵
 حسن لنکرانی ۵/۱۰۶
 حسن لواسانی ۵/۱۰۸
 حسن ماه آبادی ۵/۱۲۰
 حسن مایل افشار ۵/۱۲۱
 حسن متکلم نیشابوری ۵/۱۲۴
 حسن مجتهد تبریزی ۵/۱۲۷
 حسن / محمد حسن آشتیانی ۱/۳۲
 حسن / محمد حسن آقا نجفی قوچانی ۱/۵۷
 حسن / محمد حسن عبدالعلی نطنزی کاشانی ۴/۱۵۳
 حسن / محمد حسن علیاری تبریزی ۴/۲۰۰
 حسن / محمد حسن فانی یزدی ۴/۲۶۱
 حسن / محمد حسن هشترودی تبریزی ۶/۱۳۹
 حسن محمد کاتب ۲/۲۶۹
 حسن مخلص نیشابوری ۵/۲۰۰
 حسن مخلصی پنیسی ۵/۲۰۱
 حسن مدرس اصفهانی ۵/۲۰۱

- حسن مدرس قمشه‌ای ۲۰۵/۵
حسن مذهب ۲۶۷/۲
حسن مرعشی ۲۱۶/۵
حسن مشرفی شیرازی ۲۴۳/۵
حسن مشکان طبسی ۲۴۶/۵
حسن معمار قمی ۲۶۷/۲
حسن مقدم ۲۷۹/۵
حسن موسوی بجنوردی ۲۱/۲
حسن نثاری بخارایی ۲۰/۶
حسن نظام اعرج نیشابوری ۴۸/۶
حسن نظام‌الملک طوسی ۵۲/۶
حسن نقاش ۴۷/۱
حسن نویختی ۶۸/۶
حسن نهاوندی ۲۶۸/۲
حسن نیازی بخارایی ۸۰/۶
حسن نیشابوری ۸۷، ۸۵/۶
حسن واثق نیشابوری ۹۳/۶
حسن واهب اصفهانی ۱۰۲/۶
حسن وحید دستگردی ۱۰۴/۶
حسنویه بدری غزنوی ۳۰/۲
حسن همدانی ۱۴۷/۶
حسن یزدی ۱۵۸/۶
حسنیه ۲۷۰/۲
حسین ۲۷۱، ۲۷۰/۲
حسین آبی ۳/۱
حسین آخوند بروجردی ۸/۱
حسین آخوند فشارکی ۱۰/۱
حسین آزاد ۲۶/۱
حسین آزد ۳۰/۱
حسین آستارایی ۳۱/۱
حسین آل بحر العلوم ۶۲/۱
حسین آل عصفور ۶۷/۱
حسین ابن بابویه قمی ۹۶/۱
حسین ابن بسطام ۹۶/۱
حسین ابن خالویه ۱۰۴/۱
حسین ابن خسرو بلخی ۱۰۶/۱
حسین ابن شیبان قزوینی ۱۲۱/۱
حسین ابن شیبان قزوینی ۱۲۱/۱
حسین ابن یزدانیا ۱۵۱/۱
حسین ابوالفتح رازی ۱۸۰/۱
حسین احمدی ۲۰۸/۱
حسین اخگر اصفهانی ۲۱۳/۱
حسین ادیب‌السلطنه سمعی ۲۱۹/۱
حسین اردکانی ۲۲۸/۱
حسین ارزنگی ۲۳۰/۱
حسین ارسنجانی ۲۳۱/۱
حسین استوار ۲۳۷/۱
حسین اسماعیل‌زاده ۲۴۹/۱
حسین اسیری اصفهانی ۲۵۳/۱
حسین اشکوری ۲۶۰/۱
حسین اعمی روشندل شهرکردی ۱۳۸/۳
حسین الفتی یزدی ۲۸۱/۱
حسین امامی اردستانی ۲۸۹/۱
حسین امید ۲۹۶/۱
حسین امین‌الادبا ۳۰۴/۱
حسین انوار اردکانی ۳۱۳/۱
حسین بروجردی ۴۹، ۴۵/۲
حسین بزمی خراسانی ۵۶/۲
حسین بن ابراهیم بدیع الزمان نطنزی ۳۵/۲
حسین بن ابوالخیر حسینی ۲۷۱/۲
حسین بن احمد پوشنگی ۱۲۴/۲
حسین بن احمد رازی ۷۴/۳
حسین بن اسماعیل ۲۷۱/۲
حسین بن حسن ابوالمحاسن گرگانی ۱۸۶/۱
حسین بن حسن اصفهانی ۲۷۱/۲
حسین بن حسن رازی ۷۵/۳
حسین بن حیدر ابوطاهر خاتونی بجلی ۱۷۳/۱
حسین بن رمضان ۲۷۲/۲
حسین بن سعید اهوازی ۲۷۱/۲
حسین بن علی ۲۷۲/۲
حسین بن علی بن احمد ۲۷۲/۲
حسین بن علی حسینی نیشابوری ۲۷۷/۲
حسین بن علی حسینی ۲۷۲/۲
حسین بن علی صیمری ۶۸/۴
حسین بن علی طبری ۹۹/۴
حسین بن علی طفرایی اصفهانی ۱۱۱/۴
حسین بن علی نجار ۲۷۲/۲
حسین بن مبارکشاه ۲۷۲/۲
حسین بن محمد تقی نیریزی ۲۷۲/۲
حسین بن محمد زعفرانی اصفهانی ۱۶۰/۳

۷۲

۷۱

حسین بن محمد زیدی حسینی ۱۷۷/۳
حسین بن محمد سلمی ۲۴۷/۳
حسین بن محمد شریف حکاک ۲۷۲/۲
حسین بن مسعود بغوی ۶۴/۲
حسین بن منصور حلاج ۲۹۱/۲
حسین بهبانی ۸۴/۲
حسین بهشتی ۹۳/۲
حسین بیرجندی ۲۷۳/۲
حسین بیگ خروشی تبریزی ۳۲۶/۲
حسین بیمار شیرازی ۱۰۹/۲
حسین پرتو بیضایی ۱۱۷/۲
حسین پرتو شیرازی ۱۱۷/۲
حسین پژمان بختیاری ۱۲۱/۲
حسین پورصناعی ۲۷۳/۲
حسین پیرونی ۱۲۸/۲
حسین تربتی ۱۴۴/۲
حسین تفلسی ۱۵۲/۲
حسین تنکابنی ۱۶۰/۲
حسین توتونچی ۱۶۳/۲
حسین توفیق ۱۶۴/۲
حسین تونی ۲۷۳/۲
حسین تهرانی ۱۶۷/۲
حسین ثقفی دینوری ابن قنویه ۱۳۱/۱
حسین جوفادقانی ۱۹۰/۲
حسین جزایری شوشتری ۱۹۱/۲
حسین جلال نیشابوری ۲۰۲/۲
حسین جمی دشتی فاضل جم ۲۵۴/۴
حسین حارثی عاملی ۲۳۲/۲
حسین حافظ ابن کربلایی قزوینی ۱۳۴/۱
حسین حافظ هروی ۲۳۸/۲
حسین حاکم بیهقی ۲۳۹/۲
حسین حجازی ۲۵۳/۲
حسین حزنی مکریانی ۲۵۷/۲
حسین حزین بروجردی ۲۵۸/۲
حسین / حسن استرآبادی ۲۳۷/۱
حسین / حسن بن خضر فشیدیزجی نسفی بخاری ۲۹۵/۴
حسین حسینی ۲۷۳/۲
حسین حسینی حابری ۲۷۹/۲
حسین حسینی خلخالی ۲۷۹/۲
حسین حسینی قمی ۲۸۱، ۲۸۰/۲



مرکز تحقیقات کتابخانه و اسناد ملی

A/۴۴

- حسین سامی راد ۱۹۷/۳
حسین سایل اصفهانی ۱۹۹/۳
حسین سبزواری ۲۰۲/۳
حسین سجاسی زنجان ۲۰۷/۳
حسین سخنیار مسرور اصفهانی ۲۳۱/۵
حسین سعادت نوری اصفهانی ۲۲۳/۳
حسین سعدی قمی ۲۲۵/۳
حسین سنجر ۲۵۷/۳
حسین سهراب ۲۶۱/۳
حسین شیباب پروجنی ۳۰۰/۳
حسین شجره اصفهانی ۳۰۳/۳
حسین شرافت ۳۰۴/۳
حسین شفقت ۳۲۳/۳
حسین شکبیا ۳۲۸/۳
حسین شمعی ۳۳۰/۳
حسین شمس العرفا ۳۳۸/۳
حسین شهبازیان ۳۵۱/۳
حسین شیرازی ۲۷۴/۲
حسین صبا ۲۱/۴
حسین صبوحی خوانساری ۲۶/۴
حسین صبوری همدانی ۲۸/۴
حسین صدرالمعالی شیرازی حائری ۳۷/۴
حسین صفوی ۵۱/۴
حسین صیمری ۶۹/۴
حسین ضمیری اصفهانی ۷۲/۴
حسین ضیایی دهنخوارقانی ۷۷/۴
حسین طاهرزاده ۸۹/۴
حسین طاهرزاده بهزاد ۸۹/۴
حسین طباطبایی ۴۴/۲
حسین طباطبایی اردستانی مجمر اصفهانی ۱۳۷/۵
حسین طبرسی محدث نوری ۱۴۳/۵
حسین طرفه ۱۰۹/۴
حسین طنابوره‌ای ۱۱۳/۴
حسین عامی شیرازی ۱۳۹/۴
حسین عراقی ۲۷۴/۲
حسین عطارزاده ۲۷۴/۲
حسین علوی سبزواری ۱۹۶/۴
حسینعلی ۲۷۶/۲
حسینعلی آشفته اصفهانی ۳۵/۱
حسینعلی اصفهانی ۲۷۶/۲
حسینعلی بیگ سمیعاً بروجردی ۲۷۶/۲
حسینعلی بیگ شرر بیگدلی ۳۰۴/۳
حسینعلی تویسرکانی ۱۶۶/۲
حسینعلی حسن نوری اسفندیاری ۲۶۸/۲
حسینعلی خراس هروی ۳۲۲/۲
حسینعلی راشد توشی ۸۱/۳
حسینعلی رزم‌آرا ۹۷/۳
حسینعلی ساعی خوانساری ۱۸۹/۳
حسینعلی سایل خویی ۱۹۹/۳
حسینعلی سلطانزاده پسیان ۲۳۴/۳
حسینعلی سلطانی کلهر کرمانشاهی ۲۴۳/۳
حسینعلی شیخ الاطباء ۳۶۱/۳
حسینعلی گلشن اصفهانی ۷۷/۵
حسینعلی محرم جهرمی ۱۴۵/۵
حسینعلی مصور ۲۷۶/۲
حسینعلی ملاح ۲۸۴/۵
حسینعلی منشی کاشانی ۲۹۷/۵
حسینعلی میرزا فرمانفرمای قاجار ۲۸۳/۴
حسینعلی مؤید پردازی ۳۱۳/۵
حسینعلی نکبسا ۶۳/۶
حسینعلی وزیر تبار ۱۰۹/۶
حسینعلی وفای نایینی ۱۱۳/۶
حسینعلی هروی ۱۳۵/۶
حسین عمادزاده اصفهانی ۲۱۴/۴
حسین عنزی جرجانی ۲۲۰/۴
حسین غیور همدانی ۲۴۷/۴
حسین فارغ‌گیلانی ۲۵۲/۴
حسین فایض نطنزی ۲۶۲/۴
حسین فخار شیرازی ۲۶۵/۴
حسین فخاری ۲۷۴/۲
حسین فرهودی ۲۸۹/۴
حسین فقیه سبزواری ۳۰۰/۴
حسین قبتانی نیشابوری ۳۴۰/۴
حسین قدسی سبزواری ۳۴۲/۴
حسین قراب ۳۴۴/۴
حسین قزوینی ۳۵۱/۴، ۲۷۴/۲
حسین قصه‌خوان مشتاقی شیرازی ۲۴۱/۵
حسینقلی ۲۷۷/۲
حسینقلی آخوند همدانی ۱۴/۱
حسینقلی آراگل زرگر شیروانی ۲۲/۱

- حسینقلی خان ۲۷۷/۲
 حسینقلی خان چاکر افشار ۲۲۱/۲
 حسینقلی خان حاوی سندجی ۲۴۳/۲
 حسینقلی دانشور بختیاری ۱۴/۳
 حسینقلی سوادکوهی ۲۵۹/۳
 حسینقلی شاملوی هروی ۲۷۷/۲
 حسینقلی طاطایی ۸۰/۴
 حسینقلی غفاری ۲۳۶/۴
 حسینقلی فراهانی ۴۷/۱
 حسینقلی قول اباغ ۳۴۹/۴
 حسینقلی کاتبی ۳/۵
 حسینقلی مازندرانی ۲۷۷/۲
 حسینقلی مشفق ضرغام ۲۴۴/۵
 حسینقلی میرزا رکن الممالک ۱۲۶/۳
 حسینقلی نظام السلطنه مافی ۵۱/۶
 حسین قمی ۳۶۸/۴
 حسین قوامی ۳۷۲/۴
 حسین قوللر آقاسی ۲۷۴/۴
 حسین قهستانی ۳۷۶/۴
 حسین کاتب السلطان ۱/۵
 حسین کاشانی ۲۷۴/۲
 حسین کاشفی سبزواری هروی ۱۵/۵
 حسین کاظم‌زاده ایرانشهر تبریزی ۱۸/۵
 حسین کامی اوبهی هروی ۲۳/۵
 حسین کرمانی حابری ۳۵/۵
 حسین کریمان ۳۶/۵
 حسین کزازی ۳۷/۵
 حسین کمبی همدانی ۴۴/۵
 حسین کفری تربتی ۴۴/۵
 حسین کوه‌کمری ۶۴/۵
 حسین کوهی کرمانی ۶۵/۵
 حسین کی استوان ۶۷/۵
 حسین گازرگاهی هروی ۷۳/۵
 حسین گرمودی ۲۷۵/۲
 حسین گلزی ۷۹/۵
 حسین گلشنی صافی اصفهانی ۱۵/۴
 حسین گل‌گلاب ۸۳/۵
 حسین گمنام نفرشی اردبیلی ۸۳/۵
 حسین گنج بخش ۸۵/۵
 حسین گونیلی ۸۷/۵
 حسین لواسانی ۴۸/۱
 حسین ماسرجسی نیشابوری ۱۱۵/۵
 حسین مجتهد کرکی ۱۲۹/۵
 حسین محقق خوانساری ۱۴۸/۵
 حسین / محمد ابن غیاث شیرازی ۱۲۹/۱
 حسین محمد تبریزی ۲۷۷/۲
 حسین / محمد حسین آشوب مازندرانی ۳۷/۱
 حسین / محمد حسین نایینی ۱۸/۶
 حسین / محمد حسین هشیار فارسی ۱۴۰/۶
 حسین مختاری کوبانی ۲۷۵/۲
 حسین مذهب ۲۷۵/۲
 حسین مروزی ۲۲۴/۵
 حسین مروی ۲۷۵/۲
 حسین مشرف اصفهانی ۲۴۳/۵
 حسین مصورالملکی ۲۷۵/۲
 حسین معتقد اهرمی ۲۶۴/۵
 حسین معمار بنای یزدی ۷۰/۲
 حسین معمایی ۲۷۵/۲
 حسین منطقی یزدی ۳۰۰/۵
 حسین میرزا مظفر صفوی ۲۶۱/۵
 حسین مؤدب مرورودی ۳۰۶/۵
 حسین مؤمن یزدی ۳۱۳/۵
 حسین نجار رازی ۲۳/۶
 حسین نجار ساروی ۲۷۶/۲
 حسین نجار لواسانی ۲۷۶/۲
 حسین ندیم فسایی ۳۱/۶
 حسین نقاش شیرازی ۲۷۲/۳
 حسین نویختی ۶۸/۶
 حسین نوربخشی یزدی ۴۴/۶
 حسین نیاز اصفهانی طباطبایی ۷۹/۶
 حسین نیشابوری ۸۷/۶
 حسین وامن یزدی ۱۰۱/۶
 حسین وحدت رشتی ۱۰۳/۶
 حسین هروی ۱۳۴/۶
 حسین همت اصفهانی ۱۴۵/۶
 حسین همت شیرازی ۱۴۵/۶
 حسین هنگ آفرین ۱۵۰/۶
 حسین یاحقی ۱۵۳/۶
 حسینی کاشانی ۲۸۱/۲
 حشمت سنجری ۲۵۸/۳

- حافظ اصفهانی ۲/ ۲۸۴
 حقی خوانساری ۲/ ۲۸۴
 حقیری تبریزی ۲/ ۲۸۵
 حقیری همدانی ۲/ ۲۸۵
 حکمی شیرازی ۲/ ۲۸۶
 حکیم بن احوص ۱/ ۱۶۲
 حکیم بن شمس ۲/ ۲۸۸
 حکیم عبدالله راغب قمی ۳/ ۸۳
 حکیم لایق بلخی ۵/ ۹۸
 حکیم محمود سمایی ۳/ ۲۵۱
 حلمی اردبیلی ۲/ ۲۹۲
 حماد بن ابراهیم صفاری بخاری ۴/ ۴۵
 حماد بن اسحاق خراسانی ۲/ ۳۲۱
 حماد موصلی ۲/ ۲۹۳
 حمدالله بن شیخ مرشد کاتب ۲/ ۲۹۳
 حمدالله بن مصطفی دده ۲/ ۲۹۳
 حمدالله خلخالی ۲/ ۲۹۳
 حمدالله لواسانی ۲/ ۲۹۳
 حمدالله مستوفی قزوینی ۲/ ۲۹۳
 حمدون قضا نیشابوری ۴/ ۳۵۷
 حمد همدانی ۶/ ۱۴۸
 حمزه اصفهانی ۲/ ۲۹۴
 حمزه علوی اصفهانی ۴/ ۱۹۵
 حمزه کاملی ۵/ ۲۳
 حمزه گیلانی اصفهانی ۵/ ۹۱
 حمزه مهلبی نیشابوری ۵/ ۳۲۱
 حمزه بن عبدالعزیز دیلمی طبرستانی ۳/ ۵۵
 حمزه بن محمد ۲/ ۲۹۴
 حمزه بن محمد علوی ۲/ ۲۹۴
 حمزه بن یوسف سهمی قرشی جرجانی ۳/ ۲۶۴
 حمید اصفهانی ۲/ ۲۹۵
 حمیدالدین بخارایی ۲/ ۲۹۵
 حمیدالدین تبادکانی ۲/ ۲۹۵
 حمیدالدین حمیدی بلخی ۲/ ۲۹۵
 حمید حامد تبریزی ۲/ ۹
 حمید سید نقوی ۲/ ۲۴۲
 حمید صادق نوبری تبریزی ۴/ ۱۱
 حمیده سپهری ۳/ ۲۰۵
 حمید همدانی ۲/ ۲۹۵
 حنظله بادغیسی ۲/ ۲۹۶
 حیات ۲/ ۲۹۸
 حیات جان باقی کولابی ۲/ ۱۶
 حیات خانم آتونی ۱/ ۵
 حیاتی کاشانی ۲/ ۲۹۸
 حیدر آغاسی وزیراف دربندی ۳/ ۲۲
 حیدر آملی ۱/ ۷۰
 حیدر ابراهیم حسینی ۲/ ۲۹۸
 حیدر امیدوار معجزه تهرانی ۵/ ۲۶۴
 حیدر بن محمد برهان‌الدین هروی ۲/ ۵۳
 حیدر بیگ انیس تبریزی ۱/ ۳۱۵
 حیدریبگ خصالی هروی ۲/ ۳۲۸
 حیدر تونی ۲/ ۲۹۹
 حیدر حسینی ۲/ ۲۹۹
 حیدر رازی ۳/ ۷۸
 حیدر زاوای ۲/ ۲۹۹
 حیدر صبوحی خراسانی ۴/ ۲۶
 حیدر طهماسبی کاشانی ۴/ ۱۱۹
 حیدر عطایی چهرودی شیرازی ۴/ ۱۸۷
 حیدرعلی ۲/ ۳۰۰
 حیدرعلی انشایی اصفهانی ۱/ ۳۱۰
 حیدر علی حاجب شیرازی ۲/ ۲۲۸
 حیدر علی فایض اردبیلی ۴/ ۲۶۱
 حیدر علی کمالی اصفهانی ۵/ ۵۶
 حیدر علی مجلسی ۵/ ۱۳۵
 حیدر علی معمار اردستانی ۲/ ۳۰۱
 حیدرعلی نقاش ۲/ ۳۰۱
 حیدرعلی نقاشبانی ۲/ ۳۰۰
 حیدر قلی ۲/ ۳۰۱
 حیدرقلی پریشان ۲/ ۱۲۱
 حیدرقلی سردار کایلی کرمانشاهی ۳/ ۲۱۸
 حیدر قلی میرزا ۲/ ۳۰۱
 حیدرقلی میرزا خاور قاجار ۲/ ۳۱۶
 حیدر قمی ۲/ ۲۹۹
 حیدر کاشی ۲/ ۲۹۹
 حیدر گنده‌نویس ۵/ ۸۶
 حیدر موسوی تونی ۲/ ۲۹۹
 حیدر نقاش ۲/ ۳۰۰
 حیدر هروی ۲/ ۳۰۰
 حیدری تبریزی ۲/ ۳۰۱
 حیدر یزدی ۲/ ۳۰۰

- حیدری سبزواری ۳۰۲/۲
 حیدری همدانی ۳۰۲/۲
 حیران اصفهانی ۳۰۲/۲
 حیران دنبلی ۳۰۲/۲
 حیرانی قمی ۳۰۲/۲
 حیرتی تونی ۳۰۳/۲
 حیرتی فروزینی ۳۰۴/۲
 حیفی ساروجی ۳۰۴/۲
 خاتمی تبریزی ۳۰۵/۲
 خاتمی مشهدی ۳۰۵/۲
 خاتمی هروی ۳۰۵/۲
 خادم قیری ۳۰۷/۲
 خارکن اصفهانی ۳۰۸/۲
 خاطری کاشانی ۳۰۹/۲
 خاقانی خلخالی ۳۰۹/۲
 خاکی بلخی ۳۱۰/۲
 خاکی کوسویی ۳۱۲/۲
 خالد بن ربیع ۳۱۲/۲
 خالد کرد ۳۱۲/۲
 خالد مرورودی ۲۲۰/۵
 خالدی حصاری ۳۱۲/۲
 خاموشی هاشمی ۳۱۴/۲
 خان احمد حسینی ۳۱۴/۲
 خان احمد سیری ۲۷۶/۳
 خان احمد گیلانی ۳۱۴/۲
 خان بابا اسعد بختیاری ۲۴۳/۱
 خانیابا ایروانی ۳۲۴/۱
 خانیابا بیانی ۹۶/۲
 خانیابا طباطبایی نایینی ۹۵/۴
 خانیابا مشار ۲۳۹/۵
 خانزاد خاتون سوران ۳۱۴/۲
 خانزاده خانم جمالی تربتی ۲۰۸/۲
 خان محمد مذهب ۳۱۵/۲
 خانم کوچک ۳۱۴/۲
 خان میرزای صفوی ۳۱۵/۲
 خاور قاجار ۳۱۶/۲
 خاوری تونی ۳۱۷/۲
 خاوری سمرقندی ۳۱۷/۲
 خبازی نیشابوری ۳۱۸/۲
 خداداد حکاک ۳۲۰/۲
 خداداد خان زند ۳۲۰/۲
 خدادوست سپاهی اندجانی ۲۰۳/۳
 خدارحم آبادیان ۱/۱
 خدامراد ۳۲۰/۲
 خداوردی تایب خویی ۱۳۶/۲
 خدایار ۳۲۰/۲
 خدایار هیرید ۳۲۰/۲
 خدیجه کاشی ۳۲۱/۲
 خراسانی خان لاری ۳۲۲/۲
 خراسانی تبریزی ۳۲۲/۲
 خرم قراچه‌داغی ۳۲۵/۲
 خرمی تبریزی ۳۲۶/۲
 خزیمه آخری ۷/۱
 خسرو تاراج شیرازی ۱۳۵/۲
 خسروخان سنندجی ۳۲۶/۲
 خسرو روزبه ۱۳۶/۳
 خسروی خراسانی ۳۲۷/۲
 خسروی قاپنی ۳۲۷/۲
 خصالی کاشانی ۳۲۸/۲
 خصمی اصفهانی ۳۲۸/۲
 خضر جیلرودی رازی ۲۴۸/۲
 خضری استرآبادی ۳۲۸/۲
 خضری فزونی ۳۲۹/۲
 خضری لاری ۳۲۹/۲
 خطایی گجراتی ۳۳۰/۲
 خلاصی کاشانی ۳۳۲/۲
 خلخالی ۳۳۲/۲
 خلف آل عصفور ۶۷/۱
 خلف بن عبدالمطلب حویزی ۲۹۶/۲
 خلقی تبریزی ۳۳۳/۲
 خلقی شوشتری ۳۳۳/۲
 خلیفه محمد طاهر حسینی زنجان ۳۳۵/۲
 خلیل ۳۳۵/۲
 خلیل آملی ۷۰/۱
 خلیل الله ۳۳۵/۲
 خلیل الله بینوای بدخشانی ۱۱۰/۲
 خلیل الله شاه هراتی ۳۳۵/۲
 خلیل الله صبری ۲۴/۴
 خلیل الله وجیه الدین ۱۰۳/۶
 خلیل بن حسن محمد علی ۳۳۵/۲

- خلیل بیگ بیات ۳۳۶/۲
خلیل بیگ معمار ۳۳۶/۲
خلیل پروین شیرازی ۱۲۰/۲
خلیل تبریزی ۱۴۰/۲
خلیل تبریزی ۳۳۶/۲
خلیل تهرانی نجفی ۱۶۸
خلیل جامی ۳۳۶/۲
خلیل خلخالی ۳۳۶/۲
خلیل زرگر رشتی ۱۵۷/۳
خلیل سفیر کوراغلی ۲۲۹/۳
خلیل سلطان گورکانی ۳۳۷/۲
خلیل ظاهری ۱۲۳/۴
خلیل قزوینی ۳۵۲/۴
خلیل کاتب سرای ۳۳۶/۲
خلیل کمره‌ای ۵۷/۵
خلیل نخجوانی ۳۳۷/۲
خلیل همدانی ۳۳۷/۲
خواجهکی ۳۳۸/۲
خواجهگی شریف شیرازی ۳۳۸/۲
خواجه ابراهیم ۳۳۹/۲
خواجه امیر بیگ مهرداد ۳۳۹/۲
خواجه جان سیاوشانی ۳۳۹/۲
خواجه جان طغرای ۱۱۱/۴
خواجه خیرجه ۳۴۰/۲
خواجه شادمان ۳۴۰/۲
خواجه شاه ترمذی ۱۴۸/۲
خواجه شمس‌الدین محمد جوینی ۲۱۷/۲
خواجه علی سیاه‌پوش ۳۴۰/۲
خواجه محمد کنک ۳۴۰/۲
خواری تبریزی ۳۴۳/۲
خواریند سالک بن میرک ۳۴۶/۲
خورد کاتب هروی ۳۴۷/۲
خورشاه بن قباد حسینی ۳۴۷/۲
خورشید کلاه ۳۴۷/۲
خوشنواز ۳۴۸/۲
خوفی همدانی ۳۴۹/۲
خیرالدین ۳۵۳/۲
خیری ۳۵۳/۲
خیری تبریزی ۳۵۳/۲
داراب جوای تبریزی ۲۱۶/۲
- داراب خان افسر بختیاری ۲۷۲/۱
داراب هرمز دیار ۳/۳
داعی افطسی آوی ۷۶/۱
داور کیا حسینی ۱۵/۳
داوود ۱۶/۳
داوود اصفهانی ۱۶/۳
داوود الفت شوشتری ۲۸۰/۱
داوود بروجردی ۴۹/۲
داوود بلخی ۱۶/۳
داوود بتاکی ۷۰/۲
داوود بن دینار قشیری ۹۲/۱
داوود بن علی ظاهری اصفهانی ۱۲۴/۴
داوود بینوای مشهدی ۱۱۰/۲
داوود پیرنیا ۱۲۸/۲
داوود شیرازی ۱۷/۳
داوود منشی‌زاده ۲۹۶/۵
دده عمر روشنی ۱۳۸/۳
دردی افشار ۲۳/۳
درویش احمد ۲۴/۳
درویش احمد خوانساری ۲۶/۳
درویش بابا علی خوشمردان سبزواری ۳۴۸/۲
درویش تربتی ۲۵/۳
درویش حسن ۲۵/۳
درویش حسین ۲۵/۳
درویش حسین مذهب شیرازی ۲۶/۳
درویش حسین نوا ۶۴/۶
درویش خلیلی ۲۶/۳
درویش سرخسی ۲۶/۳
درویش شمس کاتب ۲۶/۳
درویش عبدالمجید طالقانی ۲۷/۳
درویش عبدی بخارایی ۲۷/۳
درویش علی ۲۸/۳
درویش علی بوزجانی ۲۸/۳
درویش علی شماع ۲۸/۳
درویش علی قاینی ۲۸/۳
درویش علی مشهدی ۲۸/۳
درویش علی هروی ۲۸/۳
درویش غیاث ۲۸/۳
درویش قاسم قاسمی تونی ۳۲۵/۴
درویش قربانعلی کوه‌سره ۲۸/۳

- درویش کاظم تبریزی ۲۸/۳
 درویش محمد پهلوان یزدی ۱۲۵/۲
 درویش محمد خراسانی ۲۶/۳
 درویش محمد کاتب ۲۹/۳
 درویش مشهدی ۲۹/۳
 درویش مقصود تبریزی ۲۹/۳
 درویش منصور سبزواری ۲۹/۳
 درویش ناصر بخارایی ۷/۶
 درویش واله هروی ۱۰۰/۶
 درة المعالی ۲۹/۳
 دری شوشتری ۲۹/۳
 دعلج بن احمد سجری بغدادی ۲۰۷/۳
 دلشاد خاتون ۴۱/۳
 دلیل ایروانی ۴۲/۳
 دوایی سبزواری ۴۴/۳
 دوست علی هروی ۴۷/۳
 دوست محمد ۴۶/۳
 دوست محمد اسفزاری ۴۵/۳
 دوست محمد بن نظام الملک ۴۶/۳
 دوست محمد حالی سبزواری ۲۴۲/۲
 دوست محمدخان ۴۶/۳
 دوست محمد دیوانه ۴۶/۳
 دوست محمد عودی هروی ۴۷/۳
 دوست محمد گواشانی هروی ۴۶/۳
 دوستی سمرقندی ۴۷/۳
 دولت جهانگیری ۴۹/۳
 دولتشاه سمرقندی ۴۹/۳
 دیباجی سمرقندی ۵۳/۳
 دیری قمی ۵۴/۳
 دیلمی قزوینی ۵۶/۳
 دیوانه بلخی ۵۹/۳
 دیوانه تقاش تبریزی ۶۰/۳
 دیوانه نیشابوری ۶۰/۳
 ذاتی کبابی قمی ۶۱/۳
 ذاتی هروی ۶۱/۳
 ذبیح الله ۶۱/۳
 ذبیح الله بهروز ۹۱/۲
 ذبیح الله صفای شهیرزادی ۴۶/۴
 ذبیح الله محلاتی ۱۵۱/۵
 ذبیح الله منصوری رشتی ۲۹۹/۵
 ذبیح الله موسوی خراسانی ۳۰۷/۵
 ذوالفقارخان جعفری ساوجی ۲۰۰/۲
 ذوالنون خیابرجی قزوینی ۶۶/۳
 ذوقی تونی ۶۵/۳
 ذوقی جامی ۶۶/۳
 ذهنی کابلی ۶۷/۳
 ذهنی یزدی ۶۷/۳
 رابط کردستانی ۶۹/۳
 رابعه ست الفقراء ۲۰۶/۳
 رابعه قزداري بلخی ۶۹/۳
 رازی اصفهانی ۷۸/۳
 رازی سبزواری ۸۰/۳
 رازی شیرازی ۸۰/۳
 راشدی ۸۱/۳
 رامتین ۸۵/۳
 رامی اردوبادی ۸۶/۳
 راهب اصفهانی ۸۸/۳
 رباعی مشهدی ۹۰/۳
 ربیع انصاری ۷۹/۲
 رجاء غفاری مروزی ۲۳۷/۴
 رجبعلی ۹۲/۳
 رجبعلی تجلی سبزواری ۱۴۱/۲
 رجبعلی تسلی شیرازی ۱۴۹/۲
 رجبعلی حکاک ۹۲/۳
 رجبعلی گلزار اصفهانی ۷۹/۵
 رجبعلی مشهدی ۹۲/۳
 رجبعلی واحد تبریزی ۹۴/۶
 رحمان قلی ۹۳/۳
 رحمت الله آقا شیخ کرمانی ۵۲/۱
 رحمت الله مصطفوی ۲۵۳/۵
 رحمتعلی اصفهانی ۹۴/۳
 رحمتی تبریزی ۹۴/۳
 رحمی زرکش لاهیجی ۹۴/۳
 رحیم ۹۵/۳
 رحیم/ابوالحسن یغما جندقی ۱۶۱/۶
 رحیمای قاری ۹۵/۳
 رحیم بیدل شیرازی ۱۰۰/۲
 رحیم خان مشیرالاطباء بهشتی تبریزی ۹۳/۲
 رحیم دکنی ۹۵/۳
 رحیم روشنیان ۱۳۸/۳

- رحیم‌زاده ارژنگ ۹۵/۳
 رحیم صفاری ۴۴/۴
 رحیم عابدی ۱۳۱/۴
 رحیم عباسی ۹۶/۳
 رحیم علی‌آبادی ۹۶/۳
 رحیم فرزانه ۹۵/۳
 رحیم، فرزند کرمعلی ۹۵/۳
 رحیم قانونی ۳۳۵/۴
 رحیم کاشانی ۹۶/۳
 رحیم کمانچه‌کش ۹۶/۳
 رحیم مایل بروجردی ۱۲۲/۵
 رخصت سیزواری ۹۷/۳
 رسا مذهب ۹۹/۳
 رستم بن سالار بن محمد ۹۹/۳
 رستم بیک شیبانی ۹۹/۳
 رستم خوریانی ۳۴۷/۲
 رستم سمرقندی ۹۹/۳
 رستم علی ۹۹/۳
 رستم علی خراسانی ۹۹/۳
 رستم علی‌شاهی ۱۰۰/۳
 رستم میرزا فدایی صفوی ۲۷۲/۴
 رستم یزدی ۱۰۰/۳
 رسمی سمرقندی ۱۰۰/۳
 رشدی بافقی ۱۰۴/۳
 رشدی رستم‌داری ۱۰۴/۳
 رشیدالدین فضل‌الله همدانی ۱۰۶/۳
 رشیدالدین محمد اسفزاری ۱۰۵/۳
 رشیدالدین وطواط ۱۰۷/۳
 رشید ساحل نهاوندی ۱۸۸/۳
 رشید، فرزند اردشیر امانت ۲۹۵/۱
 رشید کازرونی ۱۰۸/۳
 رشید کاشانی ۱۰۸/۳
 رشید ولوالجی ۱۱۷/۶
 رشیدی اصفهانی ۱۰۸/۳
 رضا آذرخشی ۲۰/۱
 رضا آریان ۱۱۱/۳
 رضا اظهر روشن یزدی ۱۳۹/۳
 رضا بینا قربانی ۱۰۹/۲
 رضا پورنامداریان ۱۲۴/۲
 رضاخان ۴۹/۱
 رضاخان تمکین کرمانی ۱۵۸/۲
 رضا خان عکاس‌باشی اقبال السلطنه ۲۷۷/۱
 رضا خراتی ۱۰۹/۳
 رضا دریای اصفهانی ۳۰/۳
 رضا دکتر ۳۳۰/۵
 رضا رامش یورنجانی کازرونی ۸۵/۳
 رضا رخشانی ۹۷/۳
 رضا رستگار ۹۹/۳
 رضا رضوانی یزدی ۱۱۴/۳
 رضا روانبخش ۱۲۸/۳
 رضا روحانی ۱۲۹/۳
 رضا روزبه ۱۳۵/۳
 رضا ریشارخان ۱۴۸/۳
 رضا زرگر اصفهانی تبریزی ۱۵۷/۳
 رضا سید اصفهانی ۲۷۱/۳
 رضا شیرازی ۱۰۹/۳
 رضا صابر دیلمقانی ۲/۴
 رضا صدر ۳۰/۴
 رضا صدوقی خسروشاهی ۳۹/۴
 رضا صدیق الحکماء ۳۹/۴
 رضا صدیقی نخجوانی ۴۰/۴
 رضا صراف ایروانی ارفع‌الدوله ۲۳۲/۱
 رضا صراف تبریزی ۴۰/۴
 رضا صفوی گلپایگانی ۵۲/۴
 رضا صفی‌نیا ۵۵/۴
 رضا صمیمی ۵۷/۴
 رضا طنابوری ۴۹/۱
 رضا عباسی ۱۰۹/۳
 رضا علی‌شاه تابنده گنابادی ۱۳۲/۲
 رضاعلی فدایی شیرازی ۲۷۲/۴
 رضا عیلازاده ۲۰۸/۴
 رضا فاریابی ۱۱۰/۳
 رضا فاضلی ۲۵۷/۴
 رضا فانی اصفهانی ۲۶۰/۴
 رضا فرزند علی اشرف ۱۰۹/۳
 رضا فقیهی ۳۰۱/۴
 رضا فیروزآبادی ۳۱۱/۴
 رضا قلی ۱۱۰/۳
 رضاقلی آشفته قاجار ۳۶/۱
 رضاقلی ادیب شیرازی ۲۱۹/۱

- رضا قلی اقدسی شیرازی ۲۷۷/۱
 رضا قلی برومند جزئی اصفهانی ۵۰/۲
 رضا قلی تاراج قمشه‌ای ۱۳۵/۲
 رضاقلی خان نیوالملک هدایت ۸۲/۶
 رضاقلی خان هدایت طبرستانی ۱۳۰/۶
 رضا قلی شاملو ۱۱۰/۳
 رضاقلی شاهرخشاهی ۲۸۷/۳
 رضاقلی شقاقی سرابی تبریزی ۳۲۶/۳
 رضاقلی شوقی قزوینی ۳۴۵/۳
 رضاقلی صمصامی مهاجر ۵۷/۴
 رضا قلی ظلی ۱۲۵/۴
 رضاقلی قائم مقامی ۳۱۸/۴
 رضاقلی گلپیرا ۷۸/۵
 رضاقلی نغمه نوری مازندرانی ۶۰/۶
 رضا قلی نوایی ۲۴۳/۳
 رضا کاشانی ۴۹/۱
 رضا کاویانی ۲۵/۵
 رضا کمال شهرزاد ۳۵۲/۳
 رضا گلپایگانی ۷۷/۵
 رضا گلشن راد ۸۱/۵
 رضا لطفی ۱۰۲/۵
 رضا مجتهد تبریزی ۱۲۷/۵
 رضا محجوبی ۱۴۰/۵
 رضا/محمد رضا کرباسی ۳۰/۵
 رضا مدنی کاشانی ۲۰۷/۵
 رضا مذهب اصفهانی ۱۱۱/۳
 رضا مشایخی فرهاد ۲۸۸/۴
 رضا موسوی ۱۱۱/۳
 رضا وصالی مازندرانی ۱۱۱/۶
 رضا همدانی نجفی ۱۴۹/۶
 رضای قاجار ۱۱۱/۳
 رضای قزوینی ۱۱۱/۳
 رضای لاهیجانی ۱۱۱/۳
 رضایی ۱۱۲/۳
 رضایی رشتی ۱۱۲/۳
 رضایی کاشانی ۱۱۲/۳
 رضوان / رمضان خراسانی ابن ساعانی ۱۱۲/۱
 رضی آرتیمانی ۲۴/۱
 رضی اصفهانی ۱۱۷/۳
 رضی الدین ۱۱۷/۳
 رضی الدین ابو عبدالله محمد امامی هروی ۲۹۴/۱
 رضی الدین بابا قزوینی ۱۱۸/۳
 رضی الدین بابای قزوینی ۵
 رضی الدین رضوانشاه ۱۱۳/۳
 رضی الدین علی رضی لالای غزنوی ۱۱۸/۳
 رضی الدین علی سمرقندی ۱۱۸/۳
 رضی الدین محمد خوانساری ۳۴۴/۲
 رضی الدین محمد دانش مشهدی ۱۲/۳
 رضی الدین محمد مسرور قزوینی ۲۳۲/۵
 رضی الدین محمد نیشابوری ۱۱۹/۳
 رضی الدین مستوفی تبریزی ۱۱۸/۳
 رضی بلنداقبال شیرازی ۶۹/۲
 رضی خراسانی ۱۱۷/۳
 رضی زنوزی تبریزی ۱۷۵/۳
 رضی شیرازی ۱۱۸/۳
 رضی طالقانی صنیع همایون ۶۱/۴
 رضی لاهیجی ۱۱۹/۳
 رضیه گنجه‌ای ۱۱۹/۳
 رعدی ۱۱۹/۳
 رفیع ۱۲۱/۳
 رفیع الدین ابهری قزوینی ۱۲۲/۳
 رفیع الدین حسین کاشانی ۱۲۳/۳
 رفیع الدین محمد رفعت اصفهانی ۱۲۰/۳
 رفیع الدین محمد رفیعا گیلانی ۱۲۱/۳
 رفیع الدین مرزبان شیرازی ۱۲۲/۳
 رفیع الدین مسعود لبنانی اصفهانی ۱۲۳/۳
 رفیعی نایینی ۱۲۲/۳
 رفیع بخاری ۱۲۲/۳
 رفیع حالتی ۲۴۱/۲
 رفیع خراسانی ۱۲۲/۳
 رفیع دستور قزوینی ۳۵/۳
 رفیع شریعتمدار رشتی، ۳۱۱
 رفیع مروزی ۱۲۳/۳
 رفیق خان بیدل نیشابوری ۱۰۰/۲
 رفیقی آملی ۱۲۴/۳
 رفیقی تبریزی ۱۲۴/۳
 رفیقی همدانی ۱۲۴/۳
 رفیقی یزدی ۱۲۴/۳
 رکن الدین ۱۲۵/۳
 رکن الدین / اوحدالدین اوحدی مراغی اصفهانی ۳۱۸/۱

- رکن‌الدین حسین امیر حسینی هروی ۲۹۷/۱
 رکن‌الدین حسینی آملی ۷۰/۱
 رکن‌الدین صابین هروی ۱۲۶/۳
 رکن‌الدین علی هروی ۱۳۶/۲
 رکن‌الدین عمیدی سمرقندی ۲۱۷/۴
 رکن‌الدین کرمانی ۱۲۶/۳
 رکن‌الدین محمد خوافی ۳۴۳/۲
 رکن‌الدین مختار ۱۲۵/۳
 رکن‌الدین مسعود رکن شیرازی ۱۲۵/۳
 رکن‌الدین مسعود رکنی کاشانی ۱۲۶/۳
 رمزی اصفهانی ۱۲۶/۳
 رمزی تبریزی ۱۲۷/۳
 رمزی همدانی ۱۲۷/۳
 رمضان شاهرخ ۱۲۷/۳
 رمضان طلاکوب اصفهانی ۱۱۳/۴
 رمضان علی ۱۲۷/۳
 رمضانعلی/رمضان کفاش خراسانی ۴۴/۵
 رویک گریگوریان ۷۵/۵
 روح‌الله خاتمی اردکانی ۳۰۵/۲
 روح‌الله خالقی ۳۱۳/۲
 روح‌الله سیفی حسینی قزوینی ۲۷۸/۳
 روح‌الله مصطفوی موسوی امام خمینی ۲۸۷/۱
 روح‌الله منشی ۱۲۸/۳
 روح‌الله میرک خراسانی ۳۳۹/۵
 روحانی تبریزی ۱۳۰/۳
 روح عطار ۱۳۲/۳
 روحی انارجانی ۱۳۲/۳
 روحی بارزی خراسانی ۱۳۲/۳
 روحی بخاری ۱۳۲/۳
 روحی رازی ۱۳۲/۳
 روحی ساوجی ۱۳۲/۳
 روحی سمرقندی ۱۳۳/۳
 روحی شاورستانی ۱۳۳/۳
 روحی مازندرانی ۱۳۳/۳
 روحی ولوالجی ۱۳۴/۳
 روحی همدانی ۱۳۴/۳
 روزبه ۱۳۵/۳
 روزبهان بقلی فسایی ۱۳۶/۳
 روزبهان صبری اردستانی ۲۴/۴
 روزبهان کبیر مصری ۱۳۷/۳
 روزبه شیرازی ۱۳۷/۳
 روزبه کاتب شیرازی ۱۳۷/۳
 روزبه نکتنی لاهوری ۱۳۷/۳
 روشن ضمیر ۱۳۸/۳
 روشنی همدانی ۱۳۹/۳
 روغنی استرآبادی ۱۳۹/۳
 رونقی مشهدی ۱۴۰/۳
 رهایی سبزواری ۱۴۲/۳
 رهایی ماوراءالنهری ۱۴۲/۳
 ریاضی سمرقندی ۱۴۶/۳
 ریاضی مهولانی ۱۴۶/۳
 ریحان‌الله بروجردی ۴۶/۲
 زادور ارمنی ۱۴۹/۳
 زافر قهستانی ۳۷۶/۴
 زال بیگ افشار زالی شیرازی ۱۵۰/۳
 زاهد علی سخا لاری ۲۱۰/۳
 زاهده خاتون ۱۵۱/۳
 زاهدی ۱۵۱/۳
 زاهر نیشابوری ۸۸/۶
 زابری اصفهانی ۱۵۳/۳
 زابری مشهدی ۱۵۳/۳
 زیانی یزدی ۱۵۳/۳
 زبیده خانم جهان قاجار ۲۱۸/۲
 زجاجی چرندابی تبریزی ۱۵۴/۳
 زجری اصفهانی ۱۵۴/۳
 زرتشت ۱۵۵/۳
 زرتشت بهرام پژدو ۱۵۶/۳
 زروانداد ۱۵۸/۳
 زفر بن هذیل عنبری اصفهانی ۲۱۹/۴
 زکریا بن یحیی زکویه مروزی ۱۶۱/۳
 زکریا دلویه ۴۲/۳
 زکریا قزوینی ۳۵۱/۴
 زکریا لؤلؤی بلخی ۱۰۹/۵
 زکیای یزدی ۱۶۱/۳
 زکی ندیم مشهدی ۳۲/۶
 زکی همدانی ۱۶۲/۳
 زلالی تبریزی ۱۶۲/۳
 زلالی لاری ۱۶۳/۳
 زلالی هروی ۱۶۳/۳
 زمان آقاباشی ۱۶۳/۳

- زمانا راضی اردستانی اصفهانی ۸۲/۳
 زمان اصفهانی ۱۶۳/۳
 زمان شیرازی ۱۶۳/۳
 زمانی آملی ۱۶۴/۳
 زمانی یزدی ۱۶۴/۳
 زنجویه لئاد نیشابوری ۹۹/۵
 زنددخت شیرازی ۱۷۴/۳
 زند وکیلی ۱۷۴/۳
 زنده دل ساوجی ۱۷۴/۳
 زنگی شیرازی ۱۷۴/۳
 زهرا خانلری کیا ۶۶/۵
 زهرا خانم ۱۷۶/۳
 زهرای شیرازی ۱۷۶/۳
 زیاد قمری جرجانی ۳۶۶/۴
 زیبایی ۱۷۷/۳
 زیتون ۱۷۷/۳
 زید بن علی فارسی فسوی ۲۵۱/۴
 زید بن محمد بیهقی ۱۱۲/۲
 زیرکی هروی ۱۷۸/۳
 زینا شیرازی ۱۷۸/۳
 زین الدین ازرقی هروی ۲۳۳/۱
 زین الدین جامی ۱۸۱/۲
 زین الدین جنتی اصفهانی ۲۱۰/۲
 زین الدین سعید طائی ۲۲۷/۳
 زین الدین سیستانی ۱۷۹/۳
 زین الدین صاعد قوچانی ۱۳/۴
 زین الدین علی عطار ۱۸۵/۴
 زین الدین علی هروی ۱۳۶/۲
 زین الدین محمد عطار همدانی ۱۸۶/۴
 زین الدین نطنزی ۱۸۰/۳
 زین الدین وفایی خوافی اکبرآبادی ۱۱۴/۶
 زین الدین یزدی ۱۸۰/۳
 زین العابدین ۱۸۰/۳
 زین العابدین آبشوری ۲/۱
 زین العابدین آخوند گلپایگانی ۱۱/۱
 زین العابدین آفرین اصفهانی ۴۲/۱
 زین العابدین ابراهیمی ۸۷/۱
 زین العابدین اشرف الملک اصفهانی ۲۵۷/۱
 زین العابدین اصفهانی ۱۸۱/۳
 زین العابدین افشار ۱۸۱/۳
 زین العابدین بروجرودی ۱۷۸/۳
 زین العابدین بن محمد رحیم ۱۸۰/۳
 زین العابدین بن محمد رضا ۱۸۰/۳
 زین العابدین بینخود اصفهانی ۹۸/۲
 زین العابدین بیدل یزدی ۱۰۱/۲
 زین العابدین تبریزی ۱۸۱/۳
 زین العابدین تمکین شیروانی ۱۵۸/۲
 زین العابدین جرجانی ۱۸۱/۳
 زین العابدین حایری مازندرانی ۲۴۶/۲
 زین العابدین حسینی ۱۸۱/۳
 زین العابدین خاموش اصفهانی ۳۱۳/۲
 زین العابدین خان کاشانی ۱۸۱/۳
 زین العابدین خان کاشانی ۱۸۱/۳
 زین العابدین خوانساری ۳۴۵/۲
 زین العابدین خوانساری ۱۸۲، ۱۷۹/۳
 زین العابدین رحمت علیشاه شیرازی ۹۴/۳
 زین العابدین رهنما مازندرانی ۱۴۳/۳
 زین العابدین سرخه‌ای ۲۱۷/۳
 زین العابدین سمنانی ۱۸۲/۳
 زین العابدین شهرستانی ۱۸۲/۳
 زین العابدین شیرازی ۱۵۷/۲
 زین العابدین شیرازی ۱۸۲/۳
 زین العابدین طبیب اصفهانی ۱۰۴/۴
 زین العابدین، فرزند محمدرضا ۱۸۰/۳
 زین العابدین قروزش ۲۸۴/۴
 زین العابدین فرهنگ نابینی ۲۸۹/۴
 زین العابدین قاینی ۳۳۷/۴
 زین العابدین قزوینی ۱۸۳، ۱۸۲/۳
 زین العابدین کیایی نژاد طالقانی ۱۸۰/۳
 زین العابدین محلاتی ۱۸۳/۳
 زین العابدین مراغه‌ای ۲۱۱/۵
 زین العابدین منشی اردوبادی طوسی ۲۹۶/۵
 زین العابدین مؤتمن ۳۰۵/۵
 زین العابدین ناظر بستی ۱۲/۶
 زین العابدین واله فارسی ۱۰۰/۶
 زینب ۱۷۸/۳
 زینب بیگم اصفهانی ۱۷۸/۳
 زینب سلطان ۱۷۸/۳
 زینب صدریه ۳۸/۴
 زینت‌الملک اعتضادی تهرانی ۱۷۹/۳

- زینتی بلیانی ۱۷۹/۳
 زینل العابدین اصفهانی ۱۸۳/۳
 زینل مذهب ۱۸۴/۳
 زینی لاهیجی ۱۸۴/۳
 زیور سلطان عندلیب السلطنه ۲۲۰/۴
 ژاله اصفهانی ۱۸۵/۳
 سابق اصفهانی ۱۸۷/۳
 ساحری قزوینی ۱۸۸/۳
 ساغر تبریزی ۱۹۰/۳
 ساغری هروی ۱۹۰/۳
 ساقی جزایری مشهدی ۱۹۱/۳
 ساقی هروی ۱۹۱/۳
 ساکت فارسی ۱۹۲/۳
 ساکنی سمرقندی ۱۹۲/۳
 ساکنی قمی ۱۹۲/۳
 سال به بن ابراهیم ۱۹۳/۳
 سالک الدین محمد یزدی ۱۹۴/۳
 سالک بن سعید ۱۹۳/۳
 سالک تبریزی ۱۹۳/۳
 سالک یزدی ۱۹۴/۳
 سالم هروی ۱۳۵/۶
 سامری تبریزی ۱۹۶/۳
 سام میرزا رضوان قاجار ۱۱۳/۳
 سام میرزا صفوی ۱۹۶/۳
 سایر مشهدی ۱۹۹/۳
 سایل همدانی ۱۹۹/۳
 سایلی خراسانی ۱۹۹/۳
 سایلی عراقی ۱۹۹/۳
 سایلی قرشی ۱۹۹/۳
 سایلی هروی ۲۰۰/۳
 سبحانعلی قاینی ۳۳۷/۴
 سبحان وردی خالص یزدی ۳۱۳/۲
 سپهری بخارایی ۲۰۵/۳
 ستار ۲۰۵/۳
 ستار نقاش تبریزی ۲۰۶/۳
 ستنی نساء خانم ۲۰۷/۳
 سحری اردستانی ۲۱۰/۳
 سحری تهرانی ۲۱۰/۳
 سحری خوانساری ۲۱۰/۳
 سخی افشار کرمانی ۲۱۱/۳
 سخی رازی ۲۱۱/۳
 سدیدالدین علی غزنوی ۲۱۳/۳
 سدیدالدین محمد اعور ۲۱۲/۳
 سدیدالدین منزوی ۲۱۲/۳
 سدید طبیب گیلانی ۲۱۳/۳
 سدید قمی ۲۱۳/۳
 سراج ۲۱۴/۳
 سراج اصفهانی ۲۱۴/۳
 سراج الدین ابویعقوب سکاکی خوارزمی ۲۲۹/۳
 سراج الدین بساطی سمرقندی ۵۷/۲
 سراج الدین بلخی ۶۸/۲
 سراج الدین حسین عارف ابکی ۱۳۲/۴
 سراج الدین سگری ۲۱۵/۳
 سراج الدین قمری آملی ۳۶۵/۴
 سراج الدین محمد لاهوری ۲۱۵/۳
 سراج الدین یزدی ۲۱۵/۳
 سراجای نقاش گلپایگانی ۲۱۴/۳
 سرکش ۲۱۹/۳
 سرودی خوانساری قمی ۲۲۰/۳
 سرور بن عبدالله ۲۲۰/۳
 سرور مهکامه محصل لاهیجانی ۲۲۱/۵
 سروری یزدی ۲۲۲/۳
 سروری بیرجندی ۲۲۲/۳
 سری ترشیزی ۲۲۲/۳
 سربج مروودی ۲۲۰/۵
 سعدالدین ۲۲۳/۳
 سعدالدین ابومنصور محمد ابن مظفر شیرازی ۱۴۲/۱
 سعدالدین اسعد بخاری سمرقندی ۲۲۴/۳
 سعدالدین رهایی خوانی ۱۴۲/۳
 سعدالدین کازرونی ۲۲۳/۳
 سعدالدین محمد راقم مشهدی ۸۴/۳
 سعدالدین مسعود تفتازانی ۱۵۱/۲
 سعدالدین نزاری قهستانی بیرجندی ۳۴/۶
 سعدالملک سایلی قزوینی ۱۹۹/۳
 سعد بن عبدالله قمی ۳۶۷/۴
 سعد بن علی زنجانی ۱۶۵/۳
 سعد بها ۲۲۴/۳
 سعدگل شیرازی ۲۲۴/۳
 سعید ۲۲۵/۳
 سعیدا یزدی ۲۲۶/۳

- سعید بن احمد عیار نیشابوری ۲۲۳/۴
 سعید بن اسماعیل ابوعثمان حیری نیشابوری ۱۷۶/۱
 سعید بن سهل فلکی نیشابوری خوارزمی ۳۰۵/۴
 سعید بن محمد ابورشید نیشابوری ۱۶۴/۱
 سعید بن محمد صیرفی اصفهانی سمسار ۶۷/۴
 سعید بن مظفر باخرزی ۶
 سعیدخان ۲۲۷/۳
 سعید خان انصاری گرمودی ۲۲۷/۳
 سعیدخان حکیم قمی ۲۹۰/۲
 سعید سلماسی ۲۴۴/۳
 سعید سندی ۲۵۹/۳
 سعید قرشی هروی ۳۴۶/۴
 سعید قصاب کاشانی ۳۵۷/۴
 سعید قطب راوندی ۳۶۲/۴
 سعید قشماهی ۲۲۷/۳
 سعید کازرونی ۶/۵
 سعید کاغذی سمرقندی ۲۰/۵
 سعید محرابی کرمانی ۱۴۴/۵
 سعید مروزی ۲۲۳/۵
 سعید مسیحی ۲۳۹/۵
 سعید نفیسی ۶۰/۶
 سعید نیلی نیشابوری ۹۱/۶
 سعید هرمزی ۱۳۲/۶
 سقیما آباده‌ای ۲۲۹/۳
 سکوتی اصفهانی ۲۳۰/۳
 سکیه بیگم عفت نشابه شیرازی ۱۸۸/۴
 سکیه خانم ۲۳۰/۳
 سکیه عفت آغازی شیرازی ۴۰/۱
 سلام‌الله کاشانی ۲۳۰/۳
 سلامی اصفهانی ۲۳۰/۳
 سلجوقشاه سلغری ۲۳۱/۳
 سلطان ابراهیم گورکانی ۲۳۲/۳
 سلطان احمد ۲۳۲/۳
 سلطان احمد جلایر ۲۳۲/۳
 سلطان العلمای خراسانی ۲۳۵/۳
 سلطان‌الفرای قزوینی ۲۳۸/۳
 سلطان اویس جلایر ایلکانی ۲۳۳/۳
 سلطان بایزید دوری هروی ۴۵/۳
 سلطان حاجیه ۲۳۳/۳
 سلطان حسین ۲۳۳/۳
 سلطان حسین تابنده گنابادی ۱۳۲/۲
 سلطان حسین نوئی ۲۳۳/۳
 سلطان حسین نصرت طالشی گیلانی ۴۳/۶
 سلطان حسین هروی ۲۳۴/۳
 سلطان حمید ۲۳۴/۳
 سلطان خانم ۲۳۴/۳
 سلطان خدیجه ۲۳۴/۳
 سلطانعلی آق قوینلو ۲۳۵/۳
 سلطانعلی اوبهی ۲۳۵/۳
 سلطانعلی باوردی ۲۳۶/۳
 سلطانعلی سبز مشهدی ۲۳۶/۳
 سلطانعلی شوشتری ۲۳۶/۳
 سلطانعلی شیرازی ۲۳۶/۳
 سلطانعلی قاینی ۲۳۶/۳
 سلطانعلی کاتب خوارزمی ۲۳۶/۳
 سلطانعلی گنابادی خراسانی ۸۴/۵
 سلطانعلی مجلد مروزی سامی ۲۳۷/۳
 سلطانعلی مشهدی ۲۳۷/۳
 سلطانعلی مینای زند شیرازی ۲۴۴/۵
 سلطان تاجار ۲۳۸/۳
 سلطان قلی بیگ آهی جغتایی ۷۷/۱
 سلطانم بانوی صفوی ۲۳۹/۳
 سلطان محمد بخاری ۲۵/۲
 سلطان محمد تایبادی ۲۴۰/۳
 سلطان محمد تربتی ۲۴۰/۳
 سلطان محمد خندان ۲۴۰/۳
 سلطان محمد صدقی استرآبادی ۳۸/۴
 سلطان محمد عامری ۱۳۷/۴
 سلطان محمد عراقی ۲۴۰/۳
 سلطان محمد کاتب ۲۴۱/۳
 سلطان محمد مشهدی ۲۴۱/۳
 سلطان محمد نور هروی ۲۴۱/۳
 سلطان محمود ۲۴۱/۳
 سلطان محمود هروی ۲۴۱/۳
 سلطان مسعود کاتب ۲۴۲/۳
 سلطانم بسطامی ۲۴۳/۳
 سلطان یوسف میرزا ۲۴۴/۳
 سلمان ۲۴۴/۳
 سلمان آل عصفور ۶۷/۱
 سلمان بحرانی ۲۳/۲

- سلمان جابری اصفهانی ۲۴۵/۳
 سلمان حسابی نطنزی ۲۵۹/۲
 سلمان سارچی ۲۴۵/۳
 سلمان شاه ۲۴۵/۳
 سلمان فارسی ۲۴۵/۳
 سلمان نیشابوری ۸۸/۶
 سلمان همدانی ۲۴۶/۳
 سلم بن حسن باروسی ۸/۲
 سلمویه مروزی ۲۴۶/۳
 سلمه بن خطاب براوستانی ازدورقانی ۳۷/۲
 سلونی اردستانی ۲۴۷/۳
 سلیمان ۲۴۷/۳
 سلیمان اصفهانی ۲۴۷/۳، ۵۰/۱
 سلیمان امیر قاسمی ۲۴۸/۳
 سلیمان بن اشعث سجستانی ۲۰۸/۳
 سلیمان بن حسن طالوت دامغانی ۲۴۸/۳
 سلیمان بن داوود طیالسی فارسی ۱۲۰/۴
 سلیمان بن عبدالله ماحوزی یحرائی ۲۲/۲
 سلیمان بن قاسم ۲۴۸/۳
 سلیمان بن معبد سنجی ۲۵۸/۳
 سلیمان یهودی ۸۲/۲
 سلیمان بهرامی کمانگر ۹۰/۲
 سلیمان تنکابنی ۱۶۱/۲
 سلیمان حسابی نطنزی ۹/۲
 سلیمان خان ارمنی ۲۴۸/۳
 سلیمان خان امین پور کوثر ۵۷/۵
 سلیمان خان خلف شیرازی ۳۳۳/۲
 سلیمان سلجوقی ۲۴۸/۳
 سلیمان/سلمان صهرشتی ۶۵/۴
 سلیمان صباحی بیدگلی کاشانی ۲۲/۴
 سلیمان قامی قزوینی ۲۵۹/۴
 سلیمان قندوزی بلخی ۳۷۰/۴
 سلیمان کاتب ۲۴۸/۳
 سلیمان یلنجی اصفهانی ۲۹۲/۵
 سلیمان میرزا اسکندری ۲۴۷/۱
 سلیمان نادری مازندرانی ۴/۶
 سلیم بن ایوب رازی ۷۴/۳
 سلیم فرزاد ۲۴۹/۳
 سلیم قلی ۲۴۹/۳
 سلیم نیشابوری ۲۴۹/۳
- سلیمی ۲۴۹/۳
 سمویه اصفهانی ۲۵۵/۳
 سمیع زرگر ۲۵۵/۳
 سمیع سادات سمرقندی ۱۸۸/۳
 سناء الله نقاش ۲۵۵/۳
 سنجانی ۲۵۷/۳
 سنجر سلجوقی ۲۵۷/۳
 سنجری خراسانی ۲۵۸/۳
 سند کاشانی ۲۵۸/۳
 سنگی علی بدخشی ۲۵۹/۳
 سورن آراکلیان ۲۲/۱
 سوره آلوزانی ۶۹/۱
 سهراب ابن برابیون ۱۱۳/۱
 سهراب بیگ ۲۶۱/۳
 سهراب سپهری کرمانی ۲۰۵/۳
 سهراب عالمی دارابگردی ۱۳۶/۴
 سهراب مکرری ۲۶۲/۳
 سهل بن عمار غفکی نیشابوری ۱۷۰/۴
 سهل بن محمد سجستانی ۲۰۹/۳
 سهل بن محمد صلحلوکی نیشابوری ۴۲/۴
 سهل بن مرزبان ۱۴۰/۱
 سهل تیشتری ۲۶۴/۳
 سهیل بن عبدالله ۲۶۵/۳
 سیاوش بن احمد ۲۶۹/۳
 سیاوش بیگ گرجستانی ۲۶۹/۳
 سیاوش دانش ۹/۳
 سیدالشعراء ۲۷۲/۳
 سید بابا خوشمردان ۳۴۸/۲
 سید جلال ۲۷۱/۳
 سید جواد ۲۷۱/۳
 سید حسن غزنوی ۲۷۱/۳
 سید حسین ۲۷۱/۳
 سید موسوی ۲۷۴/۳
 سید مهدی ۲۷۴/۳
 سید میرزا ۲۷۴/۳
 سید هاشم ۲۷۵/۳
 سیده بیگم ۲۷۵/۳
 سیده نصرت امین ۳۰۳/۱
 سیری سجاوندی غزنوی ۲۷۶/۳
 سیری مروزی ۲۷۶/۳

- سیری مشهدی ۲۷۶/۳
سیف اسفرنگی ۲۷۶/۳
سیف‌الدین خواجه ۲۷۷/۳
سیف‌الدین کرمانشاهی ۳۲/۵
سیف‌الدین محمد ۲۷۷/۳
سیف‌الدین محمود نقشبند ۲۷۷/۳
سیف‌الله اردلان ۲۲۹/۱
سیف‌الله کرمانی ۲۷۷/۳
سیف‌الملوک شجاعی دماوندی ۳۰۳/۳
سیفعلی شاه شیرازی ۲۷۸/۳
سینی بخارایی ۲۷۸/۳
سیمایی مشهدی ۲۷۹/۳
سیمین دانشور ۱۳/۳
شاپور ۲۸۱/۳
شاپور بن سهل ۲۸۱/۳
شاپور تهرانی ۲۸۱/۳
شاپور کاشانی ۲۸۲/۳
شادملک خانم گورکانی ۲۸۲/۳
شادی بخارایی ۲۸۲/۳
شادی محمد ۲۸۲/۳
شادی محمد رمال هروی ۲۸۲/۳
شاذی نقاش ۲۸۳/۳
شاطر عباس زمانی ۱۶۳/۳
شاطر عباس صبوخی قمی ۲۶/۴
شاکرا تهرانی ۲۸۴/۳
شاکر بخارایی ۲۸۴/۳
شاه اسماعیل صفوی ۱۳۱/۴
شاه بیگم ۲۸۶/۳
شاه بیگم ضیاءالسلطنه قاجار ۷۴/۴
شاه حسین ساقی اصفهانی ۱۹۰/۳
شاه حسین سبزواری ۲۸۶/۳
شاه حسین سرپلی ۲۸۶/۳
شاه حسین سیستانی ۲۷۶/۳
شاه حسین شهابی هروی ۳۵۰/۳
شاه حسین معمار اصفهانی ۱۹۰/۳
شاه خلیل‌الله ۲۸۶/۳
شاهدای گیلانی ۲۸۷/۳
شاه رضا تسلیم خراسانی ۱۵۰/۲
شاه رضا شیرازی ۲۸۸/۳
شاهزاده بیگم صفوی ۲۹۰/۳
- شاهسوارچهارتاری ۲۹۰/۳
شاه شبلی ۲۹۰/۳
شاه شجاع کرمانی ۲۹۱، ۲۹۰/۳
شاه صدر دیلمی ۲۹۱/۳
شاه طاهر دکنی انجدانی ۲۹۱/۳
شاه طهماسب صفوی ۲۹۲/۳
شاه عباس اول ۲۹۲/۳
شاه عباس ثانی ۲۹۲/۳
شاه قاسم تبریزی ۲۹۳/۳
شاه قاسم فیض‌بخش ۳۱۳/۴
شاه قاسم کاتب ۲۹۳/۳
شاه قاسم ناجی مشهدی ۱/۶
شاه قاضی دیلمی ۲۹۳/۳
شاه قولی الوانی قمی ۲۹۴/۳
شاه کاظم رابط اردبیلی ۶۹/۳
شاهکی اصفهانی ۲۹۴/۳
شاهکی قمی ۲۹۴/۳
شاه محمد ۲۹۵، ۲۹۴/۳
شاه محمد اشرفی ۲۹۵/۳
شاه محمد اصفهانی ۲۹۵/۳
شاه محمد بدخشانی ۲۸۵/۳
شاه محمد حسنی قزوینی ۲۹۵/۳
شاه محمد دارابجردی ۲۸۷/۳
شاه محمد دره‌ای ۲۹۵/۳
شاه محمد سلامی خراسانی ۲۳۱/۳
شاه محمد عالی بخارایی ۱۳۶/۴
شاه محمد فایز یزدی ۲۶۱/۴
شاه محمد کاتب ۲۹۵/۳
شاه محمد مشهدی ۲۹۵/۳
شاه محمود کرمانی ۲۹۵/۳
شاه محمود نیشابوری ۲۹۶/۳
شاه مراد ۲۹۶/۳
شاه مراد خوانساری ۲۹۶/۳
شاه مظفر خراسانی ۲۹۶/۳
شاهمیر دیلمی ۲۹۷/۳
شاه میرک فاینی ۳۳۷/۴
شاه نصرت‌الدین کیود جامه استرآبادی ۲۹۴/۳
شاه نظر قمشه‌ای ۲۹۷/۳
شاه نعمت‌الله ولی کوه‌بنانی کرمانی ۲۹۷/۳
شاه نعمت‌الله یزدی ۲۹۸/۳

- شاهوردی بیگ ۲۹۸/۳
شتابی گنابادی ۳۰۲/۳
شجاع اصفهانی ۳۰۲/۳
شجاع‌الدین ۳۰۲/۳
شجاع‌الدین شفا ۳۲۱/۳
شجاع‌الدین غضنفر کله‌جاری ۲۲۵/۴
شجاع فارسی ۳۰۲/۳
شجاع کاشانی ۳۰۳/۳
شجاعی مشهدی ۳۰۳/۳
شراری استرآبادی ۳۰۴/۳
شریتی ۳۰۴/۳
شرطی ناجر قزوینی ۳۰۵/۳
شرف الحسینی یزدی ۳۰۵/۳
شرف‌الدین بن شهاب‌الدین ۳۰۶/۳
شرف‌الدین تبریزی ۳۰۶/۳
شرف‌الدین حسن رامی ۳۰۷/۳
شرف‌الدین حسن شقایب اصفهانی ۳۲۲/۳
شرف‌الدین حسین مشهدی ۳۰۶/۳
شرف‌الدین خضر یزدی ۳۰۶/۳
شرف‌الدین سلطانی ۳۰۶/۳
شرف‌الدین شرف جهان قزوینی ۳۰۵/۳
شرف‌الدین عبدالواحد انصاری ۳۰۶/۳
شرف‌الدین علی یزدی ۳۰۸، ۳۰۶/۳
شرف‌الدین غیرتی شیرازی ۲۴۶/۴
شرف‌الدین فضل‌الله قزوینی ۳۰۷/۳
شرف‌الدین قهرمانی ۲۷۶/۴
شرف‌الدین محمد فراهی ۳۰۸/۳
شرف‌الدین مقبل کرمانی ۲۷۸/۵
شرف‌الدین یحیی یزدی ۳۰۷/۳
شرف‌شاه گیلانی ۳۰۷/۳
شرف شیرازی ۳۰۷/۳
شرف طوسی ۳۰۸/۳
شرف یزدی ۳۰۸/۳
شرح بن عبدالکریم رویانی ۱۴۱/۳
شریف ۳۱۳/۳
شریف‌الدین علی جرجانی ۱۸۸/۲
شریف‌الهام اصفهانی ۲۸۳/۱
شریف امانی اصفهانی ۲۹۲/۱
شریف بخارانی ۳۱۳/۳
شریف بهشتی قزوینی ۹۳/۲
شریف تبریزی ۳۱۳/۳
شریف حداد شیرازی ۳۱۴/۳
شریف حمزه عقبلی هروی ۱۸۹/۴
شریف خازن تبریزی ۳۰۸/۲
شریف راقم سمرقندی ۸۴/۳
شریف شیرازی ۳۱۵/۳
شریف کاشی ۳۱۶/۳
شریف مجیبی نهی ۱۳۸/۵
شریف محمد صبری تهرانی ۲۵/۴
شعاعی ۳۱۸/۳
شعبان رشتی نجفی ۱۰۳/۳
شعبان علی منظری کرمانشاهی ۳۰۱/۵
شعله شیرازی ۳۲۰/۳
شعوانه ۳۲۰/۳
شعوری کاشانی ۳۲۰/۳
شعوری مشهدی ۳۲۱/۳
شعوری نیشابوری ۳۲۱/۳
شعیب جوشقانی ۳۲۱/۳
شعیب خوانساری ۳۲۱/۳
شفیع اثر شیرازی ۱۹۶/۱
شفیع تبریزی ۳۲۴/۳
شفیعی بخارایی ۳۲۵/۳
شفیعی گیلانی ۳۲۵/۳
شفیعی مشهدی ۳۲۵/۳
شقیق بلخی ۳۲۶/۳
شکراه‌خان خمه‌ای ۳۳۸/۲
شکراه روحانی ۱۳۰/۳
شکراه شکری قهرمانی ۳۲۷/۳
شکراه شیرازی ۳۲۴/۳
شکراه طبیب حاذق جهرمی ۲۳۲/۲
شکراه منعم اصفهانی ۳۰۳/۵
شکراه میرزاباشی ۳۲۶/۳
شکراه نامه‌نگار ۳۲۶/۳
شکری صحاف شیرازی ۳۲۷/۳
شمالی دهستانی خراسانی ۳۳۱/۳
شمس ۳۳۱/۳
شمس‌الدین ۳۳۴/۳
شمس‌الدین ابویوسف محمد آوی ۷۶/۱
شمس‌الدین احمد قاضی‌زاده خوارزمی ۳۲۹/۴
شمس‌الدین بردعی ۳۷/۲

- شمس الدین بن احمد نجاری ۳۳۵/۳
 شمس الدین بن فخرالدین حافظ فقیه ۳۳۵/۳
 شمس الدین بهبهانی ۸۶/۲
 شمس الدین تبریزی ۳۳۵/۳
 شمس الدین حسنی کاشانی ۳۳۵/۳
 شمس الدین حکیم الهی لواسانی ۲۸۸/۲
 شمس الدین رشیدیه ۱۰۴/۳
 شمس الدین زوشکی ۳۳۵/۳
 شمس الدین سبکبار ۲۰۳/۳
 شمس الدین عبدالله ۳۳۶/۳
 شمس الدین عبیدی ۱۶۹/۴
 شمس الدین کاشی تراش ۳۳۶/۳
 شمس الدین گیلانی ۳۳۶/۳
 شمس الدین محمد اصفهانی ۳۳۶/۳
 شمس الدین محمد بسطامی ۳۳۶/۳
 شمس الدین محمد تبریزی ۳۳۵/۳
 شمس الدین محمد تبریزی بنا ۳۳۶/۳
 شمس الدین محمد جزری ۱۹۵/۲
 شمس الدین محمد حافظ شیرازی ۲۳۴/۲
 شمس الدین محمد خراسانی قهستانی ۳۷۶/۴
 شمس الدین محمد خطیبی خلخالی ۳۳۱/۲
 شمس الدین محمد سمرقندی ۳۳۵/۳
 شمس الدین محمد سوزنی سمرقندی ۲۶۰/۳
 شمس الدین محمد کاشانی ۳۳۸/۳
 شمس الدین محمد کاشی ۳۳۶/۳
 شمس الدین محمد کرمانی ۳۳۹، ۳۳۶/۳
 شمس الدین نجار ساروی ۳۳۷/۳
 شمس الضحی نشاط اصفهانی ۳۳۷/۳
 شمس المعالی اسحاق تبریزی ۳۴۰/۳
 شمس المعالی قابوس بن وشمگیر ۳۱۹/۴
 شمس المعالی محمد گرگانی ۲۴۰/۳
 شمس الملوک مصاحب تهرانی ۲۵۰/۵
 شمسی زرین قلم فایق لاهیجانی ۲۶۲/۴
 شمسی صغیر ۳۳۲/۳
 شمسی پستی ۳۳۳/۳
 شمسی تبریزی ۳۳۳/۳
 شمسی تیشی شیرازی ۳۳۳/۳
 شمسی جهان کسمایی یزدی ۴۰/۵
 شمسی حافظ شیرازی ۳۳۴/۳
 شمسی دده عراقی ۳۳۴/۳
- شمس سگری ۳۳۷/۳
 شمس سنجری ۳۳۷/۳
 شمس شترغوهی ۳۳۷/۳
 شمس شهرستانی ۳۳۷/۳
 شمس قیس رازی ۳۳۸/۳
 شمس کاشانی ۳۳۸/۳
 شمس لاهیجی ۳۳۹/۳
 شمس محمد لطف الله ۳۳۹/۳
 شمس/محمد هروی ۱۳۶/۶
 شمس نسفی ۳۴۰/۳
 شمسی بخارانی ۳۴۰/۳
 شمسی بدخشانی ۳۴۱/۳
 شمسی سروانی ۳۴۱/۳
 شمسی طبسی ۳۴۱/۳
 شمسی همدانی ۳۴۱/۳
 شوخی خوانساری ۳۴۲/۳
 شوخی یزدی ۳۴۲/۳
 شوقی نفرشی ۳۴۵/۳
 شوقی دارابجردی ۳۴۵/۳
 شوقی شیرازی ۳۴۵/۳
 شهاب ۳۴۶/۳
 شهاب اصفهانی ۳۴۶/۳
 شهاب الدوله شهاب استیفایی ۳۴۶/۳
 شهاب الدین روضه خان ۳۴۷/۳
 شهاب الدین عبدالله حافظ ایرو ۲۳۵/۲
 شهاب الدین علی ۳۴۷/۳
 شهاب الدین علی رازی ۳۴۸/۳
 شهاب الدین عمر سهروردی ۲۶۳/۳
 شهاب مرندی ۳۴۸/۳
 شهاب منشی ۳۴۸/۳
 شهاب هروی ۳۴۹/۳
 شهابی ۳۴۹/۳
 شهابی غزالی خنجدی ۳۴۹/۳
 شهباز برمکی ۳۵۰/۳
 شهده دینوری ۳۵۱/۳
 شهر امیرکاتب شیرازی ۳۵۱/۳
 شهربانو ۳۵۲/۳
 شهردار بن شیرویه دیلمی همدانی ۵۶/۳
 شهرة آفاق ۲۵۴/۳
 شهرة قاجار ۳۵۴/۳

- شهریار خراسانی ۳/ ۳۵۵
شهردان رازی ۳/ ۳۵۶
شهناز آزاد ۱/ ۲۶
شهناش شکیب اصفهانی ۳/ ۳۲۹
شهیدای قمی ۳/ ۳۵۷
شهیدی بختیاری ۳/ ۳۵۸
شهیدی قمی ۳/ ۳۵۹
شیخ الاسلام خان ۳/ ۳۶۱
شیخ زاده ۳/ ۳۶۳
شیخ زاده پورانی ۳/ ۳۶۴
شیخ زاهد گیلانی ثانی ۳/ ۳۶۴
شیخ صفی اردبیلی ۳/ ۳۶۴
شیخ عباسی ۳/ ۳۶۶
شیخ محمد بن احمد ۳/ ۳۶۷
شیخ محمد سبزواری ۳/ ۳۶۸
شیخ محمد مصور ۳/ ۳۶۸
شیخ محمد هروی ۳/ ۳۶۷
شیخ محمد یعقوبی هروی ۳/ ۳۶۸
شیخ محمود جعفری هروی ۳/ ۳۶۸
شیخ محمود خزانه ۳/ ۳۶۹
شیخ ملاآقا آخوند حکمی قزوینی ۱/ ۸
شیخ وردی اصفهانی ۳/ ۳۶۹
شیخی بیک نقاش ۳/ ۳۶۹
شیخی طبسی ۳/ ۳۶۹
شیخی کرمانی ۳/ ۳۷۰
شیخی مذهب ۳/ ۳۷۰
شیخی یعقوبی ۳/ ۳۷۰
شیدای تکلوفرتهپوری ۳/ ۳۷۱
شیر علی ۳/ ۳۷۹
شیرمردان بیگ برهمن گرجی ۲/ ۵۴
شیرویه بن شهرداد دیلمی همدانی ۳/ ۵۶
شیونی قاینی ۳/ ۳۸۱
صابر اصفهانی ۴/ ۲
صابر رازی ۴/ ۲
صابر زواره‌ای ۴/ ۲
صابر طوسی ۴/ ۳
صابر عود نواز ۴/ ۳
صاحب بن عباد ۴/ ۵
صاحب شریفی بلخی ۳/ ۳۱۶
صاحبه ۴/ ۹
- صاحبه سلطان دنبلی ۴/ ۹
صادق ۴/ ۹
صادق آرام یزدی ۱/ ۲۳
صادق اردلانی کردستانی ۴/ ۹
صادق اردوبادی ۴/ ۱۰
صادق اصفهانی ۴/ ۱۰
صادق اول ۱/ ۵۲
صادق تسلیم اصفهانی ۲/ ۱۵۰
صادق چرناب تبریزی ۲/ ۲۲۱
صادق دستغیب شیرازی ۳/ ۳۴
صادق رضا زاده شفق ۳/ ۱۰۹
صادق روحانی ۳/ ۱۲۹
صادق روحانی قمی ۳/ ۱۳۱
صادق سرمد تهرانی ۳/ ۲۱۹
صادق شیرازی ۴/ ۱۰
صادق شیرانی ۳/ ۱۴۲
صادق صادقی ۴/ ۱۱
صادق صبا خراسانی ۴/ ۲۲
صادق صدقی کرمانی ۴/ ۳۸
صادق علیشاه محلاتی ۴/ ۱۰
صادق کاشی بیدگلی ۵/ ۱۷
صادق گوهرین ۵/ ۸۸
صادق/محمد صادق عنقا اویسی ۴/ ۲۲۱
صادق/محمد صادق ناطق اصفهانی ۶/ ۱۱
صادق ملا رجب اصفهانی ۴/ ۹
صادق نشأت ۶/ ۴۰
صادق نصیری ۶/ ۴۷
صادق وقایع نگار حمای مروزی ۶/ ۱۴۳
صادق هدایت ۶/ ۱۲۹
صادقی ایرکوهی ۴/ ۱۱
صادقی بیگ افشار کتابدار ۴/ ۱۱
صادقی گلکار قاینی ۴/ ۱۲
صادقی هروی ۴/ ۱۲
صاعد بن محمد بریدی آبی ۲/ ۵۴
صاعد بن منصور صاعدی نیشابوری ۴/ ۱۳
صاعد کنانی هروی ۵/ ۵۹
صافی ۴/ ۱۵
صافی توزپوش هروی ۴/ ۱۵
صافی خراسانی ۴/ ۱۵
صافی کازرونی ۴/ ۱۵

- صالح ۱۶/۴
 صالح آزادانی اصفهانی ۱۶/۴
 صالح ابن ابی حماد رازی ۸۹/۱
 صالحی زواره‌ای اردستانی ۱۷/۴
 صالح بروجردی ۱۷/۴
 صالح بن علی رازی ۱۷/۴
 صالح بن محمد ابوشعیب هروی ۱۷۰/۱
 صالح بن مکتوم ۱۷/۴
 صالح خراسانی ۱۸/۴
 صالح ساوجی ۱۹۸/۳
 صالح شیرازی ۳۷۸/۳
 صالح کاشانی ۱۸/۴
 صالح کرزکانی شیرازی بحرانی ۲۴/۲
 صالح منشی ۱۸/۴
 صالح نیشابوری ۱۹/۴
 صابن الدین ترک‌اصفهانی ۱۴۷/۲
 صابن الدین بحیی تبریزی ۲۰/۴
 صباحی ۲۱/۴
 صبایی ۲۳/۴
 صبحی بروجردی ۲۳/۴
 صبحی مازندرانی ۲۳/۴
 صبدع تبریزی ۱۲۳/۵
 صبغة‌الله بروجی ۵۰/۲
 صبحی جغتایی ۲۶/۴
 صحبت اصفهانی ۲۸/۴
 صحرایی رازی ۲۹/۴
 صحیفی جوهری شیرازی ۲۹/۴
 صدای کرمانی ۳۰/۴
 صدرالدین ابوالمعالی مظفر ابن مظفر شیرازی ۱۴۳/۱
 صدرالدین اسکویی ۲۴۷/۱
 صدرالدین بیناگیلانی ۱۰۹/۲
 صدرالدین جزایری شوشتری ۱۹۱/۲
 صدرالدین جنید شیرازی ۲۱۲/۲
 صدرالدین حجازی دزفولی ۲۵۴/۲
 صدرالدین حسینی مجتهد شیرازی ۳۷۳/۳
 صدرالدین دزفولی ۳۰/۳
 صدرالدین ربیعی فوشنجی ۹۰/۳
 صدرالدین رواسی ۱۲۸/۳
 صدرالدین ساوجی ۱۹۸/۳
 صدرالدین سلطان ابراهیم امینی هروی ۳۰۸/۱
 صدرالدین سنگ‌تراش ۳۴/۴
 صدرالدین صدر مشهدی ۳۷/۴
 صدرالدین کاشف دزفولی ۱۴/۵
 صدرالدین محلاتی شیرازی ۱۵۲/۵
 صدرالدین محمد امامی هروی ۲۹۴/۱
 صدرالدین محمد دشتکی شیرازی ۳۶/۳
 صدرالدین محمد رضوی قمی ۱۱۶/۳
 صدرالدین محمد لواسانی ۳۵/۴
 صدرالدین مستوفی نیشابوری ۳۷/۴
 صدر ترشیزی ۳۳/۴
 صدقه مروزی ۲۲۵/۵
 صدقی ۳۸/۴
 صدیق عمانی ۲۱۲/۴
 صدیقه دولت‌آبادی ۴۸/۳
 صدیقه شاهدخت ملایری ۲۸۶/۵
 صفات‌الله جمالی اسدآبادی ۲۰۷/۲
 صفای تبریزی ۴۹/۴
 صفای خراسانی ۴۹/۴
 صفرشاه ۵۱/۴
 صفر علی ۵۱/۴
 صفرعلی آخوند لاهیجی ۱۲/۱
 صفرعلی بیگ زند فردی شیرازی ۲۷۹/۴
 صفی الدین صفی اصفهانی ۵۳/۴
 صفی الدین یزدی ۵۶/۴
 صفی بن کریم ۵۳/۴
 صفی رشتی ۵۴/۴
 صفیری فزونی ۵۴/۴
 صفی صفیا اصفهانی ۵۲/۴
 صفی قلی بیگ اصفهانی ۵۳/۴
 صفی قلی بیگ چرکس ۵۳/۴
 صفی قلی بیگ یزدی ۵۶/۴
 صفی هندی ۵۵/۴
 صلاح الدین صرفی ساوجی ۴۱/۴
 صلاح بن مبارک بخاری ۵۶/۴
 صلحی خراسانی ۵۶/۴
 صمد ۵۶/۴
 صمد اصفهانی ۵۷/۴
 صنع‌الله طبیب کاشانی ۵۹/۴
 صنعت لاری فداغی ۵۸/۴
 صنعتی قالب تراش مشهدی ۵۹/۴

طالب ۸۱/۴	صنعی نیشابوری ۵۹/۴
طالب تبریزی ۸۲/۴	صنعی ۶۲/۴
طالب کل عالم ۸۲/۴	صوفی استرآبادی ۶۳/۴
طالب نصیب اصفهانی ۴۴/۶	صوفی اده پاری ۶۳/۴
طالبی ۸۳/۴	صوفی شیرازی ۶۳/۴
طالعی یزدی ۸۴/۴	صوفی علی ۶۳/۴
طاووس خانم تاج الدوله ۱۳۴/۲	صوفی یزدی ۶۴/۴
طاووس یمانی ۸۶/۴	صید علی خان درگزی ۶۵/۴
طاهر ۸۷/۴	صیدی بوآنانی ۶۶/۴
طاهر آتشی شیرازی ۵/۱	صیرفی ۶۷/۴
طاهر ابن مظفر شیرازی ۱۴۲/۱	صیرفی کور تبریزی ۶۸/۴
طاهر ابیوردی ۸۷/۴	صیقلی بروجردی ۶۸/۴
طاهر اصفهانی ۸۸، ۸۷/۴	ضحاک هلالی خراسانی ۱۴۱/۶
طاهر بخاری ۸۸/۴	ضعیفی سمرقندی ۷۲/۴
طاهر بن احمد بخاری ۲۵/۲	ضمیری همدانی ۷۳/۴
طاهر بن عبدالله طبری ۹۹/۴	ضیایی اردوبادی ۷۶/۴
طاهر بن محمد ظهیر فاریانی ۱۲۸/۴	ضیاء الدین ۷۳/۴
طاهر تفرشی ۸۸/۴	ضیاءالدین ابوالنجیب سهروردی ۲۶۳/۳
طاهر تنکابنی ۱۶۱/۲	ضیاء الدین اردوبادی ۷۴/۴
طاهر توپسرکانی ۸۸/۴	ضیاءالدین استرآبادی ۲۳۵/۱
طاهر چغانی ۸۸/۴	ضیاءالدین اسماعیل بیگی شیرازی ۲۴۸/۱
طاهر خانقاهی ۳۱۵/۲	ضیاءالدین تبریزی ۷۴/۴
طاهر خوشنویس ۸۹/۴	ضیاءالدین حدائق شیرازی ۲۵۵/۲
طاهر سمیع زاده هاشمی ۱۲۴/۶	ضیاءالدین درّی ۲۹/۳
طاهر شاهچراغی ۲۸۶/۳	ضیاءالدین دیری کاشانی ۵۴/۳
طاهر شعری اصفهانی ۳۱۹/۳	ضیاء الدین ضیای سنجر ۷۶/۴
طاهر ضیاء رسایی ۷۴/۴	ضیاءالدین طباطبایی ۹۴/۴
طاهر علوی کاشانی ۱۹۷/۴	ضیاءالدین عبدالوهاب ابن مظفر شیرازی ۱۴۳/۱
طاهر علی ۹۰/۴	ضیاءالدین عمر بن محمد بلخی بسطامی ۵۸/۲
طاهر قزوینی ۳۵۰/۴	ضیاءالدین فارسی خجندی ۷۷/۴
طاهر/محمد طاهر کاظمینی بروجردی ۲۰/۵	ضیاءالدین قریب ۳۴۷/۴
طاهر/محمد طاهر وحید قزوینی ۱۰۵/۶	ضیاءالدین محمد اکرمی قزوینی ۲۷۹/۱
طاهر محمد هلالی ۹۰/۴	ضیاءالدین محمد کاشانی ۷۶/۴
طاهر مشهدی ۹۰/۴	ضیاءالدین میرم کرمانی ۷۷/۴
طاهر مقدسی رازی همدانی ۲۷۹/۵	ضیاءالدین نوره خوارزمی ۳۴۲/۲
طاهر ناپینی ۹۰/۴	ضیاء الدین واعظ بلخی ۷۶/۴
طاهر نبی شیرازی ۸۳/۶	ضیاءالدین یوسف امیری بدخشانی ۳۰۲/۱
طاهره دنیا خراسانی ۴۳/۳	ضیاءالدین یوسف جامی ۷۴/۴
طاهر همدانی ۳۳۰/۵	ضیاء نخشی بدایونی ۷۵/۴
طاهری هروی ۹۱/۴	طاغتی خوانساری ۸۰/۴

- عائشه عیشیه قرشیه اصفهانیه ۱۶۸/۴
عابد ۱۳۱/۴
عابد بیرمی لاری ۱۳۱/۴
عابد عارف کازرونی ۱۳۴/۴
عاجز ۱۳۱/۴
عارف اردبیلی ۱۳۲/۴
عارف حسینی هروی ۱۳۳/۴
عاشقی خراسانی ۱۳۵/۴
عالمناج قائم مقامی فراهانی ۱۸۵/۳
عالم هروی ۱۳۶/۴
عامل عاملای بلخی ۱۳۸/۴
عامی اصفهانی ۱۳۹/۴
عامی نهاوندی ۱۳۹/۴
عایشه سمرقندی ۱۳۹/۴
عایشه مقریه ۱۴۰/۴
عیادالله کاشانی ۱۴۰/۴
عباد مجدالدین حسینی ۱۳۱/۵
عباس ۱۴۲، ۱۴۱/۴
عباس آخری ۷/۱
عباس آریانبور ۲۵/۱
عباس آقاسی ۵۱/۱
عباس اصفهانی ۲۳۰/۲
عباس اقبال آشتیانی ۲۷۶/۱
عباس امید کرمانشاهی ۲۹۶/۱
عباس ایراندوست گوهری بروجردی ۸۸/۵
عباس بن عمر ابن مروان فارسی ۱۴۰/۱
عباس بیگ ترکمان ۱۴۲/۴
عباس تبریزی ۱۴۲/۴
عباس تبریزی رسام ارزنگی ۹۸/۳
عباس تهرانی ۱۶۷/۲
عباس حایری تهرانی ۲۴۴/۲
عباس حسینی ۲۷۳/۳
عباس خللیلی ۳۳۷/۲
عباس دارابی ۳/۳
عباس ریاضی کرمانی ۱۴۶/۳
عباس زریاب خویی ۱۵۸/۳
عباس شانه‌ساز غایب بروجردی ۲۲۹/۴
عباس شاهرودی مشهدی ۲۹۰/۳
عباس شهری تهرانی ۳۵۵/۳
عباس شیدا شهرکردی ۳۷۰/۳
- طایر ۹۲/۴
طبعی قزوینی ۹۶/۴
طبعی سیستانی ۱۰۴/۴
طبیعی طبعی ۱۰۶/۴
طرزی افشار ۱۰۸/۴
طرزی شیرازی ۱۰۸/۴
طغانشاه ۱۱۰/۴
طغرای مشهدی ۱۱۱/۴
طغرل سلجوقی ۱۱۲/۴
طفیلی تبریزی ۱۱۲/۴
طفیلی لاهیجی ۱۱۲/۴
طلوعی خوانساری ۱۱۳/۴
طوفی تبریزی ۱۱۸/۴
طهماسب قلی بیگ عرشی تبریزی ۱۷۳/۴
طهماسب میرزا سرور قاجار ۲۲۰/۳
طیان بمی کرمانی ۱۲۰/۴
طیب طوفان هزارجریبی مازندرانی ۱۱۸/۴
طیفور بن عیسی بسطامی اصغر ۵۹/۲
ظالم بن محمد سائح ۱۲۳/۴
ظریفی تبریزی ۱۲۴/۴
ظریفی تونی ۱۲۴/۴
ظفرالدین / مظفرالدین کانی همدانی ۲۱/۵
ظفر حسین خان حسینی مرعشی ۱۲۵/۴
ظفرخان احسن تربتی ۱۹۹/۱
ظفر علوی حسینی نیشابوری ۱۹۶/۴
ظهوری ۱۲۵/۴
ظهوری تبریزی ۱۲۶/۴
ظهوری شیرازی ۱۲۶/۴
ظهیر استرآبادی ۱۲۶/۴
ظهیرالدین اظهر تبریزی ۲۶۶/۱
ظهیرالدین بهرامی اردبیلی ۹۰/۲
ظهیرالدین تاج الکتاب سرخسی ۱۳۴/۲
ظهیرالدین تفرشی ۱۲۷/۴
ظهیرالدین کبیر قاضی زاده اردبیلی ۳۲۸/۴
ظهیرالدین محمد اصفهانی ۱۲۸/۴
ظهیرالدین محمد نهاوندی ۱۲۹/۴
ظهیرالدین مرعشی ۱۲۹/۴
ظهیرالدین نصر سموری سکزی ۲۵۴/۳
ظهیر کرمانی ۱۲۹/۴
ظهیر نسوی ۱۲۹/۴

- عباس شیرازی ۱۴۲/۴
 عباس صفایی ۴۸/۴
 عباس صنعت ۵۸/۴
 عباس طارمی زنجانی ۸۰/۴
 عباس عطارد سوادکوهی ۱۸۵/۴
 عباسعلی ۱۴۲/۴
 عباسعلی آذر چالشری ۲۰/۱
 عباسعلی آرام اصفهانی ۲۳/۱
 عباسعلی اختر طوسی ۲۱۱/۱
 عباسعلی ادیب حبیب‌آبادی ۲۱۸/۱
 عباسعلی بنایی ۷۰/۲
 عباسعلی بهجتی تویسرکانی ۸۸/۲
 عباسعلی بینش شیرازی ۱۱۰/۲
 عباسعلی پورصفا ۱۲۴/۲
 عباسعلی تفرشی ۱۴۲/۴
 عباسعلی ذاکر گورناتی اصفهانی ۶۱/۳
 عباسعلی شاه‌رودی ۲۸۹، ۲۸۸/۳
 عباسعلی کیوان قزوینی ۷۰/۵
 عباس فاضل زاده بدیع شیرازی ۲۵۴/۴
 عباس فوات یزدی ۲۷۳/۴
 عباس فروغی بسطامی ۲۸۷/۴
 عباسقلی ۱۴۲/۴
 عباسقلی حجاز ۱۴۳/۴
 عباسقلی حسن نوری اسفندیاری ۲۶۸/۲
 عباسقلی خان سپهر ۲۰۴/۳
 عباسقلی خان سرتیپ سیف‌الملک ۲۷۷/۳
 عباسقلی خواجه نوری ۳۴۱/۲
 عباسقلی صابر تبریزی ۲/۴
 عباسقلی فانی ۲۵۹/۴
 عباسقلی فدایی داغستانی ۲۷۱/۴
 عباسقلی مظهر خویی ۲۶۳/۵
 عباسقلی میرزا قاجار ۱۴۳/۴
 عباس کاشانی ۱۴۳/۴
 عباس مجنون سیچانی اصفهانی ۱۳۸/۵
 عباس محدث قمی ۱۴۲/۵
 عباس مولوی ۳۱۱/۵
 عباس میرزا قاجار ۱۴۳/۴
 عباس نسخ ترک ۵/۶
 عباس نشاطی هزار جریبی ۴۰/۶
 عباس نقاشباشی ۱۴۳/۴
 عباس نوری ۷۳/۶
 عباس هاشمی ۱۲۵/۶
 عباسه عسّاری طابرائی طوسی ۱۴۳/۴
 عباسی اصفهانی ۱۴۴/۴
 عباس یمنی شریف ۱۶۳/۶
 عبدا/ عبدالله طبعی اصفهانی ۱۰۳/۴
 عبدالاکرم ۱۴۴/۴
 عبدالاعلی سبزواری ۲۰۱/۳
 عبدالباقی بختیاری ۲۶/۲
 عبدالباقی بدیع مدیری ۳۳/۲
 عبدالباقی تبریزی ۱۶/۲
 عبدالباقی تویسرکانی ۱۶/۲
 عبدالباقی حکیم‌باشی اعتضادالاطباء ۲۶۸/۱
 عبدالباقی خاتون‌آبادی ۳۰۶/۲
 عبدالباقی دماوندی ۱۶/۲
 عبدالباقی سوادکوهی آلاشتی ۶۱/۱
 عبدالباقی شکوهی همدانی ۳۲۸/۳
 عبدالباقی شیدای کردستانی ۳۷۲/۳
 عبدالباقی صهبایی چشتی ۶۵/۲
 عبدالباقی طبیب اصفهانی ۱۵/۲
 عبدالباقی طبیب اصفهانی ۱۰۴/۴
 عبدالباقی گنابادی ۱۷/۲
 عبدالباقی مقبولی اصفهانی ۲۷۸/۵
 عبدالباقی میرزا عشرت قاجار ۱۸۱/۴
 عبدالباقی نایینی ۱۴۵/۴
 عبدالباقی نریزی مراغی ۳۴/۶
 عبدالباقی نعمت‌اللهی ۱۷/۲
 عبدالباقی نهاوندی ۱۷/۲
 عبدالجبار اصفهانی ۱۴۵/۴
 عبدالجبار رازی ۲۷۷/۵
 عبدالجبار زینی علوی محمودی ۱۷۸/۳
 عبدالجبار قاضی‌القضاة همدانی اسدآبادی ۳۳۱/۴
 عبدالجبار مازندرانی ۱۱۴/۵
 عبدالجلیل فامی هروی ۲۵۹/۴
 عبدالجلیل قزوینی رازی ۳۵۴/۴
 عبدالجلیل کوتاه جویباری اصفهانی ۶۰/۵
 عبدالجواد ادیب نیشابوری ۲۲۲/۱
 عبدالجواد خراسانی ۳۲۱/۲
 عبدالجواد خطیب ۳۳۰/۲
 عبدالجواد شریف یزدی ۱۴۵/۴

- عبدالجواد قدسی همدانی ۳۴۳/۴
 عبدالجواد قریب گرگانی ۳۴۸/۴
 عبدالجواد تبریزی ۱۴۵/۴
 عبدالجواد نیشابوری ۱۴۵/۴
 عبدالحسین ۱۴۵/۴
 عبدالحسین آگاهی ۵۹/۱
 عبدالحسین آملی وکیل ۷۷/۱
 عبدالحسین آینی یزدی ۸۰/۱
 عبدالحسین احمدی بختیاری ۲۰۹/۱
 عبدالحسین ادیب فرهمند ۲۲۱/۱
 عبدالحسین اصفهانی ۱۴۵/۴
 عبدالحسین امینی تبریزی ۳۰۷/۱
 عبدالحسین اورنگ ۳۱۸/۱
 عبدالحسین برغانی علوی قزوینی ۳۹/۲
 عبدالحسین بقایی کرمانی ۶۵/۲
 عبدالحسین بهبهانی ۸۲/۲
 عبدالحسین تازه رسیده اصفهانی ۱۳۵/۲
 عبدالحسین حجتی کرمانی ۲۵۴/۲
 عبدالحسین دزفولی کاظمی ۳۳/۳
 عبدالحسین دستغیب شیرازی ۳۴/۳
 عبدالحسین رازی ۷۷/۳
 عبدالحسین رأفت‌الملک اصفهانی ۸۹/۳
 عبدالحسین رشتی ۱۰۲/۳
 عبدالحسین زرین قلم خوانساری ۱۶۰/۳
 عبدالحسین سهندی ۲۰۳/۳
 عبدالحسین سردادور تبریزی ۳۶۶/۳
 عبدالحسین سیف آزاد ۲۷۶/۳
 عبدالحسین سیفی ۲۷۸/۳
 عبدالحسین شهشانی ۳۵۵/۳
 عبدالحسین شهنازی ۳۵۶/۳
 عبدالحسین شیخ‌العراقین تهرانی ۳۶۶/۳
 عبدالحسین صدر اصفهانی ۳۲/۴
 عبدالحسین صنعتی زاده کرمانی ۵۸/۴
 عبدالحسین صنیع همایون اصفهانی ۶۱/۴
 عبدالحسین طباطبایی همت یار اصفهانی ۱۴۶/۴
 عبدالحسین طیب اصفهانی ۱۲۰/۴
 عبدالحسین عارف کاشانی ۱۳۴/۴
 عبدالحسین عبدالله ۱۴۶/۴
 عبدالحسین عبدی اصفهانی ۱۶۵/۴
 عبدالحسین عشرت نایینی ۱۸۱/۴
 عبدالحسین علی آبادی ۱۹۸/۴
 عبدالحسین غروی تبریزی ۲۳۱/۴
 عبدالحسین فقیهی رشتی ۳۰۲/۴
 عبدالحسین فیض علیشاه طبسی ۳۱۴/۴
 عبدالحسین فیلسوف‌الدوله ۳۱۵/۴
 عبدالحسین قیصر اصفهانی ۳۷۸/۴
 عبدالحسین کمونه بروجردی ۵۹/۵
 عبدالحسین لاری ۹۳/۵
 عبدالحسین لنکرانی ۱۰۷/۵
 عبدالحسین محلاتی ۱۵۱/۵
 عبدالحسین مستوفی ۱۴۵/۴
 عبدالحسین مشفق اصفهانی ۲۴۴/۵
 عبدالحسین ملک‌المورخین ۲۹۰/۵
 عبدالحسین منشی باشی نصرت خراسانی ۴۳/۶
 عبدالحسین مونس علیشاه ذوالریاستین ۶۳/۳
 عبدالحسین ناظر کازرونی ۱۳/۶
 عبدالحسین وحیدالملک شیبانی کاشانی ۱۰۶/۶
 عبدالحسین هزیر ۱۳۸/۶
 عبدالحسین هوشمند راد شیرازی ۱۵۱/۶
 عبدالحسین یزدی قلعه کهنه‌ای ۱۴۶/۴
 عبدالحق اصفهانی ۱۴۶/۴
 عبدالحق سبزواری ۱۴۶/۴
 عبدالحق قمی ۱۴۶/۴
 عبدالحمید ادهمی ۱۴۶/۴
 عبدالحمید بدیع الزمان مهی سهندی ۳۴/۲
 عبدالحمید بهجت شیرازی ۸۷/۲
 عبدالحمید خرم مشهدی ۳۲۵/۲
 عبدالحمید شکوه شیرازی ۳۲۸/۳
 عبدالحمید صفای تفرشی ۴۶/۴
 عبدالحمید گلشن ۸۰/۵
 عبدالحمید ملک طوطی تبریزی ۱۱۸/۴
 عبدالحی استرآبادی ۱۴۶/۴
 عبدالحی گردیزی ۱۴۶/۴
 عبدالحی مشهدی ۱۴۷/۴
 عبدالحی منشی استرآبادی ۱۴۷/۴
 عبدالحی واثق شیرازی ۹۳/۶
 عبدالحق غجدوانی ۱۴۷/۴
 عبدالحق قاضی‌زاده کرهرودی ۳۲۹/۴
 عبدالحق لنجانی ۱۴۷/۴
 عبدالحق هروی ۱۴۷/۴

- عبدالخالق یزدی خراسانی ۱۵۹/۶
عبدالرحمان جامی ۱۸۲/۲
عبدالرحمن ۱۴۷/۴
عبدالرحمن آخوندزاده ۱۶/۱
عبدالرحمن ابن رستم ۱۱۱/۱
عبدالرحمن ابن سَلَم رازی اصفهانی ۱۱۵/۱
عبدالرحمن امینی بلخی ۳۰۷/۱
عبدالرحمن ایجی ۳۲۱/۱
عبدالرحمن بن احمد صفار اصفهانی ۴۳/۴
عبدالرحمن بن احمد عجلی رازی ۱۷۱/۴
عبدالرحمن بن بشر عبدی نیشابوری ۱۶۶/۴
عبدالرحمن بن حسن رازی ۷۵/۳
عبدالرحمن بن حسن زوزنی ۱۷۶/۳
عبدالرحمن بن علی ظهیرالدین شیرازی ۱۲۸/۴
عبدالرحمن بن عمر صوفی رازی ۶۳/۴
عبدالرحمن پارسا تویسرکانی ۱۱۴/۲
عبدالرحمن خراسانی ۳۲۱/۲
عبدالرحمن خوارزمی ۱۴۸/۴
عبدالرحمن دارمی ۵/۳
عبدالرحمن داودی بوشنجی ۱۴/۳
عبدالرحمن زجاجی نهاوندی ۱۵۴/۳
عبدالرحمن سلطان‌العلماء بستکی ۲۳۵/۳
عبدالرحمن شرفکندی هزار ۱۳۸/۶
عبدالرحمن صوفی ۱۴۷/۴
عبدالرحمن / عبدالرحیم ابن اخوه بغدادی ۹۳/۱
عبدالرحمن فامی هروی ۲۵۹/۴
عبدالرحمن فرامرزی ۲۷۴/۴
عبدالرحمن فورانی مروزی ۳۰۷/۴
عبدالرحمن قهندزی ۳۷۷/۴
عبدالرحمن کاجری ۴/۵
عبدالرحمن کرمانی ۳۳/۵
عبدالرحمن کلار بوشنجی هروی ۴۷/۵
عبدالرحمن شتوکی نیشابوری ۱۲۴/۵
عبدالرحمن مدرس شیرازی ۲۰۵/۵
عبدالرحمن مشفق بخاری ۲۴۴/۵
عبدالرحمن مفید نیشابوری ۲۷۷/۵
عبدالرحمن منعم بخارایی ۳۰۳/۵
عبدالرحمن همدانی ۱۴۸/۶
عبدالرحمن یزدی ۱۴۸/۴
عبدالرحیم ۱۴۸/۴
عبدالرحیم ابن مرزبان اصفهانی ۱۴۰/۱
عبدالرحیم ابوغانم قسری ۱۷۸/۱
عبدالرحیم اصفهانی ۱۴۸/۴
عبدالرحیم افسر اصفهانی ۲۷۱/۱
عبدالرحیم انیسی خوارزمی ۳۱۵/۱
عبدالرحیم بروجردی ۴۸/۲
عبدالرحیم بن سلیمان رازی کوفی ۸۰/۳
عبدالرحیم جزایری ۱۴۸/۴
عبدالرحیم حایری ۲۴۴/۲
عبدالرحیم خلخالی ۳۳۲/۲
عبدالرحیم خلوتی تبریزی ۳۳۳/۲
عبدالرحیم دانش شیرازی ۱۲/۳
عبدالرحیم رهنما ۱۴۲/۳
عبدالرحیم سامت قزوینی ۱۹۶/۳
عبدالرحیم سلطان القراء تبریزی ۲۳۸/۳
عبدالرحیم سمعانی مروزی ۲۵۳/۳
عبدالرحیم سمیرمی ۱۴۹/۴
عبدالرحیم طالبوف تبریزی ۸۳/۴
عبدالرحیم عشرت نسایی ۱۸۱/۴
عبدالرحیم عنبرین قلم هروی ۱۴۹/۴
عبدالرحیم فیروزکوهی ۱۴۹/۴
عبدالرحیم قشیری ۳۵۷/۴
عبدالرحیم قضایی یزدی ۳۵۸/۴
عبدالرحیم کاغذی اصفهانی ۲۰/۵
عبدالرحیم مشهدی ۱۴۹/۴
عبدالرحیم نجف آبادی ۲۳/۶
عبدالرحیم نجفی ۲۴/۶، ۱۴۹/۴
عبدالرحیم نقشبائی اصفهانی ۱۴۹/۴
عبدالرحیم نهاوندی ۷۸/۶
عبدالرحیم وفایی مهابادی ۱۱۴/۶
عبدالرحیم همایون فرخ ۱۴۴/۶
عبدالرحیم هوشمند راد شیرازی ۱۵۱/۶
عبدالرزاق ابن فوطی ۱۳۱/۱
عبدالرزاق اخضر اصفهانی ۲۱۲/۱
عبدالرزاق اشراق اصفهانی ۲۵۴/۱
عبدالرزاق اصفهانی ۱۴۹/۴
عبدالرزاق افسر اصفهانی ۲۷۱/۱
عبدالرزاق بغایری ۶۲/۲
عبدالرزاق بیگ مقتون دنبلی آذربایجانی ۲۷۴/۵
عبدالرزاق رانکویی شیرازی ۸۷/۳

- عبدالرزاق رسمی یزدی ۱۰۰/۳
عبدالرزاق سمرقندی ۱۵۰/۴
عبدالرزاق طبیب کرمانی ۱۰۶/۴
عبدالرزاق عهدی خراسانی ۲۲۳/۴
عبدالرزاق فیاض لاهیجی قمی ۳۱۰/۴
عبدالرزاق قزوینی ۱۵۰/۴
عبدالرزاق کاشی ۱۶/۵
عبدالرزاق گوهر کرمانی ۸۸/۵
عبدالرزاق مشرب اصفهانی ۲۴۲/۵
عبدالرزاق همدانی ۱۴۸/۶
عبدالرسول آخوند مدنی ۱۲/۱
عبدالرسول تاهباززاده خیام پور ۳۵۳/۲
عبدالرسول جواهری ۲۱۴/۲
عبدالرسول دزفولی ۳۰/۳
عبدالرسول شجره بزمی اصفهانی ۵۶/۲
عبدالرسول فتای زنوزی ۳۰۵/۴
عبدالرسول فیروزکوهی مازندرانی ۳۱۳/۴
عبدالرسول محبت مازندرانی ۱۳۹/۵
عبدالرشید ابومنصور هروی ۱۸۹/۱
عبدالرشید اخگر بیگدلی ۲۱۳/۱
عبدالرشید دیلمی ۱۰۶/۳
عبدالرضا شکیب نایینی ۳۲۹/۳
عبدالرضا/عبدالرزاق متین اصفهانی ۱۲۴/۵
عبدالستار عبدی ۱۶۴/۴
عبدالسلام آل طبیب شوشتری ۶۵/۱
عبدالسلام ابرقوهی ۸۷/۱
عبدالسلام ابوالصلت هروی ۱۷۰/۱
عبدالسلام اشکوری گیلانی ۱۵۱/۴
عبدالسلام پیامی کرمانی ۱۲۵/۲
عبدالسلام سلامی تربتی ۲۳۰/۳
عبدالشکور ۱۵۱/۴
عبدالصاحب صفایی سوادکوهی ۵۰/۴
عبدالصبور فامی هروی ۲۵۹/۴
عبدالصمد آخوند همدانی ۱۵/۱
عبدالصمد اشکوری ۱۵۱/۴
عبدالصمد جزایری شوشتری ۱۹۱/۲
عبدالصمد شیرازی ۱۵۱/۴
عبدالصمد شیرین قلم ۳۸۰/۳
عبدالصمد عنبری اصفهانی ۲۱۹/۴
عبدالصمد نسایی ۲۹۳/۴
عبدالصمد قیسی نیشابوری ۳۷۸/۴
عبدالصمد مشهدی ۱۵۱/۴
عبدالعال نجات اصفهانی ۲۱/۶
عبدالعزیز بن علی زمزمی شیرازی ۱۶۵/۳
عبدالعزیز بن محمد بیضاوی زمزمی شیرازی ۱۶۵/۳
عبدالعزیز تبریزی ۱۵۱/۴
عبدالعزیز دارکی اصفهانی ۴/۳
عبدالعزیز طوسی ۱۱۷/۴
عبدالعزیز عاصم سندجی ۱۳۵/۴
عبدالعزیز/عبدالله لسانی شیرازی ۱۰۰/۵
عبدالعزیز عسجدی مروزی ۱۷۸/۴
عبدالعزیز عمادالدین ابهری ۲۱۳/۴
عبدالعزیز قشملی خراسانی مروزی ۳۵۶/۴
عبدالعزیز کاشانی ۱۵۱/۴
عبدالعزیز کاشی ۱۵۲/۴
عبدالعزیز ماجشون ۱۱۳/۵
عبدالعزیز مراغی ۱۵۲/۴
عبدالعزیز نسفی بخاری ۳۷/۶
عبدالعظیم قریب گرکانی ۳۴۸/۴
عبدالعظیم نایینی ۱۵۲/۴
عبدالعلی ۱۵۲/۴
عبدالعلی ادیب پرومند ۲۱۷/۱
عبدالعلی ادیب مراغه‌ای ۲۲۱/۱
عبدالعلی اشرف الکتاب یزدی ۲۵۷/۱
عبدالعلی ایروانی ۳۲۴/۱
عبدالعلی بن جمعه عروسی حویزی ۲۹۶/۲
عبدالعلی بیرجندی ۱۰۲/۲
عبدالعلی پرتو علوی ۱۱۸/۲
عبدالعلی تربتی ۱۵۲/۴
عبدالعلی جزایی ۱۵۲/۴
عبدالعلی خراسانی ۱۵۲/۴
عبدالعلی خوانساری ۳۴۵/۲
عبدالعلی زنجان‌ی ۱۷۰/۳
عبدالعلی صبحی کاشانی ۲۳/۴
عبدالعلی طاعتی رشتی ۸۱/۴
عبدالعلی کاظمی ۱۵۳/۴
عبدالعلی کوکب یزدی ۶۳/۵
عبدالعلی گوگانی ۸۶/۵
عبدالعلی محوی اردبیلی ۱۹۵/۵
عبدالعلی مشهدی ۱۵۳/۴

- عبدالعلی موحد قزوینی ۳۰۶/۵
عبدالعلی میرزا عبدی قاجار ۱۶۶/۴
عبدالعلی نگارنده ۶۳/۶
عبدالعلی وزیری ۱۰۸/۶
عبدالعلی یزدی اشرف محمدی ۱۵۳/۴
عبدالعافر فارسی نیشابوری ۲۵۱/۴
عبدالعفار ۱۵۳/۴
عبدالعفار اصفهانی ۱۵۳/۴
عبدالعفار تاشکندی چاچی ۱۵۳/۴
عبدالعفار تبریزی ۱۵۴/۴
عبدالعفار تویسرکانی ۱۶۵/۲
عبدالعفار خراسانی بیضای خاوری ۱۰۵/۲
عبدالعفار سالم کاشانی ۱۹۵/۳
عبدالعفار سیفایی لنگهای ۲۷۷/۳
عبدالعفار شیرازی ۱۵۴/۴
عبدالعفار طباطبایی نوری ۱۵۴/۴
عبدالعفار/عبدالعفور کزدری ۳۰/۵
عبدالعفار قزوینی ۳۵۳/۴
عبدالعفار گنابادی نیشابوری ۸۴/۵
عبدالعفار نجم الدوله اصفهانی ۲۷/۶
عبدالعفار همدانی ۱۵۴/۴
عبدالعفور داعی انجدانی ۶/۳
عبدالعفور طاهری یزدی ۹۱/۴
عبدالعفور لاری ۹۴/۵
عبدالغنی ایمن کرمانی ۳۲۵/۱
عبدالغنی تفرشی ۲۴۲/۴
عبدالغنی ذره تفرشی ۶۲/۳
عبدالغنی یزدی ۲۴۲/۴
عبدالفتاح حسینی مراغی ۲۸۱/۲
عبدالفتاح گرمردی ۷۵/۵
عبدالقادر ۲۳۶/۵
عبدالقادر بن محمد طبری ۱۰۱/۴
عبدالقادر تونی ۱۵۴/۴
عبدالقادر حسینی ۱۵۴/۴
عبدالقادر رویانی لاهیجی ۱۴۲/۳
عبدالقادر غیبی مراغی ۱۵۴/۴
عبدالقادر گیلانی ۸۹/۵
عبدالقاهر بغدادی اسفراینی ۶۲/۲
عبدالقاهر تبریزی ۱۵۵/۴
عبدالقاهر جرجانی ۱۸۷/۲
عبدالقاهر عبّادی حویزی ۱۴۰/۴
عبدالقیوم تبریزی ۱۵۵/۴
عبدالقیوم غنی فراهانی ۲۴۲/۴
عبدالکاظم تنکابنی ۱۶۰/۲
عبدالکافی خراسانی ۱۵۵/۴
عبدالکریم ۱۵۵/۴
عبدالکریم آخوند گزی ۱۱/۱
عبدالکریم آشنای یزدی ۳۷/۱
عبدالکریم ادیب الشریعه ۲۵۹/۳
عبدالکریم بصیر اصفهانی ۶۱/۲
عبدالکریم پادشاه خوارزمی ۱۵۵/۴
عبدالکریم جزایری شوشتری ۱۹۲/۲
عبدالکریم جناب قزوینی ۲۱۰/۲
عبدالکریم حایری یزدی ۲۴۷/۲
عبدالکریم حسینی تهرانی ۱۵۶/۴
عبدالکریم خویینی قزوینی ۳۵۱/۲
عبدالکریم دشت بیاضی کوهستانی ۳۵/۳
عبدالکریم رافعی قزوینی ۸۴/۳
عبدالکریم رابضی زنجان ۸۹/۳
عبدالکریم زنجان ۱۶۹/۳
عبدالکریم سرمست ۲۱۹/۳
عبدالکریم سعادت بوشهری ۲۲۳/۳
عبدالکریم سمعانی مروزی ۲۵۴/۳
عبدالکریم غیرت کرمانشاهی ۲۴۶/۴
عبدالکریم لاهیجی ۹۷/۵
عبدالکریم معروف علیشاه منصور شیرازی ۲۹۸/۵
عبداللطیف بن عبدالله رازی رومی ۸۰/۳
عبداللطیف چشتی ۱۵۶/۴
عبداللطیف حسینی ۱۵۶/۴
عبداللطیف خان تنهای اصفهانی ۱۶۳/۲
عبداللطیف خجندی ۳۲۰/۲
عبداللطیف شوشتری ۳۴۴/۳
عبداللطیف صنیع همایون ۶۱/۴
عبداللطیف طسوجی ۱۱۰/۴
عبداللطیف عاملی ۱۳۸/۴
عبداللطیف لاریجانی ۱۵۶/۴
عبداللطیف لطیف اصفهانی ۱۰۴/۵
عبدالله ۱۵۷، ۱۵۶/۴
عبدالله آتشی شیرازی ۵/۱
عبدالله آخوند بروجردی ۸/۱

- عبدالله آل آقا تهرانی ۶۰/۱
عبدالله ابن اماجور فرغانی ۹۴/۱
عبدالله ابن حمزه طوسی ۱۰۲/۱
عبدالله ابن عبدالن همدانی ۱۲۵/۱
عبدالله ابن عدی جرجانی ۱۲۶/۱
عبدالله ابن کثیر داری ۱۳۴/۱
عبدالله ابن مبارک مروزی ۱۳۷/۱
عبدالله ابونصر سراج طوسی ۱۸۹/۱
عبدالله ابهری ۱۹۴/۱
عبدالله اتابکی ۱۹۵/۱
عبدالله اثیرالدین اومانی ۱۹۷/۱
عبدالله ارباب ۱۵۷/۴
عبدالله اردبیلی ۲۲۶/۱
عبدالله ارغون کاملی ۲۳۱/۱
عبدالله ارفع بنذر عباسی ۲۳۳/۱
عبدالله اشتهای اصفهانی ۲۵۴/۱
عبدالله اصفهانی ۱۵۷/۴
عبدالله اصیل‌الدین واعظ شیرازی ۲۶۶/۱
عبدالله افندی اصفهانی ۲۷۵/۱
عبدالله الفت خراسانی ۲۸۰/۱
عبدالله امانی کرمانی ۲۹۵/۱
عبدالله انصاری هروی ۳۱۲/۱
عبدالله اوحدالدین بلیانی ۳۱۶/۱
عبدالله بحرانی مرآت کازرونی ۲۱۰/۵
عبدالله برزش آبادی مشهدی ۳۸/۲
عبدالله برقی خوبی ۴۲/۲
عبدالله بلادی بوشهری ۶۶/۲
عبدالله بلادی بهبهانی بوشهری ۶۶/۲
عبدالله بن احمد ۱۵۷/۴
عبدالله بنجیری شیرازی ۷۲/۲
عبدالله بن سلیمان سجستانی ۲۰۸/۳
عبدالله بن شفروه ظهیر اصفهانی ۱۲۷/۴
عبدالله بن عبدالرحمن دارمی سمرقندی ۵/۳
عبدالله بن عبدالرحمن دینوری ۵۸/۳
عبدالله بن علی دندانی نصرانی ۴۳/۳
عبدالله بن علی قاضی منصور ۳۳۲/۴
عبدالله بن عمر بیضاوی فارسی ۱۰۴/۲
عبدالله بن عمر زهری اصفهانی ۱۷۷/۳
عبدالله بن عمر صفار نیشابوری ۴۴/۴
عبدالله بن فضل ۱۵۷/۴
عبدالله بن کرم الله حویزی ۲۹۶/۲
عبدالله بن محمد ابن زیاد نیشابوری ۱۱۱/۱
عبدالله بن محمد باقی خوارزمی ۱۱/۲
عبدالله بن محمد بسطامی ۵۸/۲
عبدالله بن محمد بغوی ۶۳/۲
عبدالله بن محمد بلخی ۶۸/۲
عبدالله بن محمد رازی ۷۵، ۷۳/۳
عبدالله بن محمد رازی شعرانی ۸۰/۳
عبدالله بن محمد سمنانی ۲۵۴/۳
عبدالله بن محمد صاعدی نیشابوری ۱۴/۴
عبدالله بن محمود ابن شیخ شبستری ۱۲۱/۱
عبدالله بن مقفع ابن مقفع ۱۴۵/۱
عبدالله بن یوسف جوینی ۲۱۶/۲
عبدالله بوشهری ۷۶/۲
عبدالله بهبهانی ۸۵/۲
عبدالله بهشتی هروی ۹۴/۲
عبدالله بیگ منشی راجی سندجی ۷۰/۳
عبدالله تونی ۱۶۵/۲
عبدالله جزایری شوشتری ۱۹۲/۲
عبدالله جهان پناه ۲۱۸/۲
عبدالله چهلستونی سعید تهرانی ۲۲۶/۳
عبدالله حافظ شیرازی ۱۵۷/۴
عبدالله حامدی ۲۴۳/۲
عبدالله حسینی بلیانی ۲۹۶/۳
عبدالله خان سرهنگ شیرازی ۱۵۷/۴
عبدالله خان طالب شیرازی ۸۲/۴
عبدالله خان نقاشباشی ۱۵۸/۴
عبدالله ختلانی ۳۱۹/۲
عبدالله خراز رازی ۳۲۱/۲
عبدالله خلوتی شیرازی ۳۳۴/۲
عبدالله خویی ۳۵۰/۲
عبدالله دادور ۱۵۸/۴
عبدالله داعی دزفولی ۶/۳
عبدالله دشی کردستانی ۳۸/۳
عبدالله دوامی ۴۳/۳
عبدالله دوریستی رازی ۴۴/۳
عبدالله ذره اصفهانی ۶۲/۳
عبدالله رازی ۷۷/۳
عبدالله رحمت شیرازی ۹۳/۳
عبدالله رشیدی سمرقندی ۱۰۹/۳

- عبدالله رونق سندی ۱۴۰/۳
عبدالله رهایی رازی ۱۴۲/۳
عبدالله زکی شیرازی ۱۶۱/۳
عبدالله زیارتگاهی ۱۵۸/۴
عبدالله سرجمی زنجان ۱۷۰/۳
عبدالله سلطان حسینی ۱۵۸/۴
عبدالله سلطانی ۱۵۸/۴
عبدالله سلطانی بلخی ۱۵۸/۴
عبدالله سیمی نیشابوری ۲۷۹/۳
عبدالله شفق قمی ۳۲۳/۳
عبدالله شهاب ترشیزی ۳۴۷/۳
عبدالله شهابی فزونی ۳۵۰/۳
عبدالله شهید شیرازی ۳۵۷/۳
عبدالله شهیدی قزوینی ۳۵۸/۳
عبدالله شیدای چالشتی ۳۷۱/۳
عبدالله شیرازی ۱۵۹/۴
عبدالله شیرازی نوربخشی ۱۵۹/۴
عبدالله شیرین رقم ۳۷۹/۳
عبدالله صیرفی ۶۷/۴
عبدالله ضرابی شیرازی ۷۲/۴
عبدالله طالبی زنجان ۸۳/۴
عبدالله طالع همدانی ۸۲/۴
عبدالله طامذی اصفهانی ۸۶/۴
عبدالله طاهری ۹۰/۴
عبدالله طباطبائی هروی ۱۵۹/۴
عبدالله طیب شیرازی ۱۰۵/۴
عبدالله طوسی خراسانی ۱۱۷/۴
عبدالله عارف تبریزی ۱۳۲/۴
عبدالله عاشور ۱۵۹/۴
عبدالله عبدی نیشابوری ۱۶۶/۴
عبدالله/عبدالله بن عمر دبوسی ۱۸/۳
عبدالله/عبدالله عبیری فرغانی ۱۶۷/۴
عبدالله عرفان شهرستانی ۱۷۴/۴
عبدالله عقاب شوشتری خراسانی ۱۸۸/۴
عبدالله عمر ۲۱۷/۴
عبدالله عوام کردستانی ۲۲۲/۴
عبدالله فاضل زرقانی ۲۵۵/۴
عبدالله فاضل قندهاری ۲۵۵/۴
عبدالله فراهانی ۵۵/۱
عبدالله فریار ۲۹۰/۴
عبدالله فاطع ۱۶۰/۴
عبدالله فغال مروزی خراسانی ۳۶۴/۴
عبدالله قمی ۳۶۷/۴
عبدالله کاسکانی ۷/۵
عبدالله کاشانی ۸/۵
عبدالله کامی جهرمی ۲۳/۵
عبدالله کزکانی ۳۱/۵
عبدالله کرمانی خواجه مروارید ۳۴۰/۲
عبدالله کرمانی نجفی ۳۵/۵
عبدالله کعبی بلخی نیشابوری ۴۴/۵
عبدالله کعبی نیشابوری ۴۴/۵
عبدالله کفشدوز شمع قمی ۳۲۰/۳
عبدالله گلپایگانی نجفی ۷۸/۵
عبدالله مازندرانی ۱۱۴/۵
عبدالله مامقانی ۱۱۸/۵
عبدالله/محمد قطب محبی شیرازی ۳۶۲/۴
عبدالله محبط سامانی ۱۹۶/۵
عبدالله مدرس زنوزی ۲۰۵/۵
عبدالله مدرس گرجی ۲۰۶/۵
عبدالله مدینی اصفهانی ۲۰۹/۵
عبدالله مذهب شیرازی ۱۶۰/۴
عبدالله مروزی ۲۲۲/۵
عبدالله مُسندی بخاری ۲۳۸/۵
عبدالله مصور اصفهانی ۱۶۰/۴
عبدالله منازل نیشابوری ۱۶۰/۴
عبدالله متجی غالب خوزستانی ۲۲۸/۴
عبدالله میرزا دارای قاجار ۴/۳
عبدالله نامی خلجستانی ۱۷/۶
عبدالله ندایی کاشغری ۳۱/۶
عبدالله نسفی ۳۶/۶
عبدالله نقره کار نیشابوری ۶۱/۶
عبدالله نوری اصفهانی ۷۳/۶
عبدالله نیشابوری ۸۶/۶
عبدالله وصاف الحضرة ۱۰۹/۶
عبدالله وفایی تفرشی ۱۱۴/۶
عبدالله هانفی جامی ۱۲۱/۶
عبدالله هروی ۱۳۵/۶، ۱۶۰/۴، ۳۶۶/۳
عبدالله همدانی ۱۶۰/۴
عبدالله یاسایی مهرجودی ۱۵۴/۶
عبدالله یزدی ۱۶۱/۴

- عبدالله یزدی ۱۵۹/۶
عبدالله یقینی لاهیجی ۱۶۳/۶
عبدالمجید ۱۶۱/۴
عبدالمجید خرم مشهدی ۳۲۵/۲
عبدالمجید زنجان ۱۷۰/۳
عبدالمجید عهری غزنوی ۱۶۸/۴
عبدالمجید منظر کرمانشاهی ۳۰۱/۵
عبدالمجید میرزا زنجان ۱۶۸/۳
عبدالمحمد اخگر همدانی ۲۱۴/۱
عبدالمحمد اشتری یزدی ۲۵۳/۱
عبدالمحمد ایرانی ۳۲۲/۱
عبدالمحمد زابری شوشتری ۱۵۳/۳
عبدالمحمد مخزن کرمانشاهی ۱۹۹/۵
عبدالمحمد میرزا جانی ۱۶۱/۴
عبدالمحمود سرخوش اصفهانی ۲۱۷/۳
عبدالمحمود محزون اصفهانی ۱۴۶/۵
عبدالمطلب اصفهانی ۱۶۱/۴
عبدالمطلب کاشانی ۱۳/۵
عبدالمعین ابن بکا بلخی ۹۷/۱
عبدالملک ابن عطاش ۱۲۸/۱
عبدالملک اسکاف ۲۴۶/۱
عبدالملک برهانی نیشابوری ۵۴/۲
عبدالملک کازرونی ۶/۵
عبدالملک کروخی هروی ۳۵/۵
عبدالملک ملا عصام ۲۸۶/۵
عبدالملک نیشابوری ۸۵/۶
عبدالملک هروی ۱۳۶/۶
عبدالمعین بن عبدالله صاعدی نیشابوری ۱۴/۴
عبدالمؤمن صفی‌الدین ارموی ۵۳/۴
عبدالمؤمن / محمد شرف شفروه اصفهانی ۳۰۷/۳
عبدالمؤمن نقاش تبریزی ۱۶۱/۴
عبدالمؤمن نقاش خویی ۱۶۲/۴
عبدالنبی آخوند طسوجی ۹/۱
عبدالنبی اراکی نجفی ۲۲۴/۱
عبدالنبی ایمن کرمانی ۳۲۵/۱
عبدالنبی تبریزی ۱۶۲/۴
عبدالنبی قزوینی یزدی ۳۵۵/۴
عبدالواحد ۱۶۲/۴
عبدالواحد ابوالغریب اصفهانی ۱۷۸/۱
عبدالواحد بن محمد ابن عبدوس نیشابوری ۱۲۶/۱
عبدالواحد جوزجانی ۲۱۴/۲
عبدالواحد رویانی طبری ۱۴۱/۳
عبدالواحد صیدلانی اصفهانی ۶۶/۴
عبدالواحد کازرونی فارسی ۷/۵
عبدالواحد کله عیدی اصفهانی معلم ۴۹/۵
عبدالواحد مشهدی ۱۶۲/۴
عبدالواحد ملیحی هروی ۲۹۳/۵
عبدالواسع دامی همدانی ۸/۳
عبدالواسع زنجان ۱۶۶/۳
عبدالواسع شنب غازانی نظام شامی ۵۱/۶
عبدالواسع نظامی باخرزی ۵۳/۶
عبدالوحد واعظ گیلانی استرآبادی ۹۰/۵
عبدالوهاب ۱۶۲/۴
عبدالوهاب آصف‌الدوله شیرازی ۳۹/۱
عبدالوهاب ابن کثیر نهاوندی ۱۳۴/۱
عبدالوهاب ابوالبراهیمی رضوان همدانی ۱۱۳/۳
عبدالوهاب اسفراینی ۱۶۲/۴
عبدالوهاب افسر یزدی ۲۷۳/۱
عبدالوهاب برغانی قزوینی ۳۹/۲
عبدالوهاب بن محمد ابوزرعه اردبیلی ۱۶۵/۱
عبدالوهاب حسینی مشهدی ۱۶۳/۴
عبدالوهاب حمزوی شیرازی ۱۶۳/۴
عبدالوهاب دانش آشتیانی ۹/۳
عبدالوهاب زنجان ۱۷۱/۳
عبدالوهاب سعیدی کازرونی ۲۲۸/۳
عبدالوهاب شرف‌الاسلام شیرازی ۳۰۵/۳
عبدالوهاب شهیدی ۳۵۸/۳
عبدالوهاب شیرازی ۱۶۳/۴
عبدالوهاب صابونی همدانی ۵/۴
عبدالوهاب طباطبایی شکیب شیرازی ۳۲۹/۳
عبدالوهاب طراز یزدی ۱۰۷/۴
عبدالوهاب عنایت اصفهانی ۲۱۸/۴
عبدالوهاب غندجانی اهوازی ۲۴۰/۴
عبدالوهاب قاسمی شیرازی ۲۵۸/۴
عبدالوهاب قطره چهارمحالی اصفهانی ۳۶۳/۴
عبدالوهاب کاشانی ۱۶۳/۴
عبدالوهاب گلشن ایرانشهر ۸۱/۵
عبدالوهاب گلپوری قزوینی ۳۵۲/۴
عبدالوهاب مجنون شیرازی ۱۳۸/۵
عبدالوهاب محرم یزدی ۱۴۵/۵

- عبدالوهاب مذہب باشی شیرازی ۱۶۳/۴
عبدالوهاب مرشد اصفهانی ۲۱۵/۵
عبدالوهاب مشہدی ۱۶۴/۴
عبدالوهاب نایینی ۱۹/۶
عبدالوهاب نشاط اصفهانی ۳۹/۶
عبدالوهاب نظام الملک نوری ۵۳/۶
عبدالوهاب نغمہ شیرازی ۶۰/۶
عبدالوهاب یزدانی شیرازی ۱۵۶/۶
عبدالهادی ۱۶۴/۴
عبدالهادی شلیہ ہمدانی ۳۳۰/۳
عبدالهادی شیرازی ۳۷۳/۳
عبدالهادی قزوینی ۱۶۴/۴
عبدالهادی ہادی کاشی ۱۲۳/۶
عبدان مروزی ۱۴۴/۴
عبدعلی آل عصفور ۶۷/۱
عبدعلی آل عصفور ۶۸/۱
عبد علی جاپلقی ۱۸۰/۲
عبد علی حویزی ۲۹۷/۲
عبدمناف اردبیلی ۲۲۶/۱
عبد مناف قمی ۱۶۱/۴
عبدی ابرقوہی ۱۶۴/۴
عبدی بیک شراری ہمدانی ۳۰۴/۳
عبدی شروانی ۱۶۵/۴
عبدی صابر شیرازی ۳/۴
عبدی گنابادی ۱۶۶/۴
عبدی مصور ۱۶۶/۴
عبیداللہ ابن طیفور ۱۲۴/۱
عبیداللہ احرار نقشبندی ۱۶۹/۴
عبیداللہ بختیشوع ۲۷/۲
عبیداللہ بن سعد ضیاءالدین قزوینی ۷۴/۴
عبیداللہ بن سعید بروجردی ۴۴/۲
عبیداللہ بن عبدالکریم ابوزرعہ رازی ۱۶۵/۱
عبیداللہ بن محمد ابن شاہ مردان ابهری ۱۱۹/۱
عبیداللہ بن مسعود صدرالشریعہ بخاری ۳۶/۴
عبیداللہ زینی بخاری ۱۸۴/۳
عبیداللہ شیرین رقم ۳۸۰/۳
عبیداللہ عبادی محبوبی بخاری ۱۴۱/۴
عبیداللہ/عبدالرحمن میکالی ۳۴۲/۵
عبید زاکانی ۱۶۸/۴
عثمان بن سعید دارمی سجستانی ۵/۳
عثمان بن عبداللہ طبری بصری ۱۰۱/۴
عثمان بن علی عجلوی مروزی ۱۷۱/۴
عثمان زنجانی ۱۷۰/۴
عثمان قاضی نظام قزوینی ۳۳۲/۴
عثمان محمی مژگی نیشابوری ۱۹۵/۵
عثمان مختاری غزنوی ۱۹۹/۵
عثمان مراغی ۱۷۰/۴
عثمان وراق غزنوی ۱۷۰/۴
عجم قلی ترکمان شیرازی ۱۴۶/۲
عذری تبریزی ۱۷۲/۴
عراقی/عزیز طاووسی قزوینی ۸۷/۴
عربشاه یزدی ۱۷۳/۴
عرب شیرازی ۱۷۳/۴
عرب ناصح تبریزی ۵/۶
عرفان تهرانی ۱۷۴/۴
عرفی کمانگر تبریزی ۱۷۵/۴
عزالبتول زنجانی ۱۷۰/۳
عزالدین اصفهانی ۱۷۶/۴
عزالدین پورحسن اسفراینی ۱۲۳/۲
عزالدین زنجانی ۱۶۷/۳
عزالدین / زین الدین ابو محمد حسن آبی ۳/۱
عزالدین شروانی ۱۷۶/۴
عزالدین غواصی یزدی ۲۴۳/۴
عزت اللہ شادان فرہی ۲۹۰/۴
عزت اللہ نوید ۷۷/۶
عزت پور ۱۷۵/۴
عزیز ۱۷۶/۴
عزیزالدین خطاط ساوجی ۳۲۹/۲
عزیزالدین زنجانی ۱۶۷/۳
عزیزالدین سامی قزوینی ۱۹۸/۳
عزیزالدین محمود عشقی کاشانی ۱۸۲/۴
عزیزالدین نسفی ۱۷۷/۴
عزیزاللہ حسینی درکہای ۲۷۹/۲
عزیزاللہ حضوری قمی ۲۸۳/۲
عزیزاللہ خانی محتاج چادگان ۱۳۹/۵
عزیزاللہ درویش دہکی قزوینی ۲۶/۳
عزیزاللہ زاہدی ۱۵۱/۳
عزیزاللہ عزیز سیفی ابهری قزوینی ۱۷۷/۴
عزیزاللہ کردوانی ۳۰/۵
عزیز بدیع پاکبین شیرازی ۳۲/۲

- عزیز بن محمد ۱۷۶/۴
عزیز رفیعی ۱۲۳/۳
عزیز شرقی شیرازی ۳۰۹/۳
عزیز شمسوار بیگ نادم گیلانی ۴/۶
عزیز کمانچه‌ای ۵۷/۵
عسکر بن حصین ابوتراب نخشبی ۱۵۵/۱
عسکر بن محمد ابوتراب نخشبی ۱۵۵/۱
عسکر بیگ اردوبادی ۱۷۸/۴
عشرتی گیلانی ۱۸۱/۴
عشرتی یزدی ۱۸۱/۴
عشقی خوانی ۱۸۲/۴
عصام‌الدین داوود خوانی ۳۴۳/۲
عصام‌الدین ماجدی ۱۱۳/۵
عصمت السادات صفوی گلپایگانی ۵۲/۴
عصمت‌الله بخاری ۱۸۴/۴
عصمت سمرقندی ۱۸۴/۴
عضد بخاری ۳۳۶/۵
عطاملک جوینی ۱۸۶/۴
عطای ناکوک رازی ۱۸۷/۴
عطاء اعجاز هروی ۲۶۹/۱
عطاءالله برهان رازی هروی ۵۲/۲
عطاءالله برهان نیشابوری ۵۳/۲
عطاءالله روحی کرمانی ۱۳۳/۳
عطاءالله زاهد ۱۵۰/۳
عطاءالله صنیع السلطان ۶۰/۴
عطاءالله فاضلی نخلی ۲۵۷/۴
عطاءالله واعظ هروی ۹۸/۶
عطاء خراسانی ۱۸۴/۴
عظمی نفیسی عدل ۱۷۲/۴
عظیم شیروانی ۲۷۲/۳
عظیم نیشابوری ۱۸۸/۴
عفاف قاجار ۱۸۸/۴
عفتی اسفراینی ۱۸۸/۴
عقیقه فارفانیة اصفهانیة ۲۵۳/۴
عقیل‌الدین حسینی ۱۸۹/۴
عقیل علوی یزعی همدانی ۵۷/۲
علا بیگ مشکئی تبریزی ۲۴۷/۵
علاءالدوله کامی سیفی حسینی قزوینی ۲۴/۵
علاءالدین ۱۹۱/۴
علاءالدین ابوبکر کاشانی ۱۱/۵
علاءالدین بیرجندی ۱۹۱/۴
علاءالدین بازارگادی ۱۱۵/۲
علاءالدین تبریزی ۱۹۱/۴
علاءالدین حارثی مروی ۲۳۳/۲
علاءالدین حسین خلیفه سلطان ۳۳۴/۲
علاءالدین علی صانعی باخرزی ۲۰/۴
علاءالدین محمد تبریزی ۱۹۲/۴
علاءالدین محمد حسینی ۱۹۲/۴
علاءالدین محمد عطار بخاری ۱۸۵/۴
علاءالدین محمد فایز شهرستانی ۲۶۱/۴
علاءالدین محمد هروی ۱۹۲/۴
علاءالدین منصور شیرازی ۱۹۲/۴
علاء اودی ۱۹۰/۴
علاء شاشی ۱۹۳/۴
علم الهدی کاشانی ۱۹۴/۴
علمی قزوینی ۱۹۴/۴
علویه ۱۹۷/۴
علی ۱۹۹، ۱۹۸، ۱۹۷/۴
علی آجر تراش ۶/۱
علی آخوند گنبدی ۱۲/۱
علی آخوند گیلانی ۱۲/۱
علی آخوند نوری ۱۴/۱
علی آخوند همدانی ۱۵/۱
علی آدمی استرآبادی ۱۷/۱
علی آذری ۲۱/۱
علی آزاده گیلانی ۲۹/۱
علی آسی مشهدی ۳۱/۱
علی آشتیانی ۳۳/۱
علی آشفته ۳۵/۱
علی آغاجی بخارایی ۴۰/۱
علی آقا حسینی ۴۸/۱
علی آقا ضیاء عراقی (اراک) ۵۲/۱
علی آل بحر العلوم ۶۴/۱
علی آل بحر العلوم ۶۲/۱
علی آل بحر العلوم ۶۳/۱
علی آملی ۷۱/۱
علی ابن ابی طاهر طبری سمرقندی ۹۰/۱
علی ابن ابی طیب نیشابوری ۹۱/۱
علی ابن بابویه قمی ۹۵/۱
علی ابن جراح بغدادی ۹۹/۱

- علی ابن حاتم قزوینی ۱۰۰/۱
 علی ابن خمشاد نیشابوری ۱۰۲/۱
 علی ابن مکی رازی ۱۴۶/۱
 علی ابن منده ۱۴۶/۱
 علی ابوالحسن نیریزی ۸۳/۶
 علی ابوالحسن فارسی ۱۶۱/۱
 علی ابوالمحاسن گرگانی ۱۸۶/۱
 علی احمدی کرمانی ۲۰۹/۱
 علی اختیار شیبانی ۲۱۲/۱
 علی استفدیاری نیما یوشیج ۹۱/۶
 علی اشرف آگه شیرازی ۵۹/۱
 علی اشرف اشرف طسوجی ۲۵۶/۱
 علی اشرف تبریزی ۲۵۵/۱
 علی اشرف شیبانی ۳۵۹/۳
 علی اشرف نقاش افشار ۲۰۰/۴
 علی اشرف والی ۱۰۰/۶
 علی اصغر ۲۰۰/۴
 علی اصغر ۳۳۶/۵
 علی اصغر بروجردی ۴۷/۲
 علی اصغر بهاری ۸۰/۲
 علی اصغر پتگر ۱۱۶/۲
 علی اصغر جابلقی ۱۷۹/۲
 علی اصغر جزایری شوشتری ۱۹۲/۲
 علی اصغر حریری ۲۵۶/۲
 علی اصغر حکمت ۲۸۶/۲
 علی اصغر ذهنی نیریزی ۶۷/۳
 علی اصغر رحیمزاده صفوی ۹۶/۳
 علی اصغر رضوی فنایی مشهدی ۳۰۶/۴
 علی اصغر سیاف شمشیرگر شیرازی ۳۴۱/۳
 علی اصغر شریف تهرانی ۳۱۴/۳
 علی اصغر شفیعی همدانی ۳۲۶/۳
 علی اصغر شیرازی ۲۶۱/۱
 علی اصغر شیرازی ۲۶۲/۱
 علی اصغر/عسکر شایق اصفهانی ۲۹۹/۳
 علی اصغر عضدی ۱۸۴/۴
 علی اصغر علامه کرباسچیان ۱۹۳/۴
 علی اصغر فراسیون ۲۷۳/۴
 علی اصغر فروزان ۲۸۳/۴
 علی اصغر فقیهی ۳۰۱/۴
 علی اصغر قاینی بیرجندی ۱۰۲/۲
 علی اصغر کرمانی ۳۳/۵
 علی اصغر کوهی کرمانی ۶۵/۵
 علی اصغر گرمسیری ۷۱/۵
 علی اصغر محیط ارومیه‌ای ۱۹۶/۵
 علی اصغر مذقّب ۲۰۰/۴
 علی اصغر معمار بنایی یزدی ۷۱/۲
 علی اصغر معینان سمنانی لاسگردی ۲۷۳/۵
 علی اصغر منظر مازندرانی ۳۰۱/۵
 علی اصغر ناصرالشعرا شیرازی ۱۰/۶
 علی اصفهانی ۲۷۳/۳
 علی اصفهانی ۲۰۱/۴
 علی اعلی اصفهانی ۲۰۱/۴
 علی افصحزاده یزدی ۲۷۴/۱
 علی اکبر ۲۰۲، ۲۰۱/۴
 علی اکبر آخوند باستانی پاریزی ۸/۱
 علی اکبر آقا کوچک بروجردی ۵۳/۱
 علی اکبر آیت‌اللهی لاری ۷۹/۱
 علی اکبر ابهری ۲۰۲/۴
 علی اکبر اردبیلی ۲۲۷/۱
 علی اکبر اردکانی ۲۲۸/۱
 علی اکبر اسدپور ۲۴۲/۱
 علی اکبر اصفهانی ۲۷۸/۱
 علی اکبر اصفهانی ۲۰۲/۴
 علی اکبر اصفهانی ۲۰۲/۴
 علی اکبر افسر سنندجی ۲۷۲/۱
 علی اکبر اکبر شیرازی ۲۷۹/۱
 علی اکبر امینی ۳۰۷/۱
 علی اکبر انجم نفری شیرازی ۳۰۹/۱
 علی اکبر بامداد ۱۸/۲
 علی اکبر برخوردار ۳۷/۲
 علی اکبر یوزین ۳۸/۲
 علی اکبر برقمی قمی ۴۱/۲
 علی اکبر برهان ۵۱/۲
 علی اکبر بصیری شیرازی ۶۲/۲
 علی اکبر بیات شیدا شیرازی ۳۷۰/۳
 علی اکبر پروین همدانی ۱۲۰/۲
 علی اکبر پیشوایی ۱۳۰/۲
 علی اکبر تابش اصفهانی ۱۳۱/۲
 علی اکبر تجلی اردکانی ۱۴۰/۲
 علی اکبر تشبیهی کاشانی ۱۵۰/۲

- علی اکبر تفرشی ۲۰۲/۴
 علی اکبر حافظی یزدی ۲۳۹/۲
 علی اکبر حسینی حسینی گلستانه، ۷۵
 علی اکبر حسینی حایری کاشانی ۱۰/۵
 علی اکبر حکمی یزدی ۲۸۷/۲
 علی اکبرخان شاهی ۲۹۸/۳
 علی اکبر خان شهنازی ۳۵۶/۳
 علی اکبر خدابنده نایینی ۳۲۰/۲
 علی اکبر خوشدل تهرانی ۳۴۸/۲
 علی اکبر داناسرشت ۹/۳
 علی اکبر داور ۱۴/۳
 علی اکبر دبیرالسلطان ۱۹/۳
 علی اکبر دبیر همدانی ۲۱/۳
 علی اکبر دهخدا ۵۱/۳
 علی اکبر دهبیم لاهیجی ۶۰/۳
 علی اکبر روح‌الایمان ارسنجانی ۱۳۱/۳
 علی اکبر ساری شیرازی ۱۸۹/۳
 علی اکبر سروش مصور علی ۲۵۵/۵
 علی اکبر سیاسی ۲۶۸/۳
 علی اکبر سیاهپوش ۲۶۹/۳
 علی اکبر شهابی تربتی ۳۴۹/۳
 علی اکبر طسوجی ۱۱۰/۴
 علی اکبر عارف شیرازی ۱۳۳/۴
 علی اکبر عماد رمزی ۱۲۶/۳
 علی اکبر فراهانی ۵۳/۱
 علی اکبر فراهانی ۲۷۴/۴
 علی اکبر فروتن ۲۸۳/۴
 علی اکبر فیاض ۳۰۹/۴
 علی اکبر قاینی ۳۳۹/۴
 علی اکبر کسمایی ۴۰/۵
 علی اکبر گلشن آزادی ۸۰/۵
 علی اکبر مزین الدوله نطنزی کاشانی ۲۲۷/۵
 علی اکبر مسکین کازرونی ۲۳۷/۵
 علی اکبر مشیر سلیمی تهرانی ۲۵۰/۳
 علی اکبر مصور حجار ۲۰۲/۴
 علی اکبر مطرب همدانی ۲۵۷/۵
 علی اکبر مظهر ۲۶۳/۵
 علی اکبر منظم ۳۰۱/۵
 علی اکبر موافق اصفهانی ۳۰۵/۵
 علی اکبر مولوی شیرازی ۳۱۱/۵
 علی اکبر مینو شیرازی ۳۴۴/۵
 علی اکبر نایینی ۲۰۲/۴
 علی اکبر ندیم شیرازی ۳۱/۶
 علی اکبر نفیسی ناظم‌الاطباء کرمانی ۱۴/۶
 علی اکبر نواب بسمل شیرازی ۵۹/۲
 علی اکبر نوقانی ۷۶/۶
 علی اکبر نهاوندی ۷۸/۶
 علی اکبر وجهی کرد اصفهانی ۱۰۳/۶
 علی اکبر وقایعی مشکاة تبریزی ۲۴۵/۵
 علی اکبر یزدی ۱۵۷/۶
 علی امامی اصفهانی ۲۸۹/۱
 علی ایروانی ۳۲۳/۱
 علی ایشلیقی گرمردی ۳۱۱/۱
 علی بابا شیرازی ۲۰۳/۴
 علی بابا علیشاه هروی ۳
 علی بادامیاری ۶
 علی بازاری استرآبادی ۸/۲
 علی بدر ۲۰۳/۴
 علی برقمی قمی ۴۱/۲
 علی بروجردی ۴۹/۲
 علی بنگار ۲۰۳/۴
 علی بن ابراهیم غزّی سمرقندی ۲۳۴/۴
 علی بن ابوالعباس ابوالحسن حجاج اسفراینی ۱۵۸/۱
 علی بن احمد بن منصور اسدی طوسی ۲۴۲/۱
 علی بن احمد خرقانی ۳۲۳/۲
 علی بن احمد سیفی نیشابوری ۲۷۸/۳
 علی بن احمد صوفی فوشنجی ۶۳/۴
 علی بن احمد فنچکردی نیشابوری ۳۰۶/۴
 علی بن اسحاق زاهی ۱۵۲/۳
 علی بن اسماعیل ابن عریشاه اسفراینی ۱۲۷/۱
 علی بن جعفر ۲۰۳/۴
 علی بن جولوغ فرخی سیستانی ۲۷۶/۴
 علی بن حسن باخرزی ۵/۲
 علی بن حسن برهان بلخی ۵۱/۲
 علی بن حسن حکیم‌الملک گیلانی ۲۹۱/۲
 علی بن حسن خوشمردان ۳۴۸/۲
 علی بن حسن صندلی نیشابوری ۵۸/۴
 علی بن حسن طبرسی ۹۷/۴
 علی بن حسین ابن شاذویه ۱۱۸/۱
 علی بن حسین ابوالفرج اصفهانی ۱۸۰/۱

- علی بن حسین باقولی اصفهانی ۱۵/۲
 علی بن حسین حسینی موسوی کاظمی ۲۸۲/۲
 علی بن حسین صفی کاشفی سبزواری ۵۵/۴
 علی بن حسین فسوی فارسی ۲۹۴/۴
 علی بن حسین فلکی همدانی ۳۰۵/۴
 علی بن زید بیهقی ۱۱۱/۲
 علی بن سعید/سعید عسکری ۱۷۹/۴
 علی بن سهل اصفهانی ۲۰۳/۴
 علی بن سهل بن زین طبری ۱۱۰/۱
 علی بن شعیب سقاء ۲۰۳/۴
 علی بن طیفور بسطامی ۵۸/۲
 علی بن عباس چراذینی رازی ۱۸۷/۲
 علی بن عباس مجوسی اهوازی ارجانی ۳۲۱/۱
 علی بن عبدالحسین صدراذاکرین ۳۵/۴
 علی بن عبدالعزیز قاضی ابوالحسن جرجانی ۱۵۸/۱
 علی بن عبدالله ابن هیصم هروی ۱۵۱/۱
 علی بن عبدالله مهزی بحرانی ۲۴/۲
 علی بن عبدالواحد دینوری ۵۷/۳
 علی بن عبیدالله دقیقی ۴۰/۳
 علی بن عبیده ربحانی ۱۴۷/۳
 علی بن عزاف صناعی خوارزمی ۵۷/۴
 علی بن عمر دبیران قزوینی ۱۹/۳
 علی بن عمر رازی ۷۳/۳
 علی بن عیسی ربعی بغدادی ۹۰/۳
 علی بن عیسی صانع رامهرمزی ۲/۴
 علی بن فضل الله راوندی کاشانی ۸۷/۳
 علی بن کمال الدین بناءأملی ۲۷۳/۳
 علی بن محمد ابن شیره کاشانی ۱۲۲/۱
 علی بن محمد ابن منتجب مروزی ۱۴۶/۱
 علی بن محمد ابوالفتح بُستی ۱۷۹/۱
 علی بن محمد ابوحیان توحیدی ۱۶۳/۱
 علی بن محمد اشعری ابن متویه قزدانی ۱۳۸/۱
 علی بن محمد بن ابی طاهر ۲۰۴/۴
 علی بن محمد بن مقدم ۲۰۴/۴
 علی بن محمد حلاوی ۱۳۳/۲
 علی بن محمد دینوری ۵۷/۳
 علی بن محمد رضا سلطان الکتاب ۲۰۴/۴
 علی بن محمد سایح علوی ۱۹۸/۳
 علی بن محمد شجاعی ۳۰۳/۳
 علی بن محمد شوشتری ۳۴۴/۳
 علی بن محمد طبری آملی ۱۰۱/۴
 علی بن محمد طرازی بغدادی نیشابوری ۱۰۶/۴
 علی بن محمد طنافسی ۱۱۳/۴
 علی بن محمد طوسی بشارکائی ۱۱۷/۴
 علی بن محمد ظهیر کازرونی ۱۲۹/۴
 علی بن محمد نسفی یزدوی ۵۵/۲
 علی بن محمود روزی ۱۳۷/۳
 علی بن مزید ساعتی ۱۸۹/۳
 علی بن مسعود ابن مظفر شیرازی ۱۴۳/۱
 علی بن مسلم سلمی سهروردی ۲۶۲/۳
 علی بن مسلم طوسی ۱۱۵/۴
 علی بن مظفر دتوسی ۱۸/۳
 علی بن موسی ابن یزداد قمی نیشابوری ۱۵۱/۱
 علی بن مهزیار دوقی ابن مهزیار اهوازی ۱۴۹/۱
 علی بن نافع زریاب ۱۵۸/۳
 علی بن هبة الله ابن ماکولا ۱۳۷/۱
 علی بن هلال ابن یزّاب ۹۷/۱
 علی بهیهانی ۸۵/۲
 علی بهرامی سرخسی ۹۰/۲
 علی بهشتی ۹۳/۲
 علی بیگ تبریزی ۲۰۴/۴
 علی بیگ حشمتی خوانساری ۲۸۳/۲
 علی بیگ رهی شاملو ۱۴۳/۳
 علی بیگ کاتب ۲۰۴/۴
 علی بیگ نقاش ۲۰۴/۴
 علی بیلدار پهلوان تبریزی ۲۰۴/۴
 علی پرتو اعظم ۱۱۷/۲
 علی پروین ۱۴۰/۳
 علی پلاسیدی ۱۲۲/۲
 علی پوینده همدانی ۱۲۵/۲
 علی تبریزی ۳۳۶، ۳۳۰/۵
 علی تبریزی جواهررقم ۲۱۳/۲
 علی تجویدی ۱۴۲/۲
 علی تراب جهرمی ۱۴۳/۲
 علی ترکمان خراسانی ۲۰۴/۴
 علی تقی ۲۰۵/۴
 علی تمیمی نیشابوری ۱۵۹/۲
 علی جدایی ترمذی ۱۸۶/۲
 علی جلوة شیرازی ۲۰۴/۲
 علی جناب حسینی اصفهانی ۲۰۹/۲

- علی جوهر شناس ۵۶/۶
 علی چنگی هروی ۲۲۵/۲
 علی حب حیدر اردبیلی ۲۴۷/۲
 علی حسنی آملی ۷۰/۱
 علی حسینی ۲۰۵/۴، ۲۷۸/۲
 علی حسینی آبی ۳/۱
 علی حسینی موسوی ۲۰۵/۴
 علی حقاین شیرازی ۲۸۴/۲
 علی حکاک بقای شیرازی ۶۵/۲
 علی حکیم رحمت کازرونی ۹۴/۳
 علی خادم برازجانی ۳۰۷/۲
 علی خاموش یزدی ۳۱۴/۲
 علی خان امین الدوله ۳۰۵/۱
 علی خان بهاری ۸۰/۲
 علی خان بیگ حسرت اصفهانی ۲۶۱/۲
 علی خان دولو ظهیرالدوله قاجار ۱۲۷/۴
 علی خان رئیس الاطباء همدانی ۱۴۸/۳
 علی خان سالار سعید کردستانی ۳۰۱/۲
 علی خان کاشی ۲۰۵/۴
 علی خان میرزا صادق ۹/۴
 علی خان ناظم العلوم ۱۵/۶
 علی خان نایب السلطنه ۲۰۵/۴
 علی خاور کردشتی ۳۱۶/۲
 علی خراسانی ۳۲۲/۲
 علی خلیلیان رجا ۹۱/۳
 علی خواجه تبریزی ۱۳۸/۲
 علی خوانساری ۱۹۹/۴، ۳۴۵/۲
 علی خودگر بخارایی ۳۶۷/۳
 علی خویی ۲۰۶/۴
 علی دانش ساروی ۹/۳
 علی دانشمند ابیوردی ۱۲/۳
 علی دانشور ۱۳/۳
 علی دانش یزدی ۱۴/۳
 علی درب امامی ۲۷۳/۳
 علی دروزد استرآبادی ۲۳/۳
 علی درویش برهان ۲۵/۳
 علی درویش بیگ ۲۵/۳
 علی دزفولی ۳۱/۳
 علی دشتی ۳۷/۳
 علی دماوندی ۴۲/۳
 علی دوائی شیرازی گیلانی ۴۴/۳
 علی دهقان ۵۲/۳
 علی دیوانه اصفهانی ۵۹/۳
 علی ذره گرگابی ۶۳/۳
 علی ذهبی شیرازی ۶۶/۳
 علی راقم مشهدی ۸۴/۳
 علی رامبشتی ۸۶/۳
 علی راهب هروی ۸۹/۳
 علی رخساز ۹۷/۳
 علی رزم آرا ۹۸/۳
 علی رشتی ۱۰۲/۳
 علیرضا ۲۰۶/۴
 علیرضا آقا جانی ۴۷/۱
 علیرضا اصفهانی ۲۰۶/۴
 علیرضا پرتو اصفهانی ۱۱۶/۲
 علیرضا تجلی اردکانی ۱۴۱/۲
 علیرضا جلالی یزدی ۲۰۴/۲
 علیرضا حسینی شیرازی ۲۰۶/۴
 علیرضا حسینی صفایی قاینی ۵۰/۴
 علیرضا خان چنگی ۲۲۴/۲
 علیرضا خرم شیرازی ۳۲۴/۲
 علیرضا زریحان یزدی ۱۴۸/۳
 علیرضا صبا تهرانی ۲۱/۴
 علیرضا عباسی ۲۰۷/۴
 علیرضا عباسی تبریزی ۲۰۷/۴
 علیرضا علی کرمانی ۲۱۰/۴
 علیرضا فاتحی ۲۲۹/۴
 علیرضا قمصری ۲۰۷/۴
 علیرضا مستوفی ۲۰۸/۴
 علیرضا مشهدی ۲۰۸/۴
 علی رضوی زاده ۱۱۵/۳
 علی روحانی وصال شیرازی ۱۳۱/۳
 علی رونق شهرضایی ۱۴۰/۳
 علی رویانی طبرستانی ۱۴۱/۳
 علی زاهدی ۱۵۰/۳
 علی زبیدی جرجانی ۱۵۳/۳
 علی زرگری ۱۵۷/۳
 علی زرین قلم مشهدی ۱۶۰/۳
 علی زلال ۱۶۲/۳
 علی زنجانی ۱۷۱/۳

- علی زواره‌ای ۱۷۵/۳
 علی سامی شیرازی ۱۹۷/۳
 علی سامی هزارجریبی ۱۹۸/۳
 علی سیزواری ۲۰۱/۳
 علی سدهی اصفهانی ۲۱۲/۳
 علی سرمدی آشوب آشتیانی ۳۷/۱
 علی سلطان ۲۰۸/۴
 علی سلطانی‌ای ۲۰۸/۴
 علی سلیمی نیار ۲۴۹/۳
 علی سمینانی ۲۰۸/۴
 علی سیجانی ۲۷۰/۳
 علی سیدالحکمای تبریزی ۲۷۲/۳
 علی شاه ذوقی اردستانی ۶۵/۳
 علی شاهین برزانی ۲۹۹/۳
 علی شایگان ۳۰۰/۳
 علی شهابنگ رازی ۳۰۰/۳
 علی شستری ۳۰۱/۳
 علی شریعتمدار ۳۱۰/۳
 علی شطرنجی سمرقندی ۳۱۸/۳
 علی شغال معمایی ۳۲۱/۳
 علی شکویی ۳۲۸/۳
 علی شمس الادبای شیرازی ۳۳۱/۳
 علی شمس‌الحکما ۳۳۴/۳
 علی شهاب ترشیزی ۳۴۷/۳
 علی شیدای نویسرکانی ۳۷۱/۳
 علی شیرازی ۳۷۵، ۳۷۴/۳
 علی شیرازی ۲۰۸/۴
 علی شیوای طاهری سدهی ۳۸۱/۳
 علی صاحب «ریاض» ۷/۴
 علی صحاف ۲۸/۴
 علی صدارت نسیم اردکانی ۳۸/۶
 علی صفری ۵۱/۴
 علی صوتی یزدی ۶۲/۴
 علی صورت خان اصفهانی ۶۲/۴
 علی صیدی طهرانی ۶۷/۴
 علی ضیایی شیرازی ۷۷/۴
 علی طوسی بغدادی ۱۱۷/۴
 علی طوطی ترشیزی ۱۱۸/۴
 علی عبدالرسولی ۱۵۰/۴
 علی عبدی بیگ نویدی شیرازی ۱۶۵/۴
- علی عسکر ۲۰۸/۴
 علی عسکر ارسنجانی ۲۳۱/۱
 علی عسکر عاقل خان رازی هندی ۱۳۶/۴
 علی عشرتی فروشانی اصفهانی ۱۸۱/۴
 علی عطار همدانی ۱۸۶/۴
 علی علم الهدی ۱۹۴/۴
 علی علیاری تبریزی ۱۹۹/۴
 علی علیک رازی ۲۰۹/۴
 علی عمرانی خوارزمی ۲۱۶/۴
 علی غروی حسینی استرآبادی ۳۰۶/۳
 علی غروی علیاری ۲۳۱/۴
 علی فانی اصفهانی ۲۶۰/۴
 علی فتحی غزنوی ۲۶۴/۴
 علی فتونی عاملی نباطی اصفهانی ۲۶۵/۴
 علی فراهانی کمره‌ای ۵۱/۱
 علی فصیحی ۲۹۵/۴
 علی فیروزی شیرازی ۳۱۳/۴
 علی فیضی ترینی ۳۱۵/۴
 علی قائمی عظامی ۱۸۷/۴
 علی قاینی ۳۳۸/۴
 علی قدرت قمی ۳۴۱/۴
 علی قزونی ۳۴۷/۴
 علی قزوینی ۳۵۱، ۳۵۰، ۳۴۹/۴
 علی قزوینی قارپوزآبادی زنجان ۱۷۲/۳
 علی قطان قزوینی ۳۵۸/۴
 علیقلی ۲۰۸/۴
 علیقلی اقبال مازندرانی ۲۷۷/۱
 علیقلی بن محمد ۲۰۹/۴
 علیقلی بیک انیسی شاملو هروی ۳۱۶/۱
 علیقلی جیادار ۲۰۹/۴
 علیقلی جدیدالاسلام ۱۸۶/۲
 علیقلی خان اعظم شاملو ۲۶۹/۱
 علیقلی خان هدایت منیرالدوله ۱۹۸/۵
 علیقلی سردار اسعد یختیاری ۲۱۷/۳
 علیقلی شیرازی ۳۷۵/۳
 علیقلی ماهر دامغانی ۱۲۱/۵
 علیقلی مصور مشهدی ۲۵۶/۵
 علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه ۲۶۷/۱
 علیقلی واله داغستانی ۱۰۰/۶
 علیقلی همدانی ۲۰۹/۴

- علی قمی ۳۶۷/۴
 علی قمی کاتب ابن ساریان ۱۱۲/۱
 علی قوامی یزدی ۳۷۳/۴
 علی قوچانی ۳۷۳/۴
 علی قوشچی سمرقندی ۳۷۴/۴
 علی فهستانی ۳۷۷/۴
 علی کاتب شیرازی ۳۷۳/۳
 علی کاشمیری مشکوة المحبة ۲۴۶/۵
 علی کحال ۲۰۳/۴
 علی کریمی ۳۷/۵
 علی کسائی ۳۷/۵
 علی کسائی همدانی ۳۸/۵
 علی کسائی مروزی ۳۸/۵
 علی کسروی اصفهانی ۳۹/۵
 علی کلاه / کلا شیرازی ۱۷۹/۳
 علی کله گوش ۲۱۰/۴
 علی کمالی دزفولی ۵۶/۵
 علی کنی تهرانی ۵۹/۵
 علی کوهیار ابرقوهی ۶۵/۵
 علی کیا هراسی طبری ۶۷/۵
 علی گچ بر ۲۱۰/۴
 علی گیلانی هندی ۹۱/۵
 علی لاهیجی ۹۷/۵
 علی لثانی اصفهانی ۹۸/۵
 علی لنجانی اصفهانی ۹۴/۲
 علی لوکری غزوانی ۱۰۹/۵
 علی مثنی ۱۲۵/۵
 علی مجتهد ابیوردی ۲۴۹/۲
 علی مجتهد تبریزی ۱۲۷/۵
 علی محتشم کاشانی ۱۴۰/۵
 علی محدث طارمی ۷۹/۴
 علی محقق کرکی ۱۵۰/۵
 علی محمد ۲۱۰/۴
 علی محمد آزاد همدانی ۲۸/۱
 علی محمد احتشام اولیایی شیرازی ۱۹۸/۱
 علی / محمد ادایی شیرازی ۲۱۶/۱
 علی محمد ادیب بیضایی ۲۱۷/۱
 علی محمد اویسی ۳۲۰/۱
 علی محمد پیروزمند ۱۲۹/۲
 علی محمد حسینی ۲۱۰/۴
 علی محمد حکمت پوشهری ۲۸۶/۲
 علی محمد حکمی ۲۸۶/۲
 علی محمد حمزوی شعله ۳۲۳/۲
 علی محمد خادم میثاق ۳۰۷/۲
 علی محمد خان مستوفی ۲۱۰/۴
 علی محمد خرسند شیرازی ۳۲۳/۲
 علی محمد رجایی ۹۱/۳
 علی محمد شریف الدوله کاشانی ۳۱۴/۳
 علی محمد شیرازی ۲۱۰/۴
 علی محمد شیرازی ایرانی ۲۱۰/۴
 علی محمد صفای لواسانی ۴۷/۴
 علی محمد صفایی ۴۸/۴
 علی محمد طالقانی ۸۵/۴
 علی محمد طباطبایی ذوالمجد ۹۵/۴
 علی محمد طغرل اصفهانی، ۱۱۱
 علی محمد عامری نایینی ۱۳۸/۴
 علی محمد عشرت تویسرکانی ۱۸۰/۴
 علی محمد فخام بهزادی ۲۶۶/۴
 علی محمد قانع ۲۱۱/۴
 علی محمد کاشی بز اصفهانی ۲۱۱/۴
 علی محمد مترجم همایون ۲۹۰/۴
 علی محمد محرم شیرازی ۱۴۵/۵
 علی محمد مزده شیرازی ۲۲۷/۵
 علی محمد مغل تبریزی ۲۷۴/۵
 علی محمد نامداری ۱۶/۶
 علی محمد نظام الدوله اصفهانی ۵۰/۶
 علی مدرس زنوزی تهرانی ۵۳/۱
 علی مذهب ۲۱۱/۴
 علیمراد رثوفی سرور بروجنی ۲۳۱/۵
 علیمراد فراشبندی ۲۷۳/۴
 علی مردان خرد مازندرانی ۳۲۳/۲
 علی مرغینانی ۲۱۹/۵
 علی مروزی ۲۲۲/۵
 علی مستوفی ۳۳۶/۵
 علی مشتاق اصفهانی ۲۴۰/۵
 علی مشکوة ۲۴۵/۵
 علی مصنفک بسطامی ۲۵۵/۵
 علی مظاهری ۲۵۹/۵
 علی معین الدین یزدی ۲۷۲/۵
 علی متعجب الدین رازی ۲۹۴/۵

- علی منجیک ترمذی ۲۹۵/۵
 علی منشی استرآبادی ۲۱۱/۴
 علی/مختار منصور منصف اصفهانی ۲۹۷/۵
 علی مهری عرب ۳۲۰/۵
 علی مبینی یزدی ۳۲۳/۵
 علی میر بهاری قمی ۸۰/۲
 علی میرزا شاپور قاجار ۲۸۲/۳
 علی مؤید ثابتنی مشهدی ۳۱۳/۵
 علی نجفی کاشانی ۲۴/۶
 علی نسوی ۳۷/۶
 علی نصر ۴۱/۶
 علی نقاش ۱۹۹/۴، ۲۷۳/۳
 علینقی ۲۱۱/۴
 علی نقی ۲۱۱/۴
 علینقی احسانی ۱۹۹/۱
 علینقی امامی اصفهانی ۲۹۰/۱
 علینقی امامی اصفهانی ۲۹۰/۱
 علینقی انجوی شیرازی ۳۱۰/۱
 علینقی بدیع شیرازی ۳۳/۲
 علینقی بن شیخ عباسی ۲۱۲/۴
 علینقی بهروزی کازرونی ۹۱/۲
 علینقی بهمنیار کرمانی ۹۵/۲
 علینقی حایری طباطبایی ۲۴۵/۲
 علینقی حکیم الممالک ۲۹۱/۲
 علینقی حکیم الهی ۲۸۸/۲
 علینقی سابق اصفهانی ۱۸۷/۳
 علینقی سامان ۱۹۵/۳
 علینقی شیرازی ۲۱۲/۴
 علی نقی صابر شیرازی ۳/۴
 علینقی صنیع الممالک زرگریاشی ۶۰/۴
 علینقی طباطبایی بروجردی ۹۴/۴
 علینقی طبسی ۱۰۲/۴
 علینقی فیض الاسلام ۳۱۳/۴
 علینقی قاینی ۳۳۷/۴
 علینقی کمره‌ای ۶۲/۶
 علینقی کمره‌ای فراهمانی ۵۸/۵
 علینقی مذهب ۲۱۲/۴
 علینقی والای قاجار ۹۹/۶
 علینقی وزیری ۱۰۸/۶
 علینقی هشیار سندی ۱۳۹/۶
 علی نمازی شاهرودی ۶۴/۶
 علی نویختی ۶۸/۶
 علی نوربخش آزاد اصفهانی ۲۶/۱
 علی نورعلیشاه ۷۲/۶
 علی نهاوندی ۷۸/۶
 علی نیاز شیرازی ۷۹/۶
 علی نیشابوری ۹۰، ۸۴/۶
 علی واحدی نیشابوری ۹۴/۶
 علی واعظ قاینی ۹۸/۶
 علی واقعی مشهدی ۹۸/۶
 علی وفای قمی ۱۱۳/۶
 علی وکیل ۱۱۷/۶
 علی هجویری جلابی غزنوی ۱۲۸/۶
 علی هروی ۳۳۶/۵
 علی هروی نایب‌الدی ۱۳۶/۲
 علی یزدی ۱۵۷/۶
 عماد ارفع تبریزی ۲۳۲/۱
 عمادالاسلام الوبیگ اردوبادی ۲۸۳/۱
 عمادالدین، ابوطاهر عبدالسلام ابن ابی ربیع ۸۹/۱
 عمادالدین اوحدی مشهدی ۳۱۸/۱
 عمادالدین ذوالفقار ابو صمصام مروزی ۱۷۱/۱
 عمادالدین شیرازی ۲۱۴/۴
 عمادالدین عصار آشفته ۱۸۲/۴
 عمادالدین فضلوی عمادلر ۲۱۵/۴
 عمادالدین محمد فدایی استرآبادی ۲۷۱/۴
 عمادالدین مردوخ ۲۱۳/۵
 عمادالدین نسیمی حسینی شیرازی ۳۸/۶
 عماد تربتی خراسانی ۲۱۲/۴
 عماد جویی ۲۱۲/۴
 عماد زوزنی ۲۱۴/۴
 عماد فقیه کرمانی ۲۱۵/۴
 عماد یارک قزوینی ۱۵۳/۶
 عمران بیگ شهاب مازندرانی ۳۴۸/۳
 عمر بن احمد رازی ۷۷/۳
 عمر بن احمد عبدوی نیشابوری ۱۶۴/۴
 عمر بن حسین رازی ۷۷/۳
 عمر بن سهل دینوری کرمانشاهی ۵۹/۳
 عمر بن عبدالعزیز صدر شهید ۳۶/۴
 عمر بن عبدالله باب فرغانی ۵
 عمر بن فرخان طبری ۹۸/۴

- عمر بن محمد بیضاوی ۱۰۴/۲
عمر بن محمد رازی بغدادی ۷۹/۳
عمر بن محمود رازی ۷۷/۳
عمر تاج بخارایی ۱۳۳/۲
عمر خیام نیشابوری ۳۵۲/۲
عمر عقیلی بخاری ۱۸۹/۴
عمر قزوینی ۳۵۰/۴
عمر قزوینی فارسی ۳۵۵/۴
عمر کاتب شیرازی ۳۷۵/۳
عمرکی/عمران بوفکی نیشابوری ۲۱۶/۴
عمر لیشی جبراخشتی بخاری ۱۱۰/۵
عمر مرورودی ۲۲۰/۵
عمر نسفی ۳۷/۶
عمر ابن عتید ۱۲۶/۱
عمر بن عثمان سیبویه ۲۷۰/۳
عمر و کلابی نیشابوری ۴۶/۵
عمیق بخارایی ۲۱۷/۴
عنایت الشریعه امامی شیرازی ۲۹۴/۱
عنایت‌الله آخوند بخاری ۸/۱
عنایت‌الله اصفهانی ۲۱۸/۴
عنایت‌الله دبیر نفرشی ۱۹/۳
عنایت‌الله دستغیب روحی شیرازی ۱۳۳/۳
عنایت‌الله شکیباپور ۳۲۹/۳
عنایت‌الله طبعی اصفهانی ۱۰۳/۴
عنایت‌الله فرسی شیرازی ۲۸۱/۴
عنایت‌الله قهبایی ۳۷۵/۴
عنایت‌الله محسن ۲۱۸/۴
عنصرالمعالی کیکاووس ۲۲۰/۴
عتقاء طالقانی ۲۲۲/۴
عوض بن محمد ۲۲۲/۴
عهدی تبریزی ۲۲۳/۴
عهدی شهریار ۲۲۳/۴
عهدی شیرازی ۲۲۳/۴
عیانی ۲۲۴/۴
عیانی تکلوهروی ۲۲۴/۴
عیسی آقا باشی ۴۴/۱
عیسی ابن چهار بخت ۱۰۰/۱
عیسی ابن خضر شاه اصفهانی ۱۰۶/۱
عیسی ابن ماسویه ۱۳۶/۱
عیسی الهی ۲۸۳/۱
عیسی بن جنید شیرازی ۲۱۲/۲
عیسی بن محمد طهمانی مروزی ۱۱۹/۴
عیسی بن یحیی ابوسهل مسیحی جرجانی ۱۶۸/۱
عیسی بیگ ۲۲۴/۴
عیسی نفرشی ۲۲۵/۴
عیسی سبهدی ۲۰۳/۳
عیسی صدیق اعلم ۳۹/۴
عیسی صفوی ایچی ۵۲/۴
عیسی عمید خراسانی ۲۱۷/۴
عیسی غنچار بخاری ازرق ۲۴۰/۴
عیسی قائم مقام فراهانی ۳۱۸/۴
عیسی قزوینی ۲۲۵/۴
عیسی قلی سالم شیرازی ۱۹۵/۳
عیسی گیلانی ۸۹/۵
عیسی لواسانی ۱۰۸/۵
عیسی ۲۲۵/۴
عیسی اردبیلی ۲۲۵/۴
عیسی شیرازی ۲۲۵/۴
عیسقی حجاب یزدی ۲۵۳/۲
عین‌الدین حسین ذهبی دزفولی ۶۶/۳
عین‌الزمان جمال‌الدین گیلی ۹۲/۵
عین‌القضاة همدانی ۲۲۵/۴
عینی ۲۲۶/۴
عبرقی ۲۲۶/۴
غازی اسیری شیرازی ۲۵۳/۱
غازی قلندر ۲۲۸/۴
غباری گیلانی ۲۲۹/۴
غریبی بلیانی کازرونی ۲۳۲/۴
غریبی کاشانی ۲۳۲/۴
غزالی مشهدی ۲۳۳/۴
غزالی هراتی ۲۳۴/۴
غضنفر صبری مروزی ۲۵/۴
غفار اصفهانی ۲۳۶/۴
غفور حکاک ۲۳۷/۴
غفور عصری دامغانی ۱۸۳/۴
غلام پارماک ۱۲۶/۲
غلامحسین افکار بیگدلی ۲۷۵/۱
غلامحسین بروجردی ۴۷/۲
غلامحسین بنان ۷۰/۲
غلامحسین بیگجه خانی ۱۰۸/۲

- غلامحسین خان افضل الملک ادیب کرمانی ۲۲۱/۱
 غلامحسین دانشپور ۱۰/۳
 غلامحسین درویش خان ۲۵/۳
 غلامحسین راغب شیرازی ۸۳/۳
 غلامحسین رهنما ۱۴۳/۳
 غلامحسین زندی ۱۷۴/۳
 غلامحسین زیرکراده ۱۷۷/۳
 غلامحسین سرود ۲۲۰/۳
 غلامحسین شارق یزدی ۲۸۳/۳
 غلامحسین صدیقی ۴۰/۴
 غلامحسین صفایی قمی ۵۰/۴
 غلامحسین ظهیرالدینی ۱۲۸/۴
 غلامحسین علیم مروستی ۲۱۱/۴
 غلامحسین فراهانی ۵۳/۱
 غلامحسین قرشی ۳۴۶/۴
 غلام حسین کیمیا قلم ۶۸/۵
 غلامحسین مصاحب نایینی ۲۵۰/۵
 غلامحسین مظفر بستکی ۲۶۰/۵
 غلامحسین میرزا بهجت قاجار ۸۷/۲
 غلامحسین میناکار باشی ۲۳۸/۴
 غلامحسین نقشینه ۶۲/۶
 غلامرضا ۲۳۸/۴
 غلامرضا آذر حقیقی ۲۰/۱
 غلامرضا آرائی کاشانی ۲۳/۱
 غلامرضا اصفهانی ۲۳۸/۴
 غلامرضا امامی اصفهانی ۲۹۰/۱
 غلامرضا بیرجندی ۱۰۱/۲
 غلامرضا تابع کهکیلویه‌ای ۱۳۲/۲
 غلامرضا حیران یزدی ۳۰۲/۲
 غلامرضا خان مین‌باشیان ۱۹۲/۳
 غلامرضا دبیران ۱۹/۳
 غلامرضا ذاکر قمی ۶۱/۳
 غلامرضا رشید یاسمی ۱۰۸/۳
 غلامرضا روحانی تفرشی ۱۳۰/۳
 غلامرضا ریاضی ۱۴۵/۳
 غلامرضا سارنگ ۱۸۸/۳
 غلامرضا ساکت شیرازی ۱۹۱/۳
 غلامرضا سعیدی ۲۲۸/۳
 غلامرضا سمیعی ۲۵۵/۳
 غلامرضا شیخ ۳۶۰/۳
 غلامرضا شیرازی ۲۳۸/۴
 غلامرضا شیشه‌گر ۳۸۰/۳
 غلامرضا طاعتی رشتی ۸۱/۴
 غلامرضا کیان ۶۷/۵
 غلامرضا کیوان سمیعی ۶۹/۵
 غلامرضا معمار تبریزی ۲۳۸/۴
 غلامرضا نیستی ۸۳/۶
 غلام شیرزاد ۲۳۸/۴
 غلام عباس ادیب مسعودی گودرزی ۲۲۲/۱
 غلامعلی ۲۳۹، ۲۳۸/۴
 غلامعلی اصفهانی ۲۳۹/۴
 غلامعلی بکایی اصفهانی ۶۶/۲
 غلامعلی خان شهر ۳۵۱/۳
 غلامعلی رعدی آذرخشی ۱۱۹/۳
 غلامعلی شیخ نیا ۳۶۹/۳
 غلامعلی صدرالاطباء شاملو ۳۲/۴
 غلامعلی صمصامی ۵۷/۴
 غلامعلی عقیقی کرمانشاهی ۱۸۹/۴
 غلامعلی/علی وحید مازندرانی ۱۰۶/۶
 غلامعلی فانی خشتی فارسی ۲۶۰/۴
 غلامعلی فکری معز دیوان ۳۰۳/۴
 غلامعلی گویا کرمانشاهی ۸۸/۵
 غلامعلی نایینی ۲۳۹/۴
 غلام قاجار ۲۳۹/۴
 غنی اسد آبادی ۲۴۱/۴
 غیاث استرآبادی ۲۴۳/۴
 غیاث‌الدین جامی ۲۴۳/۴
 غیاث‌الدین جمشید کاشانی ۲۴۳/۴
 غیاث‌الدین حسن حافظ شیرازی ۲۳۷/۲
 غیاث‌الدین حسینی اصفهانی ۲۴۳/۴
 غیاث‌الدین خواندمیر ۲۴۳/۲
 غیاث‌الدین خیال اصفهانی ۳۵۱/۲
 غیاث‌الدین شیرازی ۲۴۵/۴
 غیاث‌الدین علی جامی ۲۴۴/۴
 غیاث‌الدین علی نقشبند یزدی ۲۴۵/۴
 غیاث‌الدین علی یزدی ۲۴۵/۴
 غیاث‌الدین محمد بزمی استرآبادی ۵۶/۲
 غیاث‌الدین محمد مذهب مشهدی ۲۴۴/۴
 غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی ۳۶/۳
 غیاث‌الدین منصور فکرت شیرازی ۳۰۲/۴

- غیاث مجلّد اصفهانی ۲۴۵/۴
 غیاث نجومی کاشانی ۲۹/۶
 غیب‌الله امامی ۲۴۵/۴
 غیرت همدانی ۲۴۶/۴
 غیرت کرمانی ۲۴۶/۴
 غیلان سمرقندی ۲۴۶/۴
 فارغ قمی ۲۵۲/۴
 فارغی شیرازی ۲۵۲/۴
 فاضل سمرقندی ۲۵۵/۴
 فاضل کاشانی ۲۵۵/۴
 فاطمه جوزدانیّه مُسِنده اصفهان ۲۳۸/۵
 فاطمه خاتون آغنه دوست ۴۱/۱
 فاطمه سلطان ۲۵۷/۴
 فاطمه سلطان خاتم شاهین فرامانی ۲۹۹/۳
 فاطمه سیاح ۲۶۶/۳
 فاطمه قرةالعین برغانی قزوینی ۳۴۷/۴
 فانی تبریزی ۲۶۰/۴
 فایضای اردبیل ۲۶۲/۴
 فایض گیلانی ۲۶۲/۴
 فتاح اشراق مراغه‌ای ۲۵۲/۱
 فتاح قری شیرازی ۳۴۵/۴
 فتح‌الله ۲۶۳/۴
 فتح‌الله امین الدین کاشانی ۳۰۶/۱
 فتح‌الله بدیع شیرازی ۳۳/۲
 فتح‌الله بیضا ۱۰۹/۲
 فتح‌الله جلالی ۲۰۳/۲
 فتح‌الله جناب اصفهانی ۲۰۹/۲
 فتح‌الله حسینی کیمیاوی مرعشی شوشتری ۶۸/۵
 فتح‌الله خرم سنندجی ۳۲۴/۲
 فتح‌الله ذوقی بسطامی ۶۵/۳
 فتح‌الله رحیم غفاری ۹۶/۳
 فتح‌الله شریعت اصفهانی ۳۰۹/۳
 فتح‌الله شیرازی ۳۷۵/۳
 فتح‌الله شیرازی ۳۷۷/۳
 فتح‌الله شیرازی ۲۶۳/۴
 فتح‌الله صفاری لاهیجانی ۲۵/۴
 فتح‌الله عارف عجمی ۱۳۳/۴
 فتح‌الله فتوحی شیرازی ۲۶۵/۴
 فتح‌الله قدسی نوّاد کرمانی ۳۰۷/۴
 فتح‌الله کاتب ۲۶۳/۴
 فتح‌الله کاشانی ۱۳/۵
 فتح‌الله میرزا رفعت قاجار ۱۲۰/۳
 فتح‌الله وفایی شوشتری ۱۱۴/۶
 فتحای اصفهانی ۲۶۴/۴
 فتح بن علی بنداری اصفهانی ۷۲/۲
 فتحعلی ۲۶۴/۴
 فتحعلی آخوند اراکی ۷/۱
 فتحعلی آخوندزاده ۱۶/۱
 فتحعلی تسکین تبریزی ۱۴۹/۲
 فتحعلی تنکابنی ۲۶۴/۴
 فتحعلی رافع بروجردی ۸۴/۳
 فتحعلی صبا خراسانی ۲۲/۴
 فتحعلی صبای کاشانی ۲۳/۴
 فتحعلی، فرزند سلیمان بیگ قورچی باشی ۲۶۴/۴
 فتحعلی فریب اصفهانی ۲۹۱/۴
 فتحعلی نجفی زنجان ۱۶۹/۳
 فتح مستوفی ۲۶۴/۴
 فتحی اردستانی ۲۶۴/۴
 فتحی اندجانی ۲۶۴/۴
 فخرالدوله عمیدالدین گیلانی ۲۷۰/۴
 فخرالدین اسعد گرگانی ۲۷۰/۴
 فخرالدین امامت کاشانی ۲۸۴/۱
 فخرالدین اوحید سبزواری ۳۱۷/۱
 فخرالدین ترکستانی قمی ۱۴۵/۲
 فخرالدین طلوعی اراکی ۱۱۳/۴
 فخرالدین علی بن هدایه‌الله حسینی کاشانی ۲۶۷/۴
 فخرالدین علی جامی ۲۶۷/۴
 فخرالدین فخر دهرجی ۲۶۷/۴
 فخرالدین محمد ۲۶۷/۴
 فخرالدین محمد بروجردی ۴۹/۲
 فخرالدین محمد حسینی استرآبادی ۲۶۸/۴
 فخرالدین محمودبن یمین‌الدین ابن یمین فریومدی ۱۵۲/۱
 فخرالدین مسعود کرمانی ۲۹۹/۱
 فخرالدین مسعودی هروی ۲۳۶/۵
 فخرالدین یحیی ۲۶۸/۴
 فخرالزمانی قزوینی ۲۶۹/۴
 فخر جهان خاتم ۲۶۶/۴
 فخر عادل خلعتبری ۲۶۹/۴
 فدایی تبریزی ۲۷۱/۴
 فراقی تبریزی ۲۷۳/۴

- فرامرزی بن خداداد کاتب ازجانی ۲۲۵/۱
 فرج الله ۲۷۴/۴
 فرج الله آق اولی ۵۷/۱
 فرج الله ایزدی شعاع جهرمی ۳۱۸/۳
 فرج الله حویزی ۲۹۷/۲
 فرج الله دبیراعظم بهرامی ۱۸/۳
 فرج الله شفا ۳۲۱/۳
 فرج الله شوشتری ۲۷۴/۴
 فرج الله طرفه محلاتی ۱۰۹/۴
 فرج الله کشکولی ۱۲۸/۳
 فرخ بیگ مصور ۲۷۵/۴
 فرخ حسین ناظم هروی ۱۵/۶
 فرخ خانم فرمان فرما ۲۷۵/۴
 فرخ دین پارسای ۱۱۵/۲
 فرخ لقا نقی ۱۰۵/۵
 فرخ مردوهرامان ۲۷۶/۴
 فرخنده ساوجی ۱۹۸/۳
 فرخنده ساوجی ۲۷۶/۴
 فردوس مطهره ۲۷۷/۴
 فردی اردبیلی ۲۷۹/۴
 فردی تبریزی ۲۷۹/۴
 فروغ الملوک ولیه ۱۱۹/۶
 فروغی قزوینی ۲۸۷/۴
 فرهاد فرید پاک ۲۹۱/۴
 فرهاد مصور ۲۸۸/۴
 فرهاد میرزا ۲۸۸/۴
 فریدالدین ابو حامد عطار نیشابوری ۱۸۵/۴
 فریدالدین احوال ۲۹۱/۴
 فریدون بیگ مینا افشار ۳۴۳/۵
 فریدون توللی شیرازی ۱۶۵/۲
 فریدون سابق اصفهانی ۱۸۷/۳
 فریدون شیرازی ۲۹۲/۴
 فریدون فرزانه ۲۸۰/۴
 فریدون فرشاد ۲۸۱/۴
 فریدون کشاورز ۴۰/۵
 فریدون میرزا فرخ قاجار ۲۷۶/۴
 فصل بهار ایران الدوله قاجار ۳۲۲/۱
 فصیح الدین صاحب دارای استرآبادی ۷/۴
 فصیحی تبریزی ۲۹۶/۴
 فصیحی گرگانی ۲۹۶/۴
 فضایی همدانی ۲۹۶/۴
 فضل الله ۳۳۱/۵
 فضل الله ابن نصح شیرازی ۱۴۹/۱
 فضل الله اصفهانی ۲۹۶/۴
 فضل الله امامت کاشانی ۲۸۵/۱
 فضل الله انصاری قمی ۳۱۲/۱
 فضل الله بدایع نگار آستان قدس ۲۸/۲
 فضل الله بدیع پاک بین شیرازی ۳۲/۲
 فضل الله بیک ائیم سندجی ۱۹۸/۱
 فضل الله پیر جمالی اردستانی ۱۲۶/۲
 فضل الله تابش ۱۳۱/۲
 فضل الله توران پستی ۱۶۳/۲
 فضل الله حروفی ۵۹/۶
 فضل الله حکیم الهی لواسانی ۲۸۸/۲
 فضل الله خاوری شیرازی ۳۱۷/۲
 فضل الله دیوانه ۲۹۶/۴
 فضل الله راوندی کاشانی ۸۷/۳
 فضل الله ساوجی ۲۹۷/۴
 فضل الله سمرقندی ۲۹۷/۴
 فضل الله شرقی شیرازی ۳۰۹/۳
 فضل الله شریفی حسینی ۳۱۷/۲
 فضل الله شوکت شیرازی ۳۴۵/۳
 فضل الله شیخ الاسلام زنجانی ۳۶۱/۳
 فضل الله شیرازی ۲۹۸، ۲۹۷/۴
 فضل الله شیروانی ۳۷۹/۳
 فضل الله صادقی آشتیانی ۳۴/۱
 فضل الله صبحی مهتدی ۲۴/۴
 فضل الله صحافیانی ۲۹۷/۴
 فضل الله صدیق ۳۹/۴
 فضل الله طباطبایی وکیل الملک ۱۱۷/۶
 فضل الله عمادالدین برزش آبادی طوسی ۲۱۳/۴
 فضل الله فضلی قزوینی ۲۹۸/۴
 فضل الله گرگانی ۷۴/۵
 فضل الله نوری مازندرانی ۷۴/۶
 فضل الله نوری مازندرانی ۷۵/۶
 فضل بن احمد کاکویی ۲۲/۵
 فضل بن حسن طبرسی ۹۶/۴
 فضل بن خصیب زعفرانی اصفهانی ۱۶۱/۳
 فضل بن شادان ازدی ۱۱۸/۱
 فضل بن عباس رینجی ۱۷۴/۱

- قاسم بیگ حالتی ترکمان رازی ۲/ ۲۴۱
 قاسم بیگ رغمی هروی ۳/ ۱۲۰
 قاسم بیگ قسمی افشار ۴/ ۳۵۶
 قاسم تبریزی ۴/ ۳۲۱
 قاسم تبریزی اصفهانی ۴/ ۳۲۳
 قاسم خراسانی ۴/ ۳۲۳
 قاسم رسا ۳/ ۹۸
 قاسم زاهد تبریزی ۳/ ۱۵۱
 قاسم شیرازی ۳/ ۳۷۵، ۴/ ۳۲۳، ۳۲۴
 قاسم صیرفی همدانی ۴/ ۶۸
 قاسمعلی چهره‌گشا ۲/ ۲۲۶
 قاسمعلی شیرازی ۴/ ۳۲۴
 قاسم علی قصه‌خوان مشهدی ۴/ ۳۲۴
 قاسم غنی ۴/ ۲۴۱
 قاسم قاسم‌زاده ۴/ ۳۲۳
 قاسم قاسمی اردستانی ۴/ ۳۲۵
 قاسم قانونی هراتی ۴/ ۳۲۴
 قاسم قواب ۴/ ۳۴۴
 قاسم قهبایی ۴/ ۳۷۵
 قاسم لارین مازندرانی ۵/ ۹۳
 قاسم / محمد قاسم ابن الوندی ۱/ ۹۴
 قاسم مذهب ۴/ ۳۲۴
 قاسم موجبی بدخشانی ۵/ ۳۰۶
 قاسم نیکپو ۶/ ۹۰
 قاسم هجری افشار ۶/ ۱۲۷
 قاسم هروی بغدادی ۶/ ۱۳۶
 قاسمی صیرفی قمی ۴/ ۶۷
 قاضی اعرجی مراغی ۱/ ۲۶۹
 قاضی امام مجدالدین مجد نسوی ۵/ ۱۳۲
 قاضی حسین مروردی ۴/ ۳۲۷
 قاضی میر احمد قمی ۴/ ۳۳۲
 قاضی نورالله شوشتری ۴/ ۳۳۳
 قاطمی هروی ۴/ ۳۳۴
 قاضی گیلانی ۴/ ۳۳۴
 قاضی گیلانی ۴/ ۳۳۵
 قاضی آملی مازندرانی ۴/ ۳۳۵
 قباد بیگ کوکی قزوینی ۵/ ۶۳
 قباد تقی زاده ۲/ ۱۵۷
 قتیبة آزادانی ۱/ ۲۶
 قتیبة بن سعید بغلانی ۲/ ۶۳
 فضل بن عبدالله جرجانی ۴/ ۳۲۷
 فضل بن نوبخت ابوسهل فارسی ۱/ ۱۶۸
 فضل خلخالی ۴/ ۲۹۷
 فضلعلی ۴/ ۲۹۸
 فضلعلی خان ایرانی ۴/ ۲۹۷
 فضلعلی مولوی صفای تبریزی ۴/ ۴۵
 فضل فارمذی خراسانی ۴/ ۲۵۳
 فضل قاینی ۴/ ۳۳۸
 فضلک صانع رازی ۴/ ۲۹۸
 فضل لوکری مروزی ۵/ ۱۰۹
 فضل مروزی ۵/ ۲۲۴
 فضل نوبختی ۶/ ۶۸
 فضل نیزیزی ۶/ ۸۲
 فضل نیشابوری ۶/ ۸۸
 فضلی هروی ۴/ ۲۹۸
 فضیل عیاض ۴/ ۲۹۹
 فضیل فضیلی هروی ۴/ ۲۹۹
 فغان‌الدین بلبل ۲/ ۶۷
 فکری رازی نوربخش ۴/ ۳۰۲
 فنایی مشهدی ۴/ ۳۰۶
 فنایی هروی ۴/ ۳۰۶
 فهمی استرآبادی ۴/ ۳۰۸
 فهم‌الدین فهمی هرمزی ۴/ ۳۰۹
 فیروز زردشتی فارسی ۴/ ۳۱۳
 فیروز میرزا نصرت الدوله قاجار ۶/ ۴۳
 فیض‌الله دلشاد ۳/ ۴۱
 فیض‌الله قهبایی طباطبایی ۴/ ۳۷۵
 فیض علی حکیم مشهدی ۲/ ۲۹۱
 فؤاد روحانی ۳/ ۱۲۹
 قاسم ۴/ ۳۲۱
 قاسم ادیب کرمانی ۱/ ۲۲۱
 قاسم انوار ۴/ ۳۲۲
 قاسم بروجرودی ۴/ ۳۲۲
 قاسم بن احمد سیدالروسا ۳/ ۲۷۲
 قاسم بن ارسلان طوسی مشهدی ۱/ ۲۳۱
 قاسم بن حسین صدرافاضل خوارزمی ۴/ ۳۲
 قاسم بن عبدالله سیاری ۳/ ۲۶۸
 قاسم بن فضل صیدلانی اصفهانی ۴/ ۶۶
 قاسم بیضای جوثقانی ۲/ ۱۰۵
 قاسم بیگ تبریزی ۴/ ۳۲۲

- قدرت‌الله شبیه‌ساز ۳۴۱/۴
 قدرت‌الله فردوس ۲۷۷/۴
 قدرت‌الله مشیری شیرازی ۲۵۰/۵
 قدرت‌الله هانفی قهفرخی ۱۲۲/۶
 قدرتی یزدی ۳۴۱/۴
 قدری شیرازی ۳۴۱/۴
 قدسی خراسانی ۳۴۲/۴
 قربان بیدل رودباری قزوینی ۱۰۰/۲
 قربانعلی برهان قزوینی ۵۲/۲
 قریب دماوندی ۳۴۵/۴
 قطب‌الدین آنسی جُنازندی ۳۱۰/۱
 قطب‌الدین بیانی یزدی ۹۸/۲
 قطب‌الدین لاری ۹۴/۵
 قطب‌الدین محمد حسینی ۳۶۰/۴
 قطب‌الدین محمد یزدی ۳۶۱/۴
 قطب‌الدین مودود چشتی ۲۲۲/۲
 قطب‌الدین یحیی ۳۶۱/۴
 قطران عضدی تبریزی ۳۶۳/۴
 قلیچ خان اسیر ترک ۲۵۲/۱
 قلیچ خان بیگ مایل شاملو ۱۲۲/۵
 قلی خان تکلوی میلی هروی ۳۴۳/۵
 قلی خان سیار اصفهانی ۲۶۷/۳
 قلی‌خان شاهی ۳۶۵/۴
 قلی‌خان یاور ۳۶۵/۴
 قمرالملوک وزیری ۳۶۵/۴
 قمرخانم ۳۶۵/۴
 قنبرعلی شیرازی ۳۷۰/۴
 قنبری نیشابوری ۳۷۰/۴
 قوام‌الدین ۳۷۰/۴
 قوام‌الدین تبریزی ۳۷۰/۴
 قوام‌الدین مسعود ۳۷۱/۴
 قوام‌الدین معمار شیرازی ۳۷۱/۴
 قوسی تبریزی ۳۷۴/۴
 قوسی کمانگیر تبریزی ۳۷۴/۴
 قهرمان پاک بین آورزمانی ۱۱۵/۲
 فیدی شیرازی ۳۷۷/۴
 فیضری همدانی ۳۷۸/۴
 کاظم ۱۷/۵
 کاظم آرتیمانی ۱۷/۵
 کاظم آرم ۳۰/۱
 کاظم آل طیب شوشتری ۶۵/۱
 کاظم تبریزی ۱۷/۵
 کاظم بقای اصفهانی ۶۴/۲
 کاظم تونی ۱۸/۵
 کاظم داور حسینی ۱۵/۳
 کاظم رجوی دیلمگانی ۹۳/۳
 کاظم رشتی ۱۰۱/۳
 کاظم شریعتمداری تبریزی ۳۱۲/۳
 کاظم شریف سلطان الکتاب ۲۳۹
 کاظم طباطبایی ۹۵/۴
 کاظم ظفر کرمانی ۱۲۵/۴
 کاظم عصار لواسانی ۱۸۳/۴
 کاظم قلی ۱۸/۵
 کاظم قمی ۱۹/۵
 کاظم کاشانی ۱۹/۵
 کاظم کاظمی هروی ۲۰/۵
 کاظم محلاتی ۱۵۲/۵
 کاظم / محمد کاظم آشفته شیرازی ۳۶/۱
 کاظم / محمد کاظم گلین کازرونی ۷۶/۵
 کاظم ملک الاطباء ۲۸۷/۵
 کافی اردوبادی ۲۱/۵
 کاکا ابوالقصر بُستی ۵۷/۲
 کاکای قزوینی ۲۲/۵
 کامی سبزواری ۲۴/۵
 کامی لاهیجانی ۲۴/۵
 کاووس نقاش ۲۵/۵
 کپک هراتی ۲۶/۵
 کرامت استخریان ۲۱۰/۱
 کریم‌شاه تبریزی ۳۵/۵
 کرم مرزانی ۱۴۵/۲
 کریم اقلیدس فسایی ۲۷۸/۱
 کریم امیری فیروزکوهی ۳۰۲/۱
 کریم بینوای شیرازی ۱۱۰/۲
 کریم دادمهر ۳/۳
 کریم ساعی ۱۸۹/۳
 کریم سنجابی ۲۵۷/۳
 کریم صافی تبریزی ۱۵/۴
 کریم طاهرزاده بهزاد تبریزی ۸۹/۴
 کریم کشاورز ۴۱/۵
 کریم محمد دشت بیاضی کوهستانی ۳۵/۳

- کریم نقاشباشی ۳۶/۵
 کریمه مروزیه ۳۶/۵
 کشوری رودباری ۴۳/۵
 کلامی اصفهانی ۴۷/۵
 کلان بیگ اندجانی ۴۷/۵
 کلان کرمانی ۴۸/۵
 کلب حسین بیگ راغب تبریزی ۸۳/۳
 کلب حسین بیگ آشفته ابروانی ۳۶/۱
 کلبعلی بیگ زرگر تبریزی ۲/۶
 کلبعلی تبریزی ۴۸/۵
 کلب علی راغب تبریزی ۸۳/۳
 کلبعلی زرگر هراتی ۱۵۷/۳
 کلبعلی فرخ اصفهانی ۲۷۵/۴
 کمال اصفهانی ۵۲/۵
 کمال‌الدین ۵۴/۵
 کمال‌الدین آرمین ۲۴/۱
 کمال‌الدین ابوالخیر عاشق سمرقندی ۱۳۵/۴
 کمال‌الدین، ابوالفضل عبدالرزاق ابن فوطی ۱۳۱/۱
 کمال‌الدین ابو عمرو / ابو عمر ابهری ۱۹۴/۱
 کمال‌الدین امامی قهفرخی ۲۹۴/۱
 کمال‌الدین بهزاد سلطانی ۹۲/۲
 کمال‌الدین تاشکندی ۱۳۵/۲
 کمال‌الدین حاذق گیلانی ۲۳۲/۲
 کمال‌الدین حسین الهی ابهری اردبیلی ۲۸۳/۱
 کمال‌الدین حسین فانی خوارزمی ۲۶۱/۴
 کمال‌الدین حسین فتایی هروی ۳۰۶/۴
 کمال‌الدین حسینی فسایی ۵۴/۵
 کمال‌الدین حسینی مرعشی ۲۱۷/۵
 کمال‌الدین حیاتی گیلانی ۲۹۸/۲
 کمال‌الدین شیوعلی بنایی هروی ۷۱/۲
 کمال‌الدین فارسانی ۲۵۰/۴
 کمال‌الدین فتح‌الله شاهی شیرازی ۲۹۸/۳
 کمال‌الدین کمالی بخارایی، ۵۶
 کمال‌الدین مذهب ۵۴/۵
 کمال‌الدین مسعود خجندی ۵۲/۵
 کمال بلخی ۵۴/۵
 کمال تبریزی ۵۲/۵
 کمال تربتی ۵۲/۵
 کمال جناب ۲۰۹/۲
 کمال سبزواری ۵۴/۵
 کمال مصور کاشی ۵۵/۵
 کمالی سبزواری ۵۷/۵
 کوثری اردبیلی ۶۱/۵
 کوهساری طبری ۶۴/۵
 کهمس همدانی ۶۶/۵
 کیفی سبزواری ۶۸/۵
 گرامی تبریزی ۷۳/۵
 گلخنی قمی ۷۹/۵
 گلشنی شیرازی ۸۲/۵
 گلشنی کاشانی ۸۲/۵
 گل‌مدار ۸۳/۵
 گل محمد ۷۹/۵
 گوربگم خانم آذربایجانی ۱۹/۱
 گوهر شاد آغا ۸۷/۵
 گوهرشاد حسنی سیفی ۸۷/۵
 گوهر قاجار ۸۷/۵
 لیبی خراسانی ۹۹/۵
 لرتا هایرآپتیان ۹۹/۵
 لطف‌الله ۱۰۱/۵
 لطف‌الله بخارایی ۱۰۱/۵
 لطف‌الله بن مصطفی ۱۰۱/۵
 لطف‌الله جمالی اسدآبادی ۲۰۷/۲
 لطف‌الله حسنی لاریجانی ۱۰۱/۵
 لطف‌الله سهیل شیرازی ۲۶۵/۳
 لطف‌الله صافی گلپایگانی ۱۶/۴
 لطف‌الله مجتهد لاریجانی مازندرانی ۹۴/۵
 لطف‌الله مخمور تبریزی ۲۰۱/۵
 لطف‌الله مذهب ۱۰۱/۵
 لطف‌الله مخمّم پایان ۲۷۵/۵
 لطف‌الله نیشابوری ۱۰۲/۵
 لطف‌الله واحد شیرازی ۹۴/۶
 لطفعلی ۱۰۱/۵
 لطفعلی بیگ سامی چرخس اصفهانی ۱۹۷/۳
 لطفعلی خاکس خراسانی ۳۱۱/۲
 لطفعلی دانش تبریزی ۱۰/۳
 لطفعلی شیرازی ۱۰۱/۵
 لطفعلی صاحب «اوتق الوسائل» ۵/۴
 لطفعلی صورتگر ۶۲/۴
 لطفعلی نگار شیرازی ۳۰۳/۴
 لطفعلی / لطفعلی بیگ آذر بیگدلی ۱۹/۱

- لطفی تبریزی ۱۰۳/۵
 لطفی خوانساری ۹۹/۵
 لطفی شیرازی ۱۰۳/۵
 لطفی ماوراءالنهری ۱۰۴/۵
 لطیف‌الدین زکی مراغه‌ای ۱۶۲/۳
 لعل بیگ لعلی بدخشانی ۱۰۰/۵
 لفعلی افشار ۱۰۰/۵
 لقای ابرقوهی ۱۰۵/۵
 لقایی استرآبادی ۱۰۵/۵
 لقایی خراسانی ۱۰۵/۵
 لقایی لاهیجانی ۱۰۵/۵
 لوایی سبزواری ۱۰۴/۵
 لوحی اصفهانی ۱۰۹/۵
 مثنای پارسی ۱۲۳/۵
 ماجد بحرانی ۲۳/۲
 ماجد حسینی صادقی بحرانی ۲۸۰/۲
 ماسویه ۱۱۶/۵
 مالک دیلمی ۱۱۶/۵
 مالی شیرازی ۱۱۷/۵
 مانی ۱۱۸/۵
 مانی شیرازی ۱۱۹/۵
 مانی مشهدی ۱۱۹/۵
 ماه پاره ۱۲۰/۵
 ماه تابان خانم ۱۲۰/۵
 ماه رخسار ۱۲۰/۵
 ماهرخ گوهر شناس ۸۷/۵
 ماهی جلایر ۱۲۱/۵
 مایلی اسفراینی ۱۲۲/۵
 مایلی نیریزی ۱۲۲/۵
 مأیوس بخارایی ۱۲۳/۵
 مبارک‌الله خان راغب بلخی ۸۳/۳
 مبارک خان مدهوش اصفهانی ۲۰۸/۵
 مبارکشاه زرین قلم ۱۶۰/۳
 مبارکشاه فخر خوارزمی ۲۶۶/۴
 مبارک میرزا قاجار ۱۲۳/۵
 مبشر بن احمد برهان رازی ۵۲/۲
 مبین خوشدل کرمانشاهی ۳۴۸/۲
 مثالی کاشانی ۱۲۵/۵
 مجتبی ریاضی ۱۴۵/۳
 مجتبی قزوینی خراسانی ۳۵۴/۴
 مجتبی کیوان اصفهانی ۶۹/۵
 مجتبی مینوی ۳۴۴/۵
 مجدالدین ابوالسحر صندلی غزنوی ۵۸/۴
 مجدالدین خوافی ۱۳۱/۵
 مجدالدین دزفولی ۱۳۱/۵
 مجدالدین صاعد آبی ۳/۱
 مجدالدین طالبه ۱۳۲/۵
 مجدالدین فضل‌الله کرمانی ۳۳/۵
 مجدالدین فضل بن علی ابوالبرکات بیهقی ۱۵۳/۱
 مجدالدین قاسمی خوافی ۳۲۵/۴
 مجدالدین میر فخرایی گلچین گیلانی ۷۸/۵
 مجدالدین نصیری امینی ۴۷/۶
 مجدالدین همگر یزدی ۱۳۲/۵
 مجدالعلی بوستان ۷۵/۲
 مجدالملک محمد سینکی ۲۷۹/۳
 مجد خوافی خراسانی ۱۳۱/۵
 مجد مذهب ۱۳۲/۵
 مجدی همدانی ۱۳۳/۵
 مجرم مراغه‌ای ۱۳۴/۵
 مجلد خراسانی ۱۳۴/۵
 مجلسی اصفهانی ۱۳۵/۵
 مجنون چپ نویس ۱۳۸/۵
 مجید آهی ۷۷/۱
 مجید حایری مازندرانی ۲۴۶/۲
 مجید/عبدالمجید یکتا اصفهانی ۱۶۳/۶
 مجید موقر بوشهری ۳۰۹/۵
 مجید وفادار ۱۱۲/۶
 مجیرالدین بیلقانی ۱۰۸/۲
 محبعلی نایی ۱۳۹/۵
 محبوب علی حکیم طبسی ۲۹۰/۲
 محترم النساء خانم صراحی آرتیمانی ۲۰/۴
 محتشم اصفهانی ۱۳۹/۵
 محتشم علی خان حشمت بدخشانی ۲۸۳/۲
 محتشم قایی ۳۴۱، ۱۴۰/۵
 محراب بیگ تبریزی ۱۴۴/۵
 محراب گیلانی ۱۴۴/۵
 محرمی استرآبادی ۱۴۵/۵
 محزونی همدانی ۱۴۶/۵
 محسن ۱۴۶/۵
 محسن آغوند بروجردی ۸/۱

- محسن آشتیانی ۳۴/۱
 محسن آل بحر العلوم ۶۳/۱
 محسن اشرف الدین حسینی قزوینی گیلانی ۲۵۵/۱
 محسن بدیع ۳۱/۲
 محسن بیک رشکی همدانی ۱۰۵/۳
 محسن تاثیر تبریزی ۱۳۲/۲
 محسن حالی اردبیلی ۲۴۱/۲
 محسن حریرچیان ۲۵۶/۲
 محسن حسینی آقا میر گلستان تبریزی ۵۵/۱
 محسن دزفولی معزالدینی ۳۳/۳
 محسن دستغیب شیرازی ۳۴/۳
 محسن دستگردی اصفهانی ۳۵/۳
 محسن دها ۵۰/۳
 محسن سیاح ۲۶۷/۳
 محسن سیری گلپایگانی ۲۷۶/۳
 محسن شیرازی ۱۴۶/۵
 محسن صبا ۲۱/۴
 محسن طاهری قمی ۹۱/۴
 محسن طباطبایی حکیم ۲۸۷/۲
 محسن عزیزی ۱۷۷/۴
 محسن فانی رازی ۲۶۱/۴
 محسن فیض کاشانی ۳۱۴/۴
 محسن مجتهد تبریزی ۱۲۸/۵
 محسن مجلّد ۱۲۷/۵
 محسن محسنای شیرازی ۱۴۶/۵
 محسن منشی ۱۴۷/۵
 محسن میرزا شمس ملک آرا ۱۴۶/۵
 محسن هشترودی ۱۳۹/۶
 محشری خوانساری ۱۴۷/۵
 محفوظ نیشابوری ۱۴۸/۵
 محمد ۱۵۴، ۱۵۳/۵، ۷۶/۱
 محمد آبی ۳/۱
 محمد آتش اصفهانی ۴/۱
 محمد آجر تراش ۱۵۴/۵
 محمد آجنگانی ۶/۱
 محمد آخوند کاشانی ۱۱/۱
 محمد آخوند گلپایگانی ۱۱/۱
 محمد آدمی خوارزمی ۱۷/۱
 محمد آزادگان ۲۷/۱
 محمد آشوب دپلمقانی ۳۷/۱
 محمد آفرانی ۴۲/۱
 محمد آفرانی ۴۲/۱
 محمد آقا جانی ۴۷/۱
 محمد آقا رضی قزوینی ۵۰/۱
 محمد آقازاده کفایی نجفی خراسانی ۵۰/۱
 محمد آقاسی خویی ۵۱/۱
 محمد آقا نجفی ۵۶/۱
 محمد آقسرائی ۵۸/۱
 محمد آگاهی ۵۹/۱
 محمد آگهی قاضی خراسانی ۶۰/۱
 محمد آل بحر العلوم ۶۳/۱
 محمد آل عصفور ۶۸/۱
 محمد آملی ۱۵۴/۵، ۷۲، ۷۰، ۶۹/۱
 محمد آملی طبرستانی ۷۲/۱
 محمد آوی ۷۶/۱
 محمد آهنگ شیرازی ۷۶/۱
 محمد ابراهیم ۱۵۴/۵
 محمد ابراهیم آقا ابراهیم قمی ۴۲/۱
 محمد ابراهیم آینی بیرجندی ۷۹/۱
 محمد ابراهیم انصاف خراسانی ۳۱۲/۱
 محمد ابراهیم انور زند شیرازی ۳۱۴/۱
 محمد ابراهیم اولیاء سمیع ۳۱۹/۱
 محمد ابراهیم بدایع نگار تهرانی ۲۸/۲
 محمد ابراهیم تبریزی ۱۳۹/۲
 محمد ابراهیم تهرانی میرزا عمو ۳۳۱/۵
 محمد ابراهیم جویباری ۲۱۶/۲
 محمد ابراهیم حایری ۲۴۴/۲
 محمد ابراهیم خان خلوتی محلاتی ۳۳۴/۲
 محمد ابراهیم خلیفه ابراهیم بدخشانی ۳۳۴/۲
 محمد ابراهیم خوانساری ۱۵۴/۵
 محمد ابراهیم ذوقی ۶۵/۳
 محمد ابراهیم رهی اصفهانی ۱۴۳/۳
 محمد ابراهیم زردوز شیرازی ۱۵۶/۳
 محمد ابراهیم سالک قزوینی ۱۹۴/۳
 محمد ابراهیم سبزواری ۲۰۱/۳
 محمد ابراهیم شیرازی ۳۷۸/۳
 محمد ابراهیم ضابط اصفهانی ۷۱/۴
 محمد ابراهیم طغول قاجار ۱۱۲/۴
 محمد ابراهیم فارغای اصفهانی ۲۵۲/۴
 محمد ابراهیم قاری خاکی شیرازی ۳۱۱/۲

- محمد ابراهیم قزوینی یزدی ۱۵۵/۵
 محمد ابراهیم کاتب السلطان قمی ۲/۵
 محمد ابراهیم مجموع صنایع ۱۳۷/۵
 محمد ابراهیم منظور شیرازی ۳۰۲/۵
 محمد ابراهیم منعم شیرازی ۳۰۳/۵
 محمد ابراهیم نقشباشی ۱۵۵/۵
 محمد ابراهیم هروی ۱۵۵/۵
 محمد ابراهیم یزدی ۱۵۵/۵
 محمد ایری شمی مشهدی ۱۵۵/۵
 محمد ابن ابی ثلج رازی ۸۸/۱
 محمد ابن ابی ثلج کاتب ۸۸/۱
 محمد ابن ابی حاتم نیشابوری ۸۹/۱
 محمد ابن ابی صهبان قمی ۹۰/۱
 محمد ابن احمد عجمی ۹۲/۱
 محمد ابن آخرم نیشابوری ۹۲/۱
 محمد ابن اشته اصفهانی ۹۳/۱
 محمد ابن اشرف سمرقندی ۹۴/۱
 محمد ابن بُندار فرغانی ۹۷/۱
 محمد ابن حسام خوانی ۱۰۱/۱
 محمد ابن حسام خوشفی ۱۰۱/۱
 محمد ابن سحقه ۱۱۵/۱
 محمد ابن صیرفی ۱۲۳/۱
 محمد ابن عمید قمی ۱۲۸/۱
 محمد ابن فورجه بروجردی ۱۳۱/۱
 محمد ابن فورک اصفهانی ۱۳۱/۱
 محمد ابن گَبَن ۱۳۴/۱
 محمد ابن کثیر فرغانی ۱۳۴/۱
 محمد ابن مراغی همدانی ۱۳۹/۱
 محمد ابن منده اصفهانی ۱۴۷/۱
 محمد ابن مهریزد اصفهانی ۱۴۸/۱
 محمد ابن وَرْقَاء اودنی ۱۵۰/۱
 محمد ابوالحسن وراق ۱۶۱/۱
 محمد ابوالفتح اصفهانی ۱۷۹/۱
 محمد ابوالفضل ساوجی ۱۸۱/۱
 محمد ابوالمعالی غزنوی ۱۸۷/۱
 محمد ابوبکر شبهی ۱۵۴/۱
 محمد ابوبکر وراق ترمذی ۱۵۴/۱
 محمد ابوسعید غانمی هروی ۱۶۶/۱
 محمد ابوسلیمان سجستانی ۱۶۸/۱
 محمد ابوطیب مصعبی ۱۷۴/۱
 محمد ابومنصور انصاری ۱۸۸/۱
 محمد ابومنصور معمری ۱۸۹/۱
 محمد ابونصر قاینی ۱۹۰/۱
 محمد ابونصر مقبلی ۱۹۰/۱
 محمد ابهری ۱۹۴/۱
 محمد ایوردی کوفی ۱۹۵/۱
 محمد احمدآبادی ملک الاطباء اصفهانی ۲۸۶/۵
 محمد احمد سمسار ۲۵۲/۳
 محمد/احمد قطب جامی ۳۵۹/۴
 محمد/احمد قوامی گنجوی مغرزی ۳۷۳/۴
 محمد احیاءالملک ۲۰۹/۱
 محمد اختیار منشی ۲۱۲/۱
 محمد ادیبزاده اشراقی ۲۱۸/۱
 محمد اردبیلی ۲۲۶/۱
 محمد اژه‌ری هروی ۲۳۳/۱
 محمد استرآبادی ۲۳۵/۱
 محمد اسعدالدوله ۲۴۳/۱
 محمد اسفراینی ۲۴۴/۱
 محمد اسفراینی ۲۴۴/۱
 محمد اسفراینی ۲۳۱/۲
 محمد اسماعیل اصفهانی ۱۵۶/۵
 محمد اسماعیل امیر خیزی ۲۹۸/۱
 محمد اسماعیل توحید شیرازی ۱۶۳/۲
 محمد اسماعیل حیرت بخارایی ۳۰۳/۲
 محمد اسماعیل رضوانی ۱۱۳/۳
 محمد اسماعیل شیرازی ۳۷۵/۳
 محمد اسماعیل ضعیف اصفهانی ۷۲/۴
 محمد اسماعیل غافل مازندرانی ۲۲۸/۴
 محمد اسماعیل فدایی آستانی ۲۷۱/۴
 محمد اسماعیل منصف تهرانی ۲۹۷/۵
 محمد اسماعیل نقشباشی ۱۵۶/۵
 محمد اسماعیل وجدی خراسانی ۱۰۲/۶
 محمد اسماعیلی جرجانی نیشابوری ۲۵۱/۱
 محمد اسیری لاهیجی گیلانی ۲۵۳/۱
 محمد اشراق بروجردی ۲۵۴/۱
 محمد اشراقی اریاب ۲۲۴/۱
 محمد اشرف اشرف اصفهانی ۲۶۴/۱
 محمد اشرف الکتاب ۲۵۶/۱
 محمد اشرف طالقانی ۱۵۶/۵
 محمد اشرفی بارفروشی مازندرانی ۲۵۸/۱

- محمد اشرف یزدی ۱۵۹/۶
 محمد اصغر اشرف مشهدی ۲۵۸/۱
 محمد اصفهانی ۷۱/۶، ۱۵۶/۵، ۱۶۱/۶
 محمد افضل بن محمد علی ۱۵۷/۵
 محمد اقبال ۲۷۷/۱
 محمد اقدسی مشهدی ۲۷۸/۱
 محمد اکبرآبادی ۲۱۰/۱
 محمد اکبر دولت‌آبادی اصفهانی ۴۹/۳
 محمد امام‌الحرین ۲۸۶/۱
 محمد امام‌الدین امامی اصفهانی ۲۹۰/۱
 محمد امام جمعه ۲۸۵/۱
 محمد امامی حسینی اصفهانی ۲۹۳/۱
 محمد امامی هروی ۲۹۴/۱
 محمد امنی زرگر تبریزی ۲۹۶/۱
 محمد امید اصفهانی ۲۹۶/۱
 محمد امیر خرد کرمانی ۲۹۸/۱
 محمد امیر رضوی ۱۱۴/۳
 محمد امیری هروی ۳۰۳/۱
 محمد امین ۱۵۷/۵
 محمد امین ابن صدرالدین شروانی ۱۲۲/۱
 محمد امین ادیب طوسی ۲۲۰/۱
 محمد امین استرآبادی ۲۳۶/۱
 محمد امین استرآبادی ۱۵۷/۵
 محمد امینای یزدی ۳۰۴/۱
 محمد امین بلیانی ۳۰۵/۱
 محمد امین بناء اصفهانی ۱۵۷/۵
 محمد امین بیدل نیشابوری ۱۰۰
 محمد امین چیچورانی ۲۲۶/۲
 محمد امین حشری انصاری تبریزی ۲۸۲/۲
 محمد امین خازن تبریزی ۳۰۸/۲
 محمد امین خاکی شیرازی ۳۱۱/۲
 محمد امین درکی قمی ۲۴/۳
 محمد امین دلسوز تبریزی ۴۱/۳
 محمد امین رسول‌زاده ۱۰۰/۳
 محمد امین روح الامین اصفهانی ۱۲۸/۳
 محمد امین ساکت تبریزی ۱۹۱/۳
 محمد امین سرافراز سمرقندی ۲۱۵/۳
 محمد امین سلطان ترکمان ۱۵۷/۵
 محمد امین سمرقندی ۲۵۲/۳
 محمد امین سیفی ۱۵۷/۵
 محمد امین شامی ۲۸۴/۳
 محمد امین شریعتمدار سندجی ۳۱۱/۳
 محمد امین عقیلی تبریزی ۱۸۹/۴
 محمد امین غباری هروی ۲۲۹/۴
 محمد امین فطرت بروجردی لرستانی ۲۹۹/۴
 محمد امین کاتب ۱۵۸/۵
 محمد امین کتابی ۲۶/۵
 محمد امین کوسج امین کاشانی ۳۰۶/۱
 محمد امین لاهیجی ۹۷/۵
 محمد امین مشک کاشانی ۱۵۸/۵
 محمد امین مشهدی ۲۴۹/۵، ۱۵۸/۵
 محمد امین منشی ۱۵۸/۵
 محمد امین واصل لاهیجی ۹۶/۶
 محمد امین وقاری یزدی ۱۱۶/۶
 محمد امین هروی ۱۵۸/۵
 محمد امین همدانی ۳۰۶/۱
 محمد امین هیمن شیخ الاسلامی ۱۵۲/۶
 محمد انصاری ۱۵۸/۵
 محمد انصاری استرآبادی ۳۱۱/۱
 محمد انوار اردکانی ۳۱۳/۱
 محمد اهلی شیرازی ۳۲۰/۱
 محمد ایروانی مجرد ۳۲۲/۱
 محمد ایروانی ۳۲۴/۱
 محمد ایزدی کازرونی ۳۲۵/۱
 محمد ایواوغلی ۱۵۸/۵
 محمد بابای انجوری ۵
 محمد بارق کرمانشاهی ۸/۲
 محمد باقر ۲۹۱/۵، ۱۵۹/۵، ۱۵۸/۵
 محمد باقر آتشی شیرازی ۵/۱
 محمد باقر آخوند فشارکی ۱۰/۱
 محمد باقر آشتیانی ۳۳/۱
 محمد باقر آشفته دزفولی ۳۶/۱
 محمد باقر آیت‌الله‌زاده مازندرانی ۷۸/۱
 محمد باقر آیت‌اللهی شیرازی ۷۸/۱
 محمد باقر ادیب اشراق ۲۱۷/۱
 محمد باقر اردوبادی ۲۳۰/۱
 محمد باقر اصفهانی ۱۱/۲، ۱۵۹/۵
 محمد باقر الفت اصفهانی ۲۸۰/۱
 محمد باقر امامی اصفهانی ۲۸۹/۱
 محمد باقر امامی حسینی اصفهانی ۲۹۳/۱

- محمد باقر بن محمد علی ۱۵۹/۵
 محمد باقر بن محمد قاجار ۱۵۹/۵
 محمد باقر بهاری همدانی ۸۱/۲
 محمدباقر بهای اصفهانی ۸۱/۲
 محمدباقر بهبهانی ۸۶، ۸۲/۲
 محمدباقر بهجت اصفهانی ۸۶/۲
 محمدباقر پریشان گلپایگانی ۱۲۱/۲
 محمدباقر تابع قمی ۱۳۱/۲
 محمدباقر تنگستانی ۱۶۲/۲
 محمد باقر جهرمی ۱۲/۲
 محمد باقر حافظ ۱۵۹/۵
 محمدباقر حیرت سجادی ۳۰۳/۲
 محمدباقر خردۀ کاشی ۱۲/۲
 محمد باقر خسروی کرمانشاهی ۳۲۸/۲
 محمدباقر خلخالی ۳۳۳/۲
 محمد باقر خمینی کمره‌ای ۵۸/۵
 محمد باقر خوانساری ۱۵۹/۵
 محمدباقر خوانساری چهارسوقی اصفهانی ۳۴۶/۲
 محمد باقر خوراسکانی ۳۴۷/۲
 محمد باقر دارایی رازی ۴/۳
 محمد باقر درچه‌ای اصفهانی ۲۳/۳
 محمدباقر درگزینی ۱۲/۲
 محمد باقر دزفولی کاظمی ۳۲/۳
 محمد باقر دستغیب شیرازی ۳۴/۳
 محمد باقر دماوندی ۴۲/۳
 محمد باقر ذکاءالملک اصفهانی ۶۳/۳
 محمدباقر رازی اصفهانی ۷۸/۳
 محمد باقر رشحه اصفهانی ۱۰۴/۳
 محمد باقر رضوی قمی ۱۱۶/۳
 محمد باقر رودسری ۱۲/۲
 محمد باقر ریاضی یزدی ۱۴۷/۳
 محمد باقر زرکش یزدی ۱۵۶/۳
 محمدباقر زرگر یزدی ۱۵/۲
 محمد باقر زنجانی ۱۷۰، ۱۶۷/۳
 محمدباقر سروش اصفهانی ۲۲۲/۳
 محمدباقر سلطانی طباطبایی ۲۴۳/۳
 محمد باقر سمسوری اصفهانی ۱۶۰/۵
 محمدباقر سمیرمی نقاشباشی ۲۵۵/۳
 محمد باقر شاکر اصفهانی ۲۸۴/۳
 محمدباقر شریف اردکانی ۲۲۹/۱
 محمد باقر شفتی اصفهانی ۳۲۲/۳
 محمد باقر شهیدی گلپایگانی ۳۵۹/۳
 محمدباقر شیدانی یوانانی ۷۴/۲
 محمد باقر شیرازی ۱۶۰، ۱۵۳/۵، ۳۷۸/۳
 محمد باقر شیرازی تمامی ۳۷۸/۳
 محمد باقر صحبت لاری ۲۸/۴
 محمد باقر صفای نابینی ۴۷/۴
 محمد باقر صنیع الزمان ۶۰/۴
 محمد باقر طبری ۱۰۰/۴
 محمد باقر طبیب یزدی ۱۰۶/۴
 محمدباقر طوسی مشهدی ۱۳/۲
 محمد باقر عامی اصفهانی ۱۳۹/۴
 محمد باقر فخرالکتاب صفیاری ۲۶۹/۴
 محمد باقر فروشانی سدهی ۲۸۴/۴
 محمدباقر قاینی ۱۰۲/۲
 محمد باقر قراپولاغی خلخالی ۱۴/۲
 محمد باقر کاتب شیرازی ۳۷۶/۳
 محمدباقر کاشانی ۱۴/۲
 محمد باقر گوگدی گلپایگانی ۸۶/۵
 محمد باقر لاهیجی ۹۷، ۹۳/۵
 محمد باقر مازندرانی ۱۶۰/۵
 محمد باقر مجلسی ۱۳۶/۵
 محمدباقر محقق ۱۴۸/۵
 محمد باقر محقق سبزواری ۱۴۹/۵
 محمد باقر محوی استرآبادی ۱۹۵/۵
 محمد باقر مدرّس رضوی ۲۰۴/۵
 محمد باقر مذهب ۱۶۰/۵
 محمد باقر مذهب باشی نقاشباشی ۱۶۰/۵
 محمد باقر مراغه‌ای ۲۱۱/۵
 محمدباقر موسوی امامی اصفهانی ۲۹۰/۱
 محمد باقر موسوی حسینی شهرستانی ۳۵۳/۳
 محمد باقر مهدوی ۳۱۵/۵
 محمد باقر میناساز ۱۶۰/۵
 محمد باقر نجم ثانی ۱۵/۲
 محمد باقر نشاطی گرجی اصفهانی ۴۰/۶
 محمد باقر نیری ۸۲/۶
 محمدباقر نیلغروشان راجی اصفهانی ۶۹/۳
 محمد باقر واثق همدانی ۹۳/۶
 محمد باقر هروی ۱۶۱/۵
 محمد باقر هوشیار شیرازی ۱۵۱/۶

- محمد باقر یزدی ۱۵۸، ۱۵۷/۶، ۱۵/۲
 محمد باکلنچار ۱۸/۲
 محمد بدخشى حسینی ۲۸/۲
 محمد بدخشى ماوراءالنهری ۲۹
 محمد بدیع همدانی ۱۴۹/۶
 محمد بریطی ۳۷/۲
 محمد بردسیری کرمانی ۳۷/۲
 محمد بردعی ۳۷/۲
 محمد بروجردی ۴۴/۲
 محمد بزرگ‌نیا دانش مشهدی ۱۲/۳
 محمد بقای اصفهانی ۶۴/۲
 محمد بلاق آگاه سمرقندی ۵۸/۱
 محمد بلخی ۶۸/۲
 محمد بلخی مولوی ۳۰۹/۵
 محمد بلیانی کازرونی نیشابوری ۷۰/۲
 محمد بن آدم ابوالمظفر نحوی هروی ۱۸۶/۱
 محمد بن آیبک بن عبدالله ۱۶۱/۵
 محمد بن ابراهیم پوشنگی ۱۲۵/۲
 محمد بن ابراهیم رازی ۷۲/۳
 محمد بن ابراهیم طبالسی رازی ۱۱۹/۴
 محمد بن ابراهیم عطار اصفهانی ۱۸۵/۴
 محمد بن ابراهیم فخر فارسی ۲۶۹/۴
 محمد بن ابوتراب ۱۶۱/۵
 محمد بن ابی بکر رازی ۷۶/۳
 محمد بن ابی طاهر ۱۶۱/۵
 محمد بن احمد ۱۶۲/۵
 محمد بن احمد ابن خنیا ۱۰۷/۱
 محمد بن احمد ابن شاهویه ۱۱۹/۱
 محمد بن احمد بخاری ۲۶/۲
 محمد بن احمد بیکندی بخاری ۱۰۷/۲
 محمد بن احمد جامی ۱۸۱/۲
 محمد بن احمد خفری جهرمی شیرازی ۳۳۲/۲
 محمد بن احمد خلیلی ۳۳۷/۲
 محمد بن احمد خلیلی تبریزی ۳۳۸/۲
 محمد بن احمد خوارزمی ۳۴۲/۲
 محمد بن احمد خویی ۳۴۹/۲
 محمد بن احمد دقیقی مروزی ۴۰/۳
 محمد بن احمد دولابی ۴۷/۳
 محمد بن احمد رامشی نیشابوری ۸۵/۳
 محمد بن احمد زکی نیشابوری ۱۶۲/۳
 محمد بن احمد زیدری نسوی ۱۷۷/۳
 محمد بن احمد سرخسی ۲۱۶/۳
 محمد بن احمد سمرقندی ۲۵۱/۳
 محمد بن احمد سمنانی ۲۵۴/۳
 محمد بن احمد شاشی ۲۸۳/۳
 محمد بن احمد صاعدی نیشابوری ۱۳/۴
 محمد بن احمد صیدلانی نیشابوری ۶۶/۴
 محمد بن احمد طبسی ۱۰۲/۴
 محمد بن احمد عسّال اصفهانی ۱۷۸/۴
 محمد بن احمد قزّاء ۲۷۲/۴
 محمد بن ادریس رازی ۷۲/۳
 محمد بن اسحاق ابن خزیمه ۱۰۵/۱
 محمد بن اسحاق بختانی روزنی ۲۱/۲
 محمد بن اسحاق سراج ثقفی نیشابوری ۲۱۴/۳
 محمد بن اسحاق صبغی نیشابوری ۲۵/۴
 محمد بن اسحاق صیمری ۶۹/۴
 محمد بن اسعد ابن مظفر شیرازی ۱۴۱/۱
 محمد بن اسلم طوسی ۱۱۶/۴
 محمد بن اسماعیل بخاری ۲۵/۲
 محمد بن اسماعیل درزی ۲۴/۳
 محمد بن اسماعیل فضیلی هروی ۲۹۹/۴
 محمد بن پیرعلی/امیرعلی برکلی ۴۳/۲
 محمد بن ثابت خجندی ۳۱۹/۲
 محمد بن جریر طبری ۹۸، ۹۷/۴
 محمد بن جعفر حلفی حویزی ۲۹۷/۲
 محمد بن حسن ابن اسفندیار ۹۳/۱
 محمد بن حسن دیدوزمی ۵۴/۳
 محمد بن حسن دیلمی بمانی ۵۶/۳
 محمد بن حسن رازی ۷۴/۳
 محمد بن حسن روزنی ۱۷۶/۳
 محمد بن حسن سرخسی ۲۱۶/۳
 محمد بن حسن صفار قمی ۴۴/۴
 محمد بن حسن صیدلانی اصفهانی ۶۶/۴
 محمد بن حسین بهاء ولد ۷۸/۲
 محمد بن حسین بیهقی ۱۱۱/۲
 محمد بن حسین خازن خراسانی ۳۰۸/۲
 محمد بن حسین خواهرزاده ۳۴۷/۲
 محمد بن حسین رازی ۷۶/۳
 محمد بن حسین زاغولی مروزی ۱۵۰/۳
 محمد بن حسین سلمی نیشابوری ۲۴۷/۳

- محمد بن حسین طقال نیشابوری ۱۱۲/۴
 محمد بن حسین کاتب لاری ۳۶۷/۳
 محمد بن حماد طهرانی رازی ۱۱۹/۴
 محمد بن خالد برقی قمی ۴۲/۲
 محمد بن خداداد ۱۶۲/۵
 محمد بن داوود دقّی دینوری دمشقی ۴۰/۳
 محمد بن داوود صوفی نیشابوری ۶۴/۴
 محمد بن داوود ظاهری اصفهانی ۱۲۳/۴
 محمد بنددوز تبریزی ۱۶۲/۵
 محمد بن زکریا رازی ۷۲/۳
 محمد بن زکریا صکوکى نسفی ۵۶/۴
 محمد بن سعد دیباجی مروزی ۵۳/۳
 محمد بن سلام بیکندی بخاری ۱۰۸/۲
 محمد بن سلیمان صعلوکی نیشابوری ۴۱/۴
 محمد بن صالح محمد ولوالجی مروی ۱۱۸/۶
 محمد بن صباغ دولابی ۴۷/۳
 محمد بن صدرالدین جمال خجندی ۲۰۵/۲
 محمد بن عباس خوارزمی ۳۴۱/۲
 محمد بن عبدالخالق ابن معروف ۱۴۴/۱
 محمد بن عبدالرحمن خطیب قزوینی ۳۳۱/۲
 محمد بن عبدالرحمن سنجاری ۲۵۷/۳
 محمد بن عبدالرحمن قاضی رئیس نسوی ۳۲۸/۴
 محمد بن عبدالرحمن گرگانی صیدلانی ۶۵/۴
 محمد بن عبدالرزاق جمال‌الدین اصفهانی ۲۰۵/۲
 محمد بن عبدالصمد دقاق بنوی ۶۳/۲
 محمد بن عبدالعزیز سیبویه اصفهانی ۲۷۰/۳
 محمد بن عبدالکریم شمس طبسی ۳۳۷/۳
 محمد بن عبدالله بابا کوهی شیرازی ۴
 محمد بن عبدالله بیضاوی ۱۰۴/۲
 محمد بن عبدالله خطیب اسکافی ۳۳۰/۲
 محمد بن عبدالله دویری نیشابوری ۵۰/۳
 محمد بن عبدالله رازی ۷۲/۳
 محمد بن عبدالله رازی دمشقی ۷۹/۳
 محمد بن عبدالله ستاران ۲۰۵/۳
 محمد بن عبدالله سوسی ۲۶۱/۳
 محمد بن عبدالله صفار اصفهانی خراسانی ۴۳/۴
 محمد بن عبدالملک خطیر جرجانی ۳۳۱/۲
 محمد بن عبدالملک دیلمی ۵۵/۳
 محمد بن عبدالواحد صائغ اصفهانی ۱/۴
 محمد بن عبدالله صرام نیشابوری ۴۱/۴
 محمد بن عثمان زوزنی ۱۷۶/۳
 محمد بن علی جیان اصفهانی ۱۸۵/۲
 محمد بن علی جرجانی ۱۸۹/۲
 محمد بن علی خسروی سرخسی ۳۲۷/۲
 محمد بن علی دارکی اصفهانی ۴/۳
 محمد بن علی داستانی ۵/۳
 محمد بن علی دامغانی ۷/۳
 محمد بن علی راوندی ۸۷/۳
 محمد بن علی صالحانی اصفهانی ۱۷/۴
 محمد بن علی صایغ خراسانی ۲۰/۴
 محمد بن علی صفار خُشّاب نیشابوری ۴۳/۴
 محمد بن علی طبری ۱۰۰/۴
 محمد بن علی طوسی ۱۱۴/۴
 محمد بن علی ظهیری سمرقندی ۱۳۰/۴
 محمد بن علی عُمیری هروی ۲۱۸/۴
 محمد بن علی نجیب سمرقندی ۲۹/۶
 محمد بن علی نقاش اصفهانی ۶۱/۶
 محمد بن عمر رادویانی ۷۰/۳
 محمد بن عمر سهروردی ۲۶۴/۳
 محمد بن عمر فخر رازی ۲۶۸/۴
 محمد بن عمر فرقدی خراسانی ۲۸۳/۴
 محمد بن عمر قرشی ۳۴۶/۴
 محمد بن عمرو فزاری مروزی ۲۹۲/۴
 محمد بن عیسی بروجرودی ۴۴/۲
 محمد بن فضل صاعدی فراوی نیشابوری ۱۳/۴
 محمد بن فضل طاقی سجستانی هروی ۸۱/۴
 محمد بن قاسم صفار نیشابوری ۴۴/۴
 محمد بن قاسم عَتَکی نیشابوری ۱۶۹/۴
 محمد بن مبارک حکیم شاه قزوینی ۲۸۹/۲
 محمد بن محمد بخاری ۲۶/۲
 محمد بن محمد بقال ۶۴/۲
 محمد بن محمد پارسا ۱۱۴/۲
 محمد بن محمد سرخسی ۲۱۶/۳
 محمد بن محمد ششقی ۳۱۸/۳
 محمد بن محمد طوسی ۱۱۶/۴
 محمد بن محمد نسفی بزدوی ۵۴/۲
 محمد بن محمود سمرقندی ۲۵۱/۳
 محمد بن محمود طوسی ۱۱۶/۴
 محمد بن محمود ظهیر نیشابوری ۱۲۹/۴
 محمد بن مسعود عبّاسی سمرقندی ۲۲۳/۴

- محمد بن مسلم رازی ۷۴/۳
 محمد بن معمر عیشمی اصفهانی ۱۶۷/۴
 محمد بن مقاتل رازی ۷۷/۳
 محمد بن ملا صدرا ۲۸۵/۵
 محمد بن منصور سمعانی مروزی ۲۵۳/۳
 محمد بن منصور طوسی ۱۱۴/۴
 محمد بن منور ۱۶۲/۵
 محمد بن موسی خوارزمی ۳۴۲/۲
 محمد بن موسی رازی ۷۷/۳
 محمد بن موسی صیرفی نیشابوری ۶۸/۴
 محمد بن میر محمد صادق ۲۷۴/۳
 محمد بن میمون سکری مروزی ۲۳۰/۳
 محمد بن مؤید حموی ۲۹۴/۲
 محمد بن ناماور خنجی ۳۳۸/۲
 محمد بن نصرالله دامغانی ۸/۳
 محمد بن نظام شرفی یزدی ۳۰۸/۳
 محمد بن هارون رویانی ۱۴۱/۳
 محمد بن هبةالله بروجردی ۴۴/۲
 محمد بن یحیی ذهلی نیشابوری ۶۶/۳
 محمد بن یحیی رازی ۷۳/۳
 محمد بن یحیی نیشابوری ۸۹/۶
 محمد بن یوسف ابوالحسن عامری نیشابوری ۱۵۹/۱
 محمد بن یوسف زرنندی ۱۵۷/۳
 محمد بن یوسف سمرقندی ۲۵۲/۳
 محمد بن یوسف عروس الزهراء اصفهانی ۱۷۵/۴
 محمد بهاءالدین نقشبند ۷۷/۲
 محمد بهبهانی ۸۶/۲
 محمد بهرام ۱۶۳/۵
 محمد بیدآبادی ۹۹/۲
 محمد بیدل کرمانشاهی ۱۰۰/۲
 محمد بیوم خان بهارلوی ۱۰۱/۲
 محمد بی‌ریای گیلانی ۱۰۴/۲
 محمد بیغمی ۱۰۶/۲
 محمد بیگ، خلیفةالخلاقی ۳۳۴/۲
 محمد بیگ فرصت ۲۸۲/۴
 محمد بینا نهارندی ۱۰۹/۲
 محمد پاییزی نسوی ۱۱۶/۲
 محمد پرستش کاشانی ۱۱۹/۲
 محمد پروانه اصفهانی ۱۱۹/۲
 محمد پروین همدانی ۱۲۰/۲
 محمد پناه ۱۶۳/۵
 محمد پناه خیرخواه ۳۵۳/۲
 محمد تاج‌الدین کازرونی ۱۳۴/۲
 محمد تبادکانی ۱۳۶/۲
 محمد تبریزی ۱۶۳/۵، ۳۴۱
 محمد ترکابادی ۱۴۵/۲
 محمد ترکستانی ۱۴۵/۲
 محمد ترمذی ۱۴۸/۲
 محمد تروغبدی ۱۴۸/۲
 محمد تعلیمی ۱۵۱/۲
 محمد تقی ۱۶۵/۵
 محمد تقی آقا بابا طیب شیرازی ۴۳/۱
 محمد تقی آقا نجفی اصفهانی ۵۶/۱
 محمد تقی آل احمد طالقانی ۶۱/۱
 محمد تقی آل بحرالعلوم ۶۳/۱
 محمد تقی آملی ۷۱/۱
 محمد تقی آینی بیرجندی ۷۹/۱
 محمد تقی احسانی ۱۹۹/۱
 محمد تقی ادب کرمانشاهی ۲۱۶/۱
 محمد تقی ادیب نیشابوری ۲۲۳/۱
 محمد تقی اردکانی ۲۲۹، ۲۲۸/۱
 محمد تقی اشراقی ۲۵۴/۱
 محمد تقی الماسی شمس‌آبادی ۲۸۲/۱
 محمد تقی امامی اصفهانی ۲۹۰/۱
 محمد تقی امینی مراغی ۳۰۸/۱
 محمد تقی بافتی ۱۰/۲
 محمد تقی برغانی قزوینی ۳۹/۲
 محمد تقی بروجردی کاشانی ۵۰/۲
 محمد تقی بسمل دامغانی شیرازی ۵۹/۲
 محمد تقی بلاغی نایینی ۶۷/۲
 محمد تقی بن شفیع عباسی ۱۶۵/۵
 محمد تقی بن شیخ عباسی ۱۶۵/۵
 محمد تقی بهار ۷۸/۲
 محمد تقی بهلول گنابادی ۹۴/۲
 محمد تقی بیدل آشتیانی ۱۰۰/۲
 محمد تقی نائب قندهاری ۱۳۱/۲
 محمد تقی نشنة تهرانی ۱۵۰/۲
 محمد تقی تعظیم مازندرانی ۱۵۱/۲
 محمد تقی تقوی ۱۵۳، ۱۵۲/۲
 محمد تقی جامع محیط نایینی ۱۹۷/۵

- محمد تقی مجتهد همدانی ۱۳۰/۵
 محمد تقی مجلسی ۱۳۵/۵
 محمد تقی/محمد تقی صاحب علی آبادی مازندرانی ۸/۴
 محمد تقی مدرس رضوی ۲۰۴/۵
 محمد تقی مدرس رضوی خراسانی ۲۰۴/۵
 محمد تقی مذهب اصفهانی ۱۶۵/۵
 محمد تقی مذهب باشی شیرازی ۱۶۵/۵
 محمد تقی مروارید کاشی ۱۵۵/۲
 محمد تقی مشهدی ۱۵۶/۲
 محمد تقی مصطفوی کاشانی ۲۵۳/۵
 محمد تقی مظفر علیشاه ۲۶۲/۵
 محمد تقی مقدس تهرانی ۲۷۹/۵
 محمد تقی میرزا رکن الدوله قاجار ۱۲۵/۳
 محمد تقی میرزای شیرازی ۳۳۳/۵
 محمد تقی میر کازرونی ۳۳۹/۵
 محمد تقی نوایی مازندرانی ۶۷/۶
 محمد تقی نوری طبرسی ۷۴/۶
 محمد تقی نیر تبریزی ۸۲/۶
 محمد تقی نیشابوری ۱۵۶/۲
 محمد تقی همدانی ۱۶۵/۵
 محمد تقی یزدی ۱۵۸/۶
 محمد تنکابنی ۱۵۹/۲، ۱۶۱
 محمد تولایی ۱۶۴/۲
 محمد جاجرمی ۱۶۶/۵
 محمد جامه بان فکری مشهدی ۳۰۳/۴
 محمد جان شیرازی ۳۷۶/۳
 محمد جان قدسی مشهدی ۳۴۳/۴
 محمد جرجانی اصفهانی ۱۸۹/۲
 محمد جعفر ۱۶۶/۵
 محمد جعفر آبادی ۱/۱
 محمد جعفر ادیب شیرازی ۲۱۹/۱
 محمد جعفر اصفهانی ۱۶۶/۵
 محمد جعفر امامی ۱۶۶/۵
 محمد جعفر ایقان شیرازی ۳۲۵/۱
 محمد جعفر بهجت شیرازی ۸۷/۲
 محمد جعفر پروانه کرمانی ۱۲۰/۲
 محمد جعفر تهرانی حایری ۱۶۶/۵
 محمد جعفر جعفری تبریزی ۲۰۰/۲
 محمد جعفر حجاب شیرازی ۲۵۲/۲
 محمد جعفر حسینی رضوی ۲۸۰/۲
 محمد تقی خاتون آبادی اصفهانی ۳۰۶/۲
 محمد تقی خادم شیرازی ۳۰۷/۲
 محمد تقی خان امیر کبیر ۳۲۸/۵
 محمد تقی خوانساری ۳۴۵/۲
 محمد تقی دانش پژوه ۱۰/۳
 محمد تقی دبیرالدوله ۱۹/۳
 محمد تقی دزفولی ۳۱/۳
 محمد تقی دزفولی کاظمی ۳۳/۳
 محمد تقی رازی اصفهانی ۷۹/۳
 محمد تقی رشتی ۱۰۳/۳
 محمد تقی رضوی قمی ۱۱۶/۳
 محمد تقی رفیعی ۵۵/۶
 محمد تقی زیور یزدی ۱۸۴/۳
 محمد تقی سبزواری ۲۰۱/۳
 محمد تقی سپهر کاشانی ۲۰۴/۳
 محمد تقی ستوده ۲۰۶/۳
 محمد تقی سیاح شیرازی ۲۰۹/۳
 محمد تقی سهای شیرازی ۲۶۱/۳
 محمد تقی شریعتی مزینانی ۳۱۲/۳
 محمد تقی شوریده شیرازی ۳۴۳/۳
 محمد تقی شوکت قاجار ۳۴۶/۳
 محمد تقی شیرازی ۱۵۵/۲، ۳۷۶/۳
 محمد تقی صدرا ۳۱/۴
 محمد تقی صفای قمی ۴۷/۴
 محمد تقی صهبای قمی ۶۴/۴
 محمد تقی طالقانی ۸۴/۴
 محمد تقی عاقلای طالقانی ۱۳۶/۴
 محمد تقی عندلیب کاشی ۲۲۰/۴
 محمد تقی فایق آشتیانی ۲۶۲/۴
 محمد تقی فخر داعی گیلانی ۲۶۷/۴
 محمد تقی فلسفی ۳۰۳/۴
 محمد تقی کاتب السلطانی رشیدای ثانی ۱۰۵/۳
 محمد تقی کاشانی ۱۰، ۸/۵
 محمد تقی کمال ۵۱/۵
 محمد تقی کهنمویی ۶۶/۵
 محمد تقی کیهان ۷۰/۵
 محمد تقی گلپایگانی ۷۷/۵
 محمد تقی گلستان ونکی ۷۹/۵
 محمد تقی گوگدی گلپایگانی ۸۶/۵
 محمد تقی الله ۱۵۵/۲

- محمد جعفر حکیم الهی ۲/ ۲۸۷
 محمد جعفر ذلیل آذربایجانی ۳/ ۶۳
 محمد جعفر راهب طباطبایی اصفهانی ۳/ ۸۸
 محمد جعفر سالک ۳/ ۱۹۳
 محمد جعفر شریف قاینی ۳/ ۳۱۵
 محمد جعفر شعله تبریزی ۳/ ۳۲۰
 محمد جعفر شیرازی ۳/ ۳۷۶، ۵/ ۱۶۶
 محمد جعفر صحاف رجایی اصفهانی ۳/ ۹۲
 محمد جعفر طاهری ۴/ ۹۱
 محمد جعفر طرب نایینی اصفهانی ۴/ ۱۰۸
 محمد جعفر قاری تبریزی ۴/ ۳۲۰
 محمد جعفر کاشانی ۵/ ۱۳، ۱۶۶
 محمد جعفر کرباسی ۵/ ۲۸
 محمد جعفر لاهیجی ۵/ ۹۸
 محمد جعفر مجذوب علیشاه همدانی ۵/ ۱۳۴
 محمد جعفر مذهب اصفهانی ۵/ ۲۱۰
 محمد جعفر مطبوع شیرازی ۵/ ۲۵۶
 محمد جعفر میناساز ۵/ ۱۶۷
 محمد جعفر یزدی ۵/ ۱۶۷
 محمد جنیدی تربتی ۲/ ۲۱۲
 محمد جواد ۵/ ۱۶۷
 محمد جواد آخوند قمی ۱/ ۱۰
 محمد جواد آیت‌اللهی دارابی شیرازی ۱/ ۷۸
 محمد جواد بهروزی بوشهری ۲/ ۹۱
 محمد جواد ربیعی نوری ۳/ ۹۱
 محمد جواد رفیعی قهفرخی اصفهانی ۳/ ۱۲۳
 محمد جواد شهاب کرمانشاهی ۳/ ۳۰۰
 محمد جواد صافی گلپایگانی ۴/ ۱۶
 محمد جواد مشکور ۵/ ۲۴۶
 محمد جواد نهاوندی ۶/ ۷۸
 محمد جواد ولایی ۶/ ۱۱۷
 محمد جواد هوشمند بوشهری ۶/ ۱۵۱
 محمد جوینی ۲/ ۲۱۷
 محمد جیحون یزدی ۲/ ۲۲۰
 محمد چاکر اشرفی ۲/ ۲۲۱
 محمد چشتی ۲/ ۲۲۲
 محمد چنگی ۲/ ۲۲۴
 محمد حایری مازندرانی ۲/ ۲۴۶
 محمد حجازی ۲/ ۲۵۳
 محمد حجت کوه‌کمری ۵/ ۶۴
 محمد حریمی نیشابوری ۲/ ۲۵۷
 محمد حسن ۵/ ۱۶۷، ۱۶۸
 محمد حسن آقا بزرگ ساوجی ۱/ ۴۵
 محمد حسن آل طیب شوشتری ۱/ ۶۵
 محمد حسن آیت قزوینی ۱/ ۷۸
 محمد حسن احسن شیرازی ۱/ ۱۹۹
 محمد حسن ادیب الدوله ۱/ ۲۱۸
 محمد حسن ادیب هروی ۱/ ۲۲۳
 محمد حسن ادیبی کازرونی ۱/ ۲۲۳
 محمد حسن بدیع شیرازی ۲/ ۳۳
 محمد حسن جانی کاشانی ۲/ ۱۸۳
 محمد حسن جزایری شوشتری ۲/ ۱۹۳
 محمد حسن حداد اصفهانی ۲/ ۲۵۵
 محمد حسن/ حسین شوقی ساوجی ۳/ ۳۴۵
 محمد حسن حسینی ۲/ ۲۷۸
 محمد حسن حسینی آقا خان محلاتی اول ۱/ ۴۸
 محمد حسن حسینی تبریزی ۲/ ۲۷۹
 محمد حسن خان اعتمادالسلطنه صنیع الملک ۱/ ۲۶۸
 محمد حسن خان فرخ زند ۴/ ۲۷۵
 محمد حسن خدایی اصفهانی ۲/ ۳۲۱
 محمد حسن دبیر شیرازی ۳/ ۲۰
 محمد حسین درویش اصفهانی ۳/ ۲۴
 محمد حسن دزفولی ۳/ ۳۱
 محمد حسن رضوی ۵/ ۱۶۸
 محمد حسن رضوی نیشابوری ۳/ ۱۱۶
 محمد حسن زرگر اصفهانی ۳/ ۱۵۶
 محمد حسن زکی ۳/ ۱۶۱
 محمد حسن زلالی خوانساری ۳/ ۱۶۲
 محمد حسن زنجان‌ی ۳/ ۱۷۲
 محمد حسن زنوزی تبریزی ۳/ ۱۷۵
 محمد حسن سامانی شیرازی ۳/ ۱۹۵
 محمد حسن سبحانی ۳/ ۲۰۰
 محمد حسن سنتورخان ۳/ ۲۵۶
 محمد حسن شریعت سنگلجی ۳/ ۳۱۰
 محمد حسن شریعتمدار استرآبادی تهرانی ۳/ ۳۱۰
 محمد حسن شفتی جاپلقی ۲/ ۱۷۹
 محمد حسن شیخ کبیر طبرسی ۳/ ۳۶۷
 محمد حسن شیرازی ۵/ ۱۶۸
 محمد حسن صاحب «جواهر الکلام» ۴/ ۷
 محمد حسن صالح علیشاه گنابادی ۴/ ۱۸

- محمد حسن طالقانی ۸۵/۴
 محمد حسن طباطبایی نایینی ۹۵/۴
 محمد حسن طوبی دزفولی ۱۱۴/۴
 محمد حسن ظریف اصفهانی ۱۲۴/۴
 محمد حسن عدالت ۱۷۱/۴
 محمد حسن عسکری حسینی سمنانی ۱۸۰/۴
 محمد حسن قاینی ۳۳۹/۴
 محمد حسن قزوینی شیرازی ۳۵۵/۴
 محمد حسن قناد ۱۹۱/۳
 محمد حسن کاتب الهی شیرازی ۲۸۴/۱
 محمد حسن کاشانی ۱۱/۵
 محمد حسن کمال‌الدوله میرپنج ۵۳/۵
 محمد حسن گنجوی ۸۵/۵
 محمد حسن گنجی ۸۵/۵
 محمد حسن مامقانی ۱۱۷/۵
 محمد حسن/محسن غزال کرمانی ۲۳۲/۴
 محمد حسن منشی اصفهانی ۲۹۶/۵
 محمد حسن میرزای شیرازی ۳۳۲/۵
 محمد حسن نقاشباشی ۱۶۸/۵
 محمد حسینی تبریزی ۲۶۹/۲
 محمد حسین ۱۶۸/۵
 محمد حسین آزاد خاتون‌آبادی ۲۷/۱
 محمد حسین آصف ابراهیمی کرمانی ۳۸/۱
 محمد حسین آغا پرشته ۴۰/۱
 محمد حسین آغولی ۱۴۷/۲
 محمد حسین آقایی ۵۸/۱
 محمد حسین آل طیب شوشتری ۶۶/۱
 محمد حسین آیتی قائنی ۸۰/۱
 محمد حسین اجری یزدی ۱۹۸/۱
 محمد حسین ادیب شیرازی ۲۱۹/۱
 محمد حسین استخر ۲۳۴/۱
 محمد حسین اسیر تبریزی ۲۵۲/۱
 محمد حسین اصفهانی ۱۶۸/۵، ۲۶۴/۱
 محمد حسین انسوس شیرازی ۲۷۳/۱
 محمد حسین امامی اصفهانی ۲۹۱/۱
 محمد حسین امیرالشعراء نادری ۲۹۹/۱
 محمد حسین ایرانی ۱۶۹/۵
 محمد حسین باسنی ۹/۲
 محمد حسین باغ دشتی هروی ۱۰/۲
 محمد حسین بحرانی ۲۴/۲
 محمد حسین برازجانی ۳۶/۲
 محمد حسین بروجرودی ۴۷/۲
 محمد حسین بلبل کوچک خراسانی ۶۷/۲
 محمد حسین بن خلف برهان تبریزی ۵۲/۲
 محمد حسین بهجت شهریار تبریزی ۳۵۴/۲
 محمد حسین بهجتی اردکانی ۸۸/۲
 محمد حسین بیگ اختر مازندرانی ۲۱۱/۱
 محمد حسین بیگ معلوم تبریزی ۲۶۹/۵
 محمد حسین بیوک رهی معیری ۱۴۴/۳
 محمد حسین تاراج اصفهانی ۱۳۵/۲
 محمد حسین تبریزی ۱۳۸/۲
 محمد حسین تجلی کاشانی ۱۴۱/۲
 محمد حسین تنکابنی ۱۶۰/۲
 محمد حسین جانی فسایی ۱۸۳/۲
 محمد حسین جلیلی بیدار ۹۹/۲
 محمد حسین چلبی تبریزی ۲۲۴/۲
 محمد حسین حافظ ۲۳۵/۲
 محمد حسین حسینی ۲۷۴/۳، ۲۷۸/۲
 محمد حسین حسینی دبیرالملک ۲۱/۳
 محمد حسین حسینی شیرازی ۲۸۰/۲
 محمد حسین حسینی قائنی ۱۶۹/۵
 محمد حسین حسینی مشهدی ۲۸۲/۲
 محمد حسین حسینی وفای فراهانی ۱۱۳/۶
 محمد حسین حسینی یزدی ۲۸۲/۲
 محمد حسین خاتون‌آبادی اصفهانی ۳۰۶/۲
 محمد حسین خان فخرالدوله مروی ۲۲۵/۵
 محمد حسین خیابانی سبحانی ۳۵۱/۲
 محمد حسین دایی نمایشی ۱۷/۳
 محمد حسین دبیر فارسی ۲۰/۳
 محمد حسین دزمانی قراچه داغی ۳۳/۳
 محمد حسین ذاتی شیرازی ۶۱/۳
 محمد حسین ذکاءالملک فروغی ۲۸۶/۴
 محمد حسین راحت فسوی ۷۰/۳
 محمد حسین رازی اصفهانی ۷۹/۳
 محمد حسین ریاض ۸۹/۳
 محمد حسین رئانی قریب گرکانی ۹۰/۳
 محمد حسین رزه‌ای باخرزی ۹۸/۳
 محمد حسین رضوان اصفهانی ۱۱۲/۳
 محمد حسین رکن‌زاده آدمیت ۱۲۵/۳
 محمد حسین روضه‌خوان حافظ تبریزی ۲۳۶/۲

- محمد حسین رونق کرمانی ۱۴۰ / ۳
 محمد حسین رئیس‌الکتاب ۱۲۸ / ۳
 محمد حسین زیتنی مشهدی ۱۷۹ / ۳
 محمد حسین سالک اصفهانی ۱۹۳ / ۳
 محمد حسین سرعت مازندرانی ۲۱۸ / ۳
 محمد حسین سرور خوانساری ۲۲۰ / ۳
 محمد حسین سعادت ۲۲۳ / ۳
 محمد حسین سلطان آبادی ۲۳۱ / ۳
 محمد حسین سهوی تبریزی ۲۶۵ / ۳
 محمد حسین شهاب رامینی ۳۰۰ / ۳
 محمد حسین شریفی ذهبی شیرازی ۳۱۷ / ۳
 محمد حسین شعاع‌الملک شیرازی ۳۱۸ / ۳
 محمد حسین شمیم اصفهانی ۳۴۱ / ۳
 محمد حسین شهرستانی حایری ۳۵۳ / ۳
 محمد حسین شیرازی ۱۶۹/۵، ۳۷۶ / ۳
 محمد حسین صبوری تبریزی ۲۶ / ۴
 محمد حسین صدر قزوینی ۳۷ / ۴
 محمد حسین صراف اصفهانی ۲۷۱ / ۲
 محمد حسین صغیر اصفهانی ۴۲ / ۴
 محمد حسین صفای اصفهانی ۴۵ / ۴
 محمد حسین صفای شیرازی ۴۶ / ۴
 محمد حسین صنیع خاتم ۵۹ / ۴
 محمد حسین ضیاء اصفهانی ۷۳ / ۴
 محمد حسین طباطبایی ۹۳ / ۴
 محمد حسین طوبی کاشانی ۱۱۴ / ۴
 محمد حسین عالی شیرازی ۱۳۷ / ۴
 محمد حسین عالی کردستانی ۱۳۷ / ۴
 محمد حسین علی‌آبادی ۱۹۹ / ۴
 محمد حسین عمادالکتاب سیفی قزوینی ۲۱۵ / ۴
 محمد حسین عندلیب کاشانی ۲۲۰ / ۴
 محمد حسین عنقای شیرازی ۲۲۱ / ۴
 محمد حسین غالب اصفهانی ۲۲۸ / ۴
 محمد حسین غروی اصفهانی ۲۳۰ / ۴
 محمد حسین غروی یروجردی ۲۳۰ / ۴
 محمد حسین غفاری ۲۷۵ / ۳
 محمد حسین فرشیدی ۲۸۱ / ۴
 محمد حسین فغفور لاهیجی ۳۰۰ / ۴
 محمد حسین قاصر زهانی قاینی ۳۲۶ / ۴
 محمد حسین قمشاه‌ای نجفی ۳۶۶ / ۴
 محمد حسین کاتب السلطان تهرانی ۱۶۷ / ۲
 محمد حسین کاتب السلطان شیرازی ۲ / ۵
 محمد حسین کازرونی ۱۶۹ / ۵
 محمد حسین کاشانی ۱۶۹ / ۵
 محمد حسین کرباسی ۲۸ / ۵
 محمد حسین کرمانشاهی ۳۱ / ۵
 محمد حسین کرمانی ۳۴ / ۵
 محمد حسین کلهر کرمانشاهی ۴۷ / ۵
 محمد حسین کیهان شیرازی ۷۱ / ۵
 محمد حسین گلبن فراهانی ۷۵ / ۵
 محمد حسین لشکری ۱۰۰ / ۵
 محمد حسین لطفی یزدی ۱۰۴ / ۵
 محمد حسین مازندرانی ۱۶۹/۵، ۲۷۵ / ۲
 محمد حسین مجاهد شیرازی ۱۲۶ / ۵
 محمد حسین مدرس صادقی اصفهانی ۲۰۲ / ۵
 محمد حسین مذهب اصفهانی ۱۷۰ / ۵
 محمد حسین مرعشی نجفی ۲۱۸ / ۵
 محمد حسین مشایخ فریدنی ۲۴۰ / ۵
 محمد حسین مشکین قلم اصفهانی ۲۴۷ / ۵
 محمد حسین مشکین قلم شیرازی ۲۴۷ / ۵
 محمد حسین مهدوی ۳۱۵ / ۵
 محمد حسین ناجی اندجانی ۱ / ۶
 محمد حسین ناخدا شیرازی ۲ / ۶
 محمد حسین ناشرالاسلام شوشتری ۵ / ۶
 محمد حسین ناصر ترک یزدی ۷ / ۶
 محمد حسین نجات تبریزی ۲۱ / ۶
 محمد حسین نجمی شیرازی ۲۹ / ۶
 محمد حسین نظیری نیشابوری ۵۷ / ۶
 محمد حسین نورس دماوندی ۷۱ / ۶
 محمد حسین نیریزی ۸۳ / ۶
 محمد حسین همد شیرازی ۱۴۹ / ۶
 محمد حسینی ۱۶۳/۵، ۲۷۸ / ۲
 محمد حسین یاری اصفهانی ۱۵۴ / ۶
 محمد حسینی استرآبادی ۲۳۶ / ۱
 محمد حسینی امامی ۱۶۳ / ۵
 محمد حسینی تبریزی ۲۷۹ / ۲
 محمد حسین یزدی ۱۵۸/۶، ۱۷۰ / ۵
 محمد حسینی شریفی شیرازی ۲۰۲ / ۲
 محمد حسینی شمس‌الکتاب ۳۳۹ / ۳
 محمد حسینی مکی چشتی ۲۸۲ / ۲
 محمد حسینی نایینی اصفهانی ۲۸۲ / ۲

- محمد حکاک ۱۶۳/۵
 محمد حکیم حافظ ۱۴۷/۲
 محمد حکیم حسینی ۲۷۸/۲
 محمد حکیم قبلی خویی ۲۹۰/۲
 محمد حمزه شریعتمداری مازندرانی ۳۱۱/۳
 محمد / حمید بدخشی سمرقندی ۲۸
 محمد حیران کردستانی ۳۰۲/۲
 محمد خاتون آبادی ۳۰۵/۲
 محمد خاک قزوینی ۳۱۰/۲
 محمد خان بهادر اصفهانی ۲۱۱/۳
 محمد خان بهادر بوشهری ۷۶/۲
 محمد خان رنجور قاجار ۱۲۷/۳
 محمد خان روائ الشعراء کاشی ۸۸/۳
 محمد خان غفاری کاشانی کمال الملک ۵۵/۵
 محمد خان کامل کرمانشاهی ۲۳/۵
 محمد خان کفوری کرمانشاهی تهرانی ۴۵/۵
 محمد خیوشانی ۳۱۸/۲
 محمد خمسته کاشانی ۳۱۹/۲
 محمد خرمشاهی خرقانی ۳۲۵/۲
 محمد خطای شوشتری ۳۲۹/۲
 محمد خلیفه نیشابوری ۳۳۵/۲
 محمد خلیل حسینی مرعشی ۲۸۱/۲
 محمد خلیل خراسانی ۳۳۶/۲
 محمد خلیل رجایی ۹۱/۳
 محمد خلیل عجیب مازندرانی ۱۷۱/۴
 محمد خلیل قاینی اصفهانی ۳۳۹/۴
 محمد خواجه زاده ۳۴۰/۲
 محمد خوارزمشاهی ۱۶۴/۵
 محمد خوانساری ۳۴۶/۲
 محمد خوشنویس نظری ۱۶۴/۵
 محمد خیابانی ۳۵۱/۲
 محمد خیاط عاشق اصفهانی ۱۳۴/۴
 محمد خیام ۱۶۴/۵
 محمد داغستانی ۱۶۴/۵
 محمد دامغانی ۱۶۲/۵
 محمد داوری شیرازی ۱۵/۳
 محمد داوود توپسرکانی ۱۷/۳
 محمد دبیر سیاقی قزوینی ۲۰/۳
 محمد درویش سمرقندی ۲۶/۳
 محمد دزفولی ۳۱/۳
 محمد دستجردی ۳۳/۳
 محمد دشتکی ۳۵/۳
 محمد دشتی فارسی ۳۸/۳
 محمد دعویدار قمی ۳۸/۳
 محمد دغولی سرخسی ۳۸/۳
 محمد دفتری ۳۹/۳
 محمد دقاق اصفهانی ۳۹/۳
 محمد دقایقی مروزی ۴۰/۳
 محمد دهدار شیرازی ۵۱/۳
 محمد ذره کشفی اصطهباناتی ۶۳/۳
 محمد ذهبی مجدالاشراف شیرازی ۱۳۰/۵
 محمد رازی ۷۸/۳
 محمد رحمت اصفهانی ۹۳/۳
 محمد رحیم ۱۷۰/۵
 محمد رحیم ادبیلی ۱۷۰/۵
 محمد رحیم بروجردی ۴۸/۲
 محمد رحیم زلالی شیرازی ۱۶۳/۳
 محمد رحیم عنقای قاجار ۲۲۲/۴
 محمد رحیم گرایلی ۷۴/۵
 محمد رحیم مهدی ۱۷۰/۵
 محمد رحیم نظر علیشاه نایینی ۵۵/۶
 محمد رستمدرای ۱۷۰/۵
 محمد رشاد ۱۰۰/۳
 محمد رشنی ۱۰۳/۳
 محمد رشید اسفراینی ۱۰۵/۳
 محمد رشید خان تیریزی ۱۷۱/۵
 محمد رشید ضیایی دزفولی ۷۷/۴
 محمدرضا ۱۷۱/۵
 محمدرضا آتش اصفهانی ۴/۱
 محمد رضا آفاقی کرمانی ۴۱/۱
 محمدرضا آقاسی ۵۰/۱
 محمدرضا آل بحر العلوم ۶۴/۱
 محمدرضا ابوالمجد اصفهانی ۱۸۵/۱
 محمدرضا اخگر اصفهانی ۲۱۳/۱
 محمدرضا اصلاح درسی ۲۶۵/۱
 محمدرضا افسر قاجار ۲۷۲/۱
 محمدرضا امامی اصفهانی ۲۹۱/۱
 محمدرضا امامیان مبینی ۲۹۵/۱
 محمدرضا بروجردی ۴۶/۲
 محمدرضا بنای اصفهانی ۱۷۱/۵

- محمدرضا کازرونی ۱۱۱/۳
 محمدرضا کشمیری زاده شیرازی ۴۲/۵
 محمدرضا کله‌ر ۴۹/۵
 محمد رضا کوثر همدانی ۶۰/۵
 محمد رضا گلپایگانی ۷۷/۵
 محمدرضا مدرس خاتون آبادی ۲۰۳/۵
 محمدرضا مساوات برازجانی شیرازی ۲۲۸/۵
 محمدرضا مشفق قمی ۲۴۵/۵
 محمد رضا مشهدی ۱۱۲/۳
 محمدرضا میرزاده عشقی همدانی ۳۳۰/۵
 محمدرضا نایب اصفهانی ۱۸/۶
 محمدرضا نوری مازندرانی ۱۱۲/۳
 محمد رضا نوعی خبوشانی ۷۵/۶
 محمدرضا نیاز شیرازی ۷۹/۶
 محمدرضا واعظ همدانی ۱۱۲/۳
 محمدرضا هزار شیرازی ۱۳۸/۶
 محمد رضایی تنه‌ای ۱۱۲/۳
 محمد رضوانی نسایی ۱۱۳/۳
 محمد رضوی ۱۱۵، ۱۱۴/۳
 محمد رضی استرآبادی ۱۱۷/۳
 محمد رضی بنده تبریزی ۷۲/۲
 محمد رضی فاتح گیلانی ۲۴۹/۴
 محمد رفیعا نایینی ۱۲۱/۳
 محمد رفیع باذل مشهدی ۶
 محمدرفع تبریزی ۱۳۷/۲
 محمد رفیع طرب مرو دشتی شیرازی ۱۰۷/۴
 محمدرفع گیلانی ۱۲۱/۳
 محمد رفیع نظام العلماء تبریزی ۵۱/۶
 محمد رموزی نسلجی کاشی ۱۲۷/۳
 محمد روجی ۱۲۸/۳
 محمد روحانی ۱۲۹/۳
 محمد ریاحی اصفهانی ۱۴۴/۳
 محمد زاهد تبریزی ۱۵۰/۳
 محمد زاهد علایی بخاری ۱۵۱/۳
 محمد زجاجی نیشابوری ۱۵۴/۳
 محمد زرکوب تبریزی ۱۵۶/۳
 محمد زکی خطیب کرمانشاهی ۳۳۱/۲
 محمد زکی غزنوی ۱۶۲/۳
 محمد زکی مطیع مازندرانی ۲۵۹/۵
 محمد زمان اثر مازندرانی ۱۹۷/۱
 محمدرضا بیگ همدانی ۱۱۲/۳
 محمدرضا پاشا چلبی تبریزی ۲۲۲/۲
 محمدرضا تبریزی ۱۳۷/۲، ۱۷۱/۵، ۱۷۲
 محمدرضا تقوی ۱۵۳/۲
 محمدرضا تنکابنی ۱۶۱/۲
 محمدرضا جلالی نایینی ۲۰۴/۲
 محمدرضا چرختاب ۲۲۱/۲
 محمدرضا چلبی ۲۲۳/۲
 محمد رضا خوانساری ۱۱۱/۳
 محمدرضا داغی مشهدی ۷/۳
 محمدرضا دامغانی ۸/۳
 محمدرضا دایی جواد ۱۷/۳
 محمدرضا دزفولی ۳۱/۳
 محمدرضا دستجردی ۳۳/۳
 محمدرضا دستغیب شیرازی ۳۴/۳
 محمدرضا دماوندی ۴۲/۳
 محمدرضا دهخوار قانی ۵۱/۳
 محمدرضا ذوالفقار ۶۴/۳
 محمدرضا رضای بروجردی ۱۱۱/۳
 محمدرضا زرگر راضی تبریزی ۸۲/۳
 محمدرضا زنجانی ۱۷۱/۳
 محمدرضا سارو خواجه جوینی ۱۸۸/۳
 محمدرضا سلطان الکتاب صفای محلاتی ۴۷/۴
 محمدرضا شاه پهلوی ۱۷۲/۵
 محمد رضا شاه عبدالعظیمی ۲۹۲/۳
 محمدرضا شریعتمدار دامغانی ۳۱۱/۳
 محمدرضا شفیعی دزفولی ۳۲۵/۳
 محمدرضا شکیب اصفهانی ۳۲۹/۳
 محمدرضا شکیبی اصفهانی ۳۳۰/۳
 محمد رضا شمس الادبا ۳۳۱/۳
 محمدرضا شیرازی ۳۷۶/۳
 محمدرضا شیرازی تهرانی ۳۷۹/۳
 محمدرضا صیقلانی رشتی ۶۸/۴
 محمدرضا طبسی ۱۰۲/۴
 محمدرضا عضدالدوله ۲۷۹/۳
 محمدرضا فکری اصفهانی ۳۰۲/۴
 محمدرضا قاجار ۱۷۲/۵
 محمدرضا قاینی ۳۳۸/۴
 محمد رضا قلی/رضا قلی همای شیرازی ۱۴۲/۶
 محمدرضا قمشهای اصفهانی ۳۶۶/۴

- محمد زمان اول ۱۷۲/۵
 محمد زمان پنجم ۱۷۳/۵
 محمد زمان تیریزی ۱۷۴/۵، ۱۳۸/۲
 محمد زمان چهارم ۱۷۳/۵
 محمد زمان خان منصب قاجار قوانلو ۲۹۷/۵
 محمد زمان دوم ۱۷۳/۵
 محمد زمان رضوی ۱۱۵/۳
 محمد زمان رونقی بافتی ۱۴۰/۳
 محمدزمان ساقی کلانی خراسانی ۱۹۱/۳
 محمدزمان سخای اصفهانی ۲۱۱/۳
 محمدزمان سوادکوهی آلاشتی ۶۱/۱
 محمد زمان سوم ۱۷۳/۵
 محمد زمان مشهدی ۱۷۴/۵، ۱۶۳/۳
 محمد زمان مشهور تیریزی ۲۴۹/۵
 محمد زمان همت اردبیلی ۱۴۵/۶
 محمد زمانی سیستانی ۱۶۴/۳
 محمد زمجی اسفزاری هروی ۲۴۵/۱
 محمد زنجانی ۱۷۲، ۱۷۱، ۱۶۸، ۱۶۵/۳
 محمد زواره‌ای اصفهانی ۱۷۶/۳
 محمد ساروی ۱۸۹/۳
 محمد ساعی پرازانجانی ۱۸۹/۳
 محمد ساغر شیرازی ۱۹۰/۳
 محمد ساوجی ۱۷۴/۵
 محمد سجاوندی غزنوی ۲۰۷/۳
 محمد سحاب اصفهانی ۲۰۹/۳
 محمد سراب تنکابنی ۲۱۳/۳
 محمد سرخه‌ای تهرانی ۲۱۷/۳
 محمد سرور شیرازی ۲۲۰/۳
 محمد سعید اشرف مازندرانی ۲۵۷/۱
 محمد سعید امامی فردی نایینی ۲۹۴/۱
 محمدسعید بارفروشی مازندرانی ۲۲۵/۳
 محمد سعید بهادرخان سیستانی ۷۸/۲
 محمد سعید بهبهانی ۸۶/۲
 محمد سعید حافدی قزلجی ۲۳۴/۲
 محمد سعید راغب مالگیری یزدی ۸۳/۳
 محمد سعید زکی اردستانی ۱۶۱/۳
 محمدسعید سایل قیری ۱۹۹/۳
 محمدسعید سرمد کاشانی ۲۱۹/۳
 محمدسعید سعیدای گیلانی ۲۲۶/۳
 محمد سعید صد نورمانی ۳۰/۴
 محمد سعید فدای اردستانی ۲۷۱/۴
 محمد سعید قاضی سعید ۳۲۹/۴
 محمد سعید ماهر گیلانی ۱۲۱/۵
 محمدسعید همدانی ۲۲۸/۳
 محمد سعیدی ۲۲۸/۳
 محمد سلجوقی ۱۷۴/۵
 محمد سلطان‌العلمای سلطان آبادی ۲۳۵/۳
 محمد سلطان المتکلمین ۲۳۹/۳
 محمد سلطان الواعظین شیرازی ۲۴۲/۳
 محمد سلطان علیشاه گنابادی ۲۳۶/۳
 محمد سلمکی ۲۴۶/۳
 محمد سلیم آملی ۷۱/۱
 محمد سلیم تیریزی ۱۷۴/۵
 محمد سمسانی شیرازی ۲۵۳/۳
 محمد سنگلجی ۲۵۹/۳
 محمد سهای شیرازی اصفهانی ۲۶۱/۳
 محمد سیمی نیشابوری ۲۷۹/۳
 محمدشاه ربابی ۸۹/۳
 محمد شاه سنجان خوانی ۲۹۰/۳
 محمد شاه قاضی یزدی ۲۹۴/۳
 محمد شاهمیردردگانی ۲۹۷/۳
 محمد شاه نقاش ۱۷۵/۵
 محمد شبانکاره‌ای ۱۷۵/۵
 محمد شرایبانی ۳۰۴/۳
 محمد شرفی نیازی یزدی ۸۰/۶
 محمد شریف ۱۷۵/۵
 محمد شریف آملی ۳۱۳/۳
 محمد شریف بیغشی ۱۰۶/۲
 محمدشریف تجرید اصفهانی ۱۴۰/۲
 محمد شریف نویسرکانی ۱۶۶/۲
 محمد شریف جم مشهدی ۲۰۹/۲
 محمد شریف حسینی وقوعی نیشابوری ۱۱۶/۶
 محمد شریف خیاط خموش تهرانی ۳۳۸/۲
 محمدشریف سرمدی اصفهانی ۲۱۹/۳
 محمد شریف شریف اصفهانی ۳۱۳/۳
 محمد شریف/شریفا کاشف شیرازی ۱۵/۵
 محمد شریف شریف العلماء مازندرانی ۳۱۵/۳
 محمد شریف شریف شیرازی ۳۱۴/۳
 محمد شریف/میرزا شریف وامق یزدی ۱۰۱/۶
 محمد شریف نوری شاهرودی ۲۸۹/۳

- محمد شریف وقوعی تبریزی ۱۱۶/۶
 محمد شریف هجری تهرانی ۱۲۷/۶
 محمد شریفی تبریزی ۳۱۶/۳
 محمد شفیع آثار ارسنجانی فارسی ۶/۱
 محمد شفیع اصفهانی عباسی ۳۲۴/۳
 محمد شفیع بوشهری ۷۵/۲
 محمد شفیع تبریزی ۱۷۵/۵
 محمد شفیع جاپلقی ۱۸۰/۲
 محمد شفیع جاوید نهاوندی ۱۸۴/۲
 محمد شفیع جزایری شوشتری ۱۹۳/۲
 محمد شفیع حسینی شفیعی هروی ۳۲۳/۳
 محمد شفیع خان بسمل نیشابوری ۶۰/۲
 محمد شفیع دابوقی بارفروشی ۳/۳
 محمد شفیع رشتی ۳۲۴/۳
 محمد شفیع رضوی ۱۷۵/۵
 محمد شفیع شیرازی ۱۷۴/۵، ۳۲۴/۳
 محمد شفیع ضیایی کازرونی شیرازی ۷۷/۴
 محمد شفیع عشرت شیرازی ۱۸۰/۴
 محمد شفیع قزوینی ۱۷۶/۵
 محمد شفیع گیلانی ۹۰/۵
 محمد شفیع مازندرانی ۳۲۴/۳
 محمد شفیع واعظ قزوینی ۳۲۴/۳
 محمد شفیع وصال شیرازی ۱۱۰/۶
 محمد شفیعی ۳۲۵/۳
 محمد شفیعی کیوان قهفرخی ۷۰/۵
 محمد شمس‌الادبیا لاریجانی ۳۳۱/۳
 محمد شمس اندجانی ۳۳۲/۳
 محمد شمسای گیلانی ۳۳۲/۳
 محمد شمس بایسنقری ۳۳۲/۳
 محمد شمس خاله ۳۳۴/۳
 محمد شمس فخری اصفهانی ۳۳۸/۳
 محمد شمس کرت ۳۳۹/۳
 محمد شمس کرمانی ۳۳۹/۳
 محمد شوشتری ۳۴۴/۳
 محمد شوکت بخاری ۳۴۵/۳
 محمد شهاب غزنوی ۳۴۸/۳
 محمد شهاب مازندرانی ۳۴۸/۳
 محمد شهشانی اصفهانی ۳۵۵/۳
 محمد شهید شیرازی ۳۵۷/۳
 محمد شهید نورایی ۳۵۸/۳
 محمد شیخ الاسلام دامغانی ۳۶۱/۳
 محمد شیخ بهایی ۳۶۲/۳
 محمد شیرازی ۱۷۶/۵، ۳۷۴/۳، ۳۷۳/۳
 محمد شیوای شیرازی ۳۸۱/۳
 محمد صابر ۱۷۶/۵
 محمد صاحب «جامع ترمذی» ۶/۴
 محمد صادق ۱۷۶/۵
 محمد صادق آقا جان طبرستانی ۴۷/۱
 محمد صادق آقا صادق دوم ۵۲/۱
 محمد صادق آل بحر العلوم ۶۴/۱
 محمد صادق اثابکی ۱۹۶/۱
 محمد صادق اردستانی ۲۲۷/۱
 محمد صادق امامی اصفهانی ۲۹۱/۱
 محمد صادق انیس اصفهانی ۳۱۵/۱
 محمد صادق بزمی کاشانی ۵۷/۲
 محمد صادق بیفش کرمانی ۱۰۶/۲
 محمد صادق تبریزی ۱۷۶/۵
 محمد صادق نویسرکانی ۱۰/۴، ۱۶۶/۲
 محمد صادق تهرانی ۱۰/۴
 محمد صادق جاویدان اصفهانی ۱۸۳/۲
 محمد صادق چوبک ۲۲۵/۲
 محمد صادق حسینی ادیب الممالک قراقرانی ۲۲۲/۱
 محمد صادق حلویی سمرقندی ۲۹۲/۲
 محمد صادق خان زنگنه خسروی کرمانشاهی ۳۲۷/۲
 محمد صادق خلخالی ۳۳۲/۲
 محمد صادق دارایی ۳/۳
 محمد صادق رضوی یزدی ۱۷۷/۵
 محمد صادق سالک کازرونی ۱۹۴/۳
 محمد صادق ستوده شیرازی ۲۰۶/۳
 محمد صادق سرورالملک ۲۲۱/۳
 محمد صادق شریعتمداری ۳۱۲/۳
 محمد صادق شمس الکتاب ۳۳۹/۳
 محمد صادق شیرازی ۱۷۷/۵، ۳۷۶/۳
 محمد صادق صامت اصفهانی ۲۰/۴
 محمد صادق صباغ ۲۲/۴
 محمد صادق صحاف روشن اصفهانی ۱۳۷/۳
 محمد صادق صدرالشریعه ۳۵/۴
 محمد صادق طبسی واعظ ۱۰۳/۴
 محمد صادق فخرالاسلام ارومی ۲۶۶/۴
 محمد صادق کاشانی ۱۷۷/۵

- محمد صادق کوکب شیرازی ۶۳/۵
 محمد صادق کیا تهرانی ۶۳/۵
 محمد صادق لنگرانی ۱۰۷/۵
 محمد صادق مجتهد تبریزی ۱۲۷/۵
 محمد صادق مدهوش گلپایگانی ۲۰۸/۵
 محمد صادق مصحح ۱۷۷/۵
 محمد صادق موسوی نامی اصفهانی ۱۷/۶
 محمد صادق ناظم تبریزی ۱۴/۶
 محمد صادق نواب رضوی یزدی ۶۵/۶
 محمد صادق یزدی ۱۲/۴
 محمد صاعقه فارسی بغدادی ۱۴/۴
 محمد صالح آخوند فریدنی ۱۰/۱
 محمد صالح آقا بزرگ ۴۶/۱
 محمد صالح آل گداغلی بیگ ۶۹/۱
 محمد صالح اصفهانی ۱۷۷/۵، ۱۷/۴
 محمد صالح برغانی قزوینی ۴۰/۲
 محمد صالح برهان مازندرانی ۵۳/۲
 محمد صالح بیگ وزیری ۱۹/۴
 محمد صالح تبریزی ۱۷۸/۵، ۱۷/۴
 محمد صالح تربتی ۱۴۴/۲
 محمد صالح جویباره‌ای مازندرانی ۲۱۶/۲
 محمد صالح حایری سمنانی ۲۴۵/۲
 محمد صالح حسینی کشفی اکبرآبادی ۴۱/۵
 محمد صالح خاتون‌آبادی ۳۰۶/۲
 محمد صالح دافع لاهیجی ۷/۳
 محمد صالح داماد ۷/۳
 محمد صالح زرکش شیرازی ۱۸/۴
 محمد صالح سامعای مازندرانی ۱۹۶/۳
 محمد صالح سبزواری ۱۷۸/۵
 محمد صالح ستار تبریزی ۲۰۵/۳
 محمد صالح صارم السلطنه ۱۲/۴
 محمد صالح قزوینی روغنی ۱۳۹/۳
 محمد صالح کاتب الخاقانی ۱/۵
 محمد صالح کاتب نیشابوری ۱۷۸/۵
 محمد صالح مازندرانی ۱۱۴/۵
 محمد صالح نسبت شوشتری ۳۵/۶
 محمد صالح وامن اصفهانی ۱۰۱/۶
 محمد صباي شیرازی ۲۲/۴
 محمد صبوری تربتی ۲۷/۴
 محمد صدر هاشمی ۳۷/۴
 محمد صدوقی ۳۸/۴
 محمد صدیق آخوندزاده هروی ۱۶/۱
 محمد صدیق آزاد یزدی ۲۸/۱
 محمد صدیق مفتی زاده ۲۷۵/۵
 محمد صفار مروزی ۴۴/۴
 محمد صفایی اصفهانی ۴۸/۴
 محمد صفایی کرمانی ۵۰/۴
 محمد صفی شیرازی ۵۴/۴
 محمد صفی صفایی قمی ۵۰/۴
 محمد صفی نوربخش رازی ۵۵/۴
 محمد صفی یزدی ۵۵/۴
 محمد صنیع خاتم ۵۹/۴
 محمد صوفی آملی مازندرانی ۶۲/۴
 محمد صوفی مراغه‌ای ۱۷۸/۵
 محمد صیدلانی اصفهانی ۶۶/۴
 محمد ضیابادی قزوینی ۷۵/۴
 محمد طائی همدانی ۷۹/۴
 محمد طالب آملی مازندرانی ۸۱/۴
 محمد طالب جاجرمی ۸۲/۴
 محمد طالب هروی ۸۳/۴
 محمد طالع کازرونی ۸۳/۴
 محمد طاهر ۱۷۸/۵
 محمد طاهر آشنا ۳۶/۱
 محمد طاهر آقا میری دزفولی ۵۵/۱
 محمد طاهر اصفهانی ۸۸/۴
 محمد طاهر حسینی طالقانی ۸۸/۴
 محمد طاهر حکاک باشی اصفهانی ۱۷۸/۵
 محمد طاهر دزفولی شوشتری ۳۲/۳
 محمد طاهر دزفولی کاظمی ۳۳/۳
 محمد طاهر شهاب اصفهانی ۳۴۷/۳
 محمد طاهر صحاف ۱۵۰/۲
 محمد طاهر قطاعی شیرازی ۱۷۸/۵
 محمد طاهر قمی ۳۶۸/۴
 محمد طاهر مازندرانی ۹۰/۴
 محمد طاهر مستوفی کاشانی شیبانی بصیرالملک ۶۲/۲
 محمد طاهر میرزای قاجار ۱۷۹/۵
 محمد طاهر نصرآبادی ۴۱/۶
 محمد طاهر وعلی تهرانی ۱۱۱/۶
 محمد طاهر همدانی ۹۰/۴
 محمد طایر گلپایگانی ۹۲/۴

- محمد طباطبایی ۳/ ۲۷۴، ۴/ ۹۴
 محمد طباطبایی بروجردی ۲/ ۴۶
 محمد طبیب بروجردی ۴/ ۱۰۵
 محمد طبیب تهرانی ۴/ ۱۰۵
 محمد طبیب شعله اصفهانی ۳/ ۳۲۰
 محمد طبیب هروی ۴/ ۱۰۶
 محمد طرسوسی ۴/ ۱۰۸
 محمد طرسوسی اصفهانی ۴/ ۱۰۸
 محمد طغانیان دهکردی ۴/ ۱۱۰
 محمد طلعت اصفهانی ۴/ ۱۱۳
 محمد طنبره ۴/ ۱۱۳
 محمد طویلی نایینی ۴/ ۱۱۴
 محمد طوسی مشهدی ۵/ ۲۴۸
 محمد طهرانی عسکری ۴/ ۱۱۹
 محمد طه نجف ۶/ ۲۴
 محمد عارف بقایی بخارایی ۲/ ۶۵
 محمد عاشق کرمانشاهی ۴/ ۱۳۵
 محمد عالم سمرقندی ۴/ ۱۳۶
 محمد عالی شیرازی ۴/ ۱۳۷
 محمد عبّادی هروی ۴/ ۱۴۱
 محمدعباس جزایری شوشتری ۲/ ۱۹۳
 محمد عباس رفعت انصاری همدانی ۳/ ۱۲۰
 محمد عبده بروجردی ۴/ ۱۶۴
 محمد عبید ۵/ ۱۷۹
 محمد عتابی نجفی ۴/ ۱۶۹
 محمد عجیبی گرگانی ۴/ ۱۷۱
 محمد عربضی اصفهانی ۵/ ۱۷۶
 محمد عزمی تبریزی ۴/ ۱۷۶
 محمد عزیزی سجستانی ۴/ ۱۷۶
 محمد عسکر ناجی ۶/ ۱
 محمد عشقی ۴/ ۱۸۲
 محمد عصار تبریزی ۴/ ۱۸۲
 محمد عصار لواسانی ۴/ ۱۸۳
 محمد عطار دلگیر آذربایجانی ۳/ ۴۱
 محمد عطاری طوسی ۴/ ۱۸۶
 محمد عطری کاتب ۴/ ۱۸۷
 محمدعظیم / عظیم اکسیر اصفهانی ۱/ ۲۷۹
 محمد عقیق فروش مکی اصفهانی ۵/ ۲۸۳
 محمد علاء اُسَندی سمرقندی ۴/ ۱۹۰
 محمد علاءالدین گلستانه ۴/ ۱۹۱
 محمد علاء ترجمانی خوارزمی ۴/ ۱۹۰
 محمد علم الهدی ۴/ ۱۹۴
 محمد علمی لاری ۴/ ۱۹۴
 محمد علوی حسنی نیشابوری ۴/ ۱۹۵، ۱۹۶
 محمد علوی ورامینی ۴/ ۱۹۷
 محمد علی ۵/ ۱۷۹، ۱۸۰
 محمدعلی آثاری یزدی ۱/ ۶
 محمد علی آخوند خوانساری ۱/ ۹
 محمدعلی آرائی کاشانی ۱/ ۲۳
 محمد علی آرائی کاشانی ۱/ ۲۴
 محمد علی آقا مجتهد عاملی موسوی اصفهانی ۱/ ۵۴
 محمدعلی آیتی بروجردی ۱/ ۷۹
 محمد علی اباذری ۱/ ۸۱
 محمدعلی احسانی طباطبایی ۱/ ۱۹۹
 محمد علی اخلاقی شیرازی ۱/ ۲۱۴
 محمدعلی ادیب تهرانی ۱/ ۲۱۸
 محمدعلی اردوبادی ۱/ ۲۳۰
 محمد علی اشرف ارسنجانی ۱/ ۲۵۵
 محمد علی اصفهانی ۵/ ۱۸۰، ۱۸۱
 محمدعلی اصیلی مشهدی ۱/ ۲۶۶
 محمدعلی افراشته رشتی ۱/ ۲۷۱
 محمدعلی افسر کاشی ۱/ ۲۷۲
 محمد علی افصح مشهدی ۱/ ۲۷۴
 محمدعلی امامی اصفهانی ۱/ ۲۹۱
 محمدعلی امیر جاهد ۲/ ۱۸۴
 محمد علی انجم یزدی ۱/ ۳۰۹
 محمدعلی انصاری قمی ۱/ ۳۱۱
 محمدعلی بامداد خراسانی ۲/ ۱۸
 محمد علی برغانی قزوینی ۲/ ۴۰
 محمدعلی بندرعباسی ۳/ ۲۱۳
 محمدعلی بهار دارابی ۲/ ۷۹
 محمدعلی بهبهانی ۲/ ۸۳
 محمدعلی بهجت دزفولی ۲/ ۸۷
 محمد علی بهشتی رشتی ۲/ ۹۳
 محمدعلی بیگ اختر شیرازی ۱/ ۲۱۰
 محمدعلی پارسا ۲/ ۱۱۴
 محمد علی پسیان پیش تبریزی ۲/ ۱۱۰
 محمدعلی پیروزان ۲/ ۱۲۹
 محمدعلی تبریزی ۲/ ۱۳۸، ۱۳۹، ۵/ ۱۷۶
 محمد علی تذهیبی ۵/ ۱۸۱

- محمدعلی تربیت ۱۴۵/۲
 محمدعلی ترکمان قمی ۱۴۶/۲
 محمدعلی تونی ۱۶۵/۲
 محمدعلی جراح نظام ۱۸۷/۲
 محمدعلی جزایری شوشتری ۱۹۳/۲
 محمدعلی جمال زاده ۲۰۶/۲
 محمد علی چهاردهی ۲۲۵/۲
 محمدعلی حاجی پیرزاده نایینی ۲۲۹/۲
 محمدعلی حاجی سیاح محلاتی ۲۳۰/۲
 محمدعلی حامد شیرازی ۲۴۲/۲
 محمدعلی حایری ۲۴۴/۲
 محمدعلی حایری قمی ۲۴۵/۲
 محمدعلی حبیب قزوینی ۲۴۹/۲
 محمدعلی حزین لاهیجی ۲۵۸/۲
 محمدعلی حسینی ۲۷۸/۲
 محمد علی خراسانی ۳۲۲/۲
 محمد علی خراسانی فردوسی ثانی ۲۷۸/۴
 محمدعلی خزانی یزدی ۳۲۶/۲
 محمد علی خطایی یزدی ۳۳۰/۲
 محمد علی داعی الاسلام ۶/۳
 محمد علی دانش اصفهانی ۹/۳
 محمد علی دانشور ۱۳/۳
 محمد علی دنبلی مفلح تهرانی ۲۷۶/۵
 محمدعلی ذکاءالملک فروغی ۲۸۵/۴
 محمد علی رجایی زفره‌یی ۹۲/۳
 محمد علی روحی اصفهانی ۱۳۲/۳
 محمد علی رهبان اصفهانی ۱۴۲/۳
 محمد علی رهی اصفهانی ۱۴۳/۳
 محمد علی ریاضی یزدی ۱۴۷/۳
 محمدعلی ساغر شیرازی ۱۹۰/۳
 محمدعلی سالک کاشانی ۱۹۴/۳
 محمدعلی سالم اصفهانی ۱۹۴/۳
 محمدعلی سبزواری ۲۰۱/۳
 محمدعلی سبط‌الشیخ انصاری ۲۰۲/۳
 محمدعلی سخی ۲۱۱/۳
 محمدعلی سروش اصفهانی ۲۲۲/۳
 محمد علی سلطان الکتاب اصفهانی ۲۳۹/۳
 محمد علی سلطان الکتاب ناصح شیرازی ۶/۶
 محمدعلی سلطان الکتاب نایینی ۲۳۹/۳
 محمدعلی سنگلاخ خراسانی ۲۵۸/۳
 محمدعلی سینا ۲۷۹/۳
 محمدعلی شاه‌آبادی ۲۸۵/۳
 محمد علی شاهرودی ۲۸۹/۳
 محمد علی شاه عبدالعظیمی ۲۹۳/۳
 محمد علی شایق اصفهانی ۲۹۹/۳
 محمد علی شباب شوشتری ۳۰۰/۳
 محمد علی شریف ۱۸۱/۵
 محمد علی شریف فایینی ۳۱۵/۳
 محمد علی شریفی دشتی ۳۱۷/۳
 محمدعلی شعبانی خوشنم دولت‌آبادی ۳۴۸/۲
 محمدعلی شعری یزدی ۳۲۰/۳
 محمدعلی شفیعی یزدی ۳۲۶/۳
 محمد علی شکیب اصفهانی ۳۲۹/۳
 محمد علی شکیب شیرازی ۳۲۹/۳
 محمد علی شمیم شیرازی ۳۴۲/۳
 محمد علی شهابی ۳۴۹/۳
 محمد علی شهرت کازرونی ۳۵۲/۳
 محمد علی شهلا یزدی ۳۵۶/۳
 محمد علی شهردی یزدی ۳۵۷/۳
 محمد علی شیدای اصفهانی ۳۷۱/۳
 محمد علی شیدای شیرازی ۳۷۱/۳
 محمدعلی شیرازی ۱۷۶/۵، ۳۷۵/۳
 محمد علی صائب تبریزی ۱/۴
 محمد علی صابر مشهدی ۴/۴
 محمد علی صبح اصفهانی ۲۵/۴
 محمد علی صدر ۳۱/۴
 محمد علی صدراپی اشکوری ۳۳/۴
 محمد علی صرصر قزوینی ۴۱/۴
 محمدعلی صفاری ۴۵/۲
 محمد علی صفایی یزدی ۵۱/۴
 محمد علی صفوت ۵۱/۴
 محمدعلی صوفی کرمانی ۶۳/۴
 محمد علی طالقانی ۱۷۶/۵، ۸۵/۴
 محمد علی طبسی خراسانی حایری ۱۰۳/۴
 محمد علی عبرت نایینی ۱۶۷/۴
 محمد علی عصار اصفهانی ۱۸۰/۵
 محمد علی غریبی کابلی ۲۳۲/۴
 محمدعلی فرهنگ اصفهانی ۲۸۹/۴
 محمد علی قاضی طباطبایی ۳۳۱/۴
 محمد علی فایینی بیرجندی ۱۸۲/۵

- محمد علی قدرنی اصفهانی ۳۴۱/۴
 محمد علی قسمتی استرآبادی ۳۵۶/۴
 محمد علی کانونیان ۴/۵
 محمد علی کاظمینی بروجردی ۲۰/۵
 محمد علی کرمانی ۱۸۲/۵
 محمد علی کهنه قمی ۶۶/۵
 محمد علی گلستانه ۸۰/۵
 محمد علی گلشن شیرازی ۸۲/۵
 محمد علی مازندرانی ۱۱۵/۵
 محمد علی مایل آشتیانی ۱۲۱/۵
 محمد علی مجتهد تبریزی ۱۲۸/۵
 محمد علی محرم یزدی ۱۴۵/۵
 محمد علی/محمد وفایی یزدی ۱۱۵/۶
 محمد علی مخبر فروغ نسایی ۲۸۵/۴
 محمد علی مدرس تبریزی ۲۰۲/۵
 محمد علی مدرس رضوی مشهدی ۲۰۳/۵
 محمد علی مذهب ۱۸۲/۵
 محمد علی مرعشی شهرستانی ۲۱۷/۵
 محمد علی مسکین اصفهانی ۲۳۶/۵
 محمد علی مصور اصفهانی ۱۸۲/۵
 محمد علی مصورزاده خویی ۱۸۲/۵
 محمد علی مفرد تبریزی ۲۷۶/۵
 محمد علی مکرم حبیب آبادی اصفهانی ۲۸۳/۵
 محمد علی مهابادی ۲۱۱/۴
 محمد علی میرزا ۱۸۲/۵
 محمد علی میرزا دولت قاجار ۴۹/۳
 محمد علی مؤذن سبزواری خراسانی ۳۰۶/۵
 محمد علی ناصح تهرانی ۶/۶
 محمد علی نجاتی بافقی ۲۲/۶
 محمد علی نجاتی تهرانی ۲۲/۶
 محمد علی نقاش ۱۸۲/۵
 محمد علی نورعلیشاه نور اصفهانی ۶۹/۶
 محمد علی وامن اصفهانی ۱۰۲/۶
 محمد علی وجدی شیرازی ۱۰۲/۶
 محمد علی وفای زواره‌ای ۱۱۲/۶
 محمد علی وفای شریعتی ۱۱۲/۶
 محمد علی هبة‌الدین شهرستانی ۱۲۶/۶
 محمد علی هزار جریبی مازندرانی ۱۳۷/۶
 محمد علی همد سمنانی ۱۴۹/۶
 محمد عمادالدین کاتب اصفهانی ۲۱۳/۴
 محمد عماد طاهری ۲۱۴/۴
 محمد عنقا ۲۲۱/۴
 محمد عوامل متقی رازی ۱۲۴/۵
 محمد غازی جرجانی ۲۲۷/۴
 محمد غزال زعفرانی اصفهانی ۲۳۲/۴
 محمد غضایری رازی ۲۳۴/۴
 محمد غضنفر برازجانی ۲۳۵/۴
 محمد غطریفی جرجانی ۲۳۶/۴
 محمد غفاری وصالی رازی ۱۱۱/۶
 محمد غلام ثعلب باوردی ۲۳۷/۴
 محمد غنچار بخاری ۲۴۰/۴
 محمد غندر رازی ۲۴۱/۴
 محمد غنی ۲۴۱/۴
 محمد فارابی ۲۵۰/۴
 محمد فارسی ۱۸۳/۵
 محمد فاضل ایروانی ۲۵۳/۴
 محمد فاضل راوی گروسی ۸۸/۳
 محمد فاضل مازندرانی ۲۵۶/۴
 محمد فاضل هندی ۲۵۶/۴
 محمد فتال نیشابوری ۲۶۲/۴
 محمد فخری هروی ۲۷۰/۴
 محمد قزخی یزدی ۲۷۷/۴
 محمد فرزاد بیرجندی ۲۸۰/۴
 محمد فرشته خوسفی قانی ۲۸۱/۴
 محمد فرغانی ۲۸۲/۴
 محمد فروغ اصفهانی ۲۸۵/۴
 محمد فرهنگ لاریجانی ۲۸۹/۴
 محمد فریور همدانی ۲۹۲/۴
 محمد فشارکی اصفهانی ۲۹۵/۴
 محمد فصیح‌الدین نظامی قهستانی ۵۴/۶
 محمد فهمی تهرانی ۳۰۸/۴
 محمد فهمی خبیصی کرمانی ۳۰۹/۴
 محمد قیاض شروخه دیزجی زنجان ۳۱۰/۴
 محمد فیروزآبادی ۳۱۱/۴
 محمد فیروزآبادی یزدی نجفی ۳۱۳/۴
 محمد قاسم ۱۸۳/۵
 محمد قاسم جرجانی ۱۸۹/۲
 محمد قاسم چلبی تبریزی ۲۲۴/۲
 محمد قاسم دیوانه مشهدی ۳۲۴/۴
 محمد قاسم رازی ۳۲۳/۴

- محمد قاسم زاری مشهدی ۱۴۹/۳
 محمد قاسم ساحری تونی ۱۸۸/۳
 محمد قاسم سراجای نقاش اصفهانی ۲۱۴/۳
 محمد قاسم سروری کاشانی ۲۲۱/۳
 محمد قاسم شادشاه ۳۲۳/۴
 محمد قاسم شوکت قاجار ۳۴۶/۳
 محمد قاسم صابر لاهیجی ۳/۴
 محمد قاسم قاسمی گنابادی ۳۲۶/۴
 محمد قاسم لاهیجی حایری ۹۸/۵
 محمد قاسم مصور تبریزی ۱۸۳/۵
 محمد قاسم واعظ رازی ۷۸/۳
 محمد قاسم هندوشاه فرشته استرآبادی ۲۸۱/۴
 محمد قاضی ۱۸۳/۵، ۳۲۶/۴
 محمد قاضی نظام هروی ۳۳۳/۴
 محمد قانع جهرمی فراسی ۳۳۴/۴
 محمد قانع گلپایگانی ۳۳۴/۴
 محمد قاینی ۳۳۸، ۳۳۵/۴
 محمد قیجانی ۱۸۳/۵
 محمد قدسی شیرازی ۳۴۲/۴
 محمد قدیمی گیلانی ۳۴۴/۴
 محمد قریب ۳۴۸/۴
 محمد قزوینی ۳۳۵، ۱۸۲/۵، ۳۵۲/۴، ۱۵۶/۲
 محمد قزوینی آملی ۳۵۳/۴
 محمد قزوینی حلی ۳۵۳/۴
 محمد قصیر رضوی ۳۵۷/۴
 محمد قطان نیشابوری ۳۵۸/۴
 محمد قطب‌الدین کیدری نیشابوری ۳۶۰/۴
 محمد قطب‌الدین لاهیجی ۳۶۰/۴
 محمد قطب جامی ۳۵۹/۴
 محمد قطب نیریزی ۳۶۳/۴
 محمد قلی آصفای قمی ۳۸/۱
 محمد قلی الفت کاشانی ۲۸۰/۱
 محمد قلی بیگ شاکر اصفهانی ۲۸۴/۳
 محمد قلی رهبان اصفهانی ۱۴۲/۳
 محمد قلی سلیم تهرانی ۲۴۸/۳
 محمد قلی سهراب زاده ۲۶۲/۳
 محمد قلی شمس ۳۳۱/۳
 محمد قلی شیرازی ۳۷۲/۳
 محمد قلی کازرونی ۶/۵
 محمد قلی میرزا ملک‌آرا ۳۲۷/۲
 محمد قمی ۱۸۴/۵
 محمد قمی مشهدی ۳۶۹/۴
 محمد قوام‌الدین قزوینی ۳۷۰/۴
 محمد قوام‌الدین وشنه‌ای قمی ۳۷۱/۴
 محمد قوام کاتب شیرازی ۲/۵
 محمد قومسانی همدانی ۳۷۵/۴
 محمد قهستانی ۳۷۶/۴
 محمد قهستانی الاشم ۳۷۷/۴
 محمد قیسی طوسی ۳۷۸/۴
 محمد کابلی ۱/۵
 محمد کابلی اصفهانی ۱/۵
 محمد کاتب شیرازی ۲/۵
 محمد کاتبی نیشابوری ۳/۵
 محمد کاجری ۴/۵
 محمد کار ۴/۵
 محمد کازرونی ۶، ۵/۵
 محمد کازرونی مکی ۷/۵
 محمد کاشانی ۱۲، ۱۱/۵
 محمد کاشف السلطنه ۱۴/۵
 محمد کاظم ۱۸۴/۵
 محمد کاظم آتشی شیرازی ۵/۱
 محمد کاظم آخوند خراسانی ۹/۱
 محمد کاظم آیت‌اللهی شیرازی ۷۸/۱
 محمد کاظم ادای جاجرمی ۲۱۵/۱
 محمد کاظم اسرار تبریزی ۲۴۲/۱
 محمد کاظم پرتو بروجردی ۱۱۷/۲
 محمد کاظم تنکابنی ۱۶۰/۲
 محمد کاظم شیرازی ۳۷۷/۳
 محمد کاظم شیرازی نجفی ۳۷۹/۳
 محمد کاظم صاحب اصفهانی ۵/۴
 محمد کاظم صبوری خراسانی ۲۷/۴
 محمد کاظم طاهر اردبیلی ۸۷/۴
 محمد کاظم طباطبایی یزدی ۹۵/۴
 محمد کاظم غمگین اصفهانی ۲۴۰/۴
 محمد کاظم کاظمی مومندی هرسینی ۲۰/۵
 محمد کاظم گلپایگانی ۳/۵
 محمد کاظم مسیح تبریزی ۲۳۸/۵
 محمد کاظم نصیری منشی ۴۸/۶
 محمد کاظم نیریزی ۸۳/۶
 محمد کاظم واله اصفهانی ۹۹/۶

- محمد کاغذی نیشابوری ۲۱/۵
 محمد کامخی ساوی ۲۲/۵
 محمد کاودانی آملی ۲۴/۵
 محمد کجج تبریزی ۲۷/۵
 محمد کرابیسی ۲۷/۵
 محمد کرانی سجستانی ۲۷/۵
 محمد کرباسی ۲۹/۵
 محمد کرمانی ۳۴، ۳۳/۵
 محمد کرمی ۳۵/۵
 محمد کریم حامد فسائی ۲۴۳/۲
 محمد کریم ریحانی ۱۴۷/۳
 محمد کریم ملا باثی سرابی تبریزی ۲۸۴/۵
 محمد کسکنی سبزواری ۳۹/۵
 محمد کشمینی مروزی ۴۳/۵
 محمد کشی ۴۳/۵
 محمد کشی جرجانی ۴۳/۵
 محمد کعبی طبری بخاری ۴۴/۵
 محمد کفعمی ۴۵/۵
 محمد کلابادی بخاری ۴۶/۵
 محمد کلانتر ۴۷/۵
 محمد کلینی رازی ۵۰/۵
 محمد کماری تبریزی ۵۱/۵
 محمد کمالا فدشکویی فارسی شیرازی ۵۲/۵
 محمد کمانچه ۵۷/۵
 محمد کوتاه اصفهانی ۶۰/۵
 محمد کیوانفر اصفهانی ۶۹/۵
 محمد گرگانچی مروزی ۷۴/۵
 محمد گلپایگانی ۷۶/۵
 محمد گلدوزباشی ۱۸۴/۵
 محمد گلشن گلپایگانی ۸۲/۵
 محمد گلکار اصفهانی ۶/۶
 محمد گنجروبی نیشابوری ۸۵/۵
 محمد گنجی ۸۵/۵
 محمد گویای یوانانی ۸۹/۵
 محمد گیلکی ۹۱/۵
 محمد لاری ۹۴/۵
 محمد لاهیجانی ۹۶/۵
 محمد لطیف شوخی بخارایی ۳۴۲/۳
 محمد لغتوانی اصفهانی ۱۰۴/۵
 محمد لله شیرازی ۱۰۶/۵
 محمد لواسانی ۱۰۸/۵
 محمد لؤلؤی سهمی بلخی ۱۱۰/۵
 محمد مائری سمرقندی ۱۱۳/۵
 محمد ماجیلویه قمی ۱۱۴/۵
 محمد ماسرجسی نیشابوری ۱۱۵/۵
 محمد ماهانی ۱۲۰/۵
 محمد مجاهد ۱۲۶/۵
 محمد مجتهدزاده ۱۲۹/۵
 محمد مجتهد عراقی ۱۲۹/۵
 محمد مجد سُرخکی ۱۳۲/۵
 محمد مجذوب تبریزی ۱۳۳/۵
 محمد مجلسی هروی ۱۳۷/۵
 محمد محسن ۱۸۵/۵
 محمد محسن آقا بزرگ تهرانی ۲۴/۱
 محمد محسن اصفهانی ۱۸۵/۵
 محمد محسن اعمی ۱۴۱/۲
 محمد محسن امامی اصفهانی ۲۹۲، ۲۹۱/۱
 محمد محسن امیر کلهر ۳۰۱/۱
 محمد محسن تبریزی ۱۳۹/۲
 محمد محسن خاتون آبادی ۳۰۶/۲
 محمد محسن خانی ۱۸۵/۵
 محمد محسن خفزی ۳۳۲/۲
 محمد محسن صالح ابهری ۱۹۴/۱
 محمد محسن رشتی اصفهانی ۱۳۵/۴
 محمد محسن مشهدی ۱۴۷/۵
 محمد محسن هراتی ۱۳۱/۶
 محمد محضری همدانی ۱۴۷/۵
 محمد/محمد باقر نواب اصفهانی ۶۵/۶
 محمد/محمد رفیع واعظ قزوینی ۹۸/۶
 محمد محمدلوی عباسی ۱۴۳/۴
 محمد/محمد مؤمن فلکی شروانی ۳۰۴/۴
 محمد/محمد ابونصر فراهی سجزی ۱۹۰/۱
 محمد/محمد خراسانی ۱۶۴/۵
 محمد/محمد قطب رازی ۳۶۱/۴
 محمد محیط طباطبایی ۱۹۶/۵
 محمد محیط قمی ۱۹۷/۵
 محمد مخدوم نیشابوری ۱۹۹/۵
 محمد مخلص کاشانی ۲۰۱/۵
 محمد مدینی اصفهانی ۲۰۹/۵
 محمد مذهب الدوله ۲۱۰/۵

- محمد مذهب السلطان ۲۱۰/۵
 محمد مذهب باشی ۱۸۵/۵
 محمد مذهب شیرازی ۱۶۳/۵
 محمد مراد سمرقندی ۲۵۲/۳
 محمد مراغی ۱۸۵/۵
 محمد مرزبانی بغدادی ۲۱۴/۵
 محمد مرشدی زواره‌ای ۲۱۶/۵
 محمد مروزی ۲۲۴، ۲۲۳، ۲۲۱/۵
 محمد مسعود ۲۳۲/۵
 محمد مسعودی بنجدیهی مروزی ۲۳۵/۵
 محمد مسعودی مروزی ۲۳۶/۵
 محمد مسیح آخوند مسیحا فذشکویی ۱۲/۱
 محمد مسیح آخوند مسیحا کاشانی ۱۳/۱
 محمد مسیح طیب ۱۰۴/۴
 محمد مسیح نویدی شیرازی ۳۷۷/۳
 محمد مشایخی ۲۴۰/۵
 محمد مشربی استرآبادی ۲۴۲/۵
 محمد مشفق شیرازی ۲۴۴/۵
 محمد مشکوة بیرجندی ۲۴۵/۵
 محمد مشهدی ۲۴۸/۵
 محمد مشهدی حایری ۲۴۹/۵
 محمد مصدق ۲۵۲/۵
 محمد مصلح الدین لاری ۲۵۴/۵
 محمد مصور ۱۸۵/۵
 محمد مطرز اصفهانی ۲۵۷/۵
 محمد معروفی بلخی ۲۶۶/۵
 محمد معشوق طوسی ۲۶۸/۵
 محمد معصوم بیغم کاشانی ۱۰۶/۲
 محمد معصوم علیشاه ۲۶۸/۵
 محمد معصوم قزوینی ۳۴۹/۴
 محمد معصومی اصفهانی ۲۶۸/۵
 محمد معین ۲۷۰/۵
 محمد معین الدین خراسانی ۳۲۲/۲
 محمد مغربی تبریزی ۲۷۳/۵
 محمد مفید داور شیرازی ۱۵/۳
 محمد مفید مستوفی بافقی ۲۷۷/۵
 محمد مقدم ۲۸۰/۵
 محمد مقیم استرآبادی ۲۸۱/۵
 محمد مقیم تبریزی ۱۸۵/۵
 محمد مقیم حسینی مرعشی ۲۸۱/۲
 محمد مقیم فوجی نیشابوری ۳۰۷/۴
 محمد مقیم یزدی ۱۵۹/۶
 محمد مگری کیوانپور کرمانشاهی ۶۹/۵
 محمد ملاحمی بخاری ۲۸۵/۵
 محمد ملک الکتاب شیرازی ۲۸۹/۵
 محمد ملهمی شیرازی ۲۹۳/۵
 محمد منذری هروی ۲۹۵/۵
 محمد منشی اردوبادی ۲۹۶/۵
 محمد منشی قمی ۲۹۷/۵
 محمد منظر اصفهانی ۲۹۲/۵
 محمد منوکه شمس نسوی ۳۴۰/۳
 محمد موسوی خوانساری ۱۸۶/۵
 محمد مولانا تبریزی ۳۰۹/۵
 محمد مولوی سیستانی ۳۱۱/۵
 محمد مهدی ۱۸۷/۵
 محمد مهدی آسوده شیرازی ۳۱/۱
 محمد مهدی آل طیب شوشتری ۶۶/۱
 محمد مهدی اریاب اصفهانی ۲۲۴/۱
 محمد مهدی استرآبادی ۲۳۶/۱
 محمد مهدی امام جمعه تهرانی ۲۸۶/۱
 محمد مهدی امامی اصفهانی ۲۹۲/۱
 محمد مهدی تنکابنی ۱۶۰/۲
 محمد مهدی تهرانی ۱۸۷/۵
 محمد مهدی حاتم شیرازی ۲۲۷/۲
 محمد مهدی حجاب شیرازی ۲۵۳/۲
 محمد مهدی خان شحنه خراسانی ۳۰۳/۳
 محمد مهدی ذوقی تنکابنی ۶۵/۳
 محمد مهدی رشتی اصفهانی ۱۰۳/۳
 محمد مهدی طباطبایی بحر العلوم ۲۴/۲
 محمد مهدی عشرت فراهانی ۱۸۰/۴
 محمد مهدی علوی سبزواری ۱۹۶/۴
 محمد مهدی فروغ اصفهانی ۲۸۵/۴
 محمد مهدی قزوینی حلی نجفی ۳۵۴/۴
 محمد مهدی کاظمی خوانساری اصفهانی ۱۹/۵
 محمد مهدی کرباسی ۲۹/۵
 محمد مهدی میرزا آقا امامی اصفهانی نقاشباشی ۳۲۶/۵
 محمد مهدی یزدی ۱۵۹/۶
 محمد میانکالی کاهی کابلی ۲۵/۵
 محمد میر خواند بلخی ۳۲۵/۵
 محمد میرزا سیف الدوله ۲۳۱/۳

- محمد میرزا شارق فاجار ۳/ ۲۸۳
 محمد میرک بخاری ۵/ ۳۳۹
 محمد میرک صالحی خراسانی ۴/ ۱۹
 محمد میرک عارفی سرخسی ۴/ ۱۳۴
 محمد میرلوحی سبزواری اصفهانی ۵/ ۳۴۰
 محمد مؤذن هروی ۵/ ۳۰۷
 محمد مؤمن ۵/ ۱۸۶
 محمد مؤمن ادایی بفروئی یزدی ۱/ ۲۱۵
 محمد مؤمن استرآبادی ۱/ ۲۳۷
 محمد مؤمن امین احمد رازی ۱/ ۳۰۴
 محمد مؤمن بیگ ترکمان ۵/ ۱۸۶
 محمد مؤمن تبریزی ۲/ ۱۳۹
 محمد مؤمن جزایری شیرازی ۲/ ۱۹۵
 محمد مؤمن حکیم مؤمن ۲/ ۲۹۱
 محمد مؤمن دامغانی ۵/ ۳۱۱
 محمد مؤمن شاهد ایزد خواستی فارسی ۳/ ۲۸۷
 محمد مؤمن شمیمی یزدی ۳/ ۳۴۲
 محمد مؤمن عرشی اکبرآبادی ۴/ ۱۷۳
 محمد مؤمن کرباس فروش صاحب مشهدی ۴/ ۹
 محمد مؤمن کرمانی ۵/ ۱۸۶
 محمد مؤمن گورکانی ۵/ ۳۱۲
 محمد مؤمن میرزا سید شریف ۵/ ۳۳۰
 محمد مؤمن هروی ۵/ ۱۸۶
 محمد نادر سمرقندی ۳/ ۲۵۲
 محمد نادم جاجرمی ۶/ ۴
 محمد ناصحی نیشابوری ۶/ ۶
 محمد ناصرخان ظهیرالسلطان ۵/ ۱۸۷
 محمد ناظم الاسلام کرمانی ۶/ ۱۳
 محمد نامی کرمانشاهی ۶/ ۱۷
 محمد نایب تبریزی ۶/ ۱۹
 محمد نبی ۵/ ۱۸۷
 محمد نبی تویسرکانی ۲/ ۱۶۶
 محمد نبی مخلص شیرازی ۵/ ۲۰۰
 محمد نثار شیرازی ۶/ ۲۰
 محمد نجار شوشتری ۶/ ۲۳
 محمد نجفی ۳/ ۲۷۴
 محمد نجفی کبیر قمی ۵/ ۲۶
 محمد نخجوانی ۳/ ۳۴۰
 محمد نخجوانی ۶/ ۳۰
 محمد ندایی نیشابوری ۶/ ۳۱
- محمد ندایی هروی ۶/ ۳۱
 محمد ندیم مازندرانی ۶/ ۳۲
 محمد نراقی ۶/ ۳۳
 محمد نرشیخی ۶/ ۳۳
 محمد نسفی ۶/ ۳۶
 محمد نشاطی دماوندی ۶/ ۴۰
 محمد نصیبی کرمانشاهی ۶/ ۴۴
 محمد نصیر ۵/ ۱۸۷
 محمد نصیر بروجردی ۶/ ۴۴
 محمد نصیر تنکابنی ۶/ ۴۵
 محمد نصیر خوراسکانی حسنی طباطبایی ۲/ ۳۴۷
 محمد نصیر طبیب اصفهانی ۴/ ۱۰۴
 محمد نصیر طرب اصفهانی ۴/ ۱۰۷
 محمد نصیر فرصت شیرازی ۴/ ۲۸۲
 محمد نظام‌الدین ساوجی ۶/ ۵۰
 محمد نقاش ۵/ ۱۶۲
 محمد نقاش اصفهانی ۵/ ۳۳۵
 محمد نقاشباشی ۵/ ۱۸۷
 محمدنقی کلاه‌دوز خرم شیرازی ۲/ ۳۲۴
 محمد نمازی ۶/ ۶۴
 محمد نوایی کاشانی ۶/ ۶۷
 محمد نوح‌آبادی بخاری ۶/ ۶۹
 محمد نور بخش ۶/ ۷۰
 محمد نوری ۶/ ۷۲
 محمد نوری مازندرانی ۶/ ۷۴
 محمد نوقانی سجستانی ۶/ ۷۶
 محمد نیشابوری ۵/ ۱۸۷، ۶/ ۸۴، ۸۶، ۸۷، ۸۹
 محمد واسطی ۶/ ۹۵
 محمد واصل یزدی ۶/ ۹۶
 محمد واعظ اصفهانی ۶/ ۹۷
 محمد واعظ قاینی ۶/ ۹۷
 محمد وحشت اردستانی ۶/ ۱۰۳
 محمد وحشی بافقی ۶/ ۱۰۴
 محمد وراق غزنوی ۵/ ۱۶۲
 محمد وراق کرمانی ۶/ ۱۰۷
 محمد ورامینی رازی ۶/ ۱۰۷
 محمد وسیم ۵/ ۱۸۸
 محمد وصالی تبریزی ۶/ ۱۱۱
 محمدولی استرآبادی ۱/ ۲۳۶
 محمد ولی دشت بیاضی ۶/ ۱۱۸

- محمد ولی رودباری ۱۳۵/۳
 محمد ولی میرزا ولی شیرازی ۱۱۹/۶
 محمد هادی ۱۸۸/۵
 محمد هادی اول ۱۸۸/۵
 محمد هادی تهرانی ۱۶۸/۲
 محمد هادی دوم ۱۸۸/۵
 محمد هادی رمزی کاشانی ۱۲۷/۳
 محمد هادی شرر شیرازی ۳۰۵/۳
 محمد هادی شیرازی ۳۷۷/۳
 محمد هادی فخرالمحققین شیرازی ۲۷۰/۴
 محمد هادی مترجم اصفهانی ۱۲۳/۵
 محمد هادی مرشد شیرازی ۲۱۶/۵
 محمد هادی مولوی گیلانی ۳۱۱/۵
 محمد هادی میرزا صابر قاجار ۳/۴
 محمد هادی هادی یزدجردی ۱۲۳/۶
 محمد هاشم ۱۸۸/۵
 محمد هاشم افسر قاجار ۲۷۲/۱
 محمد هاشم بن محمد یحیی ۱۸۹/۵
 محمد هاشم تراب کاشی ۱۴۳/۲
 محمد هاشم تسلیم شیرازی ۱۵۰/۲
 محمد هاشم تهرانی ۱۶۷/۲
 محمد هاشم چهار سوقی ۲۲۵/۲
 محمد هاشم ذهبی شیرازی ۶۶/۳
 محمد هاشم زرگر اصفهانی ۱۵۷/۳
 محمد هاشم سنجر کاشانی ۲۵۷/۳
 محمد هاشم شهیدای لاهیجی ۳۵۷/۳
 محمد هاشم صاعداei اصفهانی ۱۳/۴
 محمد هاشم صبوری خوانساری ۲۷/۴
 محمد هاشم طایر ۹۲/۴
 محمد هاشم علوی شیرازی ۱۹۷/۴
 محمد هاشم فرونی استرآبادی ۲۹۳/۴
 محمد هاشم محترم سمرقندی ۱۳۹/۵
 محمد هاشم مردمی مشهدی ۲۱۳/۵
 محمد هاشم یزدی ۱۸۹/۵
 محمد هاشمی کرمانی ۱۲۵/۶
 محمد هراسی کائی خوارزمی ۱۳۲/۶
 محمد هروی ۱۳۴، ۱۳۳/۶، ۱۸۹/۵
 محمد همام تبریزی ۱۴۱/۶
 محمد همامی اصفهانی ۱۴۲/۶
 محمد همایون کرمانی ۱۴۴/۶
 محمد همایون همدانی ۱۴۴/۶
 محمد همدانی ۱۴۷/۶، ۱۳۵، ۱۸۹/۵
 محمد یار سالیانی ۱۸۹/۵
 محمد یار قلی محلاتی بروجردی ۱۵۳/۶
 محمد یحیی غزنوی ۱۶۴/۶
 محمد یوسف ۱۸۹/۵
 محمد یوسف اخگر کرمانی ۲۱۴/۱
 محمد یوسف اشرف قمی ۲۵۶/۱
 محمد یوسف ضیای قزوینی ۷۶/۴
 محمد یوسف حافظ ۲۳۵/۲
 محمد یوسف حسینی مصور ۱۸۹/۵
 محمد یوسف حکیم نوری ۲۹۱/۲
 محمد یوسف خان بسمل بدخشانی ۵۹/۲
 محمد یوسف ریاضی هروی ۱۴۶/۳
 محمد یوسف زاده غمام همدانی ۲۴۰/۴
 محمد یوسف نگاهی بهبهانی ۶۴/۶
 محمد یوسف واله اصفهانی ۹۹/۶
 محمد یوسف یوسفی گلپایگانی ۱۶۸/۶
 محمدی هروی ۱۸۹/۵
 محمد علی تبریزی ۱۸۱/۵
 محمود ۱۹۱، ۱۹۰/۵
 محمود آزادپور ماهانی کرمانی ۲۷/۱
 محمود آشتیانی ۳۴/۱
 محمود آغاز ارسنجانی ۲۰/۱
 محمود آل طالقانی ۶۵/۱
 محمود ابن سالبه ۱۱۳/۱
 محمود ابن محمد شیرازی ۱۳۹/۱
 محمود ابن مظفر شیرازی ۱۴۴/۱
 محمود ابوالعلاء گنجوی ۱۷۶/۱
 محمود اردستانی ۲۲۷/۱
 محمود اصفهانی غازی ۲۲۷/۴
 محمود افسرده شیرازی ۲۷۳/۱
 محمود افضل الملک کرمانی ۲۷۴/۱
 محمود افضل کرمانی ۲۷۵/۱
 محمود افوشتهای نظنزی ۲۷۶/۱
 محمود الفت شیرازی ۲۸۰/۱
 محمود الهی اسدآبادی ۲۸۴/۱
 محمود اورنگ شیرازی ۳۱۸/۱
 محمود ایروانی ۳۲۴/۱
 محمودای نقاش ۱۹۰/۵

- محمود بتکچی جرجانی ۱۹۱/۵
 محمود برسه نیشابوری ۳۸/۲
 محمود بروجرودی ۴۸/۲
 محمود بمرودی ۱۹۰/۵
 محمود بن ابی بکر ارموی ۲۳۳/۱
 محمود بن احمد زنجانی ۱۶۵/۳
 محمود بن جریر ضبی اصفهانی ۷۱/۴
 محمود بن حسن حسینی واعظ داعی شیرازی ۶/۳
 محمود بن سلطان علی ۱۹۰/۵
 محمود بن عثمان ۱۹۰/۵
 محمود بن علی خواجوی کرمانی ۳۳۸/۲
 محمود بن علی سمائی مروزی ۲۵۰/۳
 محمود بن عمر خوارزمی زمخشری ۱۶۴/۳
 محمود بن غیلان عدوی مروزی ۱۷۲/۴
 محمود بن فضل صباغ اصفهانی ۲۲/۴
 محمود بن محمد چغمینی ۲۲۳/۲
 محمود بن محمد علی ۱۹۱/۵
 محمود بهبهانی ۸۳/۲
 محمود بهروزی ۹۱/۲
 محمود بهشتی گیلانی ۹۴/۲
 محمود بیرام شیرازی ۱۰۱/۲
 محمود بیگ ظریفی ساوجب ۱۲۵/۴
 محمود بیگ فدایی طهرانی ۲۷۲/۴
 محمود بیگ فسونی تبریزی ۲۹۴/۴
 محمود پروانه اصفهانی ۱۱۹/۲
 محمود پسخانی ۱۲۲/۲
 محمود پوریای ولی ۱۲۴/۲
 محمود تابب مراغه‌ای ۱۳۶/۲
 محمود تندری شیوا ۳۸۱/۳
 محمود جاپلقی ۱۸۰/۲
 محمود جوانرودی ۲۱۳/۲
 محمود جوهری ۲۱۴/۲
 محمود جوهری صابغ هروی ۲۱۵/۲
 محمود چاکر اشرفی ۲۲۱/۲
 محمود حسابی ۲۵۹/۲
 محمود حسینی گلستانه ۲۷۰/۲
 محمود حفظی اصفهانی ۲۸۳/۲
 محمود حکیم شیرازی ۲۹۰، ۲۸۹/۲
 محمود حمزوی ۳۲۵/۲
 محمودخان خاور آذربایجانی ۳۱۶/۲
 محمودخان ملک الشعراء کاشانی ۱۹۱/۵
 محمود خرم شیرازی ۳۲۵/۲
 محمود خماری ۱۹۲/۵
 محمود خواجه حافظ هروی ۳۳۹/۲
 محمود خوانساری ۳۴۶/۲
 محمود دبستانی خاندانی ۱۷/۳
 محمود دوزدوزانی تبریزی ۴۵/۳
 محمود دهمدار شیرازی ۵۲/۳
 محمود دیانی ۵۳/۳
 محمود ذوالفقون ۶۴/۳
 محمود رجایی اصفهانی ۹۱/۳
 محمود رجاء ۹۱/۳
 محمود رفعت فیروزآبادی ۱۲۰/۳
 محمود رفیع‌زاده ۱۲۲/۳
 محمود رفیقی هروی ۱۲۴/۳
 محمود روحانی قمی ۱۳۱/۳
 محمود رهی مشهدی ۱۴۴/۳
 محمود زاهد مرغابی ۱۵۱/۳
 محمود زنجانی ۱۶۷/۳، ۱۷۰
 محمود زنگی عجمی کرمانی، ۱۷۵
 محمود زین اصفهانی ۱۷۸/۳
 محمود سالم تبریزی ۱۹۴/۳
 محمود سبزواری ۱۹۲/۵
 محمود سلطان القراء تبریزی ۲۳۸/۳
 محمود سلطانی ۲۴۲/۳
 محمود سنقر ۱۹۲/۵
 محمود سیار اصفهانی ۲۶۷/۳
 محمود شاهرودی ۲۸۸/۳
 محمود شبستری ۳۰۱/۳
 محمود شجاع اصفهانی ۳۰۲/۳
 محمود شریف قاینی ۳۱۶/۳
 محمود شمس المشرق خوارزمی ۳۴۰/۳
 محمود شمس اندخودی ۳۳۲/۳
 محمود شمس باقلانی بلخی ۳۳۲/۳
 محمود شوری فسایی ۳۴۳/۳
 محمود شهاب خوانساری ۳۴۷/۳
 محمود شهاب کرمانی ۳۴۸/۳
 محمود شهابی هروی ۳۵۰/۳
 محمود شهرآشوب اصفهانی ۳۵۱/۳
 محمود شهرکردی ۱۹۲/۵

- محمود مذهب هروی ۱۹۴/۵
 محمود مرشدی ۲۱۶/۵
 محمود مرغینانی ۲۱۹/۵
 محمود مشکئی تبریزی ۲۴۷/۵
 محمود مصطفوی ادیب شیرازی ۲۲۰/۱
 محمود مصور ۱۹۴/۵
 محمود مفتخ ۲۷۵/۵
 محمود ملا باشی طسوجی ۲۸۴/۵
 محمود منشی محوی هندوستانی ۱۹۶/۵
 محمود میرزا محمود قاجار ۱۹۳/۵
 محمود میرم چلبی ۳۴۰/۵
 محمود میمنندی مشهدی ۳۴۳/۵
 محمود مینا ساز ۱۹۵/۵
 محمود نجاتی نیشابوری ۲۲/۶
 محمود نجم آبادی ۲۵/۶
 محمود نجم مذهب شیرازی ۲۸/۶
 محمود ندیمی ۳۲/۶
 محمود نظام العلمای تبریزی ۵۲/۶
 محمود نعمت فسایی ۵۸/۶
 محمود نقاش ۲۷۴/۳
 محمود نیشابوری ۹۰/۶
 محمود و حیدزاده نسیم دستگردی ۳۸/۶
 محمود هدایت ۱۲۹/۶
 محمود هراتی ۱۳۱/۶
 محمود هومن ۱۵۲/۶
 محمود یزدی زاده ۱۶۰/۶
 محوی اصفهانی ۱۹۵/۵
 محوی بسطامی ۱۹۵/۵
 محوی خراسانی ۱۹۶/۵
 محوی همدانی ۱۹۶/۵
 محی‌الدین مهدی الهی قمشه‌ای ۲۸۴/۱
 محیط ۱۹۶/۵
 محیی‌الدین طالقانی ۸۵/۴
 محیی‌الدین محیی لاری ۱۹۸/۵
 محیی شیخ اول کرمانی ۳۶۲/۳
 محیی شیرازی ۱۹۷/۵
 محیی واعظ محیی شیرازی ۱۹۸/۵
 مختار ۱۹۹/۵
 مختار بن محمود زاهدی غرمینی خوارزمی ۱۵۲/۳
 مخدوم جرجانی ۳۳۱/۵
 محمود شیخ الاسلام تبریزی ۳۶۰/۳
 محمود شیرازی ۳۷۷/۳
 محمود شیمی ۳۸۱/۳
 محمود صناعی ۵۷/۴
 محمود طالقانی ۸۴/۴
 محمود طباطبایی بروجردی ۴۶/۲
 محمود طباطبایی خاقانی ۱۹۲/۵
 محمود طبیب شیرازی ۱۰۵/۴
 محمود طنبره‌ای ۱۱۳/۴
 محمود عارفی هروی ۱۳۴/۴
 محمود عرفان شیرازی ۱۷۴/۴
 محمود عزالدین کاشانی ۱۷۶/۴
 محمود علوی حسینی تبریزی ۱۹۶/۴
 محمود علی ۱۹۲/۵
 محمود علی صفایی سمنانی ۴۹/۴
 محمود عمادالدین شیرازی ۲۱۳/۴
 محمود عمادالسلطان جهرمی ۲۱۴/۴
 محمود غزنوی ۱۹۳/۵
 محمود غنی زاده سلماسی ۲۴۲/۴
 محمود غیاث‌الدین گیلانی ۲۴۴/۴
 محمود فراش خلوت ۱۹۳/۵
 محمود فرخ مشهدی ۲۷۶/۴
 محمود فورجه اصفهانی ۳۰۸/۴
 محمود قاری یزدی ۳۲۱/۴
 محمود قاضی اصفهانی ۳۲۷/۴
 محمود قتالی خوارزمی ۱۲۴/۲
 محمود قطب‌الدین شیرازی ۳۵۹/۴
 محمود کاتب صبوری تهرانی ۲۷/۴
 محمود کاغذی شوشتری کاغذی ۱۹۴/۵
 محمود کردی ۱۹۴، ۳۰/۵
 محمود کرمانی ۳۲/۵
 محمود کسری ۳۹/۵
 محمود کلابادی بخاری ۴۶/۵
 محمود کوسج اصفهانی ۶۱/۵
 محمود کیهان ۷۰/۵
 محمود گیلانی ۱۹۴، ۹۰/۵
 محمود مجد فرساد یزدی ۲۸۰/۴
 محمود/محمد بیگ یتیم همدانی ۱۵۴/۶
 محمود/محمد فروزی سبزواری ۲۹۳/۴
 محمود مذهب باشی شیرازی ۱۹۴/۵

- مرتضی مخفی رشتی ۲۰۰/۵
 مخلص خان پیدای اصفهانی ۱۲۶/۲
 مذاقی اصفهانی ۲۰۹/۵
 مراد بن علی ۲۱۰/۵
 مراد بیگ مراد کرمانی ۲۱۱/۵
 مراد پرچی بختیاری ۱۱۹/۲
 مراد حاصل مسیحی ۲۳۳/۲
 مرادخان فگاری ۳۰۳/۴
 مرادی استرآبادی ۲۱۱/۵
 مرادی باقی ۲۱۱/۵
 مرتضی آرتمانی ۲۱۲/۵
 مرتضی آشتیانی ۳۲/۱
 مرتضی انصاری ۳۱۰/۱
 مرتضی باقریان شکبیا ۳۲۸/۳
 مرتضی برغانی ۳۹/۲
 مرتضی بن داعی حسنی رازی ۲۷۰/۲
 مرتضی خان ممتاز الملک ۲۹۴/۵
 مرتضی رضی شیرازی ۱۱۸/۳
 مرتضی رفیقی اصفهانی ۱۲۴/۳
 مرتضی سمنانی ۲۱۲/۵
 مرتضی سیدالشعراء شیرازی ۲۷۳/۳
 مرتضی شریفی شیرازی ۳۱۷/۳
 مرتضی طائی شمیرانی ۷۹/۴
 مرتضی طایر جهرمی ۹۲/۴
 مرتضی عباسی ۱۴۴/۴
 مرتضی عسکری ۱۷۹/۴
 مرتضی فقیه قمی ۳۰۱/۴
 مرتضی فیروزآبادی شیرازی نجفی ۳۱۲/۴
 مرتضی قاجار ۲۱۲/۵
 مرتضی قاسمی ۳۲۵/۴
 مرتضی قنیل گلپایگانی ۳۴۱/۴
 مرتضی قلی ۲۱۳/۵
 مرتضی قلی افسر کردستانی ۲۷۳/۱
 مرتضی قلی بیگ اصفهانی ۲۱۲/۵
 مرتضی قلی بیگ مجرم شاملو ۱۳۴/۵
 مرتضی قلی خان قاجار مؤید الممالک فکری ۳۱۴/۵
 مرتضی قلی شاملو ۲۱۲/۵
 مرتضی قلی عمان نایینی ۲۱۶/۴
 مرتضی قلی نامی اصفهانی ۱۷/۶
 مرتضی گلبرخی ۷۶/۵
 مرتضی لنگرودی ۱۰۷/۵
 مرتضی محجوبی ۱۳۴/۵
 مرتضی مستشار اصفهانی ۲۲۸/۵
 مرتضی مطهری ۲۵۸/۵
 مرتضی میرزا قهرمان شکسته ۳۲۷/۳
 مرتضی نجم آبادی ۲۶/۶
 مرتضی نظام‌الدین رشتی ۵۰/۶
 مرتضی نبی داود ۸۱/۶
 مرجان اسلامی ۲۱۳/۵
 مرزبان بن رستم طبری ۲۱۴/۵
 مرسل مرسل ساوهای ۲۱۵/۵
 مرشد خان پروجودی ۲۱۵/۵
 مروارید ۲۱۹/۵
 مرید بن احمد جامی ۱۸۱/۲
 مریم بیگم حاجیه زند ۲۳۲/۲
 مریم ساوچی ۲۲۶/۵
 مریم سهرابی ۲۶۲/۳
 مریم فراهانی ۲۲۶/۵
 مریم نایینی ۲۲۵/۵
 مریم هلال ۱۴۰/۶
 مزدک بامدادان ۲۲۶/۵
 مستعلی زرگر خراسانی ۲۲۹/۵
 مستقیم سیلی بلخی ۲۷۸/۳
 مستوره زند ۲۳۰/۵
 مُسَدِّد مَزْکی نیشابوری ۲۲۷/۵
 مسرور طالقانی ۲۳۱/۵
 مسعود ابن مظفر شیرازی ۱۴۱/۱
 مسعود اصطلرایی اصفهانی ۲۶۱/۱
 مسعود اصفهانی ۲۳۲/۵
 مسعود بخارایی ۲۳۲/۵
 مسعود بن احمد ۲۳۲/۵
 مسعود بن اسماعیل سلماسی ۲۴۴/۳
 مسعود بن عبدالله انصاری ۲
 مسعود دولتیار بخارایی ۵۰/۳
 مسعود رازی ۲۳۳/۵
 مسعود رجب‌نیا ۹۳/۳
 مسعود سبزواری ۲۳۳/۵
 مسعود سلطانی میانه‌ای ۲۴۳/۳
 مسعود شروانی ۲۳۴/۵
 مسعود ضرابی ۷۱/۴

- مسعود عماد محلاتی ۲۱۶/۴
 مسعود غانمی هروی ۲۲۹/۴
 مسعود غفاری ۲۳۶/۴
 مسعود فرزاد ۲۷۹/۴
 مسعود قطب‌الدین طریشی نیشابوری ۳۵۹/۴
 مسعود قمی ۲۳۴/۵
 مسعود قوام‌الدین کرمانی ۳۷۱/۴
 مسعود کیهان ۷۰/۵
 مسعود مذهب کرمانی ۲۳۴/۵
 مسعود مسیح کاشانی ۲۳۸/۵
 مسعود نیکی اصفهانی ۹۰/۶
 مسعود هروی ۲۳۵/۵
 مسعودی کوهستانی ۲۳۵/۵
 مسعودی مروزی ۲۳۶/۵
 مسلم اردبیلی ۲۲۷/۱
 مسلمی شیرازی ۲۳۷/۵
 مسیب خان تکلو ۲۳۸/۵
 مسیح‌الدین ابوالفتح گیلانی دوانی ۱۷۹/۱
 مسیح‌الزمان آگهی شیرازی ۶۰/۱
 مسیحا ناطق شیرازی ۱۲/۶
 مسیح سعید تهرانی ۲۲۷/۳
 مسیح ناقد تویسرکانی ۱۶/۶
 مسیحی تبریزی ۲۳۹/۵
 مشرب عامری ۲۴۲/۵
 مشربی خوانساری ۲۴۳/۵
 مشربی قمی ۲۴۳/۵
 مشرفی هروی ۲۴۳/۵
 مشفق کاشانی ۲۴۵/۵
 مصاحب نایینی ۲۵۱/۵
 مصطفی ۲۵۴/۵
 مصطفی آشتیانی ۳۲/۱
 مصطفی اصفهانی ۲۵۴/۵
 مصطفی امامی حسینی اصفهانی ۲۹۳/۱
 مصطفی انتظاری قمی ۲۸۳/۳
 مصطفی انجام ارسنجان ۳۰۸/۱
 مصطفی بهجت شیرازی ۸۷/۲
 مصطفی تبریزی ۱۳۹/۲
 مصطفی جزایری شوشتری ۱۹۴/۲
 مصطفی جنابی ۲۱۰/۲
 مصطفی رفعت نهاوندی ۱۲۰/۳
 مصطفی شفق ۳۲۳/۳
 مصطفی شیرازی ۳۷۷/۳
 مصطفی صفایی خوانساری ۴۹/۴
 مصطفی صفوی ۲۵۴/۵
 مصطفی علم ۱۹۳/۴
 مصطفی فاتح ۲۴۹/۴
 مصطفی فاطمی ۲۵۸/۴
 مصطفی فانی گیلانی ۲۶۱/۴
 مصطفی قدسی گیلانی ۳۴۳/۴
 مصطفی قزوینی ادیب شیرازی ۲۱۹/۱
 مصطفی قلی بیات ۹۵/۲
 مصطفی قلی سینای اصفهانی ۲۷۹/۳
 مصطفی مجتهد تبریزی ۱۲۸/۵
 مصطفی مجتهد کاشانی نجفی ۱۳/۵
 مصطفی مصباح زاده اوزی ۲۵۱/۵
 مصطفی معظم وافی اصفهانی ۹۸/۶
 مصلح‌الدین سعدی شیرازی ۲۲۴/۳
 مصور المسالک ۲۵۶/۵
 مصور حضور ۲۵۵/۵
 مصور کاشی ۲۵۶/۵
 مصور مقصر ۲۵۶/۵
 مطهره کاشغری ۲۵۷/۵
 مطلب بسطامی ۵۸/۲
 مطلب شیرازی ۵۴/۱
 مطیعای تبریزی ۲۵۹/۵
 مظفرالدین حسرتی کاشانی ۲۶۱/۲
 مظفر بن شمس برهان بلخی ۵۱/۲
 مظفر بیگ رنگرز کرمانی ۲۶۲/۵
 مظفر حسین میرزا صفوی ۲۶۱/۵
 مظفر حمدان نوقانی ۲۶۰/۵
 مظفر خوافی ۲۶۱/۵
 مظفر شفایی اصفهانی ۳۲۲/۳
 مظفر طبیبی کاشانی ۱۰۶/۴
 مظفر عبادی مروزی ۱۴۱/۴
 مظفر علی بیک ۲۶۱/۵
 مظفر علی تربتی ۲۶۲/۵
 مظفر گنابادی ۸۴/۵
 معدوم ۲۶۴/۵
 معروف تبریزی ۲۶۵/۵
 معروف کرخی ۲۶۵/۵

- معروف نقاش ۲۶۶/۵
 معزالدين محمد حسيني كاشاني ۲۶۷/۵
 معزالدين محمد فطرت مشهدي ۳۰۰/۴
 معزالدين محمد فيضي اصفهاني ۳۱۵/۴
 معزالدين يزدي ۲۶۷/۵
 معزالدين يزدي آخوند معزا ۱۳/۱
 معزى لنگ خراسانى ۲۶۷/۵
 معصوم خاوري كوزه كناني ۳۱۷/۲
 معصومعلي مذهب ۲۶۸/۵
 معصوم محيط فراهاني ۱۹۷/۵
 معصوم مشرب شيرازي ۲۴۲/۵
 معلى بن منصور رازي ۷۵/۳
 معمر بن عبدالواحد عبشمي اصفهاني ۱۶۷/۴
 معني گيلاني ۲۷۰/۵
 معين الدين ۲۷۱/۵
 معين الدين استرآبادي ۲۷۰/۵
 معين الدين اشرف شيرازي ۲۵۶/۱
 معين الدين حسن اشرف سمرقندي ۲۵۹/۱
 معين الدين حسن چشتي ۲۲۲/۲
 معين الدين حسيني دقاقي بلياني ۴۰/۳
 معين الدين محمد ابجي صفوي ۳۲۲/۱
 معين الدين محمد جويني ۲۷۱/۵
 معين الدين/معين الملوك معين اصم ۲۷۱/۵
 معين الدين نطنزي ۲۷۱/۵
 معين طبسي ۱۰۳/۴
 معين مصور ۲۷۳/۵
 مفرد قمى ۲۷۶/۵
 مفرد نعلبند همداني ۲۷۶/۵
 مفلح صيمري ۶۹/۴
 مقبول قمى ۲۷۸/۵
 مقصود ۲۸۰/۵
 مقصود تيرگر هروي ۲۸۰/۵
 مقصود خرده فروش كاشاني ۲۸۱/۵
 مقصود على ۲۸۱/۵
 مقصود على شكيبي تبريزي ۳۳۰/۳
 مقصود على هروي ۱۳۶/۶
 مقصود كاشاني ۲۸۱/۵
 مقيما احسان مشهدي ۱۹۹/۱
 مقيم تبريزي ۲۸۱/۵
 مقيم جعفري شيرازي ۲۰۰/۲
 مقيم جوهرى تبريزي ۲۱۵/۲
 مقيم كتابدار اصفهاني ۲۸۱/۵
 مكتبي شيرازي ۲۸۲/۵
 مكحول نسفي ۳۶/۶
 مكى بن جابار ديتوري ۵۷/۳
 ملا آقاجان دخيلى گيلاني ۲۲/۳
 ملازاده ۲۸۵/۵
 ملا سركا ساماني بخاراىي ۱۹۵/۳
 ملا محمد على ۲۸۶/۵
 ملا ميرك داعي اصفهاني ۶/۳
 ملك جهان خانم جهان قاجار ۲۱۸/۲
 ملك حسين اصفهاني ۲۷۸/۵
 ملك حمزه/خسرو غافل سيستاني ۲۲۸/۴
 ملك سعيد كامل خلخال ۲۳/۵
 ملك سلطان محمد سلطان قمى ۲۳۹/۳
 ملك شجاع سيستاني ۳۰۲/۳
 ملك صانعى ۲۰/۴
 ملك طيفور اتجداري ۳۰۸/۱
 ملك قاجار ۲۸۸/۵
 ملك قاسم شيرازي ۲۸۸/۵
 ملك محمد ۲۹۰/۵
 ملك محمد رايط اصفهاني ۶۹/۳
 ملك محمد شعري شيرازي ۳۱۹/۳
 ملك محمد قزويني ۲۹۰/۵
 ملك محمد قمى ۲۸۸/۵
 ملك محمود تبريزي ۱۹۱/۵
 ملكم خان ناظم الدوله ۲۹۰/۵
 ملك مشرقى مشهدي ۲۴۴/۵
 ملك منشى ۲۹۰/۵
 ملكى بيگ تويسركانى ۲۹۱/۵
 ملوك ضرابي ۷۲/۴
 ملول شيرازي ۲۹۲/۵
 ملهمي تبريزي ۲۹۳/۵
 مليحي بافتي ۲۹۳/۵
 منتجب الدين همداني ۲۹۴/۵
 منت على نوای زند شيرازي ۶۵/۶
 منصور ابن مظفر شيرازي ۱۴۱/۱
 منصور ابونصر مشكان ۱۹۰/۱
 منصور بن احمد ابن قاتنى خوارزمي ۱۳۲/۱
 منصور بن عبدالمنعم صاعدى نيشابوري ۱۴/۴

- منصور بن محمد سماعی مروزی ۲۵۳/۳
 منصور بن محمد نسفی یزدوی ۵۴/۲
 منصور راستگوی شیرازی ۸۱/۳
 منصور سارچی تبریزی ۲۹۸/۵
 منصور طبیب شیرازی ۱۰۵/۴
 منصور عطایی ۱۸۵/۴
 منصور قاطع روزبهانی ۲۹۸/۵
 منصور قزاقچه طوسی ۲۹۸/۵
 منصور کازرونی ۷/۵
 منصور کاغذی سمرقندی ۱۹/۵
 منصور مصور بدخشانی ۳۴۱/۵
 منصور مفسر نیشابوری ۲۷۶/۵
 منصور منطقی رازی ۳۰۰/۵
 منصور میرزا شجاع السلطنه ۳۱۸/۳
 منظری سمرقندی ۳۰۱/۵
 منظور بخارایی ۳۰۲/۵
 منعم شیرازی ۳۰۳/۵
 منوچهر ۳۰۳/۵
 منوچهر امیری ۳۰۲/۱
 منوچهر بدیع تبریزی ۳۲/۲
 منوچهر حکیم ۲۸۷/۲
 منوچهر دانشگر ۱۲/۳
 منوچهر دولتشاهی ۴۹/۳
 منهی زواره‌ای ۳۰۴/۵
 منیرالدین احمدی ۲۰۸/۱
 منیرالدین بروجردی اصفهانی ۴۹/۲
 منیر حسام ۳۰۴/۵
 موالی تونی ۳۰۵/۵
 موبد منوچهر ۳۰۵/۵
 موحدالدین فهمی کاشانی ۳۰۹/۴
 موسی ۳۰۸/۵
 موسی ابن شاکر ۱۱۸/۱
 موسی بن سعید فراء همدانی ۲۷۳/۴
 موسی بن عمران جیرفتی ۲۲۰/۲
 موسی بن عیسی سمرقندی ۲۵۲/۳
 موسی بن نصر رازی ۷۳/۳
 موسی بیضای عراقی ۱۰۵/۲
 موسی تونی ۱۶۵/۲
 موسی جوان ۲۱۳/۲
 موسی خان وصاف قاجار ۱۱۰/۶
 موسی دولت تهرانی ۴۹/۳
 موسی زربادی قزوینی ۱۵۵/۳
 موسی زنجانی ۱۶۶/۳
 موسی سبط الشیخ ۲۰۲/۳
 موسی شیخ الانصار انصاری اصفهانی ۳۱۱/۱
 موسی صاحب «اوثق الرسائل» ۵/۴
 موسی صدرالدین صفوی ۳۴/۴
 موسی عمید ۲۱۷/۴
 موسی کاشی ۳۰۸/۵
 موسی کرمانشاهی ۳۱/۵
 موسی معروفی ۲۶۶/۵
 موسی نی داود ۸۱/۶
 موشق سروری ۲۲۱/۳
 موفق الدین آبی رازی ۴/۱
 موفق هروی ۳۰۸/۵
 مولانا وداعی حصاری ۱۰۷/۶
 مهدی ۳۳۲، ۳۱۶/۵
 مهدی آذر ۱۸/۱
 مهدی آزاده چالشری ۲۹/۱
 مهدی آشتیانی ۳۴/۱
 مهدی آقا بابا شهیمیرزادی ۴۳/۱
 مهدی آل بحر العلوم ۶۴/۱
 مهدی آینه‌ساز شکوهی تبریزی ۳۲۸/۳
 مهدی اصفهانی ۲۶۲/۱
 مهدی اصفهانی غروی ۲۶۵/۱
 مهدی افجه‌ای ۲۷۱/۱
 مهدی الهی تبریزی ۲۸۴/۱
 مهدی بازرگان ۸/۲
 مهدی بدایع‌نگار ۲۸/۲
 مهدی بروجردی ۴۹/۲
 مهدی بزمی شیرازی ۵۶/۲
 مهدی بهرامی ۹۰/۲
 مهدی بیان همدانی ۹۶/۲
 مهدی بیانی ۹۷/۲
 مهدی تجویدی ۱۴۲/۲
 مهدی تنکابنی ۱۶۰
 مهدی جرموقی خراسانی ۱۹۰/۲
 مهدی جلالی ۲۰۳/۲
 مهدی حجت مشهدی ۲۵۴/۲
 مهدی حسینی ۳۱۶/۵

- مهدی حکمی یزدی ۲/ ۲۸۷
 مهدی حمیدی شیرازی ۲/ ۲۹۶
 مهدی خالدی ۲/ ۳۱۲
 مهدی خان زعیم‌الدوله تبریزی ۳/ ۱۶۱
 مهدی خان صلحی منتظم‌الحکماء ۵/ ۲۹۵
 مهدی خدیو گیلانی ۲/ ۳۲۱
 مهدی دبیری ۳/ ۲۱
 مهدی درخشان ۳/ ۲۳
 مهدی دهجی ۳/ ۵۰
 مهدی رازی ۵/ ۳۱۷
 مهدی رامین تهرانی ۳/ ۸۶
 مهدی زاوه‌ای یزدی ۳/ ۱۵۰
 مهدی زنجانی ۳/ ۱۷۲
 مهدی ساعت ساز ۵/ ۳۱۷
 مهدی شریعت اصفهانی ۳/ ۳۱۰
 مهدی شریف شیرازی ۵/ ۳۰۸
 مهدی شعوری تبریزی ۳/ ۳۲۰
 مهدی صابر شیرازی ۴/ ۲
 مهدی صدر شهرستانی ۵/ ۳۱۷
 مهدی صدیق دفتر فره‌پور ۴/ ۲۸۸
 مهدی طباطبایی ۴/ ۹۳
 مهدی غضنفری، ۲۳۵
 مهدی فاطمی توفان قمی ۲/ ۱۶۴
 مهدی فروغ ۴/ ۲۷۵
 مهدی فروغ ۴/ ۲۸۴
 مهدی قدسی ۴/ ۳۴۲
 مهدی قزوینی کاظمی ۴/ ۳۵۵
 مهدی قلم یزدی ۴/ ۳۶۴
 مهدیقلی افسر کرمانی ۱/ ۲۷۳
 مهدی قلی بیگ گرامی کاشانی ۵/ ۷۳
 مهدیقلی ترکمانی اصفهانی ۲/ ۱۴۶
 مهدیقلی خان هدایت مخبرالسلطنه ۵/ ۱۹۸
 مهدیقلی سلطان افشار ۳/ ۲۳۳
 مهدیقلی وفای اشرفی ۶/ ۱۱۲
 مهدی قمی ۵/ ۳۱۷
 مهدی کاشی ساز ۵/ ۳۱۷
 مهدی کماری ۵/ ۵۱
 مهدی مایل شیرازی ۵/ ۱۲۲
 مهدی/محمد مهدی نثار گرمودی آذربایجانی ۶/ ۲۰
 مهدی/محمد مهدی نراقی ۶/ ۳۳
 مهدی مذهب ۵/ ۳۳۲
 مهدی مصور ۵/ ۳۱۸
 مهدی مفتاح ۵/ ۲۷۴
 مهدی ملک زاده ۵/ ۲۸۷
 مهدی منشی خویی ۲/ ۳۵۰
 مهدی منشی نوایی شیرازی ۶/ ۶۷
 مهدی ناصری فسایی ۶/ ۱۱
 مهدی ناظم شیرازی ۶/ ۱۴
 مهدی ناظمی ۶/ ۱۵
 مهدی نقاشباشی مصور الملک ۵/ ۲۵۶
 مهدی نقاش شیرازی ۵/ ۳۲۳
 مهدی نوایی اصفهانی ۶/ ۶۵
 مهدی نیرخان شیرازی ایزدی ۱/ ۳۲۵
 مهدی واثق نجفی ۶/ ۹۳
 مهدی هروی ۶/ ۱۳۶
 مهرانغ جهانبانی ۲/ ۲۱۷
 مهر النساء مهری هروی ۵/ ۳۲۰
 مهربان خانی نرسی آبادی ۲/ ۳۱۶
 مهربان شهریار سروش وفادار ۳/ ۱۵۳
 مهرتاج بدرالدجی رخشان تهرانی ۳/ ۹۷
 مهرعلی ۵/ ۳۱۹
 مهر علی مهری خویی زنوزی ۵/ ۳۱۹
 مهر علی نقاشباشی ۵/ ۳۱۹
 مهر نرسی ۵/ ۳۱۹
 مهری آهی ۱/ ۷۷
 مهستی گنجوی ۵/ ۳۲۰
 مهیار دبلمی ۵/ ۳۲۲
 میخائیل ابن ماسویه ۱/ ۱۳۷
 میر حسینی ۵/ ۳۲۴
 میرزا ۵/ ۳۲۶
 میرزا آقا اصفهانی ۵/ ۳۲۷
 میرزا آقا افشار صاحب قلم ارومیه‌ای ۴/ ۸
 میرزا آقاخان کرمانی ۵/ ۳۲۷
 میرزا آفاسی عامی کاشانی ۴/ ۱۳۹
 میرزا آقا شیرازی ۵/ ۳۲۷
 میرزا آقا صنعت شیرازی ۴/ ۵۸
 میرزا آقا کمره‌ای ۵/ ۳۲۸
 میرزا آقای زنجانی ۵/ ۳۲۷
 میرزا بابا امامی اصفهانی ۱/ ۲۹۲
 میرزا بابا نقاشباشی شیرازی ۵/ ۳۲۸

- میرزا بیگ سپهری زواره‌ای ۲۰۵/۳
میرزا جان شیرازی ۳۷۷/۳
میرزا جانی تبریزی ۳۲۹/۵
میرزا جانی خاکی شیرازی ۳۱۱/۲
میرزا جانی شیرازی ۳۲۹/۵
میرزا رضا ۳۳۰/۵
میرزا عسکری شرر خراسانی ۳۰۵/۳
میر سدید زاری ۳۳۴/۵
میر عبدل شحنة کاشانی ۳۰۴/۳
میرعرب بدیهی شهری سیستانی ۳۶/۲
میرعلی سلطانی هروی ۲۴۴/۳
میر قرشی ۳۳۹/۵
میرک حسین یزدی ۳۳۹/۵
میرک خان میرکی بلخی ۳۴۰/۵
میر کرمانی ۳۳۹/۵
میرک هروی ۳۴۰/۵
میرکی شیرازی ۳۷۴/۳
میرکی شیرازی ۳۴۰/۵
میرم بیگ صبحی همدانی ۲۴/۴
میر محمد طاهر ۳۴۱/۵
میر محمود بن میر علی ۳۳۲/۵
میرم سیاه هروی ۳۴۲/۵
میمنون نسفی ۳۶/۶
مؤدب علی فالی خوزستانی ۲۵۸/۴
مؤمن زکی ۳۱۲/۵
مؤمن کاشانی ۳۱۲/۵
مؤمن گنابادی ۳۱۲/۵
مؤمن محمد خویی ۳۱۲/۵
مؤمن نصرآبادی ۳۱۲/۵
مؤمن نعمت تبریزی ۵۸/۶
مؤید الدین مؤید نسفی ۳۱۴/۵
مؤید بن عمر ابن مظفر شیرازی ۱۴۱/۱
مؤید بن محمد طوسی ۱۱۶/۴
مؤید مهنه‌ای ۳۱۴/۵
ناجی لاهیجی ۱/۶
نادر آراسته ۲۲/۱
نادر شرقی ۳۰۸/۳
نادر شیرازی ۲/۶
نادر میرزای قاجار ۳/۶
نادره بانو ۳/۶
- نادری سمرقندی ۳/۶
نادری مروزی ۴/۶
نادری مشهدی ۴/۶
نادعلی خرم اصفهانی ۳۲۴/۲
نازکی استرآبادی ۴/۶
نازکی تبریزی ۵/۶
نازکی نهاوندی ۵/۶
ناصر بن ظفر جرفادقانی ۱۸۹/۲
ناصر ناطق تبریزی ۱۲/۶
ناصرالدین تاج الشریعه غزنوی ۲۳۴/۴
ناصرالدین حسین ابن بی‌بی منجمه ۹۸/۱
ناصرالدین سالار شیرازی ۱۹۲/۳
ناصرالدین شاه قاجار ۹/۶
ناصرالدین علی ۹/۶
ناصرالدین مظفری خوارزمی ۲۵۷/۵
ناصرالدین منشی یزدی کرمانی ۱۰/۶
ناصر بخارایی ۷/۶
ناصر بن حسین دیلمی ۵۴/۳
ناصر حسین ۷/۶
ناصر خسرو قبادیانی بلخی مروزی ۸/۶
ناصر دولت‌آبادی ۴۸/۳
ناصرزادآبادی ۱۵۵/۳
ناصر شمس کافرک غزنوی ۲۱/۵
ناصر قلیخان منظم الملک بختیاری ۳۰۱/۵
ناصر کاتب ۱۰/۶
ناصر گیتی ۸۹/۵
ناصر مذهب ۱۰/۶
ناصر نسوی ۱۰/۶
ناصر نظمی تهرانی ۵۶/۶
ناصر نیشابوری ۸۷/۶
ناطق زرقانی ۱۲/۶
ناطق قهبایی اصفهانی ۱۲/۶
ناطق استرآبادی ۱۲/۶
ناظری مشهدی ۱۳/۶
ناظم فیروزآبادی میبدی یزدی ۱۵/۶
نافع قمی ۱۶/۶
ناکام بخارایی ۱۶/۶
نامی اردوبادی ۱۶/۶
نامی تبریزی ۱۷/۶
نایب اسدالله اصفهانی ۱۸/۶

- نصراشه بهار شیروانی ۷۹/۲
 نصراشه بیضایی ۱۰۶/۲
 نصراشه بیک دیده تبریزی ۵۴/۳
 نصراشه بیگ توفیق کلهر کرمانشاهی ۱۶۴/۲
 نصراشه تربتی ۱۴۴/۲
 نصراشه تفرشی ۴۲/۶
 نصراشه تقوی ۱۵۲/۲
 نصراشه حکاک ۴۲/۶
 نصراشه خوافی ۳۴۳/۲
 نصراشه دبیرالملک شیرازی ۴۲/۶
 نصراشه دیبا ۹/۶
 نصراشه رویانی کجوری بخاری ۱۴۱/۳
 نصراشه زرین پنجه ۱۵۹/۳
 نصراشه سیف‌پور فاطمی نایینی ۲۷۸/۳
 نصراشه شبستری ۳۰۱/۳
 نصراشه شهاب اصفهانی ۳۴۷/۳
 نصراشه شیفته مازندرانی ۳۸۰/۳
 نصراشه صدرالممالک نصرت اردبیلی ۴۳/۶
 نصراشه فارسی شیرازی ۲۰۵/۵
 نصراشه فاریان ۲۵۳/۴
 نصراشه فدایی اصفهانی ۲۷۱/۴
 نصراشه فلسفی ۳۰۴/۴
 نصراشه قاجار ۴۲/۶
 نصراشه مستنبط تبریزی ۲۳۰/۵
 نصراشه ملک المتکلمین ۲۸۹/۵
 نصراشه منشی ۴۲/۶
 نصراشه میرزا جدایی انشار ۱۸۶/۲
 نصراشه مین باشیان ۳۴۴/۵
 نصراشه همدانی آخوند نصر ۱۴/۱
 نصراشه مظفر ۴۴/۶
 نصر بن احمد سمرقندی ۲۵۱/۳
 نصر بن محمد طوسی ۱۱۵/۴
 نصر بن هبة‌الله زنجان ۱۷۴/۳
 نصر بن یعقوب دینوری ۵۸/۳
 نصرت‌الدین میرزا سالارالسلطنه ۱۹۲/۳
 نصرت‌الله اربابی ۲۲۵/۱
 نصرت‌الله باستان ۹/۲
 نصرت‌الله کاسمی ساروی ۷/۵
 نصرت‌الله نصیری سمنانی ۴۸/۶
 نصر عزیزی ۱۷۷/۴
 نبی تهرانی رازی ۲۲۹/۴
 نبی خان قاجار ۲۰/۶
 نبی شیدای نهاوندی ۳۷۲/۳
 نبی علاقه بند شیرازی ۲۱۱/۳
 نثاری تبریزی ۲۱/۶
 نثاری تونی ۲۱/۶
 نثری گیلانی ۲۱/۶
 نجاتی تبریزی ۲۲/۶
 نجاتی گیلانی ۲۲/۶
 نجدی میر عبدالوهاب ۲۳/۶
 نجف آشنای نهاوندی ۳۷/۱
 نجفعلی دانش تبریزی ۱۱/۳
 نجف علی نقاشباشی ۵۶/۱
 نجفعلی همد شيرازی ۱۴۹/۶
 نجفعلی بیگ خرم شیرازی ۳۲۵/۲
 نجفعلی خان زنگنه ۲۳/۶
 نجف قلی میرزا آقا سردار ۵۰/۱
 نجفعلی میرزا والی قاجار ۱۰۱/۶
 نجفعلی ولی بختیاری ۱۰۰/۶
 نجم الحاجیه هوشمند راد شیرازی ۱۵۱/۶
 نجم الدین جزایری ۱۹۰/۲
 نجم الدین حسینی ۲۷/۶
 نجم الدین دایه رازی ۲۶/۶
 نجم الدین/شیخ نجم یعقوبی ساوجب ۱۶۱/۶
 نجم‌الدین طارمی ۸۰/۴
 نجم‌الدین کوکی ۲۸/۶
 نجم‌الدین مسعود هروی ۲۳۵/۵
 نجم مسعود یعقوبی ۲۸/۶
 نجیب‌الدین گلپایگانی ۳۰/۶
 نجیبای استرآبادی ۲۹/۶
 نجیبای اصفهانی ۲۹/۶
 نخجوانی تبریزی ۳۱/۶
 نخلی بخارایی ۳۱/۶
 ندر آگاه نسفی ۵۹/۱
 نسبت نیریزی ۳۵/۶
 نسبتی مشهدی ۳۶/۶
 نصراشه ۴۲/۶
 نصراشه آبانی تهرانی ۲/۱
 نصراشه امامی اصفهانی ۲۹۲/۱
 نصراشه اهوره‌هوش شیرازی ۳۲۱/۱

- نصر هروی ۱۳۵/۶
 نصره الملوك / نصرت کشمیری زاده شیرازی ۴۲/۵
 نصیب قزوینی ۴۴/۶
 نصیرالدین سامی قزوینی ۱۹۸/۳
 نصیرالدین محمد طوسی ۴۵/۶
 نصیرالدین محمد مذهب ۴۵/۶
 نصیرا مشتاق تویسرکانی ۲۴۱/۵
 نصیر کاتب شیرازی اصفهانی ۴۷/۶
 نصیر منشی نیشابوری ۴۷/۶
 نصیر نایینی ۴۷/۶
 نصر ابن شمیل مروزی ۱۲۰/۱
 نطقی تبریزی ۴۸/۶
 نظام اصفهانی ۴۸/۶
 نظام الدین احمد اسکویی ۴۸/۶
 نظام الدین احمد دشتکی شیرازی ۳۷/۳
 نظام الدین احمد سهیلی جغتایی ۲۶۵/۳
 نظام الدین اردبیلی ۵۰/۶
 نظام الدین استرآبادی ۲۳۶/۱
 نظام الدین بن رضی نقاش ۵۰/۶
 نظام الدین خاموش ۳۱۳/۲
 نظام الدین دستغیب شیرازی ۴۹/۶
 نظام الدین عبدالحی حسینی جرجانی اشرفی استرآبادی ۲۵۸/۱
 نظام الدین علی سیاقی فارسی ۲۶۹/۳
 نظام الدین غفاری مهندس الممالک کاشانی ۳۲۲/۵
 نظام الدین هاشمی کاشانی ۱۲۵/۶
 نظاماناطم شیرازی ۱۴/۶
 نظام بخارایی ۴۹/۶
 نظام بتدگیر تبریزی ۴۹/۶
 نظام بن یقینی ۴۹/۶
 نظام خوانساری ۴۹/۶
 نظام وفا کاشانی ۵۳/۶
 نظر علی بیگ ۵۵/۶
 نظر علی طالقانی ۸۶/۴
 نظر علی کرمانی ۳۴/۵
 نظمی بلخی ۵۵/۶
 نظیر مشهدی ۵۶/۶
 نظیری قمی ۵۶/۶
 نعمت الله بن محمد بواب ۵۷/۶
 نعمت الله جزایری شوشتری ۱۹۴/۲
 نعمت الله حجتار ۵۷/۶
 نعمت الله خان اتابکی ۱۹۶/۱
 نعمت الله خسروانی اصفهانی ۳۲۶/۲
 نعمت الله دامغانی ۸/۳
 نعمت الله ذکایی بیضایی ۶۳/۳
 نعمت الله فکرت لاریجانی ۳۰۲/۴
 نعمت الله کیهانی ۷۱/۵
 نعمت الله مشهدی ۵۷/۶
 نعمت الله نیشابوری شریف ۵۸/۶
 نعمت الله وعلی شیرازی ۱۱۲/۶
 نعمت گنابادی ۵۸/۶
 نعمتی کاشانی ۵۸/۶
 نعمه الله جزایری ۱۹۰/۲
 نعیم ۵۸/۶
 نعیم الدین کاتب شیرازی ۵۹/۶
 نعیمای شیرازی ۵۸/۶
 نعیمای قمی ۵۸/۶
 نعیم سدهی اصفهانی ۲۱۲/۳
 نعیم مروزی ۲۲۳/۵
 نفیس کرمانی ۶۰/۶
 نقدی بیگ ۶۱/۶
 نقی / نقی میلانی ۳۳۳
 نقی حسرت سنجی ۲۶۱/۲
 نکبت سمرقندی ۶۳/۶
 نکبته شیرازی ۶۳/۶
 نکبسا ۶۳/۶
 نگاهی هروی ۶۴/۶
 نوازش خان راز اصفهانی ۷۱/۳
 نوح بن علی ۶۹/۶
 نورا اصفهانی ۷۰/۶
 نورافرع سیاره معینی ۲۶۷/۳
 نورالامع همدانی ۹۵/۵
 نورالدین بصیر سمرقندی ۶۲/۲
 نورالدین بن سلطان محمد ۷۱/۶
 نورالدین جزایری شوشتری ۱۹۴/۲
 نورالدین حسینی شیرازی ۷۱/۶
 نورالدین حمزه بن علی ملک اسفراینی آذری طوسی ۲۱/۱
 نورالدین رفیع ۱۲۱/۳
 نورالدین / اسدالدین محمد عوفی ۲۲۲/۴
 نورالدین علایی ۱۹۳/۴
 نورالدین علی قاری هروی ۳۲۰/۴

- نورالدین محمد جزایری ۱۹۰/۲
 نورالدین محمد شارق ۲۸۳/۳
 نورالدین محمد ظهوری ترشیزی ۱۲۶/۴
 نورالدین محمد قاضی نوری اصفهانی ۳۳۴/۴
 نورالدین محمد قراری گیلانی ۳۴۵/۴
 نورالدین محمد لاهیجی ۷۱/۶
 نورالله ۷۰/۶
 نورالله انسی ساوجی ۳۱۰/۱
 نورالله دانشور علوی ۱۴/۳
 نورالله دهقان ۵۰/۳
 نورالله رازی ۷۸/۳
 نورالله ضیای اصفهانی ۷۶/۴
 نورالله عمان سامانی چهارمحالی ۲۱۶/۴
 نورالله همدانی ۷۰/۶
 نورالهدی منگنه ۷۲/۶
 نورانجیب کاشانی ۳۰/۶
 نورعلی برومند ۵۰/۲
 نورعلی قاطع ۷۲/۶
 نوروز شاه بهاری کازرونی ۸۱/۲
 نوروز علی عازم زنجان ۱۳۴/۴
 نوروز علی فاضل بظامی ۲۵۴/۴
 نوری فتوی هروی ۲۶۵/۴
 نوری هروی ۷۵/۶
 نوری یزدی ۷۵/۶
 نوش زند ۷۵/۶
 نوعی اصفهانی ۷۵/۶
 نویدی تربتی ۷۷/۶
 نویدی گیلانی ۷۷/۶
 نویدی نیشابوری ۷۷/۶
 نهانی شیرازی ۷۷/۶
 نهانی کرمانی ۷۷/۶
 نیاززی حجازی ۸۰/۶
 نیره سعیدی ۲۲۸/۳
 نیکنج صبری ۲۴/۴
 واثق رشتی ۹۳/۶
 واثقی نیشابوری ۹۴/۶
 وارثی اردبیلی ۹۵/۶
 واصب قندهاری ۹۵/۶
 واصلی بخارایی ۹۶/۶
 واصلی تبریزی ۹۶/۶
 وافی تبریزی ۹۸/۶
 وجهی تفرشی ۱۰۲/۶
 وجهالدین نسف شانی تکلو ۲۸۵/۳
 وجهالدین وجهی هروی ۱۰۳/۶
 وحشتی جوشقانی کاشانی ۱۰۳/۶
 وحیدی تبریزی ۱۰۶/۶
 وصفی ۱۱۱/۶
 وصفی هروی ۱۱۱/۶
 وصلی خوانساری ۱۱۱/۶
 وفا وفاهی هروی ۱۱۵/۶
 وفایی اصفهانی ۱۱۴/۶
 وقوفی هروی ۱۱۶/۶
 ولایت الله گلپایگانی ۱۱۷/۶
 ولی استرآبادی ۱۱۸/۶
 ولی الله آخوند همدانی ۱۵/۱
 ولی الله آقا لر آذربایجانی ۵۴/۱
 ولی الله سراپی ۲۱۴/۳
 ولی جان قاسم تبریزی ۱۱۸/۶
 ولی حسینی ۱۱۸/۶
 ولی قلندر ولی هروی ۱۱۹/۶
 ولی گیلانی ۱۱۹/۶
 ولی مصور ۱۱۹/۶
 وهاب شیرازی ۱۱۹/۶
 وهب بن منبه ۱۲۰/۶
 وهسودان بن دشمن زیار دیلمی ۵۵/۳
 ویجن بن رستم ابوسهل کوهی ۱۶۸/۱
 ویکتوریا افسرده اصفهانی ۲۷۳/۱
 هادی ۱۲۳/۶
 هادی آگه ۵۹/۱
 هادی ابرقویی ۱۲۳/۶
 هادی اصفهانی ۱۲۳/۶
 هادی امین ۳۰۳/۱
 هادی بیدل فسایی ۱۰۰/۲
 هادی بیگ شایق لرستانی ۲۹۹/۳
 هادی تجویدی ۱۴۲/۲
 هادی تهرانی ۱۶۸/۲
 هادی حابری ۲۴۴/۲
 هادی حابری مازندرانی ۲۴۶/۲
 هادی رنجی تهرانی ۱۲۸/۳
 هادی سبزواری ۲۰۰/۳

- هادی سیاح سپانلو ۲۶۷/۳
 هادی عامری الحسینی ۱۳۸/۴
 هادی/محمد هادی هادوی بیرجندی ۱۲۲/۶
 هادی نجم‌آبادی ۲۵/۶
 هادی هادی شهرستانی ۱۲۳/۶
 هارتیون تریاکیان ۱۴۸/۲
 هارون بن حسن طبری ۱۰۰/۴
 هارون بن معروف ابوعلی مروزی ۲۲۴/۵
 هارون شفیعی اردبیلی ۳۲۵/۳
 هارون هارون جوینی ۱۲۴/۶
 هاشم ۱۲۴/۶
 هاشم آشتیانی ۳۵/۱
 هاشم آل بحر العلوم ۶۴/۱
 هاشم آملی ۷۲/۱
 هاشم ادیب شیرازی ۲۲۰/۱
 هاشم امین الدوله ۳۰۵/۱
 هاشم بن سلیمان کتکانی بحرانی ۲۳/۲
 هاشم بهروش روشن اصفهانی ۱۳۸/۳
 هاشم حسینی امامی اصفهانی ۲۹۰/۱
 هاشم خرم اصفهانی ۳۲۴/۲
 هاشم دل‌آرتمانی ۴۱/۳
 هاشم سیاره شهرضایی ۲۶۷/۳
 هاشم طویلی ۱۱۴/۴
 هاشم قرباغی ۱۲۴/۶
 هاشم لثی خراسانی ۱۱۰/۵
 هاشم مذهب ۱۲۴/۶
 هاشم هاشمی بخارایی ۱۲۵/۶
 هامبارسون ۱۲۶/۶
 هایده مالک ۱۱۶/۵
 هبة‌الله شاه میرحسینی ۲۹۷/۳
 هبة‌الله کاشانی ۱۲۶/۶
 هبة‌الله لالکائی ۹۵/۵
 هجری جامی ۱۲۸/۶
 هجیم آملی طبرستانی ۱۲۸/۶
 هدایت‌الله / آقا هدایت وزیر دفتر آشتیانی ۳۵/۱
 هدایت‌الله اصفهانی ۱۳۰/۶
 هدایت‌الله حاجی مجتهد برغانی ۲۳۱/۲
 هدایت‌الله دستغیب شیرازی ۳۵/۳
 هدایت‌الله روشن نوری ۱۳۸/۳
 هدایت‌الله سهراب ۲۶۱/۳
 هدایت‌الله شیرازی ۱۳۰/۶
 هدایت‌الله فلسفی شیرازی ۱۳۰/۶
 هدایت‌الله کاتب ۱۳۰/۶
 هدایت‌الله لسان‌الملک کاشی ۹۹/۵
 هدایت‌الله وحید گلپایگانی ۱۰۵/۶
 هدایت حاتم کاشی ۲۲۷/۲
 هدایت حسین هدایت نایینی ۱۳۱/۶
 هدایة‌الله مشهدی ۲۴۸/۵
 هشام کربنایی ۳۵/۵
 هلاکی همدانی ۱۴۰/۶
 هما ناخنی ۱۴۲/۶
 همایون سلطان خانم عفت فاجار ۱۸۸/۴
 همایون همایون فاجار ۱۴۴/۶
 همت سیستانی ۱۴۶/۶
 هندوشاه هندوشاه نخجوانی ۱۵۰/۶
 هوایی مشهدی ۱۵۰/۶
 هوشنگ سارنگ ۱۸۸/۳
 هوشی سنغری دینوری ۱۵۱/۶
 هیبت‌الله حاتم کاشی ۴/۲
 هیبت‌الله نوایی بافقی ۶۵/۶
 هیشم بن خارجه خراسانی مروردی ۲۱۹/۵
 یاراحمد رشیدای عباسی ۱۰۵/۳
 یارعلی خیری ۳۵۳/۲
 یار علی شیرازی ۱۵۳/۶
 یاری بخاری ۱۵۴/۶
 یاری مذهب هروی ۱۵۴/۶
 یحیی آدین پور ۲۵/۱
 یحیی ابن ابی شکر ۸۹/۱
 یحیی ابن مظفر شیرازی ۱۴۲/۱
 یحیی ابن معین شیرازی ۱۴۴/۱
 یحیی ابوالحسن ثالث ۱۵۸/۱
 یحیی ادیب الخطاطین اصفهانی ۲۱۸/۱
 یحیی امام جمعه خویی ۲۸۶/۱
 یحیی اول ۱۵۶/۶
 یحیی بن جعفر نکبونی ۶۲/۶
 یحیی بن حبش سهروردی ۲۶۲/۳
 یحیی بن محمد عنبری نیشابوری ۲۱۹/۴
 یحیی بن معاذ رازی ۷۳/۳
 یحیی بن ناصر ۱۵۶/۶
 یحیی پویا ۱۲۵/۲

- یحیی تقوی ۱۵۳/۲
 یحیی حاتمى ۱۵۶/۶
 یحیی دولت‌آبادی ۴۸/۳
 یحیی دولتشاهی ۴۹/۳
 یحیی دوم ۱۵۶/۶
 یحیی رقتی اصفهانی ۱۲۵/۳
 یحیی زرین‌پنجه ۱۵۹/۳
 یحیی سمیعیان ریحان ۱۴۷/۳
 یحیی سبیک نیشابوری ۲۷۰/۳
 یحیی شهردار ۳۵۲/۳
 یحیی طالب گیلانی ۸۲/۴
 یحیی عبادی طالقانی ۱۴۰/۴
 یحیی فاضل همدانی ۲۵۶/۴
 یحیی فدایی یزدی ۲۷۲/۴
 یحیی قاضی لاهیجانی گیلانی ۳۳۲/۴
 یحیی قزوینی ۱۵۶/۶
 یحیی کاشی ۱۶/۵
 یحیی گنجی ۸۱/۵
 یحیی مدرس بیدآبادی اصفهانی ۲۰۲/۵
 یحیی مزکی نیشابوری ۲۲۷/۵
 یحیی مهدوی ۳۱۶/۵
 یحیی نیشابوری ۸۴/۶
 یحیی یحیای سبزواری ۱۵۵/۶
 یحیی یحیای قمی ۱۵۵/۶
 یحیی یحیای کاشی ۱۵۵/۶
 یحیی یحیای گیلانی ۱۵۵/۶
 بدالله سحابی ۲۱۰/۳
 بدالله شیرازی ۱۵۶/۶
 بدالله غروی تبریزی ۲۳۱/۴
 بدالله مایل توسرکانی ۱۲۲/۵
 بدالله میرزا شاه یدى ۲۹۸/۳
 یزدان‌بخش قهرمان خراسانی ۳۷۵/۴
 یعقوب اردبیلی ۱۶۰/۶
 یعقوب بن احمد صیرفی نیشابوری ۶۸/۴
 یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم ۱۷۸/۱
 یعقوب بن سفیان فسوی فارسی ۲۹۴/۴
 یعقوب بن عبدالله بن سعد اشعری قمی ۲۵۹/۱
 یعقوب بیگ آق قویونلو ۱۶۰/۶
 یعقوب چرخى نقشبندی ۱۶۱/۶
 یعقوب زندجانی ۱۶۸/۳
 یعقوب زنگنه ۱۶۱/۶
 یعقوب سراج حسنی قطنانی ۲۱۵/۳
 یعقوب ناهید همدانی ۱۸/۶
 یعقوب نیشابوری ۸۹/۶
 یقینی شروانی ۱۶۲/۶
 یمینی سمنانی ۱۶۳/۶
 یوحنا ابن ماسویه ۱۳۶/۱
 یوسف ۱۶۴/۶
 یوسف آزاد ۱۶۴/۶
 یوسف آل عصفور ۶۸/۱
 یوسف ابن مجاور شیرازی ۱۳۸/۱
 یوسف اخوت ۲۱۴/۱
 یوسف ارومی ۱۶۵/۶
 یوسف اصفهانی ۱۶۵/۶
 یوسف اعتصام الملک آشتیانی ۲۶۷/۱
 یوسف انیس نهاوندی ۳۱۵/۱
 یوسف اهلی ترشیزی ۳۲۰/۱
 یوسف باقری بنابی ۱۵/۲
 یوسف بختیاری ۱۶۵/۶
 یوسف بخشی خوانساری ۲۷/۲
 یوسف بدیعی اندجانی ۳۶/۲
 یوسف برهان جامی ۵۲/۲
 یوسف بن احمد دینوری ۵۸/۳
 یوسف بن حاجی جیلانی ۱۶۵/۶
 یوسف بن حسن خارزنجی نیشابوری ۳۰۸/۲
 یوسف بن حسن سیرافی ۲۷۵/۳
 یوسف بن حسین رازی ۷۵/۳
 یوسف بن عبدالله زجاجی گرگانی ۱۵۴/۳
 یوسف بن علی ۱۶۵/۶
 یوسف بن قاسم حلاج اوبهی ۲۹۲/۲
 یوسف بن محمد چشتی ۲۲۳/۲
 یوسف بن محمد سرخسی ۲۱۶/۳
 یوسف بن محمود رازی تهرانی ۷۹/۳
 یوسف بوزنجردی ۱۹۴/۱
 یوسف بیارجمندی خاخورینی خراسانی ۹۶/۲
 یوسف بیگ توشمال ختایی ۳۱۹/۲
 یوسف تبریزی ۱۶۶/۶
 یوسف تربتی خراسانی ۱۴۵/۲
 یوسف جویباری ۱۶۶/۶
 یوسف حدائق شیرازی ۲۵۶/۲

- | | |
|----------------------------------|-------------------------------|
| یوسف کوسه قراباغی محمد شاهی ۶۱/۵ | یوسف خان صفایی ۴۸/۴ |
| یوسف گرجی ۱۶۷/۶ | یوسف راغب اردبیلی ۸۲/۳ |
| یوسف مجتهد تبریزی ۱۲۸/۵ | یوسف رحمانیان عماد ۲۱۲/۴ |
| یوسف مجدی ۱۶۷/۶ | یوسف ریشارخان ۱۴۸/۳ |
| یوسف/محمد یوسف والهی قمی ۱۰۰/۶ | یوسف شاملو ۱۶۶/۶ |
| یوسف مذهب ۱۶۷/۶ | یوسف شاه هروی ۱۶۶/۶ |
| یوسف مذهب باشی شیوازی ۱۶۷/۶ | یوسف شمس‌الافاضل ترشیزی ۳۳۱/۳ |
| یوسف مستشار الدوله تبریزی ۲۲۸/۵ | یوسف شیبانی ۱۳۸/۱ |
| یوسف مشهدی ۱۶۸/۶ | یوسف طبیب ۱۶۶/۶ |
| یوسف مهران فارسی مکی ۱۶۸/۶ | یوسف طرب همدانی ۱۰۸/۴ |
| یوسف مهروانی همدانی ۳۱۹/۵ | یوسف عزیز لاهیجی ۱۷۷/۴ |
| یوسف یوسف لاری ۱۶۷/۶ | یوسف علی ۱۶۷/۶ |
| یوسف یوسفی خوافی ۱۶۸/۶ | یوسف علی سبز مشهدی ۱۶۷/۶ |
| یولقی بیگ انیسی شاملو هروی ۳۱۶/۱ | یوسف غباری ۱۶۷/۶ |
| یونس صدرالدین حسینی ۳۴/۴ | یوسف غزنوی ۱۶۷/۶ |
| یونس موسوی اردبیلی ۲۲۶/۱ | یوسف فروتن ۲۸۳/۴ |
| | یوسف کرمانی ۱۶۷/۶ |





مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

Athar Âfarînân

**Biographies of well-known
Cultural Personalities of Iran**

From the Beginning up to 1300 A.H. (1921 A.D.)

Volum 6

Nâtel Khânlarî - Yûsufî Hiravî



Second Edition

**Under the supervision of
Mohammad Rezâ Nasîrî**



**Society for the Appreciation of
Cultural Works and Dignitaries
Tehran 2005**